حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا)

غلامرضا عزیزی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

عزیزی، غلامرضا، ۱۳۴۵
حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا)
تألیف: غلامرضا عزیزی
تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۷۷۲ ص.ـ (مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ ۳۲۲. اسناد ۲۸)
ISBN 964- 419- 030- 0 :۵۷۰۰۰ ریال
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص ۷۰۹ - ۷۲۲؛ همچنین به صورت زیرنویس؛
۱ـ حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران
۲ـ حزب‌های سیاسی - تاریخ - اسناد و مدارک
۳ـ سوسیالیسم - ایران ـ تاریخ ـ اسناد و مدارک.
۴ـ ایران ـ سیاست و حکومت ـ ۱۳۲۰ ـ ۱۳۳۲.
الف. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. ب. عنوان
۴ع۹س/ DSR۱۵۳۵ ۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵۲
کتابخانه ملی ایران ۸۳ـ۳۶۴۸۹م

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

(سومکا)

انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عنوان: حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران(سومکا)

تدوین: غلامرضا عزیزی

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۸۳

شمارگان: ۲۰۰۰ **قیمت:** ۵۷۰۰ تومان

حروف‌چینی و لیتوگرافی: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: ۰-۰۳۰-۴۱۹-۹۶۴

ISBN: 964- 419- 030- 0

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبروی پمپ‌بنزین اسدی، پلاک ۲۰۹۴،

مرکز اسناد انقلاب اسلامی. صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶ تلفن: ۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس: ۲۲۱۱۱۷۴

www.irdc.org

فهرست مطالب

مقدمه ۱۱
پیش‌گفتار ۱۳
هدف و اهمیت موضوع ۱۴
سابقه‌ی پژوهشی ۱۴
موضوع و محتوا (سازماندهی پژوهش) ۱۶
معرفی اسناد و مدارک، محدوده‌ی زمانی ۱۷
روش کار ۱۹
مشکلات کار ۲۰

بخش اول
کلیات ۲۳
حزب ۲۵
ناسیونالیسم ۲۶
ملت ۲۸
الف) نظریه‌ی غیرارادی ۲۸
۱ـ نژاد ۲۹
۲ـ عامل جغرافیایی ۲۹
۳ـ زبان ۳۰
۴ـ مذهب ۳۰
ب) نظریه‌ی ارادی ملت ۳۱
ج) مکتب ارتباطی ۳۲
نازیسم ۳۲
فاشیسم ۳۳
فصل اول
زندگی‌نامه‌ی دکتر منشی‌زاده ۳۷

خاندان منشی‌زاده ۳۷
زندگی‌نامه‌ی دکتر منشی‌زاده (تا تأسیس سومکا) ۳۹
فعالیت‌ها و احزاب ناسیونالیستی پیش از سومکا ۴۵

فصل دوم

تاریخچه و عملکرد سومکا ۵۱
تشکیل حزب سومکا ۵۱
انشعاب کادر رهبری سومکا ۶۰
نخستین درگیری سومکا با طرفداران حزب توده ۶۴
سومکا و سی تیر ۶۵
زدوخورد در سینما دیانا ۶۸
حمله به مؤسسه‌های خارجی ۶۹
ادامه‌ی اغتشاش در تهران ۷۱
حمله به مقر حزب سومکا ۷۳
حزب نمکا ۷۵
بازداشت منشی‌زاده ۷۷
سومکا در نهم اسفند و وقایع پس از آن ۸۲
سومکا، توطئه‌ی قتل افشار طوس و کودتا ۸۶
نقش منشی‌زاده در تلاش‌های سرلشکر قرنی برای کودتا ۹۸

فصل سوم

مبانی فکری سومکا ۱۰۵
برنامه حزب ۱۰۵
برنامه حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران ۱۰۷
«سومکا» ۱۰۷
حزب واردانی ۱۱۵
الف) تشابهات ظاهری حزب سومکا با حزب نازی ۱۱۶
۱ـ عنوان ۱۱۶
۲ـ آرایش ظاهری ۱۱۶
۳ـ تشابه در پرچم و نماد ۱۱۷
۴ـ رنگ لباس ۱۱۷
۵ـ سلام حزبی ۱۱۸

ب) تأثیرپذیری ایدئولوژیک ۱۲۰
۱ـ ترجمه‌ی برنامه‌ی حزب نازی ۱۲۱
برنامه حزب سومکا ۱۲۲
برنامه حزب نازی NSDAP ۱۲۲
گسستن زنجیرهای بهره ۱۲۳
۲ـ ضدیت با دموکراسی و نظام پارلمانی ۱۳۱
۳ـ ناسیونالیسم افراطی: ۱۳۲
ـ نژاد ۱۳۳
ـ سرزمین ۱۳۴
ـ مذهب ۱۳۵
ـ زبان ۱۳۵
۴ـ نظام حکومتی ۱۳۵
۵ـ نخبه‌گرایی ۱۳۶
۶ـ قدرت‌پرستی ۱۳۷
۷ـ شباهت‌های دیگر ۱۳۷
دیدگاه‌های سومکا ۱۳۸
سوسیالیسم ملی چیست؟ ۱۳۸
مالکیت خصوصی ۱۳۹
حکومت از دیدگاه سومکا ۱۴۱
سومکا و اسلام ۱۴۳
سومکا و زنان ۱۴۸

فصل چهارم

ساختار و تشکیلات ۱۵۱
اساسنامه ۱۵۱
تشکیلات ۱۵۲
۱ـ گروه جاویدان ۱۵۳
۲ـ گروه حمله ۱۵۳
۳ـ گروه ایران فرزندان ۱۵۳
۴ـ گروه زنان ایران ۱۵۵
۵ـ گروه فنی ۱۵۵

۶ـ فرهنگ سومکا ۱۵۵
۱ـ۶ـ تشکیل کلاس‌های آموزشی ۱۵۵
۲ـ۶ـ انتشارات ۱۵۷
الف) کتاب ۱۵۷
ب) نشریات ۱۵۸
پ) مندرجات سومکا ۱۶۱
ت) روش هفته نامه‌ی سومکا ۱۶۳
ث) انتشارات دیگر سومکا ۱۶۴
۳ـ۶ـ خط سومکا ۱۶۵
جمعیت‌ها و سندیکاهای وابسته به سومکا ۱۶۶
پایگاه‌های شهرستانی حزب سومکا ۱۶۷
تأمین هزینه‌های حزب سومکا ۱۶۹
گاهشمار ۱۷۵

بخش دوم
اسناد ۱۸۵
فهرست تفصیلی اسناد ۱۸۷
ضمائم ۵۹۷
منابع و مآخذ ۷۰۹
فهرست اعلام ۷۲۳

مقدمه

پس از شهریور ۱۳۲۰ تا زمان تثبیت دیکتاتوری محمدرضا پهلوی در مرداد ۱۳۳۲؛ دورانی در ایران به وجود آمد که فضای سیاسی مناسب را برای فعالیت احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی فراهم کرد. در این میان فعالان سیاسی با بهره‌گیری از فضای موجود، اهداف و آرمان‌های خود را در قالب گروه‌ها، تشکل‌ها و احزاب سیاسی مطرح نمودند. حزب «سوسیالیست ملی کارگران ایران» با عنوان اختصاری «سومکا» از جمله احزابی بود که در چنین جوّ سیاسی متولد گشت و پس از آن به عمر خود ادامه داد و در صحنه‌ی سیاسی کشور آثاری از خود بر جای گذاشت.

جنگ جهانی دوم و درخشش قدرت آلمان ـ پس از شکست و ناکامی در جنگ جهانی اول ـ توجه بسیاری از مردم دنیا را به خود جلب کرد. برخی گروه‌ها و دسته‌ها با شبیه‌سازی در ظاهر و تقلید نشان‌ها و حرکات حزب نازی می‌کوشیدند تا قدرت و عظمتی را که آلمان در رهبری حزب مذکور یافته بود در حزب و سرزمین خود به وجود آورند. داوود منشی‌زاده که در اوج فعالیت‌های هیتلر به آلمان رفته بود، تحت تأثیر اهداف و اقدامات حزب نازی قرار گرفت، با حزب و ارتش آلمان به همکاری پرداخت و در آغاز دهه‌ی ۳۰ به تشکیل حزب سومکا اقدام ورزید.

این حزب با داشتن شیوه‌ای مخصوص در راه رفتن افراد، پوشیدن اونیفورم و لباس یک دست حزبی، داشتن سلام حزبی و تربیت و آموزش افراد برای درگیری‌های احتمالی، داشتن ایدئولوژی حزبی، گونه‌ای متفاوت از عملکرد حزبی را در تاریخ ایران ارائه داد. وجه تمایز دیگر حزب سومکا با سایر احزاب، تمسّک به اندیشه‌های ناسیونالیستی و سوسیالیستی است که به نحوی به منزله‌ی ایدئولوژی حزب پذیرفته

شده بود. حضور سیاسی سومکا و یا اخبار مربوط به آن در وقایع سی تیر و پس از آن تا کودتای بیست و هشتم مرداد سبب شد تا سومکا و زیر مجموعه‌های آن، چون «گروه حمله»، به شکل گسترده‌ای در جامعه مطرح شوند.

نقش سومکا و دیگر احزاب معاصر در شکل‌گیری وقایع کشور سبب شده است تا امروزه بررسی و شناخت آن‌ها در نحوه‌ی طراحی سیاست حکومت پهلوی، مورد توجه دانش‌پژوهان و اهل علم باشد. با عنایت به نقش فعال گروه‌های سیاسی در تاریخ معاصر ایران و این نکته که روشن شدن نقش گروه‌ها و احزاب سیاسی به تبیین تحولات و وقایع سیاسی ایران در دوران معاصر کمک می‌نماید، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، اقدام به چاپ و انتشار تحقیقاتی در این حوزه نموده و اینک نیز کتاب حاضر را به جامعه‌ی علمی ایران تقدیم می‌کند.

اثر مذکور از آن رو که به صورتی دقیق؛ چگونگی شکل‌گیری، عملکرد، ساختار و ایدئولوژی و تأثیرپذیری حزب را از ایدئولوژی و ساختار حزب نازی در آلمان و تعامل با حکومت پهلوی با تکیه بر اسناد، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد، حائز اهمیت و در خور مطالعه است.

در پایان ضمن تشکر از محقق محترم، از جناب آقای سیدمحمدرضا حسینی معاون وقت تدوین تاریخ شفاهی و اسناد، دکتر احمد گل‌محمدی مسؤول وقت بخش تدوین، غلامرضا خسروی و خانم دکتر شهلا بختیاری، مسؤولین بخش تدوین و گروه اسناد و کارشناسان مربوطه، هم‌چنین از زحمات همکاران پرتلاش معاونت محترم انتشارات تقدیر می‌گردد.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیش‌گفتار

با پدیدار گشتن فضای مناسب فعالیت‌های سیاسی در حدفاصل دو رویداد تاریخ معاصر ایران- از شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲- احزاب و گروه‌های بسیاری پا به عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی نهادند. احزابی که از نظر مدت زمان فعالیت، گسترش جغرافیایی، چگونگی و چرایی پدید آمدن و نیز جلب طرفدار و عضو در یک سطح قرار نداشتند. از طرف دیگر به نظر نمی‌رسد که بتوان همه‌ی گروه‌هایی را که در این دوره تحت عنوان حزب فعالیت می‌کردند، در چارچوب فعالیت‌های حزبی جای داد، در واقع بیشتر آن‌ها در قالب‌هایی دیگر؛ همچون گروه، دسته، جمعیت، انجمن، محفل و... می‌گنجند.

از منظری دیگر، تعدد احزاب به وجود آمده در دوره‌ی مورد بحث نشان‌دهنده‌ی گرایش افراد برای دخالت در اوضاع کشور است؛ گرایشی که عواملی چون اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و به تبع آن ورود عناصر بیگانه به کشور، تمایل عمومی برای کسب استقلال- بخصوص در جریان ملی شدن صنعت نفت- و شور و شوق به وجود آمده در بین افراد مختلف جامعه برای رسیدن به جامعه‌ی مطلوب در آن نقش داشته است.

بدیهی است که در این میان، نه تنها جریان‌ها، جناح‌های سیاسی و افراد ذی‌نفوذ داخلی به منظور دستیابی به قدرت در پی تشکیل حزب و گردآوری نیروی طرفدار خود بودند که حتی نیروهای خارجی نیز بر آن بودند تا از فرصت به دست آمده به نفع خویش بهره جویند. به همین منظور تحولات سیاسی ایران را به دقت دنبال کرده، سعی در گماردن عناصر نفوذی یا متمایل به خویش، در رأس این دسته‌بندی‌ها داشتند تا آن‌جا که حتی گفته شده برخی از احزاب شکل‌یافته پس از شهریور ۱۳۲۰، به عنوان

نماینده‌ی منافع بیگانه عمل کرده‌اند.[۱]

از جمله احزابی که در اواخر دوره‌ی مورد بحث در ایران پا به عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی گذاشت حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) بود. حزبی که در اثر حاضر کوشش شده تا ضمن انتشار اسناد مربوط به آن، به مبانی فکری، ساختار و فعالیت‌های آن حزب و نیز فرد شماره‌ی یک آن، داوودمنشی‌زاده اشاره گردد.

هدف و اهمیت موضوع

هدف از این پژوهش، ضمن معرفی حزب سومکا از جنبه‌های چگونگی تشکیل، اهداف، ایدئولوژی، ساختار و عملکرد آن، انتشار اسناد مربوط به حزب و داوود منشی‌زاده می‌باشد.

نه تنها حجم اسناد ارایه شده پیرامون افراطی‌ترین حزب دست‌راستی، که برای نخستین بار ارائه می‌گردد در خور توجه است، بلکه از لحاظ اطلاعات ارایه شده نیز ارزشمند است. از طرف دیگر موضوع مورد بحث نه تنها از جنبه‌ی جامعه‌شناسی سیاسی و نیز جامعه‌شناسی احزاب و تاریخ اندیشه‌ی سیاسی در تاریخ معاصر ایران یک نمونه و الگوی مطالعاتی را ـ که در خور توجه است ـ به محققان عرضه خواهد نمود، بلکه برای شناخت احزاب ناسیونال سوسیال نیز مفید است.

سابقه‌ی پژوهشی

تاکنون موضوع مورد بحث به صورت مستقل (کتاب یا مقاله) مورد بررسی قرار نگرفته است. اطلاعاتی که در خصوص فعالیت‌های سیاسی منشی‌زاده و حزب سومکا در تحقیقات آمده، بسیار مختصر بوده و بیشتر اشاره به فعالیت‌ها و زدوخوردهای «گروه حمله‌ی سومکا» دارد. در چند کتاب نیز که به تازگی در جریان ارائه‌ی پژوهش حاضر منتشر گردیده، اطلاعات بیشتری در این خصوص ارائه شده که متأسفانه اطلاعاتی

---

۱. برای نمونه ر.ک: «***خاستگاه احزاب نخستین در ایران***»، احزاب سیاسی در ایران، ویژه‌نامه‌ی یاد، نشریه‌ی بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ش ۱۴، شماره‌های ۵۳ ـ ۵۶، بهار و تابستان ۱۳۷۸ و پاییز و زمستان ۱۳۷۸، ص ۷۶

نادرست در آن‌ها راه پیدا کرده است. از جمله‌ی این لغزش‌ها می‌توان موارد زیر را برشمرد:

ـ در برخی تحقیقات عنوان حزب به اشتباه «حزب سوسیالیست ملی کشور ایران» خوانده شده است.[۱]

ـ تاریخ خروج منشی‌زاده از ایران، در مواردی به اشتباه سال ۱۳۴۰[۲] ذکرشده، نیز گفته شده که وی از ایران اخراج گردیده[۳] و در مونیخ نشریه‌ی سوگند را منتشر ساخته است.[۴]

ـ گفته شده که دکتر منشی‌زاده «در سال ۱۳۵۶» از مقامات انتظامی «ماهانه ۲۵۰۰ ریال» به عنوان مقرری دریافت می‌کرده است[۵] که ظاهراً خطای چاپی موجب گردیده که سال ۱۳۳۶ به ۱۳۵۶ تغییر یابد.

هم‌چنین بیان‌شده به افراد حزب سومکا، «ایران فرزندان» می‌گفتند[۶] که این مطلب نیز درست نیست، زیرا اعضای حزب یک‌دیگر را با عنوان «هم‌پیمان» خطاب می‌کردند.[۷]

این گونه موارد ـ با اهمیت و کم‌اهمیت ـ اندک نیست که در قسمت‌های مختلف بخش

---

۱. ر.ک: محسن مدیرشانه‌چی، ***احزاب سیاسی ایران*** با مطالعه‌ی موردی نیروی سوم و جامعه‌ی سوسیالیست‌ها، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۷۵، ص ۷۰؛ لولویی، کیوان، ***درآمدی بر تحزب در دهه‌ی بیست، فصلی متفاوت در حزب‌گرایی تاریخ معاصر ایران*** و احزاب سیاسی در ایران، پیشین، ص ۳۴۱

۲. حسین فردوست، ***ظهور و سقوط سلطنت پهلوی***، خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، جلد اول، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۴۱؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی، ***سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک*** (اولین رئیس ساواک)، جلد اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۴ همچنین در اثر زیر به اشتباه عنوان شده که منشی‌زاده در سال ۱۳۳۶ به آلمان بازگشته است؛ محمود تربتی سنجابی، ***قربانیان باور و احزاب سیاسی در ایران***، انتشارات آسیا، تهران ۱۳۷۵، ص ۲۲۵

۳. ر.ک: فصل سوم از اثر حاضر

۴. فردوست، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۱، یادداشت ویراستار. شایان ذکر است که نشریه‌ی سوگند دو سال پیش از خروج منشی‌زاده، در مونیخ توسط ضیاء طبری منتشر می‌شده است.

۵. مرکز بررسی اسناد تاریخی، ***رجال عصر پهلوی، کتاب اول، داریوش همایون به روایت اسناد ساواک***، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران ۱۳۷۸، یادداشت ۱، صص ۷۲-۷۳

۶. تربتی سنجابی، پیشین، ص ۲۲۴، درباره‌ی گروه «ایران فرزندان» بنگرید به فصل پنجم از اثر حاضر

۷. ر.ک: فصل پنجم و هم‌چنین سند شماره‌ی ۶۲ از مجموعه‌ی حاضر

اول اثر حاضر (بخصوص فصل سوم)، به شماری از آنان اشاره گردیده است.

گذشته از نوشته‌های یاد شده، باید به ابهامات موجود در برخی منابع اشاره کرد. از جمله برخی اطلاعات ارائه شده پیرامون این حزب و شخص منشی‌زاده نمی‌تواند راهگشای محققان باشد، زیرا در این گونه موارد به منابعی ارجاع داده شده که در اختیار محققان و علاقه‌مندان به موضوع قرار ندارد؛[۱] از این رو تا زمان انتشار این دسته اسناد، نقد و بررسی آن‌ها ممکن نخواهد بود.

خطاهای موجود، منحصر به منابع هم‌عصر حزب و تحقیقات جدید نمی‌شود. در بین اسناد نیز از این دست اشتباهات به چشم می‌خورد.[۲] در همین جا به این نکته اشاره می‌گردد که اسناد ـ بخصوص گزارش‌ها ـ همیشه حرف آخر را نمی‌زنند. این سخن بدان معنا نیست که اسناد دارای ارزش و اعتبار نیستند، اما این نکته نیز بدیهی است که ارزش و درستی اطلاعات موجود در سند به عنوان یکی از ابزارهای اصلی تحقیق ـ و در مواردی، مهم‌ترین آن‌ها ـ پس از نقد و بررسی سند مشخص می‌گردد. برای نمونه در برخی گزارش‌های موجود، اطلاعات غلط و نیز اطلاعاتی که از شایعه‌های موجود نشأت گرفته‌اند، راه یافته است.[۳]

موضوع و محتوا (سازماندهی پژوهش)

موضوع و محتوای اصلی کتاب حاضر فعالیت‌های دکتر منشی‌زاده و حزب سومکا است که دربرگیرنده‌ی دو قسمت است:

در قسمت نخست موضوع مذکور مورد بررسی قرارگرفته و قسمت دوم حاوی اسناد می‌باشد که در عین استقلال، هر یک مکمل دیگری است.

قسمت نظری شامل پیش‌گفتار و پنج فصل می‌باشد. در فصل اول، مباحث نظری

---

۱. برای نمونه ر.ک: **رجال عصر پهلوی، کتاب اول، داریوش همایون...**، صص ۴۴-۴۵، یادداشت‌های ۱ تا ۳ و ۵ تا ۱۰، در یادداشت‌های مورد اشاره (و هم‌چنین برخی یادداشت‌های بعد)، به پرونده‌های ساواک ارجاع داده شده است.

۲. برای مثال بنگرید به: سند شماره‌ی ۳۳ از مجموعه‌ی حاضر

۳. بنگرید به: قسمت پایانی پاورقی ۱، ص ۶۵

مربوط به احزاب سیاسی و مقولات مرتبط با ناسیونالیسم مطرح شده است. در فصل دوم به زندگی‌نامه‌ی خاندان منشی‌زاده و نیز دکتر منشی‌زاده تا آغاز سال ۱۳۳۰هش اشاره گردیده است. این فصل با توضیحی مختصر پیرامون پیشینه‌ی احزاب ناسیونالیستی و ناسیونال سوسیالیست در ایران و آشنایی ایرانیان با این مفاهیم پایان می‌پذیرد. در فصل سوم، تاریخچه و عملکرد حزب سومکا مورد بررسی قرار گرفته است. فصل چهارم، دربرگیرنده‌ی قسمت‌هایی از مبانی فکری حزب سومکا می‌باشد و در فصل پنجم به ساختار و تشکیلات حزب اشاره خواهد شد.

قسمت دوم این مجموعه حاوی اسناد است. در بخش ضمایم، کتاب‌شناسی آثار دکتر داوود منشی‌زاده، اساسنامه‌ی حزب سومکا، نسخه‌ی دوم برنامه‌ی حزب و جزوه‌ی «خطابه‌های رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران» آمده است. شایان ذکر است که این جزوه، کمی پس از انتشار نایاب گردیده بود و به همین دلیل در قسمت ضمایم قرار داده شد. هم‌چنین گزارشی از دادگاه عالی جنایی فرمانداری نظامی و ادب سوسیالیسم ملی در این بخش قرار دارد.

عکس‌های انتخاب شده نیز ـ به‌جز دو قطعه که از آرشیو عکس مؤسسه‌ی روزنامه‌ی اطلاعات انتخاب گردیده ـ از نشریات همان دوره گرفته شده است. تصاویری از نشانه‌ها و علامت‌های حزبی، سربرگ هفته‌نامه‌ی ارگان حزبی و بولتن‌های حزب، کاریکاتورهای منتشره در هفته‌نامه‌ی سومکا و هم‌چنین الفبای پیشنهادی سومکا نیز در بخش ضمایم آمده است.

معرفی اسناد و مدارک، محدوده‌ی زمانی

قسمت اصلی اسناد ارایه شده، از مجموعه‌ی اسناد «آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی» انتخاب شد. این اسناد در ۱۸ جلد پرونده گرد آمده و شامل پرونده‌های شهربانی، فرمانداری نظامی و ساواک می‌باشد. از این مجموعه، یک جلد پرونده مربوط به عاکفه منشی‌زاده (خواهر دکتر منشی‌زاده) است. از بین این پرونده‌ها که مجموعاً ۱۱۹۹ برگ می‌باشند تعداد ۳۳۳ برگ سند برای انتشار انتخاب گردید.

محدوده‌ی زمانی اسناد شهربانی و فرمانداری نظامی، سال‌های ۱۳۳۱ـ ۱۳۳۶ را در

برگرفته که اسناد مربوط به سال‌های ۱۳۳۱- ۱۳۳۲ قسمت اصلی مجموعه را تشکیل می‌دهد. هم‌چنین نسخه‌هایی از جزوات و کتاب‌های منتشره‌ی حزبی نیز در این گروه قرار دارد.

اسناد ساواک مربوط به فعالیت‌های دکتر منشی‌زاده در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۴۲- ۱۳۵۶ می‌باشد. نقطه‌ی تمرکز اسناد یاد شده مربوط به سال ۱۳۴۲ و در بردارنده‌ی اطلاعاتی در خصوص آگاهی ساواک از فراهم آوردن امکانات سرنگونی محمدرضا پهلوی با هم‌کاری تنی چند از اعضای سومکا است.

پرونده‌ی دیگر ساواک مربوط به عاکفه منشی‌زاده است. این پرونده پس از برملا شدن هم‌کاری منشی‌زاده با آن جریان براندازانه تهیه گردیده است. از آن‌جا که عاکفه منشی‌زاده، کارمند سفارت ایران در آلمان بود، ساواک مدتی در پی پاسخ این پرسش بوده که آیا وی با فعالیت‌های برادرش در ارتباط بوده است؟ با مشخص شدن عدم ارتباط سیاسی وی با برادرش، پرونده با عدم مخالفت ساواک و با ادامه‌ی خدمت او در مشاغل غیرحساس وزارت‌خانه‌ی یاد شده، به پایان می‌رسد.

هم‌چنان که ذکر شد قسمت اعظم اسناد ارایه شده در قسمت دوم، از مجموعه اسناد «آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی» انتخاب شده است. افزون بر مجموعه‌ی یاد شده، از مجموعه اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران و مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر بنیاد مستضعفان نیز استفاده گردید.

اسناد منتخب از مجموعه اسناد نخست‌وزیری، اسنادی هستند که توسط اداره‌های وابسته به دفتر ریاست‌جمهوری به تازگی منتشر شده‌اند.[1] تعداد ۳۳ برگ سند منتشر شده در انتشارات مذکور به آن نیّت در بخش اسناد این کتاب گنجانیده شد تا راه علاقه‌مندان به موضوع و نیز پژوهشگرانی که در این خصوص مطالعه خواهند نمود، هموارتر گردد.

---

۱. اداره‌ی کل آرشیو، اسناد و موزه‌ی دفتر رئیس‌جمهور، ***اسنادی از احزاب سیاسی در ایران (۱۳۲۰-۱۳۴۰هش)***، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران ۱۳۷۹؛
معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، ***اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران (۱۳۱۸-۱۳۴۵ هش)***، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران ۱۳۷۹

تعداد ۴ برگ از اسناد موجود در مرکز نیز، کمی پیشتر از فرجام یافتن اثر حاضر، در مجموعه‌ی اسنادی منتشر گشته است که در زیرنویس مربوط، به محل آرشیو سند در «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» و نیز منبعی که سند در آن چاپ گردیده، اشاره خواهد شد.

آخرین گروه از اسناد ارائه شده، شامل اطلاعیه‌ها و فرمان‌های حزبی است که تقریباً هم‌زمان با تاریخ صدورشان، در نشریه‌ی ارگان حزب منتشر شده‌اند.(۱)

روش کار

در هنگام انتخاب اسناد؛ اسناد ناقص، پیش‌نویس‌ها، گزارش‌های مشابه و نیز خلاصه‌ی گزارش‌ها کنار گذاشته شدند، مگر اسنادی که حاوی اطلاعاتی ارزشمند و مستقل بودند.

گزارش‌های مشابه؛ آن دسته از گزارش‌هایی را در برمی‌گیرد که از قاعده‌ی هرم اداری نشأت گرفته و به شیوه‌ی سلسله مراتبی به مقام‌های مافوق ارائه گردیده‌اند. سیر صعودی این گونه مکاتبه‌ها را برای نمونه می‌توان در برخی از گزارش‌های شهربانی نشان داد: گزارش مأمور به کلانتری، کلانتری به شهربانی کل کشور، شهربانی کل کشور به وزارت کشور، وزارت کشور به نخست‌وزیری.

این گونه گزارش‌ها، هنگام نگارش در مراحل بالاتر، گاه ویرایش و اصلاح شده‌اند، بی‌آنکه اصل اطلاعات موجود در آن‌ها خدشه‌دار گشته یا دچار افزونی و کاستی گردند.

منظور از خلاصه‌ی گزارش‌ها، هم‌چنان که از نام آن‌ها برمی‌آید، تلخیص یک یا چند گزارش در یک‌جا و احیاناً نتیجه‌گیری نهایی گزارش‌ها می‌باشد. برای نمونه در مجموعه‌ی حاضر، اسناد ساواک حاوی گزارش‌های متعدد فردی با اسم مستعار «بشیر» از فعالیت‌های منشی‌زاده و دوستانش است. در هر چند روز، از گزارش‌های وی و هم‌چنین اقدامات انجام شده توسط دوایر مختلف ساواک، خلاصه‌ی گزارش تهیه گردیده است. برای پرهیز از تکرار متن‌ها، ۲ برگ از این گزارش‌ها (برای نمونه) و نیز

---

۱. ۲۳ سند

کامل‌ترین خلاصه‌ی گزارش موجود، در بخش اسناد آورده شده است.

در بخش اسناد برای هر سند شماره‌ای مستقل در نظر گرفته شده و شماره‌گذاری اسناد براساس ترتیب سیر تاریخی وقایع گزارش‌ها انجام گرفته است. در صورتی که در سند به نامه‌ای ارجاع داده شده یا پاسخ نامه‌ای آمده بود، در زیرنویس، شماره‌ی سند مربوطه ذکر گردید.

هنگام بازنویسی اسناد ناخوانا، برای رعایت اصل امانتداری و حفظ شکل اصلی سند، روش معمول در تصحیح نسخ خطی مدنظر قرار گرفت:

۱ـ مطالبی که جهت تکمیل اطلاعات به اسناد افزوده شده در میان دو قلاب [ ] آمده است. این امر شامل اضافه کردن علایم سجاوندی نمی‌شود.

۲ـ در مواردی که سند حاوی غلط‌های املایی یا نگارشی بود، صورت صحیح واژه یا عبارت در متن آمده و در زیرنویس به شکل اصلی به کار رفته در سند اشاره گردید.

۳ـ در مواردی که کلمه یا جمله‌ای احتیاج به توضیح داشت، توضیحات مربوط در پاورقی آورده شد و یا به قسمت مربوط در بخش نخست اثر حاضر، ارجاع داده شد.

در بازنویسی اسناد، نقطه‌گذاری و شکل نوشتاری کنونی واژگان به کار گرفته شد.

مشکلات کار

از جمله مشکلاتی که برای تدوین اثر حاضر بر سر راه نگارنده قرار داشت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

علی‌رغم کوشش‌های به عمل آمده، دسترسی به کلیه‌ی اسناد مربوط به حزب و اعضای مؤثر آن مقدور نگردید. برای نمونه در بین اسناد موجود، به کلاسه‌ی پرونده‌های اعضای دستگیر شده‌ی سومکا در دهه‌ی سی و افراد مرتبط با منشی‌زاده در سال‌های نخست دهه‌ی چهل و هم‌چنین به وجود پرونده‌ی اتهامی منشی‌زاده در دادگاه جنحه‌ی فرمانداری نظامی اشاره گردیده است که متأسفانه پرونده‌های مورد اشاره به دست نیامد.

ظاهراً از اعضای مؤثر حزب سومکا، تنها داریوش همایون زنده است که تماس با

وی مقدور نشد. علی‌رغم نقش مشکوک وی در حزب بازی‌هایش،[۱] خاطرات او شاید نکات پشت پرده‌ی حزب را روشن می‌ساخت. برای رفع این نقص با یکی از آشنایان منشی‌زاده تماس گرفته شد که وی نیز مایل به صحبت در این خصوص نبود. هم‌چنین نتوانستم با دو تن از اعضای پیشین سومکا ملاقات و مصاحبه نمایم. گرچه شاید این نقیصه را وجود سه مصاحبه از امیرشاپور زندنیا تا حدودی جبران کرده باشد.[۲]

هم‌چنین نامه‌هایی برای یکی از سفارت‌خانه‌ها و نیز یکی از محققان خارجی نوشتم که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی ارسال گردید، اما متأسفانه تاکنون پاسخ آن دو نامه دریافت نشده است. پاسخ به آن‌ها می‌توانست روشنگر دورانی از زندگی و فعالیت‌های منشی زاده (قبل از ۱۳۳۰هـ‌ش) در خارج از کشور باشد. پاسخ به این نامه‌ها از آن جهت دارای اهمیت است که بیشتر آن‌ها شرح زندگی منشی‌زاده در این دوران، از زبان خودش (از راه نوشته یا مصاحبه) است که این امر حتی در اسناد نیز به چشم می‌خورد.

از دیگر مشکلات، معضل دسترسی به نشریات حزب سومکا بود. یاری آقای کاوه بیات، که اغلب شماره‌های روزنامه‌ی ارگان حزب و چند جلد کتاب‌های منتشره‌ی سومکا را در اختیارم نهادند، هر چند از این مشکل کاست، اما حتی با مراجعه به بخش مطبوعات کتابخانه‌های مجلس، ملی، دانشگاه تهران و تماشاگه مطبوعات نیز دست‌یابی به تمام شماره‌های منتشره‌ی ارگان حزب مقدور نگردید. این مشکل تنها محدود به روزنامه‌ی سومکا نبود. دیگر روزنامه‌های حزبی دهه‌ی سی نیز نه تنها کم‌یابند، بلکه دسترسی به شماره‌های موجود آن‌ها در کتابخانه‌ها خالی از دردسر نیست. برای نمونه، برخی از کتابخانه‌ها و مطبوعات پیش از دهه‌ی چهل را به راحتی، حتی با معرفی‌نامه در اختیار مراجعه‌کننده قرار نمی‌دهند و برخی دیگر حتی کارت مشخصات بعضی روزنامه‌ها و مجلات دهه‌ی سی را از برگه‌دان‌های خود خارج کرده‌اند.

علی‌رغم مشکلات مطرح شده، حجم و محتوای اسناد ارائه شده از تنها حزب کاملاً نازیستی ایران در کتاب حاضر، از هر دو جنبه‌ی کمیّت و کیفیت قابل بررسی است. این

---

۱. ر.ک: *رجال عصر پهلوی، کتاب اول، داریوش همایون*، صص ۱۳-۳۳

۲. سه نسخه‌ی یاد شده عبارتند از: مجموعه‌های ضبط شده خاطرات امیرشاپور زندنیا در سازمان اسناد ملی ایران، مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر و مصاحبه با کاوه بیات.

اسناد نه تنها روایات ناگفته‌ای از حزب را روشن می‌سازند، بلکه بسیاری از غلط‌های مشهور پیرامون این حزب را نیز اصلاح می‌نمایند.

در پایان نگارنده امید آن دارد که خوانندگان فهیم، کاستی‌های ناخواسته‌ی این مجموعه را به دیده‌ی اغماض نگریسته و وی را از نظریه‌های اصلاحی خویش بهره‌مند سازند.

غلامرضا عزیزی

بخش اول

کلیات

از آن‌جا که در بخش‌های مختلف قسمت اول کتاب حاضر، بخصوص فصل چهارم، به مفاهیم حزب، ناسیونالیسم، فاشیسم و نازیسم اشاره گردیده است به نظر می‌رسد پیش از پرداختن به موضوع اصلی، بهتر است به عنوان مقدمه‌ای گذرا، به این مفاهیم اشاره شود و بحث تفصیلی در این موارد را به منابع تخصصی واگذار نماییم.

حزب

پیرامون حزب، که در نزد بسیاری از اندیشمندان علوم سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین نهاد نظام سیاسی انگاشته شده، تعاریف گوناگونی ارائه شده است تا جایی که گفته شده «تنوع تعاریف حزب سیاسی تقریباً به تعداد خود احزاب سیاسی است»، زیرا هر یک از اندیشمندانی که در خصوص این موضوع تحقیق کرده‌اند با توجه به ویژگی خاصی از حزب سیاسی، تعریفی خاص را ارائه داده‌اند.[۱] به عبارت دیگر تنوع دیدگاه‌های سیاسی و جامعه‌شناختی، دلیل به وجود آمدن تعاریف گوناگون است.[۲]

در مفهوم عام، حزب به گروه‌هایی مردمی اطلاق گردیده که درباره‌ی برخی مسایل نظریاتی مشترک دارند و می‌خواهند برای دست یافتن به هدف‌های مشترک با هم کار کنند.[۳] در تعریف کلی دیگر، حزب سیاسی گروهی سازمان‌یافته در درون یک نظام

---

۱. قاسم خرمی، «**جایگاه احزاب در فرآینده توسعه**»، روزنامه ایران، س ۱، ش ۲۷۱ (۱۳۷۴/۱۰/۱۲)، ص ۷ به نقل از علی‌اکبر رزمجو، **حزب پان ایرانیست**، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۸، ص ۱۱

۲. مدیرشانه‌چی، پیشین، ص ۱۸

۳. رزمجو، پیشین، ص ۱۲

سیاسی معرفی شده که با هدف کسب و به کارگیری قدرت سیاسی تشکیل می‌شود.[۱]

ناسیونالیسم

واژه‌ی ناسیونالیسم (Nationalism) از دو جزء ناسیون (Nation) به معنی ملت و پسوند ایسم (Ism) به مفهوم اصول، عقیده و مکتب ترکیب شده است.[۲]

واژه‌ی ناسیون تا قرون شانزدهم و هفدهم میلادی در اروپای غربی در معنی «واحد سیاسی مهم» به کار می‌رفت. در اروپای مرکزی و شرقی این کلمه- و معادل‌های آن در زبان‌های دیگر این منطقه- برای ارائه‌ی مفهوم جمعیتی که از نقطه نظر نژاد یا زبان مشترک بودند، به کار می‌رفت. پیش از قرن نوزدهم میلادی، این واژه مفهوم سیاسی نداشت. از آن زمان به بعد با گسترش این فکر که جمعیت‌هایی که دارای وحدت زبانی و نژادی هستند، حق ادعای آزادی و استقلال سیاسی را دارند، این واژه مفهوم سیاسی یافت و واژه‌ی ناسیونالیسم به مفهوم «حس احساسات ملی یا ملت‌پرستی» به کار گرفته شد.[۳]

در خصوص ارائه‌ی تعریفی واحد از ناسیونالیسم بین محققان اختلاف نظر وجود دارد تا آن‌جا که یکی از محققان، ارائه‌ی یک تعریف عالمانه و کوتاه را که شامل ناسیونالیسم در معنای کلی باشد، «احتمالاً غیرممکن» دانسته است.[۴]

---

۱. مدیرشانه‌چی، پیشین، ص ۱۸. برای تعریف‌های دیگر پیرامون حزب سیاسی نگاه کنید به: پیشین، صص ۱۵-۲۴ و موریس دوورژه، ***احزاب سیاسی***، ترجمه‌ی رضا علومی، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۷، صص ۱۸ - ۱۹ رزمجو، پیشین، صص ۱۱-۱۸

۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک: موریس دوورژه، ***احزاب سیاسی***، ترجمه‌ی رضا علومی، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۷، صص ۱۸- ۱۹؛ مسعود انصاری، ***ناسیونالیسم و مبارزات ضد استعماری کشورهای آفریقای شرقی، تانگانیکا، کنیا، اوگاندا***، زنگبار، کتابفروشی فروغی، تهران ۱۳۴۵، ص ۷؛ ابراهیم میرانی، ***ناسیونالیسم و جنبش مشروطیت ایران***، انتشارات آرمانخواه، تهران ۱۳۵۸، صص ۸-۹؛ غلامرضا علی‌بابایی، ***فرهنگ علوم سیاسی***، جلد اول، شرکت نشر و پخش ویس، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۹، جلد اول، واژه‌های سیاسی، ص ۷۴۸

۳. انصاری، پیشین، ص ۷. زمان پدیدار شدن ناسیونالیسم نیز از جمله مباحثی است که محققان درباره‌ی آن اختلاف نظر دارند. رک:

Minogue, K.R., ***Nationalism***, London, 1969, P. 17.

۴. میرانی، پیشین، ص ۳۰. برای آگاهی از دلایل وجود ابهام و اشکال در تعریف ناسیونالیسم ر.ک: حمید، ←

برای احراز از اطناب کلام در این جا، تنها به دو تعریف از ناسیونالیسم اشاره می‌شود. ریچارد جی در این خصوص نوشته است:

«کلمه‌ی «ناسیونالیسم» بیانگر شماری معانی متفاوت است. اغلب رساننده‌ی حالتی است ذهنی و آگاهی‌ای است که اعضای یک گروه از این که متعلق به ملت معینی‌اند، توجهی که به سهیم بودن در فرهنگ یا هویتی مشترک و احساسی حاوی هم‌دردی نسبت به آن‌هایی که هم‌ملیت شناخته می‌شوند، از خود بروز می‌دهند. این احساس می‌تواند به طور عمومی بروز کند، مثل بروز همبستگی گروهی علیه بیگانه‌ها، نمایش نشانه‌ها و نمادهای خاص، خواندنِ سرودهای میهن‌دوستانه و رفتن به دنبال منافع ملی و ترجیح دادن آن‌ها بر منافع و ارزش‌های دیگر.»(۱)

لویس ل. اسنایدر با ارائه‌ی تعریف زیر از ناسیونالیسم، مدعی است که این تعریف مبتنی بر اتفاق آرای دانشمندان رشته‌های مختلف است که کمتر مورد اختلاف می‌باشد:

«ناسیونالیسم که نتیجه‌ی عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است عبارت است از کیفیت تفکر و احساس یک دسته مردمی که در محیط کاملاً محدود جغرافیایی زندگی می‌کنند و با یک زبان مشترک سخن می‌گویند و دارای ادبیاتی هستند که از آرزوهای ملی ایشان حکایت می‌کند و رسوم و عادات مشترکی آنان را به هم پیوسته است و به قهرمانان خویش احترام می‌گذارند و

← بهزادی مددی، ***ناسیونالیزم***، انتشارات مؤسسه‌ی حساب، تهران ۱۳۵۴، ص ۵۶

هم‌چنین در خصوص تغییر رنگ ناسیونالیسم در نقاط مختلف بنگرید به:

Minogue, Ibid, p. 153

گذشته از موارد مطرح شده در منابع فوق، عامل مهم دیگری که موجب پیدایش ابهام در تعریف ناسیونالیسم شده از جانب محققان این مبحث به وجود آمده است، بدین صورت که کسانی که درباره‌ی ناسیونالیسم مطلب نوشته‌اند در آغاز سخن خود تعریفی شخصی از ناسیونالیسم ارائه نموده‌اند. از این رو آثاری که پیرامون موضوع ناسیونالیسم نوشته شده، مملو از این گونه تعاریف است. به نقل از:

Leonard W.Doob, ***Partriotism and Nationalism,*** Their psychological foundation. yale University press, 1965, P. 4.

۱. ریچارد جی، ***ناسیونالیسم، مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی***، ترجمه‌ی م. قائد، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۵، ص ۲۱۵

احیاناً پیرو یک دین می‌باشند.»[۱]

پس از ذکر این مختصر و برای آشنایی بیشتر با عناصر تشکیل‌دهنده‌ی ناسیونالیسم، لازم است که اجمالاً به تعریف ملت و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن اشاره شود.

ملت

هر چند واژه‌ی ملت، امروزه دارای مفهوم تقریباً مشخصی است، اما در روند شکل‌گیری و گسترش ناسیونالیسم تعاریف کم و بیش متفاوتی از آن ارائه گردیده است. بخصوص درباره‌ی عوامل تشکیل‌دهنده‌ی آن، اختلاف نظرهایی بین نویسندگان و صاحب‌نظران وجود داشته[۲] و این امر موجب پیدایش دو نظریه شده است که به نام نظریه‌های غیرارادی و ارادی مشهور شده‌اند. در برابر این دو نظریه نیز مکتب سومی به نام مکتب ارتباطی به وجود آمده است.

الف) نظریه‌ی غیرارادی

نظریه‌ی غیرارادی یا مکتب الهی، «ملت» را پدیده‌ای الهی و غیرارادی می‌داند که به تعبیر فیخته و مازینی، «اراده‌ی خداوند در خلقت آن، برای هماهنگی و صلح جهانی دخالت مستقیم داشته است.»

اندیشه‌های اندیشمندان مکتب غیرارادی در اروپای قرن نوزدهم موجب پدید آمدن این تفکر گردید که ناسیونالیسم و برتری بعضی از ملت‌ها بر ملت‌های دیگر، امری «طبیعی و الهی» است که این اعتقاد مبنای کار فاشیست‌ها و نازیست‌ها قرار گرفت.[۳]

از دیدگاه اندیشمندان این مکتب، عناصر تشکیل‌دهنده‌ی ملت به شرح زیر است:

---

۱. بهزادی، پیشین، ص ۵۸، برای تعاریف دیگر مراجعه شود به کتاب‌هایی که در این خصوص نگاشته شده است از جمله: میرانی، پیشین، صص ۲۹، ۳۱، ۳۲ و ۵۲؛

Minogue, *Ibid*, PP. 19-25.

Doob, *Ibid* , PP. 4-6.

۲. بهزادی، پیشین، ص ۱۴

۳. همان جا، صص ۸۵-۸۶

۱ـ نژاد

پیروان این مکتب عامل اصلی شکل‌گیری ملت‌ها را وحدت نژادی می‌دانند. طرفداران اصالت نژاد دلایل پیشرفت یا انحطاط تمدن‌ها را در مسائل نژادی جستجو کرده و معتقد بودند که پیشرفت ملت‌ها زمانی روی خواهد داد که نژاد برتر بر نژادی پست‌تر تفوق یافته باشد و زمانی که خون نژاد برتر با خون نژادی پست‌تر آمیخته گردد، زمینه‌ی انحطاط و سقوط ملت فراهم آمده است.(۱)

تأکید بر برتری نژادی که به راسیزم (Racism) ـ نژادپرستی افراطی ـ می‌انجامد، نه تنها فاقد پایه و دلیل علمی است(۲)، بلکه با توجه به اختلاط و امتزاج انسان‌ها و نظریه‌های انسان‌شناسان که معتقدند «هر نوع تعریف و هرگونه خصوصیاتی که برای نژاد قایل شویم، مسلم است که اولاً در تمام دنیا نژاد خالص وجود ندارد و ثانیاً هیچ نژادی نمی‌تواند بر نژاد دیگر تفوق و برتری داشته باشد»(۳) نیز مردود است. با این وجود، عقیده به برتری نژاد یکی از عوامل مهم در پیوستگی و یگانگی ملت‌ها نزد پیروان این مکتب قلمداد شده است.(۴)

۲ـ عامل جغرافیایی

منطقه‌ی جغرافیایی از عوامل مهم در ناسیونالیسم است تا بدان‌جا که گروهی ملت را محصول دو عامل، داشتن دولت مستقل و کشور خاص، تعریف نموده و آن دو را موجب پدیدار شدن احساسات، فرهنگ و منافع مشترک دانسته‌اند(۵) و نظریه‌ای دیگر دلیل پدید آمدن بسیاری از ملت‌ها را «فقط براساس خاکی که در آن زندگی می‌کنند» می‌داند.(۶)

---

۱. همان جا، صص ۱۵-۱۶

۲. برای نمونه ر.ک: آلبر ژاکار، «*پنداری غیرعلمی*»، پیام، س ۲۷، ش ۳۱۰ (اردیبهشت ۱۳۷۵)، صص ۲۲-۲۵

۳. انصاری، پیشین، ص ۲۹. درباره‌ی نژاد واحد هم‌چنین بنگرید به: میرانی، پیشین، صص ۱۶-۱۷، نویمان، فرانتس، بهیموت، ترجمه‌ی محمدرضا سوداگر، دنیای مادر، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۳۰

۴. انصاری، پیشین، ص ۲۹

۵. رک: بهزادی، پیشین، صص ۲۴-۲۵

۶. هم‌چنین ر.ک انصاری، پیشین، ص ۲۵

تعابیر دیگر از این دست که اهمیت عامل جغرافیایی را در پدید آمدن ملت یادآور شده‌اند، کم نیستند.[۱] تأکید بر عامل جغرافیایی، سبب گردیده که در مواردی ناسیونالیسم با میهن‌دوستی (Patriotism) همسان و نزدیک[۲] انگاشته شوند.[۳]

۳ـ زبان

یکی دیگر از عواملی که طرفداران نظریه‌ی غیرارادی ملت اهمیت زیادی برای آن قائل هستند، زبان مشترک است.[۴] هر چند زبان به عنوان یکی از مظاهر بارز ملت‌ها و از عوامل نیرومند ناسیونالیسم معرفی شده[۵] و با توجه به این که اشتراک زبان «عامل واقعی وحدت» معرفی گردیده، اما این اشتراک برای «تکوین یک ملت شرط لازم نیست»[۶]، زیرا برای مثال در سوئیس وحدت زبان وجود ندارد.[۷]

۴ـ مذهب

مذهب یکی دیگر از عناصری است که از آن به منزله‌ی عامل مهمی در ایجاد ناسیونالیسم یاد شده است.[۸] البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که ظهور ناسیونالیسم در غرب ـ به عنوان یک نیروی ذاتاً غیرمذهبی ـ «مستقیماً با زوال قدرت

---

۱. برای نمونه رک: ناصر، تکمیل همایون، ***میهن‌دوستی در ایران***، سازمان انتشاراتی استقلال، تهران ۱۳۵۹، ص ۷ و میرانی، پیشین، صص ۲۴ـ۲۸

۲. برای نمونه رک: تکمیل همایون، پیشین، ص ۷

۳. در خصوص تفاوت‌های میهن‌دوستی و ناسیونالیسم رک: داوری رضا اردکانی، ***ناسیونالیسم، حاکمیت ملی و استقلال***، انتشارات پرسش، چاپ دوم، اصفهان ۱۳۶۹، چاپ دوم، ص ۱۷و صص ۲۷ـ۱۲۶؛ میرانی، ***ناسیونالیسم و جنبش...***، ص ۵۰؛ علی‌محمد نقوی، ***اسلام و ملی‌گرایی***، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۰، صص ۶۰ـ۶۱، خصوصاً رک:

Doob, ***Ibid***.

۴. برای نمونه رک: انصاری، پیشین، ص ۳۳؛ بهزادی، پیشین، ص ۱۵

۵. انصاری، پیشین، ص ۳۵

۶. ژ. و لاپیر، قدرت سیاسی، ترجمه‌ی دکتر بزرگ نادرزاد، تهران، زمان، ۱۳۶۲، ص ۶۴.

۷. انصاری، پیشین، ص ۳۵

۸. همان جا، ص ۳۰

روحانیت و فرقه‌های متعدد مذهبی» در ارتباط بوده[۱] و حتی گفته شده که «ضعف و شکست مسیحیت و خلاء ناشی از نبودن یک ایدئولوژی مترقی در غرب» اولین عامل ایجاد ناسیونالیسم بوده است.[۲]

در شرق هر دو جنبه‌ی موضع‌گیری ناسیونالیسم در رابطه با مذهب دیده می‌شود. از طرفی ناسیونالیسم باستان‌گرای ایرانی (در دوره‌ی رضاشاه) و ناسیونالیسم ترک[۳] مذهب‌ستیز و مذهب‌گریز بودند. از طرف دیگر اسلام به عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر ناسیونالیسم عرب[۴] و ناسیونالیسم ایرانی[۵] معرفی شده است.

گذشته از چهار عامل یاد شده، محققین به عواملی چون سازمان سیاسی، عوامل اقتصادی و سوابق تاریخی، در تشکیل ناسیونالیسم اشاره کرده‌اند که برای اجتناب از اطناب، از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود.[۶]

ب) نظریه‌ی ارادی ملت

نظریه‌ی «ارادی ملت» نقطه‌ی مقابل نظریه‌ی غیرارادی ملت (الهی) قرار دارد. پیروان این مکتب معتقدند که ملت و به تبع آن ناسیونالیسم، پدیده‌ای ناشی از عوامل تاریخی، زبان، مذهب، آداب و رسوم و قلمرو جغرافیایی خاص می‌باشد. این عوامل هر چند از

---

۱. ریچارد کاتم، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه‌ی فرشته سرلک، نشر گفتار، تهران ۱۳۷۱، ص ۲۰۲، هم‌چنین رک: عبداللّه ابریشمی، ***نقد و بررسی ناسیونالیسم***، چاپ بهمن، تهران ۱۳۷۳، ص ۲۹

۲. علی‌محمد، نقوی، ***جامعه‌شناسی غرب‌گرایی***، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۰۲

۳. در خصوص ناسیونالیسم ترک رک: ابریشمی، ***نقد و بررسی...***، صص ۱۰۳-۱۰۵؛ عطاءالطائی، نجاح، ***سیر اندیشه‌ی ملی‌گرایی از دیدگاه اسلام و تاریخ***، ترجمه‌ی عقیقی بخشایشی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۶۹، صص ۲۹-۶۸

۴. درخصوص ارتباط ناسیونالیسم عرب با اسلام بنگرید به: مجید خدوری، ***گرایش‌های سیاسی در جهان عرب***، ترجمه‌ی عبدالرحمن عالم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۶۶، صص ۱۹۴-۲۰۱
در آثار زیر بر جنبه‌های غیرمذهبی و حتی ضد دینی جلوه‌هایی از ناسیونالیسم عربی، تأکید گردیده است: عطاء الطایی، پیشین، صص ۷۱-۱۴۹ و ۱۶۹ به بعد؛ نقوی، ***جامعه‌شناسی غربگرایی***، ج ۲، صص ۱۰۳-۱۰۷؛ نقوی، اسلام و ملی‌گرایی، فصل‌های مختلف؛ ضیاءالدین، احمد، ***نگاهی بر جنبش ناسیونالیسم عرب***، ترجمه‌ی حیدر بوذرجمهر، وزارت ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۶۵، صص ۱۳۵-۱۴۱

۵. در خصوص ناسیونالیسم ایرانی و جنبه‌های مذهبی آن بنگرید به: پاورقی شماره‌ی ۱، ص ۵۲

۶. رک: انصاری، پیشین، صص ۳۷-۴۱؛ میرانی، پیشین، ص ۱۷

شرایط لازم و ضروری تشکیل ملت می‌باشند، اما بدون وجود آگاهی و اراده‌ی عمومی به منظور حفظ منافع کشور، احساس تعلق به ملت پدیدار نخواهد شد.[۱]

ج) مکتب ارتباطی

در مقابل دو نظریه‌ی مکتب ارادی و غیرارادی ناسیونالیسم، مکتب ارتباطی ناسیونالیسم قرار گرفته است. از جمله نظریه‌پردازان این مکتب، می‌توان به «کارل دویچ» اشاره کرد. به نظر او، به طور خلاصه، «ناسیونالیسم را باید با این دید و تعریف و بررسی کرد: توانایی افراد یک جامعه برای ایجاد ارتباط و هماهنگی هر چه بیشتر و مؤثرتر با یکدیگر به جای ارتباط با خارج.»[۲]

نازیسم

تاریخچه‌ی کاربرد توأم واژه‌های ناسیونال و سوسیال به سال ۱۸۹۲م. باز می‌گردد. در این سال ادوارد درمون (Edward Drumon) برای نخستین بار از جامعه‌گرایی ملی (ناسیونال سوسیالیسم) سخن گفت. پس از او نیز کسانی در سخنرانی و یا نوشته‌های خود به این ترکیب اشاره کردند. از جمله ژاک پلونکار داساک (Jacques Ploncare Dassac) بر این عقیده بود که «ملت‌گرایان (ناسیونالیست‌ها) هرگز ملت‌گرایی و جامعه‌گرایی (سوسیالیسم) را از هم جدا ندانسته‌اند.»[۳]

این ترکیب پس از تشکیل حزب «ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان» در بیان اندیشه‌های این حزب به کار رفت و حتی سال‌ها پس از برافتادن رژیم هیتلری، احزابی که بیشتر دربردارنده‌ی برداشت‌هایی از اندیشه‌ی نازیسم بودند، از ترکیب «ناسیونال سوسیالیست» استفاده کردند.

فرانتس نویمان (Franz Neumann) مایه‌ی اصلی ایدئولوژی ناسیونال سوسیالیست را

---

۱. رک: بهزادی، پیشین، ص ۲۵ و صص ۸۶-۸۷؛ لاپیر، پیشین، صص ۶۳-۶۵

۲. برای توضیح بیشتر رک: بهزادی، پیشین، صص ۸۷-۸۸. همچنین در خصوص تحولات ناسیونالیسم و تقسیم‌بندی‌های آن رک: همان جا، صص ۱۳۴ و ۱۷۲ و خدوری، پیشین، فصل هفتم

۳. برای شواهد دیگر رک: میرانی، پیشین، ص ۵۶.

این گونه معرفی می‌نماید:

«همه‌ی آموزه‌ها و ارزش‌های سنتی را باید دور ریخت، خواه از خردگرایی فرانسه ریشه گرفته باشد، خواه از ایده‌الیسم آلمانی یا از تجربه‌گرایی انگلیسی یا از عمل‌گرایی آمریکایی، خواه لیبرال باشد، خواه مطلق‌گرا، یا دموکراتیک یا سوسیالیست».[۱]

اصول فکری حزب نازی، که آمیخته‌ای از فاشیسم ایتالیا، عقاید ناسیونالیستی قدیم آلمان و نظریه‌های نژادی و سنن میلیتاریسم پروسی بود[۲]، در کتاب «نبرد من» نمایانده[۳] و در برنامه‌ی بیست و پنج ماده‌ای آن حزب[۴] موارد عمده‌ی آن آورده شده است. به طور کلی مشخصه‌های این اندیشه را می‌توان این گونه برشمرد: ضد لیبرالیسم، ضد دموکراسی و ضد نظام پارلمانی (و به تبع آن مخالف تحزب)، نژادپرستی افراطی، ضدیت با کمونیسم، نظامی‌گری و دارا بودن روحیه‌ی امپریالیستی، دیکتاتوری فردی و نوعی ناسیونالیسم افراطی و ستیزه‌جو.[۵]

فاشیسم

اصطلاح فاشیسم (Fascism) از واژه‌ی ایتالیایی فاشیسو (Fascio) به معنی «دسته» و «مجموعه» گرفته شده است. ریشه‌ی لاتینی آن به معنی دسته‌ای از چوب‌های به‌هم بسته شده، یکی از سمبل‌های حکومتی در رم باستان بود.

«فاشیسم به عنوان یک گرایش کلی در سیاست، در مورد جنبش‌های افراطی، راست

---

۱. نویمان، پیشین، ص ۶۴.

۲. علی بابایی، پیشین، ج ۱، ص ۷۹۳.

۳. رک: آدولف هیتلر، **نبرد من**، ترجمه‌ی عنایت، دنیای کتاب، تهران ۱۳۷۴، چاپ پنجم، بخصوص صفحات ۲۴۹ به بعد

۴. در فصل چهارم کتاب حاضر، در مبحث تأثیرپذیری ایدئولوژیک، ترجمه‌ی برنامه حزب نازی آمده است.

۵. برای توصیف دقیق‌تر مشخصه‌های ایدئولوژیک ناسیونال سوسیالیسم آلمان بنگرید به: حسین بشیریه، ***جامعه‌شناسی سیاسی*** (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی)، نشر نی، تهران ۱۳۷۴، چاپ دوم، صص ۳۲۲-۳۲۳ و نیز رک: ریک، ویلفورد، ***«فاشیسم»، مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی***، ترجمه‌ی، قائد، نشر مرکز، چاپ اول، تهران ۱۳۷۵، چاپ اول، صص ۲۷۶-۲۸۷

اقتدارطلب، ضد سرمایه‌داری بزرگ، ضد دموکراتیک، ضد لیبرال، ضد مدرنیسم، ضد سوسیالیسم، ضد آنارشیسم، ضد مارکسیسم و گذشته گرا» که احتمالاً به تشکیل نظام‌های سیاسی اقتدارطلب یا توتالیتر می‌انجامد، به کار می‌رود.(۱)

به مفهوم دقیق کلمه، فاشیسم به جنبش موسولینی و حکومت او در ایتالیا (۱۹۲۲-۱۹۴۵ م.) اطلاق گردیده و درباره‌ی رژیم‌های راست اقتدارطلبی که دارای ویژگی‌های مشابهی بودند نیز به کار رفته است.(۲)

اصول اساسی فاشیسم که موسولینی برخی از آن‌ها را در دایرةالمعارف ایتالیا در سال ۱۹۳۲ میلادی ابراز داشته بود، عبارتند از: «عدم اعتقاد به سودمند بودن صلح، مخالفت با اندیشه‌های سوسیالیستی، مخالفت با لیبرالیسم، تبعیت زندگی همه‌ی گروه‌ها از دولت (توتالیتر بودن)، تقدس پیشوا تا سرحد ممکن، سیستم تک حزبی، مخالفت با دموکراسی، اعتقاد شدید به قهرمان‌پرستی (هیروئیسم)،(۳) تبلیغ روح رزمجویی (میلیتاریسم) و حمایت از تبعیض نژادی.»(۴)

در کتاب «مکاتب سیاسی معاصر» موارد زیر به عنوان عناصر اصلی نظریه‌ی فاشیسم- به طور عام- آورده شده است:

> «بی‌اعتمادی (عدم اعتماد) به عقل، انکار اصل مساوات بشری، نظام رفتاری مبتنی بر دروغ و خشونت، حکومت توسط عده‌ای نخبه، توتالیتاریسم، نژادپرستی و امپریالیسم و ضدیت با حقوق و نظم بین‌المللی.»(۵)

توصیف کامل‌تری از ویژگی‌های دولت‌های فاشیستی- که در بین جنگ‌های جهانی

---

۱. بشیریه، پیشین، صص ۳۱۴-۳۱۵

۲. برای توضیح بیشتر رک: پیشین، صص ۳۱۵-۳۲۲، نیز رک: ویلیام ابنشتاین، ادوین فاگلمان، **مکاتب سیاسی معاصر *(نقد و بررسی کمونیسم، فاشیسم، کاپیتالیسم و سوسیالیسم)***، ترجمه‌ی حسینعلی نوذری، نشر گستره، چاپ دوم، بخش دوم، تهران ۱۳۶۹، نیز رک: شوارتس منتل، ج.ج، **ساختارهای قدرت *(درآمدی بر علم سیاست)***، ترجمه‌ی، مرکز تحقیقات سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)، به کوشش: ناصر جمال‌زاده، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۸، صص ۲۲۵-۲۵۳؛ ویلفورد، پیشین، صص ۲۵۸-۳۰۲

۳. Heroism.

۴. علی بابایی، پیشین، ج ۱، صص ۴۴۵-۴۴۶.

۵. ابنشتاین، پیشین، ص ۱۶۸

اول و دوم در بسیاری از کشورهای اروپایی پدیدار شد- بدین قرار است:

«ترکیبی از ناسیونالیسم افراطی، امپریالیسم، ضدیت با سنت عقلی و روشن‌فکری، عمل‌گرایی، دولت‌ستایی، نژادپرستی، قدرت‌پرستی، نخبه‌گرایی، بسیج توده‌ای، جنگ‌طلبی، رهبرپروری، محافظه‌کاری، دهقان‌گرایی، رادیکالیسم، خرده بورژوازی و سنت‌گرایی.»[1]

۱. بشیریه، پیشین، ص ۳۱۵

فصل اول

زندگی‌نامه‌ی دکتر منشی‌زاده

خاندان منشی‌زاده

خاندان منشی‌زاده در زمان صفویه از شیراز به ایروان مهاجرت کرده و در آن جا سکنی گزیده بودند.[1] پدربزرگ دکتر منشی‌زاده، کریم بیک ـ معروف به کریم‌خان ایروانی و میرزا کریم‌خان ـ بود که در ایروان متولد شد و در دستگاه حکومتی ایروان، مدتی به شغل مترجمی و زمانی با درجه‌ی سرهنگی در نظمیه و در پایان با سمت ایل بیگی عشایری در آن دیار، مشغول به کار بوده است.

در اوایل سال ۱۳۰۷ه‍.ق، هنگام بازگشت ناصرالدین شاه از سفر سوم به فرنگ، میرزا کریم‌خان در عریضه‌ای که توسط تیمور پاشاخان امیرتومان ـ پدر اقبال السلطنه ـ به ناصرالدین شاه نوشت، تقاضای بازگشت به ایران و ارجاع شغلی در دستگاه حکومت کرده بود که با درخواست وی موافقت گردید.

کریم‌خان در قزاق‌خانه مشغول به کار شد و از آن‌جا که قزاق‌خانه به نفع روسیه فعالیت می‌کرد، برای تغییر اوضاع با برخی از صاحب منصبان به مشورت پرداخته، اعلامیه‌ای تحت عنوان «حمیّت و غیرت» منتشر کرد که در آن همکاران ایرانی خود را به اتحاد و مقاومت در برابر بیگانگان فرا خوانده و آن‌ها را به راه‌اندازی کارخانه‌هایی که رفع نیاز از بیگانگان بکند، ترغیب کرده بود.

---

۱. اطلاعات جامع‌تری درباره‌ی خاندان منشی‌زاده در اثر زیر آمده است:
عباس، اقبال، *ورقی از تاریخ مشروطه‌ی ایران*، **شرح حال مرحوم میرزا ابراهیم‌خان منشی‌زاده (۱۲۹۶-۱۳۳۶ ه.ق)**، یادگار، س ۳، ش ۶-۷، صص ۱۴۳-۱۵۱ و ش ۸، صص ۴۵-۵۷

«مارتروس خان ارمنی» رئیس ارکان حزب قزاق‌خانه، حکایت این ماجرا را به اطلاع کاساکوفسکی، رئیس روسی قزاق‌خانه، رساند و او به بهانه‌ای در صدد قطع حقوق کلیه‌ی مهاجرینی که با میرزاکریم‌خان همکاری کرده بودند، برآمد. استعفای دسته‌جمعی مهاجرین سبب شد که کاساکوفسکی نزد کامران میرزا رفته و مهاجرین مستعفی را دعوت به خدمت نماید.

بنا به نوشته‌ی عباس اقبال، کاساکوفسکی بعد از این جریان، کینه‌ی میرزاکریم‌خان را در دل گرفت «و جداً مصمم شد که او را از میان بردارد. به همین نیّت در مهمانی [ای] که در تاریخ ۱۶ محرم ۱۳۱۳ قمری در قصر قاجار، محل ییلاقی قزاق‌خانه، داده شده بود مرحوم میرزاکریم‌خان را به دستور کاساکوفسکی مسموم کردند و انتشار دادند که او سکته نموده.»[(۱)]

میرزاابراهیم منشی‌زاده، فرزند کریم‌خان، در ایروان به دنیا آمد و تا زمان مهاجرت پدرش به ایران، در ایروان به تحصیل مشغول بود و پس از آمدن به تهران در مدرسه‌ی دارالفنون به تحصیلات خود ادامه داد. پس از مسموم شدن پدر، به دعوت کاساکوفسکی به خدمت قزاق‌خانه در آمد و با آگاهی از چگونگی مرگ پدر، به فکر ادامه‌ی فعالیت‌های او افتاد. از این رو به «متحد کردن صاحب منصبان و نشر مقالات و نوشتن نامه به ارکان نظامی مملکت و نمایاندن مفاسد قزاق‌خانه و خراب‌کاری‌های رییس روسی آن» پرداخت.

در ۱۵ رمضان ۱۳۲۳ وی که درجه‌ی نایب سرهنگی داشت از طرف لیاخوف، رئیس جدید قزاقخانه، مأمور شد به تبریز برود و ریاست قزاق‌های مقیم تبریز را برعهده بگیرد. وی به تبریز رفت و پس از دو ماه همراه ولیعهد به تهران بازگشت.

---

۱. خسرو معتضد نوشته است که «... به دستور کلنل روسی، مارتیروس خان ارمنی رئیس ستاد قزاق‌خانه (اتاماژور) او را مسموم کرد». ر.ک: خسرو معتضد، **جنگ نفت روی شن‌های داغ**، یادداشت‌های دکتر شمس‌الدین میرزاییان تنها عضو ایرانی اداره‌ی HIF در سازمان آب و (ضد جاسوسی آلمان) و افسر R.S.H.A، علمی، تهران ۱۳۷۸، ص ۱

در هفته‌نامه‌ی سومکا نیز آمده که چون کریم‌خان «با روس‌ها سر مبارزه داشت، مسموم گردید.» ر.ک: پیراهن سیاه (نام مستعار): «رهبر من منشی‌زاده، به مناسبت سی و نهمین سال تولد رهبر»، سومکا، س ۱، ش ۸ (۱۳۳۱/۶/۶)، ص ۱

ظنین شدن لیاخوف و سخت‌گیری‌هایش نسبت به میرزا ابراهیم‌خان منشی‌زاده سبب شد که او در ششم صفر ۱۳۲۵ «از خدمت قزاق‌خانه و درجه‌ی سرهنگی استعفا» داده و پس از آن بـه خـدمت مشـروطه در آیـد. بـعد از جـنگ بـادامک و فـتح تـهران در ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ مجدداً به کـارهای دولتـی پـرداخت.[۱] وی از مـؤسسان کـمیته‌ی مجازات بود و به همین دلیل دستگیر و همراه سرتیپ اسدالله‌خان ابـوالفـتح‌زاده[۲] بـه کلات نادری تبعید شد و در تاریخ ۲۷ ذی‌العقده ۱۳۳۶ در بین راه سـمنان و دامـغان، نزدیک آبادی آهوان، توسط «مغیث‌الدوله صـاحب مـنصب ژانـدارمـری و بـه دسـتور وثوق‌الدوله و نصرت‌الدوله‌ی فیروز به قتل رسیدند[۳] و وانمود گردید که هر دو اقدام به فرار کرده و از این رو هدف گلوله قرار گرفته‌اند.»[۴]

زندگی‌نامه‌ی دکتر منشی‌زاده (تا تأسیس سومکا)

دکتر داوود منشی‌زاده در ششم شهریور ماه سال ۱۲۹۳، در تهران زاده شد. پدرش میرزا ابراهیم خان منشی‌زاده و «مادرش عطیه منشی‌زاده، مـتولد سـرخـوش، نـخستین فرزند میرزا یحیی‌خان سرخوش تفرشی، صاحب دیوان سرخوش»[۵] بود.

پس از کشته شدن پدرش، تـربیت او و دو بـرادر و خـواهـرش بـر عـهده‌ی مـادر و مادربزرگشان گذاشته شد. «مادر بزرگ وی سال‌ها پس از کشـته شـدن پسـرش (مـیرزا ابراهیم‌خان) زنده بود و به نواده‌های خود تیراندازی می‌آموخت و برای آن‌ها داستان‌ها

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: اقبال، «ورقی از تاریخ مشروطه‌ی ایران، شرح حال...»، **یادگار**، س ۳، ش ۶-۷، صص ۱۵۰-۱۵۱

۲. دکتر منشی‌زاده در «***اتوبیوگرافی***»اش، از او به عنوان «عموی سرتیپم» یاد کرده است. ر.ک: منشی‌زاده، داود، «اتوبیوگرافی»، **دربدر در پی بهشت**. انتشارات فرهنگ **سومکا** (سری سوم، کتاب یکم)، تهران، ۱۳۳۲، صص ۳-۷

۳. اقبال، «ورقی از تاریخ مشروطه‌ی ایران، شرح حال...»، **یادگار**، س ۳، ش ۸، ص ۴۹. بنا به نوشته‌ی «تـهران مصور» این حادثه در مجاورت قهوه‌خانه «میان‌خانه» رخ داده است. ر.ک: «حزب پیراهن سپاهان مـی‌خواهـد ایران را بهشت کار و بهشت فعالیت سازد»، ***تهران مصور***، ش ۳۴۸ (۱۳۳۰/۱۲/۲۳)، ص ۷.

۴. معتضد، پیشین، ص ۲. دکتر منشی‌زاده خود معتقد بود که بین او و قوام‌السلطنه، پدرکشتگی است. ر.ک: سند شماره‌ی ۹۱ از مجموعه‌ی حاضر

۵. خانبابا مشار، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، بی‌نا، تهران بی‌نا، ۱۳۴۱، ج ۳، ص ۵۹

از سرزمین قهرمانی خودش حکایت می‌کرد.»[۱]

منشی‌زاده پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی و دوران متوسطه تا سال پنجم در دبیرستان نظام، به قصد شرکت در «امتحانات اعزام محصل به اروپا»، از آن جا بیرون آمد و سال ششم را در مدرسه‌ی متوسطه‌ی دارالفنون گذراند و پس از قبولی در امتحانات اعزام[۲] در سال ۱۳۱۰هـ‌ش[۳] از طرف دولت برای تحصیل به کشور فرانسه اعزام گردید و در دانشگاه دیژون[۴] به تحصیل پرداخت. در همین زمان به دلیل فعالیت‌ها و تبلیغاتش در بین دانشجویان ایرانی برای ایجاد حزب، از دریافت کمک هزینه‌ی ارسالی از ایران محروم شد، ولی به تحصیلات خود ادامه داد و در سال ۱۳۱۶هـ‌ش. (۱۹۳۷م) موفق به اخذ لیسانس ادبیات از آن دانشگاه گردید.[۵]

منشی‌زاده در اواخر سال ۱۹۳۷م. به آلمان رفت. این زمان با اوج فعالیت هیتلر و

---

۱. پیراهن سیاه، «رهبر من منشی‌زاده...»، **سومکا**، پیشین، ص ۱؛ هم‌چنین بنگرید به: منشی‌زاده، «مادر بزرگ از سرزمین افسانه‌ای خود برایم بگو»، **در به‌در در پی بهشت**، صص ۵۹-۶۲

۲. جلیل بزرگمهر، ***زندگی‌نامه‌ی من*** (خاطرات سرهنگ جلیل بزرگمهر)، نشر علم، تهران ۱۳۷۷، ص ۱۹۵
در بیوگرافی حزبی، به این نکته که منشی‌زاده دبیرستان نظام را ترک گفته اشاره‌ای نشده و از این دوران با غرور و بزرگ‌نمایی یاد شده است. (بنگرید به: پیراهن سیاه: «رهبر من منشی‌زاده...»، ***سومکا***، پیشین، ص ۴۹)
در اتوبیوگرافی‌های (فارسی) منشی‌زاده نیز، سخن از ترک دبیرستان نظام، به قصد شرکت در امتحانات اعزام دانشجو، نیست. (منشی‌زاده، «***اتوبیوگرافی***»، پیشین، صص ۱-۱۱، مشار، پیشین، ج ۳، ص ۵۹.) بالعکس در اتوبیوگرافی مختصر دیگری که سال‌ها بعد منتشر گردید، منشی‌زاده به تحصیل در دبیرستان نظام اشاره نکرده است:

-Bio- Bibliographis de 134 savants. (Acta Iranica 20) , Leiden , 1979 , P. 367.

۳. «حزب ناسیونال سوسیالیست ایران تشکیل شد»، ***ترقی***، س ۲۳، ش ۳۷، ص ۳
بزرگمهر سال ۱۳۱۱ (بزرگمهر، پیشین، ص ۱۹۶) و منشی‌زاده سال ۱۹۳۲م (Bio- Bibliographis ..., P. 367) را ذکر کرده‌اند.

۴. Dijon.

۵. ژوزف مارکوارت، وهرود و ارنگ. جستارهایی در جغرافیای اساطیری و تاریخی ایران شرقی. ترجمه‌ی داوودمنشی‌زاده. بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران ۱۳۶۸، ص ۱۶؛ مشار، ص ۵۹؛ «یادبود نویسندگان، دکتر داوودمنشی‌زاده، [تولد] تهران ۶ شهریور ۱۲۹۳- [فوت] اوپسالا ۲۶ تیر ۱۳۶۸»، ***مجله‌ی آینده***، س ۱۵، ص ۶۰۰

-Bio - Bibliographis ... , P . 367

در اثر زیر رشته‌ی تحصیلی منشی‌زاده، به اشتباه، «فلسفه و ریاضیات» نوشته شده است: پیراهن سیاه، «رهبر من منشی‌زاده...»، ***سومکا***، پیشین، ص ۴

حزب ناسیونال سوسیال کارگران آلمان مصادف بود. فعالیت‌های پدر دکتر منشی‌زاده در کمیته‌ی مجازات و سرنوشت او، تربیت مادربزرگ، تحصیل در دبیرستان نظام-که موجب تقویت روحیه‌ی نظامی‌گری او گردیده بود[۱] و رواج افکار ناسیونالیستی، احتمالاً درگرایش او به هیتلر و حزب نازی و پیوستنش به آن حزب نقش داشته است.[۲]

در سال ۱۳۱۷ (۱۹۳۸م.)[۳] در دانشگاه مونیخ مشغول به تحصیل در زمینه‌های ایران‌شناسی، هندشناسی و علوم اسلامی گردید.[۴] در هنگام تحصیل، به فعالیت‌های

---

۱. پیراهن سیاه، «رهبر من منشی‌زاده...»، سومکا، پیشین، ص ۴

۲. میزان علاقه‌ی شخصی منشی‌زاده را به هیتلر و حزب نازی در یکی از داستان‌های کوتاهش می‌توان مشاهده نمود. در داستان «قناری‌ها فرار کرده‌اند» که پس از شکست آلمان نگاشته شده، از زبان «ویلی» به «توم» آمده است:

«دشمن می‌گوید با ملت آلمان هیچ خصومتی ندارد، اما این رژیم، این حکومت، این حزبی راکه این‌قدر برای بزرگی آلمان، با این همه فداکاری و صداقت کارکرده، می‌خواهد از میان بردارد...«هیتلر» دیکتاتور نیست هرکس بگوید، اشتباه کرده. «هیتلر» در وسط ما، در میان ما، در آغوش ما، بوده است. تو خود به خاطر داری که چندین بار با هم در رستوران «استریا باواریا»- این رستورانی که در خیابان «شلینگ اشتراسه» مونیخ نزدیک انیورسیته است، نشسته بودیم و غذا می‌خوردیم و رئیس مملکت، رهبر حزب و شخص اول اروپا با نهایت سادگی با دو سه نفر از آجودان‌های خود به آن جا می‌آمد، غذا می‌خورد و می‌رفت.»، (منشی‌زاده، داود، «قناری‌ها فرار کرده‌اند» ***دربه‌در پی بهشت***، صص ۶۷-۶۸)

گرچه سخنان گفته شده تصویر روشنی از علاقه‌ی منشی‌زاده به حزب نازی را نشان نمی‌دهد، اما خسرو معتضد نوشته است که منشی‌زاده، هنگام تحصیل در آلمان «به عضویت حزب نازی و سازمان اس.اس آلمان در آمده و جزو داوطلبان غیر آلمانی و آریایی خارجی در زمره‌ی سربازان هنگ توفان S.S به خدمت نظامی پرداخت»، (ر.ک: خسرو معتضد، ***سراب جانشین پسر***. نشر البرز، جلد دوم، تهران ۱۳۷۴، ص ۵۵۹)

در جایی دیگر از قول منشی‌زاده نوشته شده که «من تنها ایرانی بودم که هنگام سقوط شهر برلن و خودکشی آدولف هیتلر به عنوان یکی از افسران گارد حمله در پایتخت رایش سوم حضور داشتم»، (ر.ک: منشی‌زاده، داود، «آخرین روزهای شانسلری آلمان...»، کهکشان، س ۴، ش ۳۶، ص ۵۴. این مقاله پیشتر با این ویژگی‌ها چاپ شده است: منشی‌زاده، داود، «آخرین روزهای شانسلری آلمان. (***سقوط آلمان***، از دفترچه خاطرات دکتر منشی‌زاده)»، ***اطلاعات ماهانه***، ش ۱۰ (دی ماه ۱۳۲۷)، صص ۲۹-۳۴ و ش ۱۱ (بهمن ماه ۱۳۲۷)، صص ۳۵-۴۱

روزنامه‌ی لوموند وی را عضو «جوانان هیتلری» معرفی نموده بود (ر.ک: سند شماره‌ی ۵۳ از مجموعه‌ی حاضر). و بر طبق ادعای ابراهیم رنجبر، منشی‌زاده از اعضای گروه اس. آ بوده است. (رنجبر، ابراهیم، ***واقعیت انکارنشدنی*** یا من عضو حزب سومکا بودم، اعترافات ابراهیم رنجبر عضو گروه حمله‌ی سومکا. جزوه‌ی دوم، چاپ ملی، تهران ۱۳۳۲، ص ۵ شایان ذکر است که اطلاعات رنجبر درباره‌ی حزب سومکا تا پیش از پیوستن به این حزب، کامل نیست. درباره‌ی وی بنگرید به یادداشت پاورقی ۲، صفحه‌ی ۵۹)

۳. Bio- Bibliographis..., P. 367.

۴. Ianistik, Indologie, Islamwissenschaft.

سیاسی خود ادامه داد و در مونیخ برای ایجاد وحدت ایران و افغانستان به فعالیت پرداخت و در تشکیل انجمن ایران و افغان «از دانشجویان دو کشور که مقیم آلمان بودند نقش مهمی را به عهده داشت».[۱]

از نامه‌ای که منشی‌زاده در تاریخ نهم نوامبر ۱۹۳۹ برای متین دفتری ارسال کرده است به روشنی می‌توان تأثیرپذیری او را از نژادپرستی نازیسم دریافت.[۲]

در هنگام همکاری با حزب نازی در بخش فارسی رادیو آلمان به فعالیت پرداخت.[۳] ب. کیا در این خصوص نوشته است: «هنگامی که صدای فارسی رادیو آلمان آغاز به کار کرد، ابتدا از بهرام شاهرخ که سال اول یا دوم دانشگاه بود دعوت کردند تا گویندگی را به عهده گیرد و مطالبی بنویسد؛ او نیز منشی‌زاده را دعوت به کار کرد. هنگامی که آلمان‌ها مطمئن شدند منشی‌زاده یک نازی واقعی است تقریباً همه‌ی کارها را به او سپردند. شاهرخ نیز با منشی‌زاده مشغول به کار شد».[۴]

در سال ۱۹۴۱ م منشی‌زاده برای ادامه‌ی تحصیل به برلین رفته[۵] و گزارش‌هایی حاکی از همکاری او با مطبوعات آلمانی از قبیل «سیگنال»[۶] و «دوچ دونشای» و

---

۱. پیراهن سیاه، «رهبر من منشی‌زاده...»، سومکا، پیشین، ص ۴

۲. ر.ک: سند شماره‌ی ۱ از مجموعه‌ی حاضر

۳. «اینجا برلین...اینجا برلین...، حکومت ایران آزاد در برلین»، مجله‌ی ***خواندنی‌ها***، س ۸، ش ۱۱، ص ۹؛ معتضد، جنگ نفت...، ص ۲

۴. ب کیا، ***ارتش تاریکی***، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۶، ص ۴۰؛ منابع دیگر به این نکته که مسوولیت بخش فارسی رادیو برلین با منشی‌زاده بوده است اشاره نکرده‌اند. ر.ک: معتضد، پیشین، ص ۲؛ «اینجا برلین....»، خواندنی‌ها، پیشین، ص ۹

در زندگی‌نامه‌ی «حزبی» منشی‌زاده اشاره‌ای به همکاری او با رادیو برلین نشده (پیراهن سیاه، «رهبر من منشی‌زاده...»، ***سومکا***، پیشین.) و همچنین در خاطرات نیمه تمام بهرام شاهرخ، نام منشی‌زاده نیامده است. (ر.ک: بهرام شاهرخ، «خاکستر گرم»، ***مرد امروز***، ش ۱۳۵، ۱۳۲۶/۱۱/۳.) در مصاحبه‌ی انجام شده منشی‌زاده با مجله‌های ***ترقی*** و ***تهران مصور*** نیز به این موضوع اشاره نگردیده است. ر.ک: «حزب ناسیونال سوسیالیست ایران تشکیل شد»، ***ترقی***، پیشین، ص ۱۸؛ «حزب پیراهن سیاهان...»، ***تهران مصور***، پیشین، ص ۷، همچنین ر.ک: به «***اتوبیوگرافی***» منتشر شده در: مشار، پیشین، ج ۳، صص ۵۸-۶۱

۵. Bio- Bibliographis..., P. 367.

۶. پیراهن سیاه، «رهبر من منشی‌زاده...»، ***سومکا***، پیشین، ص ۴

همچنین فعالیت وی به عنوان مدیر مؤسسه نشریات «دوچ ترلاک»[۱] نیز موجود است.

در ۱۳۲۰ (۱۹۴۲م) منشی‌زاده «از فرط علاقه، داوطلبانه وارد ارتش آلمان شد و در جنگ شرکت کرد».[۲] هفته نامه سومکا در این باره می‌نویسد: «پس از حمله‌ی ناجوانمردانه‌ی دو دشمن ملی ما ـ روس‌ها و انگلیس‌ها ـ در سوم شهریور ۱۳۲۰ و تسلیم دستگاه پوشالی حکومت وقت، رهبر که در میهن خود نمی‌توانست با دشمنان بجنگد، با چند تن از دوستان ایرانی دیگر که امروز غالباً هم‌پیمان ما هستند داوطلبانه به ارتش آلمان وارد شد و در میدان‌های خونین خاور با دشمنان وطن و نژادش نبرد کرد».[۳] گرچه بدرستی نمی‌توان میزان تأثیر اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ را در پیوستن منشی‌زاده به ارتش آلمان مشخص کرد، اما آن‌چه مسلّم است منشی‌زاده پیش از آن با علاقه‌ی شخصی به حزب نازی پیوسته بود.

در خاطرات امیر شاپور زندنیا به شرکت منشی‌زاده و عده‌ای دیگر از ایرانیان در گروه ویژه‌ای که تحت تعلیمات خاص برای فعالیت‌های خرابکارانه ـ بر علیه متفقین ـ قرار داشتند، اشاره شده است.[۴] همچنین زندنیا اشاره کرده است که منشی‌زاده در این دوران با تشکیلات تبلیغاتی آلمان‌ها هم‌کاری‌داشته در داس رایش ـ[۵] ارگان حزب ناسیونال سوسیال کارگران آلمان ـ مطلب می‌نوشته و به دلیل آشنایی با چندین زبان آسیایی ـ فارسی، ترکی، ارمنی و عبری ـ و نیز چند زبان اروپایی، به عنوان مترجم ارتش آلمان و وزارت خارجه ـ در رابطه با اسرای شوروی که بعضاً آسیایی بودند ـ هم‌کاری‌داشته است.[۶]

به هر روی هفت روز قبل از پایان یافتن جنگ دوم جهانی، هنگامی که روس‌ها در

---

۱. «حزب ناسیونال سوسیالیست ایران...» ***ترقی***، پیشین، ص ۱۸، منشی‌زاده نوشته که در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۴۱ـ ۴۵م هم‌زمان با تحصیل در دانشگاه برلین، به‌عنوان سرپرست یک مؤسسه‌ی مطبوعاتی آلمانی استخدام شده است. ر.ک:

Bio- Bibliographis...,P.367.

۲. «حزب ناسیونال سوسیالیست ایران...»، ***ترقی***، پیشین، ص ۱۸

۳. «پیراهن سیاه، رهبر من منشی‌زاده....»، ***سومکا***، پیشین، ص ۴.

۴. ***خاطرات زندنیا***، مجموعه‌ی بیات.

۵. Das Reich

۶. برای اطلاع بیشتر ر.ک: ***خاطرات زندنیا***، مجموعه‌ی سازمان اسناد ملی ایران و موسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر.

آستانه‌ی ورود به برلین بودند، ترکش نارنجک یا گلوله‌ی توپی مفصل پای او را از بین برد و به همین دلیل در بیمارستان‌های آلمان بستری گشت. پس از انجام ۲۲ عمل جراحی، بعد از دو سال از بیمارستان مرخص گردید.[۱] او در سال ۱۳۲۲ هـ ش از دانشگاه برلین به دریافت درجه‌ی دکتری فلسفه و ادبیات نایل آمد.[۲] و «در سال ۱۳۲۶ به تدریس ایران‌شناسی در دانشگاه مونیخ دعوت شد.»[۳]

در سال ۱۳۲۷ هـ ش به ایران آمد و تقاضای هم‌کاری با وزارت امور خارجه را کرد، اما ظاهراً به دلیل خدمت در تشکیلات حزب نازی، «در وزارت امور خارجه و دولت توجهی به او نشان داده نشد».[۴] در این خصوص وی در نامه‌ای که برای مجله‌ی یغما فرستاده بود، نوشت:

> «من پس از هیجده سال اقامت در ممالک اروپا، تابستان گذشته برای دیدن مادر پیر و برادران خود به ایران آمدم... وقتی که در تابستان گذشته خود را به وزارت خارجه معرفی کردم تا شاید نظر به سابقه‌ی تحصیلی و مشاغل فرهنگی که دارم خدمتی به عهده‌ی من بگذارند که مدد معاش هم باشد- چون در آلمان، امروز مخارج شخصی از مشاغل فرهنگی تأمین نمی‌شود- هزار سنگ پیش پای من گذاشتند...»[۵]

بر اساس این نامه، به نظر می‌رسد منشی‌زاده قصد ماندن در ایران را نداشته و تقاضای ارجاع شغلی «پاره وقت» را در آلمان کرده است. هم‌چنین گفته شده که در این زمان تقاضایی برای هم‌کاری با دانشگاه تهران داده، اما اولیای دانشگاه تهران با تقاضای

---

۱. پیراهن سیاه، «رهبر من منشی‌زاده...»، *سومکا*، پیشین، ص ۴: «حزب ناسیونال سوسیالیست ایران...»، ترقی، پیشین، ص ۱۸

۲. «یادبود نویسندگان، دکتر داوود منشی‌زاده...»، *آینده*، س ۱۵، ص ۶۰۰

۳. پیشین. منشی‌زاده نوشته که در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۵۰م. مشاور فارسی دانشگاه مونیخ بوده است، ر.ک:

Bio- Bibliographis...,P.367.

۴. معتضد، پیشین، ص ۲

۵. منشی‌زاده، داوود، «رژیم هیتلر صد درجه بهتر از رژیم‌های دروغی و حقه‌بازی بود»، **یغما**، س ۱، ش ۱۰ (دی ۱۳۲۷)، صص ۴۶۶-۴۶۷.

کار او موافقت نکرده‌اند.[1] از این‌رو مجدداً به آلمان بازگشت. در دوران اقامت در مونیخ با دختر یکی از استادان دانشگاه آن‌جا ازدواج کرد که حاصل آن چهار فرزند (سه پسر و یک دختر) بود.[2]

پس از بازگشت به آلمان مدتی خبرنگار روزنامه‌ی اطلاعات بود و از مونیخ مقالاتی برای روزنامه‌ی اطلاعات و مجله‌ی اطلاعات ماهانه ارسال می‌نمود.[3] او در سال ۱۳۲۸ (۱۹۵۰م.) به مصر رفت و به عنوان استاد مدّعو در دانشگاه فاروق اول در اسکندریه به تدریس زبان فارسی پرداخت[4]. در زمستان ۱۳۲۹[5] بنا به دعوت دکتر امیر مکری از اسکندریه به ایران بازگشت.[6] از این پس به مدت حدود یک دهه، زندگی منشی‌زاده با حزب سومکا پیوند می‌خورد؛ از این رو ادامه‌ی زندگی‌نامه‌ی وی در فصل بعد-تاریخچه‌ی حزب سومکا-خواهد آمد.

فعالیت‌ها و احزاب ناسیونالیستی پیش از سومکا

پیش از پرداختن به فصل بعدی شایسته است به زمینه‌های آشنایی ایرانیان با

---

۱. «دانشگاه ما ملک عده‌ی بخصوصی است و آن‌ها غیر از باند خود کسی را در آن جا به کار دعوت و قبول نمی‌کنند و رهبر ما را میان خود نمی‌پذیرفتند کما این که در سال ۱۹۴۸ که به ایران آمد، نپذیرفتند.»، «با خوانندگان»، **شیر شرق** نشریه‌ی حزب سومکا، س ۱، ش ۴۲، ص ۲

۲. ***پیراهن سیاه***، «رهبر من منشی‌زاده...»، پیشین

۳. معتضد، پیشین، ص ۲. در نوشته‌ای دیگر از همین نویسنده که به عنوان مؤخره بر مقاله‌ی «آخرین روزهای شانسلری آلمان...» آمده، اشاره شده که منشی‌زاده، «مدتی در مؤسسه‌ی اطلاعات به کار ترجمه و نویسندگی اشتغال داشت»، ر.ک: منشی‌زاده، داوود، «آخرین روزهای شانسلری آلمان»، **کهکشان**، س ۴، ش ۳۶، ص ۱۲۴

۴. «یادبود نویسندگان، دکتر داوود منشی‌زاده...»، ***آینده***، پیشین، ص ۶۰۰؛ پیراهن سیاه: «رهبر من منشی‌زاده...»، پیشین؛ «حزب پیراهن سیاهان...»، ***تهران مصور***، پیشین، ص ۷؛ «آخرین روزهای شانسلری...»، کهکشان، پیشین، ص ۱۲۴

۵. Bio- Bibliographis..., P. 367.

۶. «حزب پیراهن سیاهان...»، ***تهران مصور***، پیشین، ص ۷؛ معتضد، پیشین، ص ۲

ابراهیم رنجبر در اعترافاتش ادعا کرده که منشی‌زاده بنا به دعوت اخوی-همکار سابق منشی‌زاده در رادیو برلین-به تهران آمده است. رنجبر، پیشین، ص ۵

ب. کیا نیز نوشته است «..تعدادی از ارتشی‌ها مانند بهرام آریانا و بهارمست که به افکار او علاقه‌مند بودند واسطه‌ی عفو او شدند و او به ایران بازگشت»، کیا، پیشین، ص ۴۰

اندیشه‌های ناسیونالیستی و ناسیونال سوسیالیستی اشاره‌ی کوتاهی گردد. یادآوری این نکته ضروری است که طرح این بحث که ناسیونالیسم ایرانی از آغاز تا زمان تشکیل سومکا چه مراحلی را طی کرده، خصوصیات اصلی آن چه بوده و چه تقسیم‌بندی‌هایی را برای آن ارائه کرده‌اند، هدف این بخش نیست و تنها به عنوان پیش زمینه‌ی ورود به بحث اصلی به این موضوع اشاره خواهد شد.

آشنایی ایرانیان با اندیشه‌ی ناسیونالیسم به نیمه‌ی دوم قرن سیزدهم هجری قمری باز می‌گردد.(۱) شکست ایران در دو جنگ از روسیه که زمینه‌ساز نفوذ و دخالت کشورهای بیگانه در ایران گردید، سبب شد که برخی از دولت‌مردان ایرانی با اندیشه‌ی نوسازی ارتش، محصلانی را برای کسب علوم جدید به خارج از کشور اعزام نمایند. پیش از آن از هیئت‌های خارجی دعوت به عمل آمده بود تا نوسازی ارتش را عهده‌دار گردند. اقامت این محصلان در «فرنگ»، زمینه‌ی آشنایی آنان با تمدن غرب و مفاهیم جدید آن را فراهم آورد. تجار ایرانی و ایرانیان ساکن در دیگر کشورها گروه دومی بودند که با این مفاهیم آشنا گردیدند. اینان کسانی بودند که زمینه‌های انتقال افکار ناسیونالیستی به ایران را فراهم آوردند.(۲) از نخستین پیشگامان ناسیونالیسم ایرانی

---

۱. برخی نویسندگان به این دلیل که اجزای تشکیل‌دهنده‌ی ناسیونالیسم- اشتراک در نژاد، زبان، مذهب، محدوده جغرافیایی و آگاهی بدان‌ها- از دیرباز در ایران وجود داشته، تاریخ ظهور و وجود ناسیونالیسم ایرانی را به قرن‌ها پیش برمی‌گرداند. از جمله فرشته سرلک، در مقدمه‌ای که بر کتاب ریچارد کاتم نگاشته، طرفدار این نظریه است (ر.ک: کاتم، پیشین، صص ۱۱-۱۴) هم‌چنین در یادداشت دکتر کیهانی‌زاده در خصوص ارتباط ناسیونالیسم ایرانی با مذهب، سابقه‌ی ناسیونالیسم ایرانی به دوران ساسانیان بازگردانده شده است (ر.ک: کیهانی‌زاده، نوشیروان، «فلسفه‌ی تاریخ و ناسیونالیسم ایرانی»، روزنامه‌ی ***ایران***، س ۶، ش ۱۵۸۱، ۱۳۷۹/۵/۹، ص ۳.) کاتوزیان به کار بردن «ناسیونالیسم» را قبل از قرون شانزدهم و هفدهم میلادی و خارج از اروپا «از پیش به پس خواندن تاریخ» دانسته است. (ر.ک: محمدعلی (همایون) کاتوزیان، ***استبداد، دموکراسی و نهضت ملی***، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۲، ص ۴۷)

در خصوص پدیدار شدن ناسیونالیسم ایرانی ر.ک: کاتم، پیشین؛ میرانی، پیشین، صص ۶۰-۱۱۶؛ ابریشمی، نقد و ***بررسی ناسیونالیسم***، صص ۸۹-۹۲؛ داوری، پیشین، صص ۵۰-۵۴؛ نادر انتخابی، «ایرانیان و اندیشه ناسیونالیسم»، ایران و مدرنیته: گفت و گوهایی با پژوهشگران ایرانی و خارجی در زمینه‌ی رویارویی ایران با دستاوردهای جهان مدرن. (گفت و گوهای) رامین جهانبگلو. ترجمه‌ی حسین سامعی. نشر گفتار، تهران ۱۳۷۹، صص ۲۷-۳۸

۲. انتخابی، پیشین، صص ۲۸-۲۹. در خصوص آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های غربی و نوگرایی بنگرید به:←

می‌توان از جلال‌الدین میرزا قاجار، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، یوسف مستشارالدوله و طالبوف تبریزی نام برد.[۱] پس از جنبش مشروطه، شروع جنگ جهانی اول و اشغال ایران، موجی دیگر از ناسیونالیسم را در اندیشه‌ی آزادی‌خواهان و روشنفکران ایجاد کرد که خواهان حضور قدرت مرکزی نیرومند و جلوگیری از اغتشاش‌های داخلی و بیرون راندن قوای خارجی بودند.

کاتوزیان جریان ناسیونالیسم را در این زمان تا به سلطنت رسیدن رضاخان در سه گرایش عمده به شرح زیر معرفی کرده است. جریان نخست که به ناسیونالیسم غربی شباهت بیشتری داشت، سخت شیفته‌ی تاریخ گذشته‌ی باستانی و دشمن اعراب بود. از آن‌جا که به باور این گروه، شکست ایران در عهد ساسانی نتیجه‌ی خرافات و تاریک اندیشی مذهبی آن دوران بود، جدای از دشمنی با اعراب دارای گرایش‌های غیر مذهبی و حتی ضد مذهبی بودند. اینان «به فرآیند آهسته‌ی اصلاحات پارلمانی و قضایی چندان امیدی نداشتند». این جریان در آغاز توسط اهل قلم و شاعران به راه افتاد، ولی به زودی سیاستمداران و نظامیان وارد آن شدند. روش‌هایی که گروه جدید برای رسیدن به کمال مطلوب جستجو می‌کرد مخالف آزادی‌هایی بود که توسط اهل قلم بدیهی انگاشته می‌شد. از این رو به‌تدریج در بین این دو دسته شکاف افتاد.

جریان دوم آمیزه‌ای از «تشنج ضد استبدادی و کثرت‌گرایی غربی» و خواهان «آزادی فردی، عدالت قضایی و توزیع قدرت سیاسی» بود. این گرایش هر چند ماهیت مذهبی بارزی نداشت، اما پیروان آن به نوعی دین را محترم می‌داشتند. اشخاصی چون «میرزا حسن مشیرالدوله، میرزا حسین موتمن‌الملک و دکتر محمدمصدق‌السلطنه» نمایندگان این گرایش بودند.

جریان سوم نیز مدافع آزادی‌های فردی، عدالت قضایی و توزیع قدرت سیاسی بود

← عبدالهادی حائری، ***تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق***، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۰، فصل نخست.

عبدالهادی حائری، ***نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایرانی با دو رویه تمدن بورژوازی***، امیرکبیر تهران ۱۳۶۷، بخش دوم

۱. انتخابی، پیشین، ص ۳۱

و بدین جهت به جریان دوم شباهت نزدیک‌تری داشت. گرایش‌های دوم و سوم «بیشتر برای حقوق مدنی و حیثیت ملی مردم اهمیت قایل بودند تا شکوه و جلال آن‌ها.» اختلاف عمده‌ی جریان سوم با جریان دوم در گرایش بارز آن به مذهب، تأثیرپذیری کمتر از اروپا، تندروی و انعطاف‌ناپذیری‌اش بود. کاتوزیان افرادی چون «محمد هاشم میرزا افسر (شاعر)، میرزا هاشم آشتیانی، سیدابراهیم ضیاءالواعظین، شیخ محمدعلی تهرانی، فیروزآبادی، حائری‌زاده، کازرونی، ملک الشعرای بهار، که جایگاه ثابتی نداشت، و مهم‌تر از همه سیدحسن مدرس» را در این طیف قرار داده است.(۱)

با به قدرت رسیدن رضاخان، نوعی ناسیونالیسم باستان‌گرا، نژادپرست، مخالف دموکراسی و غیر دینی ترویج شد(۲) که بر برخی احزاب دوران بعد تأثیرهای خود را بر

---

۱. محمدعلی (همایون) کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران: استبداد و شبه مدرنیسم ۱۳۰۵-۱۳۵۷. ترجمه‌ی محمدرضا نفیسی، پاپیروس، جلد۱، تهران ۱۳۶۶، ج ۱: ***از مشروطیت تا سقوط رضاشاه***، صص ۱۱۶-۱۲۳

۲. خصلت غیر مذهبی ناسیونالیسم رضاشاهی، رفته رفته رنگ ضد مذهبی به خود گرفت. ر.ک. عطاء الطائی، پیشین، صص ۱۵۶-۷). در خصوص فعالیت‌های باستان‌گرایانه‌ی دوره‌ی رضاشاه بنگرید به: داوری، پیشین، صص ۵۶-۵۷؛ احسان طبری، ***ایران در دو سده‌ی واپسین***، توده، تهران ۱۳۶۰، صص ۲۴۰-۲۴۳؛

شهید مطهری در قسمت‌های مختلف بخش اول اثر زیر، ناسیونالیسم باستانگرا را از دیدگاه اسلام نقد کرده است: مرتضی مطهری، ***خدمات متقابل اسلام و ایران***، صدرا، قم، چاپ هشتم.

هم‌چنان که پیش از این گفته شد در خصوص موضع‌گیری ناسیونالیسم ایرانی در برابر مذهب، ارائه یک حکم کلی صحیح به نظر نمی‌رسد. در واقع افرادی با هر سه گرایش مذهبی، غیر مذهبی و ضد مذهبی در بین ناسیونالیست‌های ایرانی دیده می‌شوند. علی رغم این نکته، گاه احکام کلی در خصوص پیوند ناسیونالیسم ایرانی با مذهب ارائه گردیده است. از جمله بنگرید به:

ابریشمی، پیشین، ص ۹۰؛ کیهانی‌زاده، پیشین، ص ۳؛ کاتم، پیشین، ص ۲۰۲. شایان ذکر است که کاتم در خصوص آن‌چه دلیل پاسخ مثبت شیعه به ناسیونالیسم ایرانی می‌داند به خطا رفته و به سخنان مشکوک استناد کرده است. (برای آگاهی از نقد و بررسی آن آرا ر.ک: مطهری، همان، صص ۱۲۰-۱۳۲)

در آثار زیر شواهد و دلایلی مبنی بر مخالفت ناسیونالیسم و اسلام آورده شده است: علی‌محمد نقوی، پیشین؛ ضیاءالدین احمد، ***نگاهی به جنبش ناسیونالیسم عرب***، ترجمه‌ی حیدر بوذرجمهر، وزارت ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۶۵، صص ۱۳۵-۱۴۴؛ عطاءنجاح، الطایی، پیشین، صص ۱۸۳-۱۹۱

داوری، پیشین، صص ۱۱۴-۱۱۶

شهید مطهری در خصوص موضع‌گرایی اسلام در مقابل ناسیونالیسم نوشته است: «ناسیونالیسم را نباید به طور کلی محکوم کرد. ناسیونالیسم اگر تنها دارای جنبه‌ی مثبت باشد، یعنی موجب همبستگی بیشتر و روابط حسنه‌ی بیشتر و احسان و خدمت بیشتر به کسانی که با آن‌ها زندگی مشترک داریم، بشود، ضد عقل و منطق نیست و از ←

جای گذاشت، اما به هر روی ماهیت استبدادی حکومت رضاشاه اجازه‌ی فعالیت‌های حزبی را نداد. از همین رو دو حزب ناسیونالیست میانه رو دست راستی «ایران جوان» و «ضد اجنبی»، که با به قدرت رسیدن رضاشاه به وجود آمده بودند، فعالیتشان در خلال سلطنت وی ممنوع گردید.[۱]

زمینه‌ی آشنایی ایرانیان با افکار ناسیونال سوسیالیستی به دوران رضاشاه و اوج فعالیت حزب نازی در آلمان باز می‌گردد. در انتقال این افکار به ایران، نقش دانشجویانی که برای تحصیل در آلمان به سر می‌بردند قابل بررسی است. گروهی از این افراد نه تنها به حزب نازی پیوستند که حتی تنی چند از آنان، سال‌ها پس از سقوط آلمان هیتلری، به ایده و اندیشه‌ی ناسیونال سوسیال وفادار ماندند.

هم‌چنین طیفی دیگر از طرفداران این اندیشه در ایران فعالیت داشتند. از جمله‌ی این فعالیت‌ها انتشار روزنامه‌ی «ایران باستان» به مدیریت «سیف آزاد» در سال‌های ۱۳۱۱-۱۳۱۲هـش بود. نامه‌ی ایران باستان در خلال آن سال‌ها، به تبلیغ حزب نازی و اندیشه‌ی ناسیونال سوسیال پرداخته[۲] و هم‌چنان که از نامش بر می‌آید، در همان حال مُبلّغ نوعی ناسیونالیسم باستان‌گرای افراطی بود.

در بین احزاب پدید آمده در اوایل دهه‌ی بیست، «حزب کبود» به رهبری حبیب‌الله نوبخت، ضمن تبلیغ همان نوع از ناسیونالیسم، متمایل به ایده‌ی ناسیونال سوسیال بود و حتی گزارش‌هایی از فعالیت‌های این حزب به عنوان ستون پنجم آلمان نازی نیز موجود است.[۳]

← نظر اسلام مذموم نمی‌باشد.... ناسیونالیسم آنگاه عقلاً محکوم است که جنبه‌ی منفی به خود می‌گیرد یعنی افراد را تحت عنوان ملیت‌های مختلف از یک‌دیگر جدا می‌کند و روابط خصمانه‌ای میان آن‌ها به وجود می‌آورد و حقوق واقعی دیگران را نادیده می‌گیرد»، (مطهری، پیشین، ص ۶۲). به هر روی با توجه به عملکرد و اعتقادات ناسیونالیست‌ها، شهید مطهری در قسمت‌های مختلف کتاب یاد شده ارکان ناسیونالیسم و بخصوص ناسیونالیسم باستان‌گرای ایرانی را نقد کرده است.

۱. Banani , A. "[Hizb in] Persia ,Ec.Islam" , P. 528.

در اثر زیر به حزب ایران جوان اشاره‌ی مختصری شده است: مدیر شانه‌چی، پیشین، صص ۵۴-۵۵.

۲. جامی، ن، ***گذشته چراغ راه آینده است***. ققنوس، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۲، صص ۷۰- ۷۱

۳. همان، صص ۷۶-۷۹ در خصوص این حزب همچنین بنگرید به: خسرو پناه، محمدحسین، ***سازمان افسران حزب توده ایران ۱۳۲۳-۱۳۳۳***، شیرازه، تهران ۱۳۷۷، صص ۱۳-۱۷

حزب ناسیونال سوسیالیست آریا، گرچه در آغاز فعالیتش توسط سرلشکر حسن ارفع تقویت و پشتیبانی می‌شد[۱] و در دوران مختلف فعالیتش به دربار وابستگی داشت، اما دست کم به طور ظاهری، دارای تمایلات شبه نازیستی بود. احزاب سه‌گانه‌ی «پان ایرانیست»، «ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم» ـ بعدها حزب ملت ایران ـ و «جان سپاران میهن»، همگی دارای اندیشه‌های ناسیونالیستی بودند.[۲] افراطی‌ترین و در واقع مشخص‌ترین حزب ناسیونال سوسیالیستی ایران، حزب سومکا بود که در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۳۷ به طور متناوب در ایران فعالیت می‌کرد.[۳]

گذشته از احزاب نام برده، ناسیونالیسم و یا دست کم شکل‌هایی نزدیک به آن در فعالیت‌های برخی از جمعیت‌ها و حرکت‌های سیاسی دیگر نیز دیده می‌شود که شرح آن‌ها مجالی دیگر می‌طلبد.

---

۱. نجاتی، غلامرضا، ***تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران (از کودتا تا انقلاب)***، ج ۱، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۱، ص ۴۸؛
فردوست، پیشین، جلد اول، ص ۱۴۱؛ تفرشی، مجید؛ طاهراحمدی، محمود، گزارش‌های محرمانه شهربانی، جلد اول، سازمان اسناد ملی ایران، تهران ۱۳۷۱، صص ۳۸۳-۳۸۴ و ۴۹۸-۴۲۹

۲. ر.ک: رزمجو، پیشین، ص ۸۷

۳. کاتوزیان معتقد است که در دهه‌ی ۳۰ تنها احزاب پان ایرانیست و سومکا دارای اندیشه‌های ناسیونالیستی بوده‌اند. محمدعلی (همایون) کاتوزیان، ***اقتصاد سیاسی ایران: استبداد و شبه مدرنیسم ۱۳۰۵-۱۳۵۷***، جلد دوم، سلطنت محمدرضا شاه، ترجمه‌ی محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، پاپیروس، تهران ۱۳۶۸، ص ۵۰

فصل دوم

تاریخچه و عملکرد سومکا

تشکیل حزب سومکا

نکته‌ی قابل ذکر در آغاز این بخش، پیچیده شدن بحث چگونگی تشکیل حزب سومکا و وابستگی حزب، است. به بیان دیگر منابع هم‌عصر سومکا و هم‌چنین نویسندگان و محققان بعدی ـ به‌جز موارد نادری که به آن‌ها اشاره خواهد شد ـ با توجه به عملکرد حزب نتیجه گرفته‌اند که سومکا، حزبی فرمایشی است و به دستور دربار، دولت وحتی نیروهای خارجی به وجود آمده و به این صورت با ذکر وابستگی حزب، تلویحاً به تشکیل آن اشاره کرده‌اند.

از جمله منابعی که به دست داشتن نیروهای خارجی و دربار، در تشکیل سومکا اشاره کرده، روزنامه‌ی «نوید آینده» بود که تشکیل حزب را «به تأیید امپریالیسم خارجی و دربار» می‌دانست.(۱) در یکی از تحقیقات جدید نیز اشاره شده که ارفع گرداننده

---

۱. به نقل از: سومکا، س ۱، ش ۱ (۱۳۳۱/۴/۱۴)، ص ۳. حتی در جایی سومکا «حزبی که خود شاه تشکیل داده» معرفی شده است. رک: محمدناصر صولت قشقایی، ***سال‌های بحران***، خاطرات روزانه‌ی محمدناصر صولت قشقایی از فروردین ۱۳۲۹ تا آذر ۱۳۳۲، به تصحیح و کوشش مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۶۶، صص ۳۵۲ـ۳۵۳. از این گونه موارد بسیار است، برای نمونه چلنگر درکاریکاتوری که علیه سومکا کشیده این شعر را نوشته که در آن سومکا دست‌نشانده شاه و میدلتون (کاردار انگلستان) معرفی شده است:

آن بام بلندانا — این ساطور سلطانا
آن دست میدلتانا — این عده‌ی سومکانا

به نقل از: «دروغهایی....»، سومکا، س ۱، ش ۱۰، ص ۲، در شماره‌ای دیگر چلنگر سراییده بود:

شکایت کرد پیش خان به زاری رهبر سومکا — که از ما بندگی زیبد، ز خان لطف و وفاداری

←

سومکا- به عنوان یکی از سه حزب وابسته به استعمار انگلیس- بوده است.[۱]

گروهی دیگر به نوعی این حزب را وابسته به تشکیلات ارتشی‌های افراطی و بالطبع دربار معرفی کرده‌اند. از جمله ب. کیا به نقش آنان در تشکیل حزب اشاره کرده و نوشته است: «تشکیلات ارتشی‌های افراطی مایل بودند یک حزب افراطی دست‌راستی در مقابل حزب توده و جبهه‌ی ملی تشکیل شود. داوودمنشی‌زاده برای این کار بهترین انتخاب بود.»[۲]

ابراهیم رنجبر- عضو اخراجی سومکا-[۳] حزب را ساخته‌ی سرهنگ پاکروان رئیس

← فدای قبله‌ی عالم هزاران همچو من رهبر هزاران همچو من منشی فدای حضرت والا
مرا گفتی علم کن حزب، کردم با همه قدرت یکی با پول شد حاضر، یکی با وعده شد اغوا...

به نقل از «دروغهایی...»، سومکا، ش ۳۹ (۱۳۳۲/۲/۲۹) ص ۱. روزنامه‌ی بنی‌آدم نیز حزب را وابسته به آمریکا دانسته و نوشته بود:

... نمی‌گویی چرا این ینگه دنیا سرکار آورد هیتلریان را

به نقل از: «دروغهایی ...»، سومکا، س ۱، ش ۲ (۱۳۳۱/۴/۲۳)، ص ۴. در خصوص شایعه ارتباط آمریکایی‌ها با سومکا هم‌چنین بنگرید به اسناد شماره‌ی ۴ و ۱۱۳ در مجموعه‌ی حاضر.

۱. دو حزب دیگر، حزب افق آسیا و حزب آریا معرفی گردیده‌اند. ر.ک: فردوست، پیشین، ج ۲، ص ۴۴۰. به این نظریه در اثر زیر نیز استناد گردیده است: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ***رجال عصر پهلوی، کتاب اول، داریوش همایون***، ص ۱۶

گرچه در آثار فوق، سندی در این خصوص ارائه نگردیده است، اما این موضوع نفی‌کننده‌ی ارتباط بعدی دستِ کم برخی اعضای مهم سومکا با سرلشکر ارفع نیز نمی‌باشد. (در خصوص این ارتباط رک: سند شماره‌ی ۱۱۲) هم‌چنین سند شماره‌ی ۱۲۱ نشانگر نظر مساعد سرلشکر بهارمست نسبت به سومکا می‌باشد.

گزارش تایید نشده‌ی دیگری حاکی از ارتباط سومکا با یک سازمان فاشیستی در عراق و ارتباط منشی‌زاده با انگلیسی‌ها است. (رک: سند شماره‌ی ۵۶ از مجموعه‌ی حاضر)

پژمان نیز ادعا کرده که این حزب به یاری انگلیسی‌ها و برای مقابله با حزب پان ایرانیست تشکیل گردیده بود. (نک: عیسی پژمان، ***اسرار قتل و زندگانی شگفت‌انگیز سپهبد تیمور بختیار***، انتشارات ژن، پاریس ۱۹۹۱ (اردیبهشت ۱۳۷۰)، چاپ دوم، ص ۱۹۱

۲. کیا، پیشین، ص ۴۰

۳. به نظر می‌رسد وی، دستِ کم در زمان نگارش اعترافاتش، به حزب توده گرایش داشته است. برای نمونه وی در قسمتی از خاطراتش «افراد ملت» را «توده‌ای» دانسته و نوشته است: «... عوامل شناخته شده‌ی انگلستان که همیشه در مقابل مردم صف می‌بستند و می‌خواستند به اربابان داخلی و خارجی خود ثابت کنند که در مقابل صف مردم ایستادگی می‌کنند، به این خیال افتادند که در مقابل حزب توده‌ی ایران صفی بسته، برای مبارزه با افکار ملت، خود را مهیا کنند، ولی ملت به آن‌ها میدان فعالیت نمی‌داد»، رنجبر، پیشین، ص ۱

رکن ۲، دانسته[1] و هم‌چنین منبع تأیید نشده‌ی دیگری به دست داشتن ارتشی‌های افراطی طرفدار دربار در تشکیل سومکا، اشاره کرده است.[2] حتی در مواردی، سومکا حزبی دولتی دانسته شده بود. از جمله، یکی از نمایندگان مجلس ضمن سؤالی از وزیر کشور در خصوص برقراری حکومت نظامی، پرسیده بود که «این‌ها [اعضای سومکا] را در شهربانی، توی دستگاه دولت، کجا باید پیداشان کرد...».[3] این تشتّت آرا تا حدی است که برای نمونه یک هفته‌نامه، در یک شماره، سومکا را وابسته به دولت و در شماره‌ی دیگر درباری خواند.[4]

هفته‌نامه‌ی مرد آهنین-که در این زمان ناشر افکار حزب سومکا بود-در این خصوص چنین نگاشت:

> «حزب سومکا و جراید: در هفته‌ی گذشته به یکباره از طرف روزنامه‌های روسی و انگلیسی و آمریکایی حملاتی به حزب سومکا شد و هر کدام از آن‌ها حزب سومکا را وابسته به سیاست [دولت] دیگر دانستند. مثلاً روزنامه‌های آمریکایی این حزب را وابسته به روس‌ها و روزنامه‌های انگلیسی آن را وابسته به دولت و

---

۱. پیشین، هم‌چنین نشریه‌ی ***دنیای امروز***، سرهنگ دیهیمی و رکن ۲ را ایجادکننده‌ی سومکا معرفی کرده بود. به نقل از: «دروغ‌هایی که...»، ***سومکا***، س ۱، ش ۲۴ (۱۳۳۱/۹/۲۳)، ص ۲

۲. بنگرید به بخش سومکا، توطئه‌ی قتل افشار طوس و کودتا در همین فصل

۳. سؤال حائری‌زاده از وزیر کشور، صورت مشروح مذاکرات مجلس، روز سه‌شنبه بیست و نهم مهرماه ۱۳۳۱ مذاکرات مجلس شورای ملی، ج ۳۰، س ۸، ش ۲۲۴۳ (۱۳۳۱/۸/۶)، ص ۸

شهباز ضد استعمار، نوشته بود «مصدق دارودسته‌ی مسلح و فاشیستی سومکا را تقویت می‌کند»، (به نقل از: «دروغ‌هایی که...»، ***سومکا***، س ۱، ش ۳۰ (۱۳۳۱/۱۲/۳)، ص ۴.) همچنین رک: سند شماره‌ی ۱۱۹ از مجموعه‌ی حاضر.

۴. شب چراغ «کاریکاتوری از نخست‌وزیر کشیده که با دو دست، به حکومت نظامی از یک طرف و افراد سومکا از طرف دیگر اشاره می‌کند و می‌گوید: «یا حکومت نظامی! یا سومکا! ملت در انتخاب یکی از این دو تا مختار است»»، به نقل از: ***سومکا***، ش ۱۱ (۱۳۳۱/۶/۲۲)، ص ۱.

در شماره‌ای دیگر، شب چراغ کاریکاتوری را چاپ کرد که در آن شاه بر کرسی سلطنت نشسته و ساطوربندان سومکا و بقایی در آن‌جا ایستاده‌اند و در شرح آن نوشته شده بود: «خولی [= شاه]، این سومکا الاعرج [= منشی‌زاده] را فراخواند. اعرج عصازنان گامی پیش نهاد و نعره‌ای گوش‌خراش سرداد که یا امیرالمنافقین...»، به نقل از پیشین، ش ۱۴ (۱۳۳۱/۷/۳)، ص ۲

روزنامه‌های روسی آن را وابسته به آمریکایی‌ها دانستند...».[۱]

این سردرگمی، حتی در بین هواداران رجال آن روز نیز موجود بوده است. منشی‌زاده در اعلامیه‌ای این گونه آورده بود:

«یک مشت از دارودسته‌ی قوام که تصور آن را کرده بودند که حزب من برای تضعیف دولت دکتر مصدق و شکست ایران در برابر دشمن خون‌آشام ما انگلیسی‌ها روی کار آمده و پیش خود چنین می‌اندیشیدند که ما به کمک مراجع غیرمسؤول و انگلیسی‌ها یا آمریکایی‌ها روی کار آمده‌ایم، از ما توقع همکاری داشتند...»[۲]

از دیگر سو در برخی آثار غیرحزبی،[۳] از سومکا به عنوان «حزب ناسیونالیست تندرو»،[۴] «افراطی‌ترین گروه ناسیونالیسی» آن دوره، «گروه معدود اما بسیار پرشور و حتی خشن از جوانان نازی ایران» که رهبرشان منشی‌زاده «بدان منظور به ایران بازگشته بود تا مبارزه‌ی نازی (ضد شوروی، ضد انگلیسی و ضد آمریکایی) را در چارچوب [یک] نهضت [نازیستی] سازماندهی کند»[۵] یاد شده است.

در نوشته‌ها و سخنرانی‌های حزبی، تاریخ پایه‌گذاری سومکا به شب دهم اردیبهشت سال ۱۳۳۰ باز می‌گردد. منشی‌زاده در این زمینه نوشته است:

«هیچ فراموش نمی‌کنم در شب دهم اردیبهشت ماه سال گذشته که من برای اولین

---

۱. «خبرهای کشور»، **مرد آهنین**، س ۲، ش ۴۰ (۱۳۳۱/۳/۱۲)، ص ۴. هم‌چنین گفته شده است که: «ما [= سومکایی‌ها] را «درباری» خواندند، ما را «پلیس مصدق» دانستند. ما را «همکار انگلیسی‌ها و عمال آن‌ها» شمردند، ما را «جیره‌خوار بی‌آزرم سفارت آمریکا» عنوان دادند، ما را «مؤتلف نفتی توده‌ای‌ها» نامیدند.» پیراهن سیاه: «ما پیمان خود را با هموطنان تجدید می‌کنیم، ما از هر ائتلافی، جز با ملت خود، می‌پرهیزیم.» **سومکا**، س ۱، ش ۳۴، (۱۳۳۲/۱/۲۶)، ص ۱، شواهد از این دست، کم نیستند.

۲. رک: سند شماره‌ی ۹۱

۳. منابع حزب سومکا، خود را وابسته معرفی نمی‌کرد

۴. مسعود بهنود، ***از سیدضیاء تا بختیار (دولت‌های ایران از سوم اسفند ۱۲۹۹ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷)***، علمی، تهران ۱۳۷۰، چاپ پنجم، ص ۳۴۲

۵. همایون کاتوزیان، **مصدق و نبرد قدرت**، ترجمه‌ی احمد تدین، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۷۱، ص ۱۷۶

بار نقشه‌ی آینده‌ی سیاسی خود را پیش دو نفر[۱] دیگر گشودم، این دو نفر با آن‌که به زندگی و افکار من نسبتاً وارد بودند، با چشم‌هایی پر از دلسوزی و تفقد به من می‌نگریستند و لبخند می‌زدند و در دل خود می‌گفتند این مرد دیوانه شده والا چطور می‌توان بدون پشت‌گرمی به جایی، بدون سرمایه و زد و بند سیاسی... یک جمعیت سیاسی تشکیل داد.»[۲]

نکته‌ای که نباید فراموش کرد آن است که دعوت‌کنندگان منشی‌زاده، دست کم چند ماه پیش از برگزاری این جلسه، تصمیم به تشکیل حزب گرفته بودند و بر این اساس به نظر می‌رسد شالوده‌ی حزب در سال ۱۳۲۹ پی‌ریزی شده بود.[۳]

در تاریخچه‌ی مختصری که توسط رکن دوم ستاد ارتش در بیست و هشتم مرداد سال ۱۳۳۱ تهیه گردیده، در خصوص گردانندگان اولیه‌ی حزب آمده است:

«در ابتدای کار، هفت نفر افراد زیر حزب را اداره می‌کردند. ۱ـ داوود منشی‌زاده ۲ـ [منوچهر امیر] مکری ۳ـ [منوچهر] فروتن. ۴ـ [پرویز] فروتن. ۵ـ [حسین]

۱. یکی از این دو نفر کاظم معصوم‌خانی (رک: منشی‌زاده، داود، ***خطابه‌های رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران از تاریخ آبان ماه ۱۳۳۰ تا اسفند ۱۳۳۰***، انتشارات فرهنگ سومکا، سری یکم، دفتر پنجم، تهران [پلی‌کپی]، ص ۱۴.) و دیگری دکتر منوچهر امیرمکری بوده‌اند.

۲. منشی‌زاده، داوود، «این نهضت خدایی با قدرت روزافزونی در تزاید و تموج است»، ***سومکا***، س ۱، ش ۲۵ (۱۳۳۱/۱۰/۲۷)، ص ۱. هم‌چنین رک: «در دنیای دشمن، برای تاریخچه حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران»، ***سومکا***، س ۱، ش ۲۱ (۱۳۳۱/۸/۲۹)، ص ۲

۳. البته منشی‌زاده تاریخ پایه‌گذاری حزب سومکا را در پنجم ژوئن سال ۱۹۳۶ دانسته و آن را ادامه‌دهنده‌ی راه حزبی که در آلمان تشکیل داده بود معرفی می‌کرد. رک: منشی‌زاده، داوود، «ما پشت دشمنان خود را به لرزه درآورده‌ایم و بالاخره آن‌ها را خواهیم کوفت»، ***سومکا***، س ۱، ش ۲۲ (۱۳۳۱/۹/۶) صص ۱ و ۲

تربتی سنجابی درباره‌ی تشکیل حزب سومکا، از قول زندنیا، نوشته است: «در سال ۱۳۲۹ عده‌ای از جوانان ضد کمونیست به اسامی منوچهر امیرمکری، حسین ضرابی، پرویز فروتن، منوچهر فروتن، منوچهر فرهنگی، محمودیان، کامکار، فاتح، منوچهر البرزی، شباهنگ، هوشنگ سپهر، خانم لادبن، خانم خرزی [حزبی] تأسیس کردند که نام... (سومکا) بر آن نهادند و منوچهر امیرمکری را به قائم‌مقامی آن تعیین نمودند... داوود منشی‌زاده... پس از این که به ایران آمد به رهبری این حزب انتخاب شد.» (تربتی سنجابی، پیشین، صص ۲۲۳-۲۲۴).

در اثر دیگری از این نویسنده آمده است که سومکا «ابتدا به دعوت منوچهر امیرمکری و حسین ضرابی تشکیل شد...»، رک: تربتی سنجابی، محمود، ***کودتاسازان***، مؤسسه‌ی فرهنگ کاوش، تهران ۱۳۷۶، ص ۱۵۲. معتضد نیز پایه‌گذاری سومکا را در اواخر سال ۱۳۲۹ ذکر کرده است. رک: معتضد، ***سراب جانشین*** پسر، ج ۲، صص ۵۵۹-۵۶۰

ضرابی ۶- [فضل‌الله] محمودیان ۷- [هوشنگ] سپهر. در عین حال آقایان [نظام‌الدین] اخوی [و] اخوان با این حزب همکاری نزدیک داشته‌اند و این دو را می‌توان جزء کارگردانان اصلی قلمداد نمود.»[۱]

تاریخچه‌ی حزبی نیز اشاره می‌کند که حزب با هفت عضو شروع به کار کرد.[۲]

برای آشنایی بیشتر با چگونگی تشکیل حزب سومکا باید به فعالیت‌های قبلی این اشخاص اشاره شود. زندنیا در خاطراتش گفته است که در سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۲۸ گروهی ناسیونالیست، بدون تشکل و سازماندهی خاص، دور هم جمع می‌شدند و در انتشار روزنامه‌ی ساسانی فعالیت داشته و مطالب آن روزنامه را تهیه می‌کردند. اعضای آن گروه عبارت بودند از: منوچهر امیرمکری، کاظم معصوم‌خانی، صادق بهداد، حسین ضرابی، فضل‌الله محمودیان، منوچهر فروتن، پرویز فروتن، منوچهر فرهنگی، قوام‌زاده، دکتر شباهنگ، مهندس خسروی و دکتر حمزوی.[۳]

برخی از این افراد از جمله امیرمکری، مهندس صدر، دکتر شباهنگ، دکتر حمزوی و مهندس اعتمادی زمینه‌ی آشنایی‌شان با دکتر منشی‌زاده به دوران اقامتشان در آلمان و

---

۱. رک: سند شماره ۸۱ در مجموعه حاضر

۲. «در دنیای دشمن...»، سومکا، پیشین، ص ۲. «حزب پیراهن سیاهان...»، ***تهران مصور***، پیشین، ص ۷

۳. خاطرات زندنیا، هر سه مجموعه. پزشکپور نیز به وجود تشکلی از دوستان صادق بهداد (منوچهر امیرمکری، کاظم معصوم‌خانی، حسین ضرابی و فضل‌الله محمودیان) اشاره کرد و گفت که این اشخاص- بخصوص امیرمکری- با روزنامه‌ی ساسانی همکاری داشتند و از لحاظ فکری به پان ایرانیسم نزدیک بودند. وی همچنین اشاره کرد که به‌جز بهداد، در مجموع این جمع تمایلات ناسیونالیستی نزدیک به راسیسم داشتند. شاید به این دلیل بود که دکتر منشی‌زاده را به ایران فراخواندند. (مصاحبه با محسن پزشکپور).
در سندی که به تازگی منتشر شده، یکی از اعضای پیشین حزب سومکا، چنین نوشته است: «مبارزه‌ی ما با چند دانش‌آموز و دانشجو شروع شد. گروهی مکتب پان ایرانیست را به وجود آوردند و چند نفری گروه نجات ملی را. گروه نجات ملی که عمر آن کوتاه بود منحل شد و ناسیونالیست‌های آن نیز عده‌ای به مکتب پان ایرانیست گرایش پیدا کردند و عده‌ای دیگر در پیدایش حزب سومکا مؤثر بودند. گروه نجات ملی که آن روزها از چند دانشجو و چند دانش‌آموز تشکیل می‌شد عبارت بود از آقایان: ضیاء مدرسی...، شاپور زندنیا...، داریوش همایون...». ***رجال عصر پهلوی***، کتاب اول، داریوش همایون، ص ۷۲
به نظر می‌رسد اطلاعات این گزارش‌دهنده (حسن پارسا) کامل نباشد، افراد نام‌برده همگی پس از تأسیس سومکا بدان پیوسته‌اند.

هم‌کاری آن‌ها در ارتش آن کشور باز می‌گشت.[۱]

خبرنگار «تهران مصور» نیز به این موضوع اشاره کرده بود:

«در فروردین سال ۱۳۳۰ عده‌ای از جوانان ایرانی که در زمان جنگ، در زیر بمباران‌های سهمگین متفقین در جبهه‌های شرق و غرب آلمان به سر می‌بردند یا در دستگاه‌های مؤثر آلمان هیتلری کار می‌کردند، بتدریج به تهران آمده درصدد تشکیل حزبی برآمدند که ایران را از چنگال اجنبی و از این همه فلاکت و بدبختی نجات دهند.»[۲]

با توجه به مطالب عنوان شده به طرح این پرسش می‌پردازیم که آیا در تشکیل و هدایت حزب سومکا، ارتشی‌های افراطی یا عوامل دربار نقش داشته‌اند؟ بیشتر کسانی که به این پرسش پاسخ مثبت داده‌اند، سند معتبری برای اثبات مدعای خود ارائه نکرده‌اند و نظرشان یا به خاطر تضاد منافع[۳] یا براساس برخی فعالیت‌های ضد دولت وقت سومکا[۴] یا عضویت برخی افراد وابسته به دربار و عناصر مشکوک[۵] در حزب، استوار بوده است.

با این حال بعید نیست برخی از اعضای اولیه سومکا پیش از تشکیل حزب یا آغاز فعالیت حزبی به دربار وابستگی ـ و دستِ کم تعلق خاطر ـ داشته‌اند. در قسمت‌های بعد به این نکته اشاره خواهد شد که از جمله دلایل نخستین منشعبین سومکا، وفاداری به اصل سلطنت بود، هم‌چنین گمارده شدن برخی از افراد ذکر شده به مناصب و

---

۱. رک: خاطرات زندنیا، در سند شماره‌ی ۴ نیز به این نکته اشاره گردیده است که «افسرانی که در آلمان تحصیل کرده‌اند یا این‌که زیردست آلمانی‌ها کار کرده‌اند این حزب را تقویت می‌کنند.»

۲. «حزب پیراهن سیاهان...»، ***تهران مصور***، پیشین، ص ۷

۳. نویسندگان چپ را باید در این گروه قرار داد. از جمله بنگرید به: عبدالصمد کامبخش، ***نظری به جنبش کارگری در ایران***، بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا، بخش دوم، ص ۸۱. جزنی، بیژن، ***تاریخ سی ساله‌ی ایران***، [تهران، بی‌نا، ۱۳۵۷]، ص ۹۳ (در این اثر دربار، کمک‌رساننده به حزب سومکا دانسته شده است.)

۴. این موضوع بخصوص در آثار مخالفین هم‌دوره‌ی سومکا به چشم می‌خورد، ولی با توجه به سیاست ناپایدار سومکا در قبال دولت و دربار و وجود افرادی موافق یکی از آن‌ها در سطوح بالای حزبی، پایه‌های این استدلال قوی نیست. (برای نمونه ر.ک. صفحات ۵۷ـ ۶۲) ذکر این مطلب بدان معنی نیست که نتیجه‌ی فعالیت‌های سومکا را، در مجموع، به نفع دربار و سیاست‌های دولت‌های استعماری ندانیم.

۵. رک: ***رجال عصر پهلوی***، کتاب اول، داریوش همایون، ص ۱۶

مسؤولیت‌هایی[۱] پس از کودتای ۲۸ مرداد، مؤید این مطلب باشد.[۲] به هر روی به نظر نمی‌رسد که منشی‌زاده مستقیماً توسط افسران برجسته و افراطی ارتش به ایران فراخوانده شده باشد و این دعوت از جانب گروهی ناسیونالیست افراطی، که از قبل با روحیات، عقاید و توانایی‌های[۳] منشی‌زاده آشنایی داشته‌اند، صورت پذیرفته است. با

۱. از جمله داریوش همایون در دولت آموزگار، وزیر اطلاعات شد. (در خصوص وی بنگرید به منبع ذکر شده در یادداشت قبلی و هم‌چنین رک: کاظمینی، [صفاءالدین تبرائیان]، «بازشناسی نقش عناصر ذی‌نفوذ در دوره‌ی زمامداری پهلوی دوم، فراز و فرود داریوش همایون از سومکا تا وزارت اطلاعات و جهانگردی»، ***کار و کارگر***، ۱۳۷۵/۹/۶، ص ۱۱). فضل‌الله محمودیان به ریاست کل راه‌آهن دولتی ایران رسید. وی در زمان تصدی پست مدیرکلی نظارت بر مؤسسات برق، نشان درجه‌ی چهارم همایون را دریافت کرده بود. (رک: اسناد شماره‌ی ۲۶-۲۵۷-۱۴۵د، ۲۸-۷۳۹-۱۴۵د، آرشیو مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر.) امیرمکری پس از کودتا مدتی با جهانگیر تفضلی (***رجال عصر پهلوی***، کتاب اول، داریوش همایون، صص ۱۰۶ و ۱۲۳) و مدتی با تیمور بختیار هم‌کاری نمود. منوچهر کیان به استخدام شهربانی درآمد و در زمره‌ی افسران ارشد، مدتی رئیس گارد هویدا بود. (رک: خاطرات زندنیا). گفته شده است که علی‌نقی عالیخانی، وزیر اقتصاد، در کابینه‌ی علم (۱۳۴۱-۲) نیز از اعضای پیشین سومکا بوده است. (بهنود، از ***سیدضیاء تا بختیار***، ص ۴۸۷)

۲. محسن پزشکپور در پاسخ به این پرسش که آیا منوچهر امیرمکری و کاظم معصوم‌خانی با دربار یا تشکیلات و سازمان‌های وابسته به آن در ارتباط بوده‌اند، چنین اظهار داشت که: اولاً بین ارتباط و عامل بودن فرق است. معصوم‌خانی و امیرمکری افرادی بودند که نمی‌توانستند عامل هیچ فردی در جهان باشند. من تا آن حد که آگاهی و احترام نسبت به شخصیت و منش مرحوم معصوم‌خانی و امیرمکری داشتم، این‌ها هرگز به عنوان عامل کار نمی‌کردند، به خصوص معصوم‌خانی. (مصاحبه با محسن پزشکپور، در یادداشت قبلی به برخی فعالیت‌های امیرمکری پس از کودتای ۲۸ مرداد اشاره گردید.)

کاظم معصوم‌خانی چند ماه بعد از برگزاری نخستین جلسه‌ی حزبی در سی‌ام آذر ۱۳۳۰ در سقوط هواپیمای مصری، کشته شد. زندگی‌نامه‌ی مختصری از وی در روزنامه‌ی اطلاعات (س ۲۶، ش ۷۶۹۸، ۱۳۳۰/۱۰/۳ و ش ۷۷۰۰، ۱۳۳۰/۱۰/۵ ستون آگهی‌های ترحیم) آمده است.

۳. زندنیا دلیل دعوت از منشی‌زاده را توانایی در سخنرانی و سمپاتیک بودن او بیان کرده است. (***خاطرات زندنیا***، مجموعه‌ی بیات و مجموعه‌ی سازمان اسناد ملی ایران).

خبرنگار تهران مصور در خصوص توانایی منشی‌زاده در ایراد سخنرانی نوشت: «دکتر داوود منشی‌زاده ناطق زبردستی است. او ساعت‌های متوالی با صدای بلند نطق می‌کند، بدون این که آثار خستگی در چهره‌اش نمودار شود.» (حزب پیراهن سیاهان، ***تهران مصور***، پیشین، ص ۷)

جلیل بزرگمهر نیز از ملاقاتی که با منشی‌زاده، در آغاز روزگار جوانی او داشته، یادکرده و نوشته: «زبان گویای او حکایت از عمق اطلاعات عمومی و ادبی او می‌کرد.» این امر مربوط به زمانی می‌شود که منشی‌زاده خود را برای امتحانات سال ششم متوسطه آماده می‌کرده است. (بزرگمهر، پیشین، ص ۱۹۵)

در فصل پیش نیز به فعالیت‌های مطبوعاتی و نویسندگی او اشاره گردید. هم‌چنین در مقاله‌ای از او در زمره‌ی «مترجمان شایسته و زبردست» که تعدادشان «به پنجاه تن نمی‌رسد» یاد شده است. (سیار، غلامعلی، «وضع ترجمه در ایران»، ***آینده***، س ۱۶، ش ۵-۸، مرداد-آبان ۱۳۶۹، صص ۴۹۳-۴۹۴)

بازگشت منشی‌زاده به ایران و ملاقات با امیرمکری و معصوم‌خانی، حزب در شب دهم اردیبهشت سال ۱۳۳۰ پایه‌گذاری گردید و تا آبان ماه همان سال، آرام آرام به شکل‌گیری، عضوپذیری و فعالیت پرداخت.

تاریخچه‌ی حزبی از این دوران، این گونه یاد می‌کند:

> ««سومکا» از این تاریخ تا آبان ۱۳۳۰ شکل پیدا می‌کرد. منشی‌زاده سعی می‌کرد این آدم‌ها را... دارای دیسیپلین کند؛ به آن‌ها اونیفورم بپوشاند؛ به آن‌ها راه رفتن و سلام حزبی را بیاموزد...».(۱)

پوشاندن اونیفورم و آموزش راه رفتن (به شیوه‌ی نظامیان) حکایت از راه و روشی می‌کرد که منشی‌زاده علی‌رغم مخالفت‌های تشکیل‌دهندگان اولیه‌ی سومکا (کادر رهبری) برگزیده بود. وی در نظر داشت تا اعضای حزب را در قالب گروه‌هایی فعال در درگیری‌های بعدی- چیزی نزدیک به گروه‌های شبه نظامی- سازماندهی کند.(۲) شهرت سومکا در واقع متأثر از این گونه آموزش‌ها و فعالیت‌های بزن بهادرانه بود. عملیاتی که در جذب گروه‌های متفاوت از افراد قلدر و نوجوانان مؤثر افتاد. هم‌زمان با فعالیت‌های ایدئولوژیکی سومکا در قالب انتشار برنامه‌ی حزب، پخش اطلاعیه‌های آیین‌نامه‌ای و کتاب «پیکار با اهرمن» شروع شد. در بیست و هشتم آبان ۱۳۳۰ منشی‌زاده «در زیرزمینی که از وصل دو زیرزمین کوچک، در منزلی از خیابان کاخ تهران، به صورت سالنی درآمده بود در حضور نزدیک به ده نفر که پیراهن سیاه پوشیده بودند» برنامه‌ی ۲۵ ماده‌ای حزب را اعلام داشت.(۳)

از این پس جلسه‌های حزبی به طور هفتگی برگزار گردید و ضمن آن، حزب به جذب و پذیرش اعضای جدید، به صورت انفرادی یا گروهی، پرداخت. در نخستین جلسه‌های حزبی گروه‌هایی از «کارگران کارخانه‌ی سیمان [و] چند تن از بانوان» [که غالباً از نزدیکان پدیدآورندگان حزب بودند] شرکت جسته و «به تدریج به «سومکا» ملحق می‌شدند.»(۴)

---

۱. «در دنیایی دشمن...»، **سومکا**، پیشین، ص ۲
۲. همان جا
۳. همان جا
۴. همان جا

با جذب تنی چند از کارگران کارخانه‌ی سیمان، مقدمات تشکیل «گروه حمله» فراهم آمد و در اوایل آذرماه، منشی‌زاده فرمان ایجاد آن را اعلام داشت. اعضای این گروه پس از گذراندن آموزش‌های اولیه‌ی حزبی، در دوم بهمن همان سال به منشی‌زاده معرفی شدند.[۱] مقدمات گسترش سومکا و به دنبال آن قدرتمند شدن منشی‌زاده، جذب شماری از اعضای گروه ناسیونالیست‌های انقلابی (گنا) را در دوازدهم دی ماه فراهم ساخت. در هیجدهم دی، گروه زنان تشکیل و دو روز بعد فرمان تشکیل گروه «ایران فرزندان» صادر شد. با اعلام خبر تشکیل حزب سومکا در مطبوعات[۲] بتدریج مأموران شهربانی، فرمانداری نظامی و رکن دوم ستاد ارتش جهت شناسایی اعضای حزب و اهداف آن‌ها دست به کار گردیدند.[۳]

انشعاب کادر رهبری سومکا

نخستین واقعه‌ی مهم حزبی در آغاز سال ۱۳۳۱، انشعاب اعضای اولیه‌ی تشکیل دهنده‌ی حزب بود. در بیست و پنجم فروردین ۱۳۳۱، اعلانی به شرح زیر توسط دکتر منوچهر امیرمکری منتشر گردید:

> «از این تاریخ من و دوستانم آقایان حسین ضرابی، مهندس فضل‌الله محمودیان، عبدالحسین البرزی، منوچهر فروتن، مهندس پرویز فروتن، عزت‌الله مجید، هوشنگ سپهر [و] منوچهر فرهنگی به علت وفاداری به ایده‌ی سوسیالیسم ملی از دکتر داوود منشی‌زاده جدا شدیم....»[۴]

از دید برخی مطبوعات، که منبع خبرشان فرد یا افراد وفادار به منشی‌زاده بود، انشعابی در کار نبوده، حزب دست به یک تصفیه درون گروهی زده بود. در این راستا

۱. همان جا

۲. «حزب ناسیونال سوسیالیست...»، ***ترقی***، پیشین، صص ۳ و ۱۸، «حزب پیراهن سیاهان...»، ***تهران مصور***، پیشین، صص ۷ و ۲۱؛ «حزب ناسیونال سوسیالیست ایران تشکیل شد»، ***شاه داد***، س ۱، ش ۸ (۱۳۳۰/۱۱/۲۴)، ص ۴؛ «حزب نازی در ایران»، ***واهمه***، ش ۱۷ (۱۳۳۰/۱۱/۱۶)، ص ۱

۳. در اسناد مورد بررسی، نخستین گزارش دولتی از تشکیل حزب سومکا در پانزدهم اسفند ۱۳۳۰ ارائه گردیده است.

۴. ***کیهان***، ۱۳۳۱/۱/۲۵ (به نقل از آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش. ب- ۶۳۴، ش. ص ۸۳)

«مرد آهنین» نوشت:

«به طوری که مخبر ما اطلاع می‌دهد چند روز پیش در حزب سومکا تصفیه[ای] به وسیله‌ی رهبر حزب (آقای دکتر منشی‌زاده) به عمل آمد و [او] چند نفر اخلالگر [را] که از دستورات حزبی نافرمانی می‌کردند اخراج نمود.»(۱)

روزنامه‌ی دیگری از این اقدام به منزله‌ی اخراج «عناصر فاسد و موذی» که در حزب «رخنه کرده و به نفع مقامات وابسته به سازمان شاهنشاهی جاسوسی می‌کردند» یاد کرد.(۲)

در گزارش رکن دوم ستاد ارتش، دلیل انشعاب، اختلافات داخلی و ورود بعضی از اشخاص نامناسب ـ زندنیا، همایون و ساسان‌فر که احساس می‌شد مخالف سلطنت هستند ـ به حزب اعلام گردید(۳) و گزارش دیگر از وفاداری منشعبین به مقام سلطنت سخن به میان آورد.(۴)

براساس تاریخچه‌ی حزبی، روند شکل‌گیری انشعاب را می‌توان این گونه برشمرد:

ـ اختلاف کادر رهبری با منشی‌زاده در خصوص بهره‌گیری از عملیات خشن و ایجاد روحیه‌ی سربازی در افراد حزبی. بنا به نوشته‌ی سومکا، کادر رهبری به دلیل موقعیت‌های شغلی و درویش مسلکی، خواستار در پیش گرفتن راه‌های سیاسی و محافظه‌کارانه بود.

با افزایش اعضای حزب، کادر رهبری نسبت به موقعیت خویش نگران شده، از این رو خواستار عدم واگذاری مسؤولیت‌ها به افراد جدید شد.

---

۱. «تصفیه در حزب سومکا»، **مرد آهنین**، س ۲، ش ۳۵ (۱۳۳۱/۲/۱)، ص ۳

۲. «حزب پیراهن سیاهان (سومکا) از عناصر وابسته به سازمان شاهنشاهی تصفیه شد»، **زبان سرخ**، س ۱، ش ۲، (۱۳۳۱/۲/۴)

۳. سند شماره‌ی ۸۱ از مجموعه‌ی حاضر

۴. رک: سند شماره‌ی ۸۲ از مجموعه حاضر، سومکا هم‌چنین قسمتی از نامه‌ی منوچهر امیرمکری را نقل کرده که در آن آمده است: «شما دوستان ارجمند ما بدانید که منشی‌زاده و دارودسته‌اش اخیراً نیز با شاهنشاه و... علناً مخالفت می‌نمودند... ما از این عمل زشت سخت متنفر بوده و هستیم...». به نقل از «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۱، ش ۶ (۱۳۳۱/۵/۲۰)، ص ۴. هم‌چنین نگاه کنید به سند شماره‌ی ۱۵ از مجموعه‌ی حاضر، در این سند اتهام فعالیت به نفع جمهوری نیز به منشی‌زاده زده شده است.

ـ قدرت‌یابی منشی‌زاده ـ بخصوص پس از پیوستن افرادی از «گنا» ـ موجبات تضعیف کادر رهبری را فراهم می‌آورد. از طرف دیگر با توجه به نگاه نازیستی منشی‌زاده به مقوله‌ی حکومت، وجود کادر رهبری امری غیرقابل پذیرش و از دیدگاه وی گناه اصلی اخراجی‌ها بود:

«اولین دفعه در ۲۴ فروردین کسانی که به حزب و دستگاه رهبری خیانت می‌ورزیدند و در نظر داشتند یک نوع الیگارشی حزبی ایجاد کنند با سرسختی تمام سرکوب(۱) و از حزب اخراج کردم... من تنها کسی بودم که می‌دانستم با اخراج این‌ها چه خدمتی به نهضت بزرگ ملی «سومکا» کرده‌ام.»(۲)

مواردی که سومکا به عنوان اقدامات کادر رهبری برای تضعیف منشی‌زاده برشمرده، به شرح زیر است:

ـ «با یک توطئه، بازرس نظامی [حزب] را که مخّل اعمال خودسرانه‌ی آن‌ها در گروه حمله بود، به استعفا واداشتند.»

ـ «طی توطئه‌ی دیگری کنفرانس‌های هفتگی مسؤولین حزبی را، که رهبر، سه تن از مسؤولین جدید ـ زندنیا، مدرس و کامکار ـ را به آن داخل کرده بود، منحل کرده به جای آن در غیاب رهبر [حزب]، هنگام‌هایی [= جلسه‌هایی] در خانه‌های خود ترتیب می‌دادند و تصمیم داشتند هر چه زودتر حزب را تصفیه کنند.»

نقل مکان حزب به محل جدید و «دخالت قوای پلیس بر ضد حزب در سر این محل(۳) ترس چهار پنج نفر اعضای اولیه‌ی حزب را بیدار کرد و تصمیم به «تصفیه» حزب به نفع خود گرفتند. برای این منظور از نام‌نویسی داوطلبان که روزانه به چهل [نفر] می‌رسیدند خودداری کردند و چون گروه ایران فرزندان از جوانان وفادار به رهبر حزب تشکیل شده بود، آن را تحت فشار گذاشتند.

سرانجام تقاضای اخراج ضیاء مدرس فرمانده گروه ایران فرزندان و شاپور زندنیا مسؤول کلاس آموزش سیاسی را کردند. رهبر [حزب] به زندنیا دو ماه مرخصی

---

۱. اصل: سرکوبی.

۲. منشی‌زاده، «این نهضت خدایی با...»، پیشین، ص ۴.

۳. بنگرید به پاورقی‌های ۶ و ۷ از صفحه‌ی ۱۷۰.

داد تا بهانه مرتفع شود و «حضرات» از حزب نروند. ولی آن‌ها روز ۲۴ فروردین به کمک گروه حمله‌ی خود، حزب را زیر نظر گرفته، از ورود فرمانده ایران فرزندان و افراد او که رهبر احضارشان کرده بود ممانعت کردند. در نتیجه‌ی حمله‌ی افراد فدایی رهبر در گروه‌های حمله و ایران فرزندان، [کادر رهبری و طرفدارانشان] شکست خورده، به فرمان رهبر از حزب اخراج شدند.»[۱]

به نظر می‌رسد کنار گذاشتن کادر رهبری از حزب، خواست قلبی منشی‌زاده بود تا بتواند به تنهایی زمام امور را در دست بگیرد و برای تحقق آن از نیروهای تازه وارد- خصوصاً زندنیا و مدرس- استفاده کند.[۲]

از آن‌جا که یکی از دلایل اعلام شده برای انشعاب، وفاداری منشعبین به اصل سلطنت بود و نیز با توجه به شهرت ورود اعضای مخالف سلطنت به حزب، عده‌ای از جمله اخوی منشی‌زاده را وادار کردند تا در حرکتی نمادین دسته گلی بر قبر رضاشاه بگذارد[۳] که این مراسم به بهانه‌ی «یادآوری خدمات رضاشاه به پیشرفت فکر ملی و در ایجاد مقدمات آن»[۴] برگزار و عکس آن در روزنامه‌ها منتشر شد.

منشعبین، پس از درج خبر انشعابشان در مطبوعات، در آغاز با ارسال تقاضانامه، برنامه و اساسنامه به شهربانی، تقاضای ثبت حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران را کرده[۵] و هم‌زمان جلسه‌های خود را تشکیل می‌دادند.

کمی پیش از آن، دکتر منشی‌زاده تقاضای ثبت‌نام سومکا را به شهربانی فرستاد و هم‌چنین با دعوت زندنیا از خبرنگاران داخلی و خارجی، سعی در تثبیت موقعیت حزبی داشت که در دو نوبت (شانزدهم[۶] و بیست و ششم[۷] اردیبهشت ماه) مأمورین حکومت نظامی از برگزاری جلسات آن ممانعت به عمل آوردند.

---

۱. «در دنیایی دشمن...»، سومکا، پیشین.
۲. به این نکته در خاطرات زندنیا اشاره شده است.
۳. سند شماره‌ی ۳۱ از مجموعه‌ی حاضر.
۴. «در دنیایی دشمن...»، سومکا، پیشین
۵. ر.ک: سند شماره‌ی ۳۸ از مجموعه‌ی حاضر
۶. رک: آتش، س ۵، ش ۱۱۹۷ (۱۳۳۱/۲/۱۷)
۷. «در دنیایی دشمن...»، سومکا، پیشین

از طرف دیگر زندنیا اشاره می‌کند که به منظور جلوگیری از فعالیت‌های منشعبین برای ایجاد حزب و تضعیف سومکا و همچنین برای ترساندن منشعبین، سومکا به اقدامات ایذایی دست زد. از جمله یک بمب دست‌ساز در پشت منزل امیرمکری، که جلسات گروه در آن‌جا منعقد می‌شد، انداختند.[۱] علی‌رغم این کوشش‌ها، اتفاق‌های بعدی انشعاب دیگری را در حزب پدید آورد که خود به تقویت منشعبین انجامید.

نخستین درگیری سومکا با طرفداران حزب توده

با وجود این که اعضای سومکا از اوایل بهار سال ۱۳۳۱ شروع به «خیابان‌گردی» با لباس رسمی حزب کرده بودند،[۲] اما نخستین درگیری جدی[۳] سومکا در آغاز فصل تابستان روی داد. در سوم تیرماه این سال در حد فاصل چهارراه کنت تا اول خیابان خانقاه، یک دسته از افراد حزبی، ناخواسته، به درگیری با عده‌ای ـ که سومکا آن‌ها را چاقوکش نامیده و رنجبر در خاطراتش با عنوان مردم از آن‌ها یاد کرده است ـ[۴] پرداختند که در نتیجه‌ی آن منوچهر رفیع کیان از ناحیه‌ی کمر مورد اصابت ضربه‌ی چاقو واقع شد، اما با رسیدن کمک از حزب، تعقیب‌کنندگان متواری شدند.

روز بعد با حضور شاپور زندنیا، گروهی مرکب از افراد گارد حمله و ایران فرزندان ـ که رنجبر تعدادشان را شصت و هفت نفر نوشته ـ[۵] به خیابان منوچهری رفته و دو

---

۱. رک: خاطرات زندنیا، مجموعه‌ی سازمان اسناد ملی ایران

۲. «صبح روز پنج‌شنبه گذشته [۱۳۳۱/۱/۲۸]، ناگهان ۱۵ نفر از افراد حزب سوسیالیست نازی با لباس‌های اونیفورم مشکی در حالی که یک بازوبند سرخ رنگ به بازوی خود داشتند در خیابان اسلامبول نمایان [اصل: نموده] شده و با قدم‌هایی محکم به طور متفرق راه می‌رفتند...». «افراد حزب سوسیالیست نازی در خیابان اسلامبول»، ***آتش***، پیشین

۳. بر این اساس، خبر «دعوای» یک دانش‌آموز سومکایی با چند نفر منتسب به حزب توده را نباید چندان جدی تلقی کرد. برای شرح این ماجرا رک: درود بر مبارزان دلیر ناسیونال سوسیالیست دبیرستان پیرنیا»، ***مرد آهنین***، س ۲، ش ۳۸ (۱۳۳۱/۲/۲۹)، صص ۱ و ۴

۴. «در دنیایی دشمن...»، ***سومکا***، پیشین، ابراهیم رنجبر، «مردم بخوانید و به جنایات احزابی دو روزه پی ببرید. من عضو حزب سومکا بودم» اعترافات ابراهیم رنجبر عضو گروه حمله‌ی حزب سومکا، بی‌نا، [تهران ۱۳۳۱]، صص ۴ـ۳. خاطرات وی پس از جدا شدن از حزب و از این رو با دیدی مخالف سومکا نوشته شده است.

۵. رنجبر، «من عضو حزب...»، ص ۴

کتاب‌فروشیِ به قول سومکا بلشویک را آتش زده و هواداران و طرفدارانشان را مضروب ساختند.[۱] در نتیجه‌ی این عملیات، از طرفی موجی از مخالفت با سومکا، در مطبوعات شروع شد و از طرف دیگر نام سومکا به طور گسترده مطرح شد.[۲]

سومکا و سی تیر

با در نظر داشتن این نکته که بحث درباره‌ی قیام سی تیر در این مختصر نمی‌گنجد و همچنین با توجه به تحقیقاتی که در این خصوص منتشر گردیده است، در این‌جا به علل و پیامدهای این رویداد نپرداخته و صرفاً به موضع‌گیری سومکا در این خصوص اشاره می‌شود.

پیش از طرح سخن، به یادآوری این نکات اکتفا می‌شود که در تیرماه ۱۳۳۱، دکتر مصدق دوبار از سمت نخست‌وزیری کناره گرفت. نخست در چهاردهم تیر، که با توجه به حمایت گروه‌های بسیاری از مردم، مجلس و آیت‌الله کاشانی در نوزدهم تیر فرمان نخست‌وزیری مجدد وی صادر شد. با توجه به مخالفت شاه با تفویض پست وزارت جنگ به دکتر مصدق، مجدداً وی در بیست و پنجم همان ماه از مقام نخست‌وزیری کناره گرفت. فردای آن روز اکثریت اعضای حاضر در مجلس به نخست‌وزیری احمد قوام رأی موافق دادند و در بیست و هفتم همان ماه، فرمان نخست‌وزیری او صادر شد. از بیست و هشتم تیر، اعتراض و مخالفت مردم با نخست‌وزیری قوام به صورت برگزاری تظاهرات نمود یافت که نقطه‌ی اوج آن در سی‌ام تیرماه بود؛ روزی که نیروهای حکومت نظامی، تظاهرات تهران و برخی شهرستان‌ها را به خون کشیدند. در بعدازظهر همین روز قوام کنار گذاشته شد. حزب سومکا در این چند روز چه می‌کرد؟

---

۱. «در دنیایی دشمن...»، **سومکا**، پیشین، رنجبر، «من عضو حزب...»، ص ۵

۲. هفته‌نامه‌ی سومکا در این خصوص نوشت: «این عملیات «نام سومکا» را در همه جا مشهور کرد و طی تیرماه تمام روزنامه‌های توده‌ای، انگلیسی، آمریکایی و دولتی به ما حمله کردند.
توده‌ای‌ها، منشی‌زاده رهبر [حزب] ما را نوکر آمریکایی‌ها نامیده [و] گفتند شصت هزار دلار از آن‌ها گرفته است. گاهی او را «کتابدار سلطنتی» خواندند و مدعی شدند که حزب ما، حزب درباری است. روزنامه‌ی هور ارگان سابق شرکت نفت ما را «اراذل، دیوانگان و جنایت‌کاران» خواند. باختر امروز به ما تلویحاً حمله کرد...» به نقل از: «در دنیایی دشمن...»، **سومکا**، پیشین

موضع‌گیری رسمی سومکا در این خصوص، یک هفته بعد منتشر شد. نخست اعلام گردید:

«از روز پنجشنبه [۱۳۳۱/۴/۲۶] تا روز دوشنبه ۳۰ تیرماه ساعت ۱۵ مأمورین قوام حزب را بسته، مانع آمد و رفت هم‌پیمانان شده بودند، حتی از رفت و آمد هم‌پیمانانی که مقیم حزبند جلوگیری می‌کردند، به طوری که دو شب چند تن از هم‌پیمانان ما در خیابان خوابیده بودند.»(۱)

این مسئله بیان شد تا دستاویزی باشد برای حضور اعضای سومکا در قیام سی تیر:

«چون روز دوشنبه ۳۰ تیرماه مصادف با انتشار [هفته‌نامه] سومکا و ضمناً تظاهرات ملی بر ضد قوام‌السلطنه خائن بود، هم‌پیمانان ما (البته بدون اونیفورم، زیرا درِ حزب را قوام بسته بود) از گذر سیدهاشم به بهارستان و از آن جا به... میدان شاپور و چهارراه حسن‌آباد حرکت کرده در حالی که شعارهایی بر ضد قوام و عمال انگلیسی می‌دادند و به پشتیبانی دکتر مصدق تظاهرات می‌کردند، روزنامه فروختند...».(۲)

منشی‌زاده توجیهی دیگر برای حضور سومکایی‌ها ارائه کرده است:

«مردم تهران شاید متعجب بودند که چرا دسته‌های منظم پیراهن سیاهان درست در روز ۳۰ تیر ظاهر نشده بود[ند] و در صف فداکاران دیگر نمی‌جنگید[ند]. من برای این که بین ملت دودستگی در کار نباشد و سقوط قوام قطعیت بپذیرد،

---

۱. «خبرگزاری سومکا...»، **سومکا**، س ۱، ش ۴ (۱۳۳۱/۵/۶)، ص ۳.
در شماره‌ی ۳ سومکا (منتشره در ۱۳۳۱/۴/۳۰) خبری حاکی از ممانعت مأمورین از ورود و خروج افراد به محل حزب منتشر نشده و تنها اشاره گردید که «روز ۳۱/۴/۲۸[۱۳] پیش از ظهر نیز پاسبان توده‌ای گشتی حوالی خانه صلح، بی‌جهت یکی از هم‌پیمانان ما را زده است»، «سؤال»، **سومکا**، پیشین، ص ۲.) از طرف دیگر در همان شماره در دو آگهی اعلام شده که «دفتر روزنامه‌ی سومکا هر روز برای مراجعین از [ساعت] ۹ تا ۱۲ و از ۵/۵ الی ۸ دایر است.» (پیشین، ص ۳، ستون آگهی‌ها)

۲. «خبرگزاری سومکا...»، پیشین. ادامه‌ی ماجرای نقل شده بیشتر به یک داستان شبیه است: «... هم‌پیمانان ما سه بار با حمله‌ی پلیس‌ها و سربازان مواجه شدند و از طرف مردم ابراز احساسات شدید شد. در میدان شاپور میان مأمورین حکومت نظامی قوام و هم‌پیمانان ما زدوخورد شدیدی درگرفت و منجر به فرار سربازان و پلیس‌ها شد. مردم نیز با کمال صمیمیت از هم‌پیمانان ما دفاع کردند. در همان جا پاسبانی اشک ریخت و از تیراندازی به هم‌پیمانان ما خودداری کرد و سرتیپی «مرگ بر قوام» گفت و یک شماره‌ی «سومکا» را خرید.»

فرمان دادم هم‌پیمانان من با لباس شخصی وارد میدان شوند. اگر در میان مجروحین و مضروبین ما قربانی نبوده، به سبب این است که خدای بزرگ ایران چنین خواسته والا عکس[۱] این هم ممکن بود چرا که نخستین رگبار مسلسل دولتی‌ها در بهارستان بر سر هم‌پیمانان ما باریده.»[۲]

با وجود این در هفته‌نامه‌ی سومکا منتشره در سی تیر، نشانی از دعوت افراد، از طرف حزب، برای شرکت در تظاهرات نیست. از طرف دیگر انتشار روزنامه در روزی که تعطیل عمومی اعلام شده را شاید بتوان نوعی اعتصاب‌شکنی دانست.

مقاله‌ی منشی‌زاده در این شماره به حمایت از مصدق در مبارزه‌ی نفت اشاره داشت و هم‌چنین دولت قوام را تلویحاً سرکوب‌کننده «احساسات وطن‌خواهانه‌ی مردمی ساده و بی‌گناه... که بار عنف و جبر یک دولت یا شرکت غاصبی را نمی‌خواهد و نمی‌تواند تحمل کند.» می‌دانست و نوشت: «خدای بزرگ ایران بزرگ می‌داند که من هر حس کینه‌خواهی و کینه‌جویی شخصی را در میدان سیاست کنار گذاشته‌ام و از لحاظ خونخواهی و پدرکشتگی [که با قوام دارم] به دولت امروز نمی‌تابم.»[۳]

علی‌رغم نوشته‌ی منشی‌زاده به نظر نمی‌رسد سومکا در جریان رویدادهای سی‌ام‌تیر فعالانه شرکت کرده باشد. اخراج گروهی از افراد حزبی که با اعتراض پرسیده بودند «چرا حزب در جریان سی‌ام[۴] تیر تظاهر نکرده [و] نامش جزو[۵] نام‌های ذکر شده در رادیو نبوده است؟» افرادی که «ایمانشان به حزب در گرو جریانات روز» معرفی گردیده

---

۱. اصل: به عکس.

۲. داوود منشی‌زاده، «مبدأ آموزه‌ی ما ملت است و بس»، **سومکا**، پیشین، ص ۱. در سند شماره‌ی ۱۰۵ از مجموعه‌ی حاضر نیز اشاره شده که اعضای سومکا در وقایع سی تیر شرکت داشته‌اند.

۳. «از همه جا می‌شنیدم که قاطبه‌ی هم‌میهنان من با نهایت کنجکاوی و اضطراب مترصد بودند نظر حزب سوسیالیست کارگران ایران و رهبر آن را راجع به وقایع این چند روز بدانند. ولی تعجب من شخصاً در آن بود که بارها در برابر هم‌پیمانان حزبی و صدها شنوندگان دیگر فریاد کشیده بودم که ما بی‌غیرتیم اگر صددرصد از مصدق پشتیبانی نکنیم، جای شکی در خط‌مشی سیاسی ما نمی‌ماند.»، (داوود منشی‌زاده، «ملت دلیر ما در مبارزات خود موفق است»، **سومکا**، س ۱، ش ۳، (۱۳۳۱/۴/۳۰)، ص ۱.)

۴. اصل: سیم

۵. اصل: جزء

بود،[1] شاید مؤید این مطلب باشد.

به هر روی قیام سی تیر تا مدتی ذهن منشی‌زاده را مشغول ساخت و موجب تغییر رویه‌ی سیاسی او گردید. منشی‌زاده در این زمان صریحاً در بین هم‌کاران خود مسؤولیت وقایع سی تیر را به‌گردن شاه انداخت و از آن روز شروع به مذمت وی کرد.[2]

زدوخورد در سینما دیانا

در غروب هفدهم مرداد، گروهی از اعضای سندیکای یخ‌فروشان (وابسته به سومکا) و تنی چند از افراد حزبی در سینما دیانا، با مردم درگیر شدند. ابراهیم رنجبر جریان آن روز را این گونه آورده است:

«روز جمعه ۱۷ مرداد...[3] به پیشنهاد عباس امینی چند نفری را برداشته به سینمای دیانا رفتیم. در بین راه امینی به من گفت که من از رهبر اجازه دارم اگر در موقعی که سرود شاهنشاهی می‌زنند کسی از جایش بلند نشد یا خواستند تظاهرات علیه شاه بکنند، هر کسی را گرفتیم به نام توده‌ای می‌زنیم. از اول فیلم تا آخرش، صدایی از کسی بلند نشد و در آخر فیلم من با فریاد داد زدم زنده باد شاهنشاه که یکی از تماشاچی‌ها فحشی داد. ما، او و چند نفر از رفقایش را گرفته [و] زدیم... و سرهنگ رسائی رئیس کلانتری دوازده در این ماجرا شرکت داشتند و کمک را به ما می‌کردند. ولی موقعی که به حزب برگشتیم منشی‌زاده بنای فحاشی را به ما و شاهنشاه کردند.»[4]

اقدام منشی‌زاده به روشنی نشان‌دهنده‌ی سیاستی ـ که از چند ماه قبل جسته و گریخته شنیده می‌شد که در پیش گرفته است ـ بود: مخالفت با شاه. این امر انشعاب سندیکای یخ‌فروشان را ده روز بعد از این رویداد در پی داشت.[5]

۱. «در دنیایی دشمن...»، **سومکا**، پیشین

۲. بنگرید به سند شماره‌ی ۸۲ از مجموعه‌ی حاضر

۳. اصل: ۱۸ مرداد

۴. رنجبر، پیشین، صص ۵ـ۶

۵. انشعاب‌کنندگان در اعلامیه‌ای دلیل انشعاب خود را مخالفت سومکا با سلطنت و دکتر مصدق و هم‌چنین ←

حمله به مؤسسه‌های خارجی

در غروب بیست و دوم مرداد، حدود ۲۵ نفر[۱] از اعضای حزب سومکا به سرپرستی ضیاء مدرس به ساختمان اداره‌ی بازرگانی سفارت مجارستان رفته، تابلوی آن را از دیوار کنده، عکس‌هایش را پاره و پس از ساعاتی به قرائت‌خانه‌ی وکس (اخبار روز) حمله کردند. زندنیا در خاطراتش اشاره کرده که این عملیات بدون هماهنگی با منشی‌زاده صورت پذیرفته بود و رنجبر از شادمانی منشی‌زاده در اثر این اقدامات یاد می‌کند.[۲]

در بیست و هفتم این ماه شارژ دافر شوروی با حسین نواب- وزیر امورخارجه- ملاقات و تذکاریه‌ای به وی ارائه کرد.[۳] همان روز نخست‌وزیر یک نفر بازرس برای پی‌جویی چند و چون این ماجرا معین کرد. فدرو دبیر دوم و وابسته‌ی فرهنگی سفارت شوروی و مسؤول خانه‌ی وکس، در ملاقات با بازرس نخست‌وزیر اعلام کرد که افراد حمله‌کننده از اعضای سومکا بوده‌اند.[۴]

دو روز بعد اتروچنکو، کاردار سفارت شوروی، به ملاقات دکتر مصدق در منزلش رفت. کیهان در این خصوص گزارش داد:

«در این ملاقات که سه ربع ساعت به طول انجامید، گفته می‌شود که راجع به

← هم‌کاری پنهانی‌اش با حزب توده اعلام کردند. (رک: سند شماره‌ی ۱۱۴ از مجموعه‌ی حاضر.) ابراهیم رنجبر در شرح استعفای عده‌ای در بیست و هفتم مرداد ماه، دلیل این جدایی را اهانت منشی‌زاده به شاه بیان کرده است. (رنجبر، پیشین، ص ۸)، سومکا نیز اشاره کرد: «برای تصفیه‌ی حزب از عناصر ناباب- که مجدداً در آن داخل شده بودند- به فرمان رهبر سومکا یک عده از وابستگان آگاهی که به عنوان سندیکای یخ‌فروشان و متشکل از چاقوکش‌ها و عمال قوام‌السلطنه بود [و قبلاً] به سومکا ملحق شده بودند، از حزب اخراج شدند.» («در دنیایی دشمن...»، **سومکا**، پیشین)، کمی بعد از جریان ۲۲ مرداد سومکا اسامی اخراجی‌ها را منتشر کرد. («خبرگزاری سومکا...»، **سومکا**، س ۱، ش ۸ (۱۳۳۱/۶/۶)، ص ۴)

۱. تذکاریه دولت شوروی، ۱۸ اوت ۱۹۵۲، سند شماره‌ی ۷۸ از مجموعه‌ی حاضر، متن این تذکاریه در همان ایام منتشر گردید. رک: **کیهان**، س ۱۱، ش ۲۷۸۴ (۱۳۳۱/۵/۲۸)، ص ۸. رنجبر اسامی حمله‌کنندگان به تابلوی بازرگانی سفارت مجارستان و خانه‌ی وکس را آورده است. رک: رنجبر، پیشین، صص ۷-۸

۲. رنجبر، پیشین، ص ۷

۳. رک: سند شماره‌ی ۷۷ از مجموعه حاضر، گزارشی از این ملاقات در **کیهان**، س ۱۱، ش ۲۷۸۳ (۱۳۳۱/۵/۲۷)، صص ۱ و ۸ آمده است.

۴. رک: سند شماره‌ی ۸۶ از مجموعه‌ی حاضر

وقایع اخیر و تجاوز به قرائت‌خانه‌ی وکس صحبت شده است. آقای نخست‌وزیر اظهار داشته‌اند که من قبلاً دستور داده‌ام مرتکبین این وقایع تعقیب و جداً مجازات شوند... تا صبح امروز مجموعاً ۲۲ نفر... بازداشت شده‌اند.»[۱]

نتیجه‌ی تحقیقات به دستگیری منشی‌زاده و تنی چند از هم‌کارانش انجامید، اما سومکا مسؤولیت تعرض به تابلوی اداره‌ی بازرگانی مجارستان و قرائت‌خانه‌ی وکس را نپذیرفت و نوشت:

«این اقدامات را بالشویک‌ها و دولت روسیه‌ی بالشویک‌ها طی شکایت‌ها و اعتراض‌های سیاسی رسمی به ما نسبت دادند.»[۲] یا: «حمله به تابلوی اداره‌ی بازرگانی مجارستان که از جانب چند ناشناس به عمل آمده است البته به حزب ما مربوط نیست.»[۳]

گرچه از لحاظ شکلی، این دو ماجرا برخلاف درگیری‌های قبلی سومکا بدون ضرب و جرح خاتمه یافت اما نفس عمل، حمله به یک مؤسسه‌ی وابسته به سفارتخانه کشوری دیگر، برای دولت دردسرآفرین شد. حتی برخی مطبوعات از این عمل به عنوان «مقدمه‌ی یک توطئه‌ی عمیق... علیه آزادی و استقلال میهن» یاد کردند.[۴] یکی از نمایندگان این اقدام را «یک بی‌آبرویی» خواند؛ اقدامی که به تحریک خارجی‌ها صورت گرفته تا «وانمود کنند در مملکت ما امنیت موجود نیست» و در ادامه، تلویحاً دولت را متهم به حمایت از آن گروه اخلال‌گر کرد.[۵] از طرف دیگر بازداشت منشی‌زاده اعتراض‌هایی را در بین شماری از روزنامه‌نگاران برانگیخت، حتی این امر دستاویزی شد تا برخی روزنامه‌ها به شهربانی،[۶] دولت[۷] و حتی دولت شوروی[۸] بتازند.

---

۱. **کیهان**، س ۱۱، ش ۲۷۸۵ (۱۳۳۱/۵/۲۹)، صص ۱ و ۲
۲. «در دنیایی دشمن...»، **سومکا**، پیشین
۳. «به آن‌ها که توطئه کشف می‌کنند»، **سومکا**، س ۱، ش ۷ (۱۳۳۱/۵/۲۸)، ص ۲
۴. مطلب منتشره در **شاهد**، به نقل از: «دروغ‌هایی که...»، **سومکا**، س ۱، ش ۷، (۱۳۳۱/۵/۲۸)، ص ۲
۵. «سؤال حائری‌زاده از وزیر کشور»، مذاکرات مجلس...، پیشین
۶. رک: «نامه‌ی هشت تن از مدیران روزنامه‌های عقاب شرق، استقلال ما، حرکت ملی، تراوش، صدای ملی، نبرد پاک، سیاست ملی، آذر باختر در نامه‌ی «روزنامه‌نگاران ملی»»، به نقل از: **سومکا**، س ۱، ش ۲۲ (۱۳۳۱/۹/۶)، ص ۲

به دلیل آن‌که افراد دستگیر شده دارای اتهامات دیگری هم بودند،[۹] بعد از چند ماه بازداشت، جلسه‌ی دادگاه تشکیل و متهمین از برخی اتهامات تبرئه شدند، اما پرونده‌ی حمله به قرائت‌خانه‌ی وکس و اداره‌ی بازرگانی سفارت مجارستان تا اواخر دهه‌ی چهل بسته نشد.[۱۰]

ادامه‌ی اغتشاش در تهران

در فاصله‌ی چند روزه‌ی لغو حکومت نظامی تا بازداشت منشی‌زاده، تهران شاهد تحولاتی بود که سومکا در پیدایش برخی از آن‌ها نقش داشت. از جمله‌ی این حوادث می‌توان به درگیری‌های بیست و یکم مرداد، که در جریان آن بین مأمورین پلیس و تظاهرکنندگان زدوخوردی روی داد،[۱۱] و بیست و ششم مرداد ماه (۱۳۳۱)، که طی آن گروه‌های مختلف با هم‌دیگر درگیر شدند،[۱۲] اشاره کرد. مهم‌ترین این واقعه‌ها آتش زدن خانه‌ی صلح[۱۳] و حمله به خانه‌ی سیاه[۱۴] بود که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت:

در بیست و هشتم مرداد ضمن درگیری بین افراد وابسته به حزب و گروه‌های مختلف، در ساعات پایانی روز، خانه‌ی صلح به آتش کشیده شد. روزنامه‌های کیهان و اطلاعات در این باره نوشتند:

---

۷. بنگرید به: **شیر شرق**، س ۱، ش ۶ (۱۳۳۱/۸/۸)، صص ۱ و ۲، «روزنامه‌ی صدای سمنان می‌نویسد: چرا منشی‌زاده را آزاد نمی‌کنید»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۱ (۱۳۳۱/۸/۲۹)، ص ۱

۸. «در پیرامون بازداشت رهبر حزب سومکا، آقای منشی‌زاده باید آزاد شود»، **شیر شرق**، س ۱، ش ۳ (۱۳۳۱/۷/۱۷)، صص ۱-۲، «بازداشت رهبر سومکا جز ننگ و رسوایی برای هیئت حاکمه نتیجه‌ای حاصل نخواهد نمود»، **سومکا**، س ۱، ش ۱۹ (۱۳۳۱/۸/۱۵)، ص ۱.

۹. ضدیت با سلطنت مشروطه

۱۰. برای اطلاع بیشتر رک: بزرگمهر، پیشین، صص ۱۹۷-۱۹۸

۱۱. «پس از الغاء حکومت نظامی»، ***کیهان***، س ۱۱، ش ۲۷۷۹ (۱۳۳۱/۵/۲۲)، ص ۲

۱۲. ***کیهان***، س ۱۱، ش ۲۷۸۳ (۱۳۳۱/۵/۲۷)، صص ۱ و ۴

۱۳. خانه‌ی صلح یکی از مراکز وابسته به حزب توده‌ی ایران بود. برای اطلاع بیشتر رک: تربتی سنجابی، پیشین، ص ۲۰۶

۱۴. توضیح مربوط به خانه‌ی سیاه در زیرنویس‌های شماره‌ی ۴ و ۵ صفحه‌ی ۲۳۴ و زیرنویس ۱ صفحه‌ی ۲۳۵ آمده است.

«ساعت هشت و نیم [شب]، ناگهان عده‌ای در مقابل خانه‌ی صلح واقع در خیابان فردوسی و مقابل بانک ملی اجتماع کردند و علیه ساکنین آن‌جا تظاهر نمودند و یک ربع بعد یک دسته‌ی بیست نفری در مقابل خانه‌ی صلح از اتومبیل پیاده شده و با چند پیت بنزین وارد کوچه‌ی سیرک گردیدند. چون در بسته بود، چند نفر با طناب و قلاب از دیوار بالا رفته و در را برای رفقای خود باز کردند و هنوز چند دقیقه‌ای از ورود آن»(۱) افراد نگذشته بود که آن‌جا آتش گرفت «و بیش از نیم ساعت در آتش می‌سوخت و حتی حریق به چند خانه‌ی مجاور هم سرایت نمود ولی [در] جلو[ی] خانه عده‌ای اجتماع کرده و نمی‌گذاشتند مأمورین آتش‌نشانی برای اطفاء حریق اقدام کنند.»(۲)

این مسئله باعث شد که رئیس شهربانی کل کشور، افراد وابسته به خانه‌ی مزبور را عامل اصلی آتش‌سوزی معرفی نماید. وی در تأیید نظر خود این گونه استدلال کرده بود:

«این منطقی نیست که با وجود چند صد نفر که دائماً در خانه‌ی صلح اجتماع می‌کنند، عده‌ای خارجی بروند و آن‌جا را با نفت و بنزین آتش بزنند و بعد بدون سر و صدا و برخورد، خارج شده و هیچ کس مزاحم ایشان نگردد.»(۳)

برخلاف نظر رئیس شهربانی، گروه‌هایی، حمله‌کنندگان را از اعضای سومکا دانستند(۴) و روایت دیگر، از حمله‌ی اعضای پان ایرانیست به خانه‌ی صلح خبر داد.(۵)

۱. «دیشب در تهران خانه‌ی صلح را آتش زدند و به مرکز حزب سومکا حمله بردند»، اطلاعات، س ۲۷، ش ۷۸۸۵ (۱۳۳۱/۵/۲۹)، ص ۵.

۲. کیهان، س ۱۱، ش ۲۷۸۵ (۱۳۳۱/۵/۲۹)، صص ۱-۲.

۳. همان‌جا.

۴. از جمله روزنامه‌ی داد نوشته که: «دیشب ۲۰۰ نفر از اعضای سومکا... با نفت و بنزین خانه‌ی صلح را آتش زدند.» (به نقل از: «دروغ‌هایی که...»، سومکا، س ۱، ش ۸ (۱۳۳۱/۶/۶)، ص ۲.) هم‌چنین رک: به‌سوی آینده، پایگاه آزادی، شاهد، باختر امروز (مندرج در پیشین)، اسناد شماره‌ی ۹۵ و ۱۰۶ از مجموعه‌ی حاضر.
از نظر نباید دور داشت که دکتر منشی‌زاده پیش از آن گفته بود نقشه‌هایی برای آتش زدن مؤسسات و کتابخانه‌های کمونیستی در ایران دارد. رک: سند شماره‌ی ۴ از مجموعه حاضر.

۵. شهباز در این‌باره خبر داده بود که: «اوایل شب چند بمب گاز اشک‌آور حوالی خانه‌ی صلح منفجر شد... بعد دسته‌ای به نام پان ایرانیست به دستور و راهنمایی کامیون ارتشی شماره‌ی ۱۰۱۰۶ که حامل پلیس بود... به طرف خانه‌ی صلح هجوم بردند [و] با خیال راحت مشغول آتش زدن و غارت شدند...»، (به نقل از پیشین). کامبخش ←

از طرف دیگر روزنامه‌های اطلاعات، کیهان، پرخاش و مجله‌ی تهران مصور اعضای حمله‌کننده را افراد ناشناس معرفی کردند.

این ابهام در خصوص تعیین ساعت حمله نیز موجود است. براساس نوشته‌ی روزنامه‌ی اطلاعات در ساعت هشت و نیم شب به خانه‌ی صلح تعرض گردید و یک ربع بعد آن‌جا آتش زده شد و «در همان حال که خانه‌ی صلح در آتش می‌سوخت، یک کامیون حامل عده زیادی از اعضای دستجات مُخالف حزب سومکا با یک جیپ که محتوی مقداری پاره آجر بود به طرف خیابان خانقاه، محل حزب سومکا، حرکت کردند»،[۱] در حالی که کیهان، آتش زدن خانه‌ی صلح را در ساعت هشت بعدازظهر[۲] و سومکا، حمله به مقر حزب را در ساعت هفت و نیم بعدازظهر[۳] عنوان کرده‌اند. ابراهیم رنجبر در بیان اتفاقات این روز[۴] به آتش زدن خانه‌ی صلح اشاره نکرده و با توجه به حضور وی در حزب، در همان روز، شاید بتوان نتیجه گرفت که سومکا در این امر نقش نداشته است.

حمله به مقر حزب سومکا

بنا به نوشته‌ی هفته‌نامه‌ی سومکا، عصر سه‌شنبه بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۱ «[ساعت] ۷/۳۰ [دقیقه] بعدازظهر یک عده از عمال و چاقوکشان قوام به همراهی رئیس آگاهی سبزوار با جیپ رکن ۲ و یک کامیون در حالی که در حدود ۵۰ تن بالشویک هم با یک کامیون، دیگر به آن‌ها ملحق شده بود با فریاد «زنده باد دربار، مرگ بر مخالفین دربار» از یک طرف و «مرگ بر شاه» از طرف دیگر به حزب... حمله کردند. حمله، ۴۵ دقیقه طول کشید و با شکست و فرار مهاجمین تمام شد و جیپ رکن ۲ به دست... [اعضای سومکا] افتاده، به حزب منتقل شد.

← حمله‌کنندگان را از اعضای احزاب سومکا و پان ایرانیست معرفی کرده است. رک: کامبخش، پیشین، بخش دوم، ص ۸۲.

۱. «دیشب در تهران...»، ***اطلاعات***، پیشین، ص ۵

۲. ***کیهان***، ش ۲۷۸۵، پیشین

۳. «خبرگزاری سومکا...»، ***سومکا***، س ۱، ش ۸ (۱۳۳۱/۶/۶)، ص ۴

۴. وی اشتباهاً ۲۸ مرداد ۱۳۳۱ را مصادف با جمعه نوشته است. رنجبر، پیشین، ص ۹

پس از فرار مهاجمین در حالی که یک دسته از... [افراد سومکا] توده‌ای‌ها را به طرف خانه‌ی صلح می‌راندند و یک دسته مهاجمین ستاد را تعقیب می‌کردند، مأمورین پلیس سر رسیده، در پناه خود، اوباش قوامی را فراری دادند.»[۱]

گزارش‌های دیگر نیز تأیید کننده‌ی حمله‌ی انشعابیون طرفدار سلطنت به حزب است.[۲] بنا به نوشته‌ی رنجبر، پس از فرار مهاجمین، رئیس و معاون کلانتری ۲، همراه دو کامیون پلیس به محل حزب آمدند و «بعد از مذاکره با منشی‌زاده شایع کردند که مهاجمین توده‌ای‌ها بودند».[۳]

این واقعه انعکاس زیادی در مطبوعات داشت تا حدی که روزنامه‌ی داد، خبر از شلیک ۳۰۰۰ گلوله داد،[۴] روزنامه‌ی اطلاعات از پرتاب بمب‌های محترقه سخن گفت[۵] و تهران مصور عنوان «هفته‌ی ترور و وحشت، جنگ‌های شبانه در خیابان‌های تهران» را برگزید.[۶] منشی‌زاده نیز از آن به «جنگ اول قلعه‌ی سومکا»[۷] یاد کرد.

نتیجه‌ی درگیری‌های سیاسی احزاب مختلف که غالباً به زد و خورد منجر می‌شد، تعرض به اداره‌ی بازرگانی سفارت مجارستان و خانه‌ی وکس، آتش زدن خانه‌ی صلح و حمله به محل حزب سومکا، برقراری مجدد حکومت نظامی در سی‌ام مرداد ۱۳۳۱، در شرایطی که تنها ۹ روز از لغو آن می‌گذشت، بود. واقعه‌ای که به قول رییس شهربانی وقت، انعکاس مناسبی در جهان نداشت.[۸] از طرف دیگر برقراری مجدد حکومت

---

۱. «خبرگزاری سومکا...»، **سومکا**، ش ۸، ص ۴

۲. رک: سند شماره‌ی ۸۷ از مجموعه‌ی حاضر، رنجبر، پیشین، ص ۹

۳. رنجبر، پیشین

۴. به نقل از «دروغ‌هایی که...»، **سومکا**، ش ۸، ص ۴. رنجبر تعداد تیرهای شلیک شده را «بیش از هفتاد گلوله» نوشته است. رک: رنجبر، من عضو حزب...، ص ۹

۵. «دیشب در تهران...»، ***اطلاعات***، پیشین، ص ۵

۶. «هفته ترور و وحشت، جنگ‌های شبانه در خیابان‌های ***تهران***»، ***تهران مصور***، ش ۴۷۱ (۱۳۳۱/۵/۳۱)، صص ۲ و ۲۳

۷. «در دنیایی دشمن...»، پیشین

۸. کیهان، ش ۲۷۸۵، پیشین. گفتنی است که بر اثر بروز همین ناآرامی‌ها، شیبانی، رئیس شهربانی، استعفا داده ولی دکتر مصدق آن را نپذیرفته بود. بنگرید به: همان‌جا و همان س ۱۱، ش ۲۷۸۴ (۱۳۳۱/۵/۲۸)، صص ۱-۲ شایان ذکر است که در همین روز اعضای سومکا با نارنجک به کامیون یکی از منشعبین حمله کرده بودند. رک: سند شماره‌ی ۱۰۳ از مجموعه‌ی حاضر

نظامی، فرصت و بهانه‌ی مناسبی را در اختیار دشمنان نخست‌وزیر می‌گذاشت تا با سعایت، زمینه‌های سقوط او را فراهم آورند.[۱] این جریان‌ها دو نتیجه‌ی دیگر را نیز برای سومکا، یعنی دستگیری منشی‌زاده و تنی چند از دستیارانش و اتحاد گروهی از منشعبین سومکا، همراه داشت.

حزب نمکا[۲]

پیش از این اشاره گردید که مخالفت علنی منشی‌زاده با شاه، زمینه‌ساز انشعاب دوم از حزب گردید. افراد وابسته به سندیکای یخ‌فروشان پس از جدایی از سومکا با انشعابیون اولیه ائتلاف کرده و علیه منشی‌زاده متحد شدند. حاصل این اتحاد تقویت حزبی بود که اطلاعات چندانی پیرامون آن در دست نمی‌باشد. «مرد آسیا»، جسته و گریخته اطلاعاتی در خصوص اتحاد منشعبین ارائه کرده است:

«انشعابیون حزب سومکا مبارزات خود را به طور متشکل شروع می‌کنند: خبر می‌رسد که عده‌ای از انشعابیون حزب سومکا در نظر دارند تشکیل دستجات مرتبی داده و کمافی‌السابق عملیات خود را ادامه دهند... این عده که تعدادشان از پانصد نفر[۳] بیشتر است دور هم جمع شده و مبارزات خود را مجدداً شروع خواهند کرد».[۴]

چند روز بعد خبر تشکیل جمعیتی متشکل از آن افراد، منتشر شد.[۵] حزب نمکا که توسط انشعابیون اولیه‌ی سومکا، جناح طرفدار شاه و سلطنت، بوجود آمده بود به زودی

---

۱. اما، سومکا، بعدها با افتخار از این درگیری‌ها و نتیجه‌ی آن یاد کرد و حتی مدعی شد که «اقدامات دلیرانه‌ی سومکا باعث شد که بالشویک‌ها مرعوب شوند و با برقراری مجدد حکومت نظامی، خیال کودتاشان نقش بر آب شود.» («در دنیایی دشمن...»، پیشین)

۲. نجات ملی کارگران ایران

۳. به نظر می‌رسد مرد آسیا در تعداد افراد منشعب از سومکا غلو کرده باشد. نیز رک: «دروغ‌هایی که...»، **سومکا**، س ۱، ش ۱۷ (۱۳۳۱/۸/۱)، ص ۱

۴. «تازه‌های مرد آسیا»، ***مرد آسیا***، س ۱، ش ۲۷ (۱۳۳۱/۷/۲۰)، ص ۴

۵. ***مرد آسیا***، س ۱، ش ۳۱ (۱۳۳۱/۷/۲۴)، ص ۴

طیف دوم انشعابیون سومکا را به خود جذب کرد. در این راستا، «سپه»[۱] خبر وابستگی سازمان فداییان ایرانشاه به حزب جدید نمکا را اعلام کرده بود.[۲] افراد این حزب که گفته می‌شد دو دسته‌ی پانصد نفری را تشکیل می‌دهند، به اونیفورم سبز ملبس بودند.[۳]

با وجود این که اعضای این حزب جدید، از انشعابیون سومکا بودند در مواردی از آن‌ها به عنوان اعضای آن حزب یاد شده است. برای نمونه در گزارشی از «عده‌ای... با پیراهن‌های سبز (سبزپوشان) که خود را جزو دسته‌ی (سومکا) معرفی کرده‌اند»[۴] یاد شده و در تکذیبیه‌ای که حزب سومکا برای روزنامه‌ی شاهد ارسال کرده بود نیز به این نکته اشاره شده که افرادی که با لباس سبز و بازوبند به پیشواز شاه و ملکه رفته‌اند، برخلاف خبری که در شاهد آمده است، عضو حزب سومکا نیستند.[۵] به هر روی به درستی نمی‌توان روشن ساخت که آیا اعضای حزب نمکا خود را به عنوان سومکایی معرفی کرده‌اند یا خبرنگاران (داخلی و خارجی) در این موارد به اشتباه افتاده‌اند. البته در این‌جا نباید از نظر دور داشت که نخستین گروه منشعب از سومکا کماکان خود را حزب ناسیونالیست ملی کارگران ایران می‌خواندند.

در مقاله‌ی «حزب‌های بی‌مرام فرمایشی»، سومکا ـ البته با دید مخالف ـ اطلاعات دیگری درباره‌ی حزب نمکا ارائه کرده است که در این‌جا بدان اشاره می‌شود:

«وقتی که... مشاهده کردند ما تنها به مبارزه بر ضد کمونیست‌ها اکتفا نمی‌کنیم و از نظر ما همه‌ی دشمنان ملت یکسانند، از آن هنگام دیگر آگاهی و رکن دوم ستاد ارتش، خیالی جز آن نداشتند که با از میان بردن سومکا و ایجاد دارودسته‌هایی

---

۱. **سومکا**، در معرفی این هفته‌نامه نوشت: «سپه، روزی نامه‌ی ارگان اخراجی‌های سومکا معروف به فداییان ایرانشاه و به قول مرد آسیا کمیته‌ی ترور یخ‌فروش‌ها و لیموناد‌سازها [است] که می‌خواهد از خائنین انتقام بگیرد...». «دروغ‌هایی که...». **سومکا**، س ۱، ش ۲۵ (۱۳۳۱/۱۰/۷)، ۳

۲. «دروغ‌هایی که...»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۴ (۱۳۳۱/۹/۲۳)، ص ۲

۳. «دروغ‌هایی که...»، پیشین، ش ۱۸ (۱۳۳۱/۸/۸)، ص ۲

۴. ***نیویورک تایمز***، به نقل از خلاصه‌ی اخبار خارجی در ۱۳۳۱/۱۱/۱۳، آرشیو مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر، ش ۶۲ـ۲۰۸ـ۵ و ۶۳ـ۲۰۸ـ۵

۵. «خبرگزاری سومکا...»، پیشین، ش ۲۴ (۱۳۳۱/۹/۲۳)، ص ۴

به روش حزب ما (حزبک نجات ملی و آریا)[۱] اولاً از قدرت و شدت تأثیر حزب ما بکاهند و ثانیاً از روش‌ها و هدف‌های ما... در طریق مقاصد خود بهره‌برداری کنند.

برای این منظور مناسب‌ترین افراد، یعنی یک مشت چاقوکش و اوباش را که مدتی به حزب ما روی آورده و پس از شناخته شدن ماهیت پلیدشان از جانب ما طرد شده بودند، مأمور ساختن حزبی از روی سومکا کردند. این دارودسته، نخست دست به حمله‌ی بی‌نتیجه و مفتضحی به حزب ما در تاریخ ۲۸ مرداد ماه زدند که منتج به زخمی شدن ۹ تن از هم‌پیمانان ما و تعداد کثیری از مهاجمین شد و حتی جیپ حامل سنگ و چوبشان هم در فرار آنان به دست هم‌پیمانان ما افتاد...

اما نقشه‌ی اشغال حزب سومکا به دست این اوباش و [اداره] آگاهی به نتیجه نرسید و سرانجام «حزب» نجات ملی! به ابتکار چاقوکشان بنام تشکیل شد و بعد با فداییان ایرانشاه ائتلاف کرد. از عمر این حزب چند ماهی می‌گذرد اما با همه‌ی کمک‌های آگاهی و رکن دو و بعضی از وکلای قهوه‌خانه‌ی بهارستان، از قبیل ذوالفقاری‌ها، هنوز کارشان به هیچ جا نرسیده است و جز «مبارزات» در سینماها و استقبال از شاه و جولان دادن در خیابان‌ها کاری انجام نداده است.»[۲]

بازداشت منشی‌زاده

در روز سوم شهریور ۱۳۳۱ تعدادی از نیروهای نظامی و انتظامی برای بازرسی و تفتیش به «خانه‌ی سیاه» وارد شدند و بنا به اظهار رنجبر در اثر تعلل، اهمال[۳] و حتی

---

۱. حزب آریا سال‌ها پیش از سومکا به وجود آمده بود و گزارش‌هایی از نقش سرلشکر ارفع در تأسیس و تقویت آن موجود است (برای نمونه در خصوص حمایت سرلشکر ارفع از حزب آریا بنگرید به: گزارش‌های محرمانه‌ی شهربانی، ج ۱، صص ۳۸۳-۴ و ۴۲۸-۹۰) نکته‌ی قابل توجه آن است که پس از جدا شدن سپهر از سومکا و پیوستن به آریا، این حزب در موارد بسیاری از سومکا تقلید کرد و سومکا نیز در مواردی به شرح این اقدامات پرداخت.

۲. «حزب‌های بی‌مرام فرمایشی»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۴ (۱۳۳۱/۹/۲۳)، ص ۳.

۳. رنجبر، پیشین، ص ۱۰

چشم‌پوشی[۱] موفق به کشف اسلحه‌های موجود در حزب نشدند.[۲] در هنگام مراجعت چون می‌خواستند جیپ غنیمتی را با خود ببرند، منشی‌زاده به عنوان اعتراض با مأموران به شهربانی رفته و عملاً توقیف می‌شود.[۳]

در هشتم شهریور «دو کامیون پلیس به راهنمایی عباس امینی و دو نفر از انشعابیون به حزب آمده بعد از پاره کردن پرچم حزب،[۴] [امیر] شاپور زندنیا و [امیر] ناصر معینی و داریوش همایون را توقیف کردند.» از آن‌جا که اسلحه‌های گرم و سرد حزبی قبلاً توسط زندنیا به محلی در خارج از حزب منتقل شده بود، در این روز نیز مأموران موفق به کشف اسلحه‌ها نمی‌شوند.[۵]

تاریخچه‌ی حزبی نیز به دستگیری این سه تن در هشتم شهریور ماه اشاره دارد،[۶] اما گزارش‌های اداره‌ی آگاهی حاکی از دستگیری زندنیا، همایون و اسماعیل هاشمی‌نژاد پیش از تاریخ دوم شهریور می‌باشد.[۷] بدین صورت که پس از جلب نام‌بردگان به وسیله‌ی مأمورین کلانتری ۳، قبل از تکمیل بازجویی، پرونده را با متهمین به

---

۱. همان جا، ص ۱۱

۲. سخنان رنجبر درباره‌ی اسلحه‌های حزبی متناقض است. از یک سو وی به انتقال اسلحه‌ها توسط منشی‌زاده و محمودی، در هنگامی که خودش مشغول صحبت با مأموران است، به پشت‌بام قزل‌ایاغ اشاره می‌کند، از سوی دیگر با نیت وابسته نشان دادن حزب به شهربانی و ارتش سخن از بی‌اعتنایی مأموران، برای گشتن اطاق‌هایی که پر از اسلحه‌ی سرد و گرم بوده، به میان می‌آورد. رک: پیشین، صص ۱۰-۱۱ اشیای به دست آمده در این بازرسی یک تفنگ تک‌لول سرپر و پنج قبضه شمشیر و قمه ذکر شده است. رک: سند شماره‌ی ۱۰۷ از مجموعه‌ی حاضر

۳. رنجبر، پیشین، ص ۱۱

۴. این روز به همین مناسبت جزو روزهای تاریخی حزب قرار گرفت و سومکا با روایتی دیگر به بزرگداشت آن پرداخته و اعلام کرد که یکی از افراد حزبی به خاطر آن‌که پرچم حزب «به دست... پلیس مصدق» نیفتد اقدام به سوزاندن آن کرده و به همین مناسبت از هشتم شهریور به عنوان روز خشم پرچم یاد می‌کردند. رک: داوود منشی‌زاده، «تمایلات ملت نباید مانع اعمال مصالح ملی شود»، (سخنرانی در مراسم خشم پرچم)، **سومکا**، س ۲، ش ۵۲ (۱۳۳۲/۶/۸)، ص ۴

۵. رنجبر، پیشین، ص ۱۲. طبق گزارش کلانتری ۶ در روز سوم شهریور علاوه بر کشف ۳۶ اسلحه، باتون چوبی از محل حزب، مأموران موفق به کشف دو نیم بطر مواد منفجره و مقداری زرنیخ، کلرات، ساچمه و باروت شده بودند. (سند شماره‌ی ۱۰۷ از مجموعه‌ی حاضر). پنج روز بعد از این واقعه منزل امیرناصر معینی نیز تفتیش و اسلحه‌های سرد موجود در آن‌جا ضبط گردید. (رک: سند شماره‌ی ۱۰۴ از مجموعه‌ی حاضر)

۶. «در دنیایی دشمن...»، پیشین

۷. سند شماره‌ی ۷۶ از مجموعه‌ی حاضر

شعبه‌ی ۱۸ بازپرسی دادسرای تهران تسلیم کردند.[۱]

خاطرات زندنیا روشن‌کننده‌ی این اختلاف است. وی در خاطرات خود اشاره کرده که پس از حمله به خانه‌ی وکس، رئیس کلانتری به حزب مراجعه کرده و می‌گوید که اگر کسی را دستگیر نکنند از پست خود عزل خواهد شد. بنابراین تقاضا می‌کند چند نفر از طرف حزب به کلانتری معرفی شوند تا پس از بازجویی اعلام شود که آن‌ها از افراد حمله‌کننده نبوده‌اند و آزاد شوند.[۲] بر این اساس با توجه به این نکته که اغلب اعضای حمله‌کننده از گروه «ایران فرزندان» بودند، زندنیا، همایون و هاشمی‌نژاد خود را به کلانتری معرفی کرده و از آن‌جا بدون تکمیل پرونده به دادسرا اعزام می‌شوند، ولی سرانجام در تاریخ هشتم شهریور، زندنیا، همایون و معینی (به جای هاشم‌نژاد) و چهار روز بعد نیز ابراهیم رنجبر و سعید رجبی‌نیا[۳] و در نوزدهم مهرماه منوچهر کیان[۴] بازداشت شدند.

پس از بازداشت منشی‌زاده و اعضای مؤثر حزبی ـ زندنیا و همایون ـ مسؤولیت فرماندهی حزب در هشتم شهریور به ضیاء مدرس واگذار شد[۵] و هفته‌نامه‌ی سومکا از آن پس کانون اصلی مبارزات حزب شد. بیشتر سرمقاله‌ها کماکان توسط منشی‌زاده تهیه و برای چاپ ارسال می‌شد. تا مدتی قسمت‌هایی از مندرجات سومکا تکرار طوطی‌وار مضامین ضد دموکراسی، ستایش منشی‌زاده و رژیم مطلوب حزبی بود. سخنانی که تقریباً در تمام شماره‌ها درج می‌شد. از طرف دیگر، حزب به جنگی تبلیغاتی دست زد. با این‌که به دلیل دستگیری اعضای مؤثرش در تنگنا قرار داشت، اما از انتشار دو شماره‌ی نشریه در هفته سخن می‌گفت[۶] و با وجود کاهش تعداد صفحات به نصف، از

---

۱. همان جا

۲. رک: خاطرات زندنیا، مجموعه‌های بیات و سازمان اسناد.

۳. رنجبر، پیشین، صص ۱۲-۱۳، «خبرگزاری...»، ***سومکا***، ش ۱۰، (۱۳۳۱/۶/۱۷)، ص ۲.

۴. «تازه‌های مرد آسیا»، ***مرد آسیا***، ش ۲۷، پیشین، ص ۴

۵. «فرمان شماره‌ی ۳»، ***سومکا***، س ۱، ش ۹ (۱۳۳۱/۷/۱۱)، ص ۲

۶. رک: سند شماره‌ی ۱۰۸ از مجموعه‌ی حاضر و سومکا، س ۱، ش ۱۰ (۱۳۳۱/۶/۱۷)، اما در شماره‌ی بعد به دلیل موفق نشدن در انجام این وعده، از خوانندگان پوزش خواست.

شماره‌ی ۹ تا ۱۸، پی‌درپی وعده‌ی انتشار هفته‌نامه‌های جدید را می‌داد.[۱] چاپ پشت سر هم اعتراض‌هایی که به مناسبت دستگیری منشی‌زاده به دفتر هفته‌نامه ارسال و از همین دست مطالبی که در مطبوعات دیگر منتشر شده بود را می‌توان اقدامی در همین جهت ارزیابی کرد.

هر چند برخی اقدامات دکتر مصدق، مانند قطع رابطه با انگلستان،[۲] مورد ستایش قرار می‌گرفت، اما آرام آرام نشانه‌های تغییر لحن سومکا به نخست‌وزیر و دولتش، گاه در لفاف حمله به دموکراسی و مظاهرش و حتی گاه به‌طور مستقیم، به چشم می‌خورد. تنها چند ماه پس از سی تیر، دیگر سخن از «این مرد فداکار»[۳] نبود و از دولت دکتر مصدق، با عنوان «دیکتاتوری تضرع و بدبختی، دیکتاتوری اشک و ناله»[۴] یاد می‌شد. روش دوگانه‌ی برخورد سومکا با دولت و شخص نخست‌وزیر تابع نوع برخورد دولت با حزب و شرایط روز بود.

به هر روی پس از چند ماه دادگستری موافقت کرد تا اعضای حزب با سپردن بیست هزار ریال وجه‌الضمان آزاد شوند. به این ترتیب رجبی‌نیا و کیان در شانزدهم، معینی در نوزدهم و همایون در بیست و دوم آذر ماه از زندان آزاد شدند، اما بازپرس دادسرای نظامی با آزادی منشی‌زاده موافقت نکرد. سومکا دلیل آن را «در اثر گزارش دارودسته‌ی چاقوکشی به نام فداییان ایرانشاه که عامل شهربانی هستند» دانست و افزود که این افراد اعلام کرده‌اند که «افراد سومکا در سینماها به عکس شاه، گوجه‌فرنگی پرتاب کرده‌اند [و به همین دلیل] رکن ۲ دستور داده در نگاهداری» منشی‌زاده پافشاری شود.[۵] سرانجام

---

۱. برای نمونه در شماره‌های زیر، در فاصله‌ی دستگیری تا آزادی منشی‌زاده، در نخستین دستگیری، سومکا، وعده‌ی انتشار هفته‌نامه‌ی ایف ارگان گروه ایران فرزندان را داده است، س ۱، ش ۱۸ (۱۳۳۱/۸/۸)، ص ۲، ش ۱۹ (۱۳۳۱/۸/۱۵، ص ۳)، ش ۲۰ (۱۳۳۱/۸/۲۲، ص ۳) و ش ۲۳ (۱۳۳۱/۹/۱۶، ص ۳) و هم‌چنین در شماره‌ی ۱۹ (ص ۳) اعلام گردید که «پایمردی وابسته به حزب سومکا هفته‌ی آینده منتشر می‌شود.»

۲. «با خوانندگان» **سومکا**، ش ۱۹، ص ۴

۳. منشی‌زاده، «ملت دلیر ما در مبارزات...»، **سومکا**، پیشین، ص ۱

۴. منشی‌زاده، داود، «من در برابر فرمان تقدیر و انجام مأموریت راهی نمی‌شناسم.» **سومکا**، س ۱، ش ۲۰ (۱۳۳۱/۸/۲۲)، ص ۱، برای موارد دیگر از جمله بنگرید به: منشی‌زاده، داود، «دولت سوسیالیسم ملی با برنامه‌ی دقیق خود سرنوشت قرن‌های آینده ایران را معین می‌کند»، **سومکا**، س ۱، ش ۱۷ (۱۳۳۱/۸/۱)، ص ۱

۵. «خبرگزاری...»، پیشین، ش ۲۴ (۱۳۳۱/۹/۲۳) ص ۴

در بیست و هفتم آذر ماه، دادستان نظامی موافقت کرد که منشی‌زاده با سپردن پانصد هزار ریال وثیقه آزاد شود. منشی‌زاده دو روز پس از سپردن این مبلغ[۱] و رنجبر در سی‌ام آذر ماه آزاد گشتند.[۲] پس از این جریان منشی‌زاده بار دیگر رهبری حزب را در دست گرفت و فعالیت‌های حزبی از سر گرفته شد. در این زمان سومکا با اجاره‌ی منزلی در خیابان مختاری، پایگاهی حزبی را در آن‌جا تأسیس کرد.

حادثه‌ی مهم در آن روزها، جریانی است که حزب از آن به عنوان «توطئه‌ی همایی»، «که به وسیله‌ی بالشویک‌ها و اداره‌ی آگاهی برای تخریب حزب سومکا ترتیب داده شده بود»، یاد کرده و آن را این گونه مطرح می‌کند:

> «چند ماه قبل، ماشاءالله (پرویز) همایی، بالشویک تبعیدی به جنوب، با ابراز تمایل به حزب سومکا، به پایگاه حزبی در اهواز پیوسته و با نشان دادن فعالیت زیاد به تهران منتقل شده و به جلب اعتماد منشی‌زاده و دیگر افراد حزبی پرداخت تا نهایتاً به ریاست دادگاه حزبی منصوب گردید.»

سومکا ادعا می‌کند که وی هم‌زمان با «مأمورین جاسوسی سفارت آمریکا» و عده‌ای از عمال آگاهی تماس برقرار ساخته، از سویی به دل‌سرد کردن اعضاء پرداخته و از سوی دیگر به تدریج غذای منشی‌زاده را مسموم می‌کرد. با مشکوک شدن حزب به نام‌برده دو گروه از اعضای مؤثر حزبی در داخل و خارج از حزب وی را زیر نظر گرفتند. در پایان حزب وی را متهم کرد که او مخفیانه مقداری اسلحه به حزب منتقل ساخته که این اسلحه‌ها در بازرسی مأموران فرمانداری نظامی و آگاهی (۱۳۳۱/۱۱/۱۱) کشف می‌شوند. مأموران «در صدد بازداشت مسؤولین حزبی برآمدند، ولی تیرشان به سنگ خورد و مفتضحانه عقب نشستند.»[۳] عبارت پایانی نقل شده از سومکا مبهم است. مشخص نیست که چگونه مأموران پس از کشف اسلحه‌ها، موفق به دستگیری اعضای

۱. «خبرگزاری...»، پیشین، ش ۲۵ (۱۳۳۱/۱۰/۷)، صص ۳ و ۴

۲. رنجبر، پیشین، ص ۱۶. رنجبر ادعا کرده که چون حزب متوجه شده بود که وی قصد دارد در دادگاه اسرار حزبی را فاش کرده و به قول خودش «دست ایادی انگلستان و دربار و رکن دوم و پلیس» را رو کند. به سرهنگ شیبانی، برادر کاظم شیبانی از اعضای حزب، «دستور دادند که کفیل» او شود

۳. «خبرگزاری...»، پیشین، ش ۲۹ (۱۳۳۱/۱۱/۲۰)، ص ۴. هم‌چنین بنگرید به سند شماره‌ی ۱۴۶ از مجموعه‌ی حاضر

حزب نمی‌شوند. از طرف دیگر چه نیازی به مسمومیت تدریجی منشی‌زاده بود؟ اگر قصد دشمنان حزبی نابودی او بوده چرا این عمل در یک مرحله صورت نپذیرفته است؟

احتمال می‌رود که همایی با عناصری خارج از حزب هم‌کاری کرده باشد و اتهام ورود اسلحه، توسط او به حزب و هم‌چنین مسموم ساختن تدریجی منشی‌زاده شاید دستاویزی بود برای دو منظور؛ نخست گناه وجود اسلحه در حزب به گردن او بیفتد و دوم این که پنهان شدن[۱] منشی‌زاده را توجیه نماید. منشی‌زاده خود از این دوران این گونه یاد کرده است: «هنوز یک ماهی نگذشته بود و من از زندان چهارماهه تازه بیرون آمده بودم که پاپوش دیگری برای ما دوختند و من مدت‌ها متواری بودم...».[۲]

سومکا در نهم اسفند و وقایع پس از آن

واقعه‌ی دیگری که به نقش سومکا در اجرای آن اشاره گردیده جریانی است که در نهم اسفند ۱۳۳۱ روی داد.

مخالفت برخی از نمایندگان مجلس با مصدق در جریان تمدید اختیارات، شورش ابوالقاسم بختیار و جنگ با نیروهای دولتی (۱۳۳۱/۱۲/۲)، تحریکات افسران بازنشسته و عوامل دربار و وابستگان شاه، سبب هشدار مصدق به شاه مبنی بر آگاه‌سازی مردم از کارشکنی‌های اشرف پهلوی و ملکه‌ی مادر و افشای قضایای بختیاری گردید و در پی آن شاه به مصدق پیغام داد که ماندنش در ایران سبب خواهد شد تا با رفت و آمد افراد به دربار، در جامعه سوءتفاهماتی ایجاد شود، بدین منظور وی در نظر دارد به صورت محرمانه به مسافرتی دوماهه برود.

روز مسافرت ـ نهم اسفند ـ مصدق که برای بدرقه به دربار رفته بود متوجه فریادهای «مرگ بر مصدق» افرادی شد که در جلوی کاخ تجمع کرده بودند. مصدق را از درِ کاخ شمس خارج کردند. هنگامی که گروهی از تظاهرکنندگان به منظور قتل مصدق به طرف خانه‌اش هجوم بردند، مصدق از منزل به ستاد ارتش و از آن‌جا به مجلس رفت.[۳]

---

۱. وی در این دوران در نصیرآباد کرج پنهان شده بود. ***خاطرات زندنیا***، هر سه مجموعه

۲. منشی‌زاده: «تمایلات ملت نباید مانع...»، ***سومکا***، پیشین، ص ۴

۳. به نقل از: غلامرضا نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شرکت سهامی

برخی منابع به شرکت سومکا در رخدادهای نهم[۱] و دهم[۲] اسفند اشاره دارند؛ اما سومکا سعی در تکذیب این خبر داشت، از این رو در شماره‌ی بعد از آن وقایع ـ که با تأخیر منتشر شد ـ داریوش همایون در مقاله‌ای حوادث آن روزها را محصول دموکراسی و نشان‌دهنده بحرانی که در آینده نزدیک رخ خواهد داد، دانست و نوشت:

«در چنین حوادثی حزب ما به هیچ وجه نمی‌توانست شرکتی داشته باشد. حزب ما یک حزب فردپرست لیبرال نیست و از هیچ یک از جناح‌های دستگاه حکومتی دمکرات نیز دفاعی نکرده است و نمی‌تواند بکند. ما برای ایجاد چنین جریاناتی به وجود نیامده‌ایم، بلکه این جریانات هستند که سرانجام مردم را به ماهیت حکومت‌هایشان واقف می‌سازند و باعث می‌شوند که یک ایدئولوژی مشخص مستحکمی مانند ایدئولوژی ما به پیروزی برسد و راه را بر روی همه‌ی جریانات منحرف و ضد ملی مسدود کند.

البته بسیاری از عوامل مقتدر در فکر آن بودند که از نیروی ما در راه مقاصد خود استفاده کنند و بسیاری دیگر نیز وجود داشتند که می‌خواستند ما را با شرکت دادن در این حوادث از راه خود منحرف سازند...

ما دنباله‌روی جریانات روز نیستیم و تا خود موجد آن‌ها نباشیم و آن‌ها را رهبری نکنیم اصولاً حزب خود را به داخل چنین ماجراهایی نمی‌کشیم...».

در ادامه، از این جریان به منزله‌ی «چند اجتماع ساده و در مقایسه با حوادث قبلی، بی‌اهمیت» یاد کرد که «اصولاً ارزش آن را نداشت که نیروی حزبی... [سومکا] را به خود صرف کند.» وی در ادامه‌ی مقاله‌اش افزوده است:

← انتشار، تهران ۱۳۶۶، چاپ سوم، صص ۲۶۱-۲۶۶ به اختصار.

۱. برای نمونه: مرد آسیا، به سوی آینده، شهباز، جوانان دمکرات، اطلاعات، کیهان، ایران، (به نقل از «دروغ‌هایی...»)، **سومکا**، س ۱، ش ۳۱ (۱۳۳۱/۱۲/۱۸)، ص ۲) ***آپادانا*** (به نقل از: پیشین، س ۲، ش ۳۷ (۳۲/۲/۱۶)، ص ۲)، **حجار** (به نقل از پیشین، ش ۳۸ (۱۳۳۲/۲/۲۳)، ص ۲)، گازیوروسکی (گازیوروسکی، مارک، سیاست خارجی آمریکا و شاه: بنای دولتی دست‌نشانده در ایران، ترجمه‌ی فریدون فاطمی، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۱، ص ۱۳۱)، و صولت قشقایی (پیشین، ص ۳۵۲)، به نقش سومکا در وقایع این روز اشاره کرده‌اند.

۲. برای نمونه هفته‌نامه‌ی پرچمدار به نقش سومکا در روز دهم اسفندماه اشاره کرده است. رک: **پرچمدار**، س ۲، ش ۱۳ (۱۳۳۱/۱۲/۱۷)، صص ۱-۲.

«جریانات نهم و دهم اسفند یک زورآزمایی ساده بین چند حزب و دسته‌ی معین و مشخص بود و به هیچ وجه، هیچ یک از طرفین نتوانستند مردم را همانند گذشته با خود داخل منازعات کنند.»[۱]

به این طریق سومکا سعی کرد خود را از اتهام شرکت در وقایع این روز و بالتبع وابستگی به دربار، رهایی بخشد.

توطئه‌ای دیگر نیز - قبل و بعد از این جریان - در حال شکل‌گیری بود. در این خصوص گازیوروسکی اشاره به کنکاش زاهدی با تنی چند از ژنرال‌های ارتش ایران در اواخر بهمن ۱۳۳۱ پیرامون امکان یک کودتا دارد.[۲] هم‌چنین زندنیا به رایزنی گروهی از مخالفین دولت (از جمله اردشیر زاهدی، سرتیپ مزینی، سرتیپ منزه و نمایندگانی از احزاب مسلمانان مجاهد، ذوالفقار، آریا، سومکا و برخی باشگاههای ورزشی) در منزلی در قنات‌آباد، برای سرنگونی دولت دکتر مصدق از طریق برگزاری تظاهرات اشاره می‌کند.[۳]

در پی بازداشت عده‌ی زیادی از رجال و امرای بازنشسته در دهم اسفند و خصوصاً با توجه به اعلام جمعیت مبارزه با استعمار مبنی بر تصمیم اعضای سومکا برای ایجاد آتش‌سوزی و اغتشاش در شهر،[۴] محل حزب سومکا بار دیگر در دوازدهم اسفند مورد بازرسی قرار گرفت و چند تن از افراد حاضر در حزب (امیرناصر معینی، اتمان پتروسیان، صابری و مهندس ملکشاهی) دستگیر شدند. روز بعد نیز حسین شیبانی بازداشت شد. زندنیا نیز چند روز پیش از آن (۱۳۳۱/۱۲/۱۰) به اتهام داشتن اسلحه دستگیر شده بود که پس از سه روز به قید کفیل آزاد شد.[۵] از آن‌جا که منشی‌زاده در

۱. داریوش همایون، «حزب ما در جریانات اخیر»، **سومکا**، س ۱، ش ۳۱، صص ۱ و ۳. هم‌چنین رک، «خبرگزاری...»، **سومکا**، پیشین، ص ۳

۲. مارک. گازیوروسکی، ***کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲***، ترجمه‌ی سرهنگ غلامرضا نجاتی، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۶۷، ص ۳۰

۳. برای اطلاعات بیشتر رک: ***خاطرات زندنیا***، مجموعه‌ی سازمان اسناد و بحث «سومکا، توطئه‌ی قتل افشار طوس، و کودتا» در صفحه‌های بعد کتاب حاضر

۴. رک: سند شماره‌ی ۱۳۴ از مجموعه‌ی حاضر

۵. «خبرگزاری...»، پیشین، ش ۳۱ (۱۳۳۱/۱۲/۱۸)، ص ۳، هم‌چنین بنگرید به سند شماره‌ی ۱۴۷ از مجموعه‌ی

دادگاه عالی جنایی نظامی دارای پرونده بوده،[۱] در شانزدهم اسفند دستگیر گردید.[۲] سومکا در این خصوص چنین نگاشت:

«شنبه ۳۱/۱۲/۱۶[۱۳] رهبر سومکا برای اعتراض به عمل خلاف قانون مأمورین فرمانداری نظامی و برای معرفی خود به فرمانداری نظامی رفته، بلافاصله به اشاره‌ی شخصی نخست‌وزیر بازداشت شد...».[۳]

فردای آن روز، بازداشت‌شدگان ـ منشی‌زاده، همایون، زندنیا، رجبی‌نیا، رفیع کیان و معینی ـ به اتهام «ضدیت با سلطنت مشروطه‌ی ایران» محاکمه و از اتهام وارده تبرئه شدند.[۴] در بیستم اسفند، داریوش همایون مجدداً دستگیر شد و بازداشت منشی‌زاده و سه تن از یارانش به استناد ماده‌ی ۵ حکومت نظامی[۵] ادامه یافت. ضمناً مأموران بار دیگر درصدد دستگیری زندنیا برآمدند.[۶] در عین حال فشارهای وارده به حزب در سال جدید نیز ادامه یافت. برای نمونه در ششم فروردین ۱۳۳۲ منزل فردوس لادبن ـ فرمانده گروه زنان و گنجور سابق سومکا ـ بازرسی گردید.[۷]

کمتر از دو هفته‌ی بعد، گزارش شد که مخالفین به منظور بدنام کردن دولت مصدق،

← حاضر

۱. سند شماره‌ی ۱۵۶ از مجموعه‌ی حاضر

۲. سند شماره‌ی ۱۵۴ از مجموعه‌ی حاضر

۳. «خبرگزاری...»، پیشین. منشی‌زاده بعدها ادعا کرد که در روز هیجدهم اسفند، برای آزادی اعضایی که به عنوان گروگان او دستگیر کرده‌اند، خود را به فرمانداری نظامی معرفی کرده است. (منشی‌زاده: «تمایلات ملت...»، پیشین)، در نامه‌ی اعتراضی که سرپرست سومکا به نشریه ارگان حزبی نوشت نیز تاریخ بازداشت منشی‌زاده اشتباهاً هیجدهم اسفندماه ذکر شده است. رک: به سند شماره‌ی ۱۶۹ از مجموعه‌ی حاضر

۴. رک: ضمیمه‌ی شماره ۴

۵. ماده ۵ حکومت نظامی مصوب ۲۷ سرطان ۱۳۲۹ق: «اشخاصی که سوءظن مخالفت با دولت مشروطه و امنیت و انتظام عمومی در حق آن‌ها بشود، قوه‌ی مجریه حق توقیف آنان را خواهد داشت و پس از توقیف به استنطاق آنان شروع می‌شود و هرگاه در استنطاق سوءظن به‌کلی رفع نشود شخص مظنون در توقیف باقی و بعد از اختتام حکومت نظامی به عدلیه تسلیم خواهد شد.» به نقل از: ترکمان، محمد (گردآورنده)، ***توطئه‌ی ربودن و قتل افشار طوس، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا***، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۳۱

۶. «خبرگزاری...»، **سومکا**، ش ۳۲ (۱۳۳۱/۱۲/۲۵)، ص ۴

۷. پیشین، ش ۳۳ (۱۳۳۲/۱/۱۱)، ص ۴

در صورت تصویب طرح هیئت هشت نفری،(۱) به وسیله‌ی احزاب سومکا و آریا، دست به اقدامات تروریستی خواهند زد و سی نفر را ترور خواهند کرد.(۲) این امر به بازرسی حزب در ۱۳۳۲/۱/۱۸ انجامید.(۳) تا پایان همین ماه نیز سخن از چند درگیری اعضای سومکا با موافقین دولت در میان است.(۴)

سومکا، توطئه‌ی قتل افشار طوس و کودتا

سرتیپ محمود افشار طوس رئیس شهربانی کل کشور از دوشنبه شب، (۱۳۳۲/۱/۳۱) ناپدید شد.(۵) نخستین سرنخ‌ها نشان دهنده آن بود که وی آخرین بار که دیده شده در جستجوی خانه‌ای در خیابان خانقاه بوده است.(۶) به همین دلیل و با توجه به مخالفت‌های سومکا با دولت از چند روز پیش، برخی، حزب سومکا را با این توطئه مربوط می‌دانستند. مثلاً روزنامه‌ی اطلاعات در ستون «محافل تهران» نوشت:

---

۱. در دهم اسفند ۱۳۳۱ مجلس شورای ملی از بین اعضای خود هشت نفر را تعیین کرد تا اختلافات بین شاه، دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی را حل نماید. باقر عاقلی، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، نشر گفتار، تهران ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۸۴

۲. رک: سند شماره‌ی ۱۶۷ از مجموعه‌ی حاضر

۳. خلیل‌الله مقدم معتقد است که پس از سخنرانی هفدهم فروردین دکتر مصدق در جلسه‌ی هیئت وزیران، به منظور پیشگیری از فعالیت‌های مخالفین، اقداماتی صورت گرفت که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به بازرسی از محل‌های احزاب سومکا و آریا اشاره کرد. وی سپس از قول یکی از مقامات فرمانداری نظامی می‌نویسد که در بازرسی از محل حزب سومکا «مقداری بمب‌های دستی، مشعل، شمشیر و یک صد دست لباس متحدالشکل» و از محل حزب آریا «مقداری مواد تخریبی و لباس متحدالشکل و لوازم دیگر... به دست آمد و عده‌ای نیز به استناد ماده‌ی ۵ حکومت نظامی بازداشت شدند.» خلیل‌الله مقدم، احمد، ***تاریخ جامع ملی شدن نفت***، نشر علم، تهران ۱۳۷۷، ص ۵۲۴. هم‌چنین رک: سند شماره‌ی ۱۶۸

هفته نامه‌ی سومکا نیز به بازرسی از محل حزب و ضبط اونیفورم، مشعل و دفترهای حزبی اشاره کرده، ولی خبری از دستگیری اعضای حزبی در میان نیست. (رک: «خبرگزاری...»، پیشین، ش ۳۴ (۱۳۳۲/۱/۲۶)، ص ۴). اسناد موجود نیز به بازداشت اعضای سومکا در این روز اشاره‌ای ندارد. از طرف دیگر ارسال پیام رادیویی دکتر مصدق در شانزدهم فروردین در خصوص وقایع نهم اسفند و اعلام صریح این نکته که شاه حق مداخله در امور کشور را ندارد (باقر عاقلی، ***روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی***، نشر گفتار، چاپ اول، تهران ۱۳۶۹، چاپ اول، جلد اول، ص ۳۴۷)، نیز می‌توان به عنوان هشداری جدی برای سلطنت‌طلبان ارزیابی کرد.

۴. بنگرید به: روزشمار زندگی دکتر منشی‌زاده و حزب سومکا

۵. ترکمان، پیشین، صص ۴۰، ۵۴ و صفحات دیگر

۶. گزارش فرمانداری نظامی تهران و حومه، به نقل از: ترکمان، پیشین، صص ۹۷-۹۸

بعضی از محافل «با توجه به محل، اظهار نموده‌اند که ربوده شدن افشار طوس به دسته‌ی سومکا ارتباط دارد».

بانگ مردم نیز در این خصوص گفته بود:

«... محل دارودسته‌ی سومکا در این دو خیابان قرار دارد و به علت این‌که این دستجات به طرفداری دربار، مشغول توطئه بوده‌اند نظر مأمورین متوجه آن‌ها شده است...».[۱]

این سوءظن به مأموران نیز منتقل شد و در فاصله‌ی زمانی اندکی محل حزب سومکا سه بار بازرسی گردید.[۲] پس از دستگیری متهمان اصلی، سوءظن به حزب سومکا از بین رفت. هم‌چنان که از گفته‌های متهمان پرونده برمی‌آید در این توطئه سومکا نقشی نداشت.[۳]

نکته‌ی مهم در بررسی حاضر، قسمتی از اعترافات سرتیپ علی‌اصغر مزینی[۴] است که در آن اطلاعاتی از مخالفت سومکا با دولت دکتر مصدق ارائه می‌دهد. وی در بازجویی مورخ ۱۳۳۲/۲/۶ اظهار داشت:

«این‌جانب با احزاب و دستجات مخالف دولت هیچ گونه نزدیکی نداشتم تا موقعی که موضوع مسافرت شاهنشاه پیش آمد و چون در روز ۹ اسفند افسران بازنشسته و این‌جانب از ساعت $11\frac{1}{2}$ به جلوی قصر اعلی‌حضرت رفته بودیم و در یکی دو روز بعد هم در تظاهرات بر له شاه شرکت داشتیم این بود که با بعضی سران احزاب طرفدار شاه هم‌کاری و بعداً آشنایی به عمل آمده؛ من‌جمله حزب آریا و [حزب] سومکا بود.

در تظاهرات بعدی هم تا وقتی که موضوع گزارش هیئت ۸ نفری و اختلافات ناشیه از آن پیش آمد،[۵] ملاقات‌هایی از آقای سپهر یا مهندس (صدری)، درست

---

۱. به نقل از: «دروغ‌هایی...»، **سومکا**، س ۱، ش ۳۶ (۱۳۳۲/۲/۹)، ص ۱

۲. سومکا، س ۱، ش ۳۵ (۱۳۳۲/۲/۲)، ص ۲

۳. رک: ترکمان، پیشین، بخصوص صفحات ۱۲۳ تا ۱۳۱، اعلامیه‌ی فرمانداری نظامی

۴. وی پس از انقلاب اسلامی به جرم شرکت در توطئه‌ی قتل افشار طوس اعدام شد. رک: پیشین، ص ۱۰

۵. اصل: پیش‌آمد کرد.

اسمش خاطرم نیست، که در غیاب آقای دکتر منشی[زاده] متصدی آن حزب هستند،[۱] نمودم...»[۲]

در بازجویی مورخ ۱۳۳۲/۲/۱۲، مزینی در پاسخ به پرسش «از تاریخ ۹ اسفند ۱۳۳۱ که بنا به اظهار خودتان برای متشکل نمودن مخالفین دولت اقدام می‌نمودید با کدام یک از مقامات برای اجرای این نقشه تماس و ارتباط داشتید؟» نوشته است:

«این مخالفین دولت عبارت از مقاماتی نبودند، بلکه عبارت از اشخاص متفرق بوده است که جمعی از آن‌ها تشکیلاتی داشته‌اند، مانند حزب سومکا، حزب آریا یا جمعیت موسوم به ذوالفقار و مجاهدین اسلام و گروهی اشخاص مختلف بوده‌اند که هر یک، چندین تن کم و بیش طرفدارانی داشته‌اند و این‌ها اشخاصی که شغلی داشته یا مقامی باشند، نبوده‌اند و از طرفی مخالفت صرف با دولت هم نبوده است؛ مثلاً من از موافقت یا مخالفت حزب سومکا با دولت اطلاعی ندارم، اما آن چه قطعی است مخالفت آن‌ها با حزب توده[۳] یا با سلب اختیارات شاه قطعی بوده و در این جهت با ما هم‌نظر بوده‌اند. هم‌چنین است

۱. هم‌چنان که مزینی خود نوشته، اطلاعاتش در این خصوص اشتباه است. سپهر (هوشنگ یا برادرش) از گردانندگان حزب آریا بودند. منظور از مهندس صدری احتمالاً مهندس صدر است که وی در آن زمان گنجور حزب بود نه متصدی حزب. (خبر انتصاب مهندس صدر به گنجوری سومکا در: «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۱، ش ۳۲ (۱۳۳۱/۱۲/۲۵)، ص ۴، چاپ گردید). مسئول حزب در غیاب منشی‌زاده، حسین شیبانی بود. رک: پیشین ش ۳۳ (۱۳۳۲/۱/۱۱)، ص ۴ و نیز اسناد شماره‌ی ۱۵۷، ۱۷۳ و ۱۷۵ از مجموعه‌ی حاضر

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده سرتیپ علی‌اصغر مزینی، پرونده شماره‌ی ۴۳۸۰. مشروح این بازجویی پیش از این درکتاب ***توطئه ربودن و...***، صص ۶۱-۷۳»، منتشر گردیده ولی از آن‌جا که کلمه‌هایی از متن بازجویی خوانده نشده بود، از پرونده فوق استفاده گردید.

۳. بدیهی است که حزب توده نیز متقابلاً مخالف سومکا بوده است. خان‌بابا تهرانی شرح داده که برای مقابله با سومکایی‌ها و پان‌ایرانیست‌ها گروه‌های مقاومت تشکیل داده است. اقدامی که در سازمان جوانان حزب توده با اعتراض مواجه شده است. البته درگیری‌هایی که وی آن‌ها را شرح داده بیشتر مربوط به گروه موسوم به «آوارگان پان‌ایرانیسم» است. (ر.ک: مهدی، خان‌بابا تهرانی، ***از درون به جنبش چپ ایران***، گفتگوی حمید شوکت با مهدی خان‌بابا تهرانی، انتشار، تهران ۱۳۸۰، ص ۵۵). برای اطلاع از اقدامات دیگر ر.ک: سند شماره‌ی ۱۱۹ از مجموعه‌ی حاضر) پس از انقلاب اسلامی نیز حزب توده در پی انتقام گرفتن از اعضای پیشین سومکا بود تا جایی که گفته‌اند «... حزب توده در سرمقاله روزنامه ارگان خود علیه... [امیرشاپور زندنیا] مطالبی نوشت که از رادیو مسکو پخش شد نقل به این مضمون که چرا این عنصر به زعم آن‌ها (فاشیست) را اعدام نمی‌کنند.». (رک: رزم‌آسا، اسماعیل، ***یادنامه‌ی عماد***، مهرماه ۱۳۷۷، پلی‌کپی. ص ۲۴)

حزب آریا و غیره.»[۱]

در بازجویی دیگری که پس از کودتای ۲۸ مرداد انجام شده، مزینی با افتخار اشاره می‌کند که با کمک برخی از متهمین پرونده، سرتیپ بایندر و سرتیپ دکتر منزه به ریاست زاهدی مبارزات خودشان را شروع کرده و با هم‌کاری‌تعدادی از نمایندگان مجلس و «کمک بعضی از احزاب مخالف» مانند حزب زحمتکشان، سومکا، آریا، ذوالفقار و عده‌ای دیگر، با اشکالات زیاد توانستند در مقابل دولت دکتر مصدق «عرض اندام» کنند.[۲]

قسمت اول اعترافات مزینی در همان زمان انعکاس دیگری یافت. رادیو تهران ضمن اعترافات مزینی اعلام کرده بود که «ما اول حزب سومکا را ساختیم... که با توده‌ای‌ها و نیروی سوم مبارزه کند... چون این کار فایده نداشت به فکر دزدیدن افشار طوس افتادیم.»[۳] پس از روشن شدن قضایا، نمایندگانی از طرف حزب با «رئیس دیوان کل کشور» ملاقات و نسبت به اعمال دولت (پخش آن خبر در رادیو و بازداشت منشی‌زاده) شکایت کردند. اعلامیه‌ای نیز در این خصوص از طرف حزب منتشر شد.[۴]

اعتراف‌های مزینی مؤید کوشش دست کم چند نفر از اعضای حزب سومکا برای پیوستن به جریانی است که بر ضد دولت دکتر مصدق در حال گسترش بود؛[۵] هم‌نوایی سومکا با جریان‌های ضد دولت نیز به روشنی نشانگر روشی است که سومکا در پیش گرفت. سرمقاله‌های سومکا یکی پس از دیگری ـ و هر یک شدیدتر از قبلی ـ دمکراسی و

---

۱. به نقل از ترکمان، پیشین، ص ۸۹ و پرونده شماره‌ی ۴۳۸۰، آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده شماره‌ی ۴۳۸۰

۳. به نقل از «دروغ‌هایی که...»، **سومکا**، س ۱، ش ۳۸ (۱۳۳۱/۲/۲۳)، ص ۲.

۴. «خبرگزاری...»، **سومکا**، پیشین، ص ۲. کمی پیش از آن، سومکا مقامات دولتی و نخست‌وزیر را متهم کرده برد که به نوعی در «محو افشار طوس سهیم بوده‌اند.» («خبرهای کشور»، سومکا، س ۱، ش ۳۶ (۱۳۳۲/۲/۹)، ص ۲)، زندنیا نیز بعدها به گونه‌ای دیگر مصدق را متهم کرد. وی بدون ارائه مدرک مستندی ادعا کرده که افشار طوس خیال کودتا در سر داشت و بر آن بود که مصدق را به ریاست جمهوری رسانده، ولی خود عملاً زمام امور را در دست گیرد. مصدق از نقشه‌ی افشار طوس مطلع گشته ولی «نقش تماشاگر را پیش گرفت، زیرا می‌دانست هواداران شاه اقدام خواهند کرد». رک: ***خاطرات زندنیا***، بهرام مهر [امیرشاپور زندنیا]: «تاریخ ۲۵ ساله‌ی ایران، قسمت هشتم. جعلیات به صورت حق به جانب»، عماد، ش ۳۰ (۱۳۷۱/۱۰/۲۳)، صص ۱-۲

۵. مطالبی که در صفحه‌های پیش از آن به عنوان توطئه‌ی اواخر بهمن ۱۳۳۱ یاد شد.

دکتر مصدق را مورد حمله قرار می‌داد. عناوین سرمقاله‌های هفته‌نامه‌ی ارگان حزب در ماه‌های اردیبهشت و خرداد به روشنی مؤید این مطلب است:

«پرتگاهی که دیکتاتوری تضرع فراهم کرده است. تنها سوسیالیسم ملی می‌تواند ملت ما را برهاند»،[۱] «باز هم داروغه مصدق توطئه می‌چیند. دومین سال تأسیس سومکا امروز پایان می‌پذیرد، ولی سال نو ما را مصمم‌تر خواهد دید»،[۲] «ما آزادی ملی را در افتخار و عظمت می‌دانیم. دیکتاتوری تضرع این روزها گدایی می‌کند»،[۳] «من جوان قوی هستم و در این راه خدایی از مصدق‌السلطنه‌ها نمی‌ترسم»،[۴] «آتش انقلابی که من افروخته‌ام با نفس سرد دشمنان خاموش نمی‌شود...»،[۵] «دولت طوماری به شیطان توسل کرده و نمی‌داند که خداوند دست مرا گرفته و بالا کشیده»،[۶] «ما چرا ادعای رهبری سیاسی این ملت را داریم؟ تنها برنامه‌ی انقلاب اجتماعی و اقتصادی ما پیشاپیش طوری تنظیم شده که ضامن سعادت افراد ملت و گسترش قوای عظیم ملی در فضای حیاتی ملت است...»،[۷] «خداوند در من بخشش و اغماض سیاسی نیافریده و من هم از هیچ حریف سیاسی انتظار بخشش و اغماض ندارم.»[۸]

در برخی از این سرمقاله‌ها، که اغلبشان توسط منشی‌زاده نگاشته شده، با لحنی بد و بشدت، به دکتر مصدق حمله شده است. از طرف دیگر روش منشی‌زاده در زندان، با آن چه در هفته نامه می‌گذشت، متفاوت بود. اسنادی از تقاضاهای منشی‌زاده جهت ملاقات

---

۱. **سومکا**، س ۱، ش ۳۵ (۱۳۳۲/۲/۲)، صص ۱ و ۲. با امضای پیراهن سیاه
۲. پیشین، ش ۳۶ (۱۳۳۲/۲/۹)، صص ۱ و ۲
۳. پیشین، ش ۳۷ (۱۳۳۲/۲/۱۶)، ص ۱
۴. پیشین، ش ۳۸ (۱۳۳۲/۲/۲۳)، ص ۱
۵. پیشین، ش ۳۹ (۱۳۳۲/۲/۲۹)، صص ۱ و ۲
۶. پیشین، ش ۴۰ (۱۳۳۲/۳/۶)، صص ۱ و ۲
۷. پیشین، ش ۴۱ (۱۳۳۲/۳/۲۰)، صص ۱ و ۲
۸. پیشین، ش ۴۲ (۱۳۳۲/۳/۲۷)، ص ۱

با فرماندار نظامی[۱] و شخص نخست‌وزیر[۲] موجود است. وی حتی در همان دوران در جلسه‌ای با وزیر کشور و رئیس شهربانی و فرماندار نظامی به گفتگو نشست.[۳]

از طرف دیگر پرونده منشی‌زاده که به اتهام داشتن اسلحه به دادگاه جنحه فرمانداری نظامی فرستاده شده بود[۴] مورد رسیدگی قرار گرفت و نتیجه‌ی آن جریمه‌ی هشتصد ریالی وی بود،[۵] جریمه‌ای که از طرف روزنامه‌های مخالف سومکا از آن به پاداش یاد شد.[۶] سومکا هم‌چنان ادعا می‌کرد که اسلحه‌ها «به وسیله‌ی عمال آگاهی [احتمالاً منظور پرویز همایی است] در حزب گذاشته شده بود» و نسبت به ادامه‌ی بازداشت منشی‌زاده بنا به ماده‌ی ۵ حکومت نظامی، معترض بود.[۷]

از این زمان تا شکل‌گیری کودتای ۲۸ مرداد، سومکا عملاً به مخالفت با دولت دکتر مصدق پرداخت و در پوشش خواسته‌های وطن‌خواهی و ملت‌پرستی به مناسبت‌های مختلف به دولت حمله می‌کرد و به موازات آن در درگیری‌های مقطعی با طرفداران حزب توده،[۸] زمینه‌های ایجاد ناامنی در جامعه را فراهم می‌آورد؛ وضعیتی که مطلوب عوامل پنهان کودتای ۲۵ و ۲۸ مرداد بود.

گفته شده در این خصوص سومکا از حمایت مالی کودتاچیان برخوردار گشته و جزو گروه‌هایی بوده که در عملیات بدامن،[۹] برای برهم زدن راه‌پیمایی‌های حزب توده از

---

۱. رک: اسناد شماره‌ی ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۷، ۱۷۸ و ۱۸۰ از مجموعه‌ی حاضر.
۲. رک: سند شماره‌ی ۱۹۴ از مجموعه‌ی حاضر.
۳. رک: سند شماره‌ی ۱۷۷ از مجموعه‌ی حاضر
۴. «خبرگزاری...»، **سومکا**، ش ۳۶، ص ۲
۵. «خبرگزاری...»، شیر شرق نشریه‌ی حزب سومکا، س ۲، ش ۴۶ (۱۳۳۲/۵/۱)، ص ۲
۶. جرس در این خصوص نوشت: «... دادستان گفت این شخص حزبی ساخته که مرام‌نامه‌ی آن خلاف قانون اساسی موجود است. در زیرزمین‌های مرکز این حزب مردم را زندانی کرده، شکنجه داده‌اند. افراد حزب که با اسلحه‌ی سرد و گرم مجهز هستند امنیت شهر را مختل کرده‌اند... دادگاه این جرایم را با هشتاد تومان جریمه پاداش داد...». شهباز ضد استعمار نیز در این خصوص نوشت: «... دادگاه نتیجه گرفت که این‌ها شبیه اسلحه است اما اسلحه نیست. صدور این رأی ثابت می‌کند که دادگاه‌های نظامی تا چه اندازه استقلال دارند...»، به نقل از: «دروغ‌هایی...»، **شیر شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا، ش ۴۶، ص
۷. «خبرگزاری...»، پیشین، ص ۲
۸. بنگرید به: روزشمار زندگی دکتر منشی‌زاده و حزب سومکا
۹. Bedamn.

عوامل سیا پول دریافت کرده است.[۱] در این خصوص سؤال‌های زیادی مطرح است که پاسخ به آن‌ها زوایای تاریک فعالیت حزب سومکا را مشخص خواهد کرد. برای نمونه مشخص نیست که کمک‌های مالی ذکر شده در چه زمان (یا زمان‌هایی) به حزب پرداخت شده، مبلغ پرداختی چقدر بوده و شخص (یا اشخاص) دریافت‌کننده پول چه کسی (یا چه کسانی) بوده‌اند.[۲] از طرف دیگر مشخص نیست آیا دریافت‌کنندگان کمک‌های مالی، می‌دانستند که در پس این پیشنهادها عوامل سیا قرار دارند؟[۳] با توجه به روش خصمانه‌ای که ارگان رسمی حزب در برابر سیاست‌های آمریکا[۴] در پیش گرفته بود به نظر نمی‌رسد هویت این «امدادگر مالی» برای حزب روشن بوده باشد.

با افشای توطئه‌ی ۲۵ مرداد، سومکا ضمن تمسخر کودتاچی‌ها، شاه و دولت را توأماً به سخره گرفت و نوشت:

> «چند افسر قد و نیم قد، دو سه تا کامیون از بقایای «ارتش شاهنشاهی» و یک اتومبیل زره‌پوش کهنه، تجهیزات «کودتا» بود... حقاً باید گفت این کودتا به نفع مصدق‌السلطنه شده نه به نفع آیزنهاور که حتی برای «نقشه» آن «مستشار» فرستاده بود، شوارتسکف نقشه آن را کشیده بود.

---

۱. ج مارک گازیوروسکی، ***سیاست خارجی آمریکا و شاه...***، ص ۱۲۵، گازیوروسکی، ***کودتای ۲۸ مرداد***، ص ۲۷ ج مارک گازیوروسکی، «عملیات مخفی «سیا» CIA در تهران»، ترجمه‌ی مریم بهرامیان، ***ایران***، س ۶، ش ۱۵۴۵ (۱۳۷۹/۳/۲۸)، ص ۸ (بخش دوم مقاله)

۲. در نوزدهم خرداد ۱۳۷۹ در خلال برگزاری کنفرانس ایران و قدرت‌های بزرگ (بررسی عملکرد انگلستان، آمریکا و شوروی در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت، تهران ۱۳۳۰ـ۱۳۳۲)، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امورخارجه آقای پرفسور گازیوروسکی در پاسخ به این پرسش‌ها [کمک‌های مالی به سومکا در چه زمانی، چه مقدار و به چه شخصی تحویل گردیده است؟] گفت که منابع ایشان اطلاعات بیشتری در این خصوص ارائه نکرده‌اند.

۳. گازیوروسکی در سخنرانی خود (نقش ایالات متحده در کودتای ۲۸ مرداد)، در سمینار فوق‌الذکر) به این نکته اشاره کرده که تعدادی از ایرانیانی که پیشنهاد دریافت کمک مالی از عملیات «سیاه» را دریافت کرده‌اند، از هویت واقعی منبع پیشنهاددهنده آگاهی نداشته‌اند. هم‌چنین رک: گازیوروسکی، «عملیات مخفی سیا...»، ایران، پیشین، ص ۸

۴. برای نمونه بنگرید به: «دلار، لیره، ریال، مصدق‌السلطنه یا مشرف نفیسی یا هر دو...»، ***سومکا***، س ۲، ش ۴۴ (۱۳۳۲/۴/۱۰)، صص ۱ و ۳؛ «از موازنه‌ی منفی تا موازنه‌ی مثبت»، همان، ش ۴۵ (۱۳۳۲/۱۰/۲۴)، ص ۱؛ «وداع از گذشته: سینما و فیلمبرداری آمریکا»، همان، س ۱، ش ۲۵ (۱۳۳۱/۱۰/۷)، صص ۱ و ۲

اگر این نقشه و این «کودتا» کار آن «مستشار» است باید به قول آن اصفهانی ایمان آورد که گفته بود: خرِ من در پیدا کردن فاصله کوتاه‌تر، از این «مستشارها» باهوش‌تر است.

در تاریخ دنیا، هیچ کودتایی این اندازه وارونه نبوده، هیچ کودتاچی به اندازه این دارودسته پزوایی از آب درنیامده است و البته با چنین سردارانی باید به بغداد پناه برد....

این «کودتا» روی «سوم شهریور» را سفید کرد... درست مثل همه چیزهای دیگر که در این سرزمین، بخصوص در این دوره‌ی سه ساله، واقع شده، مسخ شده بود. برای دستگاهی که انقلابش «سی‌ام تیرماه» و دفاع از وطنش «سوم شهریور ماه» باشد باید هم چنین «کودتایی» راه بیاندازند.»(۱)

هر چند طرح اجرای کودتا شکست خورده بود، اما کودتاچیان به استراتژی تازه‌ای متوسل شدند: آگاه‌سازی مردم از عزل مصدق و انتصاب زاهدی به نخست‌وزیری، اقدام برای جلب حمایت نظامیان از شاه و اقدام به ایجاد شورش‌های خیابانی.(۲)

جمعیت توده‌ای قلابی که توسط دو عامل سیا به راه افتاده بود، اعضای واقعی حزب توده را نیز فریب داد. نتیجه‌ی این توطئه گسترش موجی از شورش بود. شورشی که مصدق را مجبور کرد از نیروهای پلیس بخواهد برای متفرق کردن تظاهرکنندگان وارد عمل شوند.(۳) از طرف دیگر اگر ادعای هفته‌نامه‌ی سومکا را بپذیریم، از جمله اقدامات دیگر دکتر مصدق برای مبارزه با تندروی توده‌ای‌ها، آزادی منشی‌زاده بود:

---

۱. «کودتاچی‌ها»، **سومکا**، س ۲، ش ۵۰ (۱۳۳۲/۵/۲۸)، ص ۱

۲. رک: گازیوروسکی، ***کودتای ۲۸ مرداد***، ص ۳۵. هم‌چنین گزارش شده که در بیست و هفتم مرداد، سومکایی‌ها در سرکوب طرفداران حزب توده مشارکت داشته‌اند. رک: خاطرات نورالدین کیانوری، به کوشش مؤسسه‌ی تحقیقاتی و انتشاراتی مؤسسه‌ی اطلاعات، ۱۳۷۱، صص ۲۷۰ـ ۲۷۱

۳. مارک جی گازیوروسکی اشاره کرد که دکتر مصدق بنا به درخواست هندرسون، سفیر آمریکا، فرمان دخالت نیروهای پلیس و سرکوب تظاهرات ۲۷ مرداد را صادر کرده است. (رک: گازیوروسکی، ***کودتای ۲۸ مرداد***، ص ۳۶)، این نظر در کتاب زیر نفی شده است: ـ بابک امیرخسروی، ***نظر از درون به نقش حزب توده ایران*** (نقدی بر خاطرات کیانوری)، اطلاعات، تهران ۱۳۷۵، صص ۵۹۸ـ ۶۰۹

شایان ذکر است که دکتر مصدق نیز این موضوع را تکذیب کرده بود. رک: پیشین، ص ۶۰۸.

«دکتر مصدق از روز دوشنبه ۲۶ مرداد که تندروی کمونیست‌ها را مشاهده کرد و پیشنهاد ریاست جمهوری حسن صدر را به او کردند، نسبت به آن‌ها بدبین شد و از قدرت آن‌ها بیم‌ناک گردید، زیرا خودش هم می‌دانست که توده‌ای‌ها او را به عنوان نردبان قدرت تلقی می‌کنند و در انتظار فرصت برای در هم شکستن خود او هستند. این است که به فکر مقابله با آن‌ها افتاد و در این راه... رهبر ما را آزاد کرد...»[۱]

هر چند سرمقاله‌ی هفته‌نامه‌ی سومکا در بیست و هشتم مردادماه، با عنوان «دیگران راه را برای ما هموار می‌کنند»[۲] صراحتاً شاه را مورد حمله قرار داد، ولی سومکا بر آن بود تا از این موقعیت به نفع خود بهره‌برداری کند؛[۳] بنابراین حتی این مقاله‌ی ضد سلطنت را نمی‌توان در راستای حمایت سومکا از مصدق ارزیابی کرد.[۴]

از طرف دیگر، گزارش‌های حاکی از درگیری‌های اعضای سومکا با طرفداران حزب

---

۱. «با خوانندگان»، **سومکا**، س ۲، ش ۵۵ (۱۳۳۲/۷/۱)، ص ۳. هم‌چنین رک: معتضد، **سراب جانشین پسر**، ج ۲، ص ۹۶۰

در این‌جا نباید اقدامات داریوش همایون را نادیده انگاشت. زندنیا اشاره می‌کند که بنا به توصیه‌ی همایون، از طریق مادرش که با همسر دکتر مصدق آشنایی داشت، منشی‌زاده آزاد گشت. رک: **خاطرات زندنیا**، هر سه مجموعه

۲. گرچه نویسنده این سرمقاله داریوش همایون بود (رک: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، **رجال عصر پهلوی**، کتاب اول، داریوش همایون...، صص ۱۶-۱۷)، ولی گفته شده چارچوب اصلی مقاله را دکتر منشی‌زاده ارائه کرده بود. رک: یادداشت بعد.

۳. در سرمقاله‌ی یاد شده از یک سو شاه فردی که «سنگر مبارزه خود را رها کرده و به یک کشور بیگانه، به یک کشور نیمه مستقل و دست‌نشانده پناهنده شده»، فردی «که در تمام مدت سلطنت خود عدم آمادگی شخصی برای استقبال از مخاطرات، بی‌اثری و عدم استطاعت سیاسی خود را ثابت کرده» معرفی شده بود که «برای همیشه از این کشور رانده شده» است، از طرف دیگر با طرح تضاد درونی بین فاشیسم و سلطنت، براساس نمونه‌ی تاریخی مخالفت ویکتور امانوئل و موسولینی، نویسنده مدعی شد که باید «شخص اول مملکت با رهبر سیاسی ملت یکی باشد.» رک: [همایون، داریوش]، «دیگران راه ما را هموار می‌کنند»، پایمردی، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۲، ش ۵۰ (۱۳۳۲/۵/۲۸)، ص ۱. شایان ذکر است که بنا به ادعای زندنیا، منشی‌زاده پیش از آزادی از زندان، طرح اصلی مقاله را به همایون داده و در گزارش دیگری از قول منشی‌زاده آمده که فحش دادن به شاه طبق توافق صورت پذیرفته بین همایون و دکتر فاطمی بوده است. رک: **رجال عصر پهلوی**، کتاب اول، داریوش همایون...، ص ۱۸

۴. مقایسه کنید با پیشین، صص ۱۶-۱۷

توده در شهرهای رودسر،(۱) اهواز، کرمان، بهشهر و خورموج در روز بیست و هشتم مرداد(۲) هم نشانگر وفاداری سومکا به سلطنت نمی‌تواند باشد.(۳) در حقیقت به نظر می‌رسد منشی‌زاده در این روز منتظر نتیجه‌ی حوادث ماند تا آن که بخواهد نقش فعالی در کودتا بازی کند.

بعد از بیست و هشتم مرداد، هر چه زمان می‌گذشت سومکا سعی می‌کرد خود را بیش از پیش، در کودتا سهیم نشان دهد.(۴) دو واقعه در این‌جا به یاری سومکا شتافت. نخست ملاقات‌های پنهانی‌ای که منشی‌زاده ماه‌ها قبل با زاهدی کرده بود و دوم عکسی که در بعدازظهر ۲۸ مرداد، در دروازه دولت از منشی‌زاده انداخته شده بود. عکسی که وی را در حال سخنرانی نشان می‌داد.(۵)

در ملاقات منشی‌زاده با باتمانقلیچ و زاهدی، کمی بعد از کودتا، سومکا برای خود جایی در بین غلبه‌کنندگان ۲۸ مرداد باز کرد.(۶) پس از آن منشی‌زاده در نامه‌ای از مجروح شدن ۱۳ نفر و مقتول شدن ۲ نفر از هم‌پیمانانش در جریان وقایع بیست و هشتم مرداد

---

۱. در این درگیری‌ها مسؤول پایگاه حزب سومکا در رودسر کشته شد. رک: سومکا، س ۲، ش ۵۲ (۱۳۳۲/۶/۱۳)، ص ۴

۲. «خبرگزاری...»، سومکا، س ۲، ش ۵۳ (۱۳۳۲/۶/۱۸)، ص ۴

۳. از طرف دیگر این اقدامات اعضای سومکا در شهرستان‌ها که شاید بتوان آن‌ها را عملیاتی خودجوش و بدون هماهنگی با مرکزیت حزب قلمداد کرد، تا حدودی درستی پیش‌بینی‌های طراحان کودتا را نشان می‌دهد. در طرح عملیاتی تی‌پی‌آژاکس، پیش‌بینی شده بود که سومکا به عنوان یکی از احزاب یا گروه‌های مخالف مصدق، نقشی بسیار جزیی را ایفا کند. رک: احمدی، حمید (مترجم)، ***اسرار کودتا***، اسناد محرمانه‌ی CIA درباره‌ی عملیات سرنگونی دکتر مصدق، نشر نی، تهران ۱۳۷۹، ص ۱۳۰

۴. برای نمونه رک: «با خوانندگان»، ***سومکا***، س ۲، ش ۵۵ (۱۳۳۲/۷/۱)، ص ۳. سومکا مبارزه با کمونیست‌ها را دلیل شرکت حزب در رویدادهای ۲۸ مرداد عنوان کرد. «با خوانندگان»، ***سومکا***، س ۲، ش ۵۶ (۱۳۳۲/۷/۸)، ص ۳.

۵. ***سومکا*** در این خصوص نوشت: «چهارشنبه ۳۲/۵/۲۸[۱۳]... ساعت ۱۵ صدها تن از مردم در دروازه دولت اتومبیل حامل رهبر [حزب سومکا] را احاطه کرده... تقاضای سخنرانی کردند و رهبر سومکا ده دقیقه بر ضد کمونیسم سخنرانی کرد و مردمی که روی تانک‌ها و کامیون‌ها سوار یا پیاده در میدان بودند ابراز احساسات شدیدی نمودند». «خبرگزاری...»، سومکا، س ۲، ش ۵۱ (۱۳۳۲/۶/۶)، ص ۶. عکس منشی‌زاده در سومکا، ش ۵۴، چاپ شده است.

۶. خاطرات زندنیا، هر سه مجموعه

ماه خبر داد.[۱]

با این وجود تا چند هفته پس از کودتا، هنوز سومکا نتوانسته بود به درستی شرایط را درک کند، انگار منتظر رویدادهای تازه‌ای بود.[۲] به همین دلیل نسبت به موقعیت تازه، نظرهای دوپهلویی ابراز می‌کرد. از طرفی دولت را «حکومت قانونی»[۳] و تحولات روی داده در ۲۸ مرداد را «قیام»[۴] می‌خواند و در مراسم یادبود کشتگان آن روز شرکت می‌جست[۵] و از طرف دیگر وقایع ۲۸ مرداد را خالی از مداخلات و نظریات خارجیان نمی‌دانست،[۶] تلویحاً ـ و بدون ذکر نام ـ شاه را مذمت می‌کرد[۷] و کماکان به ادعاهای خود درباره‌ی «رهبری صحیح و آهنین» ملت ادامه می‌داد.[۸]

این دوگانگی شاید بر اثر کشمکشی درون حزبی بود که می‌خواست بین نزدیک شدن به شاه و ائتلاف با جبهه‌ی ملی یکی را برگزیند. کشمکشی که در یک طرف آن داریوش همایون و در طرف دیگر زندنیا قرار داشتند.[۹] تبعیت منشی‌زاده از نظریه‌های داریوش همایون به تدریج گسستن زندنیا و هم‌فکرانش را در پی داشت.

مندرجات هفته نامه‌ی سومکا در ۲۸ مرداد، بهترین بهانه‌ی حزب آریا شد تا تلافی

---

۱. سومکا، ش ۵۱، ص ۳

۲. زندنیا در خاطراتش اظهار کرده براساس طرحی که شماری از نظامیان برای جریانات بعد از کودتا داشتند قرار نبود شاه به کشور بازگردد. منشی‌زاده نیز از این قضیه آگاهی داشته است. خاطرات زندنیا، هر سه مجموعه.

۳. **سومکا**، س ۲، ش ۵۳ (۱۳۳۲/۶/۱۸)، ص ۴، ستون «خبرهای کشور و حکومت قانونی». عنوان همین ستون در شماره‌ی قبل «خبرهای کشور در دستگاه دولت» بود. رک: **سومکا**، ش ۵۲، ص ۴

۴. «با خوانندگان»، **سومکا**، س ۲، ش ۵۵ (۱۳۳۲/۷/۱)، ص ۳. هم‌چنین سومکا از این واقعه‌به «قیام درخشان ۲۸ مرداد» یاد کرده است. رک: **سومکا**، ش ۵۳، در شرح عکس ص ۱

۵. «دروغ‌هایی که...»، **سومکا**، ش ۵۱ (۱۳۳۲/۶/۶)، ص ۲ و ش ۵۳ در شرح عکس ص ۱

۶. «با خوانندگان»، **سومکا**، ش ۵۵ (۱۳۳۲/۷/۱)، ص ۳

۷. هفته‌نامه‌ی سومکادر پاسخ به یکی از خوانندگانش نوشت: «در عقیده‌ی خود نسبت به آن شخص باقی مانده‌ایم و صفات شخصی او همان‌هاست که نوشته‌ایم اما در جریان ۲۸ مرداد ماه، حزب ما نه به خاطر دفاع از منافع اشخاص و مقامات مختلف شرکت کرد...»، «با خوانندگان»، **سومکا**، س ۲، ش ۵۶ (۱۳۳۲/۷/۸)، ص ۳

۸. پیشین، ش ۵۵ (۱۳۳۲/۷/۱)، ص ۳

۹. تربتی سنجابی، ***کودتاسازان***، ص ۱۵۴. برای توضیح بیشتر رک: ***خاطرات زندنیا***، مجموعه‌ی سازمان اسناد ملی ایران

حمله‌های قلمی (و گاه عملی) پیشین حزب سومکا را دربیاورد.(۱) درگیری اعضای دو حزب یاد شده در هفتم(۲) و دوازدهم شهریور،(۳) باعث شد که رئیس رکن دوم ستاد ارتش در نامه‌ای به منشی‌زاده بنویسد که درگیری بین اعضای این دو حزب «تأسف‌آور و برخلاف انتظار و صحبت‌هایی بوده که در حضور ریاست ستاد ارتش به عمل آمده است».(۴)

هر چند متن گفتگوهای انجام شده، در سند فوق نیامده است، اما شاید بتوان موضوع گفتگو را حدس زد: استفاده‌ی ابزاری از اعضای سومکا برای سرکوب مخالفین دولت کودتا. در این راستا سومکا متهم شده که در زمره‌ی دیگر «دسته‌های اوباش مسلح» مورد استفاده‌ی دربار قرار گرفته است.(۵)

به هر روی این موقعیت و نقش تازه هم چندان دوام نیاورد و به سرعت سومکا، از صف چیرگان ۲۸ مرداد بیرون رفت. تا پایان این سال اعضای مؤثر سومکا نیز از حزب

---

۱. رک: سند شماره‌ی ۲۰۲ از مجموعه‌ی حاضر، سومکا برای سرپوش نهادن به دلیل اصلی، درگیری را در نتیجه‌ی دستبرد افراد حزب آریا به باشگاه نیرو و راستی عنوان کرد. «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۲، ش ۵۲ (۱۳۳۲/۶/۱۲)، ص ۴. شرح کامل این ماجرا در صفحه‌ی دوم همین شماره‌ی نشریه‌ی سومکا آمده است.

۲. «خبرگزاری...»، **سومکا**، پیشین.

۳. «خبرگزاری...»، سومکا، ش ۵۳ (۱۳۳۲/۶/۱۸)، ص ۴، در نتیجه‌ی این درگیری یکی از اعضای حزب سومکا بازداشت شد. رک: «خبرگزاری...»، **سومکا**، پیشین و اسناد شماره‌ی ۲۰۶ و ۲۰۹ از مجموعه حاضر

۴. رک: سند شماره‌ی ۲۰۹ از مجموعه‌ی حاضر

۵. برای نمونه بنا به نوشته‌ی نشریه‌ی سومکا، روزنامه‌ی پراودا در شماره‌ی شنبه ۵ سپتامبر ۱۹۵۳ [۱۴ شهریور ۱۳۳۲] نوشته بود: «تجاسر سازمان تروریستی و فاشیستی سومکا دوباره آغاز شده است. روزنامه‌هایی که این روزها منتشر می‌شوند با هم‌دردی آشکار تعریف می‌کنند که چه وقایع عجیبی در ۲۶ اوت [۴ شهریور ۱۳۳۲] اتفاق افتاده است. خبر می‌دهند که عناصر فاشیست چگونه یکی از اعضای حزب توده ایران (...) را گیر آوردند، کتکش زدند و گوش‌هایش را بریدند». (به نقل از: «دروغ‌هایی که...». **سومکا**، ش ۵۵ (۱۳۳۲/۷/۱)، ص ۱.) نشریه‌ی صبح وصال نیز به این واقعه اشاره کرده بود. (رک: پیشین، ص ۲)

در جایی دیگر، از سومکا در زمره‌ی دیگر اعضای «دسته‌های اوباش مسلح» یاد شده که در سیزدهم مهرماه، پس از انتشار اعلامیه‌های «نهضت مقاومت ملی» در حمایت از مصدق، «به خیابان‌ها ریختند و با چماق به جان مردم افتادند». (خلیل‌الله مقدم، پیشین، ص ۷۶۰)

سومکا خود به اشغال «باشگاه نیرو و راستی» اشاره کرده و دلیل آن را نفوذ بالشویک‌ها در آن جا ذکر کرده است. رک: «ما که باشگاه نیرو و راستی را اشغال کرده‌ایم». **سومکا**، ش ۵۲ (۱۳۳۲/۶/۱۲)، ص ۲ «خبرگزاری...»، سومکا، ش ۵۳ (۱۳۳۲/۶/۱۸)، ص ۴

کناره گرفتند. زندنیا به سمتی رفت و داریوش همایون به سویی. از این پس سومکا از همه‌ی فعالیت‌هایش، به جز فعالیت‌های انتشاراتی، کاست. هم‌چنین منشی‌زاده به نگارش آثار سیاسی و ترجمه‌ی اشعار و آثار فلسفی اروپایی و تدریس علوم ایران‌شناسی در مؤسسات آموزشی خصوصی پرداخت.(۱)

نقش منشی‌زاده در تلاش‌های سرلشکر قرنی برای کودتا

واقعه‌ی مهمی که در اواخر سال ۱۳۳۶ پیش آمد دستگیری سرلشکر قرنی، به اتهام تهیه‌ی مقدمات کودتایی بر ضد شاه بود. اندکی پس از دستگیری وی، حدود پانزده نفر از هم‌دستانش نیز بازداشت شدند.(۲)

گرچه به درستی مشخص نیست که آیا منشی‌زاده از جریان اقدامات سرلشکر قرنی با اطلاع بوده یا نه، اما خسرو معتضد اشاره می‌کند که اندکی پس از دستگیری سرلشکر قرنی و شماری از هم‌دستانش، در ملاقات با منشی‌زاده متوجه اضطراب وی از این دستگیری‌ها شده است. به گفته‌ی وی، منشی‌زاده طی تماس‌های تلفنی از دستگیری افراد اظهار تعجب می‌کرده است.(۳) در جایی دیگر وی نوشته که منشی‌زاده «در سال ۱۳۳۶ متهم شد که با جریان قرنی در ارتباط است».(۴) گزارش‌های مبنی بر اقدامات منشی‌زاده جهت احیای فعالیت‌های گذشته‌ی سومکا و افزایش تردد اعضای سابق در محل حزب، کمتر از دو ماه پیش از دستگیری سرلشکر قرنی،(۵) شاید نشان‌دهنده‌ی اطلاع منشی‌زاده از تحولاتی قریب‌الوقوع باشد. به هر روی، منشی‌زاده جزو دستگیرشدگان نبود، هم‌چنین در خاطرات برخی همکاران قرنی و مطلعین کودتا نیز به

---

۱. Bio- Bibliographis..., P. 367.

۲. رک: ج. مارک گازیوروسکی. «**کودتای سرلشکر قرنی**»، در ماجرای کودتای سرلشکر قرنی، به کوشش سرهنگ غلامرضا نجاتی، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۷۳، ص ۵۵

۳. مصاحبه نگارنده با خسرو معتضد

۴. معتضد، جنگ نفت روی...، ص ۳، در جایی دیگر وی نوشته است که «... در سال ۱۳۳۷... [دکتر منشی‌زاده] می‌گفت که واهمه دارد او را هم توقیف کنند و بگویند فکر کودتا داشته است». **معتضد، سراب جانشین پسر**، ج ۲، ص ۵۶۰، زیرنویس شماره‌ی ۱

۵. رک: سند شماره‌ی ۲۴۷ از مجموعه‌ی حاضر

ارتباط منشی‌زاده با این جریان اشاره‌ای نشده است.[۱]

چند ماه بعد منشی‌زاده به بهانه‌ی معالجه از کشور خارج شد و در این راه تقاضای کمک مالی از دربار کرد و به دستور شاه، بنیاد پهلوی، ساواک، دانشگاه و وزارت فرهنگ پرداخت مبلغ هفت هزار دلار به نام‌برده را به عهده گرفتند.[۲] منشی‌زاده در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۵۸ـ ۱۹۶۱م. در آمریکا اقامت کرد و در بخش شرق کتابخانه‌ی کنگره به فعالیت پرداخت. در سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱م.) بنا به دعوت حسن ارسنجانی برای تصدی شهرداری تهران، به ایران بازگشت،[۳] اما چنین نشد. از این رو، به ارائه‌ی پیشنهادهای عمومی و نگارش کتاب و مقاله پرداخت.[۴]

اتفاق مهمی که دوباره نام منشی‌زاده و سومکا در آن به چشم می‌خورد تلاش دیگر سرلشکر قرنی برای سرنگونی محمدرضا شاه است. سخنانی که تاکنون پیرامون این مسئله عنوان شده، اطلاعات دقیقی را به دست نمی‌دهند. سرلشکر قرنی، کمی پیش از شهادت، اعلام کرده بود که برای براندازی شاه، دوبار اقدام کرده که در هر دوبار طرح وی ناموفق مانده بود.[۵] وی در خصوص اقدام دوم گفته است:

«دفعه‌ی دوم من به دستور مرجع عالی‌قدر شیعه آیت‌الله میلانی تلاش‌های ضد درباری خودم را توسعه دادم». «بعد از خروج از زندان [کودتای اول]، مجدداً فعالیت‌های پنهانی و زیرزمینی خود را ادامه دادم، اما این مرتبه با توجه به اعتقادات دینی و مذهبی خود، با مراجع بزرگ تقلید و آیات عظام تماس گرفتم تا با کمک آن‌ها رژیم را سرنگون سازیم.

۱. رک: نجاتی، ***ماجرای کودتای سرلشکر قرنی***، انوشیروانی، حسین، ***کودتای نافرجام***، محیط، تهران ۱۳۷۸، فردوست، پیشین، ج ۲، صص ۴۸۰ـ ۴۸۲، برهان، عبدالله، کارنامه ***حزب توده و راز سقوط مصدق***، نشر علم، جلد دوم، تهران ۱۳۷۸، صص ۳۴۹ـ ۳۶۱

۲. رک: سند شماره‌ی ۲۵۰ از مجموعه‌ی حاضر. مقایسه شود با: تربتی سنجابی، قربانیان باور و...، ص ۲۲۵، در این کتاب گفته شده که منشی‌زاده در سال ۱۳۳۶ به آلمان بازگشته است.

۳. رک: ***خاطرات زندنیا***، مجموعه‌ی مؤسسه‌ی مطالعات و سازمان اسناد ملی ایران.

۴. Bio- Bibliographis..., P. 134.

۵. رک: جهانگیر بلوچ، «گفتگو و بحث با سرلشکر قرنی در واپسین روزهای زندگی...»، ***جوان***، ش ۲۱ (۱۳۵۸/۲/۱۴)، صص ۳۸ـ ۳۹، درویش‌زاده، «گفتگو با سرلشکر قرنی...»، ***امید ایران***، دوره‌ی جدید، ش ۱۰، (ش مسلسل ۱۰۰۲)، ۱۳۵۸/۱/۲۰، ص ۱۰

وقتی آیت‌الله العظمی میلانی از مقصود و منظور من آگاه شد، چند بار تأکید کرد که «حتماً این کار را بکنید. باید شاه را برکنار کرد. امت مسلمان، شاه را قبول ندارد. این امت شما را یاری خواهد کرد» و در نتیجه آیت‌الله میلانی نه فقط از لحاظ معنوی که حتی از لحاظ مالی هم ما را یاری داد و این حمایت بی‌دریغ ایشان حتی در هنگام بازجویی و بازپرسی، در آن روزی که ما را مواجهه دادند و بعنوان «مواضعه علیه حکومت ملی» به محاکمه کشاندند ادامه داشت. چرا که این بار هم متأسفانه لو رفتیم... مطمئن هستم که ما را «سیا» لو داد، چون ساواک آن قدرت و توانایی را نداشت که به راز و فعالیت ضد درباری ما پی ببرد».[۱]

ادعای دیگری نیز درخصوص چگونگی لو رفتن این طرح توسط زندنیا ارائه شده است. به گفته‌ی وی، پس از این‌که از طرف آیت‌الله میلانی مقداری پول برای قرنی فرستاده شد، طرح کودتا لو رفت.[۲] اسناد موجود نادرستی هر دو نظریه را روشن می‌سازد: طرح کودتا توسط فردی که به طور اتفاقی وارد دارودسته منشی‌زاده شده بود لو رفت.[۳] تنوع همدستان سرلشکر قرنی، نشانگر موجود بودن نارضایتی (در بین گروهی) و تنفر (در طیف دیگر) از شاه است.[۴] از طرف دیگر طرح مسئله‌ی کودتا در بین افراد مختلف موجب شد که نقشه‌ی کودتا به مرحله‌ی اجرا نرسد. در این میان بی‌تجربگی دوستان منشی‌زاده نقش اصلی را برعهده داشت.

از دیگر سو، طرح این مسئله نزد منشی‌زاده و مشارکت وی در عملیات کودتا نشان‌دهنده‌ی تمایل منشی‌زاده به سرنگونی شاه است؛ هر چند بعید به نظر می‌رسد وی از نظریه‌های خویش پیرامون حکومت عدول کرده باشد.

---

۱. بلوچ «گفتگو و بحث با...»، جوان، پیشین

۲. رک: خاطرات زندنیا، مجموعه‌ی مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر

۳. برای شرح جریان رک: سند شماره‌ی ۲۶۷ از مجموعه‌ی حاضر. اسناد ساواک در این خصوص شامل گزارش‌های روزانه، گزارش‌های چند روزه و گزارش‌های خلاصه عملیات است که گزارش‌های دو نوع آخر از روی گزارش‌های گروه اول، نگاشته شده‌اند. از این رو کامل‌ترین خلاصه‌ی گزارش در بخش اسناد آمده است.

۴. پروفسور گازیوروسکی در بحث پیرامون کودتای نخست سرلشکر قرنی به تنوع همدستان او اشاره کرده و آن را نشان‌دهنده‌ی اتحاد طرفداران مصدق، بسیاری از ملی‌گرایان مستقل و اعضای طبقه‌ی بالای سنتی با هدف وادار کردن شاه به سلطنت دانسته است. رک: گازیوروسکی، ***سیاست خارجی آمریکا و شاه***، ص ۲۹۴

زمینه‌ی آشنایی سرلشکر قرنی با منشی‌زاده و زندنیا به سال‌ها قبل بازمی‌گشت. با منشی‌زاده از زمان تحصیل در دبیرستان نظام آشنا بود و گفته شده که با زندنیا در «گروه ناسیونالیست‌های انقلابی» همکاری داشته است؛[۱] اما زمان همکاری این دو نفر با سرلشکر قرنی به سال ۱۳۴۰ باز می‌گردد.

زندنیا در خاطراتش گفته که پس از برگشتن منشی‌زاده از آمریکا و آشتی آن‌ها، زمینه‌ی تشکیل یک گروه مخفی با همکاری آن دو و حمید صفاری (که بعدها رئیس کمیته‌ی حقوق بشر ایران شد)، دکتر مسعود ملکی (وزیر کار در کابینه‌ی زاهدی)، اسماعیل طاهرزاده (وکیل دادگستری)، سرلشکر قرنی و چند تن دیگر فراهم آمده بود. این افراد بعدها طرح کودتا را ریخته و حتی در خصوص وظایف و مسؤولیت‌های پس از کودتا صحبت کرده بودند.[۲]

در همان زمان که تجهیزات و لوازم کودتا فراهم می‌آمد، ساواک از امکان روی دادن آن آگاه شد. تحولات منجر به قیام خونین پانزدهم خرداد و رویدادهای پس از آن موجب شده بود که ساواک هر حرکتی را با دقت مورد بررسی و شناسایی قرار دهد.

با آگاهی منشی‌زاده از این که توسط ساواک تحت نظر است،[۳] مقدمات فرار او توسط زندنیا و طاهرزاده فراهم می‌شود. بدین صورت که او را در بیمارستان بستری کرده و از پزشک مربوطه (که قبلاً از اعضای سومکا بود) یک گواهی مبنی بر وخامت وضع پای منشی‌زاده و لزوم جراحی در خارج از کشور گرفته و بلافاصله نزد علاء (وزیر دربار) می‌روند. گواهی پزشک و نامه‌ای که منشی‌زاده به شاه نوشته بود، به علاء تحویل شده و فردای آن روز چکی به مبلغ پانصد هزار ریال از جانب شاه به منشی‌زاده پرداخت می‌گردد. به گفته‌ی زندنیا، وی پس از این جریان‌ها، شناسنامه‌ی دکتر منشی‌زاده و پسرش، که برای دیدار پدر به تهران آمده بود،[۴] را نزد نصیری برده و با توجه به سابقه‌ی

---

۱. بهرام مهر [زندنیا، امیرشاپور]، «تاریخ ۲۵ ساله ایران، جعلیات به صورت حق به جانب، قسمت نهم»، عماد، س ۲، ش ۳۳ (۱۳۷۱/۱۱/۱۴)، ص ۲

۲. برای اطلاع بیشتر رک: ***خاطرات زندنیا***، مجموعه‌ی مؤسسه‌ی مطالعات و تاریخ معاصر و مجموعه‌ی سازمان اسناد ملی ایران

۳. رک: سند شماره‌ی ۲۶۶ از مجموعه‌ی حاضر

۴. با توجه به این نکته که پسر منشی‌زاده از آلمان برای دیدار پدر به تهران آمده بود، زندنیا روشن نمی‌سازد که

آشنایی نصیری و منشی‌زاده به او می‌گوید برای دوست شما این مشکل پیش آمده است. سپس زندنیا، نامه‌ی علاء و چک پرداختی از طرف شاه، که برای معالجه‌ی منشی‌زاده در خارج از کشور پرداخت کرده بود، را به نصیری نشان می‌دهد. نصیری در همان لحظه با رئیس اداره‌ی گذرنامه تماس گرفته و دستور می‌دهد دو گذرنامه‌ی سفید را به دفترش آورند و در جا گذرنامه‌ها صادر شد و با این ترفند دکتر منشی‌زاده از کشور متواری می‌گردد.(۱)

از نامه‌ی منشی‌زاده به یکی از دوستانش در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۴۲ برمی‌آید که او انتظار دستگیری خود را داشته و از این رو بسیار متوحش و نگران بوده است. ذکر عباراتی چون: «شاید این نامه‌ی آخری باشد، ولی نخواستم با تو گفتگو نکرده، خاموش شوم.» «برای هر گونه پیشامد غیرمترقبه‌ای از تو خداحافظی می‌کنم...» و «اگر ماندم می‌نویسم»(۲) مؤید این نظر است.

با توجه به این نکته که منشی‌زاده متوجه شده بود که توسط ساواک تحت نظر قرار دارد و با توجه به نقشه‌ی فرارش، شاید بتوان این نتیجه را گرفت که منشی‌زاده این نامه و چند نامه‌ی دیگر را، که در آن‌ها به شدت یافتن بیماری خویش اشاره کرده، در واقع برای منحرف کردن ذهن مراقبان خویش نگاشته است. قبلاً اشاره شد که منشی‌زاده از این‌که توسط ساواک تحت نظر است آگاه شده بود. با توجه به اطلاع ساواک از قصد منشی‌زاده برای خروج از کشور(۳) مشخص نیست که چرا با وجود شواهد بسیار مبنی بر فعالیت این گروه برای انجام یک کودتا،(۴) از مسافرت منشی‌زاده جلوگیری به عمل نیامد و شماری

← چرا او نیاز به تهیه‌ی گذرنامه داشت.

۱. رک: ***خاطرات زندنیا***، مجموعه‌ی سازمان اسناد ملی ایران و مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر
با توجه به خاطرات زندنیا در خصوص چگونگی فراری دادن منشی‌زاده که گزارش‌های ساواک قسمتی از آن را تأیید می‌کند، اظهارات کسانی که معتقدند منشی‌زاده توسط رژیم شاه از ایران اخراج شده، اشتباه است. از آن جمله‌اند: خان‌بابا تهرانی، پیشین، ص ۲۵۷؛ الموتی، مصطفی، ***ایران در عصر پهلوی***، جلد نهم، جنبش‌های کمونیستی و سوسیالیستی در ایران و سرنوشت رهبران حزب توده، پکا، لندن ۱۳۷۰، ص ۲۳۹؛ فردوست، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۱، یادداشت ویراستار، شماره‌ی ۸

۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ب ۳۷۲، ش ص ۴۵

۳. رک: سند شماره‌ی ۲۶۷ از مجموعه‌ی حاضر

۴. رک: سند شماره‌ی ۲۶۲ از مجموعه‌ی حاضر

از اعضای گروه منشی‌زاده نیز دستگیر نشدند.[۱]

منشی‌زاده سپس به سوئد رفته و در دانشگاه اوپسالا[۲] با سمت مشاور آموزش زبان و ادبیات فارسی مشغول به‌کار شد (۱۹۶۴ـ۱۹۶۵ م.، ۱۳۴۲ـ۱۳۴۳). از سال ۱۹۶۵م. / ۱۳۴۳ به مشاغل آموزشی پرداخت. از جمله استاد ایران‌شناسی و ادبیات فارسی جدید در دانشگاه اوپسالا بود و در دانشگاه استکهلم[۳] نیز تدریس می‌کرد و در هر دو دانشگاه به عنوان ممتحن فعالیت می‌کرد. از سال ۱۹۷۲ نیز به عنوان استاد مدعو در دانشگاه ماربورگ[۴] تدریس کرد.[۵] در سال ۱۹۸۰م./۱۳۵۹ بازنشسته شد.[۶] پس از مدتی به منظور یافتن شغل به آمریکا رفت، ولی موفق نشد شغل مناسبی بیابد[۷] و سرانجام در ۲۶ تیرماه ۱۳۶۸ از دنیا رفت.[۸]

از گزارش‌هایی که درباره‌ی اظهارنظرهای سیاسی[۹] یا اقدامات این چنینی منشی‌زاده[۱۰] موجود است، برمی‌آید که وی پس از فرار از ایران ظاهراً تنها یک بار به

---

۱. سرلشکر قرنی در تاریخ ۱۳۴۲/۱۰/۵ دستگیر و پس از تحمل ۹ ماه حبس ـ در قزل‌قلعه و در زندان انفرادی ـ در دادگاه نظامی به اتهام «خیانت بر ضد امنیت کشور» به سه سال زندان محکوم شد و تا تاریخ ۱۳۴۵/۹/۲۰ در زندان به سر برد. (به نقل از: فردوست، پیشین، ج ۲، ص ۴۸۳)

۲. Uppsala.

۳. Stockholm.

۴. Marburg.

۵. Bio- Bibliographis..., P. 367.

۶. «یادبود نویسندگان، دکتر داوود منشی‌زاده»، آینده، پیشین، ص ۶۰۰. مریم و آقا شیخ محمد، سعید نوری‌نشاط، گلزار مشاهیر: زندگی‌نامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸ـ۱۳۷۶، نشر برگ زیتون، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران، تهران ۱۳۷۷، ص ۳۳۶

۷. احمد اقتداری در خاطرات خویش به این دوره از زندگی منشی‌زاده اشاره کرده و نوشته است: «آخرین بار به اتفاق ایرج افشار، آن مرحوم را در شهر لوس‌آنجلس آمریکا به سال ۱۳۶۵ دیدم که سخت بیمار بوده. از دانشگاهی در سوئد بازنشسته شده بود و به امید یافتن کاری در دانشگاه کالیفرنیای لوس‌آنجلس به این شهر آمده بود. استاد زبان‌های قدیمه‌ی ایرانی بود و دیگر این کالا در بازار دانشگاه‌های آمریکا خریدار نداشت و او را به بازی نمی‌گرفتند. دل آزرده و نومید و بیمار و بی‌پول بود...». احمد اقتداری، ***کاروان عمر***، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۲، صص ۲۲۲ـ۲۲۳

۸. رک: یادداشت شماره‌ی ۲۳۷ فصل حاضر

۹. رک: اسناد شماره‌ی ۲۷۱ و ۲۸۶ از مجموعه‌ی حاضر

۱۰. رک: اسناد شماره‌ی ۲۷۵ و ۲۷۶ از مجموعه‌ی حاضر

طور جدی به سراغ فعالیت‌های سیاسی رفت. در این زمان او دست کم یک بار به عراق مسافرت و با تیمور بختیار ملاقات کرد،(۱) ولی ظاهراً با توجه به این‌که هم‌چنان خود را ناسیونالیست می‌دانست راضی نگردید در آن کشور باقی بماند.(۲)

ساواک حتی گزارش کرد که وی از پذیرش گذرنامه‌ی سیاسی آن کشور به اعتبار آن که یک ناسیونالیست بود، خودداری کرده است.(۳)

---

۱. رک: اسناد شماره‌ی ۲۸۳ و ۲۸۴ از مجموعه‌ی حاضر

۲. رک: اسناد شماره‌ی ۲۸۲ و ۲۹۱ از مجموعه‌ی حاضر. هم‌چنین نگاه کنید به خسرو معتضد، ***سپهبد بختیار، سایه سنگین شاه!*** علمی، تهران ۱۳۷۹، ص ۷۷۹

هم‌چنین مقایسه کنید با نوشته‌ی عیسی پژمان: «پس از مراجعت شاه ایران از کشور خارج [پس از کودتای ۲۸ مرداد، منشی‌زاده] ابتدا به آلمان [رفته] و سپس دعوت دولت عراق را پذیرفت و به آن کشور عزیمت و به تبلیغات سوء در رادیو و تلویزیون بغداد علیه پادشاه ایران... می‌پردازد... صرف نظر از این که به چه منظوری و برای چه هدفی به عراق رفته و به چنین کارهایی پرداخته که متضمن همکاری و هم‌یاری و بالاخره دریافت پول و استفاده از امکانات دیگری است و از دریچه‌ی فلسفه‌ی من عملی است خیانت‌بار و جنایت‌کاری است حرفه‌ای...». عیسی پژمان، ***اسرار قتل و زندگانی شگفت‌انگیز سپهبد بختیار***، انتشارات ژن، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۰/۱۹۹۱، ص ۱۹۳

۳. رک: سند شماره‌ی ۲۸۲ از مجموعه‌ی حاضر

فصل سوم

مبانی فکری سومکا

برنامه حزب

در طی این پژوهش، نگارنده پنج نسخه‌ی کم و بیش متفاوت از «برنامه‌ی حزب سومکا» را مشاهده کرد که اگر برنامه‌ی اولین گروه منشعبین از سومکا را ـ که هم‌چنان خود را «ستاد رهبری حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران» می‌نامیدند ـ نیز به حساب آوریم، تعداد برنامه‌ها به شش عدد می‌رسد.

نخستین برنامه‌ی حزب به طور خلاصه، در روزنامه‌ی مرد آهنین منتشر شد که در برنامه‌های بعدی به صورت کامل‌تری بیان و منتشر شد.[1] نسخه‌ی دوم، در شهریور ماه ۱۳۳۰ همراه با «اطلاعیه‌های آیین نامه‌ای» به صورت پلی‌کپی منتشر گردید.[2] در نوروز ۱۳۳۱ چاپ اول برنامه (نسخه‌ی سوم)[3] و در بیست و ششم تیر همان سال، چاپ دوم برنامه (نسخه‌ی چهارم) منتشر شد.

برنامه‌ی انشعابیون (نسخه‌ی پنجم) در واقع همان نسخه‌ی سوم برنامه‌ی حزب

---

۱. روزنامه‌ی مرد آهنین در شماره‌ی سی و چهارم، مجدداً برنامه حزب را چاپ کرده، البته قسمت‌های مقدمه‌ی برنامه‌ی حزبی در این شماره آمده، ولی به مواد برنامه اشاره‌ای نشده است. بنگرید به: **مرد آهنین**، س ۲، ش ۳۴ (۱۳۳۱/۱/۲۶)، صص ۱ و ۴

۲. ر.ک: به بخش ضمائم کتاب حاضر، ضمیمه‌ی شماره‌ی ۳. در پایان اعلامیه انشعاب (نک: پاورقی ۱، ص ۷۲)، دکتر امیر مکری اعلام کرده که کتاب برنامه‌ی حزب را او نگاشته است.

۳. در این بررسی از نسخه‌ی موجود در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، (ش. ب ۶۳۲، ش. ص ۱۲-۱۸ و ۶۱-۶۳) استفاده شد.

(چاپ اول) است با حذف مواد ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۲۱ و ۲۵.[1] ماده‌ی ۱۵ منشعبین، فاقد عبارت «آن‌ها که در شهریور ۲۰ و دیگر مواقع امتحان به خوبی نداده‌اند» است. عبارتی که در تعریف عناصر ناصالح و ترسوی ارتش در چاپ اول برنامه، آورده شده بود. گذشته از موارد ذکر شده، در چند مورد اختلاف‌های جزیی بین این دو نسخه دیده می‌شود.

ششمین نسخه از برنامه، در گزارشی که شهربانی کل کشور تهیه‌ی کرده، موجود است.[2] این نسخه از برنامه، کمتر از یک ماه پس از چاپ دوم برنامه (نسخه‌ی چهارم)، ارائه گردیده؛ از این رو انتظار می‌رود که مواد این دو برنامه با هم منطبق باشند.

گذشته از اختلافات جزیی ـ که احتمالاً در هنگام تهیه‌ی رونوشت پدید آمده‌اند ـ[3] نسخه‌ی ششم فاقد مقدمه‌ی دو صفحه و نیمی چاپ دوم برنامه است، مواد شانزده‌گانه‌ی تشکیل دهنده‌ی «پایه‌های ایدئولوژی» در نسخه‌ی ششم بعد از مواد «برنامه» و در نسخه‌ی چهارم، قبل از آن، آمده است.

در برابر ۲۵ ماده‌ی موجود در چاپ دوم برنامه، نسخه‌ی ششم دارای ۳۹ ماده است. مهمترین قسمت‌های افزوده شده به نسخه‌ی ششم، مواد ۵، ۹، ۱۲، ۱۶ تا ۲۱ و ۲۷ تا ۳۰ می‌باشد و در واقع برداشتی از نسخه‌ی دوم برنامه است.

چاپ دوم برنامه سومکا (انتشارات فرهنگ سومکا، ۱۳۳۱/۴/۲۶) به قرار زیر است:[4]

> ما هر عضو خلاق جامعه را، که کار مثبتی انجام دهد، خواه فکری، خواه عملی، در کارخانه، در مزرعه، در کتابخانه یا در یک مقام اجتماعی دیگری، کارگر

---

۱. بنگرید به سند شماره‌ی ۳۸ از مجموعه‌ی حاضر

۲. بنگرید به سند شماره‌ی ۱۱۱ از مجموعه‌ی حاضر

۳. برای نمونه به تفاوت‌های زیر در مبحث «پایه‌های ایدئولوژی» برنامه‌ی نسخه‌ی چهارم (ن.چ) و نسخه‌ی ششم (ن. ش) اشاره می‌شود.

ماده ۱: ن. چ. قانونی را که، ن.ش. قانونی که ؛ ماده ۳: ن.چ. اراده‌ی قدرت، ن.ش. اراده‌ی قوی؛ ماده ۵: ن.چ. ما اصلاً...نمایش قدرت، ن.ش. اصلاً...نمایش نبرد؛ ماده ۶: ن.چ. خوشی، برترین، عالمی، می‌گذارد، ن.ش. خوشبختی، برتری، عالی، می‌گذارند؛...؛ ماده ۱۶: ن.چ. عصر، ن.ش. اصل.

۴. منظور از «برنامه اول» در زیرنویس‌های صفحه‌های بعد، چاپ اول برنامه (نوروز ۱۳۳۱) می‌باشد.

می‌دانیم نه زحمتکش، چه ایمان داریم که کار مایه‌ی نشاط زندگی است، نه رنج و زحمت. ما خود را سوسیالیست ملی می‌خوانیم، زیرا منافع ملی را بر منافع فردی مقدم می‌دانیم، ولی برخلاف مارکسیست‌ها و بالشویک‌ها در عین حال، شخصیت فرد را محترم دانسته ضمناً بزرگترین واحد اجتماع را ملت می‌شماریم یعنی:

یک تن برای همه، همه برای یک تن[۱]

برنامه حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران
«سومکا»

«دیروز در میدان‌های جنگ جهان‌گیر اروپا، وقتی که شعله‌های آتشین، محله‌های شهرها را در هم می‌نوردید و در یک حمله‌ی هوایی تنها ده‌ها هزار مرد و زن به‌وضع فجیعی جان می‌سپردند، ما آرزو می‌کردیم، کاشکی هم‌وطنان ما لااقل جزیی از این بساط را می‌توانستند ببینند، چه ما نیز مانند طبیبی که رگ زدن را برای مریض خود تجویز می‌کند، معتقدیم، که در ایران ما می‌بایست روزی از جایی در موردی خون جاری می‌شد.

هم‌وطنان، اگر شما خون دیده بودید، خون پاک مردان رشیدی که رنگ سرخ پر افتخارترین مرگ‌ها را به چهره‌ی آن‌ها نوشته بود. اگر شما خون دیده بودید؛ خون پلیدی که از قلب خائنین و دشمنان این آب و خاک، سرزمین تشنه‌ی وطن را سیراب کرده بود؛ شما آن وقت برای پشیزی به نفع خود زندگی صدها مردم دیگر را عاطل و باطل نمی‌ساختید و این قدر خودپرست و خود خواه نمی‌شدید!

انحطاط جسمی و روحی در شما به این حد نمی‌رسید، که در میان هیجده میلیون جمعیت در این همه ضعف و خستگی و ناتوانی و بیچارگی یک مرد درست از جان گذشته‌ی فعالی نداشته باشید که بتواند شما را به راه راست

۱. برنامه اول: «...یا در هر مقام اجتماعی دیگری کارگر می‌دانیم. کارگر لقب پرافتخار ملت خلاق و سازنده و شرافتمند ایران است. در جامعه‌ی ملی، کارگر زحمتکش نیست؛ زیرا در این جامعه کار مایه‌ی نشاط زندگی است نه رنج و زحمت».

هدایت کند، دزد نباشد، خارجی‌پرست نباشد و به دیگران نیز اجازه‌ی دزدی ندهد.

ما امروز در این میهن با همه‌ی سنگ‌دلی و سرسختی‌ای که داریم وضعی می‌بینیم که ما را دیوانه می‌سازد: رشته‌ی از هم گسسته‌ی امور اجتماعی، روی کار آمدن دزدان و دغل دزدان بازاری، فساد اخلاق اجتماعی، رشوه و ارتشا، بچه اشراف پروری، عزیز و دردانه‌سازی، عدم عدالت اجتماعی، عدم اعتماد، خلاصه جز انبوهی کثافت مادی و معنوی چیز دیگری نمی‌یابیم .ما مصمم شدیم بر پایه‌ی خون و خاک- بر اصل خون و شرافت، نان و کار- جوانان رشید و شرافتمند وطن را دور هم گرد آورده دست پیرهای پوسیده را از رهبری کشور کوتاه و به دنیا نمونه‌ای از قدرت اراده‌ی ملتی را بنماییم. آن وقتی که جنگل‌های ایران سر به آسمان کشیده، جاده‌های زیبا از کوه‌ها و دره‌ها و صحراها گذشته و با دست کارگران وظیفه- یعنی دختران و پسران ایرانی در خدمت کار- ساخته شده، مانند رگ‌هایی که در آن‌ها خون جسمی روان باشد، عبور و مرور وسائلی که ما خود ساخته‌ایم تأمین می‌کنند، آن وقتی که دود کارخانه‌های عظیم صنعتی ما سینه‌ی چاک آسمان را تهدید می‌کند، آن وقتی که کشتزارهای سبز و خرم و خانه‌های پاک و شسته و رفته‌ی کارگران و دهقانان با همه‌ی حوایج زندگی جدید، مانند رادیو، آب و برق آراسته شدند، آن وقتی که در عروق جوانان با غیرت و با ادب و با شرافت ما به جای آب پارگین کثیفی که امروز در آن‌ها تزریق می‌شود، آهن گداخته روان گردد، آن وقتی که پایه‌های اراده ما سخت‌تر از سنگ خارا و محکم‌تر از صخره‌های البرز به جای خود نشست؛ آن وقت شما تصدیق خواهید کرد که کار شبانه روزی و سخت‌گیری و رنج دایمی ما علت غایی این همه ترقی و تسلط بوده است.

آیا از سوم شهریور ۱۳۲۰، شما ای هم‌وطنان، همه‌ی احزاب را یکی بعد از دیگری امتحان نکردید، به محک تجربه نزدید؟

همه‌ی این پرچانه‌ها و یاوه‌گوها را نیازموده‌اید، که هر کدام در واقع دست نشانده‌ی یکی از عناصر بیگانه‌ی امپریالیست بودند؟

آمریکایی‌ها برای شما دولت ساختند، روس‌ها توده را بر شما گماشتند، انگلیس‌ها چکمه لیسان خود را بر شما تحمیل کردند! تاکنون اما، ملت ایران آیا حقیقتاً حکومت خود را خود به دست گرفته است؟ نه!

ما دوره‌ی پیش از شهریور را دوره‌ی ایده‌ال نمی‌دانستیم، لیکن آن‌چه پس از آن پدید آمده، آیا بی‌لیاقتی، نادرستی و خیانت کارداران را در ده سال آزگار متمادیاً ثابت نکرده و نشان نداده است؟

هم میهنان، امروز یک دسته از جان گذشتگان در سایه‌ی شهپرهای گسترده‌ی سیمرغ آسمان عظمت ایران دست به هم داده، می‌خواهند ایران را بهشت مبارزات اساسی سازند، چه در آن‌جاکه نظم و دیسیپلین و صحت کار و فعالیت نباشد، دوزخ از همان‌جا شروع می‌شود. ما دوستان و همکاران خود را از نظر هرگز دور نخواهیم داشت، چنان که دشمنان خویش را نیز در روز پیروزی فراموش نخواهیم کرد.

از امروز کار با ما ،زحمت با ما، مشقت با ما، خاک با ما، رنج با ما!

از امروز پول، ای دشمنان ما، از آن شما، بسترهای نرم از آن شما، تجمل‌های زندگی از آن شما، تا روزی که ما موفق شویم و همه چیز را به عدالت در میان هیجده میلیون مردم این مملکت تقسیم کنیم.

پایه‌های ایدئولوژی ما:

۱ـ ما هر اصل و قانونی راکه مخالف ترقی ملت ایران باشد، زیر پا می‌گذاریم.

۲ـ ما دنیا را صحنه‌ی کارزاری می‌دانیم و به همین دلیل، قدرت را به هر صورت، که باشد ـ فکری، عملی، اخلاقی ـ می‌ستاییم.

۳ـ مرد در روش ما کسی است که اراده‌ی قدرت داشته باشد و چون به کاری آغاز کرد، برای انجام آن از جان نیز نترسد.

۴ـ ما زندگی آسوده را پست و ننگین می‌شماریم و از آن می‌هراسیم و در برابر [آن] زندگی را دوست می‌داریم که در آن حوادث زیاد، رزم زیاد و شادی زیاد باشد.

۵ـ ما اصلاً روی فکر «خوشبختی ـ بدبختی» را قلم کشیده، دنیا را صحنه‌ای برای

نمایش قدرت در سه تظاهر جسمی، اخلاقی و فکری می‌دانیم.

۶ـ ما اهمیت مسائل اقتصادی را به هیچ وجه فراموش نمی‌کنیم، ولی معتقدیم که اقتصادیات همه چیز قومی نمی‌شود، چه آسودگی خوشی نیست.

۷ـ ما در نابرابری جسمی و اخلاقی و فکری مردم شکی نداریم، اما هر کس باید برترین شرافت را در کاری بداند که بدان مشغول است و کارگر خشت زن یا گل کار به قدر عالمی، که در جستجوهای[1] علمی عمر می‌گذارد، از کار خود خرسند و بدان مفتخر باشد.

۸ـ ما نخستین جنگ را بر ضد اشراف پوسیده و سرمایه‌داران اعلام می‌کنیم، چه این‌ها با قدرت سرمایه‌ی میراثی و یا کسبی خود حیات دیگران را تهدید می‌کنند.[2]

۹ـ ما دومین جنگ را بر ضد کسانی که به زندگی پست قانع می‌شوند و در جستجوی افتخار و شرافت و کار بر نمی‌آیند، اعلام می‌داریم.

۱۰ـ ما با روح نظم و فرمانبرداری و غرور ملی، در مقابل افکار استعماری ملل قوی و کمونیستی ضد ملی سد محکمی ساخته، در برادری و هم‌کاری مردان ایران می‌کوشیم.

۱۱ـ نهضت ما یک نهضت ارتجاعی نیست، بلکه انقلابی است. انقلابی که باید در فکر و اخلاق و عمل ظهور کند.

۱۲ـ ما نخستین دوست کارگران و کشاورزان، می‌خواهیم که مردم خاک وطن را مقدس بدانند، چه در آن پرورش یافته و با آن زنده‌اند.

۱۳ـ ما می‌خواهیم که مردم ملت و میهن خود را مانند دیگر مقدسان بپرستند.

۱۴ـ ما می‌خواهیم که زنان و مردان یک‌دیگر را در همه‌ی کارها یاری کنند.

۱۵ـ سرافرازترین مردم نزد ما کسی است که برای گروه خود از جان نیز بگذرد. او شهید است و از جمله‌ی مقدسان نهضت انقلابی ماست.

---

۱. اصل: جستجوی‌های

۲. اصل: می‌کند.

۱۶ـ اگر چه ما به گذشته‌ها و پدران خود مفتخریم، ولی کهنه‌پرست و مرده‌پرست نیستیم و می‌خواهیم با الهام از گذشته، بزرگ‌ترین عصر تاریخ بشری را به دست خود در آینده بنا کنیم.

برنامه ما

ما مجبوریم برای تحصیل آزادی کامل اقتصادی و سیاسی ایران و بالاتر بردن سطح زندگی عامه، برنامه‌ی سنگین سختی را تعقیب کنیم (ما زندگی تجملی چند صد خانواده‌ی بالا را علت بیچارگی طبقات پایین مردم می‌دانیم). روزی که مقاصد ملی ما به چنگ آیند، ما برنامه‌ی سبک‌تر و آزادتر دیگری را پیش خواهیم گرفت، در صورتی که اساس ایدئولوژی ما پیوسته تغییرناپذیر و ثابت خواهد ماند.[۱]

۱ـ ایرانی برای ما کسی است که از خون و نژاد ایرانی است. ایرانیانی که در خارج از حدود ایران امروز به سر می‌برند باید بدانند که ایران سوسیالیست ملی کارگران (سومکا)[۲] در هر مشکلی پشتیبان و طرفدار آن‌ها است و حاضر است هر آنی، آن‌ها را با آغوش گشاده بپذیرد.

۲ـ فقط ایرانی می‌تواند در وضع و اجرای قوانین و دستگاه رهبری کشور خود شرکت کند. بدین جهت «سومکا»[۳] خواستار است که کلیه‌ی مقامات مسئوولیت‌دار در دست ایرانیان باشد.

۳ـ ما از مهاجرت کسانی به ایران، که صلاحیت اختلاط با نژاد ایرانی را ندارند، سخت جلوگیری می‌کنیم.

۴ـ ما با شیوه‌ی پوسیده و فاسد حکومت پارلمانی مخالفیم،[۴] چه در این حکومت، کار به دست کاردان نمی‌افتد، بلکه از لحاظ منافع حزبی و

۱. مطالب این پاراگراف در برنامه‌ی اول (منتشره در نوروز ۱۳۳۱) با اختلافات جزیی چاپ شده و عبارات بین دو پرانتز را ندارد.

۲. برنامه‌ی اول، (سومکا) را ندارد.

۳. برنامه‌ی اول: بدین جهت حزب «سومکا»

۴. برنامه‌ی اول: ما با شیوه‌ی پوسیده و فاسد حکومت پارلمانی در وضع و شکل پوسیده‌ی کنونی آن مخالفیم. باید وضعی برقرار شود که کار به دست کاردان بیفتد و مانند امروز به خاطر منافع اشخاص و حزب‌ها و دسته‌بندی‌ها تقسیم نشود. نمایندگان ملت باید در برابر ملت، مسؤول گفتار و کردار خود باشند.

دسته‌بندی‌های مختلف و فقط از این لحاظ، تقسیم می‌شود.
۵ـ ما همه‌ی ایرانیان را در وظایف و حقوق برابر می‌دانیم.
۶ـ نخستین وظیفه‌ی هر ایرانی آن است که روحاً و جسماً کار کند به قسمی که این کار مخالف منافع ملی نباشد، بلکه به سود عمومی تمام شود.[۱]
۷ـ بدین جهت باید عایداتی، که بدون رنج و کار به دست می‌آید. ممنوع گردد (تمام این سفته بازی یهودی، احتکار، قاچاق و غیره) و در نتیجه درهم[۲] شکستن قدرت پول و نابودکردن مظاهر سرمایه‌داری منحط کنونی.
۸ـ کسانی که در مواقع غیر عادی و بحرانی تاریخ ملت به جای فداکردن جان و مال، تحصیل ثروت می‌کنند، در نظر ما مرتکب بزرگ‌ترین جنایت‌اند.[۳] ما آن‌ها را به سخت‌ترین مجازات محکوم و سرمایه‌ای که از این راه اندوخته‌اند، به نفع ملت ضبط می‌کنیم.
۹ـ ما مصمم هستیم که رشوه، ارتشا و هر گونه نادرستی را از ایران ریشه‌کن کنیم. مرتکبین رشوه و ارتشا را از هر طبقه و خانواده‌ای که باشند، باکمال بی‌رحمی به سخت‌ترین عقوبت‌ها مجازات می‌کنیم.
۱۰ـ ما کارخانه‌های[۴] شخصی را، که بر وفق منافع ملی اداره نمی‌شوند، به دست دولت می‌سپاریم تا زندگی هزاران کارگر شرافتمند و محصولات ملی در هر لحظه ملعبه‌ی خرپولان بی وجدان قرار نگیرد.
۱۱ـ کارگران باید در سود کارگاه‌های خویش سهیم باشند.
۱۲ـ از آن‌جا که هر ایرانی عمر خود را در راه خدمت به ملت خود صرف می‌کند، باید هنگام پیری، محرومیت از کار را به خرج ملت خود به آسودگی بگذراند. یعنی دولت برای هر ایرانی انواع بیمه‌های اجتماعی[۵] را به بهترین طرزی برقرار

۱. برنامه‌ی اول: «در جامعه‌ی ملی ایرانی بیکاری و تن‌پروری باید نابود شود. از حقوق اولیه هر فرد ایرانی باید این باشد که بتواند از جامعه‌ی ملی خود کار و شغل شرافتمندانه‌ای را خواستار شود.»
۲. برنامه‌ی اول، «گردد: (سفته بازی- احتکار- قاچاق و غیره). یا به عبارت دیگر: «درهم...»».
۳. برنامه‌ی اول: «بزرگ‌ترین جنایت می‌شوند...»».
۴. برنامه‌ی اول: «ما آن کارخانه‌های...»».
۵. برنامه‌ی اول: «...انواع بیمه‌ها و خدمات اجتماعی...»».

سازد.

۱۳ـ ما می‌خواهیم که در ایران، طبقه‌ی متوسط، که امروز در نتیجه‌ی جنایات هیأت حاکمه و دزدان داخلی و خارجی و خائنان جهود معدوم شده، دوباره پدیدار و از آن حمایت(۱) شود. دولت باید وسایل کار صنعتگران و پیشه‌وران مستقل را فراهم آورده و از آن‌ها حمایت کند.(۲)

۱۴ـ ما طرفدار یک رفورم ارضی می‌باشیم که متناسب با احتیاجات ملی باشد و می‌خواهیم قانونی وضع شود که مطابق آن بتوان از اراضی در برابر شرایط معینی برای مقاصد عام‌المنفعه سلب مالکیت نمود.(۳)

۱۵ـ ما هر کسی را که به خاطر نفع شخصی به ملت و مملکت خود ضرر برساند، یا خیانتی کند، بی‌درنگ به مرگ محکوم می‌سازیم.

۱۶ـ در حقوق مدنی و کلیه‌ی قوانین کشوری ایران باید تجدیدنظر به عمل آید تا کاملاً بر وفق منافع ملی و نژادی تنظیم شود.

۱۷ـ دولت موظف است که با توسعه‌ی کامل آموزش و پرورش ملی، وسائل تحصیلات فنی و عالی فرزندان مستعد ملت را فراهم سازد تا هر ایرانی با استعداد، هر قدر هم که تنگدست باشد، بتواند در صورت تمایل مراتب علمی و فنی خود را به حد کمال رسانیده، در دستگاه رهبری کشور مقام مسؤولیت داری را به عهده بگیرد.

۱۸ـ برنامه‌ی آموزشگاه‌ها باید با زندگی عملی متناسب باشد و کودکان در همان خردی با حس مسؤولیت و رشادت و فداکاری بار آیند.

۱۹ـ دولت باید بهداشت ملی را ترقی و توسعه دهد و از مادران و کودکان به بهترین طرزی حمایت کند.(۴) کار خردسالان باید ممنوع شود. وسایل ورزیدگی

۱. اصل: تقویت.

۲. برنامه‌ی اول: «در ایران امروز در نتیجه‌ی جنایات حاکمه و دزدان داخلی و خارجی و خائنان جهود و جهودصفت؛ صنعتگران و پیشه‌وران مستقل ـ مردم کاسب کار و دهقانان خورده مالک به کلی بیچاره و بی‌پا و یا معدوم شده‌اند. ما می‌خواهیم این دسته از مردم دوباره تقویت و حمایت شوند و دولت باید وسایل زندگی و کار آن‌ها را فراهم آورد».

۳. برنامه‌ی اول: «...باشد و در عین این‌که به حق مالکیت کمال احترام را می‌گذاریم، می‌خواهیم...».

۴. برنامه‌ی اول: «...حمایت کند، از مرگ و میر کودکان باید جلوگیری به عمل آید، کار...».

جسمانی ملت باید فراهم و نسبت به ورزشکاران از هیچ‌گونه مساعدتی دریغ نشود.

۲۰ـ ارتش ایران، ارتش ملی خواهد بود. عناصر ناصالح و ترسو ـ آن‌ها که در شهریور ۲۰ و دیگر مواقع امتحان خوبی نداده‌اند ـ طرد خواهند شد. وظیفه‌ی ارتش ملی ما، دفاع از مرزها و خاک ایران است در مقابل دشمنان خارجی، نه چنان‌که امروز می‌گویند و شده حفظ امنیت داخلی.[۱]

۲۱ـ پا به پای ارتش ملی، قوای کارگران ملی مرکب از دختران و پسران جوانی که هر سال در کار وظیفه داخل خواهند شد، تشکیل می‌گردد تا هر کس از هر مرتبه و مقام و خانواده‌ای که باشد، بدون تفاوت عملاً در آباد کردن خاک مقدس ایران شرکت نماید و با کار واقعی و حقیقی آشنا شود تا روح خمود و افسردگی و عدم انضباطی که جوانان امروز دارند، از بین برود. خدمت کار وظیفه، مانند سربازی وظیفه، در سن و دوره‌ی معینی انجام می‌پذیرد.

۲۲ـ افسار[۲] گسیختگی و فحاشی مطبوعاتی و عدم رعایت منافع ملی لکه‌ی ننگی به دامان مطبوعات کشور است.[۳] هر نویسنده و سردبیری مسوول صحت نوشته‌های خود می‌باشد و باید بتواند هر لحظه از آن در دادگاه دفاع کند.

۲۳ـ ما با هر مکتب هنری و ادبی، که مخالف شئون ملی و اخلاقی باشد، مبارزه کرده و به آن‌ها حق زندگی نمی‌دهیم.

۲۴ـ ما با روح مادی (ماتریالیسم) و یهودیگری مبارزه کرده، از ته دل ایمان داریم که همیشه منافع جامعه، مقدّم بر منافع شخصی است: «اول منافع ملی، بعد منافع شخصی».

۲۵ـ برای انجام این برنامه باید قدرت مرکزی نیرومندی در ایران ایجاد شود و سازمان قانونگذاری بر تمام سازمان‌های دیگر کشور حق حاکمیت بلاشرط داشته باشد.

رهبران حزب سوسیالیستی ملی کارگران ایران به شرافت خود سوگند یاد

---

۱. جملات برنامه‌ی اول در این‌جا با اندکی تفاوت جابجا گشته‌اند.

۲. برنامه‌ی اول: «با وجود احترام و اهمیتی که ما برای مطبوعات قائلیم، افسار...».

۳. برنامه‌ی اول: «...و عدم رعایت منافع ملی را لکه‌ی ننگی...کشور می‌دانیم».

می‌کنند، که برای انجام این برنامه از جان نیز دریغ ندارند.
شاد ایران
رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران[۱]
داوود منشی‌زاده

حزب وارداتی

ایدئولوژی سومکا، هم‌چنان که در این فصل نشان داده می‌شود، بر مبنای ایدئولوژی نازیسم و فاشیسم استوار شده بود. با توجه به این نکته که پدیدآورندگان اولیه‌ی سومکا (دست کم دو نفر از سه نفر اعضای تشکیل دهنده‌ی حزب) در آلمان هیتلری زندگی کرده و تحت تأثیر تبلیغات و تلقینات حزب نازی قرار گرفته بودند؛ هم‌چنین با توجه به این نکته که دکتر منشی‌زاده عضو حزب نازی بوده، این وام‌گیری ایدئولوژیکی قابل درک است.

گذشته از برداشت‌های صوری و ظاهری این حزب، که به سرعت آن را به عنوان «حزب نازی ایران» معرفی کرد،[۲] بررسی اندیشه‌های سومکا و بخصوص منشی‌زاده، روشنگر وابستگی و تأثیرپذیری عمیق این حزب از اندیشه‌ی نازیسم، بویژه، و در کل از تفکرات جنبش‌های فاشیستی اروپا می‌باشد. هم‌چنان که در اساسنامه حزب سومکا آمده،[۳] حزب «بر پایه‌ی اندیشه ناسیونال سوسیالیسم» پایه‌گذاری شده بود؛ گرچه در مواردی رهبران حزب تمایلی به ابراز تأثیرپذیریشان از نازیسم و فاشیسم نداشتند،[۴] ولی در مواردی دیگر دلیل شباهت حزب سومکا با فاشیسم و نازیسم را «شباهت بین

---

۱. برنامه‌ی اول: «از طرف ستاد رهبری حزب سوسیالیست...، رهبر حزب: داوود منشی‌زاده».

۲. برای نمونه ر.ک: «حزب نازی در ایران». ***واهمه***، ش ۱۷(۱۳۳۰/۱۱/۱۶)، ص ۱؛ واهمه، ش ۱۸ (۱۳۳۰/۱۱/۲۳)، ص ۱. در جایی دیگر عنوان حزب، «حزب سوسیالیست نازی» ذکر گردیده است. ر.ک: «افراد حزب سوسیالیست نازی در خیابان اسلامبول». ***آتش***، س ۵، ش ۱۱۸۴(۱۳۳۱/۱/۳۰)، ص ۲

۳. ر.ک: اساسنامه حزب سومکا، ص ۱

۴. برای نمونه هفته نامه‌ی سومکا در ششم مرداد ۱۳۳۱ در پاسخ به پرسش یکی از خوانندگان اعلام داشت: «ما فاشیست نیستیم و فاشیست‌ها تنها در ایتالیا وجود داشتند و دارند». («با خوانندگان»، سومکا، س ۱، ش ۴، ص ۳). در صورتی که چند ماه بعد چنین نگاشت: «...حال اگر [سومکا] شباهتی با رژیم‌های دیگر داشته باشد ما تکذیب نمی‌کنیم و از این که ما را فاشیست بنامند باکی نداریم. زیرا فاشیستم یک نوع مسلک ملی بوده است». («با خوانندگان»، ***سومکا***، س ۱، ش ۲۶، ۱۳۳۱/۱۰/۱۴، ص ۴)

مؤلفه‌های تاریخی و سیاسی» این کشورها بیان می‌کردند.[۱]

پیش از پرداختن به وام‌گیری‌های ایدئولوژیکی سومکا- با مقایسه‌ی مشخصه‌ها و مؤلفه‌های نازیسم و فاشیسم، تا حد ممکن- بهتر است نخست به شباهت‌های ظاهری این حزب با حزب نازی اشاره گردد.

الف) تشابهات ظاهری حزب سومکا با حزب نازی

۱- عنوان

نخستین نشانه‌ی تأثیرپذیری حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران از حزب نازی، عنوان این حزب است. بدین صورت که با تغییر کلمه‌ی آلمان به ایران و جابجایی کلمات ناسیونال سوسیالیست به سوسیالیست ناسیونال و ترجمه‌ی واژه‌ی ناسیونال به ملی، از عنوان حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان، عنوان حزب سومکا ساخته شد.

۲- آرایش ظاهری

کوشش برای تطابق آرایش ظاهری رهبر حزب سومکا با هیتلر و آرایش سبیل منشی‌زاده به شکل معروف به «سبیل هیتلری». فردوست در خاطرات خود نوشته است که: «منشی‌زاده....، علاقه‌ی شدیدی به هیتلر داشت و خود را مانند او درست می‌کرد و شباهت فوق‌العاده زیادی هم داشت».[۲]

هر چند در نگاه اول شاید این مسئله بی‌اهمیت جلوه نماید، اما گفته شده که همین مسئله‌ی بی‌ارزش سبب شده بود که سرلشکر باتمانقلیچ کینه‌ی دکتر منشی‌زاده را در دل بگیرد، زیرا «به گواهی عموم سبیل داوود منشی‌زاده، به دلیل ساختمان قیافه‌ی او، بیش از سبیل سرلشکر باتمانقلیچ به هیتلر شبیه شده بود».[۳] تلاش منشی‌زاده برای شبیه سازی خود با هیتلر یکی از دستاویزهایی شد که مخالفینش برای مسخره کردن او و بالطبع حزب او، از آن استفاده کردند. برای نمونه، ابراهیم رنجبر برای مسخره کردن

---

۱. «پیام رهبر حزب»، **سومکا**، س ۱، ش ۱ (۱۳۳۳۱/۴/۱۴)، صص ۱ و ۴

۲. فردوست، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۰.

۳. غلامرضا مصور رحمانی، ***خاطرات سیاسی***. رواق، چاپ اول، تهران ۱۳۶۳، ص ۲۷۹

منشی‌زاده وی را «کاریکاتور کامل هیتلر» خوانده بود.[۱]

۳ـ تشابه در پرچم و نماد

پرچم و بازوبند حزب سومکا ـ پارچه قرمز، دایره‌ی سفید در میان آن و نقش سیمرغ در وسط دایره ـ[۲] از پرچم حزب نازی اقتباس شده،[۳] با این تفاوت که با تغییر صلیب شکسته[۴] که در پرچم حزب نازی موجود بود، سومکا علامت سیمرغ را ابداع کرد.[۵]

۴ـ رنگ لباس

رنگ سیاه انتخاب شده برای پیراهن رسمی حزب سومکا[۶] نیز با رنگ سیاه لباس

---

۱. رنجبر، ***واقعیت انکار نشدنی یا من...***، ص ۴. بسوی آینده نیز او را «هیتلر تهران» (به نقل از «دروغ‌هایی که....»، **سومکا**، س ۱، ش ۱۶، (۱۳۳۱/۷/۲۴، ص ۱) و شهباز ضد استعمار او را «هیتلر ایرانی» (به نقل از: «دروغ‌هایی که....»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۶(۱۳۳۱/۱۰/۱۴)، ص ۱) خوانده بودند.

۲. بنگرید به اساسنامه‌ی حزب سومکا، بخش ۹، ماده ۹

۳. پرچم حزب نازی «یک دایره‌ی سفید در متن قرمز و یک صلیب شکسته در وسط آن» بود. هیتلر در خصوص عناصر سازنده‌ی پرچم عقیده داشت: «تمام خصوصیات این پرچم جدید با هدف مخصوص ما نزدیکی زیاد داشت. رنگ قرمز آن نماینده هدف اجتماعی حزب و رنگ سفید آن نماینده ملت آلمان و صلیب شکسته‌ی آن حاکی از مبارزه‌ای بود که برای به دست آوردن آرمان‌های گذشته در پیش گرفته بودیم». هیتلر، آدولف، پیشین، ص ۳۸۷

۴. سومکا علامت حزب را «شکل هندسی سیمرغ یا پرنده اساطیری و عقاب هخامنشی معرفی می‌کرد. (ر.ک: «با خوانندگان»، **سومکا**، س ۱، ش ۴ (۱۳۳۱/۵/۶)، ص ۳) اما نخستین گزارش‌های منتشره در مطبوعات به شباهت این نقش با صلیب شکسته اشاره داشت (ر.ک: واهمه، ش ۱۸ (۱۳۳۰/۱۱/۲۳)، ص ۱). نویسنده‌ای فرانسوی نیز به شباهت علامت حزب سومکا با حزب نازی اشاره کرده و نوشته که نماد «عقاب استیلیزه» از «صلیب شکسته» گرفته شده است. ر.ک:

Monteil, Vincent, ***Iran***. Collection Petite Planète, Éditions du Seuil, Paris, 1962, P. 22.

درباره‌ی نقش صلیب شکسته بنگرید به: علی بابایی، ***فرهنگ علوم سیاسی***، صص ۴۲۰ـ ۴۲۱؛ نصرالله بختورتاش، ***گردونه خورشید یا گردونه مهر***. عطایی، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۶، چاپ دوم. در این اثر، با افراط بسیار، در ایرانی بودن نقش صلیب شکسته بحث شده است.

۵. بنگرید به بخش تصاویر درکتاب حاضر

۶. ر.ک: اساسنامه‌ی حزب سومکا، بخش ۸، ماده ۶ و بخش ۹، ماده ۱۰؛ شاید یکی از دلایل به کار بردن لقب‌های «گارد اس.اس. مرده» و «آدمک‌های فاشیست»، برای اعضای سومکا از جانب مخالفان (به نقل از: «در دنیایی دشمن...» سومکا، پیشین، ص ۲) نیز در آغاز به دلیل همین هم‌رنگی و شباهت‌های ظاهری لباس و علائم حزب سومکا بود.

اعضای «اس.اس» حزب نازی و فاشیست‌های ایتالیا[۱] مشابهت داشت. سومکا منکر این مشابهت بود و ادعا می‌کرد که رنگ سیاه «در عین استحکام و متانتی که دارد، یادگاری است از جنبش» ابومسلم خراسانی.[۲]

۵ـ سلام حزبی

از دیگر مواردی که از لحاظ ظاهری سومکا را با حزب نازی مرتبط می‌کرد، سلام حزبی است. اعضای سومکا «به جای سلام و در موقع درود، دست راست را کشیده، تا مقابل پیشانی»، بالا می آوردند «در حالی که... انگشتان به هم چسبیده و کف دست رو به زمین» بود.[۳]

سومکا سلام حزبی را ـ هم‌چون رنگ پیراهن ـ ایرانی دانسته و ادعا می‌کرد که آن نوعی ادای احترام بوده که در دوران ساسانیان رواج داشته است[۴] و به پیکره‌ی نگاره‌ای که در آن شاپور سوار بر اسب، دست خود را به همان شکل بالا برده و در مقابل والرین امپراطور روم ـ که دست بسته نزد او ایستاده است ـ اشاره کرده و آن را نشانه‌ی ادای احترام شاپور به والرین می‌دانستند[۵]؛ اما نخستین گزارش‌هایی که در مطبوعات چاپ

---

۱. ویلیام شایرر، ***ظهور و سقوط رایش سوم***، ترجمه‌ی کاظم دهگان. انتشارات فردوسی، ج ۱، تهران ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۱۴

۲. «با خوانندگان»، ***سومکا***، س ۱، ش ۵ (۱۳۳۱/۵/۱۳)، ص ۴. در این خصوص ر.ک: مریم میراحمدی، «رنگ در تاریخ ایران»، ***فصلنامه‌ی مطالعات تاریخی***، س ۱، ش ۱ (بهار ۱۳۶۸)، صص ۱۲۲ـ۳

۳. ر.ک: اساسنامه‌ی حزب سومکا، بخش ۹، ماده ۶. در دو نمونه‌ی زیر به تأثیرپذیری سومکا از حزب نازی اشاره شده است: ـ آتش، س ۵، ش ۱۱۸۴ (۱۳۳۱/۱/۳۰)، ص ۲. ـ جعفر مهدی‌نیا، ***زندگی سیاسی رزم‌آرا***، تهران، ناشر مؤلف، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۶، ص ۴۰۹

۴. ر.ک: سند شماره‌ی ۵۳ از مجموعه‌ی حاضر

۵. تصویر مورد اشاره، احتمالاً مربوط به پیکر نگاره‌ای است در نقش رستم، تقریباً روبروی کعبه زرتشت. در این تصویر شاپور ساسانی سوار بر اسب قوی هیکل جنگی است و در برابرش دو امپراطور رومی، مارکوس یولیوس نیلیپوس و والرین، دیده می‌شوند که «یکی متضرعانه به زانو در آمده، و دیگری بر پا ایستاده، در حالی که دو پنجه‌ی بالا آورده‌اش را شاپور با دست راست خود محکم گرفته است. این صحنه عموماً چون تجسم عصاره‌ای از تمامی پیروزی‌های شاپور بر رومیان تلقی شده است». (ر.ک: فریه، ر. دبلیو، ***هنرهای ایران***، ترجمه‌ی پرویز مرزبان، نشر و پژوهش فرزان، تهران ۱۳۷۴، ص ۶۷) بنابراین، ادعای سومکا در ایرانی نمایاندن سلام حزبی‌شان پذیرفتنی نیست.

شدند، به این نکته اشاره می‌کردند که افراد حزب سومکا به هم‌دیگر «با دست، سلام هیتلری می‌دهند.»[۱]

یکی از دوستان دوران تحصیل منشی‌زاده در خصوص شباهت‌های ظاهری سومکا با حزب نازی چنین نگاشته است: «...خواندم که داوود ما...کوس لمن الملکی هیتلری، با ادا و اطوار و بازوبند بستن به سبک هیتلر می‌زند...او خود را نخود آش کرده و ادای هیتلر وطنی را در می‌آورد.»[۲]

این‌گونه شباهت‌های کم اهمیت، اندک نیستند. به طور مثال می‌توان «خانه‌ی سیاه» حزب سومکا را با «خانه‌ی خرمایی» حزب نازی[۳] و ایرانشهر سوم (نام جامعه‌ی مطلوب سومکا) را با رایش سوم مقایسه کرد. هم‌چنین مخالفت ضمنی سومکا با یهودیان را نیز می‌توان یکی از برداشت‌های ظاهری این حزب از حزب نازی انگاشت.[۴]

---

۱. «حزب نازی در ایران». ***واهمه***، پیشین، ص ۱

۲. بزرگمهر، پیشین، صص ۱۹۶-۱۹۷

۳. شایرر، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۵

۴. برای نمونه بنگرید به مواد ۷، ۱۳ و ۲۴ برنامه حزب سومکا؛ منشی‌زاده، پیکار با اهرمن، ص ۷، دکتر هاشمی‌نژاد: «راه ما به نابودی دشمنان ما ختم خواهد شد». ***سومکا***، س ۱، ش ۷ (۱۳۳۱/۵/۲۸)، ص ۳ و «دروغ‌هایی که خودشان...»، ***سومکا***، س ۱، ش ۲۵(۱۳۳۱/۱/۷)، ص ۱. هم‌چنان که بیان شد به نظر می‌رسد مخالفت زبانی سومکا با یهودیان نیز یکی از برداشت‌های ظاهری این حزب از حزب نازی باشد. از آن‌جا که دشمنی سومکا با یهودیان فاقد دلیل منطقی بود، از دید برخی افراد این مخالفت تنها به خاطر گرفتن باج از یهودیان بوده است. در این باره واهمه نوشت: «...برخی را هم عقیده آن است که عاملین این حزب می‌خواهند از کلیمی‌های تهران (امثال مایر عبدالله بغدادی که اخیراً یکصد هزار تومان نقد به یک مقامی پرداخته) گوش‌بری کنند و فعلاً قصدشان ترساندن کلیمی‌ها است». (***واهمه***، ش ۱۸، ص ۱)

دلایلی که سومکا برای مخالفت با یهودیان ارائه کرده بی‌پایگی این عقیده را می‌رساند و روشنگر گرته‌برداری از حزب نازی است. در نسخه‌ی دوم برنامه (ر.ک: ضمیمه‌ی شماره ۳، کتاب حاضر) ضدیت با نژادسامی- به‌طور کلی- به مثابه حسی معرفی شده که پایه و اساس جنبش سومکا را تشکیل داده و گناه یهودیان در آن است که بر قسمت‌هایی از سیستم اقتصادی- سیاسی ایران مسلط هستند.

اهانت‌هایی که به یهودیان می‌شود غالباً به خاطر تهمت‌هایی است که در موارد زیادی غیر واقعی هستند. از جمله در برنامه‌ی حزب سومکا (ماده ۱۳) «هیئت حاکمه و دزدان داخلی و خارجی و خائنان جهود» نابودکنندگان طبقه‌ی متوسط ایران خوانده شده‌اند. از طرف دیگر سوءاستفاده در زمینه‌های اقتصادی که به یهودیان نسبت داده شده، نیز حکم کلی دیگری است. بدین‌سان سومکا، هم‌چون حزب نازی، برای طفره رفتن از

←

شایان ذکر است که این‌گونه شبیه سازی‌های ظاهری- بخصوص مواردی چون آرایش سبیل و رنگ لباس- به تنهایی نمی‌تواند نشانگر وابستگی حزبی به حزب یا اندیشه‌ی دیگر باشد و در واقع این گونه همانند سازی‌های سطحی، حاشیه‌ای هستند. بهره‌گیری اصلی سومکا از اندیشه‌ی نازیسم بود.

ب) تأثیرپذیری ایدئولوژیک

مهم‌ترین جنبه‌ی الگوبرداری حزب سومکا، گرفتن اندیشه‌های نازیسم و فاشیسم بود. شاید به دلیل همین شباهت‌های ایدئولوژیکی؛ سومکا، حزب نئونازی[۱] و گروه «نئوفاشیست»[۲] هم خوانده شده است. اما در حقیقت چنین می‌نماید که از جنبه‌ی ایدئولوژیکی، بحث شبیه‌سازی سومکا به اندیشه یا حزب خاصی در میان نباشد و در واقع چند «نازی ایرانی» سعی در دوباره زنده سازی این اندیشه را، با در نظر داشتن شرایط ایران، داشته‌اند و از این جهت بهتر است سومکا را حزب نئونازی ایرانی نامید.

از جمله موارد تأثیرپذیری ایدئولوژیک سومکا از اندیشه‌های نازیستی و فاشیستی (به معنای عام) می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره نمود:

← ریشه‌یابی واقعی دلایل ضعف و عقب‌ماندگی اقتصادی و حتی کاستی‌های اجتماعی و اشتباهات سیاسی، گناه را به گردن هیئت حاکمه، سرمایه‌داران، خائنان و بالاخره یهودیان انداخته بود.

همان‌گونه که بیان شد سومکا فاقد دلیلی واقعی برای مبارزه با یهودیان بود، از این رو در طول فعالیت این حزب، به‌جز توهین‌ها و دشنام‌هایی که در آثار این حزب دیده می‌شود، نشانه‌ای گواه بر یهودآزاری مشاهده نشده است.

۱. الول ساتن، ***نفت ایران***، ترجمه‌ی دکتر رضا رئیس طوسی، موسسه‌ی انتشارات صابرین، تهران ۱۳۷۲، ۳۹۹.

۲. هما کاتوزیان در مقدمه‌ی ویراستار، ترجمه‌ی انگلیسی خاطرات دکتر مصدق، سومکا را «حزب کوچک سرتاپا نازی» نامیده است. ر.ک:

M.Musaddiq: ***Musaddiq's Memories***. Translated by S.H. Amin and H. Katouzian, Edited and introduced by Homa Katouzian, London. P. 27.

هم‌چنین در گزارشی، از سومکا به عنوان «جنبش نئوفاشیسم در ایران» یاد شده است. ر.ک. معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، ***اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران*** (۱۳۲۹-۱۳۵۷ه‌ش.)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، جلد دوم، تهران ۱۳۸۰، ص ۷۲۸

۱ـ ترجمه‌ی برنامه‌ی حزب نازی

محکم‌ترین دلیل برای اثبات این مدعا در برنامه‌ی حزب سومکا دیده می‌شود. با در کنار هم گذاشتن برنامه‌های احزاب نازی[۱] و سومکا[۲] و مقایسه‌ی آن‌ها، میزان تأثیرپذیری به روشنی دیده می‌شود.

۱. برنامه حزب نازی، از ترجمه‌ی انگلیسی آن در اثر زیر نقل شد:
Nazi ideology befor 1933. A documentation and translated by Barbara Miller Lane and Leila J. Rupp. Manchester University Press, 1978, PP. 113-115.

۲. در این تطبیق از چاپ دوم برنامه‌ی حزب سومکا و ۱۳۳۱، صفحات ۵ـ ۸ استفاده شد.

برنامه حزب سومکا	برنامه حزب نازی NSDAP
ماده ۲: «فقط ایرانی می‌تواند در وضع و اجرای قوانین و دستگاه رهبری کشور خود شرکت کند. بدین جهت «سومکا» خواستار است که کلیه‌ی مقامات مسؤولیت‌دار در دست ایرانیان باشد».	ماده ۶: «حق تصمیم‌گیری درباره‌ی رهبری و قانون فقط متعلق به شهروندان است. بنابر این انتخاب کارکنان همه‌ی ادارات- مهم نیست از چه نوعی باشد، خواه ملی، ایالتی یا محلی- توسط شهروندان است....»
ماده ۳: «ما از مهاجرت کسانی به ایران، که صلاحیت اختلاط با نژاد ایرانی را ندارند، سخت جلوگیری می‌کنیم».	ماده ۸: «پس از این، باید از مهاجرت‌های غیرژرمن‌ها [به آلمان] جلوگیری شود. ما می‌خواهیم همه‌ی غیر ژرمن‌هایی که از دوم اگوست ۱۹۱۴ وارد خاک آلمان شده‌اند مجبور به ترک رایش شوند.»
ماده ۴: «ما با شیوه‌ی پوسیده و فاسد حکومت پارلمانی مخالفیم، چه در این حکومت کار به دست کاردان نمی‌افتد، بلکه از لحاظ منافع حزبی و دسته‌بندی‌های مختلف و فقط از این لحاظ، تقسیم می‌شود».	ماده ۶: «... ما با نظام فاسد پارلمانی، [که در آن افراد] مناصب را تنها بر اساس نیازهای حزب و بدون در نظر گرفتن شخصیت یا توانایی اشغال می‌کنند، مخالفیم.»
ماده ۵: «ما همه‌ی ایرانیان را در وظایف و حقوق برابر می‌دانیم.»	ماده ۹: «همه شهروندان باید حقوق و کار برابر داشته باشند.»

ماده ۶: «نخستین وظیفه‌ی هر ایرانی آن است، که روحاً و جسماً کار کند، به قسمی که این کار مخالف منافع ملی نباشد، بلکه به سود عمومی تمام شود.»

ماده ۷: «بدین جهت باید عایداتی، که بدون رنج و کار به دست می‌آید ممنوع گردد (تمام این سفته‌بازی یهودی، احتکار، قاچاق و غیره) و در نتیجه در هم شکستن قدرت پول و نابودکردن مظاهر سرمایه داری منحط کنونی.»

ماده ۸: «کسانی که در مواقع غیر عادی و بحرانی تاریخ ملت به جای فدا کردن جان و مال، تحصیل ثروت می‌کنند، در نظر ما مرتکب بزرگ‌ترین جنایت‌اند. ما آن‌ها را به سخت‌ترین مجازات محکوم و سرمایه‌ای، که از این راه اندوخته‌اند، به نفع ملت ضبط می‌کنیم.»

ماده ۱۰: «کار فکری یا بدنی نخستین وظیفه هر شهروندی است. فعالیت‌های فردی نباید مخالف با مصلحت عمومی باشد و باید در چهارچوب و در جهت منافع عموم باشد.»

ماده ۱۱: «الغاء درآمدهایی که از راه کار و کوشش به دست نیامده‌اند.»

گسستن زنجیرهای بهره

ماده ۱۲: «نظر به ضررهای جانی و مالی فراوانی که هر جنگی از مردم می‌طلبد، نفع‌طلبی شخصی از جنگ جنایتی ضد مردمی تلقی می‌شود. بنابر این ما خواهان مصادره کلیه سودهایی هستیم که از این طریق بدست آمده است.»

ماده ۱۰: «ما کارخانه‌های شخصی را، که بر وفق منافع ملی اداره نمی‌شوند، بدست دولت می‌سپاریم تا زندگی هزاران کارگر شرافتمند و محصولات ملی در هر لحظه، ملعبه‌ی خرپولان بی‌وجدان قرار نگیرد».

ماده ۱۱: «کارگران باید در سود کارگاه‌های خویش سهیم باشند».

ماده ۱۲: «از آن جا که هر ایرانی عمر خود را در راه خدمت به ملت خود صرف می‌کند، باید، هنگام پیری و محرومیت از کار را به خرج ملت خود به آسودگی بگذراند. یعنی دولت برای هر ایرانی انواع بیمه‌های اجتماعی را به بهترین طرزی برقرار سازد».

ماده ۱۳: «ما می‌خواهیم، که در ایران طبقه‌ی متوسط، که امروز در نتیجه جنایات هیأت حاکمه و دزدان داخلی و خارجی و خائنان جهود معدوم شده، دوباره پدیدار و تقویت شود. دولت باید وسایل کار صنعتگران‌و پیشه‌وران مستقل را فراهم آورده و از آنها حمایت کند».

ماده ۱۳: «ما خواهان ملی شدن همه کارخانه‌هایی (تراست‌هایی) که سابقاً به وجود آمده است، هستیم.

ماده ۱۴: «ما خواهان تقسیم سود حاصل از کارهای بزرگ (تجارت) هستیم.»

ماده ۱۵: «ما خواهان افزایش و گسترش بیمه‌ی کهنسالی هستیم.»

ماده ۱۶: «ما خواهان ایجاد و نگهداری یک طبقه‌ی متوسط سالم از راه سوسیالیستی کردن فروشگاه‌های بزرگ و اجاره‌ی آن به بهای اندک به کاسب‌های خرده پا و توجه بیشتر به آن‌ها در همه‌ی خریدها و پیمان‌ها خواه ملی، ایالتی یا محلی هستیم.

ماده ۱۴: «ما طرفدار یک رفورم ارضی می‌باشیم که متناسب با احتیاجات ملی باشد و می‌خواهیم، قانونی وضع شود، که مطابق آن بتوان، از اراضی در برابر شرایط معینی برای مقاصد عام‌المنفعه سلب مالکیت کرد.»

ماده ۱۵: «ما هر کسی را، که به خاطر نفع شخصی به ملت و مملکت خود ضرر برساند، یا خیانتی کند، بی‌درنگ به مرگ محکوم می‌سازیم».

ماده ۱۶: «در حقوق مدنی و کلیه قوانین کشوری ایران باید تجدیدنظر به عمل آید، تا کاملاً بر وفق منافع ملی و نژادی تنظیم شود».

ماده ۱۷: ما خواهان اصلاحات ارضی مطابق احتیاجات ملی مان و تصویب یک قانون برای سلب مالکیت زمین- بدون پرداخت غرامت- برای اهداف عمومی، الغاء مالیات‌های مربوط به زمین و جلوگیری از همه‌ی سفته‌بازی‌ها هستیم.

ماده ۱۸: ما خواهان آغاز جنگی سخت علیه آن‌ها که فعالیت‌هایشان به نفع عمومی صدمه می‌زند- خائنین، رباخواران، گران‌فروش‌ها (نفع‌طلب‌ها) و غیره- هستیم و بنابراین، این افراد بدون در نظر گرفتن فرقه‌ی مذهبی و نژادشان به مرگ محکوم می‌شوند.

ماده ۱۹: ما خواهان جانشینی یک قانون عمومی مطابق با عرف آلمانی به جای قانون رومی هستیم [زیرا] قانون رومی در خدمت نظم جهانی ماتریالیستی است.»

ماده ۱۷: «دولت موظف است که با توسعه‌ی کامل آموزش و پرورش ملی وسایل تحصیلات فنی و عالی فرزندان مستعد ملت را فراهم سازد تا هر ایرانی با استعداد، هر قدر هم تنگدست باشد، بتواند، در صورت تمایل مراتب علمی و فنی خود را به حد کمال رسانیده، در دستگاه رهبری کشور مقام مسوولیت‌داری را به عهده بگیرد».

ماده ۲۰: «برای سهولت دستیابی هر فرد با صلاحیت و کوشای آلمانی به تحصیلات بالاتر و به موجب آن دسترسی به یک موقعیت مهم، دولت باید توسعه‌ی کامل سیستم یکدست تحصیلی ملی را به عهده بگیرد... مدرسه باید خیلی زود- در آغاز دوران رشد عقلی کودکان- درکی از حکومت در آن‌ها ایجاد کند.

ما می‌خواهیم هزینه‌ی تحصیل کودکان با استعدادی که والدین فقیر دارند- صرف نظر از شغل و پایگاه اجتماعی والدین- بر عهده دولت باشد.»

ماده ۱۸: «برنامه آموزشگاه‌ها باید با زندگی عملی متناسب باشد و کودکان در همان خردی با حس مسوولیت و رشادت و فداکاری بار آیند».

ماده ۲۰: «... برنامه‌ی تحصیلی مدارس باید مطابق نیازهای زندگی واقعی باشد...»

ماده ۱۹: «دولت باید، بهداشت ملی را ترقی و توسعه دهد و از مادران عمومی را از راه حفاظت مادر و کودکان به بهترین طرزی حمایت کند. کار خردسالان باید ممنوع شود.

وسایل ورزیدگی جسمانی ملت باید فراهم و نسبت به ورزشکاران از هیچ‌گونه مساعدتی دریغ نشود».

ماده ۲۱: «دولت باید سلامت کودک، جلوگیری از کار کودکان، اجباری نمودن یک برنامه‌ی مناسب جسمی-اجباری کردن ژیمناستیک و سایر ورزش‌ها و حمایت از تشکیلاتی که در ارتباط با تربیت جسمی جوانان کار می‌کنند، بهبود بخشد.»

ماده ۲۰: «ارتش ایران، ارتش ملی خواهد بود».

ماده ۲۲: «ما خواهان الغاء سربازی مزدوری و ایجاد ارتش مردمی هستیم.»

ماده ۲۲: «افسارگسیختگی و فحاشی مطبوعاتی و عدم رعایت منافع ملی، لکه‌ی ننگی به دامان مطبوعات کشور است. هر نویسنده و سردبیری مسؤول صحت نوشته‌های خود می‌باشد و باید بتواند، هر لحظه از آن در دادگاه دفاع کند».

ماده ۲۳: «ما خواهان مبارزه‌ی قانونی ضد شایعه پراکنی‌های آگاهانه‌ی سیاسی و پراکندن آن توسط مطبوعات هستیم...»

ماده ۲۳: «ما با هر مکتب هنری و ادبی، که مخالف شئون ملی و اخلاقی باشد، مبارزه کرده و به آن‌ها حق زندگی نمی‌دهیم».

ماده ۲۳: «... ما خواهان تعقیب قانونی هر تمایل هنری و ادبیاتی که بر زندگی مردم‌مان تأثیر براندازنده دارد، هستیم...»

ماده ۲۴: «ما با روح مادی (ماتریالیسم) و یهودی‌گری مبارزه کرده از ته دل ایمان داریم، که همیشه منافع جامعه مقدم بر منافع شخصی است: «اول منافع ملی بعد منافع شخصی».

ماده ۲۴: «...[حزب] با روح ماتریالیستی یهودی ضدیت دارد و معتقد است که بهبود دائمی مردم تنها از طریق تلاش درونی به دست آید. بر اساس قانون:

«نفع عمومی قبل از نفع شخصی.»

ماده ۲۵: «برای اجرای این برنامه باید قدرت مرکزی نیرومندی در ایران ایجاد شود و سازمان قانونگزاری بر تمام سازمان‌های دیگر کشور حق حاکمیت بلاشرط داشته باشد.

رهبران حزب سوسیالیست[۱] ملی کارگران ایران به شرافت خود سوگند یاد می‌کنند که برای انجام این برنامه از جان نیز دریغ ندارند».

ماده ۲۵: «به منظور به مرحله اجرا در آوردن موارد یاد شده ما خواهان ایجاد یک حاکمیت قوی در رایش هستیم.

پارلمان مرکزی باید [دارای] قدرت حاکمیت نامحدود بر تمام رایش و همه‌ی تشکیلاتش باشد...رهبران حزب پیمان می‌بندند که بی‌باکانه تحقق این اهداف را دنبال کنند. حتی اگر به قیمت جانشان تمام شود.»

۱. اصل: سوسیالیستی.

هم‌چنان‌که مشاهده می‌گردد، به نظر می‌رسد سومکا، برنامه‌ی حزب نازی را ترجمه کرده و سپس به شرح زیر در آن اندکی جرح و تعدیل کرده است:

الف) از مواد ۱ تا ۵ و ۷ برنامه‌ی حزب نازی در برنامه‌ی حزب سومکا استفاده نشده است که دلیل آن عدم هم‌خوانی شرایط سیاسی ـ اقتصادی ایران و آلمان بوده است. مواد مورد اشاره از این قرار است:

ماده ۱: «ما خواهان اتحاد همه‌ی آلمانی‌ها ـ براساس حق تعیین سرنوشت ـ در آلمانی بزرگ‌تر هستیم.»

ماده ۲: «ما خواهان برابری مردم آلمان با همه‌ی ملت‌های دیگر و انحلال معاهده‌های صلح ورسای(۱) و سنت جرمین(۲) هستیم.»

ماده ۳: «ما خواهان زمین و خاک برای تأمین خوراک مردمان و برای سکونت جمعیت در حال افزایشمان هستیم.»

ماده ۴: «تنها کسی که یک «هم‌نژاد»(۳) است می‌تواند یک شهروند باشد. تنها کسی که خون ژرمن در رگ‌هایش جاری است، بدون در نظر گرفتن فرقه‌ی مذهبی‌اش، می‌تواند یک «هم‌نژاد» باشد. بنابراین هیچ یهودی نمی‌تواند یک «هم‌نژاد» باشد.»

ماده ۵: «کسی که «شهروند» نیست، تنها به عنوان مهمان می‌تواند در آلمان زندگی کند و قانون بیگانگان در موردشان اجرا خواهد شد.»

ماده ۷: «ما می‌خواهیم که دولت، خود را ملزم به تضمین منفعت شهروندان خود

---

۱. Versailles.

۲. Saint- Germain.

۳. در متن آلمانی کلمه‌ی Volksgenosse آمده است. واژه‌ی آلمانی Volk در زبان انگلیسی «معمولاً به ملت یا مردم ترجمه شده، ولی در زبان آلمانی معنایی عمیق‌تر و تا اندازه‌ای دگرگونه دارد و حاکی از یک اجتماع ابتدایی قبیله‌ای است که براساس خون و خاک تشکیل شده است». (شایرر، *ظهور و سقوط*...، ج ۱، ص ۱۶۵)
ترکیب Volksgenosse را پدیدآورندگان کتاب «ایدئولوژی نازی...» به Folk commrade ترجمه کرده‌اند. بنابراین معادل پیشنهادی «هم‌نژاد» برای رساندن این مفهوم کامل نیست. (درباره‌ی این واژه هم‌چنین ر.ک: جان تولند، *آدولف هیتلر*، ترجمه‌ی عبدالحسین شریفیان، اساطیر، ج ۱، تهران ۱۳۷۳، ج ۱. ص ۱۳۵، زیرنویس شماره‌ی ۳ و هم‌چنین:

Nazi ideology before 1933, P. 112.

بر دیگر افراد بداند و اگر حمایت از همه‌ی افراد ممکن نباشد، افراد ملت‌های دیگر (غیر شهروندان) باید اخراج شوند.»

ب) هم‌چنین قسمت‌هایی از مواد ۲۳ و ۲۴ برنامه حزب نازی (به شرح زیر) در برنامه حزب سومکا وارد نشده است:

ماده ۲۳: «... برای فراهم آوردن زمینه‌های ایجاد مطبوعات آلمانی ما می‌خواهیم که:

- تمام سردبیران و نویسندگان مقالات روزنامه‌های آلمانی زبان باید «هم‌نژاد» باشند.

- روزنامه‌های غیر آلمانی باید با مجوز دولت منتشر شوند. این روزنامه‌ها نباید به زبان آلمانی انتشار یابند.

- سرمایه‌گذاری‌های افراد غیر آلمانی یا تأثیرگذاری آن‌ها در روزنامه‌های آلمانی قانوناً ممنوع است. شرکت‌های انتشاراتی مرتکبین به این امور، بسته و خودشان فوراً از آلمان اخراج می‌گردند.

روزنامه‌هایی که با نفع عمومی مخالف باشند، ممنوع هستند...»

ماده ۲۴: «ما خواهان آزادی همه‌ی فرقه‌های مذهبی در کشور- تا زمانی که دولت و یا اخلاقیات نژاد ژرمن را تهدید نکنند- هستیم....»

ج) مواد ۱، ۹ و ۲۱ برنامه‌ی حزب سومکا، در برنامه‌ی حزب نازی (NSDAP) موجود نیست، ولی قسمت آغازی ماده ۱ برنامه‌ی حزب سومکا را می‌توان با همان قسمت از ماده‌ی ۴ برنامه‌ی حزب نازی مقایسه کرد.

ماده بیست و یکم برنامه‌ی حزب سومکا، تشکیل قوای کارگران ملی و خدمت کار وظیفه، نیز بی‌تردید متأثر از آلمان هیتلری بود.(۱)

گذشته از موارد ذکر شده، اقدام دیگری برای انطباق «عددی» برنامه‌ی حزب سومکا با برنامه‌ی حزب نازی صورت پذیرفته بود. بدین معنی که پس از حذف ۶ ماده از

---

۱. در دو اثر زیر به خدمت کار وظیفه در آلمان نازی اشاره شده است. شایرر، پیشین، ج ۱، صص ۴۱۲-۳ و نویمان، پیشین، صص ۹۷ و ۹۹

برنامه‌ی حزب نازی و افزودن ۳ ماده به برنامه‌ی حزب سومکا، تعداد مواد این برنامه ۲۲ ماده می‌شد. احتمالاً به منظور منطبق ساختن تعداد مواد برنامه‌ی حزب سومکا با برنامه‌ی حزب نازی، مواد ۶، ۲۰ و ۲۳ برنامه‌ی اخیرالذکر در «نسخه‌ی فارسی‌اش» هر یک به دو ماده تقسیم شد (به ترتیب مواد شماره ۲ و ۴، ۱۷، ۱۸، ۲۲ و ۲۳ برنامه حزب سومکا). بنابراین ظاهراً حزب سومکا تعمداً در نظر داشت که وابستگی و تعلق خاطر خود را به حزب نازی نشان داده و ادامه‌دهنده‌ی آن راه باشد.

۲ـ ضدیت با دموکراسی و نظام پارلمانی[1]

ضدیت با دمکراسی و نظام پارلمانی، که از مشخصه‌های بارز رژیم‌های فاشیستی است، به وضوح در آرا و افکار منشی‌زاده و حزب او دیده می‌شود. همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، ماده ۴ سومکا علناً حکومت پارلمانی را «شیوه‌ی پوسیده و فاسد» می‌خواند هم‌چنین در پیام منشی‌زاده که در نخستین شماره‌ی «سومکا» چاپ شد آمده است:

«ما برای این قد علم کرده‌ایم تا مضار رژیم انتخاباتی یعنی فئودالیسم جدید و ملوک الطوایفی مدرن را بی‌مهابا به ملت خودگوشزدکنیم، بر ضد آن بجنگیم و در نبرد آشتی ناپذیری جان بر کف دست، با خون خود بازی کنیم.»[2]

تعابیری از این دست در هفته نامه‌ی سومکا مکرراً به چشم می‌خورد.[3] خانه‌ی ملت، مجلس، «قهوه‌خانه‌ی سیاسی بهارستان» نامیده شده و گاه حتی با تعابیری زشت از آن یاد شده است.[4] اعضای احزاب طرفدار دموکراسی نیز گاه «گاوان دموکراسی»

---

۱. نکته‌ای که ذکر آن در این جا ضروری به نظر می‌رسد آن که در اثبات وام‌گیری ایدئولوژیکی سومکا از حزب نازی و افکار فاشیستی، موارد و شواهدی برای نمونه ذکر می‌گردد و از این دست شواهد و نشانه‌ها در آثار سومکا فراوان به چشم می‌خورد.

۲. «پیام رهبر حزب»، **سومکا**، س ۱، ش ۱(۱۳۳۱/۴/۱۴)، صص ۱ و ۴

۳. برای نمونه بنگرید به: «نهضت ما در برابر دموکراسی»، **سومکا**، س ۱، ش ۲ (۱۳۳۱/۴/۲۳)، صص ۱ و ۴

۴. «آمدن روحی بهانه زد و خورد شد. قهوه‌خانه‌ی سیاسی، تبدیل به طویله‌ی سیاسی شد» به نقل از: «خبرهای کشور». **سومکا**، س ۱، ش ۳۸ (۱۳۳۲/۲/۲۳)، ص ۲

خوانده شده‌اند.[۱]

داریوش همایون نیز در مقاله‌ای، «نابودی» را سرنوشت محتوم دموکراسی دانسته و می‌نویسد:

«اگر تاکنون نخواسته‌ایم دست به اقدامات بسیار شدیدی که در قدرت ما هست بزنیم، اگر تاکنون از استفاده از همه‌ی وسایل خشونت‌آمیز و قاطعی که در اختیار ما بوده است، چشم پوشیده‌ایم به خاطر آن بوده است که به این سیر تدریجی و حتمی تاریخ ایمان داریم که دموکراسی را در گور خود دفن خواهد کرد و ناسیونال سوسیالیسم را بر سرنوشت ملت خدایی ایران تسلط خواهد بخشید.»[۲]

چندی بعد، مراجعه به آرای عمومی برای انحلال مجلس، موجی از خشنودی را در سومکا برانگیخت. سومکا نوشت:

«با اجرای رفراندوم، ملت ما عملاً عدم اعتماد خود را بر رژیم پارلمانی ابراز خواهد کرد. برای نخستین بار به طور رسمی «نمایندگان» مجلس در مسائل جاری کشوری کنار گذاشته می‌شوند... این در حکم پایان دادن به دوره‌ی پنجاه ساله‌ی اخیر تاریخ ایران است. خصوصاً که بدون تردید این سیر متوقف نخواهد شد.»[۳]

۳ـ ناسیونالیسم افراطی:

گرایش به ناسیونالیسم افراطی و نژادپرستی از مشخصه‌های حزب سومکا است که مختصراً به آرای حزب سومکا درباره‌ی مؤلفه‌هایی که برای ملت برشمرده‌اند، اشاره می‌گردد.

---

۱. «ما حزب خیابانی هم نیستیم». **سومکا**، س ۱، ش ۴ (۱۳۳۱/۵/۶)، ص ۲

۲. داریوش همایون، «حزب ما در جریانات اخیر». **سومکا**، س ۱، ش ۳۱ (۱۳۳۱/۱۲/۱۸)، ص ۳

۳. «مراجعه به آرای عمومی؛ رفراندوم آخرین و کامل‌ترین روش در حکومت ملی». **شیر شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۲، ش ۴۷ (۱۳۳۲/۵/۷)، ص ۱

ـ نژاد

از منظر این حزب افراد هم‌نژاد و هم‌خون پایه‌گذاران ملت را تشکیل می‌دهند و بقای قومیت به خصایص نژادی هر قوم وابسته است. نژادهای بشری، گرچه هر یک استعدادهای مخصوص به خود را دارا می‌باشند، اما برخی از آن‌ها دارای «خواص ارثی عالی‌تری» هستند. در بین این نژادها، نژاد سفید را مستعد کارهای فکری و هنری دانسته و معتقد بودند که در بین نژاد سفید «*آریاها* استعداد بیشتری برای کار آفریننده و تشکیلات فرهنگی و ایجاد تمدن دارند».

طرح این گونه مباحث سبب می‌شد که سومکا نژادهای بشری را به نژادهای آفریننده (قوی) و مقلد (ضعیف) تقسیم کند و برای زنده نگه‌داشتن «پایه‌ی خونی ملت» می‌گوید که باید از «اختلاط با اقوام ضعیف ممانعت» شود تا بتوان نژادی قوی را سامان داده و «چراغ تمدن را به نیروی ذاتی فرهنگی، در میان نژادهای ضعیف اطراف خود» برافروخت.[۱] به زعم منشی‌زاده، آگاهی ایرانیان بر تفوق نژادی خود بر نژاد «انیران‌های سامی» به دوران هخامنشی و تصرف مصر باز می‌گردد.[۲] تمایلات نژادپرستانه‌ی منشی‌زاده به این جا محدود نشده، گذشته از تصفیه‌ی نژادی، دم از اصلاح نژاد می‌زند:

> «اگر امروز برای بقای این نژاد، دست به [ایجاد] قوانین اساسی نزنیم و برای تقویت خون برادران و خواهران خود، برای صحت خون فرزندان خود، به وسایل عمدی و مصنوعی متشبث نشویم و از شاخه‌های ضعیف خودرو جلوگیری نکنیم، علف‌های هرز، گل‌های باغ ما را پوشیده و عن‌قریب از درختان بارور اثری و ثمری باقی نخواهد ماند؛ برای این است که ما تعقیم (سترون ساختن) عناصر نامناسب را قانون کشور قرار داده، معاینات طبی را در زناشویی واجب می‌شمریم».[۳]

این نشانه‌های بارز، تأکیدی بر نژادپرستی افراطی[۴] و هم‌چنین بیانگر تأثیری است

---

۱. «در برنامه سومکا». **سومکا**، س ۱، ش ۴ (۱۳۳۱/۵/۶)، صص ۱ـ۲

۲. داوود منشی‌زاده، ***پیکار با اهرمن***، انتشارات فرهنگ سومکا، چاپ دوم، تهران ۱۳۳۲، چاپ دوم، ص ۷

۳. پیشین، ص ۸

۴. سومکا نیز اندیشه‌ی ناسیونال سوسیالیسم را «توأم با راسیسم» معرفی کرده است. «با خوانندگان»، **شیر**

که منشی‌زاده از نظریه‌های راسیستی و قوانین مربوط به «تطهیر خون» در آلمان نازی، پذیرفته است.[۱] تأثیراتی که به حزب سومکا منتقل شد و ارگان حزب در شماره‌هایی به شرح آن پرداخت[۲] و در واقع «نژاد و خون» را مهم‌ترین عامل در تعیین سرنوشت یک ملت می‌دانست و حتی منشی‌زاده، هدف حزب را قبولاندن مقدّم بودن اهمیت خون و نژاد در مقابل عواملی چون آب و هوا، سرزمین و سنت سیاسی در تعیین سرنوشت ملت بیان می‌کرد.[۳]

- سرزمین

سومکا با اصطلاح «نیاخاک» به تبیین محدوده‌ی جغرافیایی، به عنوان عامل مهم پدیدآورنده‌ی ملت، پرداخته است. منشی‌زاده در تعریف «نیاخاک» می‌نویسد:

> «نیاخاک سرزمین اجداد ماست....نیاخاک میهن نیست. نیاخاک زادگاه نیست. نیاخاک آن خاکیست که مجموعه‌ی تمام سنت‌های قومی در آن تظاهر کرده و می‌کنند.»[۴]

در میان محدوده و وسعت «نیاخاک»، منشی‌زاده اعتقاد دارد که «نیاخاک بزرگ ما، ایران بزرگ است، آن‌جا که تیره‌های ایرانی آریایی در آن پخش و پراکنده می‌باشند...».[۵]

← **شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۲، ش ۴۴ (۱۳۳۲/۴/۱۰)، ص ۳

۱. بنگرید به سند شماره‌ی ۱ از مجموعه‌ی حاضر

۲. برای مثال به نمونه‌های زیر اشاره می‌شود.

«...ما می‌خواهیم پایه‌ی خونی ملت خود را زنده نگاهداریم و از اختلاط با اقوام ضعیف ممانعت کنیم...». «در برنامه سومکا». سومکا، س ۱، ش ۴ (۱۳۳۱/۵/۶)، ص ۲؛ «...ما می‌خواهیم با اتخاذ تدابیری از اصالت نژادی تا حد امکان دفاع کنیم و وسیله‌ی تقویت عامل اصیل نژادی را در میان ملت فراهم نماییم». «با خوانندگان»، **سومکا**، س ۲، ش ۵۲ (۱۳۳۲/۶/۱۲)، ص ۳؛ «...ازدواج زن یا مرد ایرانی با عناصر غیرآریایی علاوه بر بطلان، منجر به مجازات زن و مرد خطاکار، آن هم محرومیت از حقوق اجتماعی، می‌شود». «در برنامه سومکا»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۵ (۱۳۳۱/۱۰/۷)، ص ۲

۳. داوود منشی‌زاده، خطابه‌های رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران از تاریخ آبان ماه ۱۳۳۰ تا اسفند ۱۳۳۰، انتشارات فرهنگ سومکا (سری یکم، دفتر چهارم) تهران ص ۲۲ (= ضمیمه‌ی شماره‌ی ۵ کتاب حاضر، سخنرانی مورخ ۱۳۳۰/۱۰/۲۶)

۴. منشی‌زاده، ***پیکار با اهرمن***، ص ۳۳

۵. پیشین. هم‌چنین بنگرید به: «در برنامه سومکا». **سومکا**، س ۱، ش ۳ (۱۳۳۱/۴/۳۰)، صص ۱-۲

براساس این تعریف، به نظر می‌رسد مفهوم «نیاخاک بزرگ» به یک محدوده‌ی مکانی بزرگ‌تر از فلات ایران[۱] اطلاق شده است. در جای دیگر، منشی‌زاده محدوده‌ی «خاک» را این‌گونه مشخص کرده است:

«این خاک نه همین لکه‌ی جغرافیایی است که بر روی نقشه‌های آسیا می‌بینید! این خاک، تا آن‌جا از آن ماست که نیزه‌داران ایرانی از نیزه‌های خود پرچین ساخته،... خواه در سغدیان و هندوکش، خواه در جلگه‌های ساحل دجله، خواه در دره‌ی سند، خواه در کوهستان قفقاز».[۲]

ـ مذهب

از دیگر عوامل یاد شده در تشکیل مفهوم ملت و ناسیونالیسم، مذهب است.

با توجه به جنبه‌های نژادپرستی افراطی و باستانگرایی ناسیونالیسم سومکا و نیز مخالفت دین اسلام با این‌گونه نظریه‌های نژادپرستانه، حزب نمی‌توانست با مدد گرفتن از این دین الهی به یاری نظریه‌ها و اقدام‌های خود بپردازد.

به مواضع سومکا نسبت به دین مبین اسلام در قسمت‌های بعد اشاره می‌شود.

ـ زبان

در خصوص این عامل، سومکا به طور مشخص گفتگو نکرده و اشاره‌ی مختصر منشی‌زاده به مقوله‌ی زبان، بیشتر از منظر مخالفت با خط و زبان عربی و نیز استفاده از واژگان ایرانی و واژه‌سازی بوده است.[۳]

۴ـ نظام حکومتی

تصویر ارائه شده از حکومت مطلوب سومکا، نشانگر تأثیر مستقیم دیگری است که

---

۱. البته سومکایی‌ها اصطلاح «فلات ایران» را یک «اصطلاح موهوم جغرافیایی» می‌دانستند. ر.ک: «با خوانندگان»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۲ (۱۳۳۱/۹/۶)، ص ۴

۲. منشی‌زاده، ***پیکار با اهرمن***، ص ۶.

۳. ر.ک: سند شماره‌ی ۱ از مجموعه‌ی حاضر

این حزب از حزب نازی و حکومت رایش سوم پذیرفته است. دکتر بشیریه در این زمینه می‌نویسد:

«ایـدئولوژی سیاسی نازیسم آشکارا در مقابل دموکراسی (و بلشویسم) جبهه‌گیری می‌کرد و دولت مبتنی بر رهبری (Führestaat) را در مقابل نظام پارلمانی و لیبرالی به عنوان تنها رژیمی تلقی می‌کرد که در آن مردم و رهبری می‌توانند به وحدت کامل برسند.»[۱]

حکومت آرمانی در اندیشه‌ی حزب سومکا نیز «حکومت حزب اکثریت» معرفی شده[۲] که در آن رهبر حزب، پایه‌ی روش حکومتی محسوب می‌گردد[۳] و «مستقیماً و بی‌واسطه و با مسوولیت و اختیار مطلق به اداره و رهبری جریانات می‌پردازد...».[۴]

۵ـ نخبه‌گرایی

از مواردی که در ایدئولوژی سیاسی سومکا تبلیغ می‌شد مسئله‌ی نخبه‌گرایی بود.[۵] منشی‌زاده معتقد بود که قانونی طبیعی بر جوامع حاکم است که بر مبنای آن قسمت اصلی اداره‌ی ساختمان جامعه به دست عموم افراد جامعه نیست و این قدرت دستیابی به سرنوشت، در دست «الیت»[۶] آن جامعه است. «این الیت را گاهی نجبای قومی تشکیل می‌دهند[:] نجبای حقیقی، نجبای شمشیر، نجبای کار، نجبای فعالیت سیاسی؛ انحطاط این نجبا... در مسیر طبیعی خود، اعیان و اشراف‌اند...» که باید از بین بروند. وی سپس اضافه می‌کند که: «ما در برابر مأموریت تاریخی قوم خود، مسؤولیت تام و کامل داریم [تا] با «خلق و ایجاد» نجبای تازه، نجبای کار... از میان ملت... سرنوشت ملت

---

۱. بشیریه، پیشین، ص ۳۲۳

۲. «با خوانندگان»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۵ (۱۳۳۱/۱۰/۷)، ص ۳

۳. «با خوانندگان»، سومکا، س ۲، ش ۵۴ (۱۳۳۲/۶/۲۵)، ص ۳.

۴. «دموکراسی و رژیم رهبری». **سومکا**، س ۱، ش ۲۳ (۱۳۳۱/۹/۱۶)، ص ۱

۵. در خصوص نخبه‌گرایی بنگرید به: ویلفورد، پیشین، صص ۲۷۲ـ ۲۷۶؛ شوارتس منتل، پیشین، صص ۸۷-۱۴۱

۶. Elite.

را...در دست بگیریم». [۱]

۶ـ قدرت پرستی

اندیشمندان سومکا، به دنیا به منزله‌ی صحنه‌ی کارزار می‌نگریستند و از این رو بدیهی است که ستایش قدرت، جایی برای خود در برنامه‌ی حزب باز کرده باشد. از دیدگاه سومکا قدرت دارای سه نمود فکری، عملی و اخلاقی است که هر سه‌ی این تظاهرهای قدرت، ستودنی است. [۲]

در آثار باقی مانده از این حزب، مسئله‌ی ستایش قدرت، فراوان به چشم می‌خورد. آنان خود را جنگاوران فطری و «ستایندگان دائمی روحیه‌ی پهلوانی و قهرمانی» می‌نامیدند [۳] و کسی را مرد می‌دانستند که «اراده‌ی قدرت» داشته باشد. [۴]

۷ـ شباهت‌های دیگر

وام‌گیری‌های ایدئولوژیک سومکا از حزب نازی و افکار فاشیستی، به موارد ذکرشده محدود نمی‌شود. این شباهت‌ها در خصلت‌های ضد لیبرالیسم، بلشویسم و سرمایه‌داری، جنگ‌طلبی، نظامی‌گری و عمل‌گرایی نیز به چشم می‌خورد؛ اما برای

---

۱. داوود منشی‌زاده، «ما چرا ادعای رهبری سیاسی این ملت را داریم؟». **شیر شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۱، ش ۴۱ (۱۳۳۲/۳/۲۰)، ص ۱؛ در جایی دیگر مطرح شده است که «تنها الیت حق خواستن دارد». **همشاگردی**، (۱۳۳۵/۱۰/۱۵)، ص ۱

در نوشته‌ای دیگر از منشی‌زاده نیز که حدود یک دهه پس از مقاله‌ی یاد شده نوشته شده است، می‌توان به روشنی این اعتقاد را مشاهده کرد: «اجرام ملت‌ها، توده‌های مردم، هرگز به خودی خود صاحب عقیده نیستند. عقیده بایستی از بالا به وسیله برگزیدگان ملت، به وسیله‌ی «الیت» ملت، در دل و مغز مردم تزریق شود...». (داوود منشی‌زاده، «ما شرافت ملی را زیر پا گذاشته‌ایم»، ***دیپلمات***، ش ۴۰۳ (۱۳۴۱/۴/۶)، به نقل از: **سوگند** (پیکار نامه جوانان سوسیالیست ملی نهضت ملی ایران در اروپا)، س ۲، ش ۲ (تیر ۱۳۴۱)، ص ۱

۲. ر.ک: برنامه حزب سوسیالیست...، پایه‌های ایدئولوژی، ماده دوم.

۳. «جاوید باد خاطره مردان سی‌ام تیر»، **شیر شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۲، ش ۴۶ (۱۳۳۲/۵/۱)، ص ۱ می‌توان به کار گرفتن فراوان صفت‌های «آهنین» و «پولادین» را برای حزب و اعضای آن، در همین راستا ارزیابی کرد.

۴. همان جا. ماده سوم. هم‌چنین نگاه کنید به: داوود منشی‌زاده، «قدرت مؤجد حق است و حقانیت»، ***سومکا***، س ۱، ش ۷ (۱۳۳۱/۵/۲۸)، صص ۱ و ۴

جلوگیری از طولانی شدن بحث از ذکر آن‌ها در این جا صرف نظر می‌شود.

دیدگاه‌های سومکا

سوسیالیسم ملی چیست؟

سومکا در تبیین این اصطلاح وارداتی، سخن زیادی نگفته و آن‌چه هست، به‌جز لفاظی‌ها و بازی با کلمات، شعار« یک تن برای همه، همه برای یک تن» است. سومکا در پاسخ یکی از خوانندگانش تفاوت «سوسیالیسم ملی» را با انواع «سوسیالیسم» این‌گونه آورده است:

> «باید دانست که اصولاً «سوسیالیسم ملی» سوسیالیسم نیست و این نوعی از اشتباه است[1] که اغلب می‌کنند.
>
> اولاً: کلمه‌ی «سوسیالیسم ملی» قابل تجزیه به دو کلمه‌ی سوسیالیسم و ملی نمی‌باشد. بلکه مفهومی است غیر قابل تجزیه.
>
> ثانیاً: انواع سوسیالیسم نقطه‌ی مقابل «کاپیتالیسم» بوده، هدف آن‌ها برقراری «مساوات اقتصادی» میان مردم است. بنابراین سوسیالیسم یک ایدئولوژی اقتصادی است که «اقتصاد» را پایه‌ی همه پدیده‌های اجتماعی می‌داند. در حالی که سوسیالیسم ملی اصولاً یک ایدئولوژی اقتصادی نیست بلکه یک ایدئولوژی سیاسی است، سوسیالیسم ملی، نقطه‌ی مقابل کاپیتالیسم و سوسیالیسم و «کمونیسم» است. در کاپیتالیسم، به نفع فرد همه چیز فدا می‌شود و به همین دلیل در جامعه‌های سرمایه‌داری کلان، عده‌ی کمی مالک همه چیزند و اکثریت فاقد همه چیز.
>
> در سوسیالیسم و کمونیسم اصولاً حقوق فرد را پایمال می‌کنند و او را مانند چرخ‌های ساعت به ابزار کار تبدیل می‌سازند.
>
> سوسیالیسم ملی، مفهومش در شعار «یک تن برای همه، همه برای یک تن» بیان شده. یعنی، ضمن این‌که ما جامعه را (ملت را) مقدم بر هر کس و هر چیز قرار

---

۱. اصل: اصولاً «سوسیالیسم ملی» نیست و این نوعی از سوسیالیسم اشتباه است.

می‌دهیم و فرد را موظف به فداکاری برای اجتماع می‌دانیم، معتقدیم که باید سرمایه (ملت) نیز هدف خود را تأمین سعادت فرد قرار دهد.
به زبان دیگر، شعار سرمایه‌داری «همه برای یک تن» است و شعار سوسیالیسم و کمونیسم «یک تن برای همه» و شعار ما جامع محاسن این دو و خالی از معایب آن‌هاست.»(۱)

در زمانی دیگر نیز سومکا درباره‌ی ناسیونال سوسیالیسم چنین نگاشته است:

«اگر ناسیونال سوسیالیسم را با سوسیالیسم در کادر ملیت تعریف کنند، مرتکب اشتباه جبران ناپذیری شده‌اند. ناسیونال سوسیالیسم یک کلمه‌ی ترکیبی است اما یک مفهوم ترکیبی نیست و آن‌ها که این نام را برای خود برگزیدند در طی ۱۲ سال نشان دادند که مقصودشان برقراری یک رژیم سوسیالیستی در کادر ملیت نبوده است، بلکه به یک مفهوم مستقلی نظر داشتند.»(۲)

تعریف سومکا از سوسیالیسم ملی یا ناسیونال سوسیالیسم در همین حد مبهم باقی می‌ماند و به غیر از شعار ذکر شده، تعریف مشخصی از این ترکیب ارائه نشده است.(۳) این مسئله در خصوص تعریف سوسیالیسم نیز به چشم می‌خورد. منشی‌زاده در این باره می‌نویسد: «ما به این معنی سوسیالیست‌ایم که مقام هر کس را در خور لیاقت سیاسی او تعیین می‌کنیم نه در برابر ثروت و پول او...».(۴) پرداختن به مسئله‌ی مالکیت خصوصی، برداشت سومکا را از مفهوم سوسیالیسم روشن‌تر نشان می‌دهد.

مالکیت خصوصی

سومکا با توجه به این نکته که «نتیجه‌ی نهایی کار مالک شدن و «داشتن» است»،

---

۱. «با خوانندگان»، **سومکا**، س ۱، ش ۳ (۱۳۳۱/۴/۳۰)، ص ۴
۲. «با خوانندگان»، **سومکا**، س ۱، ش ۵۱ (۱۳۳۲/۶/۶)، ص ۴
۳. در پاسخ به یکی از خوانندگان، سومکا بار دیگر درخصوص این ترکیب بحث کرده است. ر.ک: «با خوانندگان»، **شیر شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۲، ش ۴۶ (۱۳۳۲/۵/۱)، ص ۲. هم‌چنین در برنامه‌ی حزب سومکا آمده است: «ما خود را سوسیالیست ملی می‌خوانیم، زیرا منافع ملی را بر منافع فردی مقدم می‌دانیم...».
۴. داوود منشی‌زاده، «مبدا آموزه‌ی ما ملت است»، **سومکا**، س ۱، ش ۱ (۱۳۳۱/۵/۶)، ص ۴

مالکیت را در «نظام سوسیالیسم ملی... حق مسلم و قطعی افراد» دانسته،[۱] اما این «حق‌مسلم» را تابع شرایطی قرار داده است:

«هر سوسیالیسم حقیقی و واقعی مانند سوسیالیسم ما نسبت به حق مالکیت خصوصی بی‌طرف است. در یک مورد ممکن است این مالکیت [را]- وقتی که این مالکیت زندگی ملت را تأمین کند- به رسمیت بشناسد و در موردی که این مالکیت خطری برای ملت است، آن را محدود سازد».[۲]

این محدودیت بخصوص درباره‌ی مؤسسات و صنایع بزرگ به چشم می‌خورد. سومکا معتقد بود که صنایع سنگین و هرگونه مؤسسات بزرگ باید ملی شود.[۳] گرچه سومکا «در مورد بعضی از کارخانه‌های بزرگ که کاملاً بر وفق مصالح ملت اداره شوند...» مالکیت و اداره‌ی شخصی را پذیرفته بود.[۴] هم‌چنین سومکا در مورد کارگاه‌ها و صنایع کوچک عقیده داشت در صورتی که «سهام کارگران محفوظ بماند و حقوق ایشان کاملاً رعایت شود» نیازی به ملی کردن این گونه صنایع نیست.[۵]

مسئله‌ی مالکیت مشروط، درباره‌ی زمین نیز به چشم می‌خورد. منشی‌زاده معتقد بود که خاک وطن اصولاً نباید خرید و فروش شود و تنها می‌توان آن را «به مقدار معینی برای مدت درازی، چون میراثی به دست پاکی سپرد، اما نمی‌توان فروخت».[۶] به این صورت سومکا نظر داشت که هم‌چون صنایع بزرگ، زمین‌های کشاورزی نیز می‌باید به نوعی «ملی» گردد. این امر نخست با اخذ زمین از مالکین بزرگ و فروش اقساطی آن به خانواده‌های کشاورز صورت می‌پذیرفت.[۷] در مرحله‌ی بعد، در اختیار داشتن زمین توسط برزگران نیز تابع این اصل بود که هدف آن‌ها می‌بایست «نه تنها تأمین منافع

---

۱. «برای کارگران: مسئله‌ی حق مالکیت خصوصی»، **سومکا**، س ۱، ش ۶ (۱۳۳۱/۵/۲۰)، ص ۱

۲. «تنها سوسیالیسم ما سوسیالیسم زنده و حقیقی است.»، **سومکا**، س ۱، ش ۵ (۱۳۳۱/۵/۱۳)، ص ۱

۳. «ملی کردن صنایع بزرگ»، **سومکا**، س ۱، ش ۸ (۱۳۳۱/۶/۶)، صص ۱-۳؛ «برای کارگران: مسئله‌ی حق مالکیت خصوصی»، سومکا، ش ۶، ص ۱

۴. «ملی کردن صنایع بزرگ»، **سومکا**، ش ۸، ص ۳

۵. همان جا

۶. «کشتزارها را به برزگران وامی‌گذاریم»، **سومکا**، س ۱، ش ۷ (۱۳۳۱/۵/۲۸)، ص ۱

۷. پیشین، ص ۲

خصوصی، بلکه افزودن بر ثروت ملت» باشد و دولت «سومکا»یی حق داشت زمین بزرگرانی را که نسبت به مسؤولیت ملی خود بی‌اعتنا باشند ـ مسؤولیتی که به روشنی بیان نشده است ـ گرفته و خود عهده‌دار اداره‌ی آن گردد.[۱]

سومکا به بهانه‌ی آن‌که «خاک وطن در معرض خرید و فروش در نیاید،...[و] حرمت زمین میهن از میان نرود و... در اثر خرید و فروش و تقسیم اراضی، دوباره رژیم خرده مالکی در کام مالکیت بزرگ نیفتد» پیشنهاد می‌کرد که «مالکیت زمین پس از مرگ کشاورز... معمولاً به پسر بزرگ‌تر سپرده» شود تا «او بعداً به‌تدریج سهم فرزندان دیگر را از میراث پدر» بپردازد.[۲] روش پیشنهادی در واقع برداشتی مستقیم از قسمت‌هایی از «قانون مزرعه‌ی موروثی» بود که در ۲۹ سپتامبر سال ۱۹۳۹، در آلمان، تصویب شده بود. طبق این قانون «تمام مزارعی که...(۱۲۵ هکتار) وسعت داشتند...اعلام شد که املاک موروثی و تابع قوانین قدیمی وقف‌اند. این مزارع را نمی‌شد فروخت، تقسیم کرد، گرو گذاشت و یا بابت بدهی، تصرف کرد. پس از مرگ مالک، می‌بایست [زمین] به بزرگ‌ترین یا کوچک‌ترین پسر او، بر طبق رسم محل، یا به نزدیک‌ترین خویشاوند ذکور او، منتقل گردد و وارث موظف بود معاش و مخارج تحصیل برادران و خواهران خود را فراهم کند تا به سن قانونی برسند».[۳]

گذشته از این‌که اجرای این نظر ـ در صورت روی کار آمدن سومکایی‌ها ـ متضمن اجرای عدالت نبود، طرح تغییر قوانین ارث[۴] را می‌توان نوعی معارضه با دین دانست.

حکومت از دیدگاه سومکا

هم‌چنان‌که در صفحات پیش به اختصار بیان شد، سیستم حکومتی مطلوب سومکا، برگرفته از نظام حکومتی آلمان هیتلری بود که بنا به مقتضیات زمان و اوضاع روز، در آن

۱. همان جا

۲. همان جا

۳. ر.ک. شایرر، پیشین، ج ۱، صص ۴۱۷ـ ۴۱۸ و نویمان، پیشین، ص ۴۴۸

۴. ادعا می‌شد این قانون از ثروتمند شدن افراد هم جلوگیری می‌کند. ر.ک: «حقوق کار در نظام ناسیونال سوسیالیست»، **سومکا**، س ۱، ش ۱ (۱۳۳۱/۴/۳۰)، ص ۴

دخل و تصرف می‌شد.

حکومت آرمانی، حکومتی بود که با عبارات «حکومت رهبری» و «حزب شامل ملت» بیان می‌شد. این عبارات برای زمانی، در آینده، به کار می‌رفت که «اکثریت ملت ایران»، رهبر حزب، حکومت، اندیشه و نظام سوسیالیسم ملی را بپذیرند تا «حکومت حزب اکثریت و در واقع حکومت اکثریت ملت» برقرار شود.[۱] در این حکومت رهبر حزب «مستقیماً و بی‌واسطه و با مسوولیت و اختیار مطلق به اداره و رهبری جریانات می‌پردازد»[۲] بدون آنکه نهاد، سازمان یا هر نوع تشکیلاتی بر کار او نظارت یا اشراف داشته باشد.

حکومت از دیدگاه سومکا، نسخه‌ی بزرگ شده‌ی حزب است. هم‌چنان که رهبر حزب، شورایی از مسوولین و فرماندهان حزبی در اختیار دارد که در مواقع لزوم با آن‌ها مشورت می‌کند (و هم‌چنین ادعا می‌شد راه رساندن نظرات هم‌پیمانان به اطلاع رهبر حزب باز است، اما در هر صورت اخذ تصمیم با رهبر حزب است)،[۳] افراد ملت نیز می‌توانند مستقیماً[۴] یا از طریق سازمان‌های حزبی،[۵] به مسوولین و رهبر حزب مراجعه کرده و نظرات خود را اظهار نمایند.

البته سومکا نوعی مراجعه به آرای عمومی را هم پیش‌بینی کرده و آن در زمانی است که قرار است تصمیم‌هایی اخذ شود که از قبل (در برنامه‌ی حزب) به اطلاع آن‌ها نرسیده است.[۶] علی‌رغم همه‌ی مخالفت‌های سومکا با پارلمانتاریسم، نوعی نرمش نسبت به «مجلس» در نظریه‌های- بعدی- سومکا دیده می‌شود. این حزب در پاسخ به یکی از خوانندگان سومکا نوشت: «حزب ما با تشکیلات قانون‌گذاری که به ناچار به صورت

۱. «با خوانندگان»، **سومکا**، ص ۱، ش ۲۵ (۱۳۳۱/۱۰/۷)، ص ۳. نظریه‌های سومکا در خصوص «حزب شامل ملت» بعدها توسط داریوش همایون در پدیداری و توجیه حزب رستاخیز به کار گرفته شد.

۲. «دموکراسی و رژیم رهبری»، سومکا، س ۱، ش ۲۳ (۱۳۳۱/۹/۱۶)، ص ۱. در خصوص اصل رهبری هم‌چنین بنگرید به: اساسنامه حزب سومکا، ص ۲.

۳. اساسنامه حزب **سومکا**، ص ۲.

۴. «دمکراسی و رژیم رهبری»، پیشین، ص ۲

۵. «با خوانندگان»، شیر شرق، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۲، ش ۴۴، (۱۳۳۲/۴/۱۰)، ص ۳

۶. «با خوانندگان»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۵ (۱۳۳۱/۱۰/۷)، ص ۳

مـجالس مـقننه خـواهـد بـود، مـخالفتی نـدارد و در تشکـیلات حکـومتی نـاسیونال سوسیالیسم، مجلس، اگر چه با تغییراتی وجـود خـواهـد داشت...».[۱] ایـن نـرمش در خصوص شرکت در انتخابات و فعالیت‌های انتخاباتی ـ به منزله‌ی یکی از راه‌هایی که به حکومت منتهی می‌شود و نیز به عنوان یک وسیله‌ی تبلیغاتی مؤثر ـ نیز دیده می‌شود.[۲]

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سومکا مجبور شد، دست کم یک بار، از مواضع خود درباره‌ی حکومت رهبری تجدیدنظر کند. دیگر، سخن از این‌که رهبر حزب، رهبر سیاسی[۳] و اختیاردار مطلق حکومت، در میان نبود و وی تـا حـد رئیس دولت تـنزل می‌کرد و وجود «شاه» را در کشور می‌پذیرفت:

«برقراری حکومت سوسیالیسم ملی، مستلزم زیر پاگـذاشـتن و از مـیان بـردن سنت‌های ملی نخواهد بود. سنت‌هایی که مورد احترام و پشتیبانی ما است. ما در شکل حکومت تغییراتی به وجود خواهیم آورد، اما این تغییرات تا آن حد نخواهد بود که مظاهر و سنن ملی را پایمال کند...»[۴]

و شاه نقطه‌ی اتکا و مرکزی دانسته شد که باید حفظ شود

سومکا و اسلام

سومکا در طی دوران اصلی فعالیت خود، هم‌زمان سیاست‌های متفاوتی در مواجهه با مذهب ابراز کرد. در واقع نه تنها آموزه‌ها، مـبانی اعـتقادی و روش‌هـای سـومکا در مواردی با اصول اولیه اسلام در تضاد بود که حتی گاه موضع‌گیری‌های غیر دینی و ضد

---

۱. «با خوانندگان»، **سومکا**، س ۲، ش ۵۲ (۱۳۳۲/۶/۱۲)، ص ۳

۲. همان جا. هم‌چنین پیش از آن سومکا در پاسخ به یکی از خوانندگانش چـنین نـوشته بـود: «هـیتلر و حـزب ناسیونال سوسیالیست [کارگران] آلمان با پارلمانتاریسم مخالف بودند و فقط برای رسیدن به حکومت از آن راه وارد شدند. ما هم اگر این راه را نزدیک‌ترین راه رسیدن به حکومت بدانیم از این راه وارد خواهـیم شـد». «بـا خوانندگان»، **شیر شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۲، ش ۴۴ (۱۳۳۲/۴/۱۰)، ص ۳

۳. منشی‌زاده در اولین شماره‌ی سومکا چنین نوشته بود: «من سوگند یاد کرده‌ام که هیچ شـغل دولتـی نـپذیرم، مگر رهبری سیاسی ملت خودم و تضمین اجرای برنامه‌ی سوسیالیسم ملی را». ر.ک: داوود منشی‌زاده، «ملت ما در مبارزات خود موفق است.»، **سومکا**، س ۱، ش ۱ (۱۳۳۱/۴/۳۰)، ص ۴

۴. «با خوانندگان»، **سومکا**، س ۲، ش ۵۴ (۱۳۳۲/۶/۲۵)، ص ۳

مذهبی از طرف گردانندگان این حزب مشهود بود. به طور کلی این موارد را می‌توان این‌گونه بر شمرد:

۱ـ اندیشه‌های ناسیونالیسم ـ بویژه ناسیونالیسم راسیست سومکا ـ و تأکید بیش از اندازه‌ی این حزب بر نژاد و خون به عنوان عوامل همبستگی، از جمله مواردی بود که سومکا را به دوری از اسلام سوق می‌داد.[۱]

در نوشته‌های منشی‌زاده این مسئله فراوان به چشم می‌خورد:

«اگر آن‌ها می‌خواهند که من خود را به صرف آن‌که دو پا و دو چشم و یک زبان دارم، با آن عرب ساکن ربع خالی، یا بانتوی قاره سیاه یکی بدانم، محال است!».[۲] و یا: ایرانی هایی که «خود را تحت لفافه‌ی مذهب‌های تازه و کهنه به انیران‌ها[۳] بچسبانند... در نظر ما انیرن هستند».[۴]

اسلام مخالف نژادگرایی بوده و آفرینش انسان و پدیدار شدن تمامی انسان‌ها از یک پدر و مادر را می‌توان تأکیدی بر این امر دانست.[۵] هم‌چنین در اسلام خون، ملاک هیچ فضیلتی نیست و تنها ملاک امتیاز، ایمان است.[۶]

۲ـ باستان‌گرایی سومکا و تعظیم و تکریم الهه‌های ایران قبل از اسلام، نیز از مواردی بود که حزب را از اسلام دور می‌کرد.

پیشنهاد ساخت دو محل شبیه معبد ناهید در کرانه‌های دریای خزر و خلیج‌فارس و برگزاری مراسم جشن خزر و جشن خلیج در آن‌ها،[۷] انگاشتن محل‌هایی چون بیستون، نقش رستم، مقبره‌ی داریوش و کوروش، معبد ناهید در کنگاور، آپادانا و آتشکده‌های بزرگ ایران به عنوان مکان‌های مقدس ملی و احترام به آن‌ها، پیشنهاد ساخت بزرگ‌ترین

---

۱. درباره‌ی شواهد و دلایل مخالفت ناسیونالیسم و اسلام. ر.ک: پاورقی شماره‌ی ۱، صفحه‌ی ۵۲
۲. منشی‌زاده، پیکار با اهرمن، ص ۷
۳. غیر ایرانی‌ها
۴. همان جا
۵. ر.ک: نقوی، پیشین، ص ۱۲۶
۶. قرآن کریم، سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۳
۷. منشی‌زاده، نبرد با اهرمن، ص ۳۸

معبد ملی ایران در پای کوه بیستون،[۱] مقدس انگاشتن آب و درخت و جنگل و پیشنهاد برگزاری «نماز ملی قومی» در جنگل به خاطر قداستش،[۲] به جا آوردن مراسم سوگند حزبی در کنار آتش-[۳] سوگندی که فاقد جنبه‌ی مذهبی است و در آن خاک و شرافت فردی و خانوادگی، جای مقدسات را گرفته است-[۴] را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد.

۳- تمسخر مراسم مذهبی و اهانت به آن‌ها- که قسمتی از آن ریشه در ناسیونالیسم باستان‌گرای دوره‌ی رضاشاه داشت- نیز در آثار منشی‌زاده دیده می‌شود. برای نمونه اشک‌هایی که در مرثیه خوانی و روضه خوانی‌ها ریخته می‌شود هیچ انگاشته شده،[۵] حتی به نظر منشی‌زاده سوگواری‌ها باید برای قهرمانان حماسی- اساطیری ایران برگزار گردد نه اشخاص دیگر.[۶] به نظر می‌رسد در این گفتار، منشی‌زاده، اعتقادات و علایق شیعیان را نفی کرده و دلیلی است بر تلاش وی برای دین‌زدایی از زندگی اجتماعی مردم.

۴- اهانت به روحانیت. در مواردی سومکا جریان‌های روز را بهانه‌ی حمله به روحانیت قرار می‌داد و به این ترتیب موجبات وهن مذهب و مذهبی‌ها را فراهم می‌آورد. برای نمونه در موردی، حزب سومکا مرکز «مبارزه با بالشویسم و آخوندبازی و سناتورسازی» خوانده شده است.[۷]

---

۱. پیشین، ص ۴۹

۲. پیشین، ص ۳۱

۳. پیشین، ص ۲۸

۴. ر. ک: اساسنامه حزب...، سوگند حزبی. هم‌چنین به کاربردن واژه‌ها و عباراتی چون «خدایان کینه توز اساطیر»، (منشی‌زاده، خطابه‌های رهبر حزب...، ص ۲۱) و «محراب خداوندان آزمایشگر»، (پیشین، ص ۱۷) توسط منشی‌زاده می‌تواند ناشی از تأثیرات تکریم الهه‌های ایران قبل از اسلام باشد.

۵. منشی‌زاده، پیکار با اهرمن، ص ۱۰. هم‌چنین بنگرید به: «برای زنان ایرانی بال شکسته جامعه ایرانی»، **سومکا**، س ۱، ش ۱ (۱۳۳۱/۴/۱۴)، ص ۲.

۶. پیشین، ص ۱۵

۷. «دروغ‌هایی که خودشان هم باور ندارند»، **سومکا**، س ۱، ش ۱۰ (۱۳۳۱/۶/۱۷)، ص ۱. برای موارد دیگر بنگرید به:

- «خبرهای کشور»، **سومکا**، س ۱، ش ۱۶ (۱۳۳۱/۷/۲۶)، ص ۲.
- «خبرگزاری سومکا خبر می‌دهد»، سومکا، س ۱، ش ۱۷(۱۳۳۱/۸/۱)، ص ۲.

←

سومکا، حتی پس از کودتای ۲۸ مرداد و کم شدن فعالیت‌ها و از دست دادن اعضای اصلی و کلیدی‌اش، دست از مخالفت با روحانیون برنداشت. در موردی، در واکنش به پیشنهاد ایراد موعظه‌ی اشخاص روحانی «راجع به یکی از اصول اخلاق و خداشناسی» قبل از رسمیت یافتن جلسات مجالس شورای ملی و سنا، مطلبی با عنوان «مبارزه با فساد» در بولتن سومکا چاپ شده که در آن، به روشنی، روحانیت مورد اهانت واقع شده بود و برای انجام این منظور سومکا از سفسطه، عوام‌فریبی و دروغ‌گویی استفاده کرده بود.(۱)

→ - «اعلامیه گروه ایران فرزندان»، سومکا، س ۱، ش ۱۹ (۱۳۳۱/۸/۱۵)، ص ۴.
- «دروغ‌هایی که خودشان هم باور ندارند»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۶ (۱۳۳۱/۱۰/۱۴)، ص ۲.
- «دروغ‌هایی که خودشان هم باور ندارند»، **سومکا**، س ۲، ش ۵۲ (۱۳۳۲/۶/۱۲)، ص ۱.
هم‌چنین بنگرید به: مبحث بعدی، سومکا و زنان.

۱. در قسمتی از مقاله‌ی مورد بحث- سند شماره‌ی ۲۳۷- درباره‌ی حافظ گفته شده است: «دل او هم از دست همین موعظه‌ی شخص روحانی خون بوده...مثل این‌که از خیلی پیشتر از او «روحانیت» و «منافق بودن» با هم توأم بوده‌اند.»
نگارنده هر چند خود را آگاه در مبحث «حافظ‌شناسی» نمی‌داند، ولی به این نکته اشاره می‌نماید که به نظر می‌رسد حافظ از به کار بردن واژه‌ی «واعظ» گروهی را در نظر داشته که عامل به گفتار خویش نیستند و در واقع واعظ غیر متعظ است که مورد خشم و عتاب و نکوهش حافظ قرار گرفته، نه روحانیت به معنای عام.
قس: زاهد و صوفی و عارف همه طفلان رهند   مرد اگر هست بجز عالم ربانی نیست
(سعدی)

و برای آگاهی بیشتر در خصوص تصویر واعظ در دیوان حافظ بنگرید به:
بهاءالدین خرمشاهی، ***حافظ‌نامه***، شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ. جلد اول، شرکت انتشارات علمی و انتشارات سروش، تهران ۱۳۶۶، صص ۳۶۵- ۳۶۹؛ رکن‌الدین همایون‌فرخ، ***حافظ خراباتی***، تهران، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۹، چاپ دوم، جلد سوم، صص ۱۶۰۸- ۱۶۰۹ و ۲۰۷۲- ۲۰۸۰ و ۲۲۷۲؛ ابوالحسن عبدالرحمان ختمی لاهوری، ***شرح عرفانی غزل‌های حافظ***، تصحیح و تعلیقات: بهاءالدین خرمشاهی، کورش منصوری و حسین مطیعی امین. نشره قطره، تهران ۱۳۷۴، صص ۱۴۵۹- ۱۴۶۰ و ۱۶۰۷- ۱۶۰۲؛ محمد سودی بسنوی، ***شرح سودی بر حافظ***، ترجمه‌ی دکتر عصمت ستارزاده، ارومیه، انتشارات انزلی، ارومیه ۱۳۶۲، چاپ چهارم، صص ۱۱۵۸- ۱۱۶۳
از طرف دیگر حافظ در مواردی- با سختگیری بسیار- دین‌داری خود را نیز کامل ندانسته و بر خود خرده گرفته و بدین‌سان خرده‌گیری او بر دیگری- آن هم واعظ غیر متعظ- امری عجیب نیست.
ادعای کلی دیگری که در همان جا آمده است («روحانیت» دولت‌های جهان را واژگون کرد...دولت هخامنشی، دولت ساسانی، دولت صفوی...») نیز عاری از واقعیت است. در سقوط هر یک از سه سلسله‌ی یاد شده، تنها یک ←

مسئله‌ی دیگر تغییر موضع سومکا نسبت به مذهب به منظور بهره‌برداری ابزاری و سیاسی از آن است که در برنامه‌های این حزب مشاهده می‌شود.

نسخه‌ی دوم برنامه، در بردارنده‌ی چند ماده است که در آن به مسئله‌ی مذهب و بخصوص حمایت از دین اسلام اشاره دارد:

«ماده ۲۷: آزادی کامل مذهب و وجدان.

ماده ۲۸: حمایت مخصوص از مذهب اسلام.

ماده ۲۹: مبارزه با مذاهب و فرقی که مخالف نوامیس ملی ایران باشند».[۱]

با توجه به این که در برنامه‌های بعدی (نسخه‌های سوم و چهارم برنامه) این ماده‌ها حذف شده‌اند، تغییر نگرش سومکا نسبت به مذهب در فاصله‌ی کوتاه بین این برنامه‌ها به چشم می‌خورد. با در نظر گرفتن این نکته که ظاهراً نسخه‌های اول تا سوم برنامه توسط دکتر امیر مکری تنظیم شده بود،[۲] به نظر می‌رسد تغییرات مورد اشاره، به‌وسیله‌ی دکتر منشی‌زاده اعمال شده باشد.

برخلاف نمونه‌های یاد شده، سیاست سومکا بر این اصل قرار گرفته بود که رهبر[۳] و اعضای حزب[۴] را مسلمانانی معرفی نماید که از دین اسلام حمایت می‌کنند[۵] و اجازه نمی‌دهند اعمال مخالف مذهب اسلام در حزب انجام گیرد.[۶]

مسئله‌ی دیگر که روشن کننده‌ی کوشش آگاهانه سومکا برای پنهان کردن اختلافات ایدئولوژیکی حزب با دین اسلام می‌باشد، در برنامه‌ای که از این حزب در شهر مشهد

← عامل- آن هم روحانیون- وجود ندارد و مورخان سقوط هر یک از آن‌ها را تابع یک رشته عوامل و اتفاقات داخلی و خارجی می‌دانند که برای احتراز از اطاله‌ی کلام، دلایل متعدد آن در این جا ذکر نمی‌شوند.

۱. ر.ک. ضمیمه‌ی شماره‌ی ۲

۲. در قسمتی از اعلامیه انشعاب آمده است که «ضمناً به اطلاع آقایان کتابفروش‌ها و صاحبان مطابع می‌رساند که چاپ و انتشار کتاب برنامه حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران، نگارش این‌جانب، بدون اجازه ممنوع و متخلف در محاکم صالحه تعقیب خواهد شد... منوچهر امیر مکری»، ***کیهان***، ۱۳۳۱/۱/۲۵

۳. «با خوانندگان»، سومکا، س ۱، ش ۲۰ (۱۳۳۱/۸/۲۲)، ص ۴.

۴. «با خوانندگان»، ***سومکا***، س ۱، ش ۵ (۱۳۳۱/۵/۱۳)، ص ۴؛ «با خوانندگان»، ***سومکا***، س ۱، ش ۶ (۱۳۳۱/۵/۲۰)، ص ۴

۵. «با خوانندگان»، ***سومکا***، س ۱، ش ۶ (۱۳۳۱/۵/۲۰)، ص ۴

۶. «با خوانندگان»، ***سومکا***، س ۱، ش ۲۶ (۱۳۳۱/۱۰/۱۴)، ص ۴.

مطرح شده [= نسخه‌ی ششم برنامه] به چشم می‌خورد. هم‌چنان که در آغاز این فصل آورده شد، این برنامه با اختلاف زمانی اندک، با چاپ دوم برنامه [= نسخه‌ی چهارم] ارائه شده است، اما از آن‌جا که حزب در تلاش تشکیل پایگاه در شهر مشهد است قسمت‌هایی از نسخه‌ی دوم برنامه، به عنوان برنامه‌ی حزب مطرح گردید؛ نسخه‌ای که دربردارنده‌ی ماده‌های اشاره شده بود.

به هر روی سومکا، دین را امری فردی معرفی می‌کرد[۱] که «برای ترقی و پیشرفت یک جامعه‌ی بشری درست شده، اما نباید آن را سلاح مبارزات سیاسی» قرار داد.[۲]

سومکا و زنان

نظر به این که زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، اغلب احزاب هم دوره‌ی سومکا به روش‌های مختلف سعی در جلب نظر و در نتیجه جذب آن‌ها به حزب خود داشتند.

هر چند در نخستین اثر حزبی، مسائل مربوط به زنان، مورد بحث و بررسی جدی قرار نگرفت، ولی به دلیل نیاز و سیاست حزب برای جذب دختران و زنان، در سخنرانی‌ها و نوشته‌های بعدی، نویسندگان و سخنرانان از پرداختن به مسائل آنان غافل نماندند. منشی‌زاده در یکی از سخنرانی‌هایش به نقشی که زنان به‌ویژه در جنگ جهانی دوم بر عهده گرفتند و ثابت کردند که «از نیروی زنان می‌توان در همه‌ی جهات به نفع ملت استفاده کرد» اشاره کرده و نتیجه می‌گیرد که پیش از آن چقدر «نیروی ملت‌ها به هدر می‌رفته» و در تأیید این نکته گفته است که علی رغم تفاوت‌های فیزیولوژیکی و استعداد بین زنان و مردان، «هر یک در محل مورد استفاده خود می‌توانند نوابغی باشند».[۳] به همین دلیل سومکا معتقد بود که باید از «نیروی بدنی و فکری زنان در

---

۱. «با خوانندگان»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۰ (۱۳۳۱/۸/۲۲)، ص ۴

۲. داوود منشی‌زاده، «پیمان من وفاست تا آخرین نفس»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۹ (۱۳۳۱/۱۱/۲۰)، ص ۱. به نظر می‌رسد منشی‌زاده از طرح این گونه مباحث، جدایی دین از سیاست را در نظر داشت.

۳. داوود منشی‌زاده، «زن در اجتماع ناسیونال سوسیالیست»، (متن سخنرانی در تاریخ ۱۳۳۰/۱۲/۱۵)، **سومکا**، س ۱، ش ۲ (۱۳۳۱/۴/۲۳)، ص ۲

همه‌ی امور ممکن استفاده شود».[۱] در این صورت است که زنان از طرفی با مشارکت در امور تولیدی می‌توانند بر ثروت خانواده‌ها بیافزایند[۲] و از طرف دیگر، در کارهای اجتماعی و خدمت‌های ملی مفید واقع شوند.[۳]

از دیگر مباحث مربوط به زنان، که سومکا به آن پرداخته، موضوع شرکت در انتخابات است. در موارد متعدد سومکا اعلام کرد که «ما با مشارکت زنان در انتخابات و در هر امر اجتماعی دیگری موافقیم».[۴] با توجه به مخالفت ریشه‌ای سومکا با دموکراسی و پارلمانتاریسم[۵] چنین بر می‌آید که طرح این مسئله از یک سو جنبه‌ی تبلیغاتی داشته و سومکا بر آن بوده تا از آن برای جذب زنان به حزب استفاده کند و از طرف دیگر به مشکلات دولت دامن زند و هم‌چنین دستاویزی برای حمله به روحانیت[۶] و وهن مذهب در اختیار داشته باشد.

از موارد دیگری که سومکا به آن پرداخت، مسئله‌ی حجاب بود. سومکا علی‌رغم مخالفت ضمنی با تبعات کشف حجاب- رواج مدپرستی و فرنگی‌مآبی-[۷] خود نیز

۱. «با خوانندگان»، ***سومکا***، س ۱، ش ۲۷ (۱۳۳۱/۱۰/۲۱)، صص ۳-۴

۲. «برای زنان خواب خطرناکی دیده‌اند»، ***سومکا***، س ۱، ش ۷ (۱۳۳۱/۵/۲۸)، ص ۴؛ از دیدگاه سومکا، زنان باید به کارهایی بپردازند که مردان با پرداختن به آن نیروی عضلات خویش را هدر می‌دهند: «آن‌چه در بافندگی‌ها به صورت صنعتی انجام می‌گیرد، نباید بچه‌های خردسال و مردان درشت بازو را مشغول سازد. باید منحصر به زنان بیکار و سررشته‌داران و استادان باشد. ما بازوی مردان را برای صنایع سنگین‌تری به کار می‌اندازیم:... در کارخانه‌ها به عضلات سخت احتیاج داریم. گره یک پشم را انگشتان نازک زنی نیز می‌توانند بزنند.» منشی‌زاده، ***پیکار با اهرمن***، ص ۱۵

۳. «با خوانندگان»، ***سومکا***، س ۱، ش ۲۶ (۱۳۳۱/۱۰/۱۴)، ص ۴

۴. «با خوانندگان»، ***سومکا***، س ۱، ش ۲۷ (۱۳۳۱/۱۰/۲۱)، صص ۳-۴. نیز بنگرید به: فردوس لادبن، «مبارزه زنان ادامه دارد»، ***سومکا***، س ۱، ش ۲۸ (۱۳۳۱/۱۰/۲۸)، صص ۱-۲

۵. فردوس لادبن فرمانده‌ی گروه زنان و گنجور سومکا در یکی از سخنرانی‌هایی که درباره‌ی لزوم دادن حق رأی به زنان ایراد کرد، به این نکته اشاره کرده و گفته بود: «گرچه ما اصولاً پارلمانتاریست نیستیم، ولی چون می‌خواهیم زنان جامعه نیز چون مردان در مبارزات حیاتی ملت خود شریک باشند...طرفدار تساوی حقوق سیاسی زنان و مردان هستیم...از طرف دیگر ما آرای مستقیم همگانی ملت را یکی از پایه‌های حکومت «اصل رهبری» می‌دانیم، بنابراین می‌خواهیم به زنان حق رأی داده شود». «خبرگزاری ***سومکا*** خبر می‌دهد»، سومکا، س ۱، ش ۲۶ (۱۳۳۱/۱۰/۱۴)، ص ۲

۶. بنگرید به: «خبرگزاری ***سومکا*** خبر می‌دهد»، سومکا، س ۱، ش ۲۷ (۱۳۳۱/۱۰/۲۱)، ص۴

۷. بنگرید به: «خبرگزاری سومکا خبر می‌دهد»، ***سومکا***، س ۱، ش ۱ (۱۳۳۱/۴/۱۴)، ص۲

مخالف حجاب زنان بود و در این راه به دروغ مدعی شد که «شریعت اسلام هم حجاب را تجویز نکرده»[۱] و از این رو روحانیون را به برداشت‌های نادرست از اسلام متهم می‌کرد.[۲]

علی‌رغم تبلیغ‌ها و فعالیت‌ها، سومکا در جذب زنان ناموفق بود و نتوانست جز تنی چند از آنان را در فعالیت‌های خویش سهیم سازد. در موردی سومکا دلیل این ناموفقی را در آن دانست که «دوشیزگان و بانوان منفرد... به علت اشکالات خانوادگی نتوانسته‌اند مرتب [به حزب] بیایند».[۳]

۱. این ادعای سومکا بی‌پایه است. اگر آن را تحریفی از دین توسط **سومکا** ندانیم، نشان‌دهنده عدم اطلاع گردانندگان آن حزب از مباحث و مسائل مذهبی است. برای نمونه دستورات اسلامی درباره‌ی حجاب در سوره‌های نور (آیات ۳۱ و ۶۰) و احزاب (آیه ۵۹) صریحاً بیان گردیده است.

۲. «با خوانندگان»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۶ (۱۳۳۱/۱۰/۱۴)، ص۴. نیز ر.ک: «برای زنان خواب خطرناکی دیده‌اند»، پیشین، ص ۴؛ «برای زنان ایرانی، بال شکسته‌ی جامعه‌ی ایرانی»، پیشین، ص ۲؛ لادبن، «مبارزه‌ی زنان ادامه دارد»، پیشین، صص ۱-۲

۳. «با خوانندگان»، **شیر شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۲، ش ۴۷ (۱۳۳۲/۵/۷)، ص۲

فصل چهارم

ساختار و تشکیلات

اساسنامه

نگارنده، در جریان نگارش کتاب حاضر، دو نسخه‌ی متفاوت تحت عنوان اساسنامه‌ی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) به دست آورد که اگر اطلاعیه‌های آیین‌نامه‌ی[1] حزب را نیز بدان‌ها بیفزاییم این تعداد به ۳ نسخه می‌رسد.

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۱ اعضای انشعابی حزب سومکا ـ که هنوز خود را ستاد رهبری حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران می‌نامیدند ـ[2] همراه مدارکی که برای رسمی کردن فعالیت‌های خود به شهربانی ارسال کرده بودند اساسنامه‌ای ارائه داده‌اند. این اساسنامه‌ی یک و نیم صفحه‌ای در سه قسمت شامل کلیات، سازمان و تشکیلات و شرایط عضویت تنظیم شده بود. سازمان‌های معرفی شده در این اساسنامه عبارت‌اند از: تبلیغات، سازمان جوانان، سازمان کارگران، سازمان دهقانان، امور ایدئولوژی حزبی، قسمت مالی و سازمان مطالعات اجتماعی.[3]

اطلاعیه‌های آیین‌نامه‌ی حزب سومکا، موارد بیشتری را در برمی‌گرفت و شامل یک مقدمه درباره‌ی لزوم رعایت دقیق مقررات حزبی بود. عملی که از آن به «ورزش ارادی» و «بهترین ورزش به منظور توسعه و ترقی درجه‌ی انضباط فردی و اجتماعی» یاد می‌شد. پس از آن مسایل مربوط به باشگاه‌های حزبی، هم‌پیمانی، احترامات، سازمان کلی حزب

---

۱. برای آگاهی از مندرجات اطلاعیه‌های آیین‌نامه رک: سند شماره‌ی ۶۲ از مجموعه‌ی حاضر

۲. رک: فصل سوم کتاب حاضر، مبحث، انشعاب در کادر رهبری

۳. رک: سند شماره‌ی ۳۸/۱ از مجموعه‌ی حاضر

و درفش و پرچم آمده است.

سازمان‌های معرفی شده حزبی در اطلاعیه‌های آیین‌نامه عبارت بودند از: سیاست کشاورزی، رهبری حزب، گروه جاویدان، گروه حمله، گنجینه سومکا، گروه ایران فرزندان، تبلیغات و فرهنگ، انتشارات، گروه زنان، مسائل حقوقی، داوری، آیین‌داری، صنایع و ساختمان (دو بار تکرار شده است)، سیاست خارجی، ورزشی و زندهای (قبایل) ایرانی.

نسخه‌ی سوم، نسخه‌ای که در واقع اساسنامه‌ی اصلی حزب سومکا می‌باشد، در بیست و ششم تیرماه سال ۱۳۳۱ در تهران منتشر شد که در بردارنده‌ی آیین‌نامه‌های سازمان‌های مختلف و علائم و نشانه‌های حزبی بود. امیرشاپور زندنیا در خاطراتش اشاره کرده که اساسنامه‌ی حزب را او نگاشته است.[۱] وجود نام زندنیا به عنوان فرهنگدار سومکا، در صفحه‌ی بیست و دوم اساسنامه، شاید تأییدکننده‌ی این مطلب باشد. در این نسخه ضمن افزایش تعداد سازمان‌های حزبی، دگرگونی‌هایی نیز نسبت به اطلاعیه‌های آیین‌نامه، به این شرح به وجود آمده است: گروه سیاست کشاورزی حذف گردید. گروه‌های «صنایع و ساختمان» و «سیاست خارجی» به «گروه فنی» و «روابط خارجی» تبدیل شد. گروه‌های «تبلیغات و فرهنگ» و «انتشارات» به «فرهنگ سومکا» و گروه‌های «مسائل حقوقی» و «داوری» نیز به «سازمان داوری و مسائل حقوقی» تبدیل شد. در مقابل، گروه‌های مردان سومکا، سازمان‌های وابسته به حزب، بازرسی، بایگانی و دفتر سومکا نیز به واحدهای قبلی افزوده شد. قسمت‌های مختلف اساسنامه پس از تهیه به تأیید منشی‌زاده رسیده است.[۲]

تشکیلات

آن گونه که در اساسنامه آمده، سومکا دارای هفده سازمان حزبی است؛ ولی برای برخی از این سازمان‌ها در اساسنامه‌ی حزبی آیین‌نامه‌ای ذکر نشده است. این سازمان‌ها

۱. به نقل از ***خاطرات زندنیا***، هر سه مجموعه، هم‌چنین رک: محمود تربتی سنجابی، ***کودتاسازان***، مؤسسه‌ی فرهنگی کاوش، [بی‌جا] ۱۳۷۶، ص ۱۵۳

۲. رجوع شود به اساسنامه‌ی حزب سومکا در قسمت ضمائم

عبارتند از سازمان روابط خارجی، سازمان ورزشی، سازمان زندها (قبیله‌ها) و سازمان بازرسی. از این رو آگاهی چندانی نسبت به آن‌ها در دست نیست.

سازمان‌های دیگر این حزب از لحاظ گستردگی دامنه‌ی فعالیت نیز در یک سطح قرار نداشتند. سازمان‌های فعال سومکا را می‌توان این گونه برشمرد:

۱ـ گروه جاویدان

گروه جاویدان در ششم تیرماه سال ۱۳۳۱ به دستور و زیر نظر مستقیم منشی‌زاده تشکیل شد و وظیفه‌ی آن، نگهبانی از وی «و دستگاه رهبری [و] نمایش اصول اخلاقی و ایدئولوژی سوسیالیسم ملی» بود.(۱) از این گروه بعدها در درگیری‌های خیابانی نیز استفاده شد.(۲)

۲ـ گروه حمله

این گروه در اوایل آذرماه سال ۱۳۳۰ تشکیل شد که اعضای اصلی آن را در آغاز کارگران کارخانه‌ی سیمان تشکیل می‌دادند.(۳) این گروه، که بیشتر اعضایش افراد «بزن بهادر و گردن‌کلفت» بودند، جنجالی‌ترین و در نتیجه معروف‌ترین گروه سومکا بود تا بدان جا که اغلب نوشته‌های موجود ـ در رابطه با حزب سومکا ـ به شرح اقدامات این گروه و زدوخوردهای آنان با طرفداران حزب توده و... اختصاص داشته و به همین دلیل، دیگر فعالیت‌های حزب را کم‌رنگ کرده بود. در فصل دوم به اقدامات گروه حمله اشاره گردید.

۳ـ گروه ایران فرزندان

با پیوستن برخی اعضای گروه ناسیونالیست‌های انقلابی (گنا) به حزب سومکا و

---

۱. «خبرگزاری سومکا خبر می‌دهد»، **سومکا**، س ۱، ش ۲ (۱۳۳۱/۴/۲۳)، ص ۳، «در دنیایی دشمن...»، پیشین، ص ۳

۲. رک: «در دنیایی دشمن...»، پیشین، ص ۳، ضمن وقایع ۱۳۳۱/۵/۲۸

۳. پیشین، ص ۲. تربتی سنجابی از گروه حمله‌ی حزب سومکا، با نام گروه ضربت یاد کرده (تربتی سنجابی، ***قربانیان باور و احزاب سیاسی ایران***، ص ۲۲۴)، نامی که سومکا تقریباً از آن استفاده نکرده بود.

رخنه‌ی این حزب در مدارس، زمینه‌های تشکیل گروه ایران فرزندان فراهم آمد و در «بیستم دی ماه سال ۱۳۳۰» فرمان تشکیل این گروه صادر گشت.[۱]

در این‌جا لازم است به تربیت کودکان از دیدگاه منشی‌زاده اشاره‌ای گذرا کرده تا ماهیت این گروه روشن‌تر شود. وی معتقد بود که باید «کودکان را از سه سالگی یا کمتر در سازمان‌های مخصوص به نام «کودکان میهن (کودمی)» پرورش داد تا «از همان خردی آنان را با وظایف تاریخی خود آشنا و به [کمک] انواع ورزش‌های جسمی و روحی، آن‌ها را برای مبارزه ملی و حیاتی آماده» کرد.

«از شش سالگی کودکان کم‌کم وارد اردوهای نیمه نظامی شده، کوه‌پیمایی، شنا، ورزش‌های سبک و سنگین آموخته، ضمناً در مسافرت‌های بزرگ، دورترین نقاط ایران را خواهند شناخت... پرواضح است که مقصود ما از کودکان، پسران و دختران خواهند بود که تا چهارده سالگی مختلطاً با هم و بعد دسته دسته در اردوهای مجزا می‌روند...ایران فرزندان که جوان‌ترین دسته‌ی نیمه سرباز وطن را تشکیل می‌دهند، در موقع خدمات دارای اونیفورم مخصوصی و کاردی خواهند بود، که در روی آن نقش شده: خون و شرافت.»[۲]

نظریه‌های منشی‌زاده درباره‌ی آموزش کودکان، درباره‌ی گروه ایران فرزندان به اجرا گذاشته می‌شد. نظریه‌ای که برطبق آن باید خردسالان را از همان خردی برای زندگی در یک نظام بی‌چون و چرای تک حزبی، برپایه‌ی اندیشه‌های افراطیِ یک نوع ناسیونالیسم نژادپرست باستانگرای تحت سیطره‌ی اندیشه‌های نازیسم و فاشیسم، پرورانند. گزارش‌های موجود به مسلح شدن گروه ایران فرزندان به خنجر[۳] و نیز آموختن فنون نظامی اشاره دارد.[۴] (در قسمت‌های آینده به دیگر مواد آموزشی اشاره می‌گردد.)

---

۱. «در دنیایی دشمن...»، پیشین، ص ۳

۲. منشی‌زاده، پیکار با اهرمن، صص ۲۷-۲۸. قابل توجه است که اعضای اس.اس نیز با دریافت خنجری وارد خدمت می‌شدند. رک: نریمان، پیشین، ص ۹۷

۳. رک: سند شماره‌ی ۲۴ از مجموعه‌ی حاضر

۴. رک: سند شماره‌ی ۳۲ از مجموعه‌ی حاضر

۴ـ گروه زنان ایران

گروه زنان ایران که چه از نظر تعداد عضو و چه از لحاظ اهمیتش، در طول مدت فعالیت حزب سومکا، به پای گروه‌های ذکر شده نمی‌رسید در هیجدهم دی ماه سال ۱۳۳۰ تشکیل شده بود.[۱] در فصل قبل به این گروه و فعالیت‌هایش اشاره‌ی مختصری گردید.

۵ـ گروه فنی

از گروه‌های دیگر سومکاست که علاوه بر سازماندهی فعالیت‌هایی چون ساختمان‌سازی ـ ساخت سالن جدید در محل حزب ـ[۲] به آموزش‌های نظامی افراد می‌پرداخت. از جمله فعالیت‌های این گروه می‌توان به آموزش پرواز، که به دو صورت کلاس‌های تئوریک پرواز[۳] و آموزش پرواز با هواپیماهای مدل بود، اشاره کرد.[۴]

۶ـ فرهنگ سومکا

این گروه، فعال‌ترین گروه حزب سومکا بود. امیرشاپور زندنیا در پایه‌گذاری و سازماندهی این گروه نقش ویژه‌ای را برعهده داشت. فعالیت‌های اصلی فرهنگ سومکابه قرار زیر است:

۱ـ۶ـ تشکیل کلاس‌های آموزشی

با توجه به ادعای مسؤولان حزبی، برای به دست گرفتن زمام امور کشور و هم‌چنین تربیت کارگزاران دولتی ـ حزبی،[۵] وجود این کلاس‌ها ضروری بود؛ کلاس‌هایی که

---

۱. «در دنیایی دشمن...»، پیشین، ص ۳.

۲. «نخستین برنامه‌ی جبهه‌ی کار سومکا روز جمعه ۳۱/۱۰/۲۷[۱۳] زیر نظر هم‌پیمان مهندس ملکشاهی شروع به فعالیت کرد. اولین عمل جبهه‌ی کار ساختمان سالن جدیدی برای هنگام‌های حزبی است زیرا سالن فعلی گنجایش افراد حزبی را ندارد». «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۸ (۱۳۳۱/۱۰/۲۸)، ص ۴

۳. «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۱، ش ۲ (۱۳۳۱/۴/۲۳)، ص ۳

۴. «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۱، ش ۱۸ (۱۳۳۱/۸/۸)، ص ۲

۵. «کادر سیاسی حکومت طی سال‌ها، با تجربه و عمل تربیت می‌شود، حزب وظیفه‌اش تهیه‌ی این کادر است

می‌بایست در دو بُعد فکری- جسمی نیروهای مورد نیاز حزب را تربیت کند.

نخستین کلاس آموزشی - حزبی که رسماً به فعالیت پرداخت، کلاس آموزش سیاسی سومکا بود که در هفتم بهمن ماه سال ۱۳۳۰ تشکیل گردید.(۱) از دیگر کلاس‌های آموزشی سومکا می‌توان به کلاس‌های بهداشتی، لابراتوار حزبی،(۲) سوادآموزی،(۳) آموزش زبان آلمانی،(۴) روزنامه‌نگاری،(۵) دکلاماسیون(۶) و فرماندهی(۷) اشاره کرد. از جمله کلاس‌های آموزشی دیگری که در نوشته‌های حزبی به آن اشاره نشده، اما زندنیا در خاطراتش از آن یاد کرده، آموزش دزدی به برخی اعضای حزب است تا بتوانند در مواقع لزوم به نفع حزب از آن استفاده کنند.

زندنیا استفاده‌ی غیرحزبی از این آموزش‌ها توسط یکی از اعضا را دلیل خاتمه یافتن این گونه آموزش‌ها ذکر کرده است.(۸) برنامه‌های آموزشی پس از تعیین، به اعضای

← تا پس از تسلط بر حکومت آن را برطبق دل‌خواه اداره کند. به همین دلیل ما که تازه آغاز کرده‌ایم هنوز برای گرفتن حکومت قیام نمی‌کنیم. زیرا برای اداره‌ی آن آماده نیستیم.» «با خوانندگان»، **شیر شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۱، ش ۴۲ (۱۳۳۲/۳/۲۷)، ص ۲

۱. «در دنیایی دشمن...»، پیشین، ص ۳. در خبری منتشره در سومکا، تاریخ تشکیل نخستین جلسه‌ی «کلاس آموزش سیاسی»، سیزدهم دی ماه ۱۳۳۱، مواد آموزشی آن، «تاریخ و جغرافیای نژادی، تاریخ فلسفه و عقاید سیاسی، تاریخ علوم، ایدئولوژی سوسیالیسم ملی، برنامه سومکا و روش سومکا، روان‌شناسی فردی و اجتماعی تبلیغاتی» و کادر آموزشی آن امیرشاپور زندنیا، داریوش همایون و دکتر هاشمی‌نژاد ذکر شده است. رک: «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۷ (۱۳۳۱/۱۰/۲۱)، ص ۴

با توجه به گزارش تشکیل کلاس سیاسی گروه حمله در تاریخ ۱۳۳۱/۲/۳۱، (ش. ب ۳۶۸، ش. ص ۴۰)، خبر یاد شده در هفته‌نامه‌ی سومکا مربوط به دوره‌ای دیگر از کلاس‌های آموزش سیاسی است.

۲. «در تاریخ ۱۳۳۱/۴/۱۷ کلاس بهداشتی سومکا و لابراتوار حزبی زیر نظر دکتر هاشمی‌نژاد به وجود آمد.»، «در دنیایی دشمن...»، پیشین، ص ۳، «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۱، ش ۲ (۱۳۳۱/۴/۲۳)، ص ۳، «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۷ (۱۳۳۱/۱۰/۲۱)، ص ۴

۳. «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۵ (۱۳۳۱/۱۰/۷)، ص ۴

۴. «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۹ (۱۳۳۱/۱۱/۲۰)، ص ۴

۵. «خبرگزاری...»، **شیر شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۱، ش ۴۳ (۱۳۳۲/۴/۳)، ص ۲، «خبرگزاری...»، سومکا، س ۲، ش ۴۵ (۱۳۳۲/۴/۲۴)، ص ۲

۶. Declamation (= خطابه)

۷. «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۲، ش ۵۴ (۱۳۳۲/۵/۲۵)، ص ۴. از دیگر کلاس‌ها می‌توان به کلاس آموزش طبل و شیپور اشاره کرد. رک: **سومکا**، س ۱، ش ۳۹ (۱۳۳۲/۲/۲۹)، ص ۲

۸. خاطرات زندنیا، مجموعه سازمان اسناد ملی ایران.

حزب اعلام[۱] و هم‌چنین برای سطوح مختلف و در دوره‌های متفاوت، کلاس‌ها تشکیل می‌شدند. گذشته از کلاس‌های آموزشی، سومکا برخی موارد مربوط به زندگی اجتماعی و آداب معاشرت و اخلاق اجتماعی را در انتشارات خود، به اعضا گوشزد می‌کرد.[۲]

۲-۶- انتشارات

وظیفه‌ی مهم کانون انتشارات فرهنگ سومکا تهیه، تنظیم، چاپ و پخش آرای و نظریه‌های حزبی در قالب کتاب، جزوه، نشریات دیواری، بولتن و هفته‌نامه بود.

الف) کتاب

جزوات و کتاب‌های منتشره‌ی سومکا، غالباً از آثار منشی‌زاده به صورت تألیف، ترجمه یا مجموعه سخنرانی‌هایی است که «فرهنگ سومکا» آن‌ها را در سه گروه تقسیم‌بندی کرده بود.

۱- اصول عقاید:

- برنامه‌ی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (چاپ اول: شهریور ۱۳۳۰، چاپ دوم: نوروز ۱۳۳۱، چاپ سوم: اردیبهشت ۱۳۳۱)
- پیکار با اهرمن (چاپ اول: ۱۳۳۰، چاپ دوم ۱۳۳۲)

---

۱. برای نمونه برنامه (آموزشی و مراجعه) شش ماهه حزبی، نیمه‌ی دوم سال ۱۳۳۲، از این قرار بود:
«شنبه: ۱۵/۳۰- ۱۸/۱۹ کلاس روزنامه‌نگاری، ۱۵/۳۰- ۱۹/۲۰ هنگام راهنمایی سیاسی.
یکشنبه: ۱۸- ۱۹ گروه‌های ۱ و ۴ آزمایشی، ۱۹- ۲۰ گروه هفتم مردان
دوشنبه: ۳۰/۳۰- ۱۸/۱۹ گروه حمله، ۳۰/۳۰- ۱۹/۲۰ کلاس دکلاماسیون
سه‌شنبه: ۱۸- ۱۹ گروه زنان ایران
چهارشنبه: ۳۰/۳۰- ۱۹/۲۰ کلاس فرماندهی
پنج‌شنبه: ۳۰/۳۰- ۱۷/۱۸ گروه ایران فرزندان و گروه حمله، ۳۰/۳۰- ۱۸/۱۹ هنگام همگانی»
به نقل از: «خبرگزاری...»، سومکا، س ۲، ش ۵۴ (۱۳۳۲/۶/۲۵)، ص ۴. هم‌چنین برای آگاهی از برنامه‌ی سه ماهه‌ی اول سال ۱۳۳۲ بنگرید به: «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۱، ش ۳۱ (۱۳۳۱/۱۲/۱۸)، ص ۴

۲. برای نمونه بنگرید به: «ضمیمه‌ی شماره‌ی ۵: ادب سوسیالیسم ملی»، منشی‌زاده، پیکار با اهرمن، صص ۵۰-۵۶.

- اساسنامه‌ی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (۱۳۳۱)
- سومکا در دو سال پیکار با اهرمن (تاریخچه مصوّر حزب)
- خطابه‌های رهبر در سال ۱۳۳۰ (۱۳۳۱ پلی‌کپی)
- سخنرانی رهبر سومکا در روزکار، ۱۳۳۶
- کمونیسم و لیبرالیسم و چند نوشته و سخنرانی دیگر از رهبر سومکا (شهریور ۱۳۳۶)

۲- جهان‌بینی نو:
- دوراندیشی در تکنیک (۱۳۳۲)
- انتلکتوئل و دیگری به انضمام خط سومکا (۱۳۳۳)
- خط سومکا (۱۳۳۳)
- طغیان توده‌ها (مهر ۱۳۳۴)
- داریوش یکم، پادشاه پارس‌ها (۱۳۳۵).
- جهانداری پارس‌ها (۱۳۳۵).

۳- هنر:
- دربه‌در در پی بهشت (۱۳۳۲).
- گیلگمش کهنه‌ترین حماسه بشری (چاپ اول: فرهنگ سومکا ۱۳۳۳، چاپ دوم: انتشارات جاجرمی، ۱۳۷۸).
- پسر گمشده (۱۳۳۶).

ب) نشریات

پس از علنی شدن و سازماندهی سومکا، فعالیت برای ساماندهی، تهیه و انتشار ارگان حزب آغاز شد. با توجه به نوپا بودن، محدودیت‌ها و مشکلات مالی حزب، نخستین کوشش‌های به عمل آمده در زمینه‌ی انتشار نقطه نظرات حزبی از طریق مطبوعات، هم‌چنان که در گزارش‌های رسمی آمده است،[1] استفاده از هفته‌نامه‌ی مرد

۱. ر.ک. سند شماره‌ی ۳۴ از مجموعه‌ی حاضر

آهنین به منزله‌ی تریبون حزبی بود. این هفته نامه از تاریخ ۱۳۳۱/۲/۲۹[۱] به مدت یک ماه با سومکا هم‌کاری‌کرد. در این شماره زیر عبارت سرلوحه، عبارت «وابسته‌ی فرهنگی سومکا» اضافه شده بود.[۲]

در شماره بعدی، با حروف درشت‌تر، به جای عبارت قبل، عبارت «وابسته به کانون انتشارات و تبلیغات سومکا» چاپ[۳] و محل اداره‌ی روزنامه «خیابان خانقاه، حزب سومکا»[۴] معرفی شده بود. در شماره ۴۰ نیز در مقاله‌ای «مرد آهنین در خدمت ناسیونال سوسیالیست‌ها»[۵] خوانده شد.

پس از پایان دوره‌ی کوتاه هم‌کاری، مرد آهنین در این خصوص نوشت:

> «همان طوری که خوانندگان عزیز ما اطلاع دارند مدتی عقاید و نظریات حزب سومکا را منتشر می‌نمودیم و در انتشار مطالب حزب مزبور هیچ‌گونه دخالتی نداشتیم... از این پس مرد آهنین کمافی‌السابق رویه‌ی بی‌طرفی خود را حفظ و به خدمات ملی ادامه می‌دهد.»[۶]

هم‌زمان با استفاده‌ی سومکا از این هفته نامه، «کمیسیون مطبوعات» در حزب تشکیل شد تا زمینه‌های انتشار ارگان حزب را فراهم آورد.[۷] در تاریخ چهاردهم تیر همین سال، نخستین شماره‌ی هفته نامه‌ی سومکا زیر نظر داریوش همایون[۸] و تا شماره چهارم با سرمایه‌ی اخوان منتشر شد. در این زمان در پی کناره‌گیری اخوان از

---

۱. مقایسه کنید با: صدری طباطبایی نایینی، محمد، ***راهنمای مطبوعات ایران*** (۱۳۰۴ش تا ۱۳۵۷ش). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران ۱۳۷۸، ج ۱، ش ۳۹۹۲

۲. ***مرد آهنین***، ش ۳۸ (۱۳۳۱/۲/۲۹)، ص ۱

۳. پیشین، ش ۳۹ (۱۳۳۱/۳/۵)، ص ۱

۴. پیشین، ص ۲

۵. پیشین، ش ۴۰ (۱۳۳۱/۳/۱۲)

۶. به نقل از: «دروغ‌هایی که...». ***سومکا***، س ۱، ش ۲۴ (۱۳۳۱/۹/۲۳)، ص ۲

۷. ر.ک. سند شماره‌ی ۵۰ از مجموعه‌ی حاضر. هفته‌نامه‌ی مرد آهنین نیز کمی بعد اعلام کرد: «نامه‌ی هفتگی عقاب سیاه وابسته به فرهنگ سومکا به زودی منتشر می‌شود». ***مرد آهنین***، س ۲، ش ۳۹ (۱۳۳۱/۳/۵)، ص ۲ و ش ۴۰ (۱۳۳۱/۳/۱۲)، ص ۲

۸. «در دنیایی دشمن...». پیشین، ص ۳. پس از داریوش همایون، حمید شرکت مسوول نشریه‌ی سومکا بود و از شماره ۵۲ زندنیا تصدی مستقیم روزنامه را به عهده گرفت. ر.ک: «خبرگزاری...». ***سومکا***، س ۲، ش ۵۲، ص ۴.

حزب، منشی‌زاده، زندنیا، همایون و ساسان‌فر انتشار آن را ادامه دادند.

عدم استطاعت مالی سبب شد که حزب موفق به انتشار شماره‌ی هفتم «که قرار بود.... روز دوشنبه ۱۳۳۱/۵/۲۷ منتشر گردد» نشود.[۱] گذشته از این، عوامل دیگری نیز سبب شد که سومکا از شماره‌ی هفتم به بعد، گاه به صورت هفتگی و گاه نامنظم منتشر شود. بعدها سومکا در این خصوص چنین نوشت:

«...با این شماره، ۴۴ شماره در یک سال منتشر شده است. باید ۵۴ شماره منتشر می‌شد، ولی به علت حملات پیاپی نیروهای حکومت، به علت تعطیلات چاپخانه و اخیراً یک شماره به سبب نداشتن امتیاز، ده شماره کمتر منتشر شد».[۲]

هم‌چنین گفته شده:

«اشکالات داخلی و مالی و مدتی به سبب آزمایش روزهای مختلف هفته و چند ماه در اثر این‌که باید قسمتی از مطالب روزنامه از زندان داده شود، روز انتشار و سلسله‌ی آن مرتب نبود».[۳]

لغو امتیاز هفته نامه سبب شد که سومکا دو بار از امتیاز نشریات دیگر استفاده کند.[۴] نخست پس از ابطال امتیاز هفته نامه‌ی سومکا طبق قانون جدید مطبوعات،[۵] از

۱. نگاه کنید به سند شماره‌ی ۸۱ از مجموعه‌ی حاضر

۲. «یک سال پیکار با اهرمن، به مناسبت دومین سال انتشار نشریه‌ی ارگان سومکا»، **شیر شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۲، ش ۴۴ (۱۳۳۲/۴/۱۰)، ص ۱

۳. «با خوانندگان»، سومکا، ش ۴۲ (۱۳۳۲/۳/۲۷)، ص ۲؛ از جمله موارد دیگر می‌توان به تعطیلی چاپخانه‌ها در هفدهم تیر ۱۳۳۲ اشاره کرد. ر.ک: «خبرگزاری...»، پیشین، س ۲، ش ۴۵ (۱۳۳۲/۴/۲۴)، ص ۲
ادعای دیگری برای انتشار ـ و توزیع ـ نامناسب سومکا ارائه شده بود: «تصویب امتیاز نشریه‌ی ارگان «سومکا» را مقامات وابسته به حکومت با بهانه‌ها [ی] مختلف عقب انداخته‌اند و اخیراً سرهنگ نادری رئیس آگاهی به توزیع جراید دستور داده است از توزیع نشریه‌ی ما خودداری کند. به همین مناسبت به دستگاه آگاهی شدیداً اعتراض شد». (خبرگزاری...»، **شیر شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۲، ش ۴۴ (۱۳۳۲/۴/۱۰)، ص ۴

۴. سومکا در این خصوص چنین نگاشت: «امتیاز روزنامه‌ی ارگان حزب از طرف کمیسیونی که مأمور تجدید امتیازات روزنامه‌ها شده... عملاً توقیف شده است و ما ناچار شدیم از هر امتیازی که در دسترس ما قرار می‌گرفت برای ادامه‌ی انتشار روزنامه در طی شماره‌های اخیر استفاده کنیم». «با خوانندگان»، سومکا، س ۲، ش ۵۱ (۱۳۳۲/۶/۶)، ص ۴

در خصوص این پدیده بنگرید به: مسعود برزین، «جانشینی در مطبوعات سال‌های ۱۳۲۰ـ ۳۲ش.»، کلک، ش ۴۹ـ ۵۰ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳)، صص ۱۰۰ـ ۱۱۰.

شماره‌ی چهل و یکم این هفته نامه، پس از یک هفته وقفه در انتشار، از امتیاز هفته نامه‌ی شیر شرق[1] استفاده کرد. به‌جز تغییر نام صاحب امتیاز از منشی‌زاده به ابوالحسن محوی، تنها دگرگونی که در شکل آن به وجود آمد افزودن عبارت «شیر شرق، نشریه‌ی حزب...»، با حروف کوچک در بالای سرلوحه بود؛ اما در صفحه پایانی عنوان نشریه‌ی «شیر شرق» ذکر شده است. بار دیگر، از شماره‌ی ۵۰، ارگان حزبی از امتیاز هفته نامه‌ی پایمردی[2] استفاده می‌کند. این بار نیز عبارت «پایمردی، نشریه‌ی حزب»... با حروف کوچک در بالای سرلوحه چاپ می‌شد، اما در صفحه‌ی دوم، عنوان نشریه، پایمردی و صاحب امتیاز آن [محمد سعید] وکیل بود. در هر دو مورد، روش آرایش صفحات، نوع مطالب و مندرجات نشریه ادامه‌ی مطالب هفته نامه‌ی سومکا و نشانی اداره‌ی نشریه، محل حزب در خیابان خانقاه، خانه سیاه است. از شماره‌ی ۵۲، مجدداً هفته نامه‌ی ارگان حزب با نام اصلی (سومکا) و صاحب امتیازی منشی‌زاده منتشر گردید.

پ) مندرجات سومکا

ـ اغلب سرمقاله‌های سومکا نوشته‌ها یا متن سخنرانی‌های منشی‌زاده بود. سرمقاله‌هایی نیز که با امضای «پیراهن سیاه» منتشر شده توسط زندنیا یا همایون نوشته

---

۵. ر.ک: «با خوانندگان»، **شیر شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۱، ش ۴۲ (۱۳۳۲/۳/۲۷)، ص ۲؛ «با خوانندگان»، شیر شرق، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۲، ش ۴۴ (۱۳۳۲/۴/۱۰)، ص ۳؛ «با خوانندگان»، ***سومکا***، س ۲، ش ۵۱ (۱۳۳۲/۶/۶)، ص ۴

۱. جالب توجه این که در هفتم مرداد ۱۳۳۲، دو نشریه با امتیاز شیر شرق منتشر گشت:

ـ شیر شرق، س ۱، ش ۱۵ (۱۳۳۲/۵/۷)، در چهار صفحه

ـ شیر شرق، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۲، ش ۴۷ (۱۳۳۲/۵/۷)، در ۲ صفحه

در خصوص تاریخ انتشار هفته نامه شیر شرق مقایسه شود با:

ـ صدری طباطبایی نایینی، پیشین، ج ۱، ش ۳۰۳۷؛ مسعود برزین، ***شناسنامه‌ی مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷*** شمسی. بهجت، تهران ۱۳۷۱، ص ۲۶۵

۲. با توجه به این‌که پایمردی چندین سال بود که منتشر نمی‌شد (تاریخ انتشار پایمردی در سال‌های ۱۳۲۵ـ۶ نوشته شده. ر.ک: چهره مطبوعات معاصر، فهرست روزنامه‌های فارسی، فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانه ملی ایران، مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ به نقل از: برزین، ***شناسنامه مطبوعات ایران***، ص ۱۰۳) و نیز از آن‌جا که سومکا، نام صاحب امتیاز پایمردی را به طور کامل ذکر نکرده، به نظر می‌رسد هفته نامه‌ی پایمردی ـ نشریه‌ی حزب سومکا ـ در این زمان فاقد امتیاز بوده است.

شده‌اند.[۱]

ـ «در برنامه سومکا» عنوان اصلی یک سری مقاله بود که در آن، زندنیا[۲] به تشریح موارد مطرح شده در برنامه‌ی حزب می‌پرداخت. قرار بود مجموع این مقاله‌ها به صورت کتابی تحت عنوان تفسیر برنامه‌ی سومکا (دفتر هفتم از سری یکم انتشارات فرهنگ سومکا) منتشر گردد.

ـ «برای کارگران» نیز عنوان اصلی یک سلسله مقاله بود که ظاهراً، توسط داریوش همایون تهیه می‌شد. بیشتر مطالب این ستون مربوط به حق و حقوق کارگران در جامعه‌ی ناسیونال سوسیال بود و در مواردی رویدادهای مربوط به مسائل کارگری در آن مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت. مطالب مربوط به حق و حقوق کارگران، قرار بود که به صورت کتاب «ایرانشهر سوم، جامعه‌ی کارگران ناسیونال سوسیالیست» (دفتر ششم از سری یکم انتشارات فرهنگ سومکا) منتشر گردد.

ـ «دروغ‌هایی که خودشان هم باور ندارند» عنوان یک ستون تقریباً ثابت هفته نامه بود که در آن مطالب منتشره در رسانه‌ها ـ و هم‌چنین شایعات موجود در افواه ـ درباره‌ی حزب، به قلم زندنیا و داریوش همایون، نقل و نقد[۳] می‌شد.

---

۱. «یک سال پیکار با اهرمن...»، پیشین، ص ۳

۲. اغلب مطالب سومکا توسط زندنیا و همایون نوشته می‌شد. سومکا در مقاله‌ای، نگارش مطالب ستون‌های «در برنامه سومکا»، «دروغ‌هایی که خودشان هم باور ندارند»، «برای کارگران» و مطالب چند ستون دیگر را نوشته (و یا تهیه شده) توسط آن دو دانسته است.

با توجه به این که در سلسله انتشارات آینده سومکا، قرار بود کتاب تفسیر برنامه‌ی سومکا نوشته‌ی زندنیا، منتشر گردد، مطالب این ستون ـ در هفته نامه ـ را از او فرض کردم. هم‌چنان که اشاره گردید شاید مطالب این ستون «کار مشترک» زندنیا و داریوش همایون باشد.

۳. نقد مطالب، بیشتر به صورت کلمه، جمله یا عبارت معترضه‌ای ـ با علامت تعجب ـ بود که در داخل دو کمان ( ) می‌آمد. در مواردی نیز مطالب متضاد منتشره پیرامون حزب، در کنار هم قرار داده می‌شد تا مثلاً حقانیت حزب را در آن جریان خاص ثابت کنند. برای نمونه «... روزنامه صدای وطن نشریه‌ی آقا [سیدضیاءالدین طباطبایی] به وسیله‌ی آقای بشارت... منتشر شد و حمله را از سومکا شروع کرده نوشت: «قوام‌السلطنه که خود را مرد شمشیر و تدبیر، هر دو نشان داده (حقیقتاً)... سومکا... این حزب بی‌بندوبار هیتلرمنش ددخو... را از جان مردم دور کند» (تا «آقا» و بالشویک‌ها بهتر در سایه‌ی سفارتین مراوده داشته باشند، ولی متأسفانه قوام فرار کرد و این آرزو بر دل بشارت و «آقا» و بالشویک‌ها ماند.

←

ـ «خبرهای کشور»، «اخبار جهان» و «خبرگزاری سومکا خبر می‌دهد» عنوان سه ستون تقریباً همیشگی هفته نامه بود. در این ستون‌ها، اخبار مربوط به جهان، ایران و هم‌چنین اخبار و رویدادهای حزبی، مطرح و گاه نقد می‌شد.

ـ «با خوانندگان» عنوان ستونی بود که در آن داریوش همایون و زندنیا به پرسش‌های خوانندگان که بیشتر درباره‌ی حزب و مرام و عملکردش بود، پاسخ می‌دادند. مطالب این ستون نیز روشن‌کننده‌ی مواضع حزبی در موارد گوناگون است.

ـ پاورقی‌های هفته نامه، به‌جز یکی دو مورد،(۱) داستان‌های کوتاه منشی‌زاده، که بعدها در کتاب در به‌در در پی بهشت منتشر شدند و هم‌چنین ترجمه‌های او از آثار «شدر» ـ جهانداری پارس‌ها ـ و «یونکه» ـ داریوش یکم پادشاه پارس‌ها ـ بود که این دو اثر نیز بعدها به صورت کتاب منتشر گردیدند.

در ستون‌های غیر ثابت سومکا مقالاتی درباره‌ی مباحث و مسائل اقتصادی، ورزشی، زنان، روش و اخلاق حزبی، مسائل روز کشور یا جهان، گهگاه نوشته می‌شد.

ت) روش هفته نامه‌ی سومکا

هفته نامه‌ی سومکا روش خود را «از لحاظ سیاست» چنین شرح داده است:

> «سومکا در تمام یک سال انتشار خود سیاست ثابتی داشت. این سیاست مبارزه با دشمنان ملت در همه‌ی جوانب بود. ما در آن واحد با سرمایه‌داری، کمونیسم، دمکراسی؛ با انگلیس‌ها، روس‌ها، آمریکایی‌ها؛ با دربار، حکومت و قهوه‌خانه‌ی بهارستان می‌جنگیدیم و برای ما، همه‌ی این دشمنان ملت یکسان بودند».(۲)

هر چند تا زمان چاپ این مقاله، مطلبی حاکی از مبارزه با دربار در این هفته نامه به

← ... «انتقاد» اضافه می‌کند «در... ورامین... دارودسته‌ی سومکا... نوکری جاسوسان آمریکا (اربابان اصلی ایشان) را پذیرفته‌اند در دهات شرارت می‌کنند» (مثلاً دست مالکین گردن‌کلفت و بالشویک‌های روسی و مأمورین اصل چهارم را از ورامین کوتاه می‌سازند.)». «دروغ‌هایی که...»، **سومکا**، س ۱، ش ۴ (۱۳۳۱/۵/۶)، ص ۲

۱. از جمله: داوود منشی‌زاده، «گوی و چوگان»، **سومکا**، س ۱، ش ۱۰ (۱۳۳۱/۶/۱۷)، ص ۲؛ زندنیا، امیر شاپور، «مردی که مرد»، **سومکا**، س ۱، ش ۳۲ (۱۳۳۱/۱۲/۲۵)، ص ۳.

۲. «یک سال پیکار با اهرمن...»، سومکا، پیشین، ص ۳

چشم نمی‌خورد.

ث ـ انتشارات دیگر سومکا

در یکی از شماره‌های ارگان حزبی، خبر انتشار روزنامه‌ی آمال ملت در شهر یزد، توسط سازمان سومکا آمده،[۱] بی‌آنکه توضیح بیشتری در این خصوص ارائه گردد. از دیگر کوشش‌های مطبوعاتی سومکا، فعالیت برای انتشار روزنامه ـ هفته نامه‌ی پایمردی است. گرچه خبری از انتشار این روزنامه ـ هفته نامه در این زمان در دست نمی‌باشد.[۲]

فعالیت‌های دیگر سومکا در زمینه‌ی انتشار بولتن، روزنامه‌های درون حزبی و نشریات دیواری، به قرار زیر می‌باشد:

ـ بولتن سومکا. نخستین شماره‌ی بولتن در پانزدهم آذر ماه سال ۱۳۳۳ و آخرین شماره‌ی آن، ظاهراً در بهمن ماه ۱۳۳۵ منتشر گردید.[۳]

ـ بولتن همشاگردی. نخستین شماره‌ی این بولتن که مخصوص گروه «ایران فرزندان» بود، در هفدهم بهمن ماه ۱۳۳۳ منتشر گردید.

علاوه بر آن می‌توان به نشریات دیواری و درون گروهی سیمرغ،[۴] رهبر و نیاخاک؛[۵] و هفته نامه‌ی ایف ـ ارگان گروه ایران فرزندان ـ[۶] اشاره کرد.

---

۱. ر.ک: «خبرگزاری...»، سومکا، س ۱، ش ۲۰ (۱۳۳۱/۸/۲۲)، ص ۴

۲. ر.ک: صدری طباطبایی نایینی، پیشین، ج ۱

۳. اطلاع نگارنده از تعداد بولتن‌های منتشره به این شرح می‌باشد:

سال ۱۳۳۳، ۵ شماره؛ سال ۱۳۳۴، ۲۰ شماره و سال ۱۳۳۵، ۷ شماره. این اطلاعات بر اساس انتشار قسمتی از مندرجات بولتن در اثر زیر به دست آمده است:

ـ داوود منشی‌زاده، کمونیسم و لیبرالیسم و چند نوشته و سخنرانی دیگر از رهبر سومکا، انتشارات فرهنگ سومکا (سری یکم ـ دفتر نهم)، تهران ۱۳۳۶، صص ۱ ـ ۵۴

۴. نخستین نشریه‌ی دیواری گروه ایران فرزندان ـ دسته هشتم ـ سیمرغ نام داشت. به نقل از: «خبرگزاری...». **سومکا**، س ۱، ش ۳۸ (۱۳۳۲/۲/۲۳)، ص ۲

۵. رهبر، از نشریات گروه «ایران فرزندان» و «نیاخاک» نشریه‌ی یک دسته از گروه «ایران فرزندان» و «گروه هفتم مردان» بود. ر.ک: «خبرگزاری...». سومکا، س ۱، ش ۴۱ (۱۳۳۲/۳/۲۰)، ص ۲. در شماره بعدی هفته نامه، خبر انتشار روزنامه‌های سیمرغ و رهبر «در داخل حزب»، درج گردید. ر.ک: «خبرگزاری...». **شیر شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۱، ش ۴۲ (۱۳۳۲/۳/۲۷)، ص ۲

۶. ر.ک: **سومکا**، س ۱، ش ۱۹ (۱۳۳۱/۸/۱۵)، ص ۳

۳ـ۶ـ خط سومکا

تغییر خط فارسی از جمله اقداماتی بود که ذهن دکتر منشی‌زاده را از سال‌ها قبل به خود مشغول کرده بود. این اندیشه در نامه‌ی منشی‌زاده به متین دفتری مشهود است. وی در این نامه یکی از ۳ مشکل اساسی ایران را «بی‌سوادی و ناخواندگی» مطرح کرده و دلیل اصلی آن را به گردن «الفبای عربی» می‌اندازد و در ادامه می‌نویسد: «در راه تغییر خط، کتابچه‌ی جداگانه‌ای نوشته‌ام و به موقع خود در [باره‌ی] آن گفتگو خواهم کرد».(۱) این جزوه حدوداً ۱۵ سال پس از نگارش نامه‌ی ذکر شده، منتشر گردید.

منشی‌زاده در آغاز این جزوه، با توضیح پنج ایراد خط فارسی (به نگارش در نیامدن مصوّت‌های کوتاه، تغییر شکل برخی حروف بنا به جایگاهی که در واژه دارند، دارا بودن یک صوت برای چند نویسه، نوشته شدن اعداد و حروف، برخلاف جهت همدیگر عدم همگونی در اتصال حروف) معتقد بود که استفاده از خط لاتین بر طرف کننده‌ی نقص‌های مذکور است. البته از آن‌جا که حروف لاتین به همان شکلی که مثلاً در زبان انگلیسی به کار می‌رود، مرتفع کننده نیاز فارسی زبانان نیست، دکتر منشی‌زاده از برخی علائم مورد استفاده در زبان‌شناسی مدد گرفت. در این جزوه گذشته از تغییر خط، منشی‌زاده به رعایت اصول نقطه‌گذاری و استفاده از علایم اختصاری اشاره دارد.(۲) این اقدام سومکا مورد اعتراض مسوولین امور فرهنگی قرار گرفت.(۳)

← علی‌رغم فعالیت سومکا در امور مطبوعاتی، کیانوری به این پرسش که اعضای این حزب «در زمینه‌ی تبلیغاتی چه فعالیتی داشتند» چنین پاسخ داده است: «هیچ!». وی سپس با تردید افزوده «اگر مطبوعاتی هم داشتند توسط آلمانی‌ها برای آن‌ها به فارسی منتشر می‌شد». (کیانوری، نورالدین، پیشین، ص ۹۴). ادعای کیانوری را با توجه به تسلط منشی‌زاده به چند زبان از جمله آلمانی و هم‌چنین فعالیت‌های مطبوعاتی او و برخی دیگر از اعضای حزب، پیش از تشکیل حزب سومکا نمی‌توان پذیرفت. ضمناً طرح ادعای هم‌کاری آلمانی‌ها در تهیه مطبوعات ***سومکا*** نیز ادعای تازه‌ای نیست. سال‌ها پیش از کیانوری، هفته‌نامه‌ی واهمه چنین نگاشته بود: «...دو کتاب از طرف این حزب منتشر شده که به طبع برلن شباهت دارد...». ر.ک: واهمه، ش ۱۸ (۱۳۳۰/۱۱/۲۳)، ص ۱

۱. ر.ک: سند شماره‌ی ۱ از مجموعه‌ی حاضر

۲. برای تفصیل ر.ک: ارتگا ای. گاست، انتلکتوئل و دیگری، ترجمه‌ی دکتر منشی‌زاده، به انضمام خط سومکا. فرهنگ سومکا، سری دوم، دفتر دوم، ۱۳۳۳

۳. سند شماره‌ی ۲۴۲ مجموعه‌ی حاضر

←

جمعیت‌ها و سندیکاهای وابسته به سومکا

هم‌چنان که در فصل دوم اشاره گردید، با آغاز فعالیت سومکا، چند تشکل کوچک ـ که غالباً تشکلات کارگری بودند ـ جذب این حزب شدند. این امر اعضای مؤثر حزب را ترغیب کرد تا با نفوذ در محیط‌های کارگری و تبلیغ در میان کارگران[۱] از سویی به گسترش حزب پرداخته و از سوی دیگر، زمینه‌های کاهش نفوذ روز افزون حزب توده در آن مکان‌ها را فراهم کنند. از طرف دیگر با توجه به داعیه‌ی حزب سومکا که اعلام می‌کرد ایرانشهر سوم، جامعه‌ی کارگران ناسیونال سوسیالیست است، فعالیت در آن محیط‌ها جزء سیاست‌های اصلی حزب سومکا بود.

در راستای فعالیت در محیط‌های کارگری، سومکا موفق به جذب گروه‌های صنفی کوچکی شد که از آن جمله می‌توان به سندیکای یخ فروشان،[۲] سندیکای باربران راه‌آهن، سندیکای کارگران سیلو، سندیکای کارگران کارخانه چیت‌سازی،[۳] سندیکای کارگران کارخانه سیمان[۴] و نیز سندیکای رانندگان خط ۳ و ۴ اتوبوس‌رانی[۵] اشاره کرد. جذب این افراد فرصت بسیار مناسبی را برای تبلیغ سومکا در محیط‌های کارگری فراهم آورد[۶] و هم‌چنین زمینه‌ساز سازماندهی و تشکیل «سندیکای سومکا» شد.[۷]

← در گزارشی که نمایانگر نفرت آریانا از فرهنگ اسلامی مردم ایران می‌باشد، اشاره شده که تغییر خط، قطع ارتباط با روحانیت را در پی خواهد داشت. (ر.ک: فردوست، پیشین، ص ۴۳۳.) گرچه این نظر تا اندازه‌ای نادرست می‌نماید، اما در واقع نشانگر اندیشه‌ی گروهی است که اصلاح خط را، نه تنها به عنوان یک دگرگونی فرهنگی برای سهولت سوادآموزی، بلکه به مثابه ابزاری برای بریدن ارتباط فرهنگی ـ مذهبی با گذشته می‌دانستند.

۱. ر.ک. سند شماره‌ی ۶۵ از مجموعه‌ی حاضر

۲. ر.ک: سند شماره‌ی ۱۱۳ از مجموعه‌ی حاضر

۳. «در دنیایی دشمن...»، **سومکا**، پیشین، ص ۳

۴. در آغاز افراد سندیکای کارخانه سیمان، اعضای اصلی «گروه حمله» را تشکیل می‌دادند. ر.ک: «دنیایی دشمن....»، **سومکا**، پیشین، ص ۳

۵. همان جا.

۶. برای نمونه بنگرید به: «اخیراً گروه کارخانه سیمان سومکا بر فعالیت خود افزوده و در هفته گذشته نیز اعلامیه‌ای در آن جا پخش کردند». «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۰ (۱۳۳۱/۸/۲۲)، ص ۴

۷. «طبق فرمان حزبی گروه‌های راه‌آهن و سیلو و سیمان مقدمات هم‌کاری وسیع خود را برای تشکیل «سندیکای سومکا» تدارک دیده‌اند»، به نقل از: «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۱، ص ۴

نقطه مشترک آرزوها و خواسته‌های این گروه‌ها برای پیوستن به سومکا، مخالفت آن حزب با حزب توده بود. گرچه چنین می‌نماید که در این میان تصور حمایت «شاه» از سومکا (و بالعکس) در جذب این افراد بی‌تأثیر نبوده باشد. هم‌چنان که در فصل دوم اشاره شد، دلیل اصلی انشعاب اعضای «سندیکای یخ‌فروشان» از سومکا، مخالفت دکتر منشی‌زاده با شاه بود.

به نظر می‌رسد مخالفت سومکا با حزب توده در جذب گروهی از ارامنه از اعضای «باشگاه آرارات» نیز مؤثر بوده است.(۱) در این راستا خبری حاکی از درگیری افراد این گروه با «انجمن خیریه ارامنه» که سومکا آن‌ها را «بالشویک» خوانده، موجود است.(۲) به هر روی با پیوستن این افراد در خرداد ۱۳۳۱ به سومکا، سازمان جدیدی با عنوان «سازمان ارامنه‌ی وابسته به سومکا» به وجود آمد.(۳) خبرگزاری سومکا هم‌چنین خبر الحاق «حزب جنگل خمسه طوالش» به سومکا را اعلام کرده بود، بی‌آن‌که اطلاعات بیشتری در این باره ارائه کند.(۴)

پایگاه‌های شهرستانی حزب سومکا

به موازات فعالیت اعضای سومکا در تهران، کوشش شد تا در دیگر شهرها نیز پایگاه‌های حزبی تأسیس شود. از جمله شهرهایی که سومکا در آن‌ها دست به ایجاد پایگاه زده بود می‌توان به شهرها (و بخش‌های) زیر اشاره کرد:

بوشهر،(۵) اهواز، بندرشاه، گلندرود، بندر شاهپور، بندر معشور، دزفول، هفتگل،

۱. ر.ک: «ارامنه در چنگال روسیه بلشویک»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۵ (۱۳۳۱/۱۰/۷)، ص ۲. این مقاله به وسیله‌ی یکی از اعضای ارمنی سومکا نوشته شده بود.

۲. سومکا در نقل خبر «شهباز ضد استعمار» که نوشته بود «چاقوکشان داشناک در شرارت و رذالت به راه سومکا پیوسته‌اند»، نوشت که آن روزنامه «به رفقای»، «باشگاه آرارات ما که بالشویک‌های معروف به «انجمن خیریه‌ی ارامنه» [را] مجازات کرده‌اند، حمله می‌کند». به نقل از: «دروغ‌هایی که»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۲، ص ۲

۳. «در دنیایی دشمن...»، پیشین، ص ۲، هم‌چنین ر.ک: سند شماره‌ی ۴۱ از مجموعه‌ی حاضر

۴. ر.ک: «خبرگزاری....»، **سومکا**، س ۱، ش ۱۹، ص ۴

۵. «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۱، ش ۳ (۱۳۳۱/۴/۳۰)

مسجد سلیمان،[۱] آبادان، خرمشهر،[۲] یزد، خورموج، لاهیجان،[۳] علیشاه عوض و شهریار، پیشوا (ورامین)، کرمانشاه، قزوین، بروجرد، اراک، تبریز، قم، نیشابور، لشت‌نشاء، خمسه طوالش،[۴] آمل،[۵] رشت،[۶] مشهد، کرمان، رودسر،[۷] گنبدکاووس،[۸] ابهر،[۹] و شهرری.[۱۰]

بدیهی است که پایگاه‌های مورد اشاره از نظر جایگاه محلی و گستردگی در یک سطح قرار نداشتند. تعداد اعضای برخی از این پایگاه‌ها کمتر از انگشتان یک دست بود[۱۱] و در واقع درج خبر افتتاح پایگاه حزب سومکا در یک شهر، در هفته نامه‌ی ارگان حزب را می‌توان از جمله فعالیت‌های تبلیغاتی این حزب دانست. فعالیتی که بر اساس آن گردانندگان سومکا می‌خواستند حزب را گسترده‌تر از آن‌چه بود، نشان دهند.

البته برخی از پایگاه‌های حزبی فعالیت بیشتری داشته، کادر تشکیلاتی خود را کامل کرده و به جذب نیرو پرداخته بودند. برای نمونه می‌توان به پایگاه‌های حزب سومکا در شهرهای مشهد، تبریز و اهواز اشاره کرد. پایگاه حزبی یزد هم گرچه ظاهراً در جذب

---

۱. «در دنیایی دشمن...»، پیشین، ص ۲
۲. «خبرگزاری...»، س ۱، ش ۲ (۱۳۳۱/۴/۲۳)، ص ۳
۳. «در دنیایی دشمن...»، سومکا، پیشین، ص ۳
۴. همان جا
۵. «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۲، ش ۵۶، ص ۴
۶. «در دنیایی دشمن...» **سومکا**، پیشین، ص ۲
۷. «خبرگزاری...» **سومکا**، س ۱، ش ۵۴، ص ۴
۸. «خبرگزاری...» **سومکا**، س ۱، ش ۲۰ (۱۳۳۱/۸/۲۲)، ص ۴
۹. ر.ک: اسناد شماره‌ی ۲۱۸ تا ۲۲۲ از مجموعه‌ی حاضر
۱۰. ر.ک: سند شماره‌ی ۱۱۵ از مجموعه‌ی حاضر
۱۱. برای نمونه اعضای حزب در بروجرد (براساس دفاتر حزبی) دو نفر بوده‌اند (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ب، ۳۷۷). هم‌چنین نویسنده کتاب احزاب سیاسی درکرمانشاه... با وجود این‌که قسمتی از عنوان کتاب خویش را به نام محل حزب سومکا (در خیابان خانقاه تهران: خانه سیاه) اختصاص داده می‌نویسد: «در یادداشت‌ها و مصاحبه‌های معمرین و فعالین و صاحب‌نظران از فعالیت حزب سومکا در تهران و وجود (خانه سیاه) در محل کوچه لکها (درگاراژ) اشاره دارند، اما از گردانندگان و اعضای آن مطلبی در دست نیست.» ر.ک: محمدعلی سلطانی، ***احزاب سیاسی و انجمن‌های سری درکرمانشاه از فراموش خانه تا خانه سیاه***: دوره‌های ۱-۵ انتخابات مجلس شورای ملی و فریادگران بر نظام دیکتاتوری از کرمانشاه، مؤسسه‌ی فرهنگی نشر سها، تهران ۱۳۷۸، ص ۴۹۸

اهالی کامیاب نبود، اما اشاراتی دال بر فعالیت‌های مطبوعاتی این پایگاه موجود است[۱] که ظاهراً تنها پایگاه حزب سومکا است که به این فعالیت دست زده است. (فعالیت‌های پایگاه‌های دیگر در چاپ و نشر اعلامیه خلاصه می‌شد).

تأمین هزینه‌های حزب سومکا

از جمله مسائل مربوط به تشکیل حزب و اداره‌ی آن، بحث تأمین هزینه‌هاست. این مسئله در دوران مورد مطالعه‌ی فعالیت حزب سومکا، بسیار بحث برانگیز بوده است.

اهمیت این مسئله درباره‌ی حزب سومکا، تا حدی است که گفته شده دکتر مصدق دلیل بر کنار کردن سرتیپ کمال از ریاست شهربانی را عدم اطلاع وی از محل تأمین مخارج حزب سومکا و در نتیجه «به واسطه‌ی جهل از جریان سیاسی کشور» اعلام کرده بود.[۲] از طرف دیگر بحث تأمین هزینه‌های سومکا از جمله مواردی بود که به وسیله‌ی آن، احزاب و جریان‌های مخالف هم‌زمان با آن حزب، قصد ضربه زدن به سومکا را داشتند.

هم‌چنان‌که در بخش تشکیل حزب سومکا گفته شد، منابع هم‌زمان با سومکا، این حزب را وابسته و برساخته‌ی دولت، دربار، انگلیس و آمریکا معرفی کرده و بر این اساس آنان را تأمین‌کننده‌ی هزینه‌های حزبی معرفی می‌کردند.[۳] برای نمونه دکتر مصدق زمانی گفته بود که سومکا از انگلیسی‌ها کمک مالی دریافت کرده است.[۴] یک سال پیش از آن در گزارش‌های شهربانی نیز آمده بود که سومکا به وسیله‌ی یکی از

۱. ر.ک: بحث «انتشارات دیگر سومکا»

۲. به نقل از: «دروغ‌هایی...»، **سومکا**، س ۱، ش ۳۰ (۱۳۳۱/۱۲/۳)، ص ۴. هم‌چنین ر.ک: منشی‌زاده، «دولت طوماری...»، پیشین، ص ۱

۳. ر.ک: فصل سوم از کتاب حاضر، بحث تشکیل حزب، هم‌چنین برای نمونه بنگرید به: اسناد شماره‌ی ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۵ از مجموعه‌ی حاضر

۴. به نقل از: داوود منشی‌زاده، «تنها نهضت سوسیالیسم ملی ما می‌تواند به این همه انحطاط و بدبختی خاتمه دهد نه اصلاحات مصدق السلطنه‌ها». **شیر شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا. س ۲، ش ۴۴ (۱۳۳۲/۴/۱۰). در این مقاله و هم‌چنین مقاله‌ی «دولت طوماری...» دکتر منشی‌زاده به این خاطر، به‌شدت دکتر مصدق را مورد حمله قرار داده است.

کارمندان شرکت ملی نفت ایران درصدد گرفتن کمک مالی از انگلیسی‌ها بر آمده است.[۱] گزارشی دیگر از ارتباط سومکا با یک سازمان فاشیستی در عراق که توسط انگلیسی‌ها حمایت می‌شد سخن می‌گفت؛[۲] گزارش‌هایی که در درستی آن تردید است.

گروهی دیگر به تأمین هزینه‌های سومکا توسط دربار اشاره کرده‌اند.[۳] برای نمونه فردوست در خاطرات خود، شاه را تأمین‌کننده‌ی هزینه‌های حزب سومکا معرفی کرده و نوشته است: «به هزینه‌ی محمدرضا، آن‌ها خانه‌ای اجاره کرده بودند و وسایل خانه هم توسط دربار تأمین شد».[۴] نکته‌ای که درباره‌ی اظهار نظر فردوست مهم است، نزدیک بودن این فرد به شاه و اطلاع او از بسیاری جریان‌های پشت پرده‌ی تاریخ معاصر ایران است. با وجود این، پرداخت هزینه‌ی اجاره‌ی محل حزب توسط شاه، قابل بررسی است.

تا آن جا که اسناد نشان می‌دهند، پرداخت هزینه‌های اجاره‌ی منزل دکتر منشی‌زاده و محل حزب، مربوط به دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد می‌باشد،[۵] از طرف دیگر پیش از کودتا، استقرار حزب سومکا در محل معروف به خانه سیاه (واقع در خیابان خانقاه)[۶] مورد اعتراض مالک منزل قرار گرفته بود[۷] و حتی یکی از نمایندگان مجلس سنا

---

۱. ر.ک: سند شماره‌ی ۴۵ از مجموعه‌ی حاضر، با توجه به این نکته که این گزارش در هیئت دولت خوانده شده است، آیا مفاد این گزارش در ذهن دکتر مصدق باقی مانده بود؟

۲. ر.ک: سند شماره‌ی ۵۶ از مجموعه‌ی حاضر

۳. برای نمونه بنگرید به: جزنی، پیشین، ص ۹۲. و نیز: «شایعه درباری بودن ما را دشمنان ایجاد کرده‌اند و ما یک بار و برای همیشه آن را تکذیب می‌کنیم»، «با خوانندگان»، **سومکا**، س ۱، ش ۴۰ (۱۳۳۲/۳/۶)، ص ۲

۴. فردوست، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۰

۵. ر.ک: اسناد شماره‌ی ۲۵۲ تا ۲۵۵ و ۲۵۷ تا ۲۶۰

۶. این خانه توسط یکی از اعضا به نام فروردین سپاهی در اختیار حزب قرار داده شده و حزب در پانزدهم فروردین ۱۳۳۱ به آن جا نقل مکان کرده بود. از آن جا که حزب سومکا دیوارهای خانه را به رنگ سیاه در آورده بود، به خانه‌ی سیاه معروف گشت.

۷. زندنیا در خاطرات خود اشاره کرده است که منزل خانم سپاهی در اصل ۶۰ متری و با خانه‌ای ۱۲۰۰ متری که قبلاً توسط خودش به فروش رفته، همسایه بوده است. خانم سپاهی دیوار بین دو خانه را برداشته بود و به این ترتیب خانه مشاع شده بود و سپس خانم علی نقی خانه را در حراج برده و از آن پس در پی گرفتن حکم تخلیه‌ی آن جا ـ که در اختیار حزب سومکا قرار داشت ـ بود. خاطرات زندنیا، هر سه مجموعه.

شکایت وی را در مجلس قرائت کرد که معاون وزارت جنگ به آن پاسخ گفت.[۱] با توجه به وجود گزارش‌هایی حاکی از دریافت مقرری توسط دکتر منشی‌زاده، پس از کودتای ۲۸ مرداد و براساس آن چه گفته شد، به نظر می‌رسد زمان مورد اشاره‌ی فردوست مربوط به این دوران باشد.

گروهی دیگر آمریکا را منبع تأمین هزینه‌های سومکا دانسته‌اند نشریه‌ی «بسوی آینده» زمانی اعلام کرده بود که منشی‌زاده مبلغ ۶۰۰۰۰ دلار کمک مالی از آمریکا دریافت داشته است.[۲] در مورد دیگر، فرمانده «گروه زنان» سومکا را رابط حزب و سفارت آمریکا معرفی می‌کردند که توسط او آمریکایی‌ها به حزب کمک مالی

---

۱. سخنانی که فرخ در مجلس سنا مطرح کرده بود و پاسخ معاون وزارت جنگ از این قرار است:
«آقای فرخ به عنوان مخالف گفت: «مخالفت بنده با حکومت نظامی بدین علت است که مأمورین حکومت نظامی آن‌طور که قانون معین کرده است از قدرت خود استفاده نمی‌کنند. الآن مدتی است در تهران حکومت نظامی است و بنده اطلاع دارم که در یک نقاطی اشخاص مسلح هستند. چرا دولت این‌ها را خلع سلاح نمی‌کند، این مراکزی که برای تولید تشنج و اغتشاش است حکومت نظامی از آن‌ها اطلاع دارد؟ پریروز خبر رسیده بود که حزبی موسوم به سومکا رفته خانه‌ی یک نفر را به نام ملیحه خانم ضبط کرده و در آن‌جا نشسته است. این زن به حکومت نظامی شکایت کرده و حکومت نظامی هیچ عملی برای او انجام نداده است...
معاون وزارت جنگ گفت: در مورد این‌که آقای فرخ فرمودند عرض می‌کنم که حزبی قبلاً تشکیل شده به نام حزب سومکا و این خانه هم مشاع است، تصرف نشده، این‌ها چون برخلاف قانون وارد خانه شده بودند خانم شکایت کرد و مأمورین حکومت نظامی این قسمت خانه را به خانم پس دادند، ولی چون چند اطاق این خانه متعلق به این خانم نیست آن خانم می‌خواهد این عده از این قسمت هم بروند. خواستم این امر را به اطلاع آقای فرخ برسانم». «در مجلس علنی امروز سنا»، ***کیهان***، س ۱۰، ش ۲۶۹۷ (۱۳۳۱/۲/۱۲)، ص ۲
کمی پس از درج این مطالب بانو ملیحه علی نقی، مطلب زیر را برای روزنامه‌ی اطلاعات ارسال کرد:
«اداره‌ی روزنامه‌ی اطلاعات، خواهشمند است توضیح ذیل را برای روشن ساختن اذهان و افکار عامه به تعدیاتی که حزبی به عنوان رهبری مردم به این‌جانبه روا داشته و حقایق را در آن روزنامه قلب حقیقت کرده و عوض احقاق حق این جانبه به مغالطه و استتار پرداخته است، درج فرمایند. برخلاف ادعا[ی] حزب سومکا و بر طبق حکایت سند مالکیت این‌جانبه و پرونده‌های موجود در فرمانداری نظامی، حزب نام‌برده به قهر و غلبه به منزل این‌جانبه وارد شده و این تصرفات غاصبانه هنوز ادامه دارد و مراجع قانونی هنوز به آن رسیدگی و احقاق حق نکرده‌اند زیرا طبق سند مالکیت شماره ۱۴۵۰۲۴ تمام شش‌دانگ خانه، ملک این‌جانبه است و دخالت در هر قسمت از ملک غیر عنفاً جرم است. با کمال تأسف مقامات رسمی هم بر خلاف حقیقت در مجلس سنا اظهاراتی می‌فرمایند یا این‌که دچار اشتباه هستند. امیدوارم کمیسیون عرایض مجلس سنا حقایق را روشن کرده و به استحضار مجلس سنا برساند. مالک خانه فوق-بانو ملیحه.» اطلاعات، چهارشنبه ۱۳۳۱/۲/۱۷، ص ۲۶، ش ۷۸۰۳، ص ۴

۲. به نقل از: «دروغ‌هایی...»، سومکا، س ۱، ش ۳ (۱۳۳۱/۴/۳۰)، ص ۲

می‌نمایند.[۱] گزارش‌های جسته و گریخته‌ای از کمک‌های مالی افراد مخالف دولت به حزب سومکا نیز، در دوره‌های مختلف فعالیت حزبی، موجود است.[۲]

شواهد موجود حاکی از آن است که در دوره‌های متفاوت فعالیت حزبی، سومکا با دوره‌های تنگدستی روبرو بود[۳] و تنها در کوتاه زمانی، نشانه‌های بهبود اوضاع اقتصادی آن حزب دیده می‌شود.

در یکی از دوره‌های تنگدستی، هنگامی که منبع تأمین کننده‌ی هزینه‌های حزبی و بخصوص انتشار هفته نامه زیر سؤال رفت، سومکا نوشت: «کلیه افراد ملت ایران هر روز می‌توانند به دفتر روزنامه و گنجور حزب برای رسیدگی به مخارج و درآمدها...مراجعه کنند تا دستگیرشان شود که مخارج سومکا از کجا تأمین می‌شود».[۴] در همین دوران است که گزارش شده «به دلیل وضع بد مالی حزب، منشی‌زاده زمانی می‌خواسته از جمال امامی و امثال او کمک بگیرد». گزارشگر حتی گمان کرده که حمله‌ی دکتر منشی‌زاده به شاه «به منظور این باشد که او را بخواهند و پول در اختیارش بگذارند».[۵]

شواهد موجود بیانگر این مطلب است که در آغاز کار، حزب برای تأمین هزینه‌های خود به اعضاء توسل جسته[۶] و گزارش‌های اولیه نیز حاکی از پرداخت هزینه‌های حزبی توسط اعضا است. برای مثال در انتشار روزنامه، اعضای متمول حزب هزینه‌های آن را پرداخت کرده‌اند که با کناره‌گیری آن اعضا، در انتشار ارگان حزبی وقفه ایجاد شد که همین موضوع بیانگر وضع مالی نامناسب دکتر منشی‌زاده می‌باشد.[۷]

چند ماه پس از این گزارش‌ها، در وضع مالی حزب تغییراتی مشاهده می‌شود. کمی

---

۱. به نقل از: «خبرگزاری...»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۵ (۱۳۳۱/۱۰/۷)، ص ۳

۲. برای نمونه بنگرید به سند شماره‌ی ۱۱۲ از مجموعه‌ی حاضر

۳. از جمله پزشکپور می‌گوید که در ملاقاتی که با منشی‌زاده داشته، وضع زندگی او را چنان ندیده که نشان دهنده‌ی کمک مالی به وی بوده باشد. (مصاحبه با محسن پزشکپور). خسرو معتضد این نکته که دکتر منشی‌زاده تمام عمر مسئله‌ی تنگی معاش رویارو بود را به عنوان تأییدی بر وابسته نبودن او به جایی ذکر کرده است. ر.ک: خسرو معتضد، ***سراب جانشین پسر***، جلد دوم، ص ۵۶۱، زیرنویس شماره‌ی ۱

۴. اطلاعیه «گنجوری سومکا»، در: سومکا، س ۱، ش ۳ (۱۳۳۱/۴/۳۰)، ص ۲

۵. ر.ک. سند شماره‌ی ۸۱ از مجموعه‌ی حاضر

۶. ر.ک. منشی‌زاده، خطابه‌های رهبر حزب...، صص ۲۸ تا ۳۰

۷. ر.ک. سند شماره‌ی ۸۱ از مجموعه‌ی حاضر

پیش از کودتای ۲۸ مرداد، حزب نه تنها قادر به تأمین هزینه‌های خود شده، بلکه می‌تواند به گروهی از اعضا کمک مالی بنماید[۱] که این امر می‌تواند گزارش‌های مبنی بر کمک مالی «سیا» به سومکا را تأیید کرده و نشانگر تأثیر آن کمک‌ها باشد. گرچه با توجه به زندانی بودن دکتر منشی‌زاده از چند ماه قبل، احتمالاً این کمک‌های مالی به شخص دیگری پرداخت شده است.[۲]

اما پس از کودتای ۲۸ مرداد، تغییراتی در روش دکتر منشی‌زاده به چشم می‌خورد. سندی تأکید می‌کند که او از مقامات انتظامی کمک مالی دریافت می‌کرد؛[۳] شاه شخصاً دستور پرداخت هزینه‌های معالجه‌ی او را صادر کرد؛[۴] و بودجه‌ی حزب سومکا را شهربانی پرداخت می‌کند.[۵] هر چند نباید از نظر دور داشت که پس از کودتا، داوود منشی‌زاده و حزبش با مشکلات مالی روبرو بوده‌اند.[۶]

گرچه سومکا منکر هرگونه وابستگی مالی به‌جز کمک‌های اعضا بود،[۷] ولی به نظر نمی‌رسد هزینه‌های مربوط به حزب، هزینه‌هایی باشد که تنها با گرفتن حق عضویت از اعضا بتوان آن را تأمین کرد.

---

۱. ر.ک. «اشخاصی که نام برده‌اید و مبلغی را که اشاره کرده‌اید صحیح است...این اشخاص تمام وقت خود را باید صرف حزب کنند و هر جمعیتی در محل خود افرادی را لازم دارد که دائماً حاضر باشند و طبیعی است که این افراد نمی‌توانند کار دیگری بکنند و باید به آن‌ها کمک شود.»، «با خوانندگان»، **شیر شرق**، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۲، ش ۴۴ (۱۳۳۲/۴/۱۰)، ص ۳

۲. ر.ک. فصل دوم، مبحث سومکا و کودتای ۲۸ مرداد

۳. ر.ک. سند شماره‌ی ۲۴۷ از مجموعه‌ی حاضر

۴. ر.ک. سند شماره‌ی ۲۵۰ از مجموعه‌ی حاضر

۵. ر.ک. سند شماره‌ی ۲۴۷ از مجموعه‌ی حاضر

۶. ر.ک. سند شماره‌ی ۲۳۸ از مجموعه‌ی حاضر

۷. برای مثال بنگرید به: «ما جیره‌خوار کسی نیستیم». **سومکا**، س ۱، ش ۳۴ (۱۳۳۲/۱/۲۶)، ص ۱، همچنین ر.ک: منشی‌زاده، «دولت طوماری...»، **سومکا**، پیشین، ص ۱

گاهشمار

۱۲۹۳/۶/۶	تولد داوودمنشی‌زاده
۱۲۹۶/۸/۲۳	کشته شدن ابراهیم منشی‌زاده (پدر داود)
۱۳۱۰	اعزام داوودمنشی‌زاده به فرانسه برای تحصیل
۱۳۱۶	اخذ لیسانس از دانشگاه دیژون؛ شروع به تحصیل در دانشگاه مونیخ
۱۳۱۷	فعالیت جهت تأسیس «انجمن ایران و افغان» در مونیخ
۱۳۱۹	ادامه تحصیل در برلین، هم‌کاری با مطبوعات آلمانی
۱۳۲۰	ورود به ارتش آلمان و شرکت در جنگ
۱۳۲۲	اخذ مدرک دکتری از دانشگاه برلین
۱۳۲۴/۲/۱۰	مجروح شدن در آستانه‌ی سقوط برلین
۱۳۲۶	تدریس ایران‌شناسی در دانشگاه مونیخ
۱۳۲۷	بازگشت برای مدت کوتاه به ایران
۱۳۲۸	استاد مدعو در دانشگاه فاروق اول، اسکندریه
زمستان ۱۳۲۹	بازگشت منشی‌زاده به ایران
۱۳۳۰/۲/۱۰	پایه‌گذاری حزب سومکا بنا به روایت «حزبی»
۱۳۳۰/۸/۲۸	اعلام رسمی برنامه‌ی ۲۵ ماده‌ای حزب
۱۳۳۰/۹/۳۰	فوت کاظم معصومخانی در سانحه‌ی سقوط هواپیمای مصری در اطراف تهران
۱۳۳۰/۱۰/۱۲	پیوستن گروهی از اعضای «گنا» به سومکا

۱۳۳۰/۱۰/۱۸	تشکیل «گروه زنان ایران» حزب سومکا
۱۳۳۰/۱۰/۲۰	صدور فرمان تشکیل «گروه ایران فرزندان»
۱۳۳۰/۱۱/۲	معرفی اعضای گروه حمله به رهبر حزب
۱۳۳۰/۱۱/۷	برگزاری نخستین جلسه‌ی کلاس آموزش سیاسی سومکا
بهمن ۱۳۳۰	تشکیل «گروه دانشگاه» در حزب
اسفند ۱۳۳۰	تشکیل «گروه فنی سومکا»
۱۳۳۱/۱/۱۰	اعلام یک ماه حکومت نظامی در تهران
۱۳۳۱/۱/۱۵	تغییر مکان حزب به خیابان خانقاه
۱۳۳۱/۱/۲۴	جدایی اعضای اصلی پدیدآورنده، از حزب (نخستین انشعاب)
۱۳۳۱/۲/۱۶	سختگیری مأموران حکومت نظامی در برگزاری کنفرانس مطبوعاتی حزبی
۱۳۳۱/۲/۲۶	سختگیری مأموران حکومت نظامی در برگزاری کنفرانس مطبوعاتی حزبی
۱۳۳۱/۲/۲۸	شروع به همکاری روزنامه‌ی «مرد آهنین» با سومکا
اردیبهشت/۱۳۳۱	تصویب اساسنامه و آیین‌نامه‌های حزبی
اردیبهشت/۱۳۳۱	نثار دسته‌گل به قبر رضاشاه توسط منشی‌زاده و چند تن از اعضای حزبی
۱۳۳۱/۲/	گشایش پایگاه‌های حزبی سومکا در بندر شاه، گلندرود و اهواز
۱۳۳۱/۳/۲	تظاهرات چند تن از اعضای حزب در کرج
۱۳۳۱/۳/۱۹	مانور اتوبوس‌های حامل اعضای حزب در کرج
خرداد/۱۳۳۱	تشکیل «سازمان ارامنه» وابسته به سومکا
۱۳۳۱/۳/۲۶	تظاهرات در تهران با کمک برخی رانندگان خطوط ۳ و ۴ اتوبوسرانی
۱۳۳۱/۴/۳	زدوخورد* در خیابان کنت و زخمی شدن منوچهر کیان
۱۳۳۱/۴/۴	درگیری با طرفداران حزب توده در خیابان منوچهری و آتش زدن دو کتابفروشی وابسته به آن‌ها

۵تا۱۱/۴/۱۳۳۱	زدوخوردهای موردی با طرفداران حزب توده[1]
۱۳۳۱/۴/۶	تشکیل «گروه جاویدان»
۱۳۳۱/۴/۱۴	انتشار نخستین شماره‌ی هفته‌نامه‌ی سومکا زیر نظر داریوش همایون
۱۳۳۱/۴/۱۶	افتتاح شعبه‌ی سومکا در پیشوا (ورامین)
۱۳۳۱/۴/۱۷	تشکیل کلاس بهداشتی سومکا و لابراتوار حزبی
تیر/۱۳۳۱	پایان کار ساختمان‌سازی در محوطه‌ی «خانه سیاه»
۱۳۳۱/۴/۲۲	آغاز به کار شعبه‌های سومکا در مشهد و بوشهر
۱۳۳۱/۴/۲۴	تشکیل کنفرانس ۱۵ روزه‌ی حزبی در علیشاه عوض
۱۳۳۱/۴/۲۵	زدوخورد چند تن از اعضای سومکا در خیابان لاله‌زار و دستگیری آن‌ها
۱۳۳۱/۴/۲۶	انتشار اساسنامه حزب
۱۳۳۱/۴/۲۷	ملاقات خبرنگار روزنامه «اخبارالیوم» با منشی‌زاده
۱۳۳۱/۴/۳۰	قیام سی‌ام تیر
۱۳۳۱/۴/۳۱	استعفای فرمانده‌ی گروه حمله‌ی سومکا
تیر/۱۳۳۱	گشایش پایگاه‌های حزبی در علیشاه عوض و مرکز شهریار
تیر/۱۳۳۱	تأسیس پایگاه‌های سومکا در لاهیجان، کرمانشاه، قزوین، بروجرد، اراک و تبریز
۱۳۳۱/۵/۶	ادعای شرکت سومکا در وقایع سی‌ام تیر
۱۳۳۱/۵/۶	تعلیم «زدوخورد خیابانی» به اعضای گروه حمله
۱۳۳۱/۵/۷	زدوخورد با دو بالشویک
۱۳۳۱/۵/۹	انتشار چاپ دوم برنامه و چاپ اول اساسنامه
۱۳۳۱/۵/۱۵	شرکت سومکا در درگیری کارخانه چیت‌سازی

* منظور از زدوخورد، درگیری‌های موردی یک یا چند تن از اعضای حزبی با چند تن از افراد مخالف حزبی

۱۳۳۱/۵/۱۷	زدوخورد اعضای سومکا در سینما دیانا
۱۳۳۱/۵/۲۱	لغو حکومت نظامی در تهران
۱۳۳۱/۵/۲۲	حمله اعضای سومکا به خانه‌ی وکس و تخریب تابلوی اداره‌ی بازرگانی مجارستان
۱۳۳۱/۵/۲۵	درگیری طرفداران حزب توده با اعضای سومکا در چهارراه مخبرالدوله
۱۳۳۱/۵/۲۷	انشعاب سندیکای یخ‌فروشان از سومکا و تسلیم تذکاریه شارژ دافر شوروی به وزیر امورخارجه ایران
۱۳۳۱/۵/۲۸	زدوخورد اعضای منشعب از سومکا و افراد توده‌ای با اعضای سومکا در مقابل بازار (سبزه‌میدان)؛ شرکت گروه جاویدان برای نخستین بار در درگیری‌با دست‌فروشان؛ حمله به خانه‌ی صلح؛ حمله به خانه‌ی سیاه (جنگ اول قلعه‌ی سومکا)
۱۳۳۱/۵/۳۰	اعلام حکومت نظامی؛ حمله‌ی اعضای سومکا با نارنجک آتش‌زا به کامیون یکی از انشعابیون
۱۳۳۱/۶/۳	بازرسی از محل حزب سومکا، دستگیری منشی‌زاده
۱۳۳۱/۶/۵	صدور اعلامیه‌ی حزب سومکا و اعتراض به دستگیری منشی‌زاده
۱۳۳۱/۶/۸	بازرسی از محل حزب سومکا، دستگیری زندنیا، معینی، همایون و سوختن پرچم حزبی (نامگذاری هشتم شهریور به عنوان روز خشم پرچم)؛ منصوب شدن ضیاء مدرس به فرماندهی موقت سومکا؛ بازرسی منزل امیرناصر معینی و ضبط وسایل و علائم مربوط به حزب سومکا
۱۳۳۱/۶/۱۲	دستگیری سعید رجبی‌نیا و ابراهیم رنجبر

← است که معمولاً سومکا از آن‌ها به عنوان بالشویک یاد کرده است. برای زدوخوردهای مهم‌تر از واژه‌ی درگیری استفاده خواهد شد.

۱۳۳۱/۶/۳۰	انتشار اعلامیه‌ی اعتراض به بازداشت اعضای سومکا
۱۳۳۱/۷/۱۱	انتقال دستگیرشدگان به زندان دادگستری
۱۳۳۱/۷/۱۹	دستگیری منوچهر کیان
۱۳۳۱/۷/۲۶	انتشار اعلامیه‌ی شماره‌ی ۱ در شهرری، زدوخورد در شهرری؛ افتتاح شعب سومکا در لشت‌نشا و فومن؛ زدوخورد بین اعضای سومکا و طرفداران توده در لاهیجان
۱۳۳۱/۷/۲۶	تمدید حکومت نظامی به مدت ۲ ماه
۱۳۳۱/۸/۱۱	درگیری بین اعضای سومکا و طرفداران حزب توده در آبادان
۱۳۳۱/۸/۱۲	برقراری نخستین جلسه‌ی «شورای موقت سومکا»
۱۳۳۱/۸/۱۲	ملاقات نماینده‌ی حزب جنگل خمسه طوالش با منشی‌زاده در زندان و اعلام الحاق آن جمعیت به سومکا
۳۱/۸/۱۹	زدوخورد اعضای سومکا در مقابل دبیرستان فیروز بهرام
۱۳۳۱/۸/۲۴	نخستین جلسه‌ی هم‌کاری افراد «باشگاه آرارات» با اعضای سومکا
۱۳۳۱/۸/۲۸	ملاقات و مصاحبه «وان اشپرانک» (خبرنگار هلندی) با فرمانده موقت حزب
۱۳۳۱/۸/۲۹	زدوخورد اعضای سومکا در خیابان مولوی و میدان بهارستان
۱۳۳۱/۹/۶	زدوخورد اعضای سومکا در چهارراه گمرک، امیریه و مقابل دبیرستان شرف
۱۳۳۱/۹/۷	افتتاح پایگاه شماره‌ی یک سومکا در خیابان مختاری
۱۳۳۱/۹/۸	زدوخورد اعضای سومکا در مقابل دبیرستان‌های فیروز بهرام و پیرنیا و چهارراه گمرک
۱۳۳۱/۹/۱۰	زدوخورد اعضای سومکا در خیابان مولوی
۱۳۳۱/۹/۱۲	زدوخورد اعضای سومکا در اطراف دبیرستان پیرنیا
۱۳۳۱/۹/۱۶	آزادی سعید رجبی‌نیا و کیان از زندان با قید کفیل
۱۳۳۱/۹/۱۹	آزادی امیرناصر معینی از زندان با قید کفیل

۱۳۳۱/۹/۲۲	آزادی داریوش همایون از زندان با قید کفیل، اعزام همایون به آبادان تحت عنوان سرکشی به وضع پایگاه‌های خوزستان و رفع اشکالات
۱۳۳۱/۹/	زدوخورد در شهرری
۱۳۳۱/۹/۲۱	تظاهرات سومکا در اهواز
۱۳۳۱/۹/	زدوخورد در لاهیجان و آبادان
۱۳۳۱/۹/۲۴	ورود داریوش همایون به اهواز و انتصاب مسئولین پایگاه آن شهر
۱۳۳۱/۹/۲۵	زدوخورد اعضای سومکا در دبیرستان مهیار (تهران)
۱۳۳۱/۹/۲۶	ورود بازرس حزبی (همایون) به آبادان
۱۳۳۱/۹/۲۷	تمدید دوماهه‌ی حکومت نظامی
۱۳۳۱/۹/۲۹	ورود بازرس حزبی (همایون) به بندر شاهپور؛ آزادی منشی‌زاده به قید کفیل؛ انحلال فرماندهی موقت حزب سومکا
۱۳۳۱/۹/۳۰	بازگشت داریوش همایون به تهران؛ آزادی ابراهیم رنجبر از زندان با قید کفیل؛ زدوخورد اعضای سومکا در دبیرستان البرز
۱۳۳۱/۱۰/۸	تشکیل نخستین جلسه‌ی «کلاس فرماندهی گروه حمله»؛ تبلیغ ارگان حزب سومکا در سینمای پارک (به مدت چند روز)
۱۳۳۱/۱۰/۱۱	مصاحبه‌ی مطبوعاتی منشی‌زاده
۱۳۳۱/۱۰/۱۱	زدوخورد با چند تن از اعضای حزب آریا در نزدیکی خانه‌ی سیاه
۱۳۳۱/۱۰/۱۳	زدوخورد اعضای سومکا با چند دانشجوی طرفدار حزب توده در دبیرستان البرز
۱۳۳۱/۱۰/۱۴	زدوخورد با چند تن از اعضای حزب آریا
۱۳۳۱/۱۱/۱۱	بازرسی از محل حزب، کشف سلاح

۱۳۳۱/۱۱/۱۶	اعلام «توطئه‌ی همایی»
اسفند ۱۳۳۱	زدوخورد اعضای سومکا در دبیرستان رازی آبادان
۱۳۳۱/۱۲/۳	زدوخورد اعضای سومکا هنگام فروش ارگان حزب
۱۳۳۱/۱۲/۶	تظاهرات یک واحد مختلط حزبی در دبیرستان‌های مهیار، محمد قزوینی و شرف
۱۳۳۱/۱۲/۱۰	بازداشت زندنیا به اتهام نگهداری سلاح
۱۳۳۱/۱۲/۱۱	گزارش رئیس جمعیت مبارزه با استعمار به مرکز اقتصادی و سیاسی در خصوص تصمیم اعضای سومکا به ایجاد آتش‌سوزی و اغتشاش در شهر
۱۳۳۱/۱۲/۱۲	بازرسی از محل حزب، بازداشت امیرناصر معینی، اتمان پتروسیان، صابری و مهندس ملکشاهی
۱۳۳۱/۱۲/۱۳	بازرسی از محل حزب و بازداشت حسین شیبانی؛ آزادی زندنیا با قید کفیل؛ زدوخورد اعضای سومکا با طرفداران حزب توده
۱۳۳۱/۱۲/۱۷	محاکمه‌ی منشی‌زاده، همایون، زندنیا، رجبی‌نیا، کیان و معینی به اتهام ضدیت با سلطنت مشروطه ایران و تبرئه شدن آن‌ها
۱۳۳۱/۱۲/۲۰	بازداشت مجدد داریوش همایون
۱۳۳۱/۱۲/۲۱	اعلام سازمان جدید مرکزی گروه ایران فرزندان
۱۳۳۱/۱۲/۲۳	تشکیل نخستین جلسه شورای جدید حزبی زیر نظر حسین شیبانی
۱۳۳۱/۱۲/۲۷	برگزاری جشن چهارشنبه سوری در حزب
۱۳۳۱/۱۲/۲۸	آزادی مهندس ملکشاهی، صابری و پتروسیان
۱۳۳۲/۱/۶	بازرسی از منزل فردوس لادبن
۱۳۳۲/۱/۷	درگیری اعضای سومکا با طرفداران حزب توده در آبادان
۱۳۳۲/۱/۸	درگیری اعضای سومکا با طرفداران حزب توده در آبادان
۱۳۳۲/۱/۱۸	بازرسی محل حزب، ضبط علائم و مدارک حزبی

۱۳۳۲/۱/۲۰	تعلیق عضویت گروهی از اعضای سومکا که با حزب ذوالفقار تماس گرفته بودند؛ مضروب شدن قائم مقام گروه حمله حزب سومکا در میدان بهارستان
۱۳۳۲/۱/۲۲	استعفای ضیاء مدرس
۱۳۳۲/۱/۲۷	بازرسی از محل حزب سومکا؛ حمله‌ی اعضای حزب سومکا به تظاهرات بالشویک‌ها (در حمایت از دولت) در بروجرد
۱۳۳۲/۱/۳۱	ابلاغ سازمان جدید گروه حمله؛ مفقود شدن سرتیپ افشار طوس
۱۳۳۲/۲/۱۶	آزادی داریوش همایون از زندان
۱۳۳۲/۳/۷	زدوخورد اعضای سومکا با طرفداران حزب توده
۱۳۳۲/۳/۲۱	زدوخورد اعضای سومکا در آبادان با طرفداران حزب توده و آتش زدن کیوسک مطبوعاتی کوشا توسط اعضای سومکا
۱۳۳۲/۴/۱۴	تشکیل نخستین دوره‌ی کلاس روزنامه‌نگاری
۱۳۳۲/۴/۲۴	صدور حکم دادگاه شماره ۲ جنحه فرمانداری نظامی (محکومیت منشی‌زاده به پرداخت هشتاد تومان جریمه)
۱۳۳۲/۵/۲۵	شکست کودتا
۱۳۳۲/۵/۲۷	آزادی منشی‌زاده
۱۳۳۲/۵/۲۸	کودتای ۲۸ مرداد؛ سخنرانی منشی‌زاده در دروازه‌ی دولت
۲۷تا ۱۳۳۲/۵/۳۰	حمایت پایگاه‌های حزبی سومکا در شهرستان‌ها از کودتا
۱۳۳۲/۶/۷	درگیری با اعضای حزب آریا
۱۳۳۲/۶/۱۲	درگیری با اعضای حزب آریا
۱۳۳۲/۶/۱۵	تحویل باشگاه «نیرو و راستی» به ورزشکاران و مدیره‌ی آن (این باشگاه به بهانه وجود بالشویک‌ها در آن، توسط سومکا اشغال شده بود)
۱۳۳۲/۹/۲۹	مسافرت منشی‌زاده به ابهر

۱۳۳۲/۱۰/۱۸	افتتاح پایگاه حزب سومکا در شهرری
۱۳۳۲/۱۲/۷	مسافرت منشی‌زاده به دزفول
۱۳۳۲/۱۲/۹	مسافرت منشی‌زاده به اهواز
۱۳۳۲/۱۲/۱۲	مسافرت منشی‌زاده به بندر معشور
۱۳۳۶/۱۲/۸	بازداشت سرلشکر قرنی به اتهام دست داشتن در کودتا
۱۳۳۷	مسافرت منشی‌زاده به آمریکا به بهانه‌ی معالجه
۱۳۳۷ـ۴۰	مطالعه‌ی شرق‌شناسی در کتابخانه‌ی کنگره آمریکا
۱۳۴۲	آگاهی ساواک از طرح کودتای دوم سرلشکر قرنی
۱۳۴۲	فرار منشی‌زاده از ایران
۱۳۴۲ـ۴۳	منشی‌زاده مشاور آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اوپسالا (سوئد)
۱۳۴۳	تدریس منشی‌زاده در دانشگاه‌های اوپسالا و استکهلم
۱۳۵۰ـ۱	تدریس در دانشگاه هامبورگ به عنوان استاد مدعو
۱۳۵۹	بازنشستگی منشی‌زاده
۱۳۶۸/۴/۲۶	فوت داوودمنشی‌زاده

بخش دوم

اسناد

فهرست تفصیلی اسناد

س.ش	عنوان	ش.ص
س.ش ۱	نامه‌ی منشی‌زاده به دکتر متین‌دفتری (نخست‌وزیر وقت)	۲۰۵
س.ش ۲	پاسخ متین دفتری به نامه‌ی منشی‌زاده	۲۱۰
س.ش ۳	گزارش شهربانی از حزب سومکا: فعالیت‌ها، تشریفات و دیگر مسائل مربوطه	۲۱۱
س.ش ۴	گزارش تأثیر سومکا در دانشگاه و ارتش و نقش دولت آمریکا در تقویت این حزب	۲۱۲
س.ش ۵	گزارش شهربانی کل به اداره اطلاعات درباره‌ی تشکیل حزب سومکا و فعالیت‌های آن	۲۱۳
س.ش ۶	همکاری‌مهندس فردا با حزب سومکا و نیت اعضای اصلی حزب برای تجدید فعالیت حزب نازی در ایران	۲۱۴
س.ش ۷	گزارش از تلاش منشی‌زاده برای تهیه‌ی لباس متحدالشکل برای اعضا حزب، جهت انجام رژه و تظاهرات در خیابان	۲۱۵
س.ش ۸	گزارش اظهارات منشی‌زاده مبنی بر لزوم مقابله با فعالیت‌های شوروی در ایران	۲۱۶
س.ش ۹	گزارش فعالیت حزب توده و احزاب مخالف دربار برای انجام تظاهرات به نفع دولت مصدق و نقشه ترور یکی از مقامات توسط طرفداران احزاب سومکا و آریا	۲۱۷
س.ش ۱۰	گزارش مسافرت چند تن از اعضای حزب سومکا به اصفهان برای تأسیس پایگاه حزبی در آن‌جا	۲۱۸

س.ش ۱۱ اصل گزارش مسافرت اعضای سومکا به اصفهان ۲۱۹

س.ش ۱۲ گـزارش اخـتصاص مـحلی در خـیابان صـفی عـلیشاه بـه حـزب سومکا ۲۲۰

س.ش ۱۳ گزارشی از تـعداد اعـضای سـومکا و عـضویت چـند نـفر از امـرای ارتش در آن ۲۲۱

س.ش ۱۴ گزارشی درباره‌ی گردانندگان حزب سومکا ۲۲۲

س.ش ۱۵ گزارشی از اختلاف مـنشی‌زاده و دکـتر مکـری و قـصد مـنشی‌زاده جهت دریافت سلاح ۲۲۴

س.ش ۱۶ گـــزارش تـــصمیم تـــعدادی از اعـضای حـزب سـومکا بـرای انشعاب ۲۲۶

س.ش ۱۷ گزارش مراجعه افراد سومکا به محل اداره‌ی روزنامه‌ی وحدت ملی جهت تکذیب خبر انشعاب در حزب ۲۲۸

س.ش ۱۸ مـتن پـاسخ حـزب سـومکا بـه چـاپ خـبر انشـعاب در روزنـامه‌ی وحدت ملی ۲۲۹

س.ش ۱۹ گزارشی در خصوص علت مخالفت منشی‌زاده و دکترمکری ۲۳۰

س.ش ۲۰ احتمال تحریک اعضای حزب پان ایـرانیست تـوسط دکـتر مکـری برای مقابله با اعضای سومکا ۲۳۱

س.ش ۲۱ گـزارش تشکـیل کـلاس‌های حـزبی و ثـبت نـام دانش‌آمـوزان در حزب ۲۳۳

س.ش ۲۲ رونوشت گزارش شکایت خانم علی نقی علیه حزب سومکا ۲۳۴

س.ش ۲۳ گـزارش شـهربانی بـه وزارت کشـور در خـصوص فـعالیت حـزب سومکا در تهران ۲۳۵

س.ش ۲۴ گزارش تهیه‌ی علایم حزبی و خنجر ویژه‌ی گروه ایران در زندان ۲۳۷

س.ش ۲۵ گزارش فعالیت‌های یک روزه و برنامه‌ی آینده‌ی حزبی ۲۳۸

س.ش ۲۶ گزارش فعالیت‌های روزانه و تشکیل کلاس آموزش سیاسی ۲۳۹

س.ش ۲۷ گزارشی از تعداد اعـضای گـروه ایـران فـرزندان و اخـتلافات مِـلکی

	محل حزب	۲۴۰
س.ش ۲۸	گزارش روزانه تشکیل جلسه‌ی هفتگی گروه ایران فرزندان	۲۴۲
س.ش ۲۹	تقاضای دکتر منشی‌زاده از شهربانی جهت رسمی شدن فعالیت‌های سیاسی سومکا	۲۴۳
س.ش ۳۰	گزارش ملاقات چند نفر از تجار با منشی‌زاده	۲۴۴
س.ش ۳۱	اقدام حزب برای نشان دادن اعتقاد به اصل سلطنت	۲۴۵
س.ش ۳۲	گزارش تعلیم تیراندازی به اعضای حزب سومکا	۲۴۶
س.ش ۳۳	گزارش حضور چند تن از دانشجویان دبیرستان نظام در محل حزب	۲۴۷
س.ش ۳۴	استفاده از روزنامه‌ی مرد آهنین به عنوان ارگان غیر رسمی حزب سومک	۱۲۴۹
س.ش ۳۵	گزارشی از تهیه‌ی مواد منفجره و محترقه در حزب سومکا	۲۵۰
س.ش ۳۶	گزارشی مبنی بر ملاقات دکتر منشی‌زاده با کاردار سفارت انگلیس و تقاضای دریافت کمک مالی	۲۵۱
س.ش ۳۷	مکاتبه‌ی شهربانی با نخست‌وزیری درباره‌ی تأسیس حزب سومکا و چگونگی فعالیت‌های آن	۲۵۲
س.ش ۳۸	تقاضای اعضای انشعابی حزب جهت ثبت حزب سومکا	۲۵۴
س.ش ۳۸/۱	اساسنامه‌ی حزب سومکا	۲۵۵
س.ش ۳۸/۲		۲۵۹
س.ش ۳۹	گزارشی از فعالیت‌های سومکا و شایعه‌ی تقاضای منشی‌زاده برای دریافت کمک مالی از سفارت انگلستان	۲۶۱
س.ش ۴۰	تظاهرات و سخنرانی اعضای حزب سومکا در کرج	۲۶۲
س.ش ۴۱	تشکیل گروه ارامنه در حزب سومکا	۲۶۳
س.ش ۴۲	گزارش مربوط به احتمال دریافت کمک و دستور از آمریکا توسط حزب سومکا	۲۶۴
س.ش ۴۳	دستور تکذیب خبر نقش شهربانی در تشکیل حزب سومکا	۲۶۵

س.ش ۴۴	تشکیل کلاس آموزشی سومکا و سخنرانی زندنیا	۲۶۷
س.ش ۴۵	گزارش تلاش حزب سومکا برای رسمیت بخشیدن به حزب و ارتباط با رهبر حزب دولت انگلیس برای حل مشکلات مالی	۲۶۸
س.ش ۴۶	گزارش تعلیم عملیات نظامی به گروه ایران فرزندان	۲۷۰
س.ش ۴۷	تصمیم حزب سومکا جهت تشکیل شعبه در نواحی شهریار و علیشاه عوض	۲۷۱
س.ش ۴۸	تشکیل جلسات گروه فنی حزب	۲۷۲
س.ش ۴۹	گزارش مختصر پیرامون تعداد اعضای و امکانات حزب سومکا و امکان ائتلاف این حزب با حزب پان ایرانیست	۲۷۳
س.ش ۵۰	گزارشی از جمع آوری پول به منظور انتشار ارگان حزبی و مجهز کردن افراد گروه حمله به سلاح سرد	۲۷۴
س.ش ۵۱	گزارش تشکیل جلسه گروه فنی و مخالفت خانواده‌ها با شرکت فرزندان خود در حزب	۲۷۵
س.ش ۵۲	ارسال گزارش وابسته‌ی نظامی ایران در فرانسه و بلژیک	۲۷۶
س.ش ۵۳	قسمتی از گزارش وابسته نظامی ایران در فرانسه و بلژیک	۲۷۷
س.ش ۵۴	دستور تجهیزات گروه‌های سومکا برای مسافرت به شهرستان‌ها و دیدن تعلیمات نظامی	۲۷۸
س.ش ۵۵	انتقاد منشی‌زاده از هیئت حاکمه و مقدمات تشکیل حزب در آبادان	۲۷۹
س.ش ۵۶	شایعه ارتباط سومکا با یک سازمان فاشیستی در عراق	۲۸۰
س.ش ۵۷	گزارش تعلیم مطالب کتاب‌های حزب نازی به اعضای سومکا	۲۸۱
س.ش ۵۸	دستور تهیه و ارسال اطلاعات جامع درباره حزب سومکا به رکن دوم ستاد ارتش	۲۸۲
س.ش ۵۹	گزارش تشکیل جلسه‌های حزبی و وضعیت گروه‌های حزب	۲۸۳
س.ش ۶۰	گزارش درگیری میان اعضای حزب سومکا و حزب ملت ایران	۲۸۴
س.ش ۶۱	ارسال اطلاعاتی در خصوص گروه‌های مختلف حزب سومکا	۲۸۵

س.ش ۶۲ اطلاعیه‌های آیین نامه‌های حزب سومکا ۲۸۶

س.ش ۶۳ گزارشی از تبلیغات حزب سومکا در منطقه‌ی علیشاه عوض ۲۸۹

س.ش ۶۴ وظایف گروه حمله ۲۹۰

س.ش ۶۵ فعالیت حزب سومکا برای نفوذ در کارگران کارخانه‌ها ۲۹۱

س.ش ۶۶ گزارش احتمال حمله‌ی اعضای سومکا به روزنامه فروشی‌های وابسته به حزب توده ۲۹۲

س.ش ۶۷ گزارشی از قصد سومکا جهت دست زدن به اقدامات سیاسی و اجتماعی به علت ممانعت حکومت نظامی از جلسه‌های حزبی ۲۹۳

س.ش ۶۸ گزارش برگزاری جلسه‌ی حزبی و انتقاد از دولت به سبب باز گذاشتن دست توده‌ای‌ها ۲۹۴

س.ش ۶۹ مخالفت سومکا با ائتلاف احزاب جنبش ملی و حزب پان ایرانیسم ۲۹۵

س.ش ۷۰ گزارش دستگیری ۵۰ نفر از اعضای حزب سومکا ۲۹۶

س.ش ۷۱ خبر احتمال اعتراض یا حمله‌ی اعضای سومکا به شرکت مطبوعات به دلیل چاپ روزنامه‌های به سوی آینده و شهباز ۲۹۷

س.ش ۷۲ گزارشی از درگیری افراد حزب سومکا و چند نفر و دستگیر شدن آن‌ها ۲۹۸

س.ش ۷۳ اعلامیه‌ی حزب سومکا، پایگاه یزد ۲۹۹

س.ش ۷۴ گزارش بازبینی از حمله اعضای سومکا به محلی ۳۰۰

س.ش ۷۵ گزارش حمله به تابلوی تبلیغاتی سفارت مجارستان و خانه‌ی وکس ۳۰۱

س.ش ۷۶ شناسایی و معرفی افراد حمله کننده به محل‌های توده‌ای‌ها ۳۰۳

س.ش ۷۷ گزارش وزیرخارجه مبنی بر شکایت سفارت شوروی از حمله به خانه‌ی وکس ۳۰۴

س.ش ۷۸ تذکاریه شارژ دافر دولت شوروی به وزیر امورخارجه ایران ۳۰۵

س.ش ۷۹ درخواست وزارت امورخارجه از شهربانی کل کشور جهت معرفی مسببان حمله به خانه‌ی وکس ۳۰۶
س.ش ۸۰ گزارش کلانتری مبنی بر نامشخص بودن نشانی محمد عابدینی ۳۰۷
س.ش ۸۱ گزارش رکن دوم ارتش از حزب سومکا ۳۰۸
س.ش ۸۲ گزارش تشکیل گروه ضد سلطنت در سومکا ۳۱۲
س.ش ۸۳ گزارش درگیری میان اعضای سومکا و حزب توده و بازداشت چند تن از آنان ۳۱۴
س.ش ۸۴ ارسال پرسش حائری‌زاده در خصوص حمله به خانه وکس از وزیر کشور ۳۱۵
س.ش ۸۵ رونوشت پرسش حائری‌زاده ۳۱۶
س.ش ۸۶ رونوشت گزارش بازرس ویژه نخست‌وزیر در خصوص حمله به خانه وکس ۳۱۷
س.ش ۸۷ گزارش حمله‌ی منشعبین سومکا به محل حزب ۳۱۸
س.ش ۸۸ درگیری اعضای حزب سومکا با توده‌ای‌ها و نیروهای انتظامی ۳۱۹
س.ش ۸۹ گزارش اظهارات دو نفر خارجی درباره حمله اعضای سومکا به تابلوی تبلیغاتی ساختمان بازرگانی و قرائت‌خانه وکس ۳۲۰
س.ش ۹۰ دستور نخست‌وزیر مبنی بر تسریع در اعلام نتیجه تحقیقات حمله به قرائت‌خانه‌ی وکس ۳۲۱
س.ش ۹۱ اعلامیه‌ی سومکا در تبیین مواضع حزب و گزارش حمله به مقر حزب ۳۲۲
س.ش ۹۲ گزارش شهربانی خراسان از ورود ضیاء مدرس به مشهد جهت تشکیل پایگاه حزب در آن شهر ۳۲۴
س.ش ۹۳ بازرسی مأموران حکومت نظامی از محل حزب سومکا ۳۲۵
س.ش ۹۴ مکاتبه‌ی نخست‌وزیر با دادسرای تهران درباره‌ی حمله به قرائت‌خانه‌ی وکس ۳۲۶
س.ش ۹۵ درخواست رئیس شهربانی کل کشور از نخست‌وزیر درباره‌ی

	اعاده‌ی پرونده	۳۲۷
س.ش ۹۶	مکاتبه دادستانی تهران با نخست‌وزیر درباره اعاده پرونده حمله به قرائت‌خانه وکس	۳۲۸
س.ش ۹۷	گزارش فرمانداری نظامی تهران از بازرسی محل حزب سومکا	۳۲۹
س.ش ۹۸	گزارش مسلح شدن اعضای حزب توده به سلاح سرد برای مقابله با اعضای حزب سومکا و حزب پان ایرانیست	۳۳۰
س.ش ۹۹	گزارش تشکیل جلسه گروه فنی حزب سومکا و مقدمات برگزاری سالروز تولد رهبر حزب	۳۳۱
س.ش ۱۰۰	گزارش تصمیم حزب سومکا جهت تشکیل پایگاه‌ها و شعبه‌های شهرستانی	۳۳۲
س.ش ۱۰۱	مراجعه افرادی از حزب سومکا به احزاب زحمتکشان و پان‌ایرانیست و تقاضای عضویت در آن احزاب	۳۳۳
س.ش ۱۰۲	اعلامیه‌ی حزب سومکا در اعتراض به بازداشت منشی‌زاده	۳۳۴
س.ش ۱۰۳	گزارش درگیری میان اعضای طرفدار و مخالف سلطنت در حزب سومکا	۳۳۵
س.ش ۱۰۴	بازرسی منزل یکی از اعضای سومکا و کشف سلاح سرد و علایم حزبی	۳۳۶
س.ش ۱۰۵	اعلامیه‌ی سومکا در اعتراض به دستگیری اعضای حزبی	۳۳۷
س.ش ۱۰۶	گزارشی درباره‌ی دستگیری رهبر و سه نفر از اعضای حزب سومکا به اتهام حمله و غارت قرائت‌خانه‌ی وکس	۳۳۹
س.ش ۱۰۷	صورت‌جلسه کشف و ضبط سلاح و علایم حزبی در محل حزب و منازل اعضای آن	۳۴۱
س.ش ۱۰۸	گزارش آماده باش افراد حزب سومکا و جمع‌آوری پول جهت انتشار ارگان حزبی	۳۴۳
س.ش ۱۰۹	گزارش تهیه و ساخت بمب‌های صوتی و آتش‌زا توسط اعضای حزب	۳۴۴

س.ش ۱۱۰	شکیل جلسات حزب سومکا در مشهد و ورود بازرس حزبی به آن‌جا	۳۴۵
س.ش ۱۱۱	برنامه‌ی ارائه شده‌ی حزب سومکا در مشهد	۳۴۶
س.ش ۱۱۲	تماس حزب سومکا با برخی مخالفان دولت	۳۵۱
س.ش ۱۱۳	اعلامیه‌ی سندیکاها و گروه‌های منشعبه از حزب سومکا	۳۵۲
س.ش ۱۱۴	گزارش کلانتری ۲ مبنی بر ممانعت اعضای حزب سومکا برای بازرسی از محل حزب	۳۵۵
س.ش ۱۱۵	اعلامیه‌ی منتشره‌ی سومکا در شهر ری	۳۵۶
س.ش ۱۱۶	گزارش اعضای حزب در خصوص فردی به اتهام سرقت مدارک حزبی	۳۵۷
س.ش ۱۱۷	گزارش بازداشت رهبر حزب سومکا و پنج‌نفر از همراهان او به اتهام ایجاد اغتشاش و غارت قرائت‌خانه‌ی وکس	۳۵۸
س.ش ۱۱۸	فرمان رهبری حزب مبنی بر نامیدن شعبه‌ها و مراکز حزبی به نام «پایگاه سومکا»	۳۵۹
س.ش ۱۱۹	اعلام موجودیت کمیته‌ی جوانان کمونیست زحمتکش ایران و اعلام خطر به احزاب سومکا، پان ایرانیست و زحمتکشان	۳۶۰
س.ش ۱۲۰	گزارش فرمانده لشکر ۳ آذربایجان از تشکیل حزب سومکا در تبریز	۳۶۱
س.ش ۱۲۱	دستور وزارت جنگ به لشکر ۳ آذربایجان مبنی بر تحت نظر داشتن اعضای حزب سومکا	۳۶۲
س.ش ۱۲۲	تشکر منشی‌زاده از داریوش همایون به پاس ایمان حزبی او	۳۶۳
س.ش ۱۲۳	انتصاب آجودان گروه «ایران فرزندان» به سرپرستی گروه‌های سومکا در دبیرستان‌های تهران	۳۶۴
س.ش ۱۲۴	خطابه‌ی آجودان گروه «ایران فرزندان» سومکا برای دانش‌آموزان	۳۶۵
س.ش ۱۲۵	اعلامیه‌ی شماره‌ی یک حزب سومکا پایگاه تبریز و دعوت به هم‌کاری‌در مبارزه با حزب توده	۳۶۷

س.ش ۱۲۶	نامه‌ی سرگشاده منشی‌زاده از زندان به نخست‌وزیر	۳۶۹
س.ش ۱۲۷	گزارش آزادی منشی‌زاده و ممانعت از برگزاری تظاهرات و تشریفات اعضای حزب در خیابان خانقاه	۳۷۲
س.ش ۱۲۸	تعیین سلام رسمی حزب	۳۷۳
س.ش ۱۲۹	احتمال شرکت اعضای حزب سومکا در مراسم رژه‌ی ۲۱ آذر	۳۷۴
س.ش ۱۳۰	گزارش تلاش حزب سومکا جهت تشکیل پایگاه حزبی در آبادان و تصمیم یکی از اعضای آن حزب به تشکیل حزب فداییان شاه	۳۷۵
س.ش ۱۳۱	اطلاعیه‌ی منتشره‌ی حزب سومکا، پایگاه شهریار	۳۷۶
س.ش ۱۳۲	درخواست رکن دوم ستاد ارتش جهت ارسال اطلاعات بیشتر	۳۷۷
س.ش ۱۳۳	در خصوص زد و خورد طرفدارن احزاب سومکا و پان‌ایرانیست	۳۷۸
س.ش ۱۳۴	دستور انجام تحقیقات لازم درباره‌ی فعالیت‌های احزاب سومکا و پان ایرانیست	۳۷۹
س.ش ۱۳۵	گزارشی درباره‌ی قصد احزاب سومکا و پان ایرانست برای انجام عملیات خرابکاران	۳۸۰
س.ش ۱۳۶	استعلام فرمانداری نظامی درباره‌ی چگونگی کسب اجازه توسط منشی‌زاده برای تشکیل حزب	۳۸۱
س.ش ۱۳۷	آگهی حزب سومکا جهت دعوت اعضای نواحی در «تشکیل بانک تعاونی سومکا»	۳۸۲
س.ش ۱۳۸	گزارش چگونگی رسمیت دادن به فعالیت احزاب سیاسی	۳۸۳
س.ش ۱۳۹	اعلام آمادگی مأموران انتظامی جهت ممانعت از اقدامات و تظاهرات اعضای سومکا	۳۸۴
س.ش ۱۴۰	پاسخ شهربانی در خصوص عدم اعطای مجوز قانونی تشکیل حزب به منشی‌زاده	۳۸۵
س.ش ۱۴۱	گزارشی از احتمال درگیری حزب سومکا با دست فروشان اطراف	

سبزه میدان و بازار ۳۸۶
اسناد شماره‌ی ۱۴۲/۱ و ۱۴۲/۲: گزارش ارسال اعلامیه‌ی منتشره‌ی حزب سومکا در مشهد و اصل آن ۳۸۸
س.ش ۱۴۳/۱ تا ۱۴۳/۳ گزارش‌های شهربانی درباره‌ی احزاب سومکا و پان ایرانیست ۳۹۰
س.ش ۱۴۴ گزارش شهربانی مشهد درباره‌ی فعالیت اعضای سومکا و پان‌ایرانیست در آن‌جا ۳۹۳
س.ش ۱۴۵/۱ تا ۱۴۵/۸ نامه‌ها و گزارش‌های مربوط به درگیری اعضای حزب توده و سومکا در یکی از دبیرستان‌های آبادان ۳۹۴
س.ش ۱۴۶ گزارش مأمور شهربانی از ملاقات نکردن منشی‌زاده با او، به به بهانه‌ی بیماری ۴۰۲
س.ش ۱۴۷ اعلامیه‌ی گروه «ایران فرزندان» حزب سومکا ۴۰۳
س.ش ۱۴۸ نامه‌ی منشی‌زاده به فرماندار نظامی تهران درباره‌ی شاهپور زندنیا ۴۰۵
س.ش ۱۴۹ نامه‌ی رئیس دادگاه جنایی فرمانداری نظامی جهت سرعت بخشیدن به جریان رسیدگی به پرونده‌ی حزب سومکا ۴۰۶
س.ش ۱۵۰ ارسال صورت جلسه اشیای به دست آمده از بازرسی محل حزب سومکا ۴۰۷
س.ش ۱۵۱ صورت جلسه بازرسی محل حزب سومکا و اشیای به دست آمده ۴۰۸
س.ش ۱۵۲ مکاتبه‌ی شهربانی کل با نخست‌وزیر درباره‌ی مراقبت از اقدامات حزب سومکا و بازرسی محل حزب و کشف تصاویر مواد محترقه و اسلحه‌ی سرد ۴۰۹
س.ش ۱۵۳ دستور رسیدگی سریع به درخواست‌های دادگاه‌های نظامی و احضار منشی‌زاده ۴۱۰
س.ش ۱۵۴ دستور زندانی کردن منشی‌زاده مطابق ماده‌ی ۵ قانون حکومت نظامی ۴۱۱

س.ش ۱۵۵ برگه‌ی بازداشت منشی‌زاده ۴۱۲
س.ش ۱۵۶ درخواست طاهرزاده، وکیل منشی‌زاده، جهت اعزام به دادگاه جنایی فرمانداری نظامی ۴۱۳
س.ش ۱۵۷ واگذاری سرپرستی حزب به حسین شیبانی ۴۱۴
س.ش ۱۵۸ اعتراض «سازمان داوری و مسائل حقوقی سومکا» به بازداشت منشی‌زاده و ضبط علایم و وسایل حزبی ۴۱۵
س.ش ۱۵۹ اعتراض منشی‌زاده و مدیر روزنامه‌ی مرد آسیا به بازداشت شدن خود ۴۱۷
س.ش ۱۶۰ صورت جلسه‌ی تنظیمی، مبنی بر توهین منشی‌زاده به افسر نگهبان زندان ۴۱۸
س.ش ۱۶۱ اعتراض منشی‌زاده به اهانت افسر نگهبان نسبت به ملاقات کننده‌ی وی ۴۱۹
س.ش ۱۶۲ ارسال شکایت منشی‌زاده به فرمانداری نظامی ۴۲۰
س.ش ۱۶۳ اعتراض منشی‌زاده نسبت به عدم ارسال نوشته‌های او به خارج از زندان ۴۲۱
س.ش ۱۶۴ اعتراض مجدد منشی‌زاده نسبت به عدم ارسال نوشته‌هایش به خارج از زندان ۴۲۲
س.ش ۱۶۵ تقاضای منشی‌زاده جهت ملاقات با فرماندار نظامی تهران ۴۲۳
س.ش ۱۶۶ دستور ارسال یادداشت‌های منشی‌زاده به فرمانداری نظامی ۴۲۴
س.ش ۱۶۷ شایعه‌ی قصد احزاب سومکا و آریا مبنی بر انجام ترورهایی در صورت تصویب طرح هیئت هشت نفره ۴۲۵
س.ش ۱۶۸ صورت جلسه‌ی اشیای کشف شده از بازرسی محل حزب سومکا ۴۲۶
س.ش ۱۶۹ اعتراض دفتر رهبری حزب سومکا به بازداشت اعضا و توقیف وسایل حزب ۴۲۷
س.ش ۱۷۰ پاسخ مثبت به درخواست وکیل منشی‌زاده جهت ملاقات هفتگی با او ۴۲۹

س.ش ۱۷۱	دستور اعزام دکتر منشی‌زاده به دفتر فرمانداری نظامی	۴۳۰
س.ش ۱۷۲	گزارش ملاقات وکیل منشی‌زاده با وی	۴۳۱
س.ش ۱۷۳	دستور فرمانداری نظامی مبنی بر شناسایی رهبر حزب سومکا در غیاب منشی‌زاده در تعیین سمت سرهنگ شیبانی در حزب	۴۳۲
س.ش ۱۷۴	دستور اعزام منشی‌زاده به دفتر فرمانداری نظامی	۴۳۳
س.ش ۱۷۵	اعلام سمت سرهنگ شیبانی در حزب سومکا	۴۳۴
س.ش ۱۷۶	دستور احضار سرهنگ شیبانی برای ملاقات با فرماندار نظامی	۴۳۵
س.ش ۱۷۷	تقاضای دکتر منشی‌زاده جهت ملاقات با فرماندار نظامی تهران	۴۳۶
س.ش ۱۷۸	دستور انتقال منشی‌زاده جهت ملاقات با فرماندار نظامی	۴۳۷
س.ش ۱۷۹	تقاضای بازپس دادن لوازم ضبط شده در حزب سومکا به نماینده‌ی آن	۴۳۸
س.ش ۱۸۰	اعتراض منشی‌زاده به تعیین نشدن وقت ملاقات با فرماندار نظامی	۴۳۹
س.ش ۱۸۱	دستورات رهبر حزب به اعضای آن مبنی بر رعایت دیسیپلین و بدگویی نکردن اعضا از یک‌دیگر و شرکت در مراسم‌حزبی	۴۴۰
س.ش ۱۸۲	دستور انتقال منشی‌زاده به اتاق کوچک‌تر و تمیزتر در زندان	۴۴۲
س.ش ۱۸۳	تقاضای منشی‌زاده جهت دریافت «جیره‌ی نقدی سیاسی» به جای غذای زندان	۴۴۳
س.ش ۱۸۴	شکایت منشی‌زاده از پرداخت نشدن «جیره‌ی‌نقدی‌سیاسی»	۴۴۴
س.ش ۱۸۵	ارسال درخواست سرپرست دفتر رهبری حزب سومکا به کلانتری ۳	۴۴۵
س.ش ۱۸۶	شکایت سرپرست دفتر رهبری حزب سومکا از یکی از اعضای حزب توده	۴۴۶
س.ش ۱۸۷	تقاضای آزادی یکی از اعضای سومکا	۴۴۷
س.ش ۱۸۸	گزارشی از تجمع عده‌ای از نوجوانان در مقابل حزب سومکا	۴۴۸

س.ش ۱۸۹ اعلام تقاضای منشی‌زاده برای استفاده از ساعت هواخوری ۴۴۹
س.ش ۱۹۰ موافقت با تقاضای هواخوری توسط منشی‌زاده ۴۵۰
س.ش ۱۹۱ اختصاص جیره‌ی نقدی به منشی‌زاده به جای غذای زندان ۴۵۱
س.ش ۱۹۲ لغو حق اخراج اعضای متخلف توسط پایگاه‌های حزبی به دستور منشی‌زاده ۴۵۲
س.ش ۱۹۳ مکاتبه شهربانی کل کشور درباره‌ی درخواست منشی‌زاده برای ملاقات با دکتر مصدق ۴۵۳
س.ش ۱۹۴ نامه‌ی منشی‌زاده به نخست‌وزیر و تقاضای ملاقات حضوری ۴۵۴
س.ش ۱۹۵ پاسخ معاون مصدق به تقاضای ملاقات منشی‌زاده ۴۵۵
س.ش ۱۹۶ پیام منشی‌زاده به مناسبت دومین سال انتشار هفته نامه‌ی «سومکا» ۴۵۶
س.ش ۱۹۷ تقاضای ارسال بقیه‌ی لوازم ضبط شده حزب سومکا توسط فرمانداری ۴۵۷
س.ش ۱۹۸ اعلامیه‌ی گروه حمله‌ی حزب سومکا، پایگاه تبریز ۴۵۸
س.ش ۱۹۹ گزارش آماده شدن اعضای سومکا برای شرکت در درگیری‌ها ۴۶۰
س.ش ۲۰۰ اعلامیه حزب سومکا پس از آزادی منشی‌زاده ۴۶۱
س.ش ۲۰۱ تحت نظر داشتن اعضای سومکا در تبریز، علی‌رغم متوقف شدن فعالیت‌های آن پایگاه ۴۶۲
س.ش ۲۰۲ گزارشی از درگیری‌های اعضای احزاب سومکا و آریا ۴۶۳
س.ش ۲۰۳ گزارشی از ادامه‌ی اختلاف بین رهبران احزاب سومکا و آریا ۴۶۴
س.ش ۲۰۴ گزارشی از ابلاغ دستور فرمانداری نظامی به رهبران سومکا و آریا جهت ملاقات با وی ۴۶۵
س.ش ۲۰۵ دستور بازداشت ایرج طاهری از اعضای سومکا ۴۶۶
س.ش ۲۰۶ معاینه علی نقی حقگو از اعضای حزب آریا و صورت جلسه بازرسی بدنی از ایرج طاهری از اعضای سومکا ۴۶۷
س.ش ۲۰۷ بازجویی از علی نقی حقگو ۴۶۸

س.ش۲۰۸ بازجویی از ایرج طاهری ۴۶۹
س.ش۲۰۹ نامه‌ی ریاست رکن دوم ستاد ارتش به منشی‌زاده در خصوص تأمین خسارات وارده به حزب آریا ۴۷۰
س.ش ۲۱۰ گزارش فرماندار نظامی تهران به نخست‌وزیر در خصوص اختلافات احزاب آریا و سومکا ۴۷۱
س.ش ۲۱۱ بیانیه‌ی حزب سومکا، پایگاه مشهد، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۴۷۲
س.ش۲۱۲ اعلامیه حزب سومکا، پایگاه اهواز، پس از کودتای ۲۸مرداد ۴۷۴
س.ش۲۱۳ استعلام نخست‌وزیری از شهربانی کل کشور درباره‌ی اختلافات احزاب آریا و سومکا (مربوط به سند شماره ۲۱۰) ۴۷۵
س.ش۲۱۴ ارسال رونوشت نامه اعتراض‌آمیز فرماندار حزب سومکا در مشهد به استاندار خراسان، برای معاون نخست‌وزیر ۴۷۶
س.ش۲۱۵ نامه‌ی اعتراض‌آمیز فرماندار حزب سومکا در مشهد به استاندار خراسان در خصوص آگاه نکردن حزب سومکا از مسافرت محمدرضا پهلوی به خراسان ۴۷۷
س.ش۲۱۶ اعلامیه‌ی گروه «ایران فرزندان» ۴۷۹
س.ش۲۱۷ اعلامیه‌ی پایگاه حزب سومکا در خمسه‌ی طوالش ۴۸۱
س.ش۲۱۸ رونوشت نامه‌ی فرمانداری زنجان به وزارت کشور درباره‌ی علت شکایت عده‌ای از اهالی ابهر از تشکیل پایگاه حزب سومکا در آن شهر ۴۸۲
س.ش۲۱۹ شکایت عده‌ای از اهالی ابهر از تشکیل پایگاه حزب سومکا ۴۸۴
س.ش۲۲۰ حمایت عده‌ای از اهالی ابهر از تشکیل پایگاه حزب در آن‌جا ۴۸۶
س.ش۲۲۱ معرفی محمد اللهیاری به فرمانداری زنجان توسط منشی‌زاده ۴۸۷
س.ش۲۲۲ گزارش ورود منشی‌زاده به ابهر ۴۸۸
س.ش۲۲۳ تقاضای حزب سومکا، پایگاه تبریز، برای آغاز فعالیت و نصب تابلو حزب ۴۸۹
س.ش۲۲۴ ارسال تقاضای ضیاء سطوت به اداره‌ی کل انتشارات و تبلیغات

رادیو ۴۹۱
س.ش ۲۲۵ مخالفت اداره‌ی کل انتشارات و تبلیغات با پیشنهاد ضیاء سطوت مبنی بر اختصاص نیم ساعت از وقت رادیو مشهد برای پخش برنامه‌های حزب سومکا ۴۹۲
س.ش ۲۲۶ افتتاح پایگاه حزبی سومکا در شهر ری توسط منشی‌زاده ۴۹۳
س.ش ۲۲۷ گزارشی در خصوص انتقال مکان حزب سومکا از تجریش به داخل شهر ۴۹۴
س.ش ۲۲۸ گزارشی در خصوص لباس رسمی اعضای حزب سومکا ۴۹۵
س.ش ۲۲۹ گزارش ورود منشی‌زاده به دزفول ۴۹۷
س.ش ۲۳۰ گزارش ورود منشی‌زاده به آبادان ۴۹۸
س.ش ۲۳۱ گزارش ورود منشی‌زاده به اهواز ۴۹۹
س.ش ۲۳۲ گزارش فعالیت حزب سومکا، شعبه‌ی اهواز، در جریان مسافرت منشی‌زاده به آن جا ۵۰۰
س.ش ۲۳۳ تقاضای اداره‌ی آگاهی از فرمانداری نظامی تهران برای ارسال اطلاعات درباره‌ی منشی‌زاده ۵۰۲
س.ش ۲۳۴ گزارشی مبنی بر بازگشت منشی‌زاده به تهران ۵۰۳
س.ش ۲۳۵ گزارش تغییر مکان حزب سومکا از خیابان خانقاه به خیابان قوام‌السلطنه ۵۰۴
س.ش ۲۳۶ ارسال قسمتی از بولتن سومکا ۵۰۵
س.ش ۲۳۷ قسمتی از بولتن شماره ۱۹ حزب سومکا ۵۰۶
س.ش ۲۳۸ گزارش در خصوص جمع‌آوری پول از عابران خیابان شاپور توسط دو نفر از اعضای حزب سومکا ۵۰۸
س.ش ۲۳۹/۱ دستور رئیس ستاد ارتش مبنی بر بررسی و رسیدگی به اهانت حزب سومکا در بولتن ۱۹ به عالم روحانیت ۵۱۰
س.ش ۲۳۹/۲ ارسال رونوشت بولتن سومکا به ستاد ارتش ۵۱۱
س.ش ۲۴۰ پاسخ ستاد سپاه سوم شمال باختر به نامه‌ی ریاست ستاد ارتش ۵۱۲

س.ش ۲۴۱ پاسخ سرپرست شهربانی‌های آذربایجان به نامه‌ی ستاد سپاه سوم ۵۱۳

س.ش ۲۴۲ دستور جمع‌آوری نسخه‌های الفبای سومکا ۵۱۴

س.ش ۲۴۳ خلاصه مطالب منتشره در نشریه‌ی همشاگردی، نشریه‌ی گروه «ایران فرزندان» ۵۱۵

س.ش ۲۴۴ اعلام تصمیم منشی‌زاده برای مسافرت به میانه و تبریز ۵۱۶

س.ش ۲۴۵ مخالفت حزب سومکا با تشکیل حزب مردم توسط اسدالله علم ۵۱۷

س.ش ۲۴۶ اعلام محل تولد منشی‌زاده متقاضی امتیاز روزنامه‌ی سومکا ۵۱۸

س.ش ۲۴۷ گزارش دعوت منشی‌زاده از دوستان، جهت تجدید فعالیت حزبی و پرداخت مقرری به او از طرف مقامات انتظامی ۵۱۹

س.ش ۲۴۸ پیام حزب سومکا به مناسبت افتتاح راه‌آهن تبریز ۵۲۰

س.ش ۲۴۹ اعلام موافقت ساواک با صدور گذرنامه‌ی منشی‌زاده ۵۲۱

س.ش ۲۵۰ دستور محمدرضا پهلوی مبنی بر پرداخت هزینه‌ی معالجه منشی‌زاده ۵۲۲

س.ش ۲۵۱ اعلامیه حزب سومکا، پایگاه تبریز، به مناسبت ۲۷ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ۵۲۳

س.ش ۲۵۲ مکاتبه‌ی پرویز منصور با نخست‌وزیر درباره‌ی معوق ماندن مال‌الاجاره محل حزب سومکا و درخواست پرداخت آن ۵۲۴

س.ش ۲۵۳ استفاده از اعتبار سال ۱۳۳۸ حزب سومکا در شهربانی برای پرداخت مال الاجاره‌ی معوق مانده ۵۲۷

س.ش ۲۵۴ درخواست ارسال نامه‌ی مربوط به بدهی محل استیجاری منشی‌زاده ۵۲۹

س.ش ۲۵۵ ارسال نامه موضوع بدهی منشی‌زاده به نخست‌وزیر ۵۳۰

س.ش ۲۵۶ خلاصه‌ای از چگونگی فعالیت‌ها و سازمان‌های حزب سومکا ۵۳۱

س.ش ۲۵۷ درخواست ارسال پاسخ تقاضای پرداخت بدهی منشی‌زاده ۵۳۲

س.ش ۲۵۸ تفویض اختیار حل و فصل شکایت بانو سلیمانی و آقای منصوری به ریاست شهربانی کل کشور ۵۳۳

س.ش ۲۵۹	پرداخت بدهی دکتر منشی‌زاده	۵۳۴
س.ش ۲۶۰	اعلام دریافت مبلغ مال‌الاجاره بدهی منشی‌زاده	۵۳۶
س.ش ۲۶۱	استعلام در خصوص صلاحیت دریافت پروانه حمل اسلحه برای کسانی که وابسته‌ی حزب سومکا بوده‌اند	۵۳۷
س.ش ۲۶۲	تلگراف ساواک ساری مبنی بر خبر یافتن از اقدامات خرابکاران حزب سومکا	۵۳۸
س.ش ۲۶۳	آگاهی ساواک از قصد منشی‌زاده جهت استخدام یک مأمور نفوذی در فرودگاه	۵۳۹
س.ش ۲۶۴	گزارشی مختصر درباره‌ی حزب سومکا	۵۴۰
س.ش ۲۶۵	خلاصه گزارشی مبنی بر در نظر داشتن منشی‌زاده	۵۴۱
س.ش ۲۶۶	آگاه شدن منشی‌زاده از تحت نظر بودنش توسط ساواک و اظهارات سفیر انگلستان مبنی بر غیر عادی بودن اوضاع ایران	۵۴۵
س.ش ۲۶۷	خلاصه‌ی پرونده‌ی عملیاتی منشی‌زاده	۵۴۷
س.ش ۲۶۸	تهیه‌ی یک ماشین پلی کپی برای حزب سومکا جهت تکثیر اعلامیه	۵۶۰
س.ش ۲۶۹	انتخاب هیئت کارداران دانشجویان ایرانی در مونیخ و اقامت منشی‌زاده در آن‌جا	۵۶۱
س.ش ۲۷۰	صورت‌جلسه‌ی بازرسی از محل زندگی منشی‌زاده	۵۶۲
س.ش ۲۷۱	گزارشی از وضعیت زندگی منشی‌زاده در سوئد	۵۶۳
س.ش ۲۷۲	تهیه مواد منفجره توسط افراد حزب سومکا	۵۶۴
س.ش ۲۷۳	گزارشی در خصوص شناسایی فعالیت‌های هم‌کاران منشی‌زاده	۵۶۶
س.ش ۲۷۴	ارسال نامه‌ی منشی‌زاده به ساواک	۵۶۸
س.ش ۲۷۵	نامه‌ی منشی‌زاده به پهلبد وزیر فرهنگ و هنر	۵۶۹
س.ش ۲۷۶	گزارشی از فعالیت منشی‌زاده در سوئد	۵۷۰
س.ش ۲۷۷	ارتباط داوودمنشی‌زاده با تیمور بختیار	۵۷۳
س.ش ۲۷۸	دستور تحقیق درباره‌ی زنده بودن یا فوت دکتر منشی‌زاده	۵۷۴

س.ش ۲۷۹ اعلام زنده بودن منشی‌زاده به سبب ارتباط تلفنی او ۵۷۵

س.ش ۲۸۰ گزارش فعالیت‌های ضیاء رضوی و منشی‌زاده ۵۷۶

س.ش ۲۸۱ گزارش مکاتبه‌ی منشی‌زاده با بهرام (تیمور بختیار) ۵۷۸

س.ش ۲۸۲ نپذیرفته شدن پیشنهاد پناهندگی به عراق توسط منشی‌زاده ۵۸۰

س.ش ۲۸۳ گزارش مسافرت منشی‌زاده به عراق ۵۸۱

س.ش ۲۸۴ رونوشت نامه‌ی منشی‌زاده به تیمور بختیار ۵۸۳

س.ش ۲۸۵ نظریه‌ی ساواک در خصوص چگونگی اشتغال اشخاصی که عضو سومکا بوده‌اند ۵۸۴

س.ش ۲۸۶ سخنان منشی‌زاده درباره‌ی عدم احتمال وقوع انقلاب در ایران و دعوت همسر بختیار از او جهت مبارزه با رژیم شاه ۵۸۷

س.ش ۲۸۷ گزارش مأمور ساواک از جریان ملاقات با منشی‌زاده ۵۸۹

س.ش ۲۸۸ گزارشی درخصوص شایعه‌ی اقامت منشی‌زاده در عراق و فعالیت در رادیو عراق ۵۹۰

س.ش ۲۸۹ گزارشی از تقاضای منشی‌زاده مبنی بر ترک تابعیت ایران ۵۹۱

س.ش ۲۹۰ پاسخ سفارت ایران در سوئد مبنی بر عدم مراجعه‌ی منشی‌زاده و وکیل برای تقاضای ترک تابعیت ایران ۵۹۲

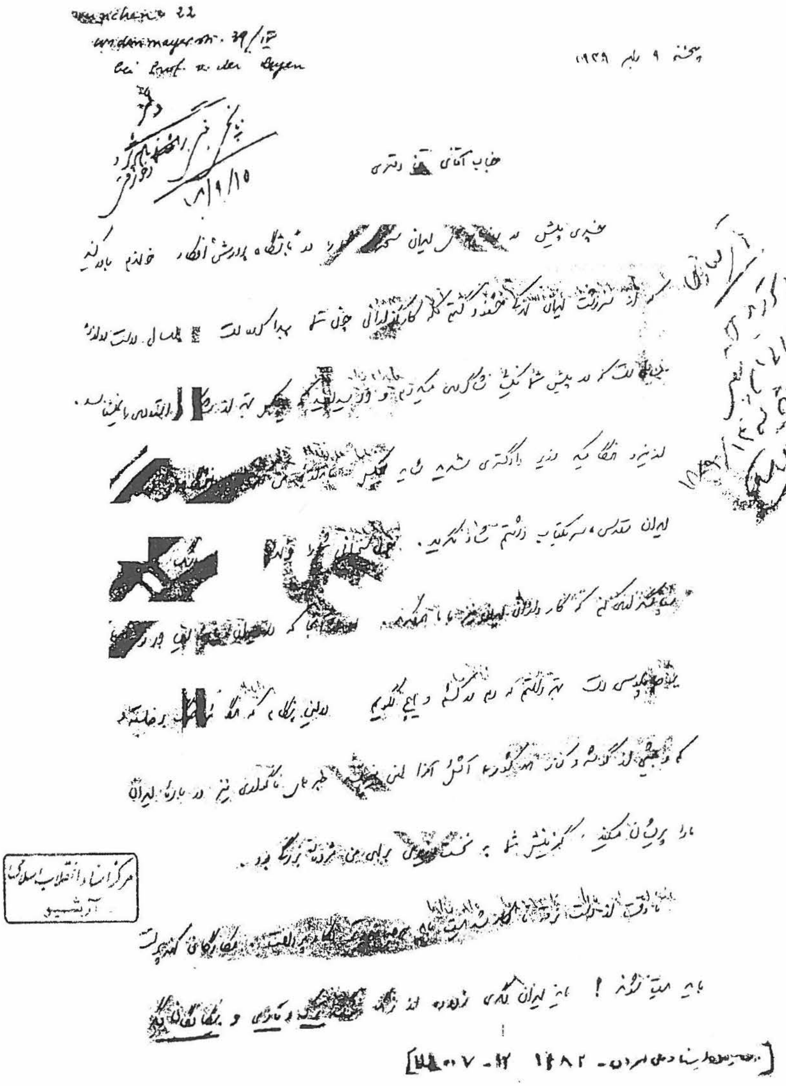
س.ش ۲۹۱ گزارشی درباره تمایل منشی‌زاده به بازگشت به ایران و پاسخ آن ۵۹۳

س.ش ۲۹۲ گزارش سخنرانی منشی‌زاده درباره شاهنامه فردوسی در دانشگاه کابل ۵۹۵

س.ش ۲۹۳ گزارش قصد مسافرت منشی‌زاده و عده‌ای کمونیست به خاورمیانه برای تشکیل مرکز تحریکات ۵۹۶

[سند شماره‌ی ۱]

نامه‌ی منشی‌زاده به دکتر متین دفتری (نخست‌وزیر وقت)



پیدا کرد تا این پیشینه درخشان دیگر کسی را سراینده داستان شیرین [illegible]

از ایران و از ترک و از تازیان — نژادی پدید آید اندر میان
نه دهقان نه ترک و نه تازی بود — سخن‌ها به کردار بازی بود

درس عبرت بپذیرد.

با پشت هم اندازی و خودپرستی Individualismus و تن‌پرستی Egoismus کارمندان

گذشته کشور با همکاری [illegible] ایران را به ایرانیان [illegible]. امروز که سرنوشت به ملک ضعیف آشکار

گردید از هر دقیقه باید استفاده کرد.

دردهای ما کدام است؟ دردهای ما [illegible]

۱. نیستی آتش ایران پرستی در دلها یعنی حس ملی Nationalgefühl

۲. بیسوادی و ناخوانائی که یک بهره بزرگ آنرا بیگانگان [illegible].

۳. ترس و نادلاوری.

درمان دردها:

۱. اگر هیچ اندرز و سرمشق ایران برای [illegible] بیاموزند و اگر چه

دانشگاه زنده ایرانیان باز کرد و دولت این خدمت را بکند [illegible]

داستان‌های گزیده آماده شود و مردم شب و روز با سرودهای ملی تاریخ و جغرافی و داستان

ها ایران آشنا شوند. اگر دولت کسی را که بلدای گفتار آتشین و دم نوازنده و دل پر از درد داشته باشد

وادار کند که برنامه مقدس میهن را بجا بیاورد و ملیت را یاد دهد. اگر دولت مطبوعات

را در چنگ بگیرد بجای داستانهای ننگینی مانند «رستم در قرن بیست و دوم» (!) که نویسنده آن

Jules Verne بیذوق ایران بی‌پروا و هراس با مقدس‌ترین «بازرسیده»

Überlieferung، Tradition نیاکان ما رستم زال بازی کرده یا «مانند» کابل یا

سرتاپای روزنامه اطلاعات، بجز روزنامه‌ها را که همه نامه‌اش «فواید گریه»، گشته شان

بکلی باطل باد شوند، اعلیحضرت امپراطوری انگلستان یا ترجمه از Reine ... ، Vasida

اتحاد و ... دست برد را وادار کند که هیچ بکاری ننویسند. گمان میکنم این آتش را توان دوباره

در دلها روشن کرد.

دوازده سال میخوانیم هنوز نه خواندن یک موزیک نه نوشتن و زبانها، از زور بی‌پرورش

بردن لغتهایی که اندیشه‌ی روزانه خود را میتوانیم با آن بیان کنیم. زبان شناس معروف سوئیسی

Ferdinand de Saussure گوید: Tyrannie de l'écriture sur la langue

بکار نگیریم ... Tyrannie de l'écriture sur la culture از خط خواهد بود.

زبان را دچار تعریب نشد مگر در مقابل خط عربی که هیچ بهره از آن نبردیم. مثل زن تهرانی

خودمان میگوید "شوهرم از هر جا بگیرد بیشتر ..." باید کارمندان فرهنگستان هم کاری بکنند رسمی

[illegible]

لغات ... و زبان پهلوی باید ریشه‌یابی کرد که واژه‌ای فارسی در آن گم شده. با حفظ

کنند و آینده. آنوقت این واژه‌های فارسی بنا به قول ... لغت ... و فرهنگ پهلوی و ...

[av. taiwina]

و ... و ... انتخاب کرد و نتیجه آن ... افسر = تاج را بلرزید ...

... Offizier = Offizier "صاحب منصب" بیدلند ماتر صاحب

... یا کمان رنگین یا رنگین کمان بجای قوس و قزح ... از ...

... در فارسی ... و ... آن ع — در ... کمان رنگی

یا ... (= کمان رستم) ... [... بجای ...]

رستم ... که ... گفتند فراهم کردند)

۳. بجای ... مردم ... به ... که ... تربیت ...

خون آهن گداخته در رگ آنها روان باشد. بجای این دبستانها سپاه وطن‌خواهان

که بزرگترین آرزوشان به آرزوهایت یا آرزوی شخصی باید سالها گذری سخت از جوانی بگذرد

باید راه پرورش گزید که آنها را چون پولاد سخت چون برق تند و چون البرز استوار سازد

آنوقت ملیون تابنده‌ی ایران امیدوار بود.

اگر توانستم تا چند ماه دیگر به کارهای خود خاتمه دهم و خاک پاک ایران را ببوسم

که زمانی هزاران چیز دیگر خواهم گفت و هزاران راه از پیشه دیگر نشان خواهم داد اگر گفتم

مرا یاوه‌سرای بیش نپندارید چون زرتشت سپیتمان خواهم گفت:

«به کدام خاک روی آورم؟ بکدام جا پناه جویم؟ بزرگان از من میگریزند

برگزیدگان نیز خشنودم نمیکنند .... » (یسنا ۴۶)

ایران زنده باد

شاگرد تندی شما

دلداده میهن

[سند شماره‌ی ۲]

پاسخ متین دفتری به نامه‌ی منشی‌زاده

تاریخ ماه ۱۳

ش

نخست وزیر

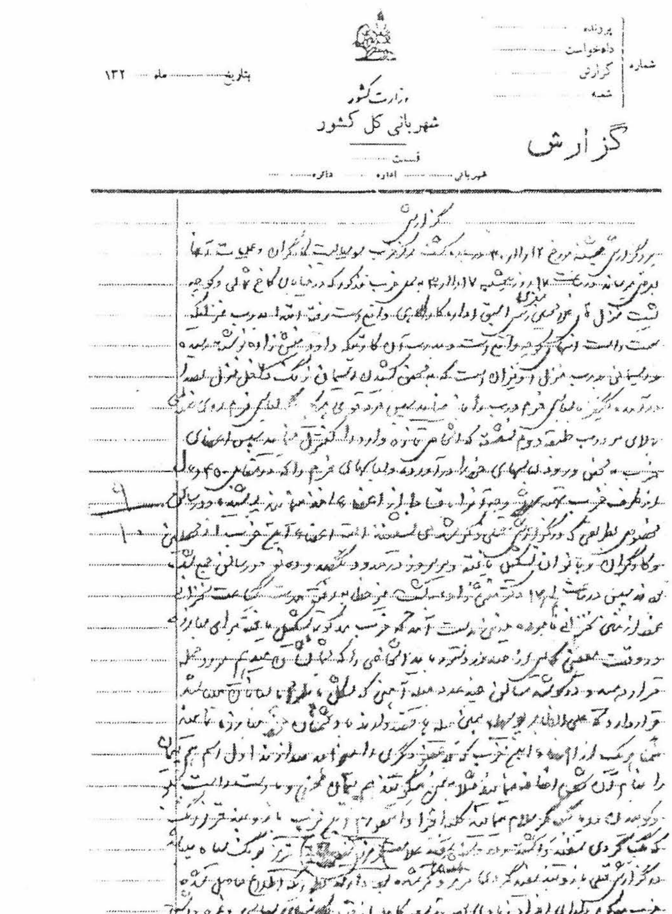
آقای داوود منشی‌زاده

نامه ۹ برابر ۱۹۳۹ وصول و احساسات میهن پرستانه [illegible] موجب خرسندی و شادمانی گردید.

[illegible] ۲۳/۹/۱۸

[سند شماره‌ی ۳]

گزارش شهربانی از حزب سومکا: فعالیت‌ها، تشریفات و دیگر مسائل مربوطه



[سند شماره‌ی ۴]

گزارش تأثیر سومکا در دانشگاه و ارتش و نقش دولت آمریکا در تقویت این حزب

۲۱ ـ اسفندماه ۱۳۳۰

گزارش

طبق گزارش رسیده تأسیس حزب سوسیالیسم ملی کارگران
در دانشگاه تأثیر بسزائی نموده و عده‌ای از دانشجویان عضو
حزب زحمتکشان و پان‌ایرانیسم در این حزب نام‌نویسی نموده‌اند
گفته میشود حزب مزبور در ارتش هم طرفداری پیدا کرده و افسرانی
که در آمریکا تحصیل کرده یا چند نفر [illegible] آنها کار کرده‌اند
این حزب را تقویت میکنند.
توده‌ایها میگویند حزب مزبور از طرف امریکائیها برای مبارزه با
افکار کمونیستی تأسیس شده و خرج آنرا وزارت امور خارجه امریکا
از محل مخصوصی تأمین میکند و قرار است شعب آن در بعضی شهرستانها
ایران تشکیل شود. ضمناً حزب منشعب توده [illegible]
شورویها راجع به طرز مبارزه با حزب سوسیالیسم [illegible].
داوطلبین [illegible] حزب مزبور گفته است [illegible]
ما باید [illegible]
جلسه [illegible] خواهند پرداخت.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۵]

گزارش شهربانی کل به اداره اطلاعات درباره‌ی تشکیل حزب سومکا و فعالیت‌های آن

وزارت کشور

شهربانی کل

قسمت

اداره

دائره

بتاریخ ۲۰/۱۲/۱۰

شماره ۱۲/۵۳۶۱۲

پیوست

موضوع

(محرمانه ـ مستقیم)

مطابق گزارش قسمت مربوطه شخصی بنام داود منشی زاده که از قرار معلوم پدر او منشی زاده معروف عضو کمیته مجازات بوده و خود مشارالیه مدتی در کشورهای آلمان ـ فرانسه و مصر توقف داشته و اخیراً بکشور شاهنشاهی مراجعت نموده است در منزل خود واقع در خیابان کاخ شمالی حزبی بنام (حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران) تشکیل و تاکنون در حدود دویست نفر در حزب مزبور نام نویسی نموده و افراد حزب مزبور موقع ورود در جلسات باید از لباس اونیفرم مخصوص که دارای بازوبند قرمز و وسط بازوبند آرم شبیه به صلیب شکسته نقش شده استفاده و موقع برخورد بیکدیگر بحال نظامی یکدست خود را بطور افقی نگاهداشته و باین طریق بیکدیگر احترام میگذارند و تا بحال دو شماره مجله (سومکا) که ناشر افکار حزب و کلیه افراد حزبی را ملزم برعایت انضباط شدید مینماید منتشر و در دسترس افراد حزبی قرار داده است و فعلاً مراتب بعنوان استحضار معروض و شهربانی کل مشغول اقدام برای کشف مقصود این حزب بوده و اطلاعات مکتسبه متعاقباً باستحضار خواهد رسید. ـ

از طرف رئیس شهربانی کل کشور ـ سرتیپ آرتا

[سند شماره‌ی ۶]

هم‌کاری مهندس فردا با حزب سومکا و نیت اعضای اصلی حزب برای تجدید فعالیت حزب نازی در ایران

۰۰۶۴۴۰۵۷

مورخه دوشنبه ۲۶/۱۲/۳۰

گزارش

از قرار اطلاع حاصله آقای مهندس فردا که فعلاً در دار و دسته جبهه ملی و از مطلعین با امور نفت میباشد و سابقاً در آلمان و معروف به آلمان خواه و از فاشیستهای آلمانی طرفدار و عقاید خود را هم فاشیست میداند با آقایان دکتر امیر مکری و دکتر داود منشی زاده موسس و بانی حزب سومکا که ناشی از افکار نازیها و ارتباط بعضی عضو آلمانیها در داخل کشور ایران دارد همکاری نموده و ایشان هم در این دسته رفت و آمد دارند و بطوریکه گفته میشد سران واقعی این حزب فعالیت و اقدامات خود را مانند جمعیت فراماسون (فراماسونها) سری و برای دور بودن از افکار مردم آن عده موثر فعالیت و نام و نشان از خود نشان نمیدهند و منظور واقعی این دارودسته این است که مرام و مسلک نازیها را در ایران ترویج بدهند و با نازیهائیکه فعلاً بطور سری در آلمان برای تجدید حیات آلمان فعالیت دارند در ارتباط میباشند و بطوریکه گفته میشود سرپرست شعبه خاورمیانه حزب نازی با فن پاپن میباشد.

ص - ب

رونوشت برابر با اصل است.

[سند شماره‌ی ۷]

گزارش از تلاش منشی‌زاده برای تهیه‌ی لباس متحدالشکل برای اعضا حزب، جهت انجام رژه و تظاهرات در خیابان

اسفند ماه ۱۳۲۱

گزارش

مأمورین گزارش می‌دهند طبق اطلاع واصله دکتر منشی‌زاده رهبر حزب

سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) و معاون او کتیرائی مشغول

تهیه لباس متحدالشکل برای افراد گروه حمله و سازمان زنان و جوانان

ایران زمین می‌باشند که پس از تهیه آن برنامه [illegible] و [illegible]

را تنظیم و افراد حزب در خیابانهای تهران تظاهراتی نموده و از جلو

دکتر منشی‌زاده رژه بروند. ق-ک ۱۳۲۱

حزب سوسیالیست ملی کارگران

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[illegible]

[سند شماره‌ی ۸]

گزارش اظهارات منشی‌زاده مبنی بر لزوم مقابله با فعالیت‌های شوروی در ایران

۲ مهرماه ۱۳۲۳

گزارش

طبق گزارش رسیده ـــ بطوریکه از منابع حزب سوسیالیست ملی

کارگران ایران (سومکا) کسب اطلاع شده منشی‌زاده رهبر حزب [illegible]

بدوستان خود اظهار داشته است در برابر فعالیتهای [illegible] شوروی

در ایران نه تنها [illegible] [illegible] زیرا [illegible] این نحو

فعالیت آنها زمینه را برای تسلط شورویها در ایران آماده خواهد

نمود و چون [illegible] [illegible] استقلال و [illegible] ما

هستند باید اجازه زندگی در ایران به آنها داده نشود.

بنابر این اصل میگوید در حوزه‌ها [illegible]

[illegible]

فعالیت آنها [illegible] اجرای نقشه‌های [illegible]

تشکیل حزب سوسیالیست ملی را [illegible]. ا ـ ل

حزب سوسیالیست ملی کارگران

دوسیه ـ ط ـ ۹

[سند شماره‌ی ۹]

گزارش فعالیت حزب توده و احزاب مخالف دربار برای انجام تظاهرات به نفع دولت مصدق و نقشه ترور یکی از مقامات توسط طرفداران احزاب سومکا و آریا

۰۰۳۷۰۰۲۶

۱۲ فروردین ماه ۳۲ گزارش

بطوریکه اطرافیان دکتر بقائی اظهار داشته اند مخالفین دولت در دربار بر توافقی که بین توده ایها و سایر احزاب علیه دربار بعمل آمده تصمیم دارند وسیله ای ایجاد کنند که حزب منحله توده رسماً تظاهراتی به نفع دولت در شهر انجام دهد تا زمینه جهت نقشه مخالفین دولت از نظر افکار عمومی آماده شده و در محافل بین المللی مخالفت با آقای دکتر مصدق بمنزله مبارزه با کمونیست تلقی گردد دکتر شروین گفته است نقشه ترور چند عده ای نفر تهیه شده است که در صورت تصویب طـــرح هیئت هشت نفری و سلب اختیارات مقام سلطنت وسیله بعضی از گروهبانان ارتش که وابسته بحزب سومکا و حزب آریا میباشند عملی خواهد شد مخالفین دولت از طرفداری حزب منحله توده از دولت خوشحال میباشند و میگویند این موضوع وجهه آقای دکتر مصدق را خراب کرده و امیدوارند آنان را بموفقیت بیشتر نموده است دکتر بقائی گفته است آقای دکتر فاطمی بوسیله نیکپور نائینی مدیر روزنامه خبـــر باکو با مسکو ارتباط دارد و هم آهنگی روزنامه باختر امروز و نیروی سوم با جراید توده ای مبارزه ما را از نظر سیاست بین المللی آسان کرده است

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۰]

گزارش مسافرت چند تن از اعضای حزب سومکا به اصفهان برای تأسیس پایگاه حزبی در آن‌جا

۰۰۳۶۸۰۱۱

شماره: ۱۰۲۰/ک

تاریخ: ۱۱/۱/۳۴

پیوست: ندارد

وزارت جنگ

لشگر ۹ اصفهان

بکلی محرمانه مستقیم

ریاست ستاد ارتش

گزارش

محترماً معروض میدارد رونوشت اطلاعیه رسیده در مورد حزب سیاه پوشان (سومکا) بپیوست تقدیم میگردد. دستور داده شد اطلاعات بیشتری در اینمورد کسب نمایند چگونگی پس از اخذ نتیجه بعرض خواهد رسید. م.ا

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

فرمانده لشگر ۹ اصفهان - سرتیپ مناهری -

[سند شماره‌ی ۱۱]

اصل گزارش مسافرت اعضای سومکا به اصفهان

بند ۳/ ـ بطوراطلاع چهارنفراز اعضای حزب سیاه پوشان که در تهران تحت سرپرستی دکتر منشی زاده تشکیل گردیده وشغل آنها آموزگاری است باصفهان آمده تا ترتیبات تشکیل شعبه حزب را در اصفهان بدهند ولی هنوز نام آنها ومعاشرین آنها بدست نیامده است

[سند شماره‌ی ۱۲]

گزارش اختصاص محلی در خیابان صفی علیشاه به حزب سومکا

۲۴ فروردین ۱۳۳۱

حزب سوسیالیست ملی

گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد که طبق اطلاع واصله یکشنبه آینده حزب سوسیالیست ملی کارگران (سومکا) رسماً در خیابان صفی علیشاه افتتاح خواهد شد.

گفته می‌شود سرهنگ فاتح افسر نیروی هوایی با حزب مزبور همکاری‌نموده و یکی از کارگردانان و مؤسسین این حزب می‌باشد.

[حاشیه‌ی پایین:] ۱ نسخه‌ی ماشینی ارائه شود. ۳۱/۱/۲۷*[۱۳]*

[سند شماره‌ی ۱۳]

گزارشی از تعداد اعضای سومکا و عضویت چند نفر از امرای ارتش در آن

۲۵ ــ فروردین ماه ۱۳۳۱

گزارش

مامور ویژه گزارش میدهد طبق اطلاع واصله تاکنون عده‌ای درحدود هشتصد نفر درحزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) نام‌نویسی نموده اند وگفته میشود چند نفراز امراء لشکر منجمله سرتیپ آریانا دراین حزب عضویت دارند.

[سند شماره‌ی ۱۴]

گزارشی درباره‌ی گردانندگان حزب سومکا

[illegible] گزارش روز ۲۵/۱/۴۲ درمورد حزب (سومکا) [illegible]

اینک به پیوست اطلاعات جمع [illegible] از روز [illegible] اطلاعات [illegible] ۲۵ فروردین ۱۳۴۲ را

[illegible] شده [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] (ادر دیگر [illegible]) [illegible] ممکن است [illegible] محققین

[illegible] اینک اطلاعاتی [illegible] [illegible]

۱- [illegible] هیئت مشاوره حزب [illegible] ۲- منوچهر [illegible] معاون حزب

- [illegible] ۳- [illegible] رئیس گروه حمله ۴- [illegible]

[illegible] ورزشی جوانان - ۵- [illegible] پرویز فروتن معاون گروه حمله ۶-

منوچهر فروتن رئیس دفتر - ۷- [illegible] عضو گروه حمله - ۸- منوچهر [illegible]

[illegible] دفتر [illegible] حزب - ۹- [illegible] رئیس گروه [illegible] - ۱۰

[illegible] رئیس [illegible] سیاسی [illegible] تبلیغات و انتشارات [illegible] اخیراً [illegible]

در هیئت مشاوره باقی [illegible] [illegible] اینکه [illegible] گزارش [illegible]

رسیده از عضویت کناره‌گیری نموده و اجرای [illegible] رهبر حزب [illegible]

مخالف برنامه [illegible] و در طی پرسش تشخیص داده‌اند - ضمناً [illegible] نام [illegible]

که با [illegible] هیئت [illegible] (از طرفی شخصی بنام [illegible]

[illegible] از طرف [illegible] مورد تعقیب [illegible] با شخص [illegible] ارتباط

[illegible] [illegible] دیگری [illegible] مورد [illegible]

تماس این حزب با محافل دیگر کمتر است

۶۳۴

۲ـ تماس با طلوعی [illegible] شرکت نفت ایران در تهران بوده و [illegible] داشته است.

[illegible] اخیراً مشغول نوشتن کتابی است که گویا قریباً منتشر شود.ـ

۳ـ فلان دکتر منشی رئیس مخارج حزب را بوسیله پیش فروش کردن قبوض روزنامه حزب

(ابتکار) و قرض با یاران و وعده و وعید با شاهی می‌گذرانیده ولی اخیراً با وسایل

[illegible] تماس گرفتن با سفارت انگلیس بوده تا از این راه بتواند مخارج حزب خود را

تأمین نماید.ـ

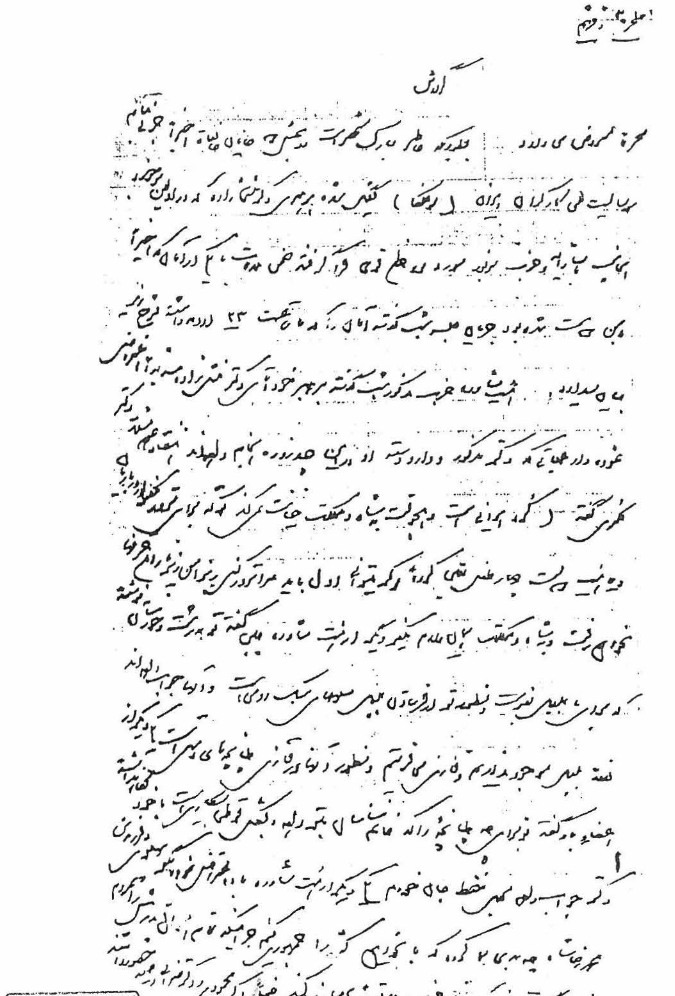
[illegible] برای کسب اطلاعات در حوالی حزب [illegible] به نظر می‌رسد

و شخصی که در این مورد اطلاعاتی ابتدائی می‌دهد از حزب فاصله گرفته و ممکن است بتواند

اطلاعات ابتدائی را با جانب برساند. مراتب استحضاراً معروض گردید.

[سند شماره‌ی ۱۵]

گزارشی از اختلاف منشی‌زاده و دکتر مکری و قصد منشی‌زاده جهت دریافت سلاح


گزارش

و به هر حال ... دربار که تو این طرفداری می‌کند و علت این قرار که در حدود هشت نفر هستند چهار نفرشان [illegible] دقیقه [illegible] را اداره

[illegible] در جلسه را [illegible] کلکسی می‌دهند

[illegible] در سقف نخواهند توجیه آنها [illegible] حزب [illegible] دارای شده در [illegible] که در پشت [illegible]

ولی بعد به حضور [illegible] رهبر حزب توده کار داده [illegible] است

[سند شماره‌ی ۱۶]

گزارش تصمیم تعدادی از اعضای حزب سومکا برای انشعاب

گزارش

از چندی قبل در رابطه بروز اختلافاتی که بین منشی‌زاده و سرهنگ بازنشسته فاتح
که سرهنگ مزبور یکی از افراد حساس و مورد اعتماد حزب سوسیالیست ملی کارگران
ایران (سومکا) اداره و تأمین می‌نمود ایجاد گردیده که در نتیجه مواجه با اخراج گردید
از این رو سرهنگ فاتح استعفای خود را به حزب داد و این عمل یک اختلافی
بین طرفداران هر دو ایجاد نموده و دکتر منشی‌زاده رهبر حزب در باطن با سرهنگ فاتح
بود و چون بیشتر باروئی گروه‌ها و کادرهای مخصوص حزب است لذا
نظر مشترک بین هر گروه و طرفداران دکتر منشی‌زاده و [illegible] انحصاری که
بعضی از افراد حساس و رئیس [illegible] دانشگاه [illegible] اظهار داشت
طرفداران دکتر منشی‌زاده و سرهنگ فاتح یک گردهمائی داخلی نموده
و عمل حزب را [illegible] تشکیل داده موضوع اختلافات [illegible]
و رهبری حزب از نظر سیاسی بوده است در خط مشی زیرا که در جلسه اجازه
ملاقات افراد را با رهبر حزب نمی‌دادند و اظهار داشته‌اند که ممکن است
در [illegible] ۹۰

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

رهبر حزب ترور شد و حتی از طرف مکی و محمود دیان [illegible] وادار و دسته او شایعاتی

درباره افراد سیا دادند که ترور کار انگلیس است و نباید با رهبر مخالفت کنند این عمل

را نمی [illegible] اعتراف [illegible] تکریتی و حتی [illegible]

منبع چهار فروش و برادرش که در کار [illegible] مشغول نه و مشغول مال و حسابداری

[illegible] ان است و چه صفه [illegible] و سایر برادرها دیگر مشغول [illegible] با [illegible] این

محل درباره سر سنگ [illegible] که در خیابان شاه رضا مقابل دانشگاه مغازه شیرینی

فروشی بنام شیرینی فروشی ماه دارد و شروع بهکاری نمود و مشغول تنظیم

تشکیلات [illegible] شده و از روز پنجشنبه ۲۸/۱/۱۳۴۱ [illegible]

همه روزه ما بین برای کمک و ایجاد تشکیلات جدید که قسمتی از آن

به سرپرستی [illegible] خواهد بود شروع بکار نمایم

183 - ۲ - ف

ح ص - ظ - ۹

[سند شماره‌ی ۱۷]

گزارش مراجعه افراد سومکا به محل اداره‌ی روزنامه‌ی وحدت ملی جهت تکذیب خبر انشعاب در حزب

گزارش

محترما بعرض عالی میرساند ـ بطوریکه روز گذشته از محل حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران واقع در خیابان خانقاه مراقبت بعمل آمد قبل از ظهر بمنظور بمحل مزبور آمده که هرکدام پس از سه‌ربع ساعت خارج شدند ـ از ساعت ۱۷ تقریبا ۱۲ نفر بحزب آمده داخل شدند که سه نفر آنها زن بوده ساعت ۲۲ و نیم بطور انفرادی خارج و متفرق شدند چراغهای اطاق قسمت فوقانی خاموش گردید مجددا ساعت ۸ صبح امروز بمحل مزبور رفته مشغول مراقبت بودند از ساعت ۹ ۱۵ نفر بطور انفرادی ـ بآن محل آمده داخل حزب شدند ساعت ۱۰ چهارده نفر دسته جمعی با لباس مخصوص از محل حزب خارج پیاده از خیابان خانقاه و منوچهری بروبروی تجارت انگلیس کوچه حمام اداره روزنامه وحدت ملی رفتند که دو نفر آنها درجلوی درب ایستاده مانع ورود اشخاص میشد و چند نفر در داخل کوچه ایستاده بقیه داخل رفتند ـ پس از نیم ساعت خارج از خیابان اسلامبول و شاه آباد بمیدان ـ بهارستان آمدند که در خیابانها تماشاچیان کاملا متوجه آنها میشد ـ سپس در میدان بهارستان بوسیله مامورین کلانتری ۲ دو نفر آنها دستگیر چهار نفر دیگر بطرف خیابان اسلامبول مراجعت نمودند ـ هنگامیکه چهار نفر مزبور در خیابان اسلامبول بوسیله مامورین کلانتری سه دستگیر میشود ضمنا اینجانب بعدا باداره روزنامه وحدت ملی رفته جریان رفتن آنها را تحقیق نمودم مدیر روزنامه اظهار داشت در شماره ۲ ـ ۲۸ فروردین ماه مقاله راجع بانشعاب در حزب سومکا نوشته بودیم که ـ اکنون عده ای آمده اعتراض نمودند و شرحی نیز نوشته بمن دادند در شماره بعدی چاپ و انشعاب را تکذیب نمایم ـ و چون بدون امضاء بوده از درج آن خود داری خواهم نمود بلافاصله اینجانب رونوشت شرحی راکه برای تکذیب افراد مزبور نوشته بودند یادداشت نموده و یکشماره از روزنامه وحدت ملی و رونوشت شرح فوق جهت استحضار خاطر عالی به پیوست تقدیم میدارد ـ

۲۱/۱/۲۸

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۸]

متن پاسخ حزب سومکا به چاپ خبر انشعاب در روزنامه‌ی وحدت ملی

روزنامه وحدت ملی

لازم است توضیح زیر را در روزنامه خود پیرو خبریکه اخیرا درج کرده بودید چاپ فرمائید
افراد حزب سومکا لیست ملی کارگران ایران مصمم تر از پیش برای ایدئولوژی ناسیونال
سوسیالیسم وعشق رهبر حزب درهیچگونه فداکاری وجانبازی خود دریغ نمیکنند وبطوریکه
مبادی نهضت پایه حزب ما یعنی اصل (تسلیم واجماع) گذاشته شده وحزب ما افراد
بی انضباط را درخود راه نمیدهند و انشعابی درحزب ما روی نداده است بلکه بعلت اینکه
نه نفر اشخاص خرابکار وبی انضباط درداخل حزب در تسلیم حزبی اطاعت نکرده بودند
بفرمان رهبر سومکا ازحزب اخراج شدند افراد حزب ما مصممند که برای(این خاک-
برای این خون- برای این نژاد) برخلاف افراد پیمان شکن اخراجی تا آخرین امکان
هستی مبارزه کنند .-

آشیان‌یار سومکا

[سند شماره‌ی ۱۹]

گزارشی در خصوص علت مخالفت منشی‌زاده و دکتر مکری

۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱

گزارش

طبق گزارش رسیده طبق اطلاع واصله اختلاف حاصله

در سران حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) روی

این اصل است که دکتر مکری بنا به تقاضای [illegible] کلیمی

نماینده‌ی [illegible] مجلس شورای ملی [illegible] از انتخاب [illegible] را به

حزب مزبور پیشنهاد نموده و منشی‌زاده و سایر زعمای حزب مزبور

از اینکه نامبرده از [illegible] در آنها [illegible] واقع می

شوند را به حزب معرفی کرده رنجیده و اختلاف حاصل کرده‌اند.

ضمناً [illegible] دکتر مکری [illegible]

نموده که [illegible] حزب را [illegible]

داده‌اند.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۰]

احتمال تحریک اعضای حزب پان ایرانیست توسط دکتر مکری برای مقابله با اعضای سومکا

۲۸/۱/[illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

گزارش

از چندی قبل در رابطه بروز اختلافاتی که بین دکتر مکری و سرهنگ بازنشسته فاتح

که سرهنگ مزبور یکی از افرادی است که مدتی است به نمایندگی از حزب سوسیالیست ملی کارگران

ایران (سومکا) اداره می‌نمود ایجاد گردیده که در نتیجه منجر به نزاع گردید

از این رو سرهنگ فاتح استعفای خود را به حزب داد و در این حال یک اختلافی

بین طرفداران هر دو ایجاد نمود و دکتر منشی‌زاده رهبر حزب در باطن با سرهنگ فاتح

هم در جریان مشورت با روسای گروه‌ها و کادرهای مخصوص حزب است لذا

با نظر منشی‌زاده هر گروه طرفداران دکتر منشی‌زاده و تکیه بر تکیه انتصاری که

یکی از افرادهای ... پلیس تلگراف دانشگاه ... شده اطلاع داشت

طرفداران دکتر منشی‌زاده و سرهنگ فاتح یک گروه‌های داخلی نموده

و محل حزب را بخیابان خانقاه تغییر داده‌اند موضوع اختلافات ناشی

از رهبری حزب و نظر سیاسی بوده است در خط مشی زیرا کادر حلیه اجازه

ملاقات افراد را با رهبر حزب نمی‌دادند و اظهار می‌داشتند که مطلب است

۹ ...

۲

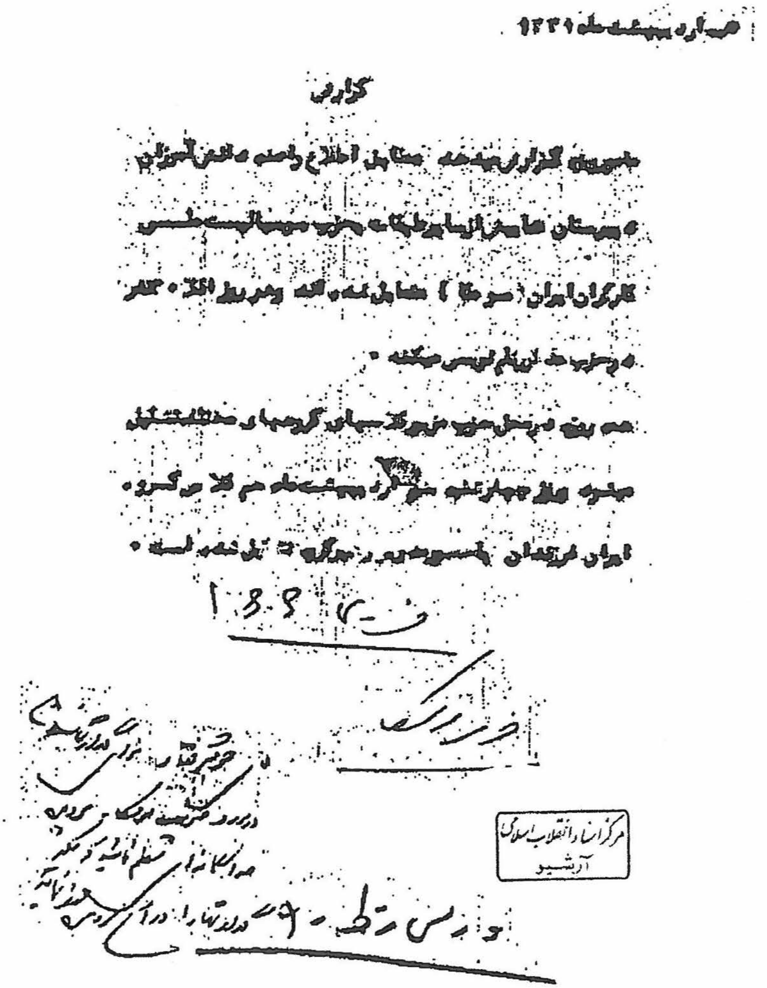
رهبر حزب ترور شده و حتی از طرف یکی از محرومان و دارو دسته او شایعاتی
درباره افراد میدادند که ترور شده است و نباید با رهبر صحبت کنند این عمل
دامنه اختلافات را گسترده‌تر کرد تا اینکه با تشنج فعلی عمل یکی را حتی کن
بنام حمید فروتن و برادرش که در کارگاه حلوا سفید رانه و شکلات سازی رحمانیاری
با محرومان است و جعبه جنس و سایر لوازم دیگر شیرینی مشغولند با این میزان
حال درباره سرنگ ... که در خیابان شاهرضا مقابل دانشگاه مغازه شیرینی
فروشی بنام شیرینی فروشی ماه دارد شروع بهمکاری نموده و مشغول تنظیم
تشکیلات مینا شده و از روز پنجشنبه ۲۸/۱/۵۲ برای ...
همه روزه ماهی برای کمک و ایجاد تشکیلات جدید که قسمتی از آن
ببر برنامه ... خواهد بود شروع بکار نمایند

خ - ۲ - ۱۲۵

و - س - ظ - ۹

[سند شماره‌ی ۲۱]

گزارش تشکیل کلاس‌های حزبی و ثبت نام دانش‌آموزان در حزب



[illegible] اردیبهشت ماه ۱۳۳۹

گزارش

محترماً گزارش میدهد طبق اطلاع واصله دانش‌آموزان [illegible]

دبیرستان [illegible] حزب سوسیالیست [illegible]

کارگران ایران (سومکا) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اردیبهشت ماه [illegible]

[illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۲]

رونوشت گزارش شکایت خانم علی نقی علیه حزب سومکا

در جواب مراسله مرقوم (ر)
اعداد مهره که منتم شماره
است با شماره ذکر شود

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

قسمت

اداره ....
دائره ....
تاریخ ....
شماره ....
پیوست ....
موضوع ....

[illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۳]

گزارش شهربانی به وزارت کشور در خصوص فعالیت حزب سومکا در تهران

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

۰۶۴۴۰۴۰
اداره
دائره
تاریخ
شماره
پیوست
موضوع

محرمانه – مستقیم

وزارت کشـــور

تعقیب گزارش شماره $\frac{۱/۵۳۸۱۱}{۳۰/۱۲/۱۵}$ راجع به تشکیل حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) در تهران باستحضار میرساند:

بطوریکه در گزارشات بوسیله متدرجا بعرض رسیده بموجب گزارشات واصله حزب مزبور در این مدت مشغول فعالیت بوده واقدامات جدی برای توسعه سازمانهای حزب وتشکیل گروههای مختلف و تأسیس کلاسهای متفرقه نموده و عده زیادی ازاهالی مخصوصا دانش آموزان برای ثبت نام حزب مذکور مراجعه نموده و تااندازه‌ای هم موفقیتهائی نصیب حزب گردیده است.

اخیرا حزب (سومکا) درخیابان خانقاه بخش ۲ باغی اجاره کرده و محل حزب را بآنجا انتقال داده و گفته میشود یکی ازافراد حزبی باغ مذکور را بطور افتخاری دراختیار حزب گذارده است.

چند یست دراثر اختلاف حاصله بین منشی زاده و عده‌ای از سران حزب ظهور انشعابی در این حزب رخ داده وامیرمکری معاون حزب باتفاق حسین ضرابی – مهندس فضل اله محمودیان – عبدالحسین البرزی – پرویز فروتن – منوچهر فروتن – هوشنگ سپهر و عزت اله مجید ازحزب سومکا کناره‌گیری کرده وگفته میشود درصدد تشکیل حزب دیگری میباشند.

ازقرارمعلوم علت اصلی این اختلاف وانشعاب اختلاف نظریست که بین نامبردگان درمورد هدف و مقصد اصلی حزب تولید گردیده وشایع است چون داود منشی زاده رهبرحزب ازتعقیب هدف اصلی خود که عبارت ازمبارزه باتوده‌ایها بوده عدول کرده و محرمانه درصدد تغییر رژیم کشور وفعالیت بنفع جمهوری بوده که امیرمکری ورفقایش ازلحاظ وطن‌پرستی وشاهدوستی بااین نظر مخالفت و ازحزب مزبور کناره‌گیری نموده‌اند

در جواب ... استدعا میشود که شماره ... است با شماره ذکر شود

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

اداره ......
دایره ......
تاریخ ......
شماره ......
پیوست ......
موضوع ......

- ۲ -

ضمناً شهرت دارد امیرمکری و رفقایش هنگام جدائی از حزب مبلغی در حدود ۲۰۰۰ تومان وجوه حزب را برده اند .

بطوریکه شایع است داود منشی زاده سعی میکند برای ارگان حزب روزنامه ای بنام (سومکا) منتشر نماید .

× از مدلول گزارش یکی از مامورین ویژه که در جلسات آنها ... است استنباط میشود که حزب مزبور برای تهیه و فراهم نمودن اسلحه های جنگی هم از شهرستانها مشغول اقدام میباشد .

در چند روز اخیر عده ای از افراد حزبی بدستجات ۵ تا ۲۰ نفری در خیابانها مشاهده شده اند که با اونیفورم مخصوص حزبی بمنظور جلب توجه عموم گردش میکنند که یک دسته از آنها مواجه با اجتماع اهالی گردیده و برای تفرقه جمعیت بکلانتری ۵ دلالت و بعد آزاد شده اند .

چند روز قبل روزنامه وحدت ملی شرحی راجع به انشعاب حزب سومکا نوشته بود ، عده ای در حدود ۱۰ نفر از اعضاء حزب با لباس اونیفورم به دفتر روزنامه رفته و شرحی بمضمون زیر تسلیم (در این حزب انشعابی رخ نداده و چون بنیان حزب روی اصل دیسیپلین و انضباط گذارده شده ۵ نفر اشخاص بی انضباط و خرابکار که داخل حزب شده بوده اند اخراج گردیده اند) و تقاضای درج در روزنامه نموده اند که کارکنان جریده مزبور بعنوان اینکه فاقد امضاء میباشد از درج ورقه مذکور خودداری نموده اند .

اینک مراتب استحضاراً عرض و محل حزب مزبور و رفتار و عملیات کارگردانان هر دو دسته تحت مراقبت مامورین ویژه میباشد که نتایج حاصله متعاقباً بعرض برسد .

از طرف رئیس شهربانی کل کشور - سرتیپ ...

[سند شماره‌ی ۲۴]

گزارش تهیه‌ی علایم حزبی و خنجر ویژه‌ی گروه ایران در زندان

۷ ـ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱

مأمور ویژه گزارش میدهد طبق اطلاع واصله حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) دو عدد مجسمه ریختگی بشکل عقاب (سیمی) تهیه نموده و قصد دارند مجسمه های مزبور را به ورودی درب حزب نصب و ضمناً پرچم مخصوص حزب را هم بر بالای عمارت افراشته سازند ضمناً دستور داده شده تعدادی خنجر تهیه نمایند که افراد گروه ایران در زندان خنجر مزبور را از روی لباس فرم به کمر آویزان کنند.

پرونده [illegible] گروه ایران در زندان تشکیل شود

۲۴/۳۰

بایگانی

۱۱/۲/۳۱

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شمارهٔ ۲۵]

گزارش فعالیت‌های یک‌روزه و برنامه‌ی آینده‌ی حزبی

۰ ـ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱

مامور ویژه گزارش میدهد: از ساعت ۱۷ روز ۰ ماه جاری عده ای در حدود ۲۰ نفر از اعضاء گروه ایران فرزندان در محل حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) منجمله مدرس بهزادی امیدی و خیابانی تشکیل و راجع بمشی مبارزات و پیشرفت حزب مذاکراتی نموده اند. گفته میشود در نظر دارند با افراد گروه ایران فرزندان شهرستانها [illegible] تعلیمات لازما بدهند. از افراد این حزب موسوم به احمد نوا مرزی کارمند شرکت نفت خوزستان ماموریت داده جبهه حزب را در خوزستان تشکیل دهد واز هم اکنون مشغول تهیه مقدمات افتتاح آن میباشد.

گروه ایران فرزندان

[سند شماره‌ی ۲۶]

گزارش فعالیت‌های روزانه و تشکیل کلاس آموزش سیاسی

۰۰۳۶۸۰۲۴

۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱

گزارش

مامور ویژه گزارش میدهد عصر روز ۸ ماه جاری عده ای درحدود ۳۰ نفر از اعضای گروههای مختلف درمحل حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) حضور یافته وکلاس آموزش سیاسی با حضور جواد ـ امینی ـ فروزش ـ خرم ـ پوستچی ـ آزادپور ـ مدرس ـ سپاهی وعده دیگر تشکیل وتا ساعت ۱۱/۲۰ راجع به روش سیاسی حزب درمراحل مختلف ومنظور وهدف ایجاد تشکیلات حزب مزبور مباحثاتی نموده ومتفرق شده اند.

[سند شماره‌ی ۲۷]

گزارشی از تعداد اعضای گروه ایران فرزندان و اختلافات مِلکی محل حزب

۰۰۳۶۸۰۲

۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۱

گزارش

گزارشات مامورین ویژه حاکیست عده زیادی از افراد گروههای مختلف حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) در محل حزب اجتماع و مذاکراتی بعمل می‌آورند اخیراً از طرف حزب با مواد دستور داده شد بروی دیوارها شعارهائی نوشته و در منازل یک [illegible] مخالفین سکوت اختیار کنند. معتقدند گروه ایران فرزندان به ۱۰۰ نفر رسیده و طبق مقررات حزب مزبور ۱۰ نفر یک جرگه را تشکیل میدهند که بوسیله یکنفر (جرگه دار) اداره میگردد هر جرگه به سه قسمت ۵ نفری تقسیم و هر قسمت تحت نظر یکنفر مقدم بان میباشد و هر دسته نفر دارای سرجوخه ۵ نفری است و سرجوخه آنها را سرجوخه مینامند.

طبق اطلاع [illegible] که حزب سومکا [illegible]
[illegible] حزب [illegible]
[illegible] حزب اجتماع

و پاسبان آنها را حفاظت نموده است .

[سند شمارهٔ ۲۸]

گزارش روزانه تشکیل جلسه‌ی هفتگی گروه ایران فرزندان

۱۳ اردیبهشت ۱۳۳۱

گزارش

مأمورین گزارش میدهد ساعت ۱۷ روز ۱۰ ماه جاری جلسه هفتگی گروه ایران فرزندان حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) در محل حزب تشکیل شده و راجع بوظائف حزبی و تولید حس اعتماد و منظور از تشکیل حزب مزبور سخنرانی هائی نموده اند.

عده ای در حدود ۳۰ نفر از کودکان تا ۱۲ ساله شاگردان دبستانها در گروه ایران فرزندان نام نویسی نموده و از هم اکنون مشغول دادن تعلیمات حزبی بآنها میباشند.

گ. ایران فرزندان

[سند شماره‌ی ۲۹]

تقاضای دکتر منشی‌زاده از شهربانی جهت رسمی شدن فعالیت‌های سیاسی سومکا

تاریخ

شماره

ریاست محترم شهربانی

لزوماً باطلاع عالی میرسانم که از تاریخ دهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۰ پایه‌ی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) بوسیله من گذاشته شده است.

اکنون که یکسال از آن تاریخ میگذرد و این حزب از همه جهت در کشور پیشرفته مواجه با مخالفت دشمنان ملت ایران شده است.

بنابراین برای تحکیم موقعیت حزب و حفظ نشان و نام آن بدینوسیله با تقدیم سه نسخه از برنامه که ضمناً نشان حزبی را همراه دارد تقاضای موافقت با ثبت نام «حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) و نشان آن سیمرغ عظمت آسمان ایران» را مینمایم.

البته کلیه نشانهای متفرعه از این علامت نیز در اختیار و مورد استفاده این حزب است.

با تقدیم احترام.

رهبر و موسس حزب سومکا – دکتر داود منشی زاده

نشانی حزب و منزل شخصی تهران – خیابان خانقاه – باشگاه مرکزی سومکا.

رونوشت شناسنامه و دو قطعه عکس پیوست است

۱۸۳۸

[سند شماره‌ی ۳۰]

گزارش ملاقات چند نفر از تجار با منشی‌زاده

۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۱

گزارش

طبق گزارش رسیده روز پنجشنبه ۱۰ ماه جاری اخوان بازرگان باتفاق چند نفر از تجار بحزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) رفته و ضمن ملاقات با دکتر منشی زاده درباره امور داخلی مملکت و اوضاع اقتصادی مذاکراتی بعمل آورده اند.

دکتر منشی زاده گفته است عموم مردم از طرز رفتار حکومت و بحران اقتصادی و هرج و مرج اوضاع و مداخله بعضی از روحانیون در امور سیاسی شاکی و ناراضی هستند و باید یک حکومت قوی زمام امور را بدست گرفته و از تشنجات موجوده جلوگیری کند.

[سند شماره‌ی ۳۱]

اقدام حزب برای نشان دادن اعتقاد به اصل سلطنت

۰۰۲۶۸۰۲۸
[illegible] ۱۳۳۱

گزارش

طبق گزارش مامور ویژه ساعت ۱۱ روز ۲۱ ماه جاری دکتر منشی زاده رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) باتفاق محسنی، محمدرحیم، اخوان، معظم و جعفری، شاهان و ده نفر دیگر از اعضاء مهم گروههای مختلف حزب مذکور با لباسهای متحدالشکل بوسیله اتومبیل بآرامگاه اعلیحضرت فقید رفته و دسته گلی که پرچم مخصوص حزب سومکا بروی آن قرار داشته تقدیم نموده اند.

دکتر منشی زاده گفته است این اقدام حزب برای اینست که بمردم نشان دهیم حزب ما مخالف مقام شامخ سلطنت نیست و شایعاتی که بین مردم منتشر شده بی اساس میباشد.

حزب سومکا

[سند شماره‌ی ۳۲]

گزارش تعلیم تیراندازی به اعضای حزب سومکا

۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۲۱

گزارش

مامورین گزارش میدهند حزب سوسیالیست ملی ایران (سومکا)
بمنظور تعلیم تیراندازی بافراد حزبی دو عدد تفنگ بادی تهیه
و تحت نظر یکی از اعضاء موثر حزب که مهارت کامل دارد و این امر را به
افراد تعلیمات تیراندازی میدهند .
فرا گرفتن این تعلیمات برای کلیه افراد حزبی اجباری میباشد و دیروز
بعدازظهر افراد حزب (سومکا) بمنظور انجام مشق الشکل در خیابانها
گرد آمده و گفته میشود محل بزرگی راه بیمه راه شاه در نظر
گرفته و تصمیم گرفته اند آنجا را اجاره نموده و فعالیت علنی خود را
آغاز نمایند و

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۳۳]

گزارش حضور چند تن از دانشجویان دبیرستان نظام در محل حزب

۱۱ ـ اردیبهشت ۱۳۳۱

گزارش

مامورین گزارش میدهند چون به منشی زاده رئیس حزب

سوسیالیست ملی ایران (سومکا) [illegible] دبیرستان نظام

بوده اکنون عده ای از دانشجویان دبیرستان نظام به محل

حزب (سومکا) رفت و آمد میکنند بطوریکه اطلاع حاصل شده [illegible]

دانشجویان دبیرستان مزبور [illegible] و

[illegible] با لباس [illegible] محل حزب آمده بوده اند که پس از

خروج از آنجا بوسیله مامورین [illegible] دستگیر و بکلانتری برده

شده اند ضمناً مراتب را به منشی زاده اطلاع داده اند

گفته است باید ما از این موضوع اظهار بی اطلاعی نمائیم ضمناً

چند نفر از افراد حزب دستور داده است در اطراف محل حزب گردش

کرده و اگر افراد ناشناس دیده شد که ممکن است کارآگاه باشند

وسائل فرار [illegible] نموده و آنها را کتک بزنند .

[illegible] افراد حزب [illegible] دستور داده شده با لباس [illegible]

در خیابانهای تهران و شمیران دسته جمعی گردش نموده و
انظار مردم را بخود جلب نمایند .
از قرار اطلاع روز ۲ اسفند جاری در محل حزب ملی جلسه مشترک
و سران تشکیل خواهد شد که مجدداً در این جلسه در
مبارزه با حکومت نظامی و بدون ابراز حزبی درمقابل مامورین
حکومت نظامی اقدام خواهند نمود .

[illegible]

[سند شماره‌ی ۳۴]

استفاده از روزنامه‌ی مرد آهنین به عنوان ارگان غیر رسمی حزب سومکا

۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۱[۱]

مأمور ویژه گزارش می‌دهد: همه روزه عده‌ای از افراد گروه‌های مختلف حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) در محل حزب جلسه تشکیل [داده] و در اطراف هدف و برنامه حزب و سایر مسایل، مذاکراتی[۲] می‌کنند.

بعضاً هم سران حزب مزبور جلسات خصوصی تشکیل [داده] و در این جلسات اغلب [پیرامون] موضوع اعزام نمایندگان به شهرستان‌ها و تأسیس شعب در ولایات مذاکره و تصمیماتی اتخاذ می نمایند.

فعلاً روزنامه «مرد آهنین»[۳] را که مدیر آن غفاری نام است به طور غیر رسمی ارگان حزب قرار داد و مساواتی نام، عضو حزب مزبور برای تهیه مقالات اقدام می‌نماید.

ضمناً کمیسیونی[۴] به نام کمیسیون مطبوعات تشکیل داده‌اند تا در مورد انتشار روزنامه [ای] به نام «سومکا» ارگان رسمی حزب اقدامات لازم به عمل آورند.

---

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش. ب ۳۶۸، ص ۳۹

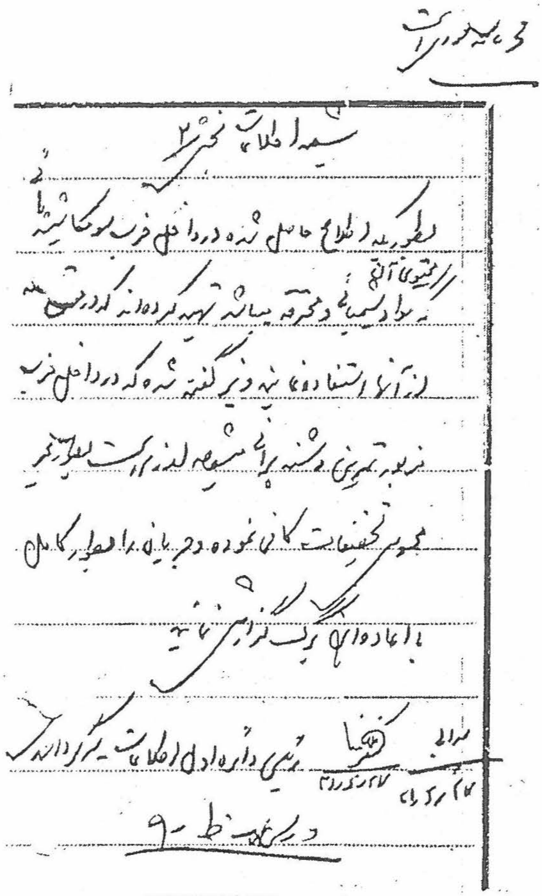
۲. اصل: مذاکرات

۳. اصل: مرد آهن

۴. اصل: کمیسیون.

[سند شماره‌ی ۳۵]

گزارشی از تهیه‌ی مواد منفجره و محترقه در حزب سومکا



محرمانه [illegible]

[illegible] اطلاعات تبریز ۲

بطوریکه اطلاع حاصل شده در داخل حزب سومکا شیشه‌ها[ی]
محتوی آتش‌زا
از مواد شیمیائی و محترقه [illegible] تهیه کرده‌اند که در [illegible]
از آنها استفاده نمایند و نیز گفته شده که در داخل حزب
نیز [illegible] تمرین می‌شود برای [illegible] لذا [illegible]
[illegible] تحقیقات کامل نموده و جریان را [illegible] کامل
با [illegible] گزارش نمائید

رئیس دایره اطلاعات [illegible]

[illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شمارهٔ ۳۶]

گزارشی مبنی بر ملاقات دکتر منشی‌زاده با کاردار سفارت انگلیس و تقاضای دریافت کمک مالی



[سند شماره‌ی ۳۷]

مکاتبه‌ی شهربانی با نخست‌وزیری درباره‌ی تأسیس حزب سومکا و چگونگی فعالیت‌های آن

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره کشور

تاریخ: ۱۳۳۱/۲/۲۷ شماره: ۲۶۸۹/س ـ ۲۴۰۲/م

محرمانه ـ مستقیم

جناب آقای نخست‌وزیر(۱)

به طوری که از شهربانی کل کشور گزارش می‌دهند چندی قبل شخصی به نام داوودمنشی‌زاده که پدر او سابقاً عضو کمیته‌ی مجازات بوده و خود مشارالیه نیز مدتی در کشورهای آلمان و فرانسه و مصر توقف داشته و اخیراً به کشور شاهنشاهی مراجعت نموده، حزبی به نام «حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران» (سومکا) تشکیل داده که اعضای آن از اونیفورم مخصوص استفاده و در موقع برخورد به یکدیگر به طور خاصی احترام می‌گذارند. حزب مزبور اخیراً برای توسعه سازمان‌های خود و تشکیل گروه‌های مختلفه به تأسیس کلاس‌هایی مبادرت ورزیده و عده‌ای از اهالی بخصوص دانش‌آموزان برای ثبت نام مراجعه می‌کنند.

محل حزب فعلاً در خیابان خانقاه ـ بخش ۲ می‌باشد و باغی را در اختیار دارند که به قرار اطلاع، یکی از افراد حزب افتخاراً در اختیار آن‌ها گذارده است. اخیراً بین سران حزب اختلافی روی داده و روی این امر منجر به انشعاب حزب مزبور شده است، زیرا منشی‌زاده مؤسس اصلی حزب از هدف اصلی خود که مبارزه با توده‌ای‌ها بود، انصراف حاصل و محرمانه در صدد تغییر رژیم کشور و فعالیت به نفع جمهوری بوده است.

چندی قبل روزنامه‌ی وحدت ملی شرحی راجع به انشعاب حزب سومکا نوشته بود که

---

۱. مرکز اسناد ریاست جمهوری، بایگانی اسناد نخست‌وزیری. پرونده‌ی شماره‌ی ۱۲۳۰۷، به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۳۱۷ـ ۳۱۸. مقایسه شود با سند شماره‌ی ۲۳

عده‌ای در حدود ۱۵ نفر از اعضای حزب با لباس اونیفورم به دفتر روزنامه مراجعه و تقاضای تکذیب خبر مذکور را داشته‌اند، زیرا نامبردگان معتقد بودند که چون بنیان حزب روی اصل دیسیپلین و انضباط گذارده شده و اشخاص خرابکار بی‌انضباط اخراج گردیده‌اند، چنین شایعه‌ای حاصل شده است. به شهربانی دستور داده شد در اطراف حزب مزبور تحقیقات کافی و لازم به عمل آورند و نتیجه، متعاقباً به عرض خواهد رسید.

وزیر کشور

امضا: [مصطفی قلی رام][1]

[حاشیه‌ی پایین:] به عرض رسید، اقدامی نداشت. ۲۹/۲/۳۱[۱۳].

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه‌ی نخست‌وزیر، شماره: ۴۹۴/۴۰، تاریخ: ۲۷/۲/۳۱[۱۳].

---

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش. ب ۳۶۸، ص ۳۹.

[سند شمارهٔ ۳۸]

تقاضای اعضای انشعابی حزب جهت ثبت حزب سومکا

۱۳۳۱/۲/۲۰

اداره اطلاعات کارآگاهی شهربانی کل کشور

چون کادر رهبری حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران در نخستین جلسه سالیانه مورخ ۳۱/۲/۱۳ باتفاق آراء تصمیم گرفت حزب مزبور را به ثبت برساند لذا با ارسال مدارک مشروحه زیر:

۱) صورت نخستین جلسه سالیانه حزب.

۲) گواهی حسن پیشینه ۸ نفر مؤسسین با انضمام دو قطعه عکس و دو رونوشت شناسنامه

۳) اساسنامه و آئین‌نامه حزب در دو نسخه با ذکر سمت هر یک از افراد کادر رهبری در حزب و شغل خارج هر یک از آنها.

۴ـ آدرس کامل محل حزب.

که پیوست است تقاضای ثبت آنرا مینماید. مستدعی است دستور فرمائید در انجام تقاضای فوق اقدام لازم معمول دارند.

از طرف ستاد رهبری حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

هوشنگ سپهر

[سند شماره‌ی ۳۸/۱]

اساسنامه‌ی حزب سومکا

اساسنامه حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران
(سومکا)

الف ـ کلیات

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران ایجاد یک ایران بزرگ و نیرومند که در آن ادامه روش ملی ایران حکمفرما و دیسیپلین اجتماعی برقرار باشد هدف خود قرار داده است.

بر واضح است که در راه نیل بهدف فوق مشکلات و دشمنان بیشمار موجود است که برای از میان ـ بردن آنها از خودگذشتگی و فداکاری ما فوق تصور لازم است. این دشمنان کمونیسم بین المللی و نیروهای استعماری جهانی هستند. بموجب وظیفه اولیه و عمده حزب ما مبارزه بی امان و آشتی ناپذیر با کمونیسم و استعمار و مظاهر و مستعاران آنها در ایران و ضدیت با هرگونه بیگانه پرستی است.

بنابراین حزب ناگزیر است در کلیه امور حزبی از دیسیپلین و انضباط آهنین پیروی کند و از افراد خود انتظار اطاعت بی قید و شرط داشته باشد.

هر فرد موظف است از بالاترین و با مسئولیت‌ترین مقام حزبی گرفته تا فرد ساده عضو حزب بدون استثنا مقررات حزبی را رعایت کند و هر قدر مقام حزبی فرد مهمتر باشد مسئولیت او بیشتر است.

در حزب سومکا اهمیت فرد بسته به خدمت و فعالیتی است که در راه مقاصد حزبی انجام میدهد. ثروت و جاه و مقام و تحصیلات هرگز باعث برتری یک فرد بر دیگری نیست.

ب ـ سازمان و تشکیلات

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران بر اصل رهبری اداره میشود.

مقصود از رهبری این نیست که فردی خود سرانه و طبق هوی و هوس خود عده ای را مطیع خود قرار ـ دهد. رهبری حزب و اتخاذ تصمیم در باره امور حزبی در دستگاه رهبری حزب است که عده آن با توجه حزب و بنا بر احتیاجات ممکن است افزایش یابد. مجری تصمیمات متخذه و مسئول حسن جریان امور حزبی رهبر حزب میباشد.

سازمانهای فعلی حزب که در آینده طبق احتیاجات توسعه خواهند یافت از این قرار میباشند:

۱ـ تبلیغات ۲ـ سازمان جوانان ۳ـ سازمان کارگران ۴ـ سازمان دهقانان ۵ـ امور [illegible] حزبی ۶ـ قسمت مالی ۷ـ سازمان مطالعات اجتماعی.

ستاد رهبری در مواقع مقتضی کارهای انجام شده و نقشه‌های آینده خود را باطلاع افراد حزب یا کنگره حزبی رسانیده و از آنها رای اعتماد خواهد خواست.

ج ـ شرایط عضویت

هر فرد ایرانی میتواند درخواست عضویت حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران را بنماید مشروط بر این که در گذشته مرتکب عملیاتی نشده باشد که با هدف ملی ناسازگار باشد.

بقیه در صفحه دوم ـ

۰۰۶۳۶۰۵۴

صفحه دوم .

پس از ثبت نام در صورتیکه مقامات حزبی پس از مطالعه و دقت او را صالح تشخیص دادند داوطلب مراسم سوگند را بجای آورده و در زمره هم پیمانان حزبی قرار خواهد گرفت .

با ادای سوگند فرد داوطلب بمیل خود و ازادانه [illegible] و انضباط حزبی گردن مینهد و — باید شایستگی خود را عملا ثابت کند .

در حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران راه ترقی برای کلیه هم پیمانان باز است و هرکس — میتواند با فداکاری و از خودگذشتگی عالیترین مقامات حزبی را احراز کند .

اساسنامه سازمانهای حزبی و آئین نامه های انضباطی توسط ستاد رهبری معین و بوسیله رهبر حزب ابلاغ خواهد شد — فروردین یکهزار و سیصد و سی و یک —

ستاد رهبری حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران .

۳۱/۲/۱۵

۳۱/۲/۱۵

برنامه حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران مصمم است برای حصول آزادی کامل اقتصادی و سیاسی ایران و بالا بردن سطح زندگی ملت برنامه سنگین و خطیری را تعقیب کند.

روزی که مقاصد ما بچنگ آید، یعنی جامعه ای منسجم و ملی ایرانی ایجاد شود که در آن اختلافات و مزایای طبقاتی مصنوعی و برای هیچکس وجود نخواهد داشت ما برنامه دیگری و آزادتری را پیش خواهیم گرفت ولی اساس این اصول پیوسته غیر قابل تغییر و ثابت خواهد ماند. اینک برنامه:

۱- ایرانی برای ما کسی است که از خون و نژاد ایرانی است. ایرانیانیکه در خارج از حدود ایران امروز بسر میبرند باید بدانند که ایران سوسیالیستی ملی کارگران در هر شکلی پشتیبان و طرفدار آنهاست و حاضر است هر آن آنها را با آغوش گشاده بپذیرد.

۲- فقط ایرانی میتواند در وضع و اجراء قوانین و دستگاه رهبری کشور خود شرکت کند. بدینجهت حزب سومکا خواستار است که کلیه مقامات مسئولیت دار در دست ایرانیان باشد.

۳- ما از مهاجرت کسانی به ایران که ملیت اصلی آنها نژاد ایرانی را ندارند سخت جلوگیری میکنیم.

۴- ما با شیوه حکومت پارلمانی در وضع و شکل فعلی و سیستم کنونی مخالفیم. باید وضعی برقرار شود که کار بدست کاردانان بیفتد و مانند امروز بخاطر منافع شخصی و منافع احزاب و دسته بندیها تقسیم نشود. نمایندگان ملت باید در برابر ملت مسئول گفتار و کردار خود باشند.

۵- ما همه ایرانیان را [illegible] دارای حقوق برابر میدانیم.

۶- نخستین وظیفه هر ایرانی آنستکه روحاً و جسماً کار کند. بطوریکه این کار مخالف منافع ملی نباشد بلکه بسود عمومی تمام شود. در جامعه ملی ایرانی بیکاری و تن پروری باید نابود شود. از حقوق اولیه هر فرد ایرانی باید این باشد که بتواند از جامعه ملی خود کار و شغل مستعدانه ای را خواستار شود.

۷- بدینجهت باید عایداتیکه بدون رنج و کار بدست بیاید ممنوع گردد (سفته بازی، احتکار، قاچاق و غیره) و یا به عبارت دیگر:
درهم شکستن قدرت پول و نابود کردن مظاهر سیاه دارایی منحط کنونی.

۸- ما مصمم هستیم که یهود و ارتجاع و هرگونه تأثیری را از ایران ریشه کن کنیم. مرتکبین رشوه و ارتشاء را از هر طبقه و خانواده که باشند با کمال بیرحمی مجازات میکنیم.

۹- ما آن کارخانه هایی را که بر ضد منافع ملی اداره میشود [illegible] با زندگی هزاران کارگر [illegible] و محصولات ملی [illegible]

۱۰- از آنجا که هر ایرانی عمر خود یا هرگاه خدمت بملت خود صرف میکند باید هنگام پیری و [illegible] از کار را بخرج ملت خود بآسودگی بگذراند. یعنی دولت برای هر ایرانی انواع بیمه های اجتماعی را بهترین طرزی برقرار سازد.

۱۱- ما طرفدار یک رفرم ارضی میباشیم که متناسب با احتیاجات ملی باشد و در عین اینکه به حق مالکیت کمال احترام را میگذاریم میخواهیم قانونی وضع شود که [illegible] بعنوان از اراضی در برابر شرایط

بقیه در صفحه دوم

عمومی برای مقاصد عام المنفعه سلب مالکیت نمود .

۱۲ ـ دولت موظف است که با توسعه کامل آموزش و پرورش ملی وسائل تحصیلات فنی و عالی فرزندان مستعد ملت را فراهم سازد تا هر ایرانی با استعداد هر قدر هم که تنگدست باشد بتواند در صورت تمایل مراتب علمی و فنی خود را بحد کمال رسانیده و بالاخره در دستگاه رهبری کشور مقام مسئولیت داری را بعهده گیرد .

۱۳ ـ برنامه آموزشگاهها باید با زندگی عملی متناسب باشد و کودکان در همان خردی با حس مسئولیت و رشادت و فداکاری بار آیند .

۱۴ ـ دولت باید بهداشت ملی را ترقی و توسعه دهد و از مادران و کودکان به بهترین طرزی حمایت کند . از مرگ و میر کودکان باید جلوگیری بعمل آید . کار خردسالان باید ممنوع شود . وسائل ورزیدگی جسمانی ملت باید فراهم شود و نسبت به ورزشکاران از هیچگونه مساعدتی دریغ نشود .

۱۵ ـ ارتش ایران . ارتش ملی خواهد بود . وظیفه ارتش ملی بعکس آنچه که امروز ادعا میکنند فقط حفظ امنیت داخلی نیست . وظیفه اصلی ارتش ملی ما دفاع از مرزها و خاک ایران خواهد بود در مقابل دشمنان ـ خارجی . بنا براین عناصر ناصالح و ترسو از ارتش ملی طرد خواهند شد .

۱۶ ـ با وجود احترام و اهمیتی که ما برای مطبوعات قائلیم . انتشار گسیختگی و فحاشی و عدم رعایت منافع ملی را لکه ننگی بدامان مطبوعات کشور میدانیم . هر نویسنده و سردبیری مسئول صحت نوشته های خود ـ میباشد و باید بتواند هر لحظه از آن در دادگاه دفاع کند .

۱۷ ـ ما با هر نوع مکتب هنری و ادبی که مخالف شئون ملی و اخلاقی باشد مبارزه و با آنها حق حیات نمیدهیم .

۱۸ ـ ما با روح مادی " ماتریالیسم " و بیهودگی مبارزه کرده و از ته دل ایمان داریم که منافع ملی جامعه مقدم بر منافع شخصی است . " اول منافع ملی بعد منافع شخصی "

رهبران حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران بشرافت خود سوگند یاد میکنند که برای انجام این ـ برنامه از جان نیز دریغ ندارند .

از طرف ستاد رهبری حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران .

منوچهر ازیری

داود زراری

۳۱/۲/۱۵

[سند شماره‌ی ۳۸/۲]

۱۳۳۱/۲/۱۵

صورتجلسه

نخستین جلسه سالیانه رهبران حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران با حضور هم پیمانان :

۱ ـ منوچهر امیرمکری رهبر موقت حزب .
۲ ـ حسین ضرابی مسئول ایده اولوژی و جهان بینی حزبی .
۳ ـ فضل اله [illegible] رهبر سازمان کارگران .
۴ ـ هوشنگ سپهر رهبر سازمان جوانان .
۵ ـ منوچهر فروتن منشی اول حزب .
۶ ـ عبدالحسین آلیمنی رهبر سازمان دهقانان .
۷ ـ پرویز فروتن گنجور و خزانه دار حزب .
۸ ـ منوچهر فرهنگی مسئول سازمان تبلیغات .

در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۱ ساعت ۱۹ در منزل هم پیمان منوچهر امیرمکری تشکیل شد .
نخست گزارش عملیات سال گذشته حزب توسط منشی اول حزب هم پیمان منوچهر فروتن قرائت شد و توسط هم پیمان امیرمکری توضیحات لازم ادا گردید و گزارش سالیانه باتفاق آراء از طرف حاضرین تائید شد .
سپس هم پیمانان باتفاق آراء پیشنهاد هم پیمان حسین ضرابی را مبنی بر اقدام به ثبت حزب در نزد مقامات مربوطه تصویب کردند و مقرر شد در اسرع اوقات اقدامات لازم جهت این منظور بعمل آید .
جلسه در ساعت ۲۱ ختم شد .

منوچهر امیرمکری

۳۱/۲/۱۵ ۳۱/۲/۱۵ ۳۱/۲/۱۵

شغل خارج هریک از افراد کادر رهبری بشرح زیر است :

۱- آقای دکتر منوچهر امیرمکری - کار آزاد ساکن خیابان شاهرضا

روبروی دبیرخانه دانشگاه .

۲- آقای حسین ضرابی - کارمند وزارت دارائی .

۳- " هوشنگ سپهر " " "

۴- " عبدالحسین آلبرزی " "

۵- " مهندس فضل الله محمودیان کارمند کارخانه سیمان .

۶- " " پرویز مروتی " سازمان لوله کشی .

۷- " منوچهر مروتی - بازرگان ساکن سرای دلگشا .

۸- " " فرهنگی - کار آزاد ساکن خیابان پهلوی کوچه پشت کلوپ

دفتر موقت حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران تا افتتاح رسمی باشگاه حزب

(پس از انجام مراسم ثبت) در منزل آقای دکتر منوچهر امیرمکری خواهد بود .

[سند شماره‌ی ۳۹]

گزارشی از فعالیت‌های سومکا و شایعه‌ی تقاضای منشی‌زاده برای دریافت کمک مالی از سفارت انگلستان

در جواب
اعداد سمت چپ که علم شماره است با شماره ذکر شود

اداره
دایره
بتاریخ ۳۱/۵/۲۱
شماره ۱۰۹۷۰
پیوست
موضوع

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

قسمت

محرمانه مستقیم

وزارت کشور

عطف به مرقومه شماره ۱۸۶۲/س ۲/۱۵۰۸ - ۳۱/۲/۲۷ راجع به اجرای تحقیقات در اطراف حزب (سومکا) به استحضار عالی میرساند: نتیجه تحقیقات و جریان فعالیتهای حزب مزبور طی شماره ۱/۵۲۲۴ - ۳۱/۲/۲۰ معروض شده و خلاصه گزارشات مامورین ویژه نیز همه روزه ضمن گزارشات بوجه تقدیم میگردد.

فعلا سران و زعمای حزب مزبور مشغول توسعه تشکیلات حزب و تقویت گروههای مختلفه آن بوده و سعی میکنند مقدمات و وسایلی فراهم نموده و رسمیت حزب را اعلام و دست بیک رشته فعالیتهای دامنه داری بزنند چنانچه اخیرا دکتر منشی زاده رهبر حزب با تسلیم عکس و مدارک مربوطه تقاضا نموده با ثبت نام حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) موافقت گردد که تقاضانامه او برای اجرای تشریفات قانونی بقسمت مربوطه ارجاع و جریان امر بموقع خود بعرض خواهد رسید.

چون اجتماعات مخالف مقررات حکومت نظامی میباشد حزب مزبور جلسات گروههای خود را در شرایط مخفی تشکیل و یکبار هم درصدد تشکیل جلسه مطبوعاتی بودند که از طرف حکومت نظامی جلوگیری شده است.

اخیرا اطلاعیه هم رسیده که این حزب از لحاظ مالی در مضیقه بوده و دکتر منشی زاده تاکنون وسایلی آنرا اداره نموده و اخیرا برای ترمیم اوضاع مالی د[illegible] مرتبه بوسیله یکنفر از کارمندان شرکت سابق نفت ایران که مصطفی [illegible] معرفی نموده با کاردار سفارت انگلیس تماس حاصل نموده و از طرف کاردار وعده هائی داده شده ولی هنوز وجهی پرداخت نگردیده و برای تعیین صحت و سقم قضیه تعلیمات لازم باداره مربوطه داده شد و فعلا موضوع تحت مطالعه و تحقیق میباشد بدیهی است نتایج حاصله بعدا بعرض میرسد.

رئیس شهربانی کل کشور - سرلشکر کوپال

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۴۰]

تظاهرات و سخنرانی اعضای حزب سومکا در کرج

۰۰۳۶۸۰۴۲

[illegible] ۱۳۳۱

گزارش

مامور ویژه گزارش میدهد روز جمعه دوم ماه جاری عده ای

در حدود ۵۰ نفر از اعضا گروههای مختلف حزب سوسیالیست

ملی کارگران ایران (سومکا) با یک اتوبوس به کرج رفته ابتدا

در میدان کرج علم آذین دار حزب [illegible] حزب

سوسیالیست و هدف و مقصود اصلی حزب که عبارت از آزاد

نمودن کشور تحت تسلط شوروی میباشد ایراد و از آنجا بوسیله

[illegible] کرج [illegible] حرکت و کارخانه [illegible] آهن رفته و در نقاط

دیگر نیز تظاهرات و سخنرانیهائی کرده و ساعت ۱۲ بعد از ظهر

[illegible] مراجعت نموده [illegible] با اتوبوس کرده

[illegible] حزب [illegible] نموده اند.

[illegible] حزب [illegible]

[illegible]

مساعدت نمایند.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شمارهٔ ۴۱]

تشکیل گروه ارامنه در حزب سومکا

خردادماه ۱۳۳۱

گزارش

مأمور ویژه گزارش میدهد اخیراً حزب سومکا گروه جدیدی بنام

گروه ارامنه تشکیل داده و اعضا این گروه تماماً افراد ارمنی

میباشند و برای خود جلسات جداگانه تشکیل میدهند.

این سازمان استقلال گروهی نداشته و افراد آن ضمن گروه ارامنه

وابسته به گروه های مختلف حزب میباشند و فقط در امور

سیاسی و آموزش اداری نمیتوانند جدا اقدام کنند.

حزب سومکا از پذیرفتن افراد یهودی و بهائی جداً پرهیز

وخیال ندارد، نوشته.

[سند شماره‌ی ۴۲]

گزارش مربوط به احتمال دریافت کمک و دستور از آمریکا توسط حزب سومکا

۰۰۲۶۸۰۴۵

۵ـ خردادماه ۱۳۲۱

گزارش

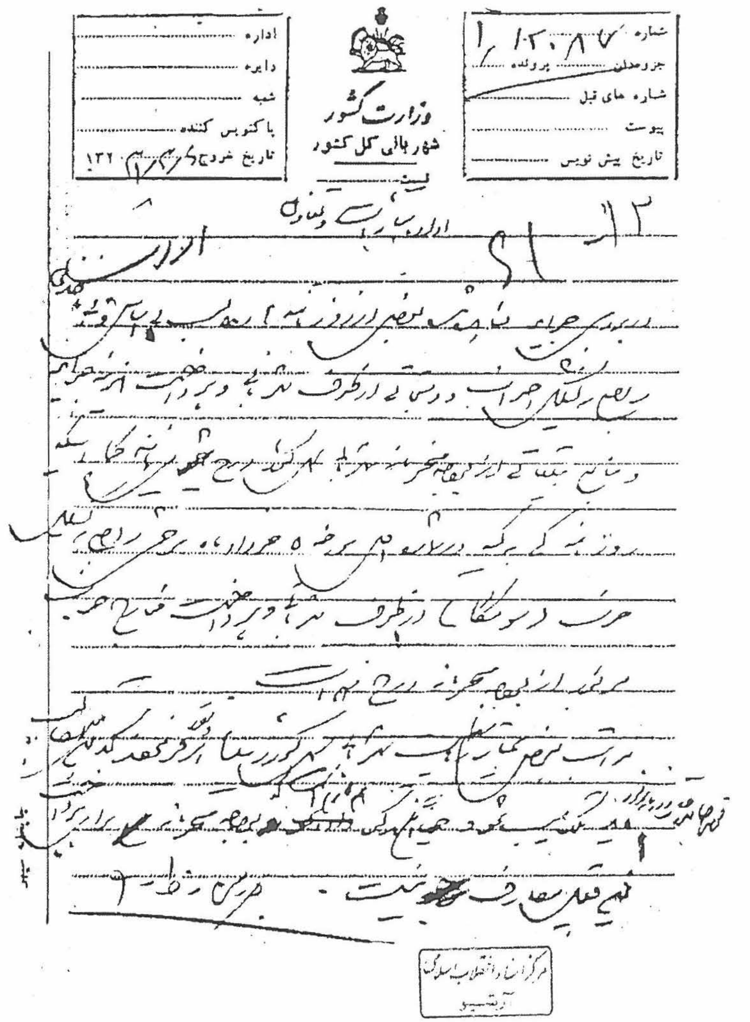
مامور ویژه گزارش میدهد از بولتونهای انجمن روابط فرهنگی ایران و امریکا در محل حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) زیاد مشاهده میشود و این بولتنها تنها اوراق تبلیغاتی خارجی است که در آنجا مشاهده شده روی این اصل گفته میشود حزب (سومکا) از امریکائی ها دستوراتی گرفته و بوسیله آنان تقویت میشود.

علاوه بر موضوع فوق بابائی و اخوان که دو نفر از زعمای حزب مزبور بوده و مدتی در آلمان تحصیل کرده اند با مقامات امریکائی روابطی داشته و به انجمن فرهنگی ایران و امریکا هم آمد و رفت می نمایند.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

[سند شماره‌ی ۴۳]

دستور تکذیب خبر نقش شهربانی در تشکیل حزب سومکا



شماره	**وزارت کشور**	اداره ....
جزوه‌دان .... پرونده	**شهربانی کل کشور**	دایره ....
شماره های قبل		شعبه ....
پیوست		پاکنویس کننده ....
تاریخ پیش نویس		تاریخ خروج ۱۳۲

۲

[illegible] برای اشکال در جراید [illegible]

[illegible] رئیس اداره [illegible] بخوانند

۳۶/۲/۵

[illegible]

[سند شماره‌ی ۴۴]

تشکیل کلاس آموزشی سومکا و سخنرانی زندنیا

۷ - خرداد ماه ۱۳۴۱

گزارش

مأمور ویژه گزارش میدهد عصر روز ۶ ماه جاری در محل حزب سومکا کلاسهای آموزشی سیاسی با حضور قریب ۵۰ نفر از اعضاء گروههای مختلف تشکیل شده و زندنیا که یکی از افراد مبلغ حزب است شروع بسخنرانی نموده و گفته است این حکومت های ضعیف و بی حال هر روز آلت دست یک سیاستی میشوند و برای تأمین رفاه و آسایش مردم هیچ اقدامی نمیکنند ما میگوئیم باید این اوضاع کهنه را درهم بپیچید و زمام امور بدست بگیرند تا چپاول دزدها را بگیرند و اختلاف طبقاتی را از بین ببرند این حکومت ها حرف زیاد میزنند ولی عمل نکرده اند بعد از [illegible] غیر از تشکیل حوزه برای فعالیت ها ... سازمان عمل است میتوانیم آنچه را که میگوئیم اجرا کنیم ... این اول باید حکومت به دست سیاستمداران حزبی ما داده شود.

[سند شماره‌ی ۴۵]

گزارش تلاش حزب سومکا برای رسمیت بخشیدن به حزب و ارتباط با رهبر حزب دولت انگلیس برای حل مشکلات مالی

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره سیاسی

تاریخ: ۱۳۳۱/۳/۷ شماره: ۳۰۶۷/س - ۲۷۴۲/م

محرمانه

جناب آقای نخست‌وزیر

پیرو شماره ۴۹۴/۴- ۲۴۰۲/۲۶۸۹- ۳۱/۲/۲۷[۱۳]

موضوع: تشکیل حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا)

به طوری که از شهربانی کل گزارش می‌دهند فعلاً سران و زعمای حزب مزبور مشغول توسعه تشکیلات حزب و تقویت گروه‌های مختلف می‌باشند و سعی می‌کنند مقدمات و وسایلی فراهم نمایند تا رسمیت حزب را اعلام و دست به یک رشته فعالیت‌های دامنه داری بزنند. آقای دکتر منشی‌زاده رهبر حزب هم با تسلیم مدارک مربوطه تقاضای ثبت نام حزب مزبور را نموده است. طبق اطلاعیه[ای]که اخیراً رسیده حزب مزبور از لحاظ مالی در مضیقه بوده و دکتر منشی‌زاده تاکنون به وسایلی آن را اداره نموده و برای ترمیم اوضاع مالی، دو مرتبه به وسیله یک نفر از کارمندان شرکت ملی نفت ایران که مصطفی فاتح معرفی نموده، باکاردار سفارت انگلیس تماس حاصل و وعده‌هایی داده شده، ولی هنوز وجهی پرداخت نگردیده است. برای تعیین صحت و سقم، موضوع تحت تعقیب است و نتیجه متعاقباً به عرض خواهد رسید.

از طرف وزیر کشور(۱)

[امضا: ناخوانا]

---

۱. مرکز اسناد ریاست جمهوری، بایگانی اسناد نخست‌وزیری. پرونده‌ی شماره‌ی ۱۲۳۰۷، به نقل از: اسنادی از ***احزاب سیاسی در ایران***، صص ۳۱۹- ۳۲۰. مقایسه شود با سند شماره‌ی ۳۹.

[حاشیه‌ی پایین، اول:] برای استحضار هیئت دولت در جلسه قرائت شود. [امضا: ناخوانا] ۳۱/۴/۱۱ [۱۳]

[حاشیه‌ی پایین، دوم:] در هیئت دولت قرائت شد. امضا: [طالقانی] ۳۱/۴/۱۱ [۱۳]

[حاشیه‌ی پایین، سوم:] اقدامی ندارد، بایگانی شود. ۳۱/۴/۱۱ [۱۳]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه‌ی نخست‌وزیر، شماره: ۶۲۸/۴، تاریخ: ۳۱/۳/۸ [۱۳]

[سند شماره‌ی ۴۶]

گزارش تعلیم عملیات نظامی به گروه ایران فرزندان

خرداد ۱۳۳۱

گزارش

بطوریکه مامور ویژه [illegible] حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) به افراد گروه حمله و گروه ایران فرزندان تعلیمات نظامی میدهند و این تعلیمات بوسیله کاپیتان سرپرست تعلیمات و سرهنگ بازنشسته [illegible] اجرا میگردد.

چون برای اجرای تعلیمات مزبور فضای آزادی لازم است حزب مزبور در نظر گرفته هفته روزهای جمعه افراد را بعنوان گردش به اطراف روانه و منظور خود را عملی سازند [illegible] روز جمعه ۹ ماه جاری [illegible] را در نظر گرفته اند.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۲۴/۳۷

[سند شماره‌ی ۴۷]

تصمیم حزب سومکا جهت تشکیل شعبه در نواحی شهریار و علیشاه عوض

/تاریخ: /۱۳۳۱/۳/۹

گزارش

طبق گزارش مأمور ویژه، حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) در نظر دارند شعبه‌ی حزب را در نواحی شهریار-علیشاه عوض تشکیل دهند. برای اجرای این منظور یک عضو گروه حمله را که از مالکین آن‌جا می‌باشد مأمور نموده‌اند که با مقداری اوراق تبلیغاتی و اساسنامه و آئین‌نامه حزبی به آن‌جا رفته و مقدمات تأسیس شعبه را فراهم کند و پس از حاضر شدن اعضا، یک روز جمعه عده‌ای از افراد حزب با لباس خصوصی به آن‌جا عزیمت و ضمن سخنرانی و تبلیغات پرچم حزب را بالای عمارت نصب خواهند نمود.

قرار است در مرکز حزب نیز یکی از زیرزمین‌ها را تخصص به باشگاه داده و در آن‌جا بوفه کاملی ترتیب دهند تا افراد گروه‌های مختلف و نگهبانان حزب در آن‌جا صبحانه، ناهار و شام صرف نمایند.

[سند شماره‌ی ۴۸]

تشکیل جلسات گروه فنی حزب

۱۱ ـ خردادماه ۱۳۴۱

گزارش

طبق گزارش ماجرینیاه از ساعت ۱۰/۳۰ صبح روز گذشته جلسه گروه فنی حزب (سوینا) در زیر زمین شماره ۳ محل حزب به سرپرستی (سیاسی) مسئول گروه فنی تشکیل شده و عده ای در حدود ۵ نفر از افراد مزبور در این جلسه حضور داشته اند و (سیاسی) شرح مفصلی راجع بهواپیمائی و طرز ساختمان هواپیما و رانندگی آن بیان داشته است. جلسات گروه مزبور هفته ای دو بار تشکیل میشود.

۷۴۲ / ۴۱/۳/۱۷

گروه فنی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۴۹]

گزارش مختصر پیرامون تعداد اعضای و امکانات حزب سومکا و امکان ائتلاف این حزب با حزب پان ایرانیست

[illegible]

ریاست شعبه ۴ رکن ۲

عطف ۲۵۷۲ـ۷ ۳۱/۲/۱ درمورد حزب سوسیالیسم سومکا اعلام میدارد
حزب مزبور برهبری دکتر منشی زاده در تهران اداره میشود ولی عواید ان معلوم
نیست از کدام محل تامین میگردد این حزب دارای چهار کلاس اموزشی است که ـ
افراد را بمرام نازیسم اشنا میکنند جمعیت آن فعلا درحدود ۳۵۰ نفر میباشد
وممکن است بزودی حزب مزبور با جمعیت پان ایرانیسم که در معنی هردو دارای
یک مرام ومسلک هستند با یکدیگر ائتلاف نمایند .ـ

رئیس شعبه ۷ ـ سرهنگ علوی کیا

[illegible]

[سند شماره‌ی ۵۰]

گزارشی از جمع‌آوری پول به منظور انتشار ارگان حزبی و مجهز کردن افراد گروه حمله به سلاح سرد

۱۵ ـ خردادماه ۱۳۳۱

گزارش

مأمور ویژه گزارش میدهد عصر روز ۱۳ ماه جاری عده ای از اعضاء گروههای مختلف حزب سومکا در محل حزب مزبور حضور داشته و بدستور لاری بن گنجور حزب (صندوقدار) لیستهای پخش فروش روزنامه سومکا را که تهیه نموده اند به افراد میداده که در خارج بفروش برسانند و فعلاً با کمال جدیت مشغول تهیه مقدمات انتشار این روزنامه هستند ضمناً مهرمحسن چند نفر از افراد گارد حمله را در زیر زمین شماره ۲ جمع نموده و ضمن سخنرانی گفته است تکیه ما از افراد حزب گارد حمله است ما باید از هیچگونه پیش آمدی ترس نداشته باشیم افراد گارد حمله که بنیان حزب شناخته میشوند امروز بدون سلاح مبارزه میکنند ولی در آتیه وسایلی برای حمله و دفاع خواهیم داشت .

ازقرار اطلاع واصله بعضی از افراد گروه حمله دارای اسلحه های سرد از قبیل قمه چاقو و پنجه بوکس مهیا نمایند .

۷۵۶
۳۱/۳/۱۷

[سند شماره‌ی ۵۱]

گزارش تشکیل جلسه گروه فنی و مخالفت خانواده‌ها با شرکت فرزندان خود در حزب

شماره و تاریخ ۱۹/۳/۳۱

تاریخ وقوع :

نام مستعار شهربانی

شرح خبر: پیش از ظهر روز ۱۷ ماه جاری جلسه گروه فنی حزب سومکا در محل حزب تشکیل گردیده در این حزب کمتر فرد متعصب و مومن وجود داشته و اکثرا فریب تظاهرات حزب را خورده و روی پوشیدن لباس متحدالشکل و سایر کیفیات داخل آن شده‌اند و خانواده‌های اغلب افراد حزب مخالف شرکت آنها در این جمعیت می‌باشند.

نظریه دفتر بازرسی :

۷۹۴
۲۱/۳/۲۰

[سند شمارهٔ ۵۲]

ارسال گزارش وابستهٔ نظامی ایران در فرانسه و بلژیک

درجواب مراسله حروف اول اداره
که تحت شماره است ذکر شود

وزارت جنگ

اداره ستاد ارتش
دایره شعبه ۵ رکن ۲
شماره ۷۵۴
پیوست ۱ برگ
تاریخ ۲۰ / ۳ / ۳۱

ریاست شعبه ٤ رکن دوم

بدینوسیله قسمتی ازگزارش ۸ ۷ ۵ - ۱۵/ ۳ / ۳۱ وابستگی نظامی و هوائی ایران در فرانسه وبلژیک که مربوط بحزب (سومکا) میباشد جهت ابلاغ وهرگونه اقدام مقتضی بآن شعبه ایفاد میگردد .

۶۵۰۷

ازطرف رئیس شعبه ۵ رکن ۲ ـ سرگرد [illegible]

[سند شماره‌ی ۵۳]

قسمتی از گزارش وابسته نظامی ایران در فرانسه و بلژیک

از گزارش شماره ۸۵۸۷ ـ ۱۵ / ۳ / ۳۱ وابسته نظامی ایران در فرانسه

اخبار ایران در جراید فرانسه

ایران :

اخبار مربوط به ایران در این هفته عبارت بودند :

آقای دکتر مصدق در فرودگاه آمستردام از هواپیما پیاده وبوسیله اتومبیل به لاهه عزیمت نمودند ضمناً روزنامه لوموند می نویسد نخست وزیر ایران درموقع حرکت از تهران در فرودگاه تهران احزاب مختلف برای مشایعت معظم له حضور داشتند از جمله برای اولین دفعه حزب نازی ایران باسم سومکا درفرودگاه با لباس های متحد الشکل از مقابل هواپیمای نخست وزیر رژه رفتند .

درمورد حزب سومکا روزنامه های فرانسه مشروحاً اطلاعاتی منتشر نموده اند طبق نشریه روزنامه لوموند عده افراد این حزب تقریباً (۳۶۰۰) نفر بوده ودارای لباس متحدالشکل (پیراهن سیاه ـ چکمه و بازوبند با صلیب شکسته) بوده وسلام هیتلری میدهند روزنامه مزبور ضمن تشریح وضعیت تحصیلی رئیس حزب مزبور (داورمنشی زاده) می نویسد منشی زاده تحصیلات خود را در آلمان هیتلری نموده ضمناً جزء جوانان هیتلری بوده است ضمناً اعلام میدارد که درحزب مزبور از آلمانیها وایتالیائیها مقیم ایران بهیچوجه شرکت ندارند و درمورد طرز سلام و علامت صلیب شکسته می نویسد این اظهار منشی زاده ... دو یادگار زمان ساسانیان میباشند .

خبر دیگر حاکی است که وزارت امور خارجه ایران مجدداً یادداشتی به سفارتهای انگلیس وعراق درمورد تائید یادداشت قبلی راجع به حاکمیت ایران در بحرین داده است .

همچنین تصویب یکماه تجدید حکومت نظامی از طرف مجلس سنا در روزنامه های فرانسه منتشر گردید .

خبر دیگری حاکی بود که شخصی بنام اکبری اعلام داشته است که مراچشم بسته در شمیران به منزلی بردند درآنجا به نخست وزیر مواجه شدم ومعظم له مبلغ پنجاه تومان بمن دادند که آقای دکتر حسن امامی را بکشم این شخص بعلت ایراد جرح به آقای امامی توقیف شده است .

[سند شماره‌ی ۵۴]

دستور تجهیزات گروه‌های سومکا برای مسافرت به شهرستان‌ها و دیدن تعلیمات نظامی

شماره و تاریخ ۲/۳/۳۱

تاریخ وقوع

نام مستعار: شهربانی

شرح خبر: در جلسه روز ۱۸ ماه جاری گروه ایران فرزندان حزب سومکا دستورات رهبر حزب دائر بر تهیه چادر و وسائل مخصوص زندگی ییلاقی که در آتیه به منظور اخذ تعلیمات نظامی و آشنائی با اصول حزبی به شهرستانها مسافرت خواهند کرد مطرح بوده و شرکت اعضا تمام گروهها در این مسافرتها اختیاری ولی شرکت اعضا گروه حمله اجباری اعلام شده است

نظریه دفتر بازرسی:

۸۰۲
۳۱/۳/۲۱

گزارش شهربانی

[سند شماره‌ی ۵۵]

انتقاد منشی‌زاده از هیئت حاکمه و مقدمات تشکیل حزب در آبادان

[تاریخ:]۳۱/۳/۹[۱۳]

در جلسه همگانی حزب سومکا در روز ۱۹ جاری، ۴۰ نفر من‌جمله غفاری ـ اسدآبادی مدیر روزنامه مرد آهنی، سعاسی واتن داروساز اخوان‌ـانصاری‌ـرئیس پست [و] تلگراف دانشگاه علم‌ـ معینی‌ـ مدرس‌ـ ملایری شرکت و دکتر منشی‌زاده رهبر حزب ضمن سخنرانی گفته است در اثر بی‌حالی هیئت حاکمه فقر و بیکاری در کشور مستقر و حس بدبینی و سوءظن در مردم تولید شده که جز یک حکومت مقتدر دستگاه‌های دیگر کادر ما صلاح دردها نیست. حزب به تأسیس شعبه در شهرستان‌ها اقدام و در آبادان به وسیله احمد فرامرزی عضو شرکت ملی نفت مقدمات تشکیل شعبه فراهم و به وی دستور داده شده فعلاً به‌علت وجود حکومت نظامی از تشکیل جلسات خودداری و فقط به تنظیم امور داخلی شعبه بپردازد.

[سند شماره‌ی ۵۶]

شایعه ارتباط سومکا با یک سازمان فاشیستی در عراق

بموجب اطلاعات مکتسبه . جمعیت سوسیالیست ملی سومکا بایك سازمان فاشیستی درعراق که از طرف انگلیسی ها تائید میشود ارتباط دارد .

دکتر منشی زاده هم که رهبر جمعیت نامبرده میباشد عطف بارتباطی که بد روی درجریان فعالینهای کمیته مجازات با انگلیسیها داشته است با سازمان های انگلیسی د رتهران خصوصا (کلنیل اند ره) که ظاهرا یك تاجر انگلیسی است وتجارتخانه وی د راول خیابان فرد وسی قرارد ارد وسابقا گزارشاتی د رمورد ان بعرض رسید ماست مربوط میباشد .

ارزش خبر

نظریه

[سند شماره‌ی ۵۷]

گزارش تعلیم مطالب کتاب‌های حزب نازی به اعضای سومکا

[illegible]

۲۲ خرداد ۱۳۲۱

گزارش

طبق گزارش واصله عصر روز ۲۰ ماه جاری کلاس آموزش سیاسی و گروه حمله در محل حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) تشکیل شده در کلاس گروه حمله مطالب مربوط به دفاع و حمله و تاکتیک نظامی تدریس میشود و در کلاس آموزش سیاسی کلیه محتویات مندرجه در کتاب های آلمانی که از طرف حزب ناسیونال آلمان تهیه شده تعلیم داده میشود.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۵۸]

دستور تهیه و ارسال اطلاعات جامع درباره حزب سومکا به رکن دوم ستاد ارتش

۱۹۷۸
۲۶/۳/۴۱

محرمانه مستقیم

ریاست اداره اطلاعات شهربانی کل کشور

متمنی است قدغن فرمائید تعداد دقیق وحقیقی اعضاء حزب سومکا راتمین واعلام دارند وبطورکلی بماموریربوط بهاطلاع مورخه ۲۲/ ۳/ ۳۱ دستورد هند اطلاعات کامل وجامعی ازاین جمعیت تهیه وبرکن ۲ ارسال نمایند .-

رئیس رکن دوم ستاد ارتش ــ سرهنگ پاکروان

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۵۹]

گزارش تشکیل جلسه‌های حزبی و وضعیت گروه‌های حزب

شماره و تاریخ ۳۱/۳/۲۷

تاریخ وقوع

نام مستعار شهربانی

[illegible]

در روز ۲۵ خرداد ماه جلسه گروه ایران فرزندان در زیرزمین شماره ۳ حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران با حضور ۵ تن افراد گروه مزبور تشکیل شده است. حزب مزبور هفته‌ای دو روز جلسات حوزه‌ای تشکیل می‌دهد و در سایر ایام هفته گروه‌های مختلف جلسات داخلی دارند. فعلاً گروه ایران فرزندان و گروه محله جلسات هفتگی تشکیل می‌دهند سایر گروه‌ها که تشکیلات منظمی ندارند جلسات مرتبی ندارند. حزب سومکا در صدد تأسیس تشکیلات بزرگی به نام کادر جاوید از مردان سومکا می‌باشد که پس از آماده شدن وسایل شروع به فعالیتهای سیاسی خواهد نمود. گروه زنان حزب سومکا بسیار ضعیف است.

نظریه دفتر بازرسی

ش ۴ ۹۰۷ / ۳۱/۳/۲۸

[سند شماره‌ی ۶۰]

گزارش درگیری میان اعضای حزب سومکا و حزب ملت ایران

[تاریخ:] ۳۱/۳/۳۰*[۱۳]*

ساعت ۲۳ شب ۲۷ خرداد ماه عده‌ای از افراد حزب پان ایرانیسم (حزب ملت ایران) به رهبری لشکری و انقطاع با رنگ و قلم مو جلو[ی] حزب سومکا رفته، ابتدا پلاک فرنگ حزب را با رنگ محو نموده سپس در کف خیابان با رنگ قرمز نوشته (حزب ملت ایران) در این موقع چند نفر از اعضاء حزب سومکا از محل حزب خارج و به‌سمت آن‌ها حمله‌ور شده‌اند که پان ایرانیسم‌ها فرار کرده‌اند. روی این اصل رهبر حزب سومکا دستور شروع مبارزه عملی را صادر کرده و به گروه حمله اجازه داده است با حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیست معامله متقابله نموده و حتی از زد و خورد و منازعه هم خودداری ننمایند.

[سند شماره‌ی ۶۱]

ارسال اطلاعاتی در خصوص گروه‌های مختلف حزب سومکا

۹ / ۱ / ۱۳ ...

ریاست شعبه ۴ رکن دوم

عطف ۴/۲۵۷۲ - ۳۱/۲/۱۷ راجع بحزب سومکا اعلام میدارد

۱- حزب سومکا فعلاً دارای یک کلاس آموزش فنی است. سازمانش شبیه بارتش و دارای گروهان و دسته و جوخه و گردان میباشد. هر گروهان از ۱۵ نفر بفرماندهی یک فر بنام گروهان بان تشکیل و هر پنجاه نفر یک سرپرست دارند

۲- برنامه آموزشهای علمی و عملی بود منجمله روزهای شنبه در رشته مکانیکی و هواپیما سازی بوسیله فروزد بن نام با فراد داده میشود و در بعضی روزها افراد تحت سرپرستی دکتر منشی زاده رهبر حزب در خارج شهر تعلیمات هوائی اخذ میکنند

۳- چون حزب جدید التاسیس است در آموزشهای علمی و عملی آن چندان پیشرفتی مشهود نمیشود

۴- حزب دارای چندین سازمان است که فعلاً سازمانهای مشروحه زیر عملاً تشکیل گردیده است

- سازمان گروه حمله
- سازمان گروه یاران فرزندان
- سازمان گروه زنان
- سازمان گروه فنی
- سازمان گروه مردان سومکا
- سازمان گروه خطر

۵- میزان بنیه مالی آن معلوم نیست ولی هزینه‌های مربوطه بوسیله اعضا تأمین میشود

در خاتمه یک نسخه در ... برگ مربوط کیفیت تشکیلات حزب مزبور پیوست ایفاد میگردد. [illegible]

[illegible]

رئیس شعبه ۷ - سرهنگ [illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۶۲]

اطلاعیه‌های آیین نامه‌های حزب سومکا

شماره ـ

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران
اطلاعیه های آئین نامه

مقدمه

رعایت دقیق مفاد آئین نامه های حزبی در زمان ومکان مربوطه از بدوی ترین [redacted]
اجرای سخت و محکم این مقررات بهترین ورزش انضباطی و بمنزله صیقل دادن شمشیر فولادین اراده فردی واجتماعی ما است .

اولین سعی حزبی ما اراده باجرای مقررات آن اصولی است که به طیب خاطر پذیرفته ایم .

همینکه ما باصول حزبی خودگرویده ایم باید در اجرای مقررات آن اصول با یک نحو تصاعدی اعمال اراده نمائیم .

اراده مظهر قدرتهای نهانی بی پایان و معجزه آسای انسانی است .

اراده با خواست هر فردی به وجود میاید وتقویت میشود بنا براین همیشه منظما به ورزش ارادی در جهت صحیح باید اقدام شود .

یکی ازعالی ترین صور قدرت اراده در تسلط بنفس تظاهر مینماید . تسلط بنفس اولین پایه و بنای تسلط ما است . حزبی که میخواهد تسلط یابد ملتی که میخواهد بر سرنوشت خود مسلط شود و حقوق طبیعی و حیاتی خود را بکف آرد و آنرا حفظ نماید باید اصل مسلم فوق را چه انفرادا و چه اجتماعا با شدت وحدت همیشه رعایت نماید .

رعایت واعمال مراتب گفته شده رفته رفته رشته علائق معنوی افراد را با محکمترین کیفیتی به یکدیگر پیوند نموده و پیکر اجتماعی واحدی که واجد عالی ترین خصائل روحی است تشکیل مینماید

بنا بر آنچه گفته شد چون حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران اعتقاد راسخ دارد که بدوا برای پیشرفت و موفقیت حزبی و بعدا برای پیش راندن آمال ملی وجود یک انضباط باطنی و ظاهری آهنینی میباید بر فرد و اجتماع حزبی و ملی حکم فرما باشد لذا هرچه بیشتر مصر است که همیشه ودر همه جا مقررات حزبی به نحوی اتم و اکمل با روئی گشاده و باطنی خشنود ازطرف هم پیمانان مربوطه استقبال و رعایت گردد .

اینخود بهترین ورزش بمنظور تهیه وترقی درجه انضباط فردی و اجتماعی ما بوده واز قدمهای بزرگ پیشرفت ما بسوی هدف عالی ما یعنی ایران بزرگ است .

باشگاههای حزبی

معمولا جائیکه افراد حزب در تامین مقاصد حزبی در آن اجتماع مینمایند باشگاههای حزبی نامیده میشود . برای حفظ انتظامات باشگاهها دارای آئین نامه مربوطه میباشند . اجرای آئین باشگاه در هر باشگاه با آئین دار مربوطه است . بنا براین در هر باشگاه یک نفر موقتا یا دائما بنام آئین دار تعیین ومعرفی میگردد . در صورت لزوم بعد کافی کمک آئین دار در اختیار آئین دار قرار میگیرد .

افراد ایرانی عموما میتوانند طبق آئین باشگاه و معرفی یک فرد حزبی در باشگاههای حزب داخل شده ونیز برای اطلاع از افکار حزبی درجلسات سخنرانی های عمومی حزب شرکت نمایند .

در هرحال دستورات آئین دار در داخل باشگاه بمنظور حفظ انتظامات و در تامین نظریات حزبی از هر حیث برای عموم واجب الرعایه است .

هم پیمانی

همینکه فرد ایرانی تمایل خود را به ورود در حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران اعلام نمود پس از حضور در باشگاه با مراجعه به آئین دار باشگاه به دفتر حزب معرفی و برگ هم پیمان شدن را طبق مندرجات مربوطه پر مینماید . سپس به وسیله آئین دار به رهبر حزب معرفی و از آن پس در شمار هم پیمانان حزب محسوب میگردد .

سوگند هم پیمانان طبق مقررات مربوطه که قبلا به وسیله آئین دار اعلام میگردد با تشریفات مخصوص انجام میشود .

بموجب این سوگند هم پیمانان متعهد میشوند که در اجرای دستورات مستقیم یا غیر مستقیم رهبر حزب که منطبق بر اصول حزبی است تا سرحد فداکاری اقدام نمایند .

این سوگند به منزله محکمترین دانه زنجیری است که از یک طرف همیشه هم پیمانان را با

رهبر حزب وازطرف دیگر همه همپیمانان را بهم مربوط و پیوند میسازد .

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران تمام هم پیمانان را با نظر مساوی می نگرد شغل مطبوع و تحصیلات شخصی آنان هرچه میخواهد باشد .

در آئین حزبی ما آنکس که فداکارتر و فعالتر و وفادارتر است برتر است .

فداکاری و فعالیت دارای صور مختلف است بنا براین حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران — از هرکس به فراخور توانائی خود انتظار فداکاری، فعالیت را دارد .

تشخیص درجه فداکاری و وفاداری هرکس با رهبر حزب است و بموقع مراتب بر حسب دستور رهبر حزب در پیشرفت حزبی مربوطه هرکس درج میگردد .

بدیهی است برای آنکه اداره حزب در آتیه تسهیل گردد طبعا تسلسل مراتب ایجاد میگردد و بنا براین هر فرد حزبی از لحاظ مراتب در مسائل کلی و عمومی با رهبر حزب ارتباط دارد وازطرف دیگر در اجرای دستورات وارده تابع نماینده محلی رهبر حزب است .

سر موفقیت حزب ما دراین است که دستورات وارده را با طیب خاطر و باطنی خوشحال — به پذیریم و اجراء نمائیم .

هیچ وقت هیچکس در هردرجه ومقام که هست دارد نباید تصور کند اجرای دستورات حزبی با شخصیت او تباین دارد . بهترین مظهر شخصیت در حزب ما اطاعت . از دستوراتی است که اصول کلی آنرا قبول کرده ایم و میفهمیم حزب و بالنتیجه موفقیت کشور را وابسته آن میدانیم پس اگر ما بموقع تشخیص — میدهیم که برای عظمت ایران لازم است خود را ادا کنیم و بهمچنین بهمان ترتیب باید تشخیص داد که — برای موفقیت حزب صرف نظر کردن از احساسات شخصی و فردی هم بجا و لازم است .

خلاصه هم پیمانان ما باید برترین شخصیت و فداکاری به حزب و بالنتیجه علاقه و فداکاری نسبت به آینده ایران جستجو کنند . حزبیکه در تامین مجد مقدس ملی مربوطه منجر به تمام است .

بنا براین هرگونه خدمت در تامین نظر بالا در حزب و در باشگاههای مربوطه که متعلق به فرد فرد هم پیمانان است حتی جاروکشی باشگاهها و مسجد شخصیت فعال و واقعی است .

احترامات

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران بسیاری از احترامات و تعارفات بی معنی و تملق آمیز معموله را که مایه حجب و موجد تخفیف است جدا طرد مینماید .

حزب ما احترامات بر پایه سرافرازی و تقویت شخصیت و بهمبستگی واقعی افراد قرار میدهد در اجرای احترامات باید یک نوع تظاهر قدرت وحقیقت نمودار باشد .

بنا براین سلام حزبی ما که انتخاب از دوران مجد و عظمت ایران است عبارت است از بلند کردن دست راست بجلو آرنج کشیده کف دست باز انگشتها بهم پیوسته و کشیده در این حال سر انگشتان بارتفاع پیشانی است و کف دست بطرف پائین قرار میگیرد وضع کلی بدن بحال خبردار نظامی است و دست چپ از آرنج روی کمر بند خم میشود که دست چپ کشیده و روی قلب کمر است .

هنگام حرکت بدون لزوم تغییر آهنگ حرکت با تبادل نگاه بطرفین بصورت که ذکر شده احترام معمول میگردد .

در محلهائیکه امکان سلام بنحو فوق میسر نیست دست راست از آرنج بجلو و بالا بلند میشود وضع پنجه بطوریست که بیان شد در حالیکه کف دست راست بطرف روبرو قرار میگیرد .

از آنجا که حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران شادی درود را در عادی اجتماعی و کشور — مربوطه تشخیص میدهد بنا براین تنها جمله ایکه به زبان بیان میشود (شاد ایران) است .

در برخورد یکی از هم پیمانان بجمعی دیگر از هم پیمانان مثلا هنگام ورود به باشگاه هم پیمان وارده احترام معموله را بجا آورده و بدون انتظار پاسخ از طرف جمعیت در هرمحلی که آئین دار یا کمکهای او ارائه میدهد قرار میگیرد . (خواه ایستاده و خواه نشسته)

از نظر انتظامات و سایر الزامات پیش بینی نشده ممکن است محل معینی در این اجتماعات بشخص یا اشخاص معینی تخصیص داده شود در این صورت از اشغال آن محل باید خودداری شود .

نظر بالا روی مصالح حزبی اعمال میگردد و بهیچوجه تقدم و تاخر را بستادن یا نشستن موجب — ترجیح یا تخفیف شخصیت هم پیمانی نخواهد بود . ما زندگانی و رسوم اشرافی را تعقیب نمی کنیم و در باره شخصیت تهذ و حیثیت گردیده است . و هنگام صحبت بهیچ ادای تملق آمیز مثل بنده — عرض میکنم و غیره نباید گفته شود (من) میگویم) و غیره باید گفته شود . و قبل از اسم هر هم پیمان بجای (آقا) باید گفته شود (هم پیمان) و به رهبر حزب (رهبر من) خطاب خواهد شد .

۷

سازمان کلی حزب

حزب سوسیالیست کارگران ایران تحت شعار (یکتن برای همه و همه برای یکتن) معتقد است که صلاحیت اتخاذ تصمیم از هر جهت بر عهده یک فرد باید واگذار شود تا از تشتت افکار و مباحثات بی معنی و صرف وقت بی جهت و بالنتیجه از توقف در پیشرفت امور جلوگیری بعمل آید . بدین منظور صلاحیت دارترین و رشیدترین فرد خود را بنام (رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران) تعیین و معرفی نموده است .

در غیبت رهبر حزب جانشین رهبر حزب از امتیاز مزبور برخوردار است .

برای اینکه زمینه تصمیم رهبر حزب از جهات مختلف در حل مسائل آماده باشد خود رهبر حزب یک هیئت رهبری انتخاب و تعیین نموده است .

وظیفه این هیئت اقدام و بررسی در اطراف دستورات رهبر حزب بوسیله عواملی که هریک جداگانه در اختیار دارند یا با تقاضا از رهبر حزب میتواند در اختیار داشته باشد .

مسائل مختلفه در هیئت رهبری با حضور رهبر حزب بررسی میشود و پس از حل هر مسئله بطرق مختلف انتخاب بهترین راه حل و تصمیم باجرای آن فقط منحصر به رهبر حزب میباشد .

پس از اخذ تصمیم به ترتیب گفته شده مجری یا مجریان امر بلافاصله با تقبل مسئولیت اقدامات لازم را شروع مینمایند .

هر یک از افراد حزب مجاز است مطابق بر اصل حزبی در هر مورد اظهار نظریه بنماید . نظریات باید کتبا یا شفاها مستقیما یا با مراعات تسلسل مراتب بعنوان پیشنهاد برهبری حزب ارسال گردد . بدون اینکه انتظار انجام حتمی آنرا داشته باشد .

هیئت رهبری حزب بغیر از سازمان عمومی در اختیار خود سازمانهای مختلفه حزب را دارا است که فعلا قسمتهای تشکیل شده ان ذیلا اعلام میگردد .

سازمان گروه حمله سومکا	سازمان گره زنان ایران	سازمان گروه ایران فرزندان
" گنجینه سومکا	" آئین داری	" داوری
" تبلیغات و فرهنگ	" انتشارات	" زندها (تماثل) ایران
" سیاست کشاورزی	" رهبری حزب	" سیاست خارجی
" مسائل هنری	" سازمانهای وابسته بحزب	" گروه جاویدان
" صنایع و ساختمان	" صنایع و ساختمان	" ورزشی .

هر یک از سازمانهای فوق ضمن دارا بودن یک نمایندگی رهبری حزب دارای یک هیئت رهبری جداگانه نیز میباشد و مستقیما با رهبری حزب مربوطند .

سازمان هیئت رهبری هر گروه و سازمان مختصه هر گروه متفاوت و طی دستورات جداگانه بمسئولین مربوطه تحمیل میگردد .

وظائف کلی نمایندگی رهبر حزب و هیئت رهبری مربوطه بنحوی است که در مورد رهبر حزب و هیئت رهبری حزب بیان شده است .

درفش و پرچم

پرچمهای عمومی حزب علاوه بر پرچم مقدس ملی ایران حزب سومکا دارای پرچم حزبی است که در تمام تظاهرات باید موازی و در سمت چپ پرچم ملی نصب یا حرکت داده شود . قطع هر دو پرچم در همه جا متناسب و مساوی خواهد بود .

پرچم حزب دارای زمینه قرمز که در وسط آن دایره سفید رنگ و در وسط دایره شکل ترسیمی سیمرغ که از اشکال سمبله ایران باستان است برنگ سیاه نقش شده است . هر دو پرچم دارای سر پرچمی از برنز بشکل دایره که در داخل دایره سیمرغ برنزی محاط گردیده است .

گروه سازمانی حزب علاوه بر پرچمهای عمومی متذکره دارای درفش اختصاصی هستند که نمونه و ابعاد هر نوع پرچم و درفشها بموقع اعلام خواهد شد .

[سند شماره‌ی ۶۳]

گزارشی از تبلیغات حزب سومکا در منطقه‌ی علیشاه عوض

شماره و تاریخ ۳۱/۴/۱

تاریخ وقوع

نام مستعار – شهربانی

شرح خبر –

اخیراً حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) بر فعالیت و تبلیغات خود افزوده و در نظر دارد دامنه عملیات خود را بتمام شهرستانهای ایران توسعه دهد و بطوریکه دکتر منشی‌زاده رهبر حزب اظهار داشته پس از خاتمه دوره حکومت نظامی در چند شهرستان رسماً شعبه‌ای از حزب مذکور افتتاح خواهد شد.

روز جمعه ۲۰ ماه جاری نیز عده‌ای از افراد کادر حمله و چند نفر دیگر از گروه های مختلف با لباس مخصوص به علیشاه عوض رفته و با خود مقداری اوراق و اعلانات حزبی و کارتهای عضویت و سایر برنامه‌های مربوط بحزب را برای ثبت نام و تشکیل شعبه همراه داشته‌اند. –

نظریه دفتر بازرسی

حزب سومکا

[سند شماره‌ی ۶۴]

وظایف گروه حمله

شماره و تاریخ ۳۱/۴/۶

تاریخ وقوع

نام منبع ارشد سربانی

شرح خبر ... طبق دستور کرمانی زاده رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران (سومکا) ساعت ۱۷ روز ۲ ماه جاری کلیه افراد گروههای مختلف حزب مزبور باتفاق سرپرستان خود برای مذاکره و دریافت دستور در محل حزب حضور بهم رسانیده و مدتی با یکدیگر مشغول مباحثه و اظهارات راجع به هدف آینده حزب و فعالیتهائیکه بایستی معمول گردد بوده اند ضمناً در روز مزبور جلسه گروه کارد حمله بسرپرستی مهندس اعتمادی نیز تشکیل گردید و از طرف مشارالیه توضیحاتی درباره مبارزات تاکتیک دفاعی و تعرضی و منظور کارد حمله داده و منظور را اشاره نموده است که افراد کارد حمله در حقیقت نیروی قوی برای حفاظت حزب میباشند اینها متعصبانند و گروه اس اس آلمانی بایستی از رهبر خود نگهداری نمایند مامور ویژه در گزارش خود اضافه نموده است که از قرار اطلاع اخیراً عده ای از اشخاص ناراحت ساکن خیابان بوذرجمهری بسرپرستی شخصی بنام رضا خیاط مجاناً در حزب سومکا نام نویسی کرده و از طرف حزب لباس مخصوص بآنها داده شده که در مواقع ضروری از وجود آنها استفاده نمایند ضمناً رهبر حزب دستورات جداگانه و وعده هائی نیز باین عده که در ... متفرق میباشند داده است.

نماینده دفتر بازرسی

[سند شماره‌ی ۶۵]

فعالیت حزب سومکا برای نفوذ در کارگران کارخانه‌ها

شماره و تاریخ

تاریخ وقوع

نام مستعار شهربانی

شرح خبر: اخیراا فراد حزب سومکا فعالیت خود را در بین کارگران اغاز نموده در نظر دارند کلیه کارگران مخالف توده‌ای را در کارخانجات گرد یکدیگر جمع و جدا باعناصر چپی وارد مبارزه شوند

بقراریکه یکی از کارگران راه آهن اظهار داشته است حزب نیز بزودی اتحادیه‌ای بنام اتحادیه کارگران راه آهن وابسته بحزب سومکا تشکیل خواهد داد و احتمال دارد در پیرو این تصمیم حملاتی بکانون لکوموتیورانان که وابسته بحزب توده است بنماید.

نظریه دفتر بازرسی: دستور تحقیق داده شود

۱۰۸۰۵
۱۳/۴/۳۱

[سند شمارهٔ ۶۶]

گزارش احتمال حملهٔ اعضای سومکا به روزنامه فروشی‌های وابسته به حزب توده



وزارت کشور

شهربانی کل کشور

خیلی فوری است

گزارش

محترماً بعرض میرساند بقرار اطلاع واصله حزب سومکا قصد دارد روز شنبه ۳۱/۴/۱۴ بعد از ظهر افراد خود را بهمراه فروش روزنامه بخیابانهای لاله زار و اسلامبول و نادری و [illegible] اعزام و در معیت آنها نیز اکیپهای ۲ و ۲ نفر که مجهز میباشند بفرستند که ضمن فروش روزنامه با روزنامه فروش شهباز و سایر روزنامه‌های منتسب بحزب منحله توده تزاحم و اغتشاش تولید نمایند. مراتب بعرض میرسد مقتضی است مقرر فرمایند روز مزبور برای جلوگیری از هر پیش آمدی عده لازم افسر و پاسبان [illegible] در اختیار اینکلانتری گذارده شود تا از عملیات آنها جلوگیری و انتظامات برقرار گردد.

کلانتر ۲ سرهنگ ۲ [illegible]

۲۹۴۹

رونوشت باداره اطلاعات ارسال میگردد.

رئیس کلانتری [illegible]

[سند شماره‌ی ۶۷]

گزارشی از قصد سومکا جهت دست زدن به اقدامات سیاسی و اجتماعی به علت ممانعت حکومت نظامی از جلسه‌های حزبی

شماره و تاریخ [illegible]

تاریخ وقوع

نام مستعار [illegible]

شرح خبر: دکتر منشی زاده رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران ضمن سخنرانی مفصلی گفته است حزب سومکا تا کنون بنام اینکه [illegible] حکومت نظامی بر قرار است از تشکیل جلسات عمومی و ابراز سخنرانیها خودداری نموده ولی چون این روش ادامه پیدا نموده حزب سومکا ناچار است برای انجام وظایف خود شروع بیک سلسله اقدامات و فعالیتهای سیاسی و اجتماعی نماید.

روی این اصل بزودی روزنامه ارگان حزب منتشر و روزهای شنبه با تشکیل جلسات عمومی سخنرانیهای لازمه بعمل خواهد آمد.

نظریه دفتر بازرسی [illegible]

[illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۶۸]

گزارش برگزاری جلسه‌ی حزبی و انتقاد از دولت به سبب بازگذاشتن دست توده‌ای‌ها

شماره و تاریخ ۲۳/۴/۳۲

تاریخ وقوع

نام مستعار شهرابی

شرح خبر - از ساعت ۱ روز ۱۱ ماه جاری عده ای از افراد گروه های مختلف حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) درمحل حزب اجتماع نموده و دراطراف جلسات عمومی حزب و جلوگیریهای که بعلت وجود حکومت نظامی از طرف مقامات انتظامی بعمل میاید شرحی صحبت وضمنا انتقاد نموده واظهارداشته اند دولت دست توده ای‌ها را درکلیه امور ومبارزات بازگذارده آنها هرچه میخواهند میکنند ماهم باید مبارزات خودرا بصورت جدی تری جلوه داد موقعی بمقررات حکومت نظامی نگذاریم تا بتوانیم دست عمال شوروی و توده ایها را که درتمام شئون کشور ریشه ... کوتاه سازیم.

نظریه دفتر بازرسی: ... صحیح است

۱۲۰۳۰
۲۴/۴/۳۲

[سند شماره‌ی ۶۹]

مخالفت سومکا با ائتلاف احزاب جنبش ملی و حزب پان ایرانیسم

۲۴

۲۲

شماره و تاریخ ۲۳ ر۲ ر۴۲

تاریخ وقوع

نام مستندار [illegible]

شرح خبر - بطوریکه در محافل سیاسی شنیده شده اخیرا اختلاف شدیدی که بین دکتر منشی زاده رهبر حزب سومکا و دکتر خبیری موسس حزب جنبش ملی ایجاد گردیده وعلت آنهم ائتلافی است که اخیرا حزب جنبش ملی و حزب پان ایرانیسم با یکدیگر نموده اند گفته میشود این اختلاف بحدی شدید است که دکتر منشی زاده گفته است که اگر حزب جنبش ملی بخواهند فعالیت خود را توام با افراد پان ایرانیسم ادامه داده و باآنان همکاری و تشریک مساعی نمایند افراد حزب سومکا تصمیم خواهند گرفت اقدامات شدیدی نسبت بافراد و رهبر حزب مزبور بنمایند .

نظـــــریه دفتر بازرسی [illegible]

[illegible]

۱۳۰۴

۲۳ ر۲ ر۴۲

[سند شمارهٔ ۷۰]

گزارش دستگیری ۵۰ نفر از اعضای حزب سومکا

تاریخ

ساعت

دژبان پادگان مرکز

دفتر اطلاعات

۲-۱۹۹

۳۱/۴/۲۴

ریاست ... ستاد ارتش

اطلاع رسیده از بخش ۳

اطلاع دهنده فرمانده بخش

موضوع: صبح ... پنج نفر از وابستگان حزب سومکا که با کارد مسلح و لباس سیاه در تن داشتند در خیابان اسلامبول مشغول تظاهرات بودند به وسیله مامورین بکلانتری جلب گردیدند.

فرمانده دژبان پادگان مرکز ... علیمی

۲۵/۴/۳۱

[سند شماره‌ی ۷۱]

خبر احتمال اعتراض یا حمله‌ی اعضای سومکا به شرکت مطبوعات به دلیل چاپ روزنامه‌های به سوی آینده و شهباز

شماره و تاریخ ۲۵ر۴ر۳۱ :

تاریخ وقوع

نام مستعار

شرح خبر: اطلاعیکه از حزب سومکا بدست آمده حاکی است که برای جلوگیری از نشر روزنامه بسوی آینده و شهباز که در شرکت مطبوعات چاپ میشود تصمیم گرفته شده که بچاپخانه نامبرده اعتراض و یا حمله نمایند.

نظریه دفتر بازرسی:

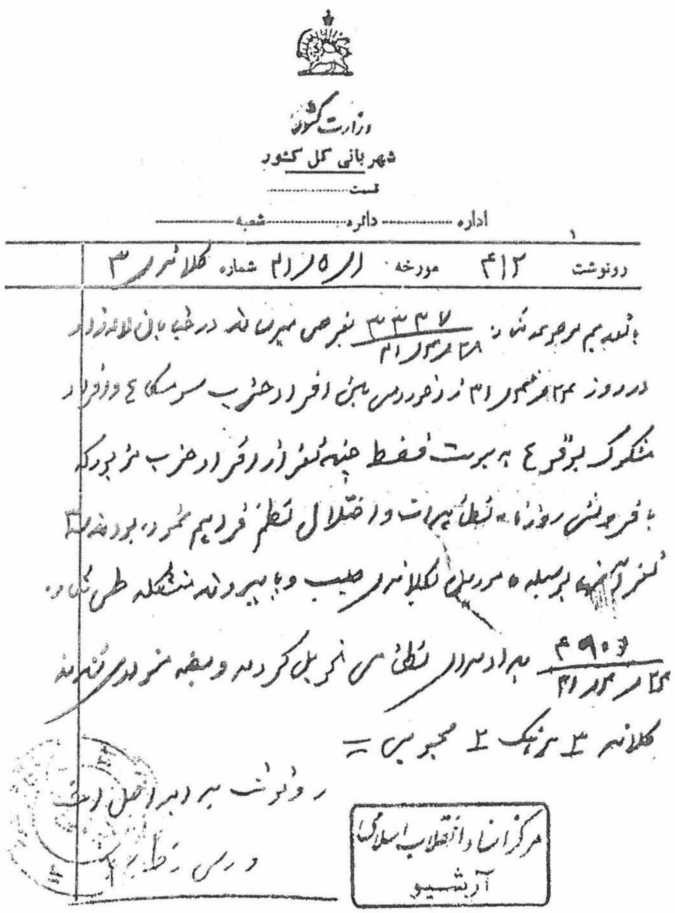
۱۲۰۵۷

۳۱/۴/۲۶

۲۴/۲۲

[سند شماره‌ی ۷۲]

گزارشی از درگیری افرادی با حزب سومکا و دستگیر شدن آن‌ها



[سند شماره‌ی ۷۳]

اعلامیه‌ی حزب سومکا، پایگاه یزد

شاد ایران

پیام سومکا به مردم رشید یزد

هم‌وطنان، علی رغم امیال بیگانه پرستان و استعمارچیان، حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) در یزد نیز پیروز می‌شود.

هم میهنان، عده‌ای از مزدوران و نوکران امپریالیزم سرخ که از سربلندی و پیروزی ملت ما بیم دارند و ماهیت آن‌ها بر همه آشکار است، می‌خواهند در راه پیشروی و پیروزی ما به کهنه‌ترین و پوسیده‌ترین اسلحه‌های خود یعنی تهدید و امثال آن متوسل شوند؛ ولی این بیگانه پرستان و نوکران آن سوی مرزها باید بدانند که نیروی ملت و قدرت خردکننده و سوزاننده (سومکا) از آن قدرت‌هایی نیست که با تهدید یک مشت آدم‌های مزدور و بیگانه‌پرست میدان مبارزه را ترک گوید. گویا آن‌ها نمی‌دادند که اتکای ما بر ملت ایران است نه بر استعمارگران سرخ و سفید و سیاه.

ملت ایران پشتیبان ما و [ما] ضامن پیروزی ملت ایران خواهیم بود. مزدوران اجانب بدانند هر کس با ما بتابد ما با او می‌جنگیم و هر کس با ما بجنگد ما [او] را خرد و نابود می‌کنیم، اگر چه یک تن باشیم.

ما در زیر سایه شهپرهای گستردهٔ سیمرغ آسمان عظمت ایران، در تحت یک رهبری آهنین می‌جنگیم، یا در این نبرد به امتیاز جان می‌سپاریم و یا پیروز از میدان مبارزه باز می‌گردیم. آینده در دست ما خواهد بود. زیرا همه با هم تا پای جان یک چیز می‌گوییم، یک طور فکر می‌کنیم، یک چیز می‌خواهیم و یک چیز حس می‌کنیم.

پاینده حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران.

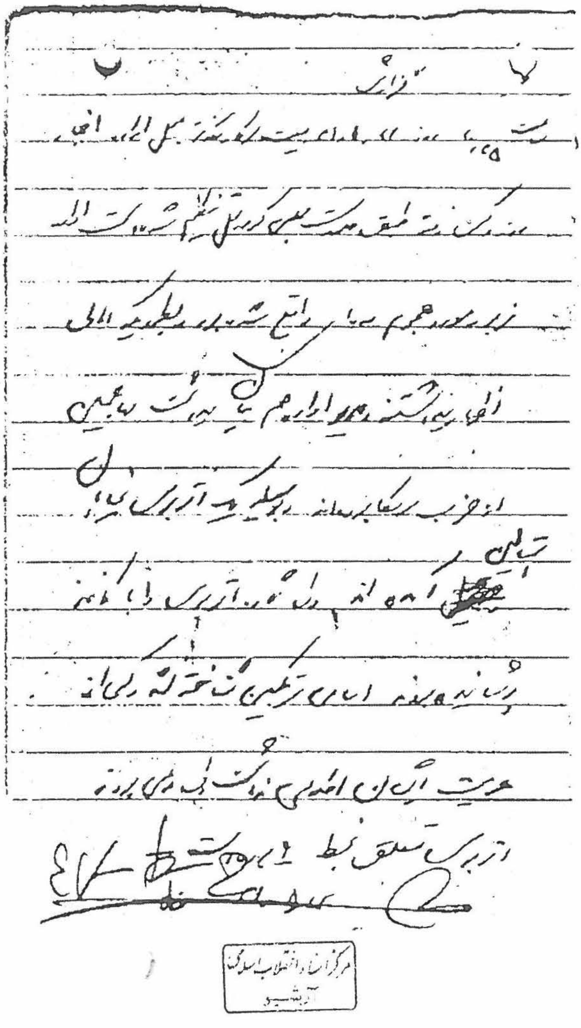
شاد ایران، پیراهن سیاهان (سومکا) یزد.[۱]

---

۱. سومکا، س ۱، ش ۶ (۲۰ مرداد ۱۳۳۱)، ص ۴.

[سند شماره‌ی ۷۴]

گزارش بازبینی از حمله اعضای سومکا به محلی



گزارش

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۷۵]

گزارش حمله به تابلوی تبلیغاتی سفارت مجارستان و خانه‌ی وکس

۲۳ ـ مرداد ماه ۳۱ **استحضاری**

گزارش

مامور ویژه گزارش میدهد در ساعت ۲۰/۳۰ روز گذشته عده‌ای در حدود ۲۰ نفر از افراد حزب (سومکا) بخیابان شاهرضا رفته تابلو و ویترین تبلیغاتی سفارت مجارستان را پائین آورده و خراب کرده پس از آن کامیون آنها را بانجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی (خانه وکس) برده و مجسمه استالین و عکس ها و شیشه های آنجا را پاره پاره و شکسته و سپس از آنجا خارج شده اند .

بطوریکه هامازاپ فرزند آوانس مدیر داخلی خانه وکس اظهار داشته یا افراد مزبور مسلح نیز بوده اند و پس از انجام منظور خود دو عدد از تابلوهای آنجا را که عکس استالین در آن منقوش بوده نیز با خود برده اند ـ ضمنا پس از رفتن افراد مزبور شخصی با اتومبیل سواری شماره $\frac{۳۵۲۲}{\text{ط } ۲۹}$ بانجمن مزبور رفته با افراد توده‌ای که در آنجا بوده اند اظهار داشته است بیائید بحزب سومکا و پان ایرانیسم رفته تکلیف مسببین اینکار را معلوم نمائیم و از محل انجمن خارج گردیده اند .

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

بقرار مسموع افراد حزب مزبور تصمیم دارند تابلو و ویترین تبلیغاتی

۸۸-ط-۴

سفارت خانه های چکاسلواکی – رومانی – لهستان وکلیه

کشورهای طرفدار سیاست شوروی را خراب و از بین ببرند .

[سند شماره‌ی ۷۶]

شناسایی و معرفی افراد حمله کننده به محل‌های توده‌ای‌ها

گزارش

پیرو دستور برای تحقیق درباره افرادیکه از حزب سومکا در وقایع تخریب
محلهای توده روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه ۲۲/۵/۱۳۳۱ الی ۲۴/۵/
۱۳۳۱ بمحل آمده این اشخاص در کلیه جریان شرکت داشته اند — جلیلی
ضرابی — رشیدی — محبلی — زندی — افشار — داریوش — خردوشی
ایلخانی — پیروزی — طباطبائی — مظاهر — رشیدی — رنجبر — حمید
از کارگر حمله با شرکت عده از گروه ایران فرزندان که سرپرست گروه مزبور رحیمی
ونقدی — ملکی میباشند این افراد معمولاً در محل حزب سکنی بوده و در تحت
تعلیم مهندس اعتمادی و انتصاری اصول حملات در مواقع ضروری و دفاع
را میآموزند یک کلاس بدین منظور تشکیل گردیده است و بعد ازظهر ها
همیشه تعلیمات لازمی دارند —

رونوشت برابر اصل است

[illegible]

۸۵-۴-۲

[سند شماره‌ی ۷۷]

گزارش وزیرخارجه مبنی بر شکایت سفارت شوروی از حمله به خانه‌ی وکس [نشان شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره محرمانه- دفتر وزیر

شماره: ۲۸۲۵ تاریخ: ۱۳۳۱/۵/۲۷

محرمانه، مستقیم، فوری.

جناب آقای نخست‌وزیر

شارژ دافر شوروی امروز با تحصیل وقت قبلی به ملاقات این‌جانب آمده اظهار می‌داشت، در ۱۳ اوت (چهارشنبه ۲۲ امرداد) عده‌ای اشخاص ناشناس که تعداد آن‌ها به ۲۵ نفر می‌رسیده، به محل نمایشگاه وکس (اخبار روز) واقع در خیابان نادری حمله کرده، شیشه‌ها، مبل و مقداری اثاثیهٔ نمایشگاه را شکسته‌اند و می‌گفت برحسب دستور وزارت امور خارجهٔ شوروی مأموریت دارد که این موضوع را به استحضار دولت شاهنشاهی رسانیده و تقاضا کند ترتیبی داده شود که در آینده نظیر آن تکرار نشود.

این جانب در پاسخ گفتم از این قضیه اطلاعی ندارم، تحقیق خواهم کرد. پس از آن تذکاریه [ای] داد که رونوشت آن برای استحضار خاطر مبارک تقدیم می‌گردد.

وزیر امور خارجه- حسین نواب(۱)

[امضا]

---

۱. مرکز اسناد ریاست جمهوری، بایگانی اسناد نخست‌وزیری. پرونده‌ی شماره‌ی ۱۲۳۰۷، به نقل از: ***اسنادی از احزاب سیاسی در ایران***، صص ۳۲۱-۳۲۲

[سند شماره‌ی ۷۸]

تذکاریه شارژ دافر دولت شوروی به وزیر امورخارجه ایران

[نشان شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

شارژ دافر دولت شوروی امروز ساعت دوازده با آقای حسین نواب وزیر امور خارجه ملاقات و راجع به واقعهٔ ۲۲ امرداد که عده[ای] اشخاص ناشناس به محل نمایشگاه وکس (اخبار روز) واقعه در خیابان نادری حمله نموده‌اند تذکاریه ذیل را تسلیم کرد:

۱۳ اوت سال جاری ساعت ۸ عده‌ای اشخاص ناشناس که تعدادشان به ۲۵ نفر می‌رسید به محل نمایشگاه وکس «اخبار روز» واقع در خیابان نادری حمله بردند، شیشه‌های ویترین، مبل داخل و مقداری اثاثیهٔ نمایشگاه را شکستند و سپس پنهان شدند. [در] میان اراذلی[1] که به نمایشگاه حمله بردند اشخاصی با بازوبندهای فاشیستی و یک نفر پاسبان ملبس به لباس عدادی که دارای اسلحه بودند مشاهده شدند.

سفارت کبرا به دستور وزارت امور خارجهٔ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی توجه وزارت امور خارجهٔ ایران را به این عملیات تحریک‌آمیز اراذل شرور جلب و جداً می‌خواهد که مقامات ایرانی جزئیات این شرارت را تحقیق و مقصرین را شدیداً مجازات نمایند و هم‌چنین اقدامات لازم را برای جلوگیری از این قبیل وقایع در آتیه مبذول دارند.

سفارت کبرا انتظار دارد بلادرنگ از نتیجهٔ اقدامات مقامات ایرانی مستحضر گردد.

تهران ۱۸ اوت ۱۹۵۲[2]

از طرف آقای وزیر امور خارجه به مشارالیه وعدهٔ تحقیق داده شد.

[حاشیه‌ی پایین:] زودتر نتیجهٔ تحقیقات را بگویند.

---

۱. اصل: ارازلی

۲. به نقل از: ***اسنادی از احزاب سیاسی در ایران***، صص ۳۲۲ـ۳۲۳.

[سند شماره‌ی ۷۹]

درخواست وزارت امورخارجه از شهربانی کل کشور جهت معرفی مسببان حمله به خانه‌ی وکس

اداره دفتر محرمانه ـ د. سیاسی

شماره ۱۸۲۲

تاریخ ۱۳۳۱/۵/۲۷

وزارت امور خارجه

محرمانه
فوری است

اداره شهربانی کل کشور

سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی شاکی است روز ۱۳/اوت ۱۹۵۲ (۲۲ امرداد ۳۱) ساعت هشت بعد از ظهر عده در حدود ۵۰ نفر با زوبند های فاشیستی به عمارت نمایشگاه اخبار روز (وکس) واقع در خیابان نادری حمله نموده در و پنجره و اثاثیه و سایر لوازم نمایشگاه را خورد کرده موجود را مخدوش نموده اند. خواهشمند است اوامر فوری برای بررسی قضیه و معین نمودن مرتکبین آن صادر و از نتیجه هرچه زودتر وزارت امور خارجه را مستحضر سازند.

وزیر امور خارجه ـ حسین نواب

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۸۰]

گزارش کلانتری مبنی بر نامشخص بودن نشانی محمد عابدینی

۴۷۰۴
۲۷/۵/۴۰

وزارت کشور
شهربانی کل کشور
قسمت ....
اداره .... دایره .... شعبه ....

دونوشت [illegible] مورخه ۲۴/۵/۴۰ شماره ۹۰۲

گزارش

محترماً [illegible] نامه ۴۷۰۴/۱۳/۵/۴۰ [illegible]
[illegible] آقای محمد عابدینی معلوم نیست و گزارش [illegible]
وسیله آقای عباسی [illegible]

[illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۸۱]

گزارش رکن دوم ارتش از حزب سومکا

رکن دوم ستاد ارتش
شماره ۱۷۰
۱۳۲۱/۵/۲۰

تاریخچه مختصر حزب سومکا

حزب سومکا برهبری داودمنشی زاده که درطول جنگ بین المللی دوم درالمان بود درسال ۱۳۲۰ تشکیل شد .

درابتدای تشکیل مرام حزب مبارزه باکمونیزم وطرفداری ازمقام وسلطنت وعظمت ـ ایران بزرگ بوده وانتشارات خود نیزاین معنی راتائید نموده اند .

کارگردانان حزب :

درابتدای کار هفت نفرافراد زیرحزب را اداره میکردند .

۱ـ داودمنشی زاده
۲ـ بکری
۳ـ فروتن
۴ـ فروتن (باهمدیگر برادرهستند)
۵ـ فرایی
۶ـ محمودیان
۷ـ سپهر .

درعین حال آقایان اخوی که خود سالها درالمان بوده ودرطول جنگ دوم جهانی رئیس قسمت رادیوی فارسی برلن بوده وبامنشی زاده نزدیک بوده است باتفاق اخوان بااین حزب همکاری نزدیک داشته اند واین دو رامیتوان جزء کارگردانان اصلی قلمداد نمود .

دراوائل فروردین ماه ۱۳۲۱ درنتیجه اختلافات داخلی وورود بعضی اشخاص ناشناس بحزب که بعدا نام انها برده خواهد شد عده ای ازافراد سرشناس حزب بشرح پائین :

۱ـ بکری
۲ـ دو برادر فروتن استعفا کرده وازحزب خارج شدند .

...

۳- شرابی

۴- محمودیان

۵ - سپهر

ورود برخی افراد مشکوک در حزب :

در اواخر سال ۳۰ سه نفر افراد زیر :

۱- زندنیا عضو قسمت بخش شرکت ملی نفت ایران

۲- همایون (بنا بمعرفی زندنیا) نویسنده

۳- ساسان فر لیسانسیه حقوق

عضویت حزب را قبول کرده و کم کم در اغلب امور رخنه پیدا کردند در عین حال این افراد خیلی مشکوک بنظر میرسیدند و برخی از آنها پرونده هائی هم داشتند مثلا ساسان فر بمناسبت اهانت بمقام سلطنت دارای پرونده بود .

ورود این افراد در حزب و تحت تاثیر قرار گرفتن منشی زاده باعث شد که عده از حزب خارج شدند و صورت آنها قبلا بعرض رسید .

عده دیگری من جمله آقایان اخوی و اخوان با منشی زاده مذاکره کرده و تاکید خواستند روش قطعی حزب روشن شود و در این جلسه منشی زاده متعهد شد که همان مرام معینی را که انتخاب کرده بودند با کمال استقامت حفظ کند و چون دسته گریخته احساس میشد که سه نفر جدید مخالف مقام سلطنت هستند عده من جمله اخوی او را وادار کردند که دسته گلی نثار مقبره شاهنشاه فقید کنند و با مراسم رسمی این عمل انجام شد و عکسی هم از این مراسم در روزنامه ها منتشر گردید .

تا جریان وقایع سی ام تیرماه بمیان آمد در این جریان یکمرتبه طرز فکر منشی زاده عوض شد و در بین همکاران خود اظهار کرد مسئولیت وقایع این روز مستقیما بعهده مقام سلطنت است و از این تاریخ شروع به مذمت از مقام معظم الیه نمود و زمینه تفرقه دیگری را فراهم کرد . بدین معنی که آقایان اخوی و اخوان نیز از عضو در حزب خود داری کردند و البته کناره گیری آقای اخوان بیشتر باین مناسبت شد که چون خواست چند مطلب درباره

طرفداری ازمقام سلطنت وارتش درروزنامه ارگان حزب منتشرکند واقای منشی زاده
جلوگیری نمود اوهم استعفا کرد وخارج شد .
باین ترتیب فعلا حزب تحت رهبری منشی زاده واداره کنندگان آن :

۱- زندنیا

۲- همایون

۳- ساسان فر

میباشد .

روزنامه ارگان حزب :

روزنامه ارگان حزب تا ۴ شماره باپول اقای اخوان منتشرگردید پس ازان درنتیجه - اختلاف اقای اخوان کناررفت وروزنامه نیزبوسیله ان افراد منتشرگردید ولی چون - استطاعت نداشتند درهفته جاری که قراربود روزنامه روزدوشنبه ۳۱/۵/۲۷ منتشر گردد موفق بانتشارآن نشدند .

وضع تشکیلاتی حزب وتعداد افراد آن :

وضع تشکیلاتی حزب درانتشارات سومکا مشخص شده است که علاوه برافرادعادی یک گروههای حمله هم دارد این گروهها لباس اونیفورم داشته وتحت تعلیمات قرارگرفته اند وحتی تمرین تیراندازی واستعمال بعضی ازاسلحه‌ها رانیزاموخته اند این گروهها ماموریتهای رهبر حزب رابدون چون وچرا باید اجرا کنند .

نام این گروه (ایران فرزندان)وفرمانده آن محمدرسا است ازافراد غیور وفداکاراین گروه میتوان نام رجب نیا ومحیطی رابرد . خانم لادین رهبر گروه بانوان است .

بطوریکه خود حزب شایع کرده است درحدود ۲۷۰۰ نفرنام نویسی کرده اند ولی در حقیقت باتحقیقات دقیقی که شده درحدود ۶۰۰ نفرنام نویسی کرده وحداکثر حزب قادر است صد نفرراحاضر کند .

دربین افراد کسانی هم وجود دارند که عضویت سندیکا های مختلف راداشته وبمناسبت تبلیغاتی کشید واین دسته راطرفدارمقام سلطنت دانسته اند باین حزب گرویده اند .

در نتیجه تغییر روش حزب و مخالفت جدی داود منشی زاده با مقام سلطنت این قبیل افراد سخت برآشفته و حتی بین آنها و منشی زاده بگفتگوهای زننده ئی نیز رد و بدل — شده است در نتیجه این عده قصد دارند ضمن استعفا از حزب بکمک طرفداران خود بمرکز حزب حمله برده منشی زاده را از رهبری حزب معزول و در صورت امکان یکی از اشخاصی که قبلا استعفا کرده اند برهبری انتخاب نمایند.

وضع مالی حزب:

وضع مالی حزب با اینکه مرموز بنظر میرسد معهذا تا اندازه ئی روشن است زیرا اولا تعداد اعضاء یعنی آن کسانی که حق عضویت میپردازند خیلی زیاد نیست که بتوانند زندگی روزانه رهبر حزب را که در مرکز حزب زندگی میکند تامین نماید وسایل و لوازم از قبیل میز و صندلی وغیره را از اعانه ئی که در بدو تشکیل جمع آوری کرده بودند در حدود 10000 ریال خریداری کرده و محل حزب را بدون پرداخت اجاره اشغال کرده اند که موضوع در اداره مال الاجاره ها تحت رسیدگی است.

بمناسبت فقر و بی پولی منشی زاده سعی دارد بوسائلی متشبث شده وجوهی بدست آورد مثلا زمانی قصد داشت با جمال امامی و امثال او وارد مذاکره شده و کمکی بگیرد فعلا هم تصور میرود حمله او بمقام سلطنت بمنظور این باشد که او را بخواهند و پولی در اختیارش بگذارند در هر صورت وضع مادی حزب بهیچوجه مطلوب نیست.

وضع فعلی حزب:

فعلا بطوریکه از مطالب بالا مستفاد میشود حزب سومکا علاوه بر آنکه نتوانسته برای مبارزه با کمونیزم فعالیتی داشته باشد شاید بتوان گفت منحرف هم واقع شده و جریانی که اخیرا در حزب رخ داده و گزارش آن جداگانه بعرض میرسد این مطلب را تائید میکند.

[سند شماره‌ی ۸۲]

گزارش تشکیل گروه ضد سلطنت در سومکا

رکن دوم ستاد ارتش

شماره ۱۲۰

۱۳۳۱/۵/۲۸

موضوع: شکایت یکی از افراد سومکا و اعزام یک افسر برای روشن شدن موضوع

گزارش

محترماً معروض میدارد ساعت ۱۱ صبح روز ۳۱/۵/۲۷ آقای امینی عضو حزب سومکا باتفاق سه نفر دیگر از اعضاء حزب برکن ۲ مراجعه کرد و اظهاراتی بشرح زیر نمودند:

ما بمناسبت آنکه حزب سومکا طرفدار مقام سلطنت و مبارز با کمونیزم بود عضویت آن حزب را قبول کردیم ولی اخیراً جریاناتی رخ داد که ما را نسبت برهبر حزب آقای داود منشی زاده سخت ظنین نموده است باین معنی که چون دو شب قبل در سینما دیانا برعلیه توده ایها اقدام کرده و با زدوخورد تا شاه و مضروب کردن توده ایها اجازه ندادیم بمقام سلطنت اهانت شود مورد اعتراض شدید آقای منشی زاده واقع شده و حتی میخواهند ما را در حزب محاکمه نمایند.

از طرف دیگر چون حمله به بعضی از موسسات خارجی بنا بدستور شخص منشی زاده و بصورت امتثال ما عمل شد و این شخص بمملکت خیانت کرده است بنابراین ما قصد داریم بساط این حزب را برچینیم فقط از شما تقاضا داریم امروز بعد از ظهر یکنفر بفرستید در مذاکرات ما حضور داشته با منشی زاده اتمام حجت کنیم.

البته باین افراد تذکر داده شد در حال حاضر مملکت احتیاج بآرامش دارد و بایستی منتهای سعی بشود که تولید ناامنی نشود و در مقابل تقاضای آنها یکنفر افسر با لباس غیرنظامی تعیین و اعزام گردید.

افسرمزبور رساعت ۱۲۰۰ درمعیت حضرات بحزب رفته ودراطاق دفترمنشی زاده حاضر شد دراینجا این اظهارات بین انها ومنشی زاده رد وبدل شده است ، امینی سئوال میکند جریان حمله بموسسات خارجی بدستور کی بود . منشی زاده جواب میدهد بدستور شخص من بوده ودلائلی داشته ام که بعدا خواهم گفت . سئوال میشود عقیده شما نسبت بمقام سلطنت چیست . جواب میدهد من شاه را مسئول وقایع سی ام تیرماه میدانم وبهیچوجه موافق این مقام نیستم .

در این مذاکرات بین طرفین سخنان تند رد وبدل میشود ومنشی زاده دستور مجروح کردن انها را میدهد ولی انها از دفتر خارج شده وبا انکه یکی دونفر انها را با چوب مضروب میکنند بنا به تذکر افسر مامور از مقابله بمثل خودداری مینمایند وازدرب باشگاه حزب خارج ودسته جمعی فریاد میکشند (زنده باد شاه) افراد محافظی که درحدود ۲۵ نفر بوده اند از داخل حزب فریاد میکشند (مرده باد شاه) این جریان را سرتیپ طباطبائی که درخارج از باشگاه بوده کاملا مشاهده کرده است .

مجددا این افراد مراجعه وقصد داشتند بکمک رفقای دیگر خود بباشگاه حزب شدیدا حمله نموده ومنشی زاده را از باشگاه خارج ومرکز حزب را اشغال نمایند بازحمات زیاد ومذاکرات طولانی بمناسبت انکه فعلا صلاح نیست چنین اشوبی برپا نمایند وکشور محتاج ارامش است قبول کردند که مراتب باطلاع مقامات انتظامی برسد که خود ان مقامات اقدامات قانونی بعمل اورند .

معهذا بقدری عصبانی بودند که ممکن است دست باقداماتی بزنند .

مراتب استحضارا عرض شد

[سند شماره‌ی ۸۳]

گزارش درگیری میان اعضای سومکا و حزب توده و بازداشت چند تن از آنان

۰۰۳۶۹۰۱

ساعت :

دژبان پادگان مرکز

دفتر اطلاعات

۲/۲۶/۱

ریاست رکن ۲ ستاد ارتش —

۲۱/۵/رابع

اطلاع رسیده از بخش ۸

اطلاع دهنده فرمانده بخش

موضوع : درساعت ۱۲ روز ۳۱/۵/۲۸ عده ای از افراد حزب سومکا در سبزه میدان با یکعده از توده ایها نزاع در نتیجه چند نفر از [illegible] نزاع کنندگان توسط مامورین شهربانی جلب و بکلانتری ۱۶ تحویل میگردند ٪

فرمانده دژبان پادگان مرکز سرتیپ عظیمی

بایگانی
۵/۲۹

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۸۴]

ارسال پرسش حائری‌زاده در خصوص حمله به خانه وکس از وزیر کشور

در جواب مراسله ...
اعداد ... است با شماره ذکر شود

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

اداره
شماره
تاریخ
شماره
پیوست
موضوع

خیلی فوری

رونوشت نامه شماره ۴۰۵۸۷ / ۱۱۴۶۸ / ن ـ ۲۸/ ۵/ ۳۳۱ وزارت کشور

شهربانی کل کشور

رونوشت ورقه سئوالیه مورخ ۲۳/ ۵/ ۳۱ آقای حائری زاده نماینده مجلس شورای ملی راجع به حمله روز ۲۲ مرداد جمعی بعمارت مجاور خانه وکس که ضمن مراسله شماره ۴۱۷۵ ـ ۳۱/ ۵/ ۲۵ ریاست مجلس شورای ملی بوزارت کشور فرستاده شده بضمیمه ارسال میگردد مقتضی است با توجه بماده ۱۶۱ آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی که یکهفته برای مدت پاسخ مقرر گردیده جریان امر و نتیجه اقدامات را مشروحاً اعلام دارند

وزیر کشور

امریه صادره وسیله تیمسار سرتیپ نخعی

[illegible] فوری ـ روی سوابق و پرونده مربوطه در اداره اطلاعات و تجسس انتظامی آگاهی ـ اطلاعات جواب تهیه شود ـ ۲۸ / ۵ نخعی

۱۷۴۵۰ / ک
۳۱ / ۵ / ۲۸

رونوشت متن فوق و پیوست آن جهت اقدام و اجراء امر به اداره اطلاعات ارسال میشود که مراتب را فوراً باداره دفتر کل اعلام دارند تا پاسخ وزارت کشور داده شود

رئیس اداره دفتر کل ـ سرهنگ پارسا

دفتر اداره کل شهربانی
۲۸۱۰۹۶

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۴۷ ط ۶

[سند شماره‌ی ۸۵]

رونوشت پرسش حائری‌زاده

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

قسمت
اداره ... دایره ... شعبه ...

رونوشت سئوال آقای حائری زاده مورخه ۳۱/۵/۲۲ شماره

ریاست محترم مجلس شورای ملی

متوقع است مقرر فرمایند جناب وزیر کشور برای جواب پرسش ذیل در مجلس حاضر شوند در جراید دیده شد که روز چهارشنبه ۲۲ مرداد ماه جاری ساعت هشت بعد از ظهر سفارت [illegible] و خانه وکیل مورد حمله جمعی واقع شده است نظر باینکه حکومت نظامی لغو شده و این عمل را اگر واقع شده میتوان عمل تحریک آمیز ضد مصالح مملکت برای ایجاد حکومت نظامی و تیره ساختن روابط خارجی دانست آیا این عمل واقع شده است یا نه ؟ در صورت وقوع آیا عاملین و محرکین دستگیر شده یا نه و در صورت دستگیری عاملین چه اقدامی شده است ؟ حائری زاده

رونوشت برابر اصل است رئیس اداره قوانین مجلس شورای ملی [illegible]

رونوشت با رونوشت برابر اصل است

۴۷-ط-ع

[سند شماره‌ی ۸۶]

رونوشت گزارش بازرس ویژه نخست‌وزیر در خصوص حمله به خانه وکس

اداره ....
شماره ....
تاریخ ....
پیوست ....
موضوع ....

در جواب مراسله نمره و امضاء ... است با شماره ذکر شود

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

معروض جناب آقای نخست وزیر میرساند: حسب الامر شفاهی برای رسیدگی بوضعیت خانه وکس در ساعت ۹ صبح بمحل قرائت خانه واقع در چهارراه قوام السلطنه که مورد حمله واقع گردیده بود مراجعه و پس از بازدید محلی بمرکز خانه وکس در خیابان سهیل واقع در خیابان ... جمشید رفته با آقای فدرو (FEDROV) دبیر دوم و وابسته فرهنگی سفارت شوروی که مسئول امور خانه وکس میباشند ملاقات حاصل گردید و پس از رسیدگی جریان امر بشرح زیر میباشد:

در تاریخ ۲۲ مرداد در ساعت ۸ بعد از ظهر عده‌ای بین ۲۰ الی ۲۵ نفر با لباس متحد الشکل پیراهن سرمه‌ای و با بازوبند قرمز که علامت صوستیکا بخود گذارده بودند با چوب و چماق با عجله وارد قرائت خانه مذکور گردیده و در مدت بین ۱۰ الی ۱۵ دقیقه کلیه درب پنجره و مجسمه لنین را شکسته و عکسهای استالین و مولوتف و مالنکف و ورشیلف را پاره و با خود همراه میبرند. متصدی قرائت خانه برای جستجوی پلیس اقدام مینماید ولی نتیجه آنی نمیگیرد و گویا در موقع حادثه پلیس راهنمائی هم در چهارراه نبوده و از قراریکه شایع است پلیس چهارراه هم در آن موقع برای تعویض پست رفته بوده است (که نسبت بایشان موضوع — چنانچه اجازه فرمایند از شهربانی کل کشور استعلام شود) وطبق تحقیقاتی که از اطرافیان قرائت خانه بعمل آمده چنین شایع است که مهاجمین پس از تخریب بوسیله اتوبوس خط ۹ که شماره شهربانی آن با کاغذ مستور بوده فرار نموده ادامه میدهد پس از نیم ساعت که از واقعه میگذرد پاسبان کلانتری بمحل واقعه حضور بهم رسانیده و صورتمجلس تنظیم که مراتب را بکلانتری مربوطه اطلاع دهد در خاتمه معروض میدارد که آقای FEDROV از اینکه مورد توجه جناب آقای نخست وزیر واقع گردیده عرض تشکر نمودند.

بازرس مخصوص نخست وزیری — رونوشت با رونوشت برابر است

مهر دبیرخانه
۳۲/۵/۲۹

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۴۷ - ط - ۲

[سند شماره‌ی ۸۷]

گزارش حمله‌ی منشعبین سومکا به محل حزب

شماره ۲/۱

۱۳۳۱/۵/۲۹

[illegible]

جریان دیشب در حزب سومکا

در ساعت ۱۱ روز ۳۱/۵/۲۸ عده‌ای از حزب سومکا که طرفدار مقام سلطنت بودند در حدود شصت نفر با دو کامیون و یک جیپ بمحل حزب رفته و قصد داشتند که رهبر حزب را دستگیر و حزب را در اختیار خود بگیرند ولی درب حزب بسته بود و پنج نفر نیز در بالای عمارت مشغول مراقبت بود ماند و با اخطار عده منظور درب را باز نمینمایند که در نتیجه دیوار پهلوی درب حزب را خراب و داخل محوطه میشوند زد و خورد شروع میشود

عده طرفدار رهبر حزب که با تبرهای دستی مسلح بودند و خود رهبر حزب باتفاق رجبی، سپهر، کیان و یکنفر دیگر با پارابلوم شروع بتیراندازی مینمایند و عده منظور را از درب بیرون میکنند و با پرتاب کردن نارنجکهای آتش‌زا از داخل حزب به بیرون عده از جلو حزب متفرق میگردند کلانتری ۲ هشت نفر پاسبان با یکنفر سرگرد بمحل اعزام و جمعیت را متفرق میکنند و جیپ سواری عده منظور را نیز بکلانتری میبرند در اثر زد و خورد دیروز هشت نفر از طرفداران مقام سلطنت مجروح و پس از پانسمان از بیمارستان مرخص میشوند

ضمناً چند عدد از نارنجکهای آتش‌زا که از داخل حزب به بیرون پرتاب شده بود علائم آن در دیوارها مشاهده میشود و کلانتری نسبت بتیراندازی آنها هیچگونه اعتراضی ننموده.

دو نفر از افراد وابسته بمنشی‌زاده صبح همان روز توسط افراد طرفدار مقام سلطنت دستگیر و باداره آگاهی شهربانی تحویل شدند که یکنفر آنان بنام سرباز وظیفه مینو بوده است.

[illegible]

[illegible]

[سند شماره‌ی ۸۸]

درگیری اعضای حزب سومکا با توده‌ای‌ها و نیروهای انتظامی

۱۳۳۱/۵/۲۹

خلاصه اخبار

در ساعت ۱۱۳۰ درحدود ۳۰ نفر از افراد حزب سومکا با باتوم و چوب با پرچم دوان از کوچه پشت بانک وارد خیابان فردوسی و از کوچه جنب خانه صلح بطرف خیابان لاله‌زار رفته و در خیابان لاله‌زار با عده‌ای از توده ایها زد و خورد که در نتیجه توده‌ایها فرار نمودند.

در جلو خانه صلح افراد حزب توده با سومکائیها شروع بزد و خورد نموده عده‌ای دستگیر و بقیه متفرق شدند.

کلیه دکانهای خیابان اسلامبول تا این ساعت بسته است ولی در خیابان تظاهر مینمایند.

پیراهن سیاهان حزب سومکا با کاروان و ... در خیابان [illegible] مشغول [illegible] هستند.

[سند شماره‌ی ۸۹]

گزارش اظهارات دو نفر خارجی درباره حمله اعضای سومکا به تابلوی تبلیغاتی ساختمان بازرگانی و قرائت‌خانه وکس

اداره اطلاعات
دائره
تاریخ ۳۱/۶/۱
شماره
پیوست
موضوع

وزارت کشور
شهربانی کل کشور
قسمت

محرمانه

وزارت امور خارجه

عطف بنامه شماره (۲۸۲۶ ـ ۳۱/۵/۲۶) گزارش اداره اطلاعات بنا باظهار آقای (کالنکشی) رئیس قسمت بازرگانی مجارستان حاکی است در ساعت ۲۰ روز ۳۱/۵/۲۲ چند نفر که دارای بازوبند بوده اند در خیابان شاهرضا قاب شیشه عکس را که جهت تبلیغات به دیوار جلو بازرگانی مجارستان در جبهه خیابان نصب بوده است شکسته و عکسهای آنرا پاره کرده اند و بطوریکه بنظر میرسد اشخاص مزبور از آنجا بخیابان قوام السلطنه رفته بنا باظهار آقای (مازانف) مدیر قرائت خانه اخبار روز شیشه جلو شیشه پنجره و قاب عکس و مجسمه گچی لنین را که در آنجا بوده است شکسته و عکس مارشال استالین را هم با خود برده اند که فوراً همه از طرف مامورین شهربانی مورد تعقیب قرار گرفته سه نفر بنام شاهپور فرزند نهاوند، ابوترش همایونی و اسمعیل هاشمی باتهام فوق مزبور دستگیر و پرونده متشکله علیه آنان در تاریخ ۳۱/۵/۲۶ بشعبه ۱۸ بازپرسی دادسرای تهران جهت رسیدگی و صدور قرار قانونی ارسال شده و تماماً هم در شعبه مزبور مورد تعقیب میباشد.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور ـ سرتیپ نخعی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۹۰]

دستور نخست‌وزیر مبنی بر تسریع در اعلام نتیجه تحقیقات حمله به قرائت‌خانه‌ی وکس

[نشان شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

شماره: ۱۱۰۱۰ تاریخ: ۳۱/۶/۱[۱۳]

محرمانه امنیت

اداره کل شهربانی

دستور فرمایید نتیجهٔ تحقیقات دربارهٔ موضوع قرائت‌خانهٔ وکس شوروی را هر چه زودتر گزارش دهند.

نخست‌وزیر[۱]

۱. به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، ص ۳۲۹.

[سند شماره‌ی ۹۱]

اعلامیه‌ی سومکا در تبیین مواضع حزب و گزارش حمله به مقر حزب

هم‌وطنان عزیز بازار،[۱] مردم غیور تهران

حزب سوسیالیت ملی کارگران ایران دائم در تلاش و مجاهدت بوده است تا نظم و انضباطی که برای رفاه عموم ملت و پیشرفت سیاست خارجی ایران مقدس و نگهداری سنن ملی و مذهبی ما لازم است تا آن‌جا که وجود دارد حفظ شود و هر جا که نیست برقرار کند.

هم‌وطنان عزیز من در بازار

یک مشت از دار و دسته قوام که تصور آن را کرده بودند که حزب من برای تضعیف دولت دکتر مصدق و شکست ایران در برابر دشمن خون آشام ما، انگلیس‌ها، روی کار آمده و پیش خود می‌اندیشیدند که ما به کمک مراجع غیر مسئول و انگلیسی‌ها یا آمریکایی‌ها روی کار آمده‌ایم، از ما توقع هم‌کاری‌داشتند.

در روز سی‌ام تیر این افراد بی‌ایمان خود را به قوام معرفی کرده بودند تا در زمرهٔ «فدائیان جناب اشرف» بهتر بتوانند به چپاول و چاقوکشی‌های خود نسبت به ملت شریف ما ادامه دهند.

قیام ما که در جریان قیام ملت بر ضد یک نفر عامل انگلیس[۲] و وطن فروشی مثل قوام کوچک‌ترین وظیفه ملی ما بود، صرف نظر از پدرکشتگی که بین من و قوام است،[۳] این دسته را نسبت به حزب ما سخت دشمن ساخت.

تا بالاخره دیروز در موقعی که هم پیمانان من در سبزه میدان به فروش روزنامه سومکا می‌پرداختند، این دار و دسته ننگین به کمک دسته دیگری که باز ما [آن‌ها را] دشمن ملیت، ناموس و شرافت ایرانی تشخیص داده‌ایم ـ یعنی توده‌ای‌ها ـ به ما حمله بردند و ما

---

۱. این اعلامیه روز شنبه اول شهریور ۱۳۳۱ در پی شایعه‌ی حمله‌ی سومکا به بازار انتشار یافت. سومکا، س ۱، ش ۸ (۱۳۳۱/۶/۶)، ص ۴

۲. اصل: انگلیسی

۳. داود منشی‌زاده، وثوق‌الدوله برادر قوام السلطنه را مسؤول کشته شدن پدرش می‌داند. ر.ک: فصل دوم، کتاب حاضر

مجبور بودیم در مقابل این‌ها از خود دفاع کنیم.
ضرب شست مردانه و شجاعانه گروه جاویدان نبایستی شما هم‌وطنان فداکار بازار را به این فکر بیندازد که ما خدای ناکرده می‌خواهیم مخل آرامش و کسب شما و مانع از بهره برداری از زحمات منفردانه شما باشیم.
شما مردم شرافتمند بازار و ملت رشید ایران، بی‌توجه به این همه تهمت‌ها و دروغ‌هایی که در جریانات اخیر حوادث به فراوانی به ما نسبت داده‌اند و می‌دهند دست به دست فداییان سومکا بسپارید تا با اتکاء به ایمان و ملت خودمان، ریشه این عناصر کثیف را از کشور خداداد ایران براندازیم.
پیراهن سیاهان من در هر کجا که توده‌ای‌ها و سایر دشمنان ملت مزاحم شما باشند پشتیبان شما هستند.
پس از ۴۵ دقیقه جنگ واقعی در حالی که مهاجمین یک دسته از مصدومین خود را بر دوش حمل می‌کردند و عده‌ای دیگر از مجروحین خود را بدون ترحم در جوی‌های خیابان‌ها انداخته بودند، میدان را خالی کردند و سربازان سیاهپوش سومکا جیپ آن‌ها را نیز به غنیمت گرفتند. زخمی‌های ما در این حادثه ۵ تن بیش نبودند.
شما با ما دعا کنید که خداوند بزرگ این فدائیان دلیر سومکا را برای ملت ایران سالم نگاه دارد.
شاد ایران
رهبر سومکا، داوود منشی‌زاده.

[سند شماره‌ی ۹۲]

گزارش شهربانی خراسان از ورود ضیاء مدرس به مشهد جهت تشکیل پایگاه حزب در آن شهر

اداره اطلاعات
دایره
تاریخ
شماره
پیوست
موضوع

در جواب مراسله حروف و اعداد مدیره که متمم شماره است با شماره ذکر شود

وزارت کشور
شهربانی کل کشور
قسمت

محرمانه

وزارت کشور

مطابق گزارش شهربانی خراسان روز ۱۰/۵/۳۱ اقای ضیاء مدرسی بازرس حزب سومکا بمنظور تشکیل حزب مزبور بمشهد وارد و درمنزل قهرمان‌زاده کارمند شهرداری متوقف و در حدود سی نفر در حزب مذکور نام‌نویسی کرده‌اند وضمناً از طرف هیئت تحریریه روزنامه صدای خراسان که منتسب بحزب ایران میباشد فوق‌العاده تحت عنوان (کفاش آمد سید جلال رفت) طبع ومنتشر شده که درمتن منتسب به سرتیپ معزی فرمانده لشکر و سرتیپ نوبی معاون لشکر و سرهنگ اسفندیاری رئیس شهربانی خراسان اتهاماتی نسبت داده است.

ازطرف رئیس شهربانی کل کشور ــ سرتیپ نخعی

[سند شماره‌ی ۹۳]

بازرسی مأموران حکومت نظامی از محل حزب سومکا

شماره و تاریخ ۱/ ٤/ ۳۱

تاریخ وقوع

نام مستعار ـ شهربانی

شرح خبر ـ

اخیراً حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) بر فعالیت و تبلیغات خود افزوده و در نظر دارد دامنه عملیات خود را بتمام شهرستانهای ایران توسعه دهد بطوریکه دکتر منشی زاده رهبر حزب اظهار داشته پس از خاتمه دوره حکومت نظامی در بند شهرستان رسماً شعبه‌ای از حزب مذکور افتتاح خواهد شد .

روز جمعه ۳۰ ماه جاری نیز عده‌ای از افراد کارآگاه رحمله و چند نفر دیگر از گروه های مختلف با لباس مخصوص بمحل شاه عوض رفته و با خود مقداری اوراق و عارات دار حزبی و کارتهای عضویت و سایر نامه های مربوط بحزب را برای ثبت نام و تشکیل شعبه همراه داشته‌اند .ـ

[illegible] بازرسی

حزب سومکا

۹۷۴ ـ ۳/۴/۳۱ ـ ش [illegible]

[سند شماره‌ی ۹۴]

مکاتبه‌ی نخست‌وزیر با دادسرای تهران درباره‌ی حمله به قرائت‌خانه‌ی وکس

[نشان شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

شماره عمومی: ۱۱۰۷۴ تاریخ ثبت: ۳۱/۶/۳[۱۳]

خیلی فوری- محرمانه

دادسرای تهران

رونوشت نامهٔ شماره ۶۶۳۵/۲۳۳۳ک- ۳۱/۶/۲[۱۳] شهربانی کل کشور راجع به قرائت خانهٔ وکس شوروی برای اطلاع ارسال می‌شود.

دستور فرمایید در این باب طبق تقاضای شهربانی کل کشور پروندهٔ مورد نیاز را فوراً تحویل و نتیجه را اعلام دارند.

نخست وزیر(۱)

[امضای پیش‌نویس: احمدبهار]

[حاشیه‌ی پایین: امضا: خاوری] ۳۱/۶/۳[۱۳]

---

۱. مرکز اسناد ریاست جمهوری، بایگانی اسناد نخست‌وزیری، پرونده‌ی شماره‌ی ۱۲۳۰۷. به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، ص ۳۳۰.

[سند شماره‌ی ۹۵]

درخواست رئیس شهربانی کل کشور از نخست‌وزیر درباره‌ی اعاده‌ی پرونده

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره: آگاهی

شماره: ۶۶۳۵/۲۳۳۳ک محرمانه- فوری

تاریخ: ۲/۶/۳۱[۱۳] خیلی فوری

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً عطف به مرقومهٔ شماره ۱۱۰۱۰-۱/۶/۳۱[۱۳] راجع به قرائت‌خانهٔ وکس شوروی به عرض می‌رساند:

طبق گزارش ادارهٔ آگاهی، شاهپور زندنیا و داریوش همایون و اسمعیل هاشمی‌نژاد از افراد حزب سومکا به اتهام حمله به محل مذکور [به] وسیلهٔ کلانتری ۳ جلب و به ادارهٔ مزبور تحویل و قبل از تکمیل بازجوئی، مطابق دستور نماینده دادسرای تهران، پرونده با متهمین به شعبهٔ ۱۸ بازپرسی دادسرای تهران تسلیم و به شماره ۳۴۸، ۱۸/۴/۳۱[۱۳] در آن شعبه تحت تعقیب می‌باشد.

مستدعی است امر و مقرر فرمایند دادسرای تهران پرونده را اعاده دهند تا در تکمیل آن اقدام گردد.

رئیس شهربانی کل کشور- سرتیپ کمال[۱]

[امضا]

[حاشیه‌ی پایین: اداره:] امور، به دادسرای تهران بنویسند. ۲/۶/۳۱[۱۳]

[اثر مهر:] ورود به دفتر ریاست وزراء، شماره: ۱۱۰۷۴، تاریخ: ۲/۶/۳۱[۱۳]

---

۱. به نقل از: ***اسنادی از احزاب سیاسی در ایران***، ص ۳۳۱. این نامه تکمیل شده‌ی گزارش اداره‌ی آگاهی به اداره‌ی اطلاعات است. گزارش مزبور در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش. پ ۳۶۹۲ موجود است.

[سند شماره‌ی ۹۶]

مکاتبه دادستانی تهران با نخست‌وزیر درباره اعاده پرونده حمله به قرائت‌خانه وکس

[نشان شیر و خورشید]

وزارت دادگستری

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۳ شماره: ۱۸۹۸۳

خیلی فوری و محرمانه

جناب آقای نخست‌وزیر

عطف به مرقومهٔ شماره ۱۱۰۷۴-۳/۶/۳۱[۱۳] محترماً به اطلاع می‌رساند پروندهٔ عمل از طرف شعبهٔ ۱۸ بازپرسی ضمن نامهٔ شماره ۷۴۱-۲/۶/[۳۱] به ادارهٔ آگاهی اعاده شده است.

دادستان تهران(۱)

امضا: [شهبندی]

[حاشیه‌ی پایین، اول:] پیشینه پیوست شود.

[حاشیه‌ی پایین، دوم:] ضمیمه شد. ۳/۶/[۱۳۳۱].

[حاشیه‌ی پایین، سوم:] اقدامی ندارد. ۳/۶/۳۱[۱۳].

[اثر مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر، شماره: ۱۱۱۱۸، تاریخ: ۳/۶/۳۱[۱۳]

---

۱. به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، ص ۳۳۲.

[سند شماره‌ی ۹۷]

گزارش فرمانداری نظامی تهران از بازرسی محل حزب سومکا

فرمانداری نظامی تهران

تاریخ ۱۳۲
شماره
پیوست

۳۱۷
۳۱/۲/۲

تیمسار ریاست ستاد ارتش

محترماً معروض میدارد در ساعت ۱۱ روز ۳۱/۱/۳ شکایتی از طرف یکعده از افراد حزب سومکا که فعلاً از آن حزب خارج شده اند بشهربانی رسیده که رونوشت آن نیز بفرمانداری نظامی ارسال گردیده در گزارش مزبور دکتر منشی زاده رهبر حزب سومکا را متهم بداشتن اسلحه غیرمجاز و اعمالی برخلاف حکومت ملی درزمان قبل از فرمانداری نظامی نموده بودند بنابراین بتقاضای شهربانی بازپرس دادسرای نظامی با افراد شهربانی بمحل حزب حاضر پس از بازرسی شش قبضه شمشیر کهنه و یک قبضه تفنگ یک لول سرپر در محل کشف ضمناً یک عدد جیپ که در موقع حمله مخالفین بحزب بغنیمت گرفته شده بودند نیز کشف و با مامورین بشهربانی آورده شد قضیه در اداره آگاهی شهربانی تحت تعقیب و نتیجه متعاقباً بعرض خواهد رسید.

فرماندار نظامی تهران [illegible] سرتیپ عظیمی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۹۸]

گزارش مسلح شدن اعضای حزب توده به سلاح سرد برای مقابله با اعضای حزب سومکا و حزب پان ایرانیست

۴ شهریور ماه ۳۱[۱۳]

گزارش [1]

گزارش مأمور ویژه حاکی است از طرف حزب منحله توده به افراد و البته به آن حزب دستور داده شده است که برای مقابله با افراد احزاب پان ایرانیسم و سومکا با خود کارد و چاقو و پنجه بوکس همراه داشته تا چنان‌چه در معابر عمومی زد و خوردی روی داد شدیداً با آن‌ها مبارزه نمایند.

[حاشیه] نظریه دفتر بازرسی: این موضوعی است که از مدت‌ها پیش تأیید شده است.

[حاشیه‌ی پایین: ناخوانا]

۱. همان جا، ش. ب ۳۶۹، ش. ص ۳۲.

[سند شماره‌ی ۹۹]

گزارش تشکیل جلسه گروه فنی حزب سومکا و مقدمات برگزاری سالروز تولد رهبر حزب

/تاریخ: /۴ شهریور ماه ۳۱[۱۳]

گزارش (۱)

مأمور ویژه گزارش می‌دهد از ساعت ۶ صبح روز گذشته عده‌ای از گروه فنی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (موقتاً) در محل زیرزمین شماره ۳ حزب تحت نظر فروردین سپاهی، سرپرست گروه فنی، جلسه هفتگی خود را تشکیل داده و درباره اصول و روش فنون در حزب مذاکراتی نموده و ضمناً افرادی که استعداد هر یک از فنون نقاشی- ترسیم- مهندسی- معماری- برق- مکانیکی و سایر صنایع را داشتند، رشته‌های مربوطه قسمت نموده تا از هر یک مطابق ذوق و سلیقه خود استفاده کنند. ضمناً روز چهارشنبه ۵ ماه جاری (فردا) مصادف با جشن سالگرد تولد دکتر منشی‌زاده، رهبر حزب می‌باشد- ضمناً روزنامه (سومکا) ارگان حزب که همه هفته روزهای دوشنبه منتشر می‌شود به همین مناسبت روز چهارشنبه انتشار خواهد یافت- به کلیه افراد دستور داده شده است روز مزبور برای شرکت در جشن در محل حزب حضور به هم رسانند.

---

۱. همان جا، ش. ب ۳۶۹، ش. ص ۳۰.

[سند شماره‌ی ۱۰۰]

گزارش تصمیم حزب سومکا جهت تشکیل پایگاه‌ها و شعبه‌های شهرستانی

/تاریخ:/۹/۶/۳۱[۱۳]

گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد به‌طوری که شنیده شد حزب سومکا تصمیم دارد در این هفته ۱۶ نفر از افراد مبرز مبلّغ خود را به عنوان نماینده به شهرستان‌ها... من جمله بابل- ساری- شاهی- رشت- بابلسر- اراک- شاهرود- اصفهان- آبادان و سایر شهرستان‌هایی که کارگزار زیاد دارند، بفرستند. نمایندگان مزبور که هنوز اسم آن‌ها تعیین نشده، مأمور تشکیل شعبه حزب سومکا در این شهرستان‌ها می‌باشند.

[سند شماره‌ی ۱۰۱]

مراجعه افرادی از حزب سومکا به احزاب زحمتکشان و پان‌ایرانیست و تقاضای عضویت در آن احزاب

۵ شهریور ماه ۳۱[۱۳]

گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد: به طوری که از افراد عضو حزب زحمتکشان شنیده شده، بازداشت دکتر منشی‌زاده رهبر حزب سومکا موجب تضعیف روحیه افراد حزب مزبور گردیده، به طوری که عصر روز گذشته عده زیادی از آنان به حزب زحمتکشان و پان ایرانیسم مراجعه و تقاضای عضویت [در] این احزاب را نموده‌اند.

به قرار مسموع دبیرخانه حزب زحمتکشان و پان ایرانیسم از افراد حزب سومکا استقبال نموده و عضویت آنان را پذیرفته‌اند.(۱)

نظریه دفتر بازرسی: ممکن است جنبه تبلیغاتی داشته باشد.

---

۱. همان جا، ش. ب ۳۶۹، ش. ص ۳۱.

[سند شماره‌ی ۱۰۲]

اعلامیه‌ی حزب سومکا در اعتراض به بازداشت منشی‌زاده

هموطنان، مردم رشید ایران:

ساعت یك بعد از ظهر پریروز، هنگامی که بیش از چند تن از افراد حزب در باشگام حزبی ما حاضر نبودند، ناگهان دو کامیون پلیس وعده‌ای از مامورین حکومت نظامی از بیدفاع بودن محل حزب استفاده کرده، بباشگاه حمله آوردند.

درطی این تجاوز جیبی را که چاقوکشان ومهاجمین توده‌ای درشامگاه ۲۸ مرداد درشکست وفرار مفتضحانه خود برجای گذاشته بودند تصرف کردند ومقداری ازلوازم حزب را بغارت بردند.

اما باین حد نیز اکتفا نکرده، رهبر مبارز ما را برخلاف همه قوانین ومقررات توقیف کردند واکنون دو روز گذشته است که رهبر سربازان سیاهپوش سومکا در توقیفگاه بسر میبرد.

حزب سومکا، ضمن اعتراض شدید بهمه این اقدامات خلاف قانون صریحاً بهمه دستگاههای انتظامی اخطار میکند که در صورت ادامه بازداشت رهبر حزب، همه افراد پیراهن سیاه هیچ وظیفه‌ای برتر از آن نخواهند داشت که باتوسل بخشونت آمیزترین وسخت‌ترین اقدامات، موجبات رفع تجاوزات را فراهم آورند.

ما هرگز اجازه نخواهیم داد مردی که خود و خاندان پرافتخار سرافرازش طی سالها و قرنها، لحظه‌ای در جانبازی و فداکاری در راه این سرزمین ودر راه حفظ استقلال و منافع ملت ایران، نیاسوده‌اند، مورد چنین اهانت وجسارتی از جانب مامورین شهربانی وارتش قرار گیرد.

پاینده رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

شاد ایران

[سند شماره‌ی ۱۰۳]

گزارش درگیری میان اعضای طرفدار و مخالف سلطنت در حزب سومکا

طبق اطلاع، نظر به این‌که اخیراً اختلافاتی در بین [اعضای] حزب سومکا به‌وجود آمده (عده[ای] طرفدار مقام- سلطنت و عده[ای] دیگر طرفدار منشی‌زاده) بعد از وقایع اخیر که در حزب سومکا رخ داد منشی‌زاده به افراد خود دستور داده که هر کجا از افراد طرفدار مقام سلطنت دیدند او را کتک بزنند و حتی تهدید به قتل نمایند. برای این منظور ۲۰۰ عدد فشنگ پارابلبم از فشنگ فروشی، [هر] عدد به مبلغ ۴۰۰۰ ریال خریده‌اند.

شش نفر از افراد طرفدار منشی‌زاده که دو نفر آن‌ها شناخته شده (رجبی‌نیا- زندنیا) به کامیون اجاره یخی [که] متعلق به یک نفر از طرفداران مقام سلطنت بوده، در چهارراه پهلوی ساعت ۱۰/۵ شب جمعه ۳۱/۵/۳۰ به وسیله نارنجک حمله کرده و خساراتی به کامیون مزبور وارد می‌آورند. مردم از جریان مطلع و فوراً به کمک رسیده و ماشین را خاموش می‌نمایند و غیر نظامی علی کارگریخ آن‌ها را تعقیب و به‌سمت نام‌برده توسط افراد ضد مقام سلطنت تیراندازی می‌شود. پرونده مربوطه در کلانتری بخش ۱ تحت رسیدگی است.

منشی‌زاده دستور داد، سه نفر افراد مؤثر طرفدار مقام سلطنت (امینی- قوام‌زاده و رضا شاطر رضا) را هر کجا دیدند با تیر آن‌ها را بزنند.

دانش‌آموز دبیرستان نظام آرین‌پور که خانه نام‌برده در خیابان کاخ است در حزب سومکا با تفنگ نگهبانی می‌دهد.

[سند شماره‌ی ۱۰۴]

بازرسی منزل یکی از اعضای سومکا و کشف سلاح سرد و علایم حزبی

تاریخ

ساعت

دژبان پادگان مرکز

دفتر اطلاعات

۲۳۳۸ ـ ۲

۱۱/۷/۲۶

ریاست رکن ۲ ستاد ارتش ....

اطلاع رسیده از بخش ۱۷ ....

اطلاع دهنده مفرباننده بخش ....

موضوع: درساعت ۱۸/۳۰ روز ۲۱/۷/۸ مامورین آگاهی منزل حسن معینی را واقع
در نارمک [illegible] بازدید و تعداد ۳۶ قبضه چاقو و مقداری علائم حزب سومکا کشف
نموده و بکلانتری تحویل نموده اند.

فرمانده دژبان پادگان مرکز سرتیپ عظیمی

۲۶
۴۴

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۰۵]

اعلامیه‌ی سومکا در اعتراض به دستگیری اعضای حزبی

[تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۱۰]

هم‌وطنان، مردم رشید و شرافتمند ایران![۱]

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران در برابر هزارگونه بهتان و تهمت و طعن و دروغ دشمنان خود مردانه‌تر، رشیدتر، وفادارتر از هر گروهی، که تاکنون خود را به ملت منتسب می‌کرده در مقابله با دشمنان خارجی و داخلی قد علم کرده و نشان داده است که اگر مرد در این کشور است، مردان ما هستند و بس؛ در وقایع سی‌ام تیر ما بی‌نام و نشان دوش به دوش ملت مبارز پیش رفتیم. در قلع و قمع قوای ضد ملی پس از...[۲] کوشیدیم و مردانه چاقوکشان قوام و شهربانی را تار و مار کردیم.

امروز شش روز است که رهبر فولادین ما، ـ این نمونه و میراث میهن پرستی و شعار و سمبل ایرانیت ـ در زندان شهربانی به سر می‌برد، بدون آن که هیچ مجوز قانونی برای بازداشت او در دست باشد.

دیروز شنبه ۹/۶/[۱۳]۳۱ سه نفر از همکاران و نزدیکان[۳] وفادار او را از شهربانی به زندان فرستادند.[۴]

در روز شنبه ساعت یک بعد از ظهر یک کامیون پلیس به مدخل حزب هجوم می‌آورند. چاقوکشان قوام السلطنه که لذت مشت‌های «سومکا» را با هم‌دستان توده‌ای‌شان در سه شنبه ۱۳۳۱/۵/۲۸[۵] چشیده بودند، این دفعه در سطح کامیون....[۶] و پلیس دراز کشیده خود را پنهان کرده بودند، به حمایت پلیس شاهنشاهی وارد محل حزب و منزل شخصی رهبر ما شده یک قسمت از اثاث حزب را به غارت بردند.

ما برای بار دوم نسبت به همه مقامات مسوول دولتی نسبت به بی‌وجدانی شهربانی و

---

۱. سومکا، س ۱، ش ۹ (۱۳۳۱/۶/۱۱)، ص ۲

۲. به علت افتادگی متن مورد استفاده، یک کلمه خوانده نشد.

۳. اصل: نزدیک

۴. اصل: فرستاده

۵. اصل: ۴۱/۵/۲۸

۶. یک کلمه در نسخهٔ مورد استفاده خوانده نشد.

تبانی آن‌ها با چاقوکشان قوام و دربار اعتراض کرده، اعلام خطر می‌کنیم. رهبر فداکار خود را می‌خواهیم در میان خود در آغوش ملت ببینیم، هر چه زودتر!

هم پیمانان فداکار خود را می‌خواهیم با خود در بر داشته باشیم، هر چه زودتر!

همۀ دار و دسته‌های سیاسی بدانند که ما بر فعالیت و مبارزات خود خواهیم افزود و تا یک فرد ناسیونال سوسیالیست زنده است، دشمنان ما خواب راحت نخواهند داشت.

ما مثل همیشه قضاوت در این جنجال را به فرد فرد ایرانیان واگذار می‌کنیم و از همه مردم شرافتمند ایران، از همه طرفداران خود، از همه آن‌ها که می‌خواهند برای یک ایران نوین سربلند، برای یک بهشت کار و فعالیت، برای اجتماع زنده و خلاق مبارزه کنند، می‌طلبیم تا در این نهضت خدایی پشتیبان ما باشند.

ما بدون شک قوی‌ترین دشمنانی هستیم که سه دولت امپریالیست و انگلیس و آمریکا در این جا با آن برخورد می‌کنند.

آهنین‌ترین مردان به زحمت می‌تواند آن سرسختی که ما می‌خواهیم داشته باشد.

پاینده حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

شاد رهبر، شاد ایران

[سند شماره‌ی ۱۰۶]

گزارشی درباره‌ی دستگیری رهبر و سه نفر از اعضای حزب سومکا به اتهام حمله و غارت قرائت‌خانه‌ی وکس

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره: آگاهی — شماره: ۲۳۷۱/۶۹۴۸/د

دایره: ۶ — پیوست: دارد

تاریخ: ۱۳[۳۱/۶/۱۱ — محرمانه- فوری

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً عطف به شماره ۱۰۹۷۰-۳۱/۵/۳۰[۱۳]- به طوری که ضمن گزارش شماره ۲۳۵۸-۶۷۸۰-۵/۶/۵[۳۱] به عرض رسید مطابق گزارش اداره آگاهی، دکتر منشی‌زاده رهبر حزب سومکا و سه نفر به نام شاهپور زندنیا و داریوش همایون و امیر ناصر معینی از افراد حزب مزبور به اتهام اغتشاش و غارت قرائت‌خانهٔ وکس و ایجاد حریق در خانهٔ صلح، طبق دستور مقامات قضایی جلب و بازداشت گردیدند و در نتیجه مطابق ورقهٔ پیوست تعدادی اسلحهٔ سرد و مواد نارنجک دستی از محل حزب مزبور و منزل وابسته به آن در تجریش به دست آمد که به ادارهٔ شهربانی آورده شد و پروندهٔ امر زیر نظر بازپرس شعبه ۱۸ دادسرای تهران تحت تعقیب می‌باشد که پس از حصول نتیجه، مراتب به عرض خواهد رسید.

رئیس شهربانی کل کشور- سرتیپ کمال[1]

[امضا]

[حاشیه‌ی پایین، اول:] اداره‌ی محرمانه، شماره‌ی فوق آزاد است و هنوز به بایگانی نرسیده: ۱۱/۶/[۱۳۳۱].

[حاشیه‌ی پایین، دوم:] سابقه. ۱۱/۶/[۱۳۳۱].

[حاشیه‌ی پایین، سوم:] به عرض رسید، بایگانی شود. ۳۱/۶/۱۲[۱۳].

[اثر مهر:] ورود به دفتر محرمانه‌ی نخست وزیر. شماره: ۱۴۳۶/۴ تاریخ: ۳۱/۶/۱۱[۱۳]

---

۱. مرکز اسناد ریاست جمهوری، بایگانی اسناد نخست‌وزیری، پرونده‌ی شماره‌ی ۱۲۳۰۷. به نقل از: ***اسنادی از احزاب سیاسی در ایران***، صص ۳۲۶- ۳۲۷.

[سند شماره‌ی ۱۰۷]

صورت‌جلسه کشف و ضبط سلاح و علایم حزبی در محل حزب و منازل اعضای آن

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره: آگاهی[۱] دایره: ۶

شماره: ۹/۶/۳۱[۱۳]

به فرموده پس از انجام تشریفات قانونی از محل حزب سومکا[۲] و منزل وابسته آن‌ها به شرح ذیل که مورد بازرسی قرار گرفت، اشیاء زیر به دست آمد که به شهربانی آورده شد.

در تاریخ ۳/۶/[۱۳۳۱] از محل حزب سومکاء واقع در خیابان خانقاه:

۱ـ شمشیر و قمه ـ پنج قبضه.

۲ـ تفنگ یک لول سرپر ـ یک قبضه

در تاریخ ۸/۶/۳۱[۱۳] از محل حزب سومکا[۳]

۱ـ باتون چوبی به رنگ سیاه ـ ۳۶ـ اصله

۲ـ مواد منفجره در دو نیم بطر ۲ شیشه

۳ـ مقداری زرنیخ ـ کلراء و ساچمه و باروت برای تهیه نارنجک دستی

۲ـ در تاریخ ۸/۶/۳۱[۱۳] از کوچه ناودانک، واقع در تجریش، منزل معینی وابسته به حزب سومکا:[۴]

۱ـ سرنیزهٔ تفنگ با غلاف ـ یک قبضه

۲ـ داس بزرگ که جهت دفاع تهیه شده ـ ۳۶ اصله

---

۱. به نقل از: احزاب سیاسی در ایران، صص ۳۲۷ - ۳۲۸

۲. اصل: سومکاء

۳. اصل: سومکاء

۴. اصل: سومکاء

۳ـکارد بزرگ[۱] با مارک حزب سومکا ـ یک قبضه
۴ـ میله نخ پیچیده ـ یک عدد
۵ـ هفت‌تیر بچه‌گانه ـ دو قبضه
۶ـ علامت سومکا فلزی ـ دو عدد
۷ـ پرچم قرمز وسط پرچم علامت سومکا ـ[۲] دو پرده

رونوشت مطابق اصل است ـ کلانتری ۶ ـ نیک اعتقاد

[امضا] ۱۱/۶/۳۱[۱۳]

۱. اصل: به
۲. اصل: سومکاء

[سند شماره‌ی ۱۰۸]

گزارش آماده باش افراد حزب سومکا و جمع‌آوری پول جهت انتشار ارگان حزبی

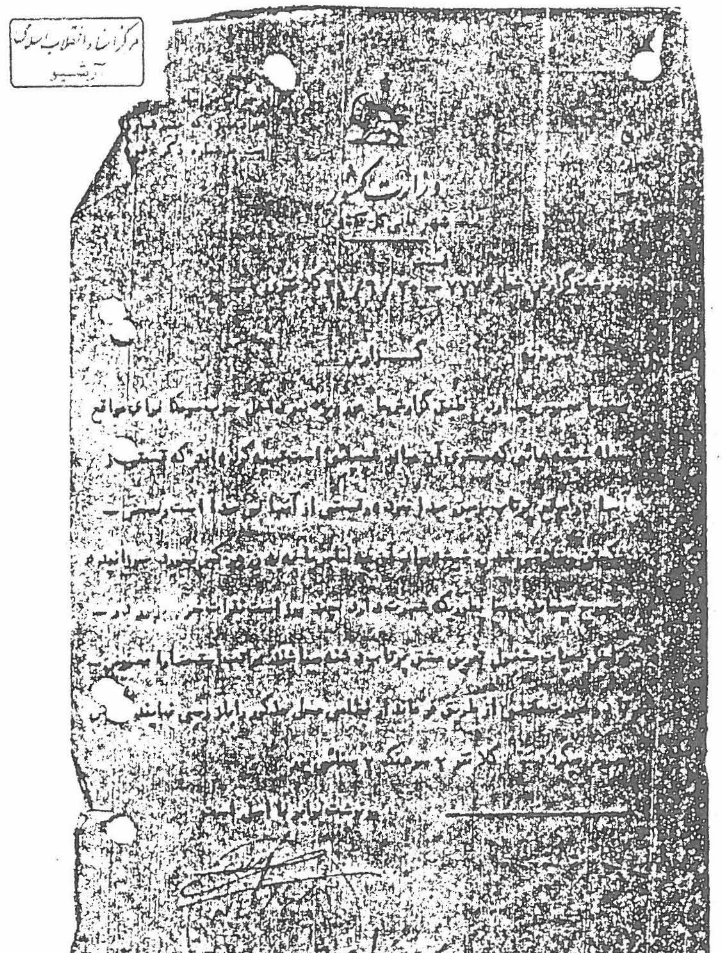
گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد از طرف ضیاء مدرسی، سرپرست موقت حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا)، به‌افراد حزب مزبور که جزو گروه ایران فرزندان-گروه مردان سومکا-گروه زنان ایران-گروه فنی-گروه سربازان سیاه می‌باشند دستور داده شده است به‌منظور دفاع از محل حزب و جلوگیری از حملات و پیش‌آمدهایی که ممکن است از ناحیه توده‌ای‌ها و یا مأمورین انتظامی به‌وقوع بپیوندد، بایستی که همه روزه سرپرستان گروه‌های نام‌برده در محل حزب به‌حالت آماده‌باش باشند. طبق این دستور چند شبانه روز است که این افراد در داخل حزب و خارج مراقبت می‌نمایند.

گزارش‌دهنده اضافه می‌نماید که مدرسی برای چک روزنامه سومکا مشغول جمع‌آوری پول از افراد حزب بوده و در نظر دارند از این به‌بعد هر هفته دو شماره روزنامه منتشر نمایند.

[سند شماره‌ی ۱۰۹]

گزارش تهیه و ساخت بمب‌های صوتی و آتش‌زا توسط اعضای حزب



[سند شماره‌ی ۱۱۰]

تشکیل جلسات حزب سومکا در مشهد و ورود بازرس حزبی به آن‌جا

در جواب مراسله حروف و اعداد مبیره که مقدم شماره است با شماره ذکر شود

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

قسمت

اداره اطلاعات

دایره

تاریخ ۲۴/۶/۳۱

شماره

پیوست

موضوع

(محرمانه)

وزارت کشور

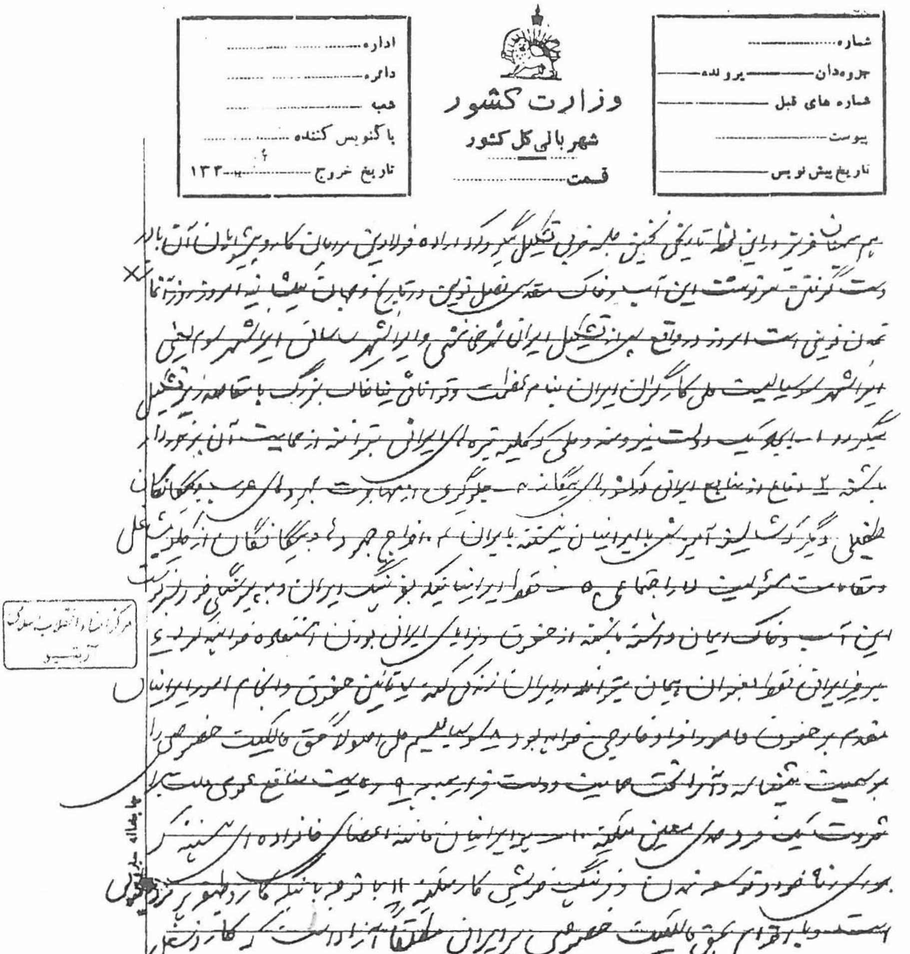
تعقیب شماره ۲۶۵۹۵/۱/۱-۳۱/۶/۱ راجع به تشکیل حزب سومکا در مشهد توسط ضیاء مدرس باستحضار میرساند مطابق گزارش شهربانی خراسان آقای قهرمان زاده شرحی بشهربانی مزبور نوشته مبنی براینکه طبق دستورکادر رهبری حزب مرکزی سومکا شعبه حزب مذکور در مشهد درمحل خیابان خسروی مقابل تأترزمستانی گلشن شروع به فعالیت مینماید ضمناً درحدود سی نفر از افراد وابسته بحزب نامبرده درمنزل کریم قهرمان زاده کارمند شهرداری تشکیل جلسه داده وضیاء مدرس مشارالیه بازرس حزب سومکا روز ۳۱/۵/۱ بمنزل قهرمان زاده وارد شده سپس به نیشابوررفته که ازآنجا به تهران مراجعت نماید اینک رونوشت اساسنامه شعبه حزب مزبور درخراسان برای استحضارعالی تلواً تقدیم میگردد.

ازطرف رئیس شهربانی کل کشور ـ رفعت

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۱۱]

برنامه‌ی ارائه شده‌ی حزب سومکا در مشهد


وزارت کشور

شهربانی کل کشور

قسمت ....

اداره ....

دائره ....

شعبه ....

پاکنویس کننده ....

تاریخ خروج ۱۳۳

شماره ....

جزوه‌دان .... پرونده ....

شماره های قبل ....

پیوست ....

تاریخ پیش‌نویس ....

اداره	وزارت کشور	شماره ....
دایره	شهربانی کل کشور	جزوه‌دان .... پرونده ....
شعبه	قسمت	شماره های قبل ....
ماشین‌نویس / پاکنویس کننده		پیوست ....
تاریخ خروج ۱۳۳		تاریخ پیش‌نویس ....

۲

~~خود را به نحو ۱۵ خرداد انتخاب کند و از آن به بعد اصل ۱۲ [illegible] کارگاههای بزرگ [illegible]~~

~~و در تمام رشته های اقتصادی [illegible] منفعت [illegible] باید با هم متناسب باشند و در حقوق این~~

~~تناسب باید [illegible] ۱۳ ملی کردن کارخانه ها [illegible] چه خارجی و چه داخلی [illegible]~~

~~[illegible] باید ملی شوند ۱۴ جلوگیری از [illegible] قاچاق و احتکار [illegible]~~

~~[illegible] ثروت [illegible] ۱۵ [illegible]~~

~~عمومی [illegible] آزاد کردن [illegible]~~

~~[illegible] تحمیل کرده ۱۷ اصلاح و نظارت بانکها [illegible] ۱۸ [illegible]~~

~~پول [illegible] ۱۹~~

~~[illegible] پول ۲۰ [illegible] بانکهای اقتصادی و صنعتی [illegible]~~

~~[illegible] ۲۱ اصلاح [illegible]~~

~~[illegible] ملی و [illegible]~~

~~[illegible] ۲۲ [illegible]~~

~~[illegible] کارگاهها [illegible]~~

~~[illegible]~~

~~[illegible] ۱۵ [illegible] قاچاق [illegible]~~

اداره	شماره ....
دائره	جزوه‌دان ———— پرونده ————
شعبه	شماره های قبل ————
پاکنویس کننده ۵	پیوست ....
تاریخ خروج ———— ۱۳۳	تاریخ پیش نویس ————

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

قسمت ....

۴

~~۲۵- برطرف کردن برای همیشه [illegible] و از میان بردن خانه‌های [illegible] خلاف بهداشت عمومی [illegible]~~

~~۲۶- پرورش جوانان میهن که دارای ایمانی نیرومند و [illegible] آزاد و [illegible] باشند برای [illegible] ملی ۲۷-~~

~~آزادی کامل مذهب [illegible] ۲۸- حمایت [illegible] مذهب اسلام ۲۹- [illegible] ۵ [illegible]~~

~~[illegible] ملی ایران [illegible] از میان بردن تأثیرات [illegible] در [illegible]~~

~~[illegible] در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها~~

~~ایران [illegible] پرورش [illegible] ۳۲- تشویق [illegible] از طریق اعطای~~

~~حق دفاع [illegible] آزاد [illegible] ۳۳- [illegible]~~

~~دفاع [illegible] در مقابل دشمنان خارجی و [illegible]~~

~~[illegible] ۳۵- [illegible] مطبوعات [illegible]~~

~~[illegible]~~

~~[illegible] از میان بردن [illegible]~~

~~[illegible] انقلاب [illegible] ۳۷- [illegible]~~

~~[illegible] ۳۸- [illegible] لازم [illegible] حقوق [illegible]~~

~~[illegible] ملی ۳۹- [illegible]~~

~~[illegible] این برنامه [illegible]~~

۴

و دو سرمایه‌داران کلان یعنی کاپیتالیسم [illegible] نبرد با برخی [illegible] بر دولت [illegible] کلان

برانداز [illegible] بین‌المللی مارکس [illegible] برخی مبارزات طبقاتی را تا برانگیخته تنها [illegible]

در برابر است برخی انکار مالکیت خصوصی و برخی تجزیه و تحلیل تاریخ فقط از نظر عامل

مادی و اقتصادی ۲- نبرد با رهبران [illegible] برخی [illegible] تنها حق خود را تا به

[illegible] دیگران [illegible] در مقابل [illegible] [illegible] بهار و ما

برخی [illegible] [illegible] برخی [illegible] [illegible]

[illegible] یعنی سرمایه‌داران کلان و [illegible]

[illegible] و عظیمی است برخی [illegible] تا [illegible] اجتماعی

[illegible] است [illegible] [illegible]

[illegible] دلیل [illegible]

[illegible] اخلاقی [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] اخلاقی [illegible]

شماره	**وزارت کشور**	اداره ....
جزوه‌دان .... پرونده	**شهربانی کل کشور**	دایره ....
شماره های قبل	قسمت	شعبه ....
پیوست		پاکنویس کننده ....
تاریخ پیش نویس		تاریخ خروج ۱۳۳

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[سند شماره‌ی ۱۱۲]

تماس حزب سومکا با برخی مخالفان دولت

/تاریخ:/ ۳۱ شهریور ماه ۳۱[۱۳][۱]

گزارش

طبق گزارش مأمور ویژه، اخیراً چند تن از افراد سرشناس حزب سومکا از جمله ایرج زندپور، مدرس[۲] [و] هاشمی‌پور با مخالفین دولت مانند فرخ [و] دکتر متین دفتری نمایندگان مجلس سنا و سیدضیاءالدین طباطبایی، سرلشکر ارفع، احمد فرامرزی، عبدالرحمن فرامرزی [و مهدی] میراشرافی نمایندگان مجلس شورای ملی ارتباط حاصل نموده و به منظور مخالفت با دولت از طرف این عده دستوراتی به آن‌ها داده می‌شود. گفته شده است این سه نفر سابقاً عضو جمعیت جان‌سپاران بوده و از همان موقع با سیدضیا و فرخ مربوط بوده‌اند.

گزارش دهنده اضافه می‌نماید به قرار اطلاع از طرف سناتور آصف هم مبلغ ده هزار ریال به این حزب کمک شده و افراد آن منتظر پایان حکومت نظامی هستند تا دست به تظاهراتی علیه دولت بزنند.

---

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش. ب ۳۶۹، ش. س ۳۵.

۲. اصل: مدرسی.

[سند شماره‌ی ۱۱۳]

اعلامیه‌ی سندیکاها و گروه‌های منشعب از حزب سومکا

سندیکای کارگران یخ فروش تهران

[redacted]

[redacted]

اعلامیه سندیکاها و گروههای منشعب از حزب سومکا

باطلاع مردم رشید و میهن‌پرست ایران میرسانیم ما افراد فداکار و جانباز برای خشنودی

راه ایمان خود علیه توده‌ایهای خائن قدم بحزب سومکا نهادیم و در همه حال سربازان ... دکتر

تشکیلات بر علیه توده‌ایهای خائن بودیم و روزی هم با بنیان تشکیلات نهادیم و مردم ...

به خیال ... مردم روی کمک ایمان پاک و برای از بین بردن نفوذ بیگانگان و پشتیبانی

از شاهنشاه و دکتر مصدق نخست وزیر ملی بود ولی بطوریکه ... اعلام شد و ما مسلم گردید

که لیدرهای این حزب به دستور بیگانگان جاه‌طلب با توده‌ایها شروع به مخالفت با

سلطنت و دکتر مصدق ... نموده ... با رئیس حزب موضوع را در میان گذاشتیم ولی ... نتیجه

نگرفتیم تا اینکه ... تصفیه حزب ... عناصری که با بیگانگان ارتباط داشتند نمودیم

ولی ما ... داریم ... تابع رهبر حزب باشیم ... اظهار نظر ندارند ...

ما بحزب ... حمله‌گری ... و تهدید کردند ... دستگاه ... ارتجاعی خواندند

(ما را ... میدانستند) ما هم چون ... خدمت ...

... دست کشیدیم ...

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

سندیکای کارگران یخ فروش تهران

شماره ....

تاریخ ....

[redacted]

[illegible]

رفقا هنگامی که برای از بین بردن استقلال کشور ما نقشه [illegible] است و نهال [illegible] سندیکاهای کارگری و با جبهه ملی به ریشه انگلستان [illegible] شده حتی آن از میدان به در برد ولی ما آماده‌ایم برای [illegible] بر علیه شاهنشاه محبوب و دکتر مصدق نخست وزیر ملی ما عرض اندام کند تا آخرین نفس با آنها مبارزه کنیم همانطوریکه [illegible] سال مبارزه مداوم با استعمار غارتگر [illegible] در مقابل توطئه‌ها خائنین ایستادیم ما آنها که مردم را تهدید میکنند میگوئیم ما توده‌های [illegible] آماده مبارزه [illegible] هر نوع بیگانه پرستی است در این راه حتی از خون خود نیز دریغ نخواهیم کرد [illegible] در اجرای [illegible] در خاتمه با اطلاع عموم میرسانیم [illegible] پشتیبانی از شاهنشاه محبوب و دکتر مصدق نخست وزیر ملی و سربلندی ایران تا پای جان خواهیم کوشید

سرفراز و جاوید باد پرچم کشور شاهنشاهی ایران

گروه جانبازان

سندیکای کارگران یخ فروش تهران

سندیکای کارگران و طبقات [illegible] تهران

سندیکای کارگران و طبقات [illegible] تهران

[illegible] رانندگان [illegible] رانندگان خط [illegible]

از طرف مصطفی [illegible] نایب [illegible] حاجی میرزا [illegible] اصفهانی [illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

سندیکای کارگران یخ فروش تهران

شماره ------

تاریخ ....

[redacted]

[illegible] اعتمادی	مدیر کارخانه ذوب آهن کرج	[illegible]
[illegible] بهرام	دانش آموز دبیرستان امیرکبیر سال پنجم	[illegible]
جمشید [illegible]	دبیرستان [illegible] سال سوم	[illegible]
[illegible]	دانش آموز [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
منوچهر [illegible]	دبیرستان [illegible] سال ششم	[illegible]
امیر احمدی	شاگرد اول فارغ التحصیل دبیرستان [illegible]	[illegible]
ابراهیم اعلم	سال [illegible] متوسطه	[illegible]
[illegible]	دانشکده حقوق	[illegible]
مهدی [illegible]	سال سوم حقوق	[illegible]
ابوالحسن [illegible]	کارمند شرکت تلفن [illegible]	[illegible]
دکتر [illegible] هاشمی	کارمند شرکت داروئی [illegible]	[illegible]
[illegible] عباسی	ناظم دبیرستان [illegible]	[illegible]
[illegible]	سرباز وظیفه فراری	

۱۵ [illegible]

[illegible] ۶۰

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۱۴]

گزارش کلانتری ۲ مبنی بر ممانعت اعضای حزب سومکا برای بازرسی از محل حزب

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

رونوشت گزارش کلانتری ۲ مورخه ۲۶/۶/۳۱ شماره ۸۰۱	

قابل توجه خیلی فوری گزارش

محترماً عطف بامریه شماره ۴۷۷۶ – ۲۲/۶/۳۱ بپیوست رونوشت نامه فرمانداری نظامی
تهران درمورد جمع آوری شیشه های محتوی مواد شیمیائی معروض میدارد طبق گزارش
سرگرد رازجو معاون اینکلانتری نامبرده باتفاق ستوان برنو و عباس تهور بازرس اینکلانتری
درساعت ۹ صبح روز ۲۶/۶/۳۱ جهته انجام منظور فوق بمحل حزب سومکا اعزام ولی عده ای
که در داخل حزب بوده اند باخطار مأمورین توجهی نکرده و بدلیل اینکه منزل مذکور متعلق
بآقای منشی زاده بوده و دخول بآن منزل بایستی باحضور نماینده دادستان انجام شود
از ورود مأمورین بداخل منزل جلوگیری و خودداری نموده اند ضمناً بعرض میرساند که
این مورد مراتب بفرمانداری نظامی برای معرفی نماینده تلفوناً مذاکره بعمل آمده تلفوناً
سرکار سرهنگ ضرغام معاون فرمانداری نظامی تهران دستور داده اند که طبق ماده ۷
حکومت نظامی درصورتیکه موقع بازدید اماکن مظنون مقاومت گردد مأمورین میتوانند جبراً
منظور خودرا تأمین نمایند علیهذا چون انجام این امر مواجه با خطراتی خواهد گردید
مستدعی است مقرر فرمایند فرمانداری نظامی یکنفر نماینده دادستان معرفی و درغیر
اینصورت کسب آموزش مینمود که تا هرنوع مقتضی باشد اقدام گردد .–

مراتب استحضاراً معروض گردید .

کلانتری ۲ – سرهنگ ۲ شعوری

رونوشت برابر با اصل است

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۱۵]

اعلامیه‌ی منتشره‌ی سومکا در شهر ری

سومکا - شهرری

تاریخ ۳۱/۷/۱۶

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا)

هموطنان،

همشهریان

سالهاست در اثر بی لیاقتی و زبونی سران حکومت میکرب بالشویسم بنامهای فریبندهٔ «طرفدار تودهٔ» «هواخواه صلح»، «آزادیخواه» در ایران پراکنده شده این مرض وحشتناک - بالشویسم بزرگترین خطری است که حیات ملی ما را تهدید میکند و اگر موفق شود هیچیک از مظاهر ملیت و سنتهای ملی ما نشانی نخواهد ماند.

بالشویکها حتی به معتقدات افراد ملت به دین اسلام و به شعائر روحانی آن احترام نمیگذارند و باکی ندارند که حتی درایام سوگواریهای مذهبی مردم به اعمال مخالف اخلاق دست بزنند.

همشهریان:

شما شاهد بودید که در همین روزهای اخیر چگونه بالشویکها در میان سوگواریهای بالشویکها در سراسر کوچه و خیابان های شهر اوراق تبلیغاتی حزب «منحله» خود (توده) را ریخته بودند و برای سران یک دولت متجاوز خارجی - دولت روسیه بالشویک که دشمن ملی ماست تبلیغ میکردند، و احترام روزهای مقدس شما را لکه نمیداشتند.

«سومکا» از شما دعوت میکند که با گروندگان متعصب او همراه شوید تا با مشت های آهنین سر بالشویکها را بکوبیم

سومکا نشان داده است که تنها دشمن سرسخت و پیروزمند بالشویکها و طرفداران مسلک اشتراکی آنها است

امروز ما پیراهن سیاهان شهر ری قدم بمیدان مبارزه نهاده ایم و تا بیرون راندن بالشویکها از این زمین دست از مبارزه بر نخواهیم داشت واین دعوتی است برای شما

شاد ایران

[سند شمارهٔ ۱۱۶]

گزارش اعضای حزب در خصوص فردی به اتهام سرقت مدارک حزبی

در جواب مراسله حروف و اعداد مشروحه که قسم شماره است با شماره ذکر شود

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

قسمت ....

گـــــــزارش

محترماً معروض میدارد طبق اطلاع واصله در چند روز قبل مامورین ویژه حزب سومکا به یکنفر از اعضاء خود بنام محمد عابدین
...ین شده و اعمال او را دقیقاً تحت بررسی قرار میدهند که در نتیجه ضمن بازرسی بدنی مشتی اوراق و یادداشت هائی را که
...د علی مزبور از طرف حزب سومکا بدست آورده بود کشف مینماید نامبرده را بیکی از اطاقهای زیرزمینی حزب برده مدت
...ساعت با چوب و شلاق کتک میزنند که تمام بدنش مجروح میگردد و یک دوچرخه و ۸۰۰ ریال وجه که داشته بنفع حزب ضبط
...د در بازجوئی هائیکه در زیر شکنجه از محمد میشود بیان میدارد که در بیست روز قبل از این واقعه شخصی بنام حسین
...انی دلال بازار ساکن کوچه غریبان منزل شخصی که سابقاً در بانک ملی نیز کار میکرده او را بمنزل خود برده و با پرداخت مبلغی
...جه بمبلغ ۲۰۰۰۰ ریال مامور مینماید که اسرار حزب سومکا را سرقت نموده اسرار و اسناد و مدارکی که در حزب سومکا موجود
...است کشف و سرقت برای او ببرد و اضافه نمود یکی از اطاقهای محمد عابدین کنونی تعهد این عمل را نموده شباهت بیک اداره را
...اشت و چند نفر اشخاص نیز در منزل او حضور داشتند که با زبانهای غیرمانوس و قیافه‌های خارجی بوده و با یکدیگر صحبت مینمودند
...در این مورد هیچگونه دادخواهی و مراجعه‌ای باین کلانتری نشده و اطلاع مذکور غیرمستقیم از خارج بدست آمده است
...جهت استحضار خاطر عالی معروض گردید — کلانتری ۲ سرهنگ ۲ پورموئد — رونوشت برای اطلاع ...

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۱۷]

گزارش بازداشت رهبر حزب سومکا و پنج‌نفر از همراهان او به اتهام ایجاد اغتشاش و غارت قرائت‌خانه‌ی وکس

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره: آگاهی — شماره: ۲۴۳۶۶/ک ۱۷۲۴۴/د

به تاریخ: ۳۱/۷/۲۶[۱۳] — محرمانه- فوری

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً عطف به مرقومهٔ شماره ۱۹۱۳۲- ۳۱/۷/۱۷[۱۳]و به طوری که ضمن گزارش شماره ۲۳۷۱/۶۹۴۸- ۳۱/۶/۱۱[۱۳] به عرض رسیده، مطابق گزارش ادارهٔ آگاهی، آقای دکتر منشی‌زاده رهبر حزب سومکا به اتفاق پنج نفر به اسامی ابراهیم رنجبر- داریوش همایون- [امیر] شاهپور زندنیا- سعید رجبی‌نیا- ناصر معینی از افراد حزب مزبور به اتهام اغتشاش و غارت قرائت‌خانهٔ وکس و ایجاد حریق در خانهٔ صلح طبق دستور مقامات قضایی جلب و بازداشت گردیده‌اند و پروندهٔ امر به شعبهٔ ۱۸ بازپرسی دادسرای تهران تحویل و تحت رسیدگی است.

رئیس شهربانی کل کشور- سرتیپ کمال(۱)

[امضا]

[حاشیه‌ی پایین، اول:] ملاحظه شد. [امضا:] جمال ملکوتی. ۳۱/۷/۲۷[۱۳].

[حاشیه‌ی پایین، دوم:] نامهٔ شماره ۱۹۱۳۲ در تاریخ ۳۱/۷/۱۷[۱۳]، عیناً به شهربانی ارجاع شد. مکتوب(۲) گزارش شهربانی و پروندهٔ مربوطه پیوست شد. [امضا: باز قلعه] ۲۷/۷/[۱۳۳۱]

[اثر مهر:] ورود به دفتر محرمانهٔ نخست وزیر. شماره: ۱۹۸۸/۴، تاریخ: ۳۱/۷/۲۷[۱۳]

---

۱. به نقل از: *اسنادی از احزاب سیاسی در ایران*، صص ۳۳۳- ۳۳۴

۲. به احتمال خوانده شد.

[سند شماره‌ی ۱۱۸]

فرمان رهبری حزب مبنی بر نامیدن شعبه‌ها و مراکز حزبی به نام «پایگاه سومکا»

[۱۳]۳۱/۷/۲۷

زندان دادگستری، تهران

فرمان دفتر رهبری

به فرمان دفتر رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران از این به بعد عنوان تمام شعبه‌ها و مرکزهای حزبی در هر محل «پایگاه سومکا» خواهد بود و باید در مکاتبات رعایت شود.

شاد ایران، شاد رهبر

سرپرست دفتر رهبری، زندنیا(۱)

---

۱. سومکا، س ۱، ش ۲۱ (۱۳۳۱/۸/۲۹)، ص ۴

[سند شماره‌ی ۱۱۹]

اعلام موجودیت کمیته‌ی جوانان کمونیست زحمتکش ایران و اعلام خطر به احزاب سومکا، پان ایرانیست و زحمتکشان

~~اعلام خطر به کمیته مصدق~~

آقای مصدق نخست وزیر - مدت زمانی است که طرفداران شما از

احزاب پان ایرانیست زحمتکشان - سومکا سر غرور و مزاحم ما شده اند از

طرف کمیته (جوانان کمونیست زحمتکش ایران - ۲۷۳ نفر) به آگاهی تان

خاطر نشان میکنیم - شما و طرفداران جناب عالی و بیشتر شهرها که آنها هم از

منافیند اعلام خطر میکنیم و از این به بعد هیچ کس از جان و زندگی خود

[سند شماره‌ی ۱۲۰]

گزارش فرمانده لشکر ۳ آذربایجان از تشکیل حزب سومکا در تبریز

در جواب مراسله حروف و اعداد میز که متمم شماره است ذکر شود

وزارت دفاع ملی

لشکر ۳ آذربایجان

رکن ــــــ ۲
شعبه ــــــ
شماره ــــــ
تاریخ ــــــ
پیوست ــــــ

پنهانی ــ کمیره فوری

۲۱/۲/۸ ـ ر ۲۲

از
لشکر ۳ ــ تبریز
ستاد لشکر ــ رکن ۲
شماره ۷۹۲۷

تیمسار ریاست ستاد ارتش
(رکن ۲ تهران)

درباره: تشکیل حزب سومکا در تبریز

بازگشت به ابلاغیه شماره ۲۶۹۲ ـ ۲۱/۲/۱۷ شعبه ۴ رکن ۲

محترماً معروض میدارد برابر گزارش شهربانی آذربایجان و مأمورین ویژه در تبریز حزب سومکا تشکیل و شروع باسم نویسی نموده و تاکنون در حدود پانصد نفر در حزب مزبور اسم نوشته‌اند محل اسم نویسی در خیابان تربیت منزل [illegible] و ریاست و رهبری حزب مزبور به عهده رضوی نام (اهل تبریز میباشد) و هفته‌ای دو بار روزهای جمعه و دوشنبه ساعت ۱۲ جلسات حزب سومکا در محل مزبور تشکیل میشود و تمام افراد حزب دارای لباس مخصوص بوده در موقع ورود به محل حزب آن را میپوشند و در مقابل [illegible] یک جلد (برنامه حزب سوسیالیست ملی) در ایران سومکا [illegible] ــ جاپ دوم تهران ــ تاریخ چاپ ۲۱/۳/۲۶ سال دوم (سومکا) بعرض میرسد.

فرمانده لشکر ۳ آذربایجان ــ سرتیپ [illegible]

[illegible]

از لشکر [illegible]

[سند شماره‌ی ۱۲۱]

دستور وزارت جنگ به لشکر ۳ آذربایجان مبنی بر تحت نظر داشتن اعضای حزب سومکا

شماره ______

اداره ______

وزارت جنگ

تاریخ ______

ستاد ارتش

دائره مرموزات

تبریز ـ رمز

فرماندهی لشکر ۰ بازگشت بشماره ۷۹۳۷ ـ آیا آنها را زیر دید گذارده اید ممکن است از نام سومکا استفاده نمایند اما توده ‌ای باشند شایسته است دستور رسیدگی خوبی در این باره داده بهره را گزارش دهید ۰ ـ

شماره ۱۵۳۰ سرلشکر بهارمست

۸/۱۶

[سند شماره‌ی ۱۲۲]

تشکر منشی‌زاده از داریوش همایون به پاس ایمان حزبی او

بازداشتگاه دادگستری

فرمان ۲۱

داریوش عزیزم، ایمان حزبی شما همیشه قوت قلب من بوده است. فداکاری و از خود گذشتگی شما را در راه برقراری حکومت سوسیالیسم ملی هرگز فراموش نخواهم کرد. قلب من پیش همه شماست؛ اگر چه خود در زندانم، آینده در دست ماست؛ آینده درخشان ایران، آینده درخشان سومکا!

شاد ایران- رهبر منشی‌زاده(۱)

---

۱. **سومکا**، س ۱، ش ۱۹ (۱۳۳۱/۸/۱۵)، ص ۴

[سند شماره‌ی ۱۲۳]

انتصاب آجودان گروه «ایران فرزندان» به سرپرستی گروه‌های

سومکا در دبیرستان‌های تهران

[انتصاب آجودان گروه ایران فرزندان به سرپرستی گروه‌های سومکا در دبیرستان‌های تهران]

هم پیمان آجودان گروه ایران فرزندان![۱]

پیرو دستورهای سابق، شما را مأمور ادارهٔ گروه‌های سومکا در دبیرستان‌های تهران می‌کنم و لازم است هر چه زودتر گزارش کارهای خود را ارسال دارید.

شاد ایران- شاد رهبر، فرهنگدار سومکا

۱. **سومکا**، س ۱، ش ۱۹ (۱۳۳۱/۸/۱۵)، ص ۴

[سند شماره‌ی ۱۲۴]

خطابه‌ی آجودان گروه «ایران فرزندان» سومکا برای دانش‌آموزان [۱]

هم‌وطنان عزیز، خواهران و برادران، دانش‌آموزان ملی ایران فرزندان! مدت‌هاست که امپریالیست‌های سرخ و سیاه، آن‌ها که نیاخاک بزرگ ما را تجزیه نموده‌اند، دست در دست هم نهاده، اراده کرده‌اند میهن پرافتخار ما را تجزیه نمایند.

بیگانگان به کمک عده‌ای از مزدورانشان و گروهی که سال‌ها، از این دموکراسی بی‌بندوبار، از این هرج و مرج، استفاده‌های سرشار برده‌اند، برای آن که کسی به فکر ملت و ملیت نباشد و مانع خرابکاری آن‌ها نگردد و در نتیجه باز راه دزدی و ارتشاء و هرج و مرج برای آن‌ها باز باشد، مرام فاسد و منحط انترناسیونالیستی را تبلیغ می‌کنند.

آن‌ها می‌خواهند روح جنگاوری و سلحشوری ملت رشید ما را با ایجاد خانه‌های صلح نابود کنند.

آن‌ها می‌خواهند با آوردن مرام بهایی‌گری که آرامش‌طلبی را تشویق می‌کند، روح پهلوانی ما را بکشند.

آن‌ها به خواب خرگوشی فرو رفته‌اند و غافلند که هم میهنان مبارز ما بیدار شده و دیگر گول ظاهر فریبنده‌ی تشکیلات نادرست آن‌ها را نمی‌خورند.

آن‌ها باید بدانند که افکار تساوی جویی در قاموس ملی ما، محکوم به مرگ است. ما با ایمان به خدای بزرگ ایران بزرگ، برای سربلندی و پیروزی ملت دلیر خود، تا آخرین قطره خون، با دشمنان ایران می‌جنگیم:

دانش‌آموزان میهن پرست، خواهران و برادران! سومکا مدافع نژاد جاویدان ایرانی از همه شما ایران پرستان، برای خدمت به این خاک، این خون و این نژاد، در سایهٔ شعار یک تن برای همه، همه برای یک تن دعوت می‌کند.

---

۱. **سومکا**، س ۱، ش ۲۰ (۱۳۳۱/۸/۲۲)، ص ۳

دوستان دانش‌آموز با ما هم پیمان شوید تا با اتحاد خلل‌ناپذیر خود، پایه‌های محکم یک سازمان ملی را بریزیم و میهن پر افتخار خود را از وجود بیگانگان و بیگانه پرستان پاک کنیم.
شما خواهران و برادران بدانید که آینده با ماست و ما پیروزیم.[۱]

---

۱. **سومکا**، س ۱، ش ۲۰ (۱۳۳۱/۸/۲۲)، ص ۳.

[سند شماره‌ی ۱۲۵]

اعلامیه‌ی شماره‌ی یک حزب سومکا پایگاه تبریز و دعوت به هم‌کاری در مبارزه با حزب توده

وزارت دفاع ملی

لشگر ۳ آذربایجان

از

لشگر ۳ تبریز

ستاد لشگر - رکن ۲

شماره ۸۹۶۲

تبریز ۲۱/۱۱/۳۲

نهانی یکسره

به

تیمسار ریاست ستاد ارتش

رکن ۲ - تهران

درباره : تقدیم یک برگ اعلامیه شماره ۱ حزب سومکا

به پیوست یک برگ اعلامیه شماره ۱ شهرستان تبریز حزب سومکا ~~منضم~~ ~~گزارش به پیوست~~ تقدیم میگردد

از سوی فرمانده لشگر ۳ - سرتیپ ریاحی - سرتیپ ... اسفندیاری

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

اعلامیه شماره ۱
شهرستان تبریز

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران «سومکا»

اهالی غیور تبریز

دراین لحظهٔ بحران و خطرناک خائنین چپ وراست بجنبش افتاده و دست بعملیات تخریبی خطرناک زده‌اند. بلشویک های مزدور کارگران ودانش آموزان شرافتمند مارامیفریبند وعده‌ای دیگررا باتهدید وتطمیع ازراه راست منحرف میکنند.

ما که شاهد جنایت‌های آنها در یکسال حکومتشان در آذربایجان بوده‌ایم ودیده‌ایم که ارباب خونخوارشان چه جنایتهای فجیعی درهمین آذربایجان ودیگر نقاط ایران کرده است نخواهیم گذاشت که آنها بخرابکاری خود ادامه دهند.

اربابان آنها هرگاه فرصت داشته‌اند سربازان خونخوارشانرا بکشور ما میفرستادند وزنان ومردان وکودکان مارا کشته وبه ناموس ما دست درازی میکردند. اکنون همان‌ها بی‌میل نیستند که آذربایجانرا بکمک نوکرانشان جزئی از خاک خودشان کنند.

اکنون هنگام آن رسیده که دست اتحاد بهم داده وریشه بیگانه پرستان را از بیخ بر کنیم.

هم میهنان امروز یکدسته از جان گذشتگان درسایه شهپرهای گسترده سیمرغ آسمان عظمت ایران دست بهم داده میخواهند ایران را بهشت مبارزات اساسی سازند.

سومکا شما را دعوت میکند که با سربازان سیاهپوش اوهمکاری کنید تاتوده‌ایهای خائن ومزدوران دیگررا ازاین خاک بیرون بریزیم وایرانی آباد وبزرگ ازنوبنا کنیم.

ضمیمه روزنامه آذرستان

چاپ اختر شمال

شادایران

[سند شماره‌ی ۱۲۶]

نامه‌ی سرگشاده منشی‌زاده از زندان به نخست‌وزیر

نامه سرگشاده به نخست‌وزیر

آقای دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر

اکنون بیش از سه ماه است که مأمورین انتظامی و دادگستری شما رهبر ما منشی‌زاده و چند تن از هم پیمانان ما یعنی فداکارترین و سرسخت‌ترین فرزندان این ملت را بازداشت کرده‌اند.

در این مدت به شما، به معاون شما، به وزیر دادگستری شما، به دادستان کشوری و نظامی شما، چند بار مراجعه کرده‌ایم و با وجود وعده‌های مکرر خودتان و تابعین‌تان به این بازداشت غیر قانونی ادامه داده شد [ه است].

اکنون هم مأمورین دستگاه شما می‌گویند «مقامات بالا» به ما دستور ادامه بازداشت داده‌اند. متجاوز از سه ماه است بدون هیچ دلیلی هم پیمانان ما را بازداشت کرده‌اید و صرفاً به خاطر تهدید یک دولت دشمن خارجی به استناد عملی که عاملش معلوم نشده و اصولاً هم جرم نیست، قانون‌های مورد قبول خودتان را زیر پا گذاشته‌اید.

این «مقامات بالا» چه کسی جز شما و وزیر دادگستری شما می‌تواند باشد؟ در کجای دنیا افراد را بازداشت می‌کنند و بعد برای اتهام آن‌ها دلیل می‌تراشند؟

آیا سرنوشت حکومت‌های دمکراسی ایران باید در تابعیت از دولت‌های زورگوی بیگانه بگذرد- خواه به عنوان رعایت نزاکت سیاسی، خواه از ترس و ناچاری.

شما صنعت نفت را به پشتیبانی ملت، ملی کردید و ما بی‌تظاهر از شما پشتیبانی نمودیم، زیرا انگلیس‌ها بودند که ملت ما را به وسیله یک شرکت غارتگر به سوی نیستی می‌کشاندند. شما با قوام‌ها و جمال امامی‌ها جنگیدید و ما روش شما را تأیید کردیم. اما هرگز، آیا مثل دستیاران خودتان، مثل دسته‌ها و حزبک‌های عوام‌فریب، از شما توقعی داشتیم، از شما پست وزارت و وکالت برای رفقای خود خواستیم و اعوان و انصار خود را به شما توصیه کردیم؟

ما با سیاست دولت شما، البته، از لحاظ نگاهداری جانب روس‌ها و آمریکایی‌ها موافق

نیستیم. در نیمه دوم قرن بیستم دیگر با جانب‌داری از دو دولت مخالف با هم، که از نیروهای بزرگ جهانی باشند، نمی‌توان استقلال کشوری را حفظ کرد. شما به خاطر رعایت [این] سیاست، چند ماه امتیاز شیلات را تمدید کردید؛ موضوع طلاهای ایران را که در بانک مسکو ضبط کرده‌اند سکوت گذاشتید؛ دست بالشویک‌ها را در کشور باز کردید؛ شما برای رعایت این سیاست دست مستشاران آمریکایی را در ارتش باز گذاشتید و به خاطر جبران کمبود بودجه به «اصل چهارم» میدان دادید که در قلب مملکت ما دولتی در دولت بسازد.

آن وقت به خاطر این که عکس‌های استالین و مولوتف و پرچم داس و چکش کانون تبلیغات بیگانه‌پرستانه بالشویکی به نام «انجمن روابط فرهنگی ایران و روس»-که وجودش برخلاف قانون و مخالف رعایت احترام متقابل میان دو دولت است و در زمان اشغال ایران به ملت ما تحمیل شده- پاره گشته، آن هم بدون دلیل انتساب به کسی، ما را بازداشت می‌کنید و به مأمورین[1] خودتان دستور می‌دهید ما را هر چه بیشتر در زندان نگاه دارند.

آقای نخست‌وزیر!

ما از آن‌ها نیستیم که وصله انگلیسی و آمریکایی بودن به ما بچسبد. ما مثل آن‌ها که اطراف شما را گرفته‌اند، به قوام السلطنه و جمال امامی قسم وفاداری نخورده‌ایم و در کابینه‌های قوام و ساعد و حکیم الملک وزیر نشده‌ایم. ما با خرید و فروش رأی به مجلس شما نرفته‌ایم.

زندگانی همه هم پیمانان زندانی ما روشن است: آن‌ها نه صاحب املاک پدری و کسبی هستند نه در دولت شما و دولت‌های دیگر صاحب مقام بوده‌اند. همه از آغاز عمر برای ملت خود جنگیده‌اند. همه با بیگانگان مخالفت کرده‌اند. رهبر ما از مزایا و حقوق استادی دانشگاه‌های مونیخ و اسکندریه صرف نظر کرده، به همه چیز زندگی پشت پا زده تا بتواند به ملت و وطن خود خدمت کند.

---

۱. اصل: بدون دلیل انتساب به کسی ما را بازداشت می‌کنید و به کسی ما را بازداشت می‌کنید و به مأمورین.

آقا نخست‌وزیر!
دمکراسی فاسد شما را مجبور کرده با مردم نادرست، با شرکای دزدان سابق، با فراماسون‌ها بسازید. دمکراسی فاسد شما را مجبور کرده است خان‌ها و دزدهای سرگردنه را گرداننده «نهضت ملی» بشناسید.
البته ما نمی‌توانیم با این شیوه حکومت موافق باشیم.
آقای نخست‌وزیر!
شما به این ملت، با اخراج انگلیس‌ها خدمت بزرگی کرده‌اید و ما به شما، به همین لحاظ احترام می‌گذاریم، اما نباید به خاطر اخراج انگلیس‌ها این مملکت به دست روس‌ها و آمریکایی‌ها بیافتد.
ما این حقایق را همیشه گفته‌ایم و باز هم تکرار می‌کنیم. ما از کسی نمی‌ترسیم و جان خود را در گرو نجات ملت و وطن خود نهاده‌ایم. مطمئن باشید که در هیچ جای دنیا مردمی به ایمان و اراده ما و با این عشق حماسی که از ملت و وطن خود در قلب خود داریم، پیدا نخواهید کرد.
امروز ممکن است مقامات حکومتی رفقای ما را در زندان نگاه دارند. شما می‌توانید رهبر ما را مدت‌ها، حتی چند سال به دوستاقبان‌های[1] خود بسپرید. اما هرگز، هیچ نیرویی نخواهد توانست ایمان و اراده ما را از ما سلب کند.
ما نیرومند و جوانیم و آینده از آن ماست و دشمن‌های ما پیر و رفتنی! از داغ و درفش خود بر ما دریغ ندارند که ضامن پیروزی قطعی ماست![2]

---

۱. دوستاقبان: زندانبان.
۲. **سومکا**، س ۱، ش ۲۲، ص ۱-۲.

[سند شماره‌ی ۱۲۷]

گزارش آزادی منشی‌زاده و ممانعت از برگزاری تظاهرات و تشریفات اعضای حزب در خیابان خانقاه

۲۱ - ۱۲

اداره
دایره
تاریخ
شماره
پیوست
موضوع

در جواب مراسله حروف و اعداد مبیره که متمم شماره است با شماره ذکر شود

وزارت کشور
شهربانی کل کشور
قسمت

۴۷۹۸۹
۳۱/۱۰/۲

محرمانه

گزارش

محترماً معروض میدارد در ساعت ۱۵/۳۰ روز ۲۶ ماه جاری اطلاع رسید آقای دکتر منشی زاده رئیس حزب سومکا از زندان مرخص میشود بمنظور تظاهرات و تشریفات حزب مذهب عده از افراد خود را در مسیر خیابان خانقاه در دو طرف گمارده بودند اینجانب شخصاً در محل حاضر شده از ابراز تظاهرات آنها جلوگیری و دستور جمع آوری افراد مزبور را داده و جریان بفرمانداری نظامی اطلاعاً عرض و تقاضا شد برای پیش بینی و متفرق ساختن افراد مجتمع در حزب عده کافی بفرستند در ساعت ۱۷/۳۰ رهبر حزب مزبور با عده که همراه اتومبیل مشارالیه بودند بوسیله چند جیپ و چند ماشین سواری بحزب آمده آقای دکتر منشی زاده در داخل حزب برای افراد خود سخنرانی نموده و مأمورین کلانتری در خارج مشغول حفظ انتظامات بوده اند در ساعت ۱۸ سخنرانی خاتمه و جمعیت متفرق شدند مراتب استحضاراً بعرض رسید.

کلانتر ۲ سرهنگ ... شری

۷۴۳۹
۳۱/۱۰/۱

رونوشت جهت اطلاع باداره اطلاعات ایفاد میگردد.

رئیس سرکلانتری - سرهنگ خطیب شهیدی

۳۱/۱۰/۲

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۲۸]

تعیین سلام رسمی حزب

فرماندهی موقت

فرمان شماره ۹ [تاریخ:] ۳۱/۹/۲۹ [۱۳]

تهران، خانقاه، خانه‌ی سیاه

هم پیمانان عزیزم! امروز بیش از هر روز دیگر به ما ثابت شده است که رهبر ما فنا در ایدئولوژی سوسیالیسم ملی و در ملیت ایران است. رهبر ما مجسمه ایران‌پرستی و ملت پرستی است.

ما برای تقدیر از فداکاری‌های او، سلام رسمی حزب را، که پس از بازداشت رهبر «شاد رهبر» تعیین کرده بودیم حفظ می‌کنیم و در زیر فرمان‌ها و نامه‌های حزبی «شادایران»، «شاد رهبر» نوشته خواهد شد و در هنگام‌های حزبی در پاسخ رهبر «شاد ایران» گفته می‌شود.

شاد ایران، شاد رهبر

فرمانده موقت، ضیاء مدرس(۱)

---

۱. **سومکا**، س ۱، ش ۲۵ (۱۳۳۱/۱۰/۷)، ص ۳

[سند شماره‌ی ۱۲۹]

احتمال شرکت اعضای حزب سومکا در مراسم رژه‌ی ۲۱ آذر

مأمور ویژه گزارش می‌دهد روز گذشته چند نفر از اعضاء حزب پان‌ایرانیسم در میدان بهارستان ضمن صحبت اظهار می‌نمودند افراد حزب سومکا تصمیم دارند پس از آزادی دکتر منشی‌زاده از زندان روز ۲۱ آذر در خیابان مبادرت به تظاهرات نموده و بعدازظهر هم در جلالیه جزو واحدهای ارتش رژه بروند و گفته می‌شد منشی‌زاده تا به حال در این باره تصمیمی نگرفته، ولی افراد حزب جداً مشارالیه را وادار می‌کنند که در روز ۲۱ آذر از طرف افراد حزب سومکا رژه به‌عمل آید.

[سند شماره‌ی ۱۳۰]

گزارش تلاش حزب سومکا جهت تشکیل پایگاه حزبی در آبادان و تصمیم یکی از اعضای آن حزب به تشکیل حزب فداییان شاه

تاریخ ۲۳/۹/۱۳۳۱

شماره ۱۱۲۶۵ پیوست ندارد

موضوع

محرمانه مستقیم

۸۱/۱۲

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

شهربانی آبادان

دایره

شعبه

از شهربانی کل کشور اداره اطلاعات

عطف به امریه تلگرافی رمز شماره ۲۰۰۵۲/۲۹۱۵۲ بعرض میرساند برابر اطلاعیه واصله چندی قبل شخصی بنام حقیقت که خود را مسئول کمیته ایالتی حزب سومکا معرفی میکرد از تهران وارد و با آقایان نکونام کارمند اداره کار و آرامی کارمند اداره صنعت و تلگراف ملاقات و در منزل آقای آرامی سکونت نمود برای تحت نظر گرفتن عملیات و مراودات مشارالیه با مورد نظر دستور لازم صادر طبق گزارش مامور مربوطه نامبرده در چند جلسه حزبی در منزل آقای آرامی در خصوص فعالیت و تقویت حزب سومکا اظهاراتی نموده بود ولی چون در روزنامه سومکا آقای حقیقت را رشوه خوار معرفی کرده بودند به همین جهت یکنفر بازرس بنام آقای داریوش همایون از طرف حزب به آبادان وارد و پس از تحقیقات در اطراف موضوع قرار شد که آقای حقیقت و آرامی برای حضور در دادگاه حزبی به تهران حرکت نمایند و خود آقای همایون نیز روز ۲۸/۹/۲۱ به تهران مراجعت پس از مراجعت نامبرده آقای حقیقت تصمیم گرفته که از رفتن به تهران خودداری و اظهار نموده که در نظر دارد حزبی بنام فدائیان شاه در آبادان تشکیل و افراد حزب سومکا نیز با او همکاری خواهند نمود مراتب گزارشاً معروض میگردد.

رئیس شهربانی آبادان سرهنگ دولتشاهی

اداره کل شهربانی ۴۶۸۰ شماره ۹/۲۹

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۳۱]

اطلاعیه‌ی منتشره‌ی حزب سومکا، پایگاه شهریار

گزارش

سوسیالیسم حقیقی فقط در حدود ملت میسر است.

کارگران، دهقانان، جوانان، مردان، زنان، کودکان، دختران و پسران شهریار، دیرگاهی نیست که در این محل نهضتی ایران پرستانه در سایه پرچم سیمرغ نشان سومکا به رهبری مردی فولادین که همه چیز خود را وقف سعادت و سربلندی خون ایرانی و نژاد ایرانی و نیاخاک بزرگ نموده، به وجود آمده [است]. این نهضت به وجود نیامد مگر برای ترقی و تعالی قوم ایرانی، شعله‌های مقدس ایران پرستی سومکا به طوری زبانه کشیده که دشمنان وطن [را] در هر کجا و هر مقامی که هستند می‌سوزاند و نابود می‌کند.

هم‌وطنان عزیز، همان طور که وظیفه وجدانی و شخصی به شما امر می‌کند و شما را برای اعاشه روزی وادار به کار می‌سازد همان‌طور هم وظیفه اجتماعی و وظیفه ملی شما را دعوت می‌کند که برای عظمت و سربلندی ایران و ایرانی از هیچ چیز مضایقه نکنید. باید با دشمنان ایران و بیگانه پرستان دشمن بود و با وطن پرستان، دوست. در محیطی که از چهار سوی آن دشمنان خیانت پیشه و ممالک استعماری با دست عمال خود می‌خواهند ریشه استقلال و ریشه ملت ما را قطع کنند در این محیط، برای حفظ شئون ملی و حفظ نوامیس باید قد مردانه علم کرد و متکی به حزبی شد که با یک ایده محکم و مسلک صحیح مجهز باشد.

پس در این صورت از اهالی محترم شهریار انتظار داریم که برای حفظ وطن از هیچ چیز دریغ نکرده با سومکا هم‌کاری‌کنند، زیرا نهضت مقدس سومکا برای نیل به مقصود نهایی خود که ترقی و عظمت ایران کهن است فقط متکی به ملت و برای ملت است.

شاد ایران

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (۱)

---

۱. **سومکا**، س ۱، ش ۲۶ (۱۳۳۱/۱۰/۱۴)، صص ۲ و ۴

[سند شماره‌ی ۱۳۲]

درخواست رکن دوم ستاد ارتش جهت ارسال اطلاعات بیشتر

از: ستاد ارتش — تاریخ: ۳۱/۱۰/۱۷ [۱۳][۱]

رکن ۲، شعبه ۴ — پنهانی یکسره

شماره: ۴/۱۳۶۴۰ — تهران

فرمانداری نظامی تهران و پیرامون[۲]

درباره زد و خورد حزب سومکا و پان ایرانیسم[۳]

برابر گزارش دژبان پادگان مرکز، ساعت ۸/۵ روز ۳۱/۱۰/۱۵ [۱۳] در میدان بهارستان، میان[۴] گروهی از افراد حزب سومکا و پان ایرانیسم[۵] زدو خوردی می‌شود و سرانجام چند تن زخمی می‌گردند. دستور فرمایید چگونگی زد و خورد و سرچشمه آشوب و نام و نشانی و پیشینه دستگیر شدگان و سرانجام کاری که با آن‌ها شده، به ستاد ارتش گزارش شود.

رئیس ستاد ارتش، سرلشکر بهارمست

---

۱. شماره و تاریخ در اصل در ذیل سند نگاشته شده است.
۲. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش. ب ۳۶۹، ش. ص ۴۲
۳. اصل: پان ایرانیسیم
۴. اصل: میامیان
۵. اصل: پان ایرانیسیم.

[سند شماره‌ی ۱۳۳]

در خصوص زد و خورد طرفدارن احزاب سومکا و پان‌ایرانیست

وزارت کشور

شماره عمومی ۲۰۰۶۵	نوع پیش نویس
شماره خصوصی	موضوع پیش نویس
جزوه‌دان ۹	ضمیمه
پرونده	پاکنویس کننده

اداره [illegible] دایره [illegible] شعبه

تاریخ تحریر ۴۱/۱۰/۲۰ تاریخ ثبت ۴۱/۱۰/۲۰ تاریخ پاکنویس تاریخ خروج ۱۳۴۱/۱۰/۲۰

شهربانی کل کشور

رونوشت تلگراف شماره ۲۰ مورخ ۴۱/۱۰/۲۰

مهدوی هیئت مدیره کانون جوانان دموکرات اصفهان به

راجع به تعقیبات اخلالگرانه حزب سومکا و پان ایرانیست

و اقدام به آتش زدن در مراکز جمعیت‌های دموکرات

به ضمیمه ارسال میگردد مقتضی است دستور فرمائید در اطراف

تحقیقات لازم [redacted] معمول و از اقدامات

[redacted] در این مورد [illegible]

[illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۳۴]

دستور انجام تحقیقات لازم درباره‌ی فعالیت‌های احزاب سومکا و پان ایرانیست

ن-۳۶۵

شماره کتاب ۲۰

گیرنده

وزارت پست و تلگراف و تلفن

سال ۱۳۳

تلگـــــــــراف

تاریخ وصول (ماه / روز)	توضیحات	تاریخ اصل	تعداد کلمه	قبض		از شهری
۱۰/۲۰		۲۰	۶۳	۲۶۵۶۹۰ تلگراف		به

اقای دکترمصدق نخست وزیررونوشت بسوی اینده رونوشت شهربازطبق اطلاع رسیده اراذل چاقوکش سومکا وپان ایرانیست وسایر دستجات فاشیستی درنظر دارند روزشنبه ۲۰ دی باتظاهراتی بمراکزجمعیتهای دموکراتیک حمله برده اتش سوزی ایجاد نمایند درصورت عدم جلوگیری ما دولت وشما را به همکاری با انها متهم میکنیم ● هیئت مدیره کانون جوانان دموکرات ایران ●

وزارت تلگراف ایران

ادرس اداره جوانان دمکرات ●

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

برای عظمت وسربلندی ایران ازاوراق قرضه ملی خریداری کنید

باسازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی همکاری کنید

[سند شمارهٔ ۱۳۵]

گزارشی دربارهٔ قصد احزاب سومکا و پان ایرانست برای انجام عملیات خرابکاران

فرمانداری نظامی تهران

۱۲۴۴۲

۳۱/۱۰/۲۱

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۳۶]

استعلام فرمانداری نظامی درباره‌ی چگونگی کسب اجازه توسط منشی‌زاده برای تشکیل حزب

آگهی حزبی [۱]

به اطلاع کلیه هم پیمانان علیشاه عوض و خاوه و عبدآباد شهریار می‌رساند بانکی به نام بانک تعاونی سومکا در علیشاه عوض در شرف تشکیل است، از کلیه هم پیمانان دعوت می‌شود برای شرکت و خرید سهام این بانک با هم پیمان[۲] جواد رضوی، مسؤول تشکیلات بانک تعاون سومکا در علیشاه عوض، ملاقات و تشریک مساعی نمایند.

مسئول پایگاه سومکا در شهریار، باقر مدرسی

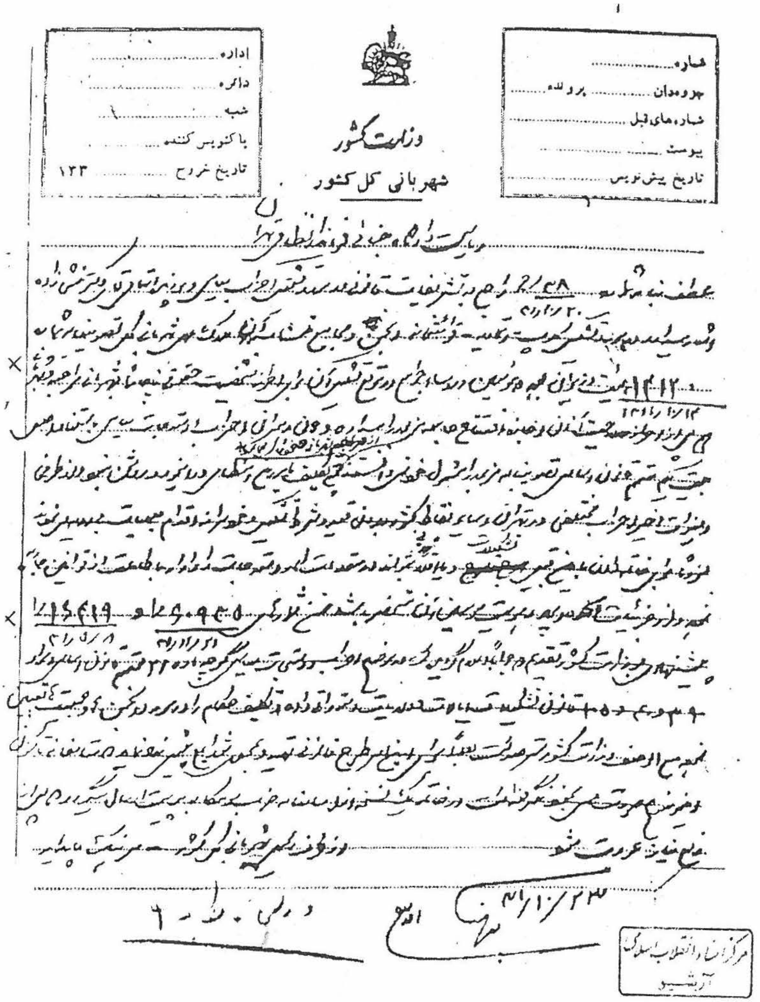
---

۱. سومکا، س ۱، ش ۲۷ (۱۳۳۱/۱۰/۲۱)، ص ۲

۲. اصل: هم پیمانان

[سند شماره‌ی ۱۳۷]

آگهی حزب سومکا جهت دعوت اعضای نواحی در «تشکیل بانک تعاونی سومکا»



[سند شماره‌ی ۱۳۸]

گزارش چگونگی رسمیت دادن به فعالیت احزاب سیاسی

بسمه تعالی

*** سازمان اسناد ملی ایران ***

شماره ردیف	محل در آرشیو	کد مدیریت	طبقه بندی	تعداد صفحه	تاریخ سند	شماره فیلم	کد کارشناس
۲۹۳۰۰۲۲۰۹	۱۲۰۴۴۵۰۳		خیلی مهم	۳	۱۳۳۱ش	۰۰۱۷۰۰۴۱	۰۸ ج

اداره اطلاعات
دائره
تاریخ ۲۴/۱۰/۳۱
شماره ۶۰۷/۱۱۵/۱
پیوست
موضوع

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

ل – ۱
در جواب مراسله مرقوم
اعداد میزه که منضم شماره
است با شماره ذکر شود

بایگانی شود

محرمانه

وزارت کشور

عطف به مرقومه شماره ۲۰۰۶۵/ل/۱۴۷۰۰/م/۲۰/۱۰/۳۱ متضمن رونوشت تلگراف هیئت مدیره کانون جوانان دموکرات باستحضار عالی میرساند • جهت جلوگیری از هرگونه پیشآمد غیرمترقبه دستورات لازم باداره انتظامی و مأمورین مربوطه صادر و مراتب بفرمانداری نظامی نیز اعلام گردیده است • ف

رئیس شهربانی کل کشور • سرتیپ

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۲۴

۱۸

۳۷۲۹
۳۱/۱۰/۲۹

۱۵۱۱
۲۷/۱۰/۳۱

[سند شمارهٔ ۱۳۹]

اعلام آمادگی مأموران انتظامی جهت ممانعت از اقدامات و تظاهرات اعضای سومکا

شماره:
جزوه‌دان: پرونده:
شماره‌های قبل:
پیوست:
تاریخ پیش‌نویس:

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره:
دائره:
شعبه:
پاکنویس کننده:
تاریخ خروج: ۱۳۳

[illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۴۰]

پاسخ شهربانی در خصوص عدم اعطای مجوز قانونی تشکیل حزب به منشی‌زاده

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره .... دایره .... شعبه

رونوشت اطلاعیه واصله مورخه ۳۱/۱۱/۴ شماره

گزارش

در چند روز اخیر از طرف عمال حزب منحله توده در شهر و محافل مختلف و بین

دستفروشان اطراف سبزه‌میدان و بازار شایع شده است که حزب سومکا از طرف

دولت پشتیبانی شده و با اینکه دکتر منشی‌زاده رهبر حزب مذکور از عمال انگلیسی

و عملا با امریکائیها و روسها ... از اراذل چهار کرور محیط و از آنها همه ماهه

مبلغی دریافت مینماید معهذا افراد این حزب قصد دارند به دستفروشان کنار

خیابانهای اطراف بازار که عده‌ای از آنها وابسته حزب منحله توده و مجمع

مجاهدین اسلام هستند حمله و اثاثیه آنها را شکسته و چند رجاله از افراد خود را در

محلهای مذکور بگمارند، بقرار مسموع انتشار این خبر موجب نگرانی دستفروشان

شده و گفته میشود که دشمنی شدیدی بین طبقه مذکور و حزب سومکا بوجود آمده که

ممکن است منجر بزد و خورد شود،

[سند شماره‌ی ۱۴۱]

گزارشی از احتمال درگیری حزب سومکا با دست فروشان اطراف سبزه میدان و بازار

تاریخ ....

شماره ....

پیوست ....

وزارت کشور

استانداری استان نهم

فرمانداری محترم شهرستان مشهد

پیرو شماره ۴۳۲۳/ ۱-۲/ ۶/ ۳۱ یکبرگ اعلامیه گروه حمله حزب سومکا خراسان که اخیرا منتشر شده جهت استحضار بپیوست تقدیم میگردد.

رئیس شهربانی خراسان - سرهنگ اسفندیاری

رونوشت با برگ ضمیمه برای استحضار وزارت کشور تقدیم میشود.

سرپرست فرمانداری شهرستان مشهد - شایان

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

بمناسبت آزادی رهبر

بمردان خراسان

بفرمان خون و خاک ما سربازان سوسیالیست ملی

درفش نژاد برتر را در سرزمین مردان پارتی میافرازیم

هم میهنان آرمان ما، نبرد ما سرچشمه‌اش آن وجود مقدسیست که ملت نام دارد و اینک شما را بنام این وجود مقدس بنام این سرزمین خدائی و بنام این خون پاک برای یک نبرد جاویدان علیه اهریمنان، دشمنان ملت و برخلاف آنهائیکه شرافت ملی و نژادی ما را بخاطر بیگانه لکه‌دار کرده‌اند میخوانیم و بدینوسیله ما پیراهن سیاهان سومکا آزادی رهبر پولادین خود را به هم‌وطنانمان تبریک میگوئیم.

پاینده حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

شاد ایران - شاد رهبر

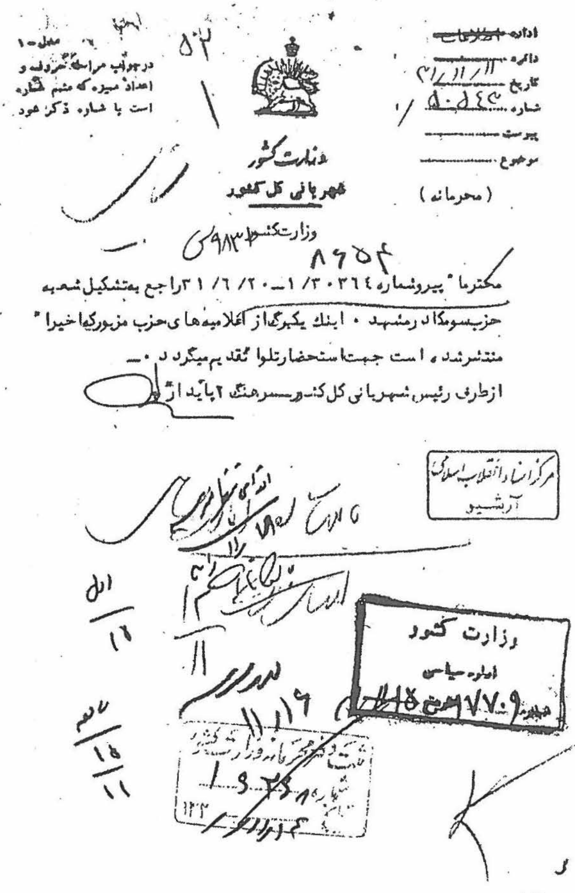
گروه حمله حزب سومکا خراسان

ضمیمه روزنامه خوشه

چاپخانه نبرد ما

[سند شماره‌ی ۱۴۲/۱]

گزارش ارسال اعلامیه‌ی منتشره‌ی حزب سومکا در مشهد و اصل آن


اداره اطلاعات
دایره
تاریخ ۲۱/۱۱/۱۱
شماره ۵۰۵۴۲
پیوست
موضوع

در جواب مراسله حروف و اعداد میره که متهم شماره است با شماره ذکر شود

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

(محرمانه)

وزارت کشور ۹۸۳
۸۶۵۴

محترماً پیرو شماره ۱/۳۰۳۶۴ - ۱/۲۰/ ۶/ ۳۱ راجع به تشکیل شعبه حزب سومکا در مشهد. اینک یکبرگ از اعلامیه‌های حزب مزبور که اخیراً منتشر شده است جهت استحضار تلوا تقدیم میگردد.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور سرهنگ ۲ پایه آ...

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

وزارت کشور
اداره سیاسی
۷۷۰۹

[سند شماره‌ی ۱۴۲/۲]

بمناسبت آزادی رهبر

بمردان خراسان

بفرمان خون و خاك ماسرباز ان سوسیالیست ملی

درفش نژاد برتر را در سرزمین مردان پارتی میافرازیم

هم میهنان آرمان ما، نبرد ما سرچشمه‌اش آن وجود مقدسیست که ملیت نام دارد و اینك شما را بنام این وجود مقدس بنام این سرزمین خدائی و بنام این خون پاك برای یك نبرد جاویدان علیه اهریمنان، دشمنان ملت و برخلاف آنهائیکه شرافت ملی و نژادی ما را بخاطر بیگانه لکه‌دار کرده‌اند میخوانیم و بدینوسیله ما پیراهن سیاهان سومکا آزادی رهبر پولادین خود را بهموطنان تبریك میگوئیم.

پاینده حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

شاد ایران - شاد رهبر

گروه حمله حزب سومکا - خراسان

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

ضمیمه روزنامه خوشه
چاپخانه نبرد ما

[اسناد شماره‌ی ۱۴۳/۱]

گزارش‌های شهربانی درباره‌ی احزاب سومکا و پان ایرانیست

وزارت کشور
استانداری استان نهم

تاریخ ۳۰/۵/۱۳
شماره ۹۴۸/۲/م
پیوست

وزارت کشور

دو نفقره ~~گزارش~~ گزارش اداره شهربانی مورخ ۲۲ و ۲۳ ماه جاری راجع بحزب سومکا و حزب پان ایرانیسم فقط برای استحضار ایفاد میشود.

استاندار استان نهم

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۳۷۶/۱۲-۸۵۳۹

[سند شماره‌ی ۱۴۳/۲]

ل ـ ۱

در جواب مراسله حروف و اعداد میزه که متمم شماره است با شماره ذکر شود

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

قسمت ....

اداره اطلاعات

دائره ....

تاریخ ۱۰/۵/۳۱

شماره ۲۵۵۹۵/۱

پیوست ....

موضوع ....

محرمانه

وزارت کشور

مطابق گزارش شهربانی خراسان روز ۱۰/ ۵/ ۳۱ آقای ضیاءمدرسی بازرس حزب سومکا بمنظور تشکیل حزب مزبور بمشهد وارد و در منزل قهرمان زاده کارمند شهرداری متوقف و در حدود سی نفر در حزب مذکور نام نویسی کرده اند وضمنا از طرف هیئت تحریریه روزنامه صدای خراسان که منتسب بحزب ایران میباشد فوق العاده ئی تحت عنوان (کفائی آمد سید جلال رفت) طبع ومنتشر شده که در متن منتسب به سرتیپ معزی فرمانده لشکر و سرتیپ نویسی معاون لشکر و سرهنگ اسفندیاری رئیس شهربانی خراسان اتهاماتی نسبت داده است.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور ــ سرتیپ نخعی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

مورخه ۲۲/۵/ ۱۳۳۱
شماره ۴۹۳۴/۱
پیوست ـــــ

وزارت کشور
شهربانی کل کشور
شهربانی خراسان ـ مشهد

محرمانه مستقیم

شهربانی کل کشور ـ اداره اطلاعات

پیرو ـ تشکیل حزب سومکا در مشهد بطوریکه طی شماره ۳۸۹۱/۱ ـ ۱۵/۵/۳۱ [illegible] سید [illegible] و محمد [illegible] اخیراً [illegible]
در حدود ۳۰ نفر از حزب سومکا بریاست [illegible] نویسی [illegible] هم در منزل کریم تهرانی زاده کارمند شهرداری
تشکیل میدادند [illegible] جلسات [illegible] حزب سومکا در مشهد روز ۱۰/۵/۳۱ بعد
منزل کریم تهرانی زاده دایر شده و در اطراف تشکیلات [illegible] و ترتیب [illegible] اقداماتی نموده
سپس [illegible] قهرمان [illegible] بطرف تهران حرکت [illegible] جلسات
آنها [illegible] دانسته [illegible] مراجعه [illegible]
[illegible] مراقبت ادامه دارد ـ معاون شهربانی خراسان ـ سرهنگ [illegible]

۴۹۳۴/۱
۲۲/۵/۳۱

رونوشت در پیرو ۳۸۹۱/۱ ـ ۱۵/۵/۳۱ جهت استحضار جناب آقای استاندار معظم استان نهم تقدیم میگردد ـ
معاون شهربانی خراسان ـ سرهنگ [illegible]

دفتر [illegible] شماره [illegible]
۲۶/۵

۹۲۵
۲۵/۵/۳۱

[سند شماره‌ی ۱۴۴]

گزارش شهربانی مشهد درباره‌ی فعالیت اعضای سومکا و پان‌ایرانیست در آن‌جا

وزارت کشور
شهربانی کل کشور
شهربانی خراسان - مشهد

مورخه .... ماه ۱۳
شماره ....
پیوست ....

شهربانی کل کشور - اداره اطلاعات

حزب پان ایرانیسم مدتی است در مشهد تحت رهبری آقایان ابوالقاسم عسکری دانشجوی دبیرستان

[illegible] دکتر [illegible] کارمند دارائی و عضو ملی [illegible] و صادقی [illegible] ارتش [illegible] مصدق تشکیل شده

و با حزب مصدق و اتحادیه سادات حسینی تشکیل [illegible] اند و در توزیع خود جریان بنام آقای استاد [illegible]

دانشکده خراسان گزارش گردیده محل فعلی حزب در خیابان خسروی و بالای روزنامه

ندای خراسان [illegible] آن نصب نموده اند (روزنامه ندای خراسان [illegible] امتیاز است و بنام روزنامه

[illegible] خراسان [illegible] هفتگی [illegible] امتیاز [illegible] بنام آقای [illegible] شهیدی کارمند دارائی و عضو حزب مصدق

میباشد منتشر میگردید) دستوراتی [illegible] آنها هم در موقع گزارش [illegible] مراتب استحضاراً معروض

۱/۴۰۵۱

۲۴/۵/[illegible]

معاون شهربانی خراسان - سرهنگ [illegible]

رونوشت [illegible] پیرو شماره ۱/۵۷۹۷ ۲۸/۱۰/[illegible] جهت استحضار جناب آقای استاندار معظم استان نهم تقدیم میگردد

۹۴۸
۳۰/۵/۲۱

معاون شهربانی خراسان - سرهنگ [illegible]

[illegible]

[سند شماره‌ی ۱۴۵/۱]

نامه‌ها و گزارش‌های مربوط به درگیری اعضای حزب توده و سومکا در یکی از دبیرستان‌های آبادان

اداره ———

محرمانه

وزارت کشور

رونوشت ——— شماره ۵۳۹۸۵ مورخه ۳۱/۱۱/۱۱ که اصل آن بشماره ——— وزارت / اداره ثبت شده

وزارت کشور — محرمانه — [illegible] گزارش شهربانی آبادان [illegible] دانش‌آموزان وابسته به حزب منحله توده
و سازمان [illegible] منحله سومکا در دبیرستان‌ها [illegible] دانش‌آموزان وابسته به حزب منحله توده بمنظور تشکیل سازمان دانش‌آموزان
سخنرانی می‌کنند. دانش‌آموزان وابسته به حزب سومکا [illegible] ۸ نفر از رفقای خود [illegible]
صبح روز ۳۱/۱۱/۴ نه نفر از دانش‌آموزان وابسته به حزب سومکا [illegible] دبیرستان [illegible]
[illegible]
[illegible] دبیرستان ادامه داده [illegible]
[illegible] تصمیم درباره دانش‌آموزان [illegible]
[illegible] دبیرستان [illegible]

از طرف رئیس شهربانی کل کشور — [illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۴۵/۲]

شماره عمومی

شماره خصوصی ۱۹۲۴

۲۹/۱۱/۴۱

وزارت فرهنگ

اداره ....

موضوع پیش نویس

ضمیمه

مسئول پاکنویس

تاریخ تحریر ۱۳۳ — تاریخ ثبت ۱۳۳ — تاریخ خروج ۱۳۳

[illegible]

اداره کل [illegible]

عطف به نامه شماره ۱۷۵۸۰ مورخ ۷/۱۱/۴۱ [illegible]

در جواب [illegible] [illegible] [illegible] با تحقیقات [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] لطفاً [illegible]

مدیر اداره [illegible]

۲۹/۱۱/۴۱

تاریخ ۳۲/۲/۳
شماره ۱۴/م
پیوست

وزارت فرهنگ
اداره فرهنگ آبادان

«محرمانه مستقیم»

آبادان

اداره فرهنگ شهرستانها

عطف به نامه شماره ۱۲۳/م - ۳۲/۱/۲۵ نامه شماره ۱۷۵۸۰

این اداره که به اداره رسیده وطی نامه شماره ۱۹۳۴/م - ۳۱/۱۱/۳۰

آبادان

پاسخ آنرا مرقوم داشته اند.

رئیس اداره فرهنگ آبادان - حبیبی

۱۰۱/م
۳۲/۲/۸

شماره عمومی		موضوع پیش‌نویس
شماره خصوصی ۱۲۴/م		ضمیمه
۴۲/۱/۲۰	**وزارت فرهنگ**	مسئول پاکنویس
	اداره........................	

تاریخ تحریر ۱۳۳   تاریخ ثبت ۱۳۳   تاریخ خروج ۱۳۳

محرمانه

کارگزینی [illegible]

عطف به نامه شماره ۳۷۸/م دفاتر این اداره و وصول

نامه شماره ۱۷۵۸۰/م مورخ ۴۲/۱/۱۰ را حکایت تمدید خواسته است

دستور فرمایید رونوشتی از نامه مزبور که [illegible] ارسال گردد

رئیس اداره

[signature] ۴۲/۱/۲۰

[سند شماره‌ی ۱۴۵/۵]

وزارت فرهنگ

اداره فرهنگ آبادان

تاریخ ۳۲/۱/۱۰

شماره ۲/۳۷۸

پیوست

محرمانه - مستقیم

اداره فرهنگ شهرستانها   آبادان

عطف نامه شماره ۲/۲۰۸۳ - ۳۱/۱۲/۱۸ منضم بر دورنوشت

گزارش شهربانی کل کشور، بتصور میرساند که جریان امر قبلاً طی نامه

شماره ۱۷۵۸۰ - ۳۱/۱۱/۷ بطور مشروح گزارش شده است

ضمناً که از اداره شهربانی نتیجه اقدامی را که درمورد دستگیرشدگان بعمل آورده‌اند

استعلام و پس از وصول پاسخ مراتب متعاقباً بتصور خواهد رسید.

رئیس فرهنگ آبادان - حبیبی

در جواب، مراسله حروف
واعداد ممیزه که متمم شماره
است با شماره ذکر شود

تاریخ ۲۰/۱۱/۱۳۳۱
شماره ۱۷۵۹۹
ضمیمه ....

۲۱۵۱۱۱

وزارت کشور

اداره ....

وزارت فرهنگ

رونوشت گزارش شماره $\frac{1/53985}{31/11/11}$ شهربانی کل کشور راجع به اختلافات موجود بین دانش‌آموزان دبیرستان آبادان جهت اطلاع و اقدام مقتضی به ضمیمه ایفاد می‌گردد.

از طرف وزیر کشور

اداره دبیرستان‌ها ۲/۲۰۸۴

۳۱/۱۱/۲۴

$\frac{2084}{18/11/31}$

اداره فرهنگ آبادان

رونوشت گزارش شهربانی کل کشور که به پیوست وزارت کشور رسیده ...

۱۵۰۰

۳۱/۱۱/۲۶

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

عیناً از لحاظ استحضار وزارت کشور در از جریان مستحضر باشند

تاریخ ۱۷۵۸

شماره ۳۱/۱۱/۷

پیوست

۳۱/۱۱/۶

وزارت فرهنگ

اداره فرهنگ آبادان

اداره فرهنگ شهرستانها وزارت فرهنگ

درساعت ۹ صبح روزشنبه ۴/۱۱/۳۱ عده‌ای درحدود ده نفر ملبس باونیفورم مخصوص حزب سومکا ومجهز به باتون بمنظور تهدید وارعاب محصلین منتسب بچپ بداخل دبیرستان رازی هجوم اوردند که بلافاصله بکومك مامورین انتظامی قبل ازانکه تماس موثری بادانش اموزان حاصل کنند ازدبیرستان اخراج وبشهربانی جلب گردیدند ضمناً بمقامات انتظامی اطلاع داده شده که مراقبت لازم بعمل اورند تادر آینده نظیراین قبیل پیشامدها رخ ندهد ۰ ح

رئیس فرهنگ آبادان ۰ حبیبی

۱۹۲۲

۳۱/۱۱/۱۲

۱۴۵۸

۷/۱/۱۵

اداره محترمه کل معارف

یادداشت محترمه مورخه ۳۰/۱۲/۶ نمره ۰ لفاً تقدیم

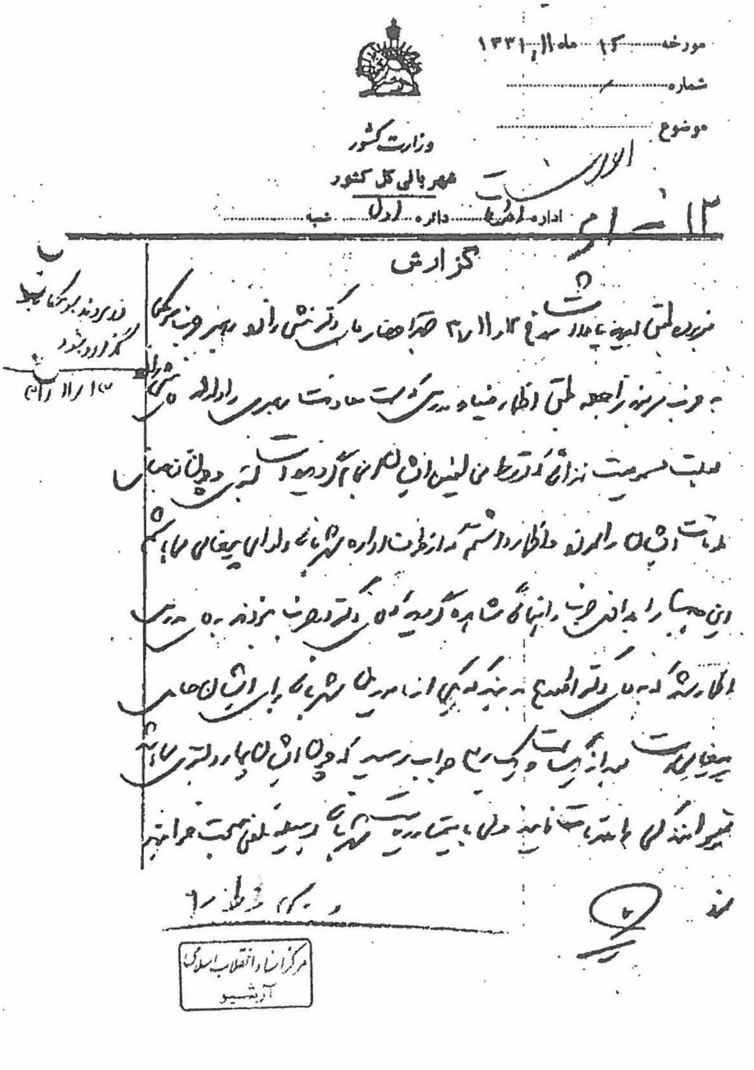
درباره آقای شیخ الاسلام ... سابق معارف

ادارات ... ولایات ... مورد مشاهده اداره

تفتیش واقع نشد لهذا عودت ...

[سند شماره‌ی ۱۴۶]

گزارش مأمور شهربانی از ملاقات نکردن منشی‌زاده با او، به بهانه‌ی بیماری



مورخه ۱۲ ماه ۱۱ ر ۱۳۳۱

شماره

موضوع

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره ... دایره ... شعبه

گزارش

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۴۷]

اعلامیه‌ی گروه «ایران فرزندان» حزب سومکا

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

شاد ایران

هم میهنان!

پس از یکسال و نیم مبارزه مردانه ؛ حزب ما در میان یک جهان دشمن موفق شده است پایه‌های نهضت فولادینی را استوار کند که فردای ملت ما را رهبری خواهد کرد.

پیکار قاطع و کوبنده ما روشنی بخش دیدگان همه رادمردان و ایرانیان پاک و اصیل بوده است. ما تخم امیدواری در دلهای مأیوس و مرده کاشته ایم و بهمان اندازه نیز همه دشمنان این ملت سرافراز را نا امید و سرشکسته ساخته ایم.

همه قدرتها برضد ما تجهیز شده : « احزاب ملی » وغیرملی ، مطبوعات «وزین» مقامات انتظامی، دستگاههای دولتی؛ مقامات مسئول وغیره ، همه برضد ما قیام کرده اند وچون اطمینان دارند که تارهبر ما زنده است ، این نهضت خدائی نخواهد مرد هرزمان بنوعی برضد این مرد پولادین سرسخت وپاکباز توطئه میکنند.

چهارماه بازداشت غیر قانونی باتهامات واهی بس نبود که اکنون بر ضد جان رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران دست به کثیف ترین وننگین ترین دسیسه ها زده اند.

از مدتها پیش پرونده سازهای اداره آگاهی وبلشویکها سعی کرده اند در حزب ما رخنه کنند. بسیاری از عمال این دستگاههای پلید وخیانت پیشه بحزب ماراه یافتند و در صدد اخلال و خرابکاری برآمدند. همه این نقشه هارا بیداری و فداکاری هم پیمانان ما عقیم گذاشت و آخرین این دسائس را نیز در همین روزها محکوم بشکست ساختیم.

فعالیتهای اخیر این جنایتکاران که بوسیلهٔ همائی عنصر بلشویك اجرامیشد مسموم ساختن تدریجی غذای رهبر ، توطئه درداخل حزب و اسباب چینی ننگینی که به حمله اخیر مأمورین شهربانی و فرمانداری بخانه سیاه منجرشد ، همه در برابر بیداری هم پیمانان وهشیاری گروه جاویدان سومکا که مامور کشف دسیسه ها شده بود ، درهم شکست.

اکنون ما استوارتر ودلیرتر از همیشه یکبار دیگر وفاداری صد در صد وتاآخرین نفس خودرا برهبر آهنین سومکا اعلام میداریم وهمه دشمنان حزب وملت را بنابودی ومرك قطعی بشارت میدهیم.

پاینده حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران
شاد رهبر شاد ایران

سومکا کوتاه شدن دست روسیه بالشویك را
از شیلات به هموطنان تبریك میگوید!

[سند شماره‌ی ۱۴۸]

نامه‌ی منشی‌زاده به فرماندار نظامی تهران درباره‌ی شاهپور زندنیا

دفتر رهبری «سومکا»
تهران ـ خانقاه خانهٔ سیاه

تاریخ ۳۱/۱۲/۱۱
شماره..................

همکار عزیز،

با سوابق دوستی دیرینه‌ای خواهش می‌کنم:

در مورد همکار حزبی من

شاهپور زندنیا

که در روز ۱۰/۱۲ از طرف شهربانی به دادسرای فرمانداری نظامی تحویل داده شده بود و با ارائهٔ ضامن به منزل رفته بود. با نظر به اینکه شاکی ایشان در راه دادگاه از طرف «چپی‌ها» مضروب و دچار شکستگی است برای ضامن او تولید اشکال نشود. تا در اثنای روز ۴/۱۵ پس از ختم عارضه به دادگاه نظامی خود را معرفی کند.

ارادتمند
ت: ۱۲/۱۲
دکتر داود منشی‌زاده

جناب پرونده در بررسی
بررسی
۲۱/۱۲/۱۲

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۴۹]

نامه‌ی رئیس دادگاه جنایی فرمانداری نظامی جهت سرعت بخشیدن به جریان رسیدگی به پرونده‌ی حزب سومکا

اداره دادرسی ارتش

دایره

شماره ۳۹۰

وزارت دفاع ملی

تاریخ روز ۱۱/۱۲/۳۱

تیمسار فرمانداری نظامی تهران و حومه

درباره:

محترماً معروض میدارد طی شماره ۳۹۰ / ۳ / ۱۲ / ۳۱ دو برگ احضاریه خطاب به آقایان دکتر داود منشی‌زاده به کلانتری بخش ۲ تهران اعلام که ظرف ۴۸ ساعت به دادرسی ارتش ارسال و به رویت مشارالیهم رسانیده و برگ آنرا با قید تاریخ رویت و گواهی کلانتری مزبور به این دادگاه اعاده نمایند اینک مدت هشت روز است که از وقت مقرر میگذرد و کلانتری مأمور جواب نداده این دادگاه را بلاتکلیف گذارده است و بدین علت دادگاه تشکیل نگردیده و چون یکی از وظایف دادگاههای نظامی سرعت عمل در رسیدگی به پرونده متهمین است استدعا دارد علیهذا امر و مقرر فرمایید در این مورد دستور مقتضی به اداره شهربانی صادر فرمایند که کلانتریهای مربوطه در ابلاغ احضاریه های دادگاههای نظامی سرعت عمل داشته تا رسیدگی به پرونده ها و تعیین تکلیف متهمین به تعویق نیفتد. م

رئیس دادگاه جنائی فرمانداری نظامی سرهنگ ستاد حبیب شهیدی

شرحی که به شهربانی نوشته شود و رونوشت به دادگاه

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۵۰]

ارسال صورت جلسه اشیای به دست آمده از بازرسی محل حزب سومکا

تاریخ ۱۴/۱۱/۱۳۳۲
شماره ۹۰۹۱
پیوست ....

فرمانداری نظامی تهران

از

فرمانداری نظامی شهرستان تهران

محرمانه - مستقیم

به

ریاست ستاد ارتش

درباره - صورت وسائل واشیائی که دربازرسی ازحزب سومکا بدست آمده است

اشیائی
یکبرگ رونوشت صورتجلسه که دربازرسی ازحزب سومکا بدست آمده است برای استحضارخاطرعالی به پیوست تقدیم میدارد -

فرماندار نظامی شهرستان تهران - سرتیپ [illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

ریاست دفتر
[illegible]
۱۵/۱۲/۳۲

[سند شماره‌ی ۱۵۱]

صورت جلسه بازرسی محل حزب سومکا و اشیای به دست آمده

صورت جلسه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[سند شماره‌ی ۱۵۲]

مکاتبه‌ی شهربانی کل با نخست‌وزیر درباره‌ی مراقبت از اقدامات حزب سومکا و بازرسی محل حزب و کشف تصاویر مواد محترقه و اسلحه‌ی سرد

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره: آگاهی شماره: ۴۰۳۶/د ۱۴۹۶۸

به تاریخ: ۳۱/۱۲/۱۴[۱۳] محرمانه

جناب آقای نخست‌وزیر(۱)

محترماً عطف به نامۀ شماره ۳۱۲۲/۴ـ ۳۱/۱۲/۱۲[۱۳] معروض می‌دارد که فوراً مأمورین مربوطه برای مراقبت‌های لازم به نقاط مختلف اعزام [شدند]. مطابق گزارش ادارۀ آگاهی، محل حزب سومکا از طرف مأمورین مربوطه مورد بازرسی قرار گرفت و تعدادی بطری و محفظۀ کوکتل و مواد محترقه و مشعل(۲) و اسلحۀ سرد و اشیای متفرقه به دست آمد که برابر برگ پیوست(۳) به فرمانداری نظامی تحویل گردید.

رئیس شهربانی کل کشور ـ سرتیپ افشار طوس

[امضا]

[حاشیه‌ی پایین، اول:] خدمت جناب آقای ملکوتی معاون محترم نخست‌وزیر ارسال‌شود. ۳۱/۱۲/۱۶[۱۳].

[حاشیه‌ی پایین، دوم:] ملاحظه فرمودند. [امضا: ناخوانا] ۳۱/۱۲/۱۶[۱۳].

[اثر مهر:] ورود به دفتر محرمانه‌ی نخست وزیر. شماره: ۳۱۵۷، تاریخ: ۳۱/۱۲/۱۶[۱۳]

---

۱. به نقل از: ***اسنادی از احزاب سیاسی در ایران***، ص ۳۳۶

۲. اصل در کتاب یاد شده: مشتعل.

۳. برگ پیوست رونوشت صورت‌جلسه‌ی حاوی بیست قلم اشیای به دست آمده از حزب است که در سند قبل آمد.

[سند شماره‌ی ۱۵۳]

دستور رسیدگی سریع به درخواست‌های دادگاه‌های نظامی و احضار منشی‌زاده

[illegible] تیمسار [illegible] ۲

پیرو شماره ۳۹۰ صادره از دادگاه جنائی بزرگ احضاریه های داود منشی زاده
۳۲/۱۲/۱۳

در مدت ۱۸ ساعت [illegible] نامبرده رسیده به دادگاه اعاده گردد تاکنون اقدام نشد

مقرر فرمائید ضمن خواسته از [illegible] مربوط در مورد مراجعات دادگاه های نظامی

سریعاً اقدام نمائید تا تأخیری در رسیدگی به پرونده و تعیین تکلیف متهمین حاصل نشود

از طرف فرماندار نظامی شهرستان تهران

رونوشت [illegible] با نامه شماره ۴۳۰ / ج ـ [illegible] دادگاه جنائی
۳۲/۱۲/۱۳

فرمانداری نظامی ارسال می‌گردد

از طرف فرماندار نظامی شهرستان تهران

۳۲/۱۲/۱۴

۸۹۲۳

۳۲/۱۲/۱۴

[سند شماره‌ی ۱۵۴]

دستور زندانی کردن منشی‌زاده مطابق ماده‌ی ۵ قانون حکومت نظامی

تاریخ ۱۳۳
شماره ....
پیوست ....

فرمانداری نظامی تهران

ریاست زندان شهربانی

دستور فرمائید غیرنظامی داود فرزند ابراهیم شهرت منشی‌زاده
را طبق ماده ۵ حکومت نظامی زندانی نموده و نتیجه را گزارش نمائید.

فرماندار نظامی شهرستان تهران.

۹۱۴۷

۹/۱۲/۱۶

[سند شماره‌ی ۱۵۵]

برگه‌ی بازداشت منشی‌زاده

اسم داود پدر ابراهیم شهرت منشی‌زاده شغل

که باستناد ماده ۵ فرمانداری نظامی شهرستان تهران بازداشت

میباشد وسیله دفتر فرمانداری به زندان شهربانی تحویل شده

است .

محل امضاء [illegible]

[illegible]

[سند شماره‌ی ۱۵۶]

درخواست طاهرزاده، وکیل منشی‌زاده، جهت اعزام به دادگاه جنایی فرمانداری نظامی

یادداشت

تاریخ ۱۶/۱۲ ماه ۱۳۳۱ شماره ....

تیمسار فرماندار نظامی تهران

چون دکتر داود منشی‌زاده دو هفته در فرمانداری نظامی تهران [illegible]

از نظر بنده اتهامی که متشکله در دادگاه‌های جنائی نظامی و طبق اخطاریه

قبلی دادگاه نامبرده بایستی برای ۵ بعد از ظهر روز ۱۷/۱۲/۱۳۳۱

(فردا) تمنی دارم مقرر فرمائید برای روز و ساعت مزبور ایشان را

در دادگاه حاضر نمایند. با تقدیم احترام طاهرزاده وکیل [illegible]

[illegible]

۱۶/۱۲/۱۳۳۱

[illegible]

۱۶/۱۲/۳۱

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۵۷]

واگذاری سرپرستی حزب به حسین شیبانی

دفتر رهبری سومکا[۱]

تهران، خانقاه، خانه سیاه

هم پیمانان عزیزم، درگیر و دار مبارزات شدید سیاسی، چنان که در پیام گذشته خود گفتم، دست دشمن هرگز به من نخواهد رسید و نرسیده است.

برای دفاع از منافع حزبی و هم پیمانانی که بدون هیچ مجوزی بازداشت شده‌اند امروز خود را به فرمانداری نظامی معرفی می‌کنم.

هم پیمان عزیز ما، حسین شیبانی سرپرستی حزب را در غیاب من عهده‌دار[۲] خواهد بود.

از همه شما خواهشمندم و می‌خواهم با همکاری‌صمیمانه و انضباط فولادین سوسیالیست ملی، «بحران سوم سومکا» را مثل مردانی که از کوره آهن می‌گذرند با شهامت و دلیری به پایان برسانید.

دست فرد فرد شما را صمیمانه می‌فشرم.

شاد ایران، منشی‌زاده

---

۱. سومکا، س ۱، ش ۳۱ (۱۳۳۱/۱۲/۱۸)، ص ۱

۲. اصل: عهده دارد.

[سند شماره‌ی ۱۵۸]

اعتراض «سازمان داوری و مسائل حقوقی سومکا» به بازداشت منشی‌زاده و ضبط علایم و وسایل حزبی

اعلام جرم علیه حکومت و فرمانداری نظامی

آقایان دادستان دیوان کشور و دادستان ارتش!

۱ـ در تاریخ ۱۲/۱۲/۳۱[۱۳] سرهنگ پورشریف معاون فرمانداری [نظامی] تهران، دو بار برخلاف قانون به حزب سومکا (خانه سیاه) داخل شده، به استناد این‌که رهبر سومکا را می‌خواهد بازداشت کند، آن جا را بازرسی و بعداً ۵ تن از هم پیمانان ما را به عنوان «گروگان» بازداشت و مقداری از دفترهای روزنامه و اثاثیه ـ حتی طبل و شیپور ـ حزب را توقیف نمود.

چون در هیچ یک از قوانین ایران، محلی برای «گروگان» پیش بینی نشده و اجازه ضبط اموال بدون حکم دادگاه صالح، داده نشده است علیه سرهنگ نام‌برده و آمرین او (به ادعای خود شما) حکومت حاضر و شخص فرماندار نظامی اعلام جرم می‌کنیم.

۲ـ در تاریخ ۱۳/۱۲/۳۱[۱۳] هم پیمان ما حسین شیبانی را، که برای پرونده‌ای در دادگاه نظامی پنجاه هزار تومان کفالت دکتر منشی‌زاده رهبر سومکا را نموده، بازداشت و او را تهدید کرده‌اند که باید محل رهبر حزب را نشان دهد یا این‌که وجه‌الکفاله ضبط و شخص او بازداشت خواهد شد.

چون در قانون‌های ایران اجازه استفاده از وجه‌الکفاله داده نشده و حق تصرف وجه‌الکفاله فقط با [درج] آگهی رسمی در نوبت‌های معین ممکن است، علیه مسؤولین این عمل، حکومت حاضر و فرمانداری نظامی اعلام جرم می‌کنیم و در خاتمه یادآور

می‌شویم که اگر حکومتی از اجرای قانون سر باز زند، اتباعش وظایف دیگری برای اجرای قانون خواهند داشت و در آن صورت بر آن‌ها حرجی[1] نیست.

شاد ایران

سازمان داوری و مسائل حقوقی سومکا[2]

۱. اصل: هرج
۲. سومکا، س ۱، ش ۳۱ (۱۳۳۱/۱۲/۱۸)، ص ۲

[سند شماره‌ی ۱۵۹]

اعتراض منشی‌زاده و مدیر روزنامه‌ی مرد آسیا به بازداشت شدن خود

آقای دادستان کل کشور

آقای فرماندار نظامی غیرقانونی تهران

بازداشت ما به استناد مادهٔ ۵ از طرف یک فرمانداری نظامی که در ظرف مدت یک هفته بایستی به تصویب مجلس شورای ملی رسیده باشد و نرسیده و به همین دلیل نیز رسمیت و صلاحیت ندارد، بخصوص با توجه به این نکته که انتشار روزنامه‌های ما کاملاً بر طبق موازین قانون اساسی مملکت است ـ چنانکه رأی دادگاه مبنی بر وارد نبودن اعتراض دادستان به توقیف جراید ما نیز مبین این نظریه است ـ کلاً غیرقانونی و برخلاف اصول مشروطیت است.

با اعتراض شدید به این توقیف غیرقانونی امضاءکنندگان زیر اعلام میداریم چنانچه تا روز چهارشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۳۱ ساعت ۱۲ ظهر رفع توقیف از ما بعمل نیاید، اعتصاب دسته‌جمعی غذا خواهیم کرد.

تصمیم خود را نیز بوسیلهٔ جراید داخلی و خارجی به هموطنان خود و به جهانیان اعلام و از کلیه آنها خواستاریم که با تمام قوا با ما هماهنگ نموده علیه اقدامات غیرقانونی دولت از هیچ فعالیتی خودداری نکنند.

رونوشت نامه‌ای که جهت فرمانداری نظامی ارسال شده است

صاحب امتیاز روزنامه [illegible]
دکتر منشی‌زاده

مدیر روزنامه مرد آسیا
[illegible]

[illegible] ۱۳۳۱/۱۲/۲۶

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۶۰]

صورت جلسه‌ی تنظیمی، مبنی بر توهین منشی‌زاده به افسر نگهبان زندان

فرمانداری نظامی تهران

تاریخ ۱۰/۴/۱۳۳۲
شماره
پیوست

صورت جلسه

ساعت ۸ صبح سرکار سروان [illegible] فرمانداری نظامی [illegible] سروان باقری افسر نگهبان مراجعه و اظهار نمود که [illegible]

دکتر منشی‌زاده را [illegible] پاسخ داده شد [illegible] اداره زندان باشد لذا افسر [illegible] زندان

مراجعه و [illegible] سرکار سروان اسدی [illegible] افسر نگهبان زندان [illegible] منشی‌زاده [illegible]

داشت [illegible]

کلمات زننده [illegible] نسبت به جناب سروان باقری افسر نگهبان [illegible] لذا [illegible] صورت جلسه تنظیم گردید.

۱- افسر نگهبان سروان باقری امضاء — سروان اسدی [illegible] امضاء

۲- [illegible] سرپاسبان [illegible] امضاء

۳- [illegible] نماینده امضاء

مربوط به [illegible] ۷۶۵/ ۱۰/۴/۳۲ اداره زندان

رونوشت برابر اصل است

[سند شماره‌ی ۱۶۱]

اعتراض منشی‌زاده به اهانت افسر نگهبان نسبت به ملاقات کننده‌ی وی

ساعت ۱۱ صبح ۳۲/۱/۱۰ افسر نگهبانی باوی

با اهانت کسی که از نزدیکان من است و بهمراه مادرم بدیدن
من آمده بوده از اطاق افسر نگهبانی بیرون می‌کنند. و من در این
موقع با عصبانیت فریاد کردم که اینها بوظیفه خود فقط در مواردی
عمل می‌کنند که میل دارند. این شخص در چند [illegible] آقایانی که با من در
زندان بودند با الفاظ رکیک و [illegible] نسبت به ریاست شهربانی و فرماندار
نظامی و دیگران بارها توهینهایی کرده بودند من [illegible] اعتراض
نسبت به این شخص [illegible] که هنوز اینها در بازپرسی [illegible]
بوده برای [illegible] افسر [illegible] نامه ۲۸ کلمه‌ای که همراه
[illegible] بوده یک دست پیش خود نگهداشته بود و شخصی که این خبر
را آورده بود یک دست [illegible] گذاشته بود. اینها ما را [illegible]
وادار کرده که باید [illegible] که [illegible] [illegible] و
[illegible] که در [illegible] وارد [illegible].

[سند شماره‌ی ۱۶۲]

ارسال شکایت منشی‌زاده به فرمانداری نظامی

شماره ۲۲۴۹	اداره
جزوه‌دان ...... پرونده	دائره
شماره‌های قبل	شعبه
پیوست ۲ برگ	پاکنویس کننده
تاریخ پیش‌نویس	تاریخ خروج ۱۷/۱/۳۲ ۱۳۳

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

تیمسار فرماندار نظامی تهران

آقای داود منشی زاده عرضحالی درد و برگ از وضعیت خود معروض و تقدیم که عینا مشروحه نامبرده بپیوست ایفاد میگردد چون اوراق ادعای مشارالیه بعنوان روزنامه منتسب بحزب سومکا بود عینا بعرض تیمسار ریاست شهربانی رسیده است.

رئیس اداره زندان سرهنگ امیر دلبلوند

۱/۱۷

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۶۳]

اعتراض منشی‌زاده نسبت به عدم ارسال نوشته‌های او به خارج از زندان

۱۵/۱/۴۲ — ۶۳۷

بازداشتگاه موقت شهربانی

تهران

آقای معاون فرمانداری نظامی

رئیس زندان از رد نوشته‌های من استنکاف می‌کند

ضمن افتضاح و رسوایی این دستگاهی که شما

در راس آن قرار دارید

تمام زوری در فرهنگ و کلاهبرداری و جنایت

بر علیه آنچه دنیا در آن می‌کوشد یعنی علم و

تمدن

[illegible] ملت ایران به دنیا تمام [illegible]

اگر هرچه زودتر نوشته‌های من که فقط (یادداشت‌های تاریخی

که آقایان دیده‌اند) جنبه علمی و تاریخی دارد بمن رد [illegible]

اقدامات [illegible]

[illegible]

منشی‌زاده

[سند شماره‌ی ۱۶۴]

اعتراض مجدد منشی‌زاده نسبت به عدم ارسال نوشته‌هایش به خارج از زندان

۱۵ / ۱ / ۲۰۲ (سال سیاه [illegible])

تیمسار فرماندار نظامی تهران

در شش نامه متعاقب نوشته بودم و باز تکرار میکنم که رئیس
زندان شش مقاله علمی، ادبی و اجتماعی که نتیجه ۸ روز
کار متمادی من و ارزش آن تنها از لحاظ مادی بالغ بر هزاران تومان
است، بجرم اینکه شما مرا با غل و زنجیر بدست او سپرده‌اید
بر خلاف مقررات زندان، بر خلاف مقررات همه قوانین ممالک
و بر خلاف اصول و قوانین بین‌الملل نزد خود ضبط کرده و با
تذکارها رسماً از طرف معاون شما [illegible]
و تذکرات دیگر از رد آن استنکاف میورزد.
من دستگاه شما را فردا در دادگاه ملت بدزدی
جنایت و دزدی تراوشات فکری و علمی و توطئه بر ضد
فرهنگ و [illegible] محکوم خواهم ساخت اگر در اسرع اوقات
نوشته‌ها را بمن برسانند. شاه‌پرستان [illegible]

منشی‌زاده

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۶۵]

تقاضای منشی‌زاده جهت ملاقات با فرماندار نظامی تهران

بازداشتگاه شهربانی

۲۲ - ۳۲/۱/۱۷

تیمسار فرماندار نظامی تهران

راجع به موضوع خاصی که برای شخص من
پیش آمده و اهمیت فوق العاده‌ای دارد
استدعا دارم اجازه فرمائید شرفیاب شوم. هر چه البته
زودتر

بازداشتگاه شهربانی
دکتر منشی‌زاده

۳۲/۱/۱۷

۳۲/۱/۱۷

فعلاً لازم نگردد - مراتب را ابلاغ کنید

طبق نامه شماره ۹۱۴۲ / ۳۱/۱۲/۱۵ فرمانداری نظامی تهران مدت ۵ ماه
زندانی است

[سند شمارهٔ ۱۶۶]

دستور ارسال یادداشت‌های منشی‌زاده به فرمانداری نظامی

محرمانه

ریاست زندان شهربانی

شماره ۲۳۴۹ ز ز
۱۲/۱/۴۲

در این مورد داود منشی زاده [illegible] نیز [illegible]

بطوریکه شکایت کرده اوراق و نوشتجات مزبور مبالغی بنظر اینجانب میرسد

بعضی از مامورین زندان بر خلاف مقررات [illegible] قدغن فرمائید مقاله

مزبور را فوراً به فرمانداری نظامی ارسال دارند که در صورت مقتضی [illegible] مسترد

و الا تا خاتمه بازداشت در بایگانی گردد.

فرمانده فرمانداری نظامی تهران - سرتیپ [illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۵۸۳

[سند شماره‌ی ۱۶۷]

شایعه‌ی قصد احزاب سومکا و آریا مبنی بر انجام ترورهایی در صورت تصویب طرح هیئت هشت نفره

۱۷ فروردین ماه ۳۲ گزارش

بطوریکه اطرافیان دکتربقائی اظهار داشته اند مخالفین دولت درمقابل توافقی که بین توده ایها وسایراحزاب علیه دربار بعمل آمده تصمیم دارند وسیله ای ایجاد کنند که حزب منحله توده رسما تظاهراتی به نفع دولت درشهر انجام دهد تا زمینه جهت نقشه مخالفین دولت ازنظر افکار عمومی آماده شده ودرمحافل بین المللی مخالفت با آقای دکترمصدق بمنزله مبارزه باکمونیست تلقی گردد دکتر شروین گفته است نقشه ترور چند عده سی نفر تهیه شده است که درصورت تصویب طرح هیئت هشت نفری وسلب اختیارات مقام سلطنت وسیله بعضی از گروههای ارتش که وابسته بحزب سومکا وحزب آریا میباشند عملی خواهد شد مخالفین دولت از طرفداری حزب منحله توده ازدولت خوشحال میباشند ومیگویند اینموضوع وجهه آقای دکترمصدق را خراب کرده وامیدواری آنان را بموفقیت بیشتر نموده است

دکتربقائی گفته است آقای دکترفاطمی بوسیله نیکپور نائینی مدیرروزنامه خبر باکمونیستها ارتباط دارد وهم آهنگی روزنامه باختر امروز ونیروی سوم با جراید توده ای مبارزه ما را ازنظر سیاست بین المللی آسان کرده است

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۲۴
۲۲

[سند شماره‌ی ۱۶۸]

صورت جلسه‌ی اشیای کشف شده از بازرسی محل حزب سومکا

صورت‌جلسه(۱)

در تاریخ ۱۸/۱/[۱۳]۳۲ در ساعت نه و پانزده دقیقه، [از] مرکز حزب سومکا واقع در خیابان خانقاه با حضور نمایندگان فرمانداری نظامی و مأمورین شهربانی و اداره اطلاعات با شرکت چند نفر از افراد حزب مزبور بازرسی به عمل آمد.

کلیه اتاق‌ها و دفاتر و اتاق رهبر در زیرزمین وکلیه محل‌های موجود بازدید شد، تعداد ۱۸ طاقه کلاه سیاه و ۲۷ توپ پیراهن سیاه و دو قبضه شمشیر و دو عدد مشعل و یک شیشه بزرگ بنزین و یک شیشه لامپ محتوی بنزین و یک شیشه کلرات زرنیخ و یک شیشه کوچک بنزین و مقداری اوراق مربوط به حزب به دست آمد. ضمناً هیچ گونه خسارت مالی و جانی وارد نگردید.(۲)

توضیح آن که صورت‌جلسه برای اعضای افراد حزبی ارائه شد، ولی از امضای آن خودداری نمودند. [امضا ناخوانا].

---

۱. همان جا، ش. ب ۳۷۰، ش. ص ۴۴

۲. ادامه‌ی مطلب حاوی اسامی و امضای مأمورین حاضر در محل و اسامی پنج تن از اعضای حزبی است که غالباً ناخوانا می‌باشند.

[سند شماره‌ی ۱۶۹]

اعتراض دفتر رهبری حزب سومکا به بازداشت اعضا و توقیف وسایل حزب

دفتر رهبری سومکا[۱]

تاریخ: ۱۸/۱/۳۲[۱۳] شماره: ۱۵

نشریه ارگان سومکا!

رونوشت [نشریات] اطلاعات، کیهان، داد، مرد آسیا، سیاست ما.

در تاریخ ۱۸/۱۲/۳۱[۱۳][۲] رهبر ما برای ملاقات با فرماندار نظامی که او را جهت «مذاکرات خصوصی»[۳] دعوت کرده بود به آن‌جا رفت و بازداشت شد و هنوز هم بدون هیچ مجوزی، گویا به استناد این که نخست‌وزیر «نهضت ملی» او را «دشمن شماره یک» خود می‌داند طبق ماده پنج با هم پیمان ما داریوش همایون که برخلاف حقیقت او را «مسوول تبلیغات سومکا» معرفی کرده‌اند، بازداشت می‌باشد.

در همان روزها پورشریف، سرهنگ ارتش و معاون فرمانداری نظامی، به حزب حمله کرد و بنزین‌های اتومبیل یک هم پیمان ما و مشعل‌هایی که در جشن می‌افروختیم و از وضعیتش این موضوع روشن است و بیل‌ها و تبرهای گروه فنی را با طبل و شیپور که گویا مخالف حکومت ملی بودند به غارت برد، ضمن این عمل شناسنامه‌ی افراد و دفترهای حزب نیز به غارت رفت.

روز ۱۸/۱/۳۲[۱۳] نیز مأمورین محترم بدون هیچ دلیلی به خانه سیاه آمده پیراهن‌های سیاه و کلاه‌های حزبی، دو مشعل و مقداری دفترهای حزبی را به غارت بردند.

ما این اعمال خلاف قانون را، این بازداشت سه بار در یک سال را، این غارت ما را، از طرف حکومت مدعی دموکراسی و مدعی طرفداری از قانون به اطلاع هم‌وطنان خود می‌رسانیم و علیه مسوولین امر در پیشگاه ملت ایران اعلام جرم می‌کنیم.

---

۱. **سومکا**، س ۱، ش ۳۴ (۱۳۳۲/۱/۲۶)، ص ۴

۲. مقایسه شود با سند شماره‌ی ۱۵۴

۳. مقایسه شود با سند شماره‌ی ۱۵۷. هم‌چنین بنگرید به: بخش اول پاورقی ۴، ص ۱۰۸

ضمناً به اطلاع هم وطنان می‌رسانیم که از این پس هر عملی با اونیفورم سیاه ما، تا اطلاع ثانوی در تهران، انجام گیرد ربطی به حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران نداشته، توطئه حکومت «ملی» و شهربانی محترم اوست.

شاد ایران، شاد رهبر.

از طرف سرپرست سومکا.

[سند شماره‌ی ۱۷۰]

پاسخ مثبت به درخواست وکیل منشی‌زاده جهت ملاقات هفتگی با او

ریاست زندان شهربانی

آقای [illegible] مصطفی طاهرزاده وکیل مدافع آقای داود منشی‌زاده

تقاضا نموده‌اند که اجازه داده شود هفته‌ای یکبار ایشان با موکل خود ملاقات

و خود را برای دفاع آماده نمایند قدغن فرمایید در این مورد [illegible]

[illegible] طبق مقررات زندان هفته‌ای ... ده و در موقع مراجعه اجازه

ملاقات با نامبرده داده شود

از طرف فرمانداری نظامی تهران

[سند شماره‌ی ۱۷۱]

دستور اعزام دکتر منشی‌زاده به دفتر فرمانداری نظامی

فوری

ریاست زندان لشکر ۲

قدغن فرمایید زندانی شماره ۵ دکتر منشی‌زاده را با حفاظت

تحت حفاظت فوراً به دفتر فرمانداری نظامی اعزام دارند و تحویل نمایند که مجدداً به زندان عودت داده شود

از طرف فرماندار نظامی تهران

رسید ساعت ۱۲/۵ روز ۲۰/ ۱/ ۳۲ رسید ...

[امضا]

[سند شماره‌ی ۱۷۲]

گزارش ملاقات وکیل منشی‌زاده با وی

ادارهٔ ....
دایره ....
تاریخ ....
شماره ۱۰۷۰
پیوست ....
موضوع ....

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

مدل -
در جواب مراسله حروف، اعداد ممیزه که متمم شماره است با شماره ذکر شود

تیمسار فرمانداری نظامی تهران

عطف بمرقومه شماره ۱۶۴ - ۳۲/۱/۱۹ طبق گزارش شماره ۸۵۴ -
۳۲/۱/۲۲ دایره بازداشتگاه آقای مصطفی شاهمرزاده وکیل مدافع
روز ۳۲/۱/۱۹ در حضور رئیس دایره مزبور آقای داود منشی زاده
زندانی را ملاقات نموده راجع بجریان پرونده مذاکره نموده‌اند و آموزش
داده شده در هفته یکمرتبه چنانچه وکیل مدافع برای ملاقات مراجعه
نماید طبق مقررات اجازه ملاقات داده شود -

معاون اداره زندان - سرهنگ ۲ افشاری

[سند شمارهٔ ۱۷۳]

دستور فرمانداری نظامی مبنی بر شناسایی رهبر حزب سومکا در غیاب منشی‌زاده و تعیین سمت سرهنگ شیبانی در حزب

شماره ______

تاریخ ______

پیوست ______

وزارت دفاع ملی

فرمانداری نظامی شهرستان تهران و حومه

خیلی فوری ـ محرمانه

۲۲/۱/۴۲

ریاست اداره اطلاعات شهربانی

متمنی است دستور فرمائید مامورین ویژه آن اداره تحقیق نمایند که در غیاب دکتر منشی زاده حزب سومکا را چه کسی اداره مینماید ونتیجه را اعلام فرمایند.

ضمناً سرهنگ شیبانی در آن حزب چه سمتی دارد

رئیس ستاد فرمانداری نظامی ـ سرهنگ ستاد امینی

۴۲/۱/۲۲

[سند شماره‌ی ۱۷۴]

دستور اعزام منشی‌زاده به دفتر فرمانداری نظامی

تاریخ .... ماه ۱۳۳

فوری

۹۱۸

۲۳/۱/۳۲

ریاست زندان شهربانی

مقتضی است دستور دهید زندانی داود منشی زاده را به مراقبت مدیریت فرمانداری نظامی

اعزام و مشارالیه را بعداً به زندان مراجعت دهند

از طرف فرمانداری نظامی تهران رئیس دفتر سرهنگ

۲۳/۱/۳۲

ساعت ۱۸ تحویل اداره زندان داده شد

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۷۵]

اعلام سمت سرهنگ شیبانی در حزب سومکا

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره ....
دایره ....
شعبه ....
پاکنویس کننده ....
تاریخ خروج ۱۳۲

شماره ۱/۱۴۴۹۴
جزوه‌دان .... پرونده ....
شماره های قبل ....
پیوست ....
تاریخ پیش نویس ....
فوری ـ محرمانه

ریاست ستاد فرمانداری نظامی قسمت

معطوفاً بشماره ۸۴۶ – ۲/۶/۳۲ بموجب گزارش مأمورین ویژه سرهنگ بازنشسته شیبانی مسئول گروه مردان حزب سومکا و در غیاب دکتر منشی‌زاده رهبری حزب مزبور را بعهده دارد.

رئیس اداره اطلاعات – درخشانفر

[سند شماره‌ی ۱۷۶]

دستور احضار سرهنگ شیبانی برای ملاقات با فرماندار نظامی

شماره ــــــــ   پیوست ــــــــ

تاریخ ــــــــ

وزارت دفاع ملی

فرمانداری نظامی شهرستان تهران و حومه

۱۲۳۷

ریاست اداره اطلاعات

بازگشت به ۱/۴۴۹۴ – ۲۹/۱/۳۲ دستور فرمائید به سرهنگ بازنشسته شیبانی ابلاغ نمایند که برای ملاقات تیمسار فرماندار نظامی در فرمانداری نظامی حاضر شوند.

رئیس ستاد فرمانداری نظامی تهران – سرهنگ ستاد [illegible]

[سند شماره‌ی ۱۷۷]

تقاضای دکتر منشی‌زاده جهت ملاقات با فرماندار نظامی تهران

۱۴/۲/۳۲ - ۷۶

فرمانداری محترم نظامی

چنانکه امروز جمعه در جلسه آقای
وزیر کشور در دفتر شهربانی مذاکره شده
اینجانب امروز حضوراً خدمت
برسم خواهشمندم وقت تعیین فرمایند
شرفیاب شوم

دکتر منشی‌زاده

[illegible]

۱۳

[سند شماره‌ی ۱۷۸]

دستور انتقال منشی‌زاده جهت ملاقات با فرماندار نظامی

یادداشت

تاریخ .... ماه .... ۱۳۳ شماره ....

خیلی فوری

ریاست زندان موقت شهربانی.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۹۴۳

۴۶/۳/۱۳

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۷۹]

تقاضای بازپس دادن لوازم ضبط شده در حزب سومکا به نماینده‌ی آن

۳۲/۲/۲۳

فرمانداری نظامی تهران

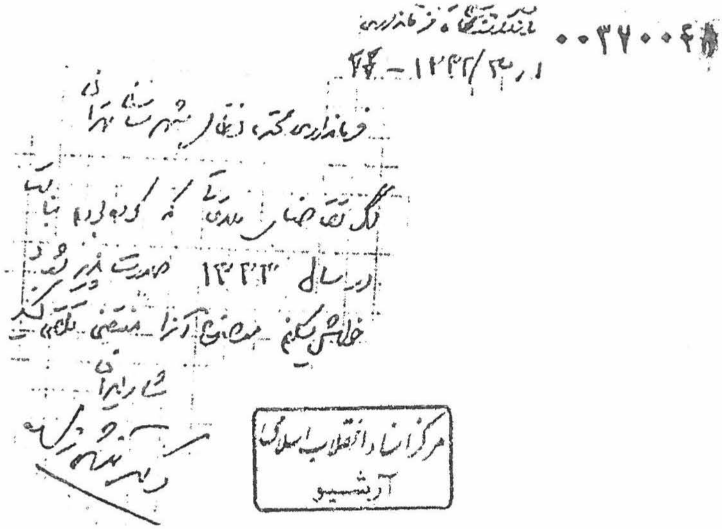
در طول ماه‌های اخیر چندین بار مأمورین آن فرمانداری به محل حزبی ما (خانهٔ سیاه) حمله برده پس از بازرسی‌ها مقداری از وسائل حزبی را با خود برده‌اند.

چون ضمن وسائل مزبور مقداری از دفترهای مربوط به روزنامهٔ سومکا، شناسنامهٔ افراد حزبی، آنکت‌های افراد، درفش‌ها و شمع‌ها، بهیچوجه نمیتوانند موردی برای توقیف داشته باشند خواهشمند است با استرداد لوازم مذکور موافقت بعمل آید.

[illegible]

[سند شماره‌ی ۱۸۰]

اعتراض منشی‌زاده به تعیین نشدن وقت ملاقات با فرماندار نظامی



دبیرخانه فرمانداری ۰۰۳۲۰۰۴

۱۰/۲۴/۱۳۳۲ - ۴۴

فرمانداری محترم نظامی شهرستان تهران

تلگراف تقاضای ملاقاتی که کرده بودم بنا بود

در سال ۱۳۳۳ صورت پذیرد

خواهش میکنم مستدعی است آن را منتفی تلقی کنید

[illegible]

داریوش منشی‌زاده

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۸۱][1]

دستورات رهبر حزب به اعضای آن مبنی بر رعایت دیسیپلین و بدگویی نکردن اعضا از یک‌دیگر و شرکت در مراسم حزبی

دفتر رهبری سومکا	تاریخ: ۳۲/۲/۳۱[۱۳]

زندان

هم پیمانان عزیزم

۱ـ در شمارهٔ گذشته روزنامه اشاره کرده بودم ـ و در «پیکار با اهرمن» مفصلاً تصریح شده است که موجودیت حزب ما و پیشرفت این نهضت خدایی بزرگ بر پایهٔ دیسیپلین[2] و انضباط آهنین ما استوار است. دیسیپلین، که من به صورت یک سنت تغییرناپذیر سوسیالیسم ملی همیشه، در همهٔ موارد روحاً و جسماً از شما خواستار بوده‌ام.

دیسیپلین حزبی عبارت از تغیر و تشر زدن نیست و با قیافهٔ عبوس و توهین به افراد و شخصیت آن‌ها به هیچ وجه کاری ندارد.

دیسیپلین حزبی یعنی سرسپردگی به فرمان‌های حزبی، در اخلاق و عمل بر طبق «پیکار با اهرمن» زندگی کردن، رعایت سلسله مراتب حزبی.

۲ـ دیسیپلین اخلاقی حزبی ایجاب می‌کند و من مصراً از همهٔ افراد می‌خواهم[3] و همه‌ی مسوولین حزبی را متوجه این نکته می‌کنم که هر گونه بدگویی و پرچانگی و ایراد پشت سر از هم پیمانان دیگر را سرکوب[4] کنند.

۳ـ قضاوت سریع دربارهٔ هر کس و هر چیزی از کثیف‌ترین دردهای اجتماعی ماست و مجبوریم با گرز و شمشیر با آن مبارزه کنیم.

بازرسی و آیین داری حزب مراقب طرز عمل و اخلاق فرد فرد هم پیمانان من هستند، گزارش‌های آن‌ها مستقیماً به دست خود من می‌رسد و من کوچک‌ترین انحراف را خودم

---

۱. شیر شرق، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۱، ش ۴۳ (۱۳۳۲/۴/۳)، ص ۲

۲. اصل: دیسپلن.

۳. اصل: می‌خواهیم.

۴. اصل: سرکوبی.

سرکوب[1] می‌کنم.
دور هم نشستن و عیوب دیگران را شمردن کار پیرزن‌هاست، نه کار مردان ناسیونال سوسیالیست!

۴ـ انضباط سربازی حزبی و روحیهٔ پهلوانی و سربازی بایستی کمافی‌السابق در همهٔ موارد موبه‌مو مراعات شود.

۵ـ از تعلیمات صفی تنها و فقط گروه «مردان سومکا» معاف هستند.

۶ـ در هنگام شامگاه همهٔ هم پیمانان حاضر در حزب ـ بدون استثناء ـ از هر گروه و با هر مسوولیتی، باید شرکت کنند.

۷ـ هر گونه نقل قولی از طرف من (به نام رهبر)، که مستند نباشد و ساختگی و جعلی باشد ـ هر جا، از دهان هر کس و برای هر منظوری که باشد، من به صورت استفادهٔ نامشروع از حقوقی که هم پیمانان به من تفویض کرده‌اند، تلقی نموده و شدیداً بازخواست خواهم کرد.

۸ـ در ملاقات‌های در زندان از صمیم قلب خوشحال خواهم بود، هر چه بیشتر رفقای حزبی را در اونیفورم حزبی ببینم. شما همه می‌دانید که من «پیراهن سیاه» سومکا را از هر لباس دیگری زیباتر می‌شناسم و بیشتر دوست دارم.

۹ـ فرمان‌های رهبری کماقی السابق به وسیلهٔ دفتر رهبری و سرپرست وفادار دفتر من، هم پیمان شاپور زندنیا ابلاغ خواهد شد.

۱۰ـ وفای من نسبت به فرد فرد شما ناگسستنی است، اگر خود سال‌ها در زندان بمانم.

پاینده حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران،

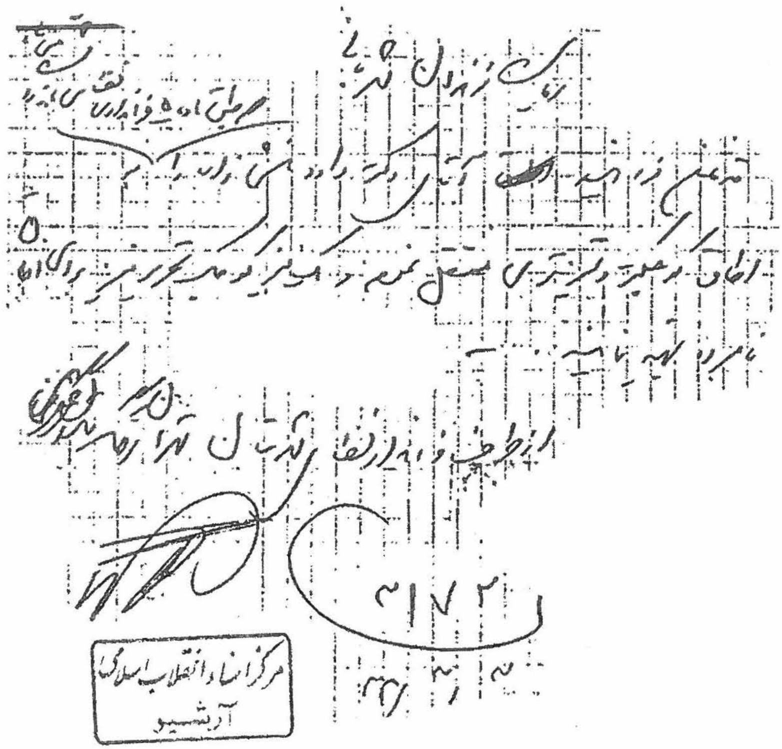
شاد ایران، منشی‌زاده.

---

۱. اصل: سرکوبی.

[سند شماره‌ی ۱۸۲]

دستور انتقال منشی‌زاده به اتاق کوچک‌تر و تمیزتر در زندان



[سند شماره‌ی ۱۸۳]

تقاضای منشی‌زاده جهت دریافت «جیره‌ی نقدی سیاسی» به جای غذای زندان

دفتر رهبری «سومکا»
تهران ـ خانقاه ـ خانهٔ سیاه

تاریخ ۳۲/۳/۸ ـ ۲۶
شماره ....

دکتر منشی‌زاده
بازداشتگاه فرمانداری

فرماندار محترم نظامی شهرستان تهران

خواهشمندم مقرر دارید از این تاریخ مخارج روزانهٔ غذای من (جیرهٔ نقدی سیاسی با اطلاع زندان شما) بمن پرداخته شود. ضمناً تذکر میدهم که من در تحت رژیم طبی هستم و غذاهای معمولی را نمیتوانم مصرف کنم.

با تقدیم احترامات

[illegible]

دکتر منشی‌زاده

[illegible]

P.S.:

دستور شما راجع به میز هنوز اجرا نشده و منهم علاوه بر عادت بعلت [illegible] نمیتوانم روی زانو چیز بنویسم یا روی زمین غذا بخورم.

[illegible]
۱۱/۳/۳۲

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۸۴]

شکایت منشی‌زاده از پرداخت نشدن «جیره‌های نقدی سیاسی»

تاریخ ۳۲/۳/۱۸

شماره ....

دفتر رهبری « سومکا »

تهران ـ خانقاه ـ خانهٔ سیاه

دکتر منشی‌زاده

زندان فرمانداری

فرمانداری کل نظامی تهران

قریب بیش از ده روز می‌شود که برای پرداخت مخارج شاه و ملاقات [illegible] جیرهٔ نقدی سیاسی با جملهٔ (زندان شاه!!) نوشته‌ام و علت آن را نیز ذکر کرده‌ام. تا کنون ترتیب اثری داده نشده.

آیا شما خیال می‌کنید که می‌توانید زندانی [illegible] کسی را تعدیل نکرده [illegible] یا آنکه قصد می‌کنید من هم مثل آن [illegible]

یا آنکه [illegible]

در زندان وابستهٔ [illegible] صاحب منصبان [illegible] بسته‌ام؛ در خانه می‌نشینم و از آسمان [illegible] برایم بیاورد.

آقای فرماندار [illegible] من [illegible]

[illegible]

شاد ایران

دکتر منشی‌زاده

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۸۵]

ارسال درخواست سرپرست دفتر رهبری حزب سومکا به کلانتری ۳

فوری

ریاست کلانتری ۳

بپیوست رونوشت دادخواست سرپرست دفتر سومکا به پیوست ارسال تعیین فرمایید

گزارش نتیجه در مورد دستگیری ضارب به این اداره و پرونده امر [illegible]

[illegible] فرمانداری نظامی [illegible]

از طرف فرماندار نظامی شهرستان تهران و حومه [illegible]

پیوست به پاسخ ۵۴ / ۲۲/۳/۳۲ به دفتر رهبری سومکا ارسال گردد.

از طرف فرماندار نظامی شهرستان تهران و حومه [illegible]

۱۳۹۸۴/۱

۱۸/۳/۳۲

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۸۶]

شکایت سرپرست دفتر رهبری حزب سومکا از یکی از اعضای حزب توده

تاریخ ۱۶/۳/۳۲

شماره ۵۴

دفتر رهبری «سومکا»

تهران ـ خانقاه ـ خانهٔ سیاه

ریاست محترم کلانتری ۴

رونوشت فرمانداری نظامی تهران

پیرو نامه شماره ۵۰ به اطلاع شما میرسانیم که روزنامه فروش بالشویک محمد ابراهیم رنجبر که یک چشم دارد، امشب مجدداً با اوباشی بالشویک در وسط لاله‌زار به دو تن از هم پیمانان ما حمله کرده یکی از آنها امیرحسین رزاقی را مضروب نموده چاقو زده است، چنانچه سابقاً یادآور شدیم این عملیات را بحساب تساهل مقامات انتظامی میگذاریم، درصورتیکه تا ۲۴ ساعت نامبرده دستگیر نشود خود اقدام خواهیم کرد و مسئولیتی متوجه ما نخواهد بود

شاد ایران

سرپرست دفتر رهبری سومکا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[سند شماره‌ی ۱۸۷]

تقاضای آزادی یکی از اعضای سومکا

سومکا

دفتر رهبری سومکا
تهران، خانقاه، خانهٔ سیاه

تاریخ ۳۲/۳/۲۰
شماره ما ۵۰
شماره شما ....

فرمانداری محترم نظامی تهران!

به‌موجب نامهٔ شمارهٔ ۵۴ یادآوری میشود
که ضارب (محمد ابراهیم زنجبر) توسط هم‌پیمانان
ما تحویل مامورین کلانتری ۳ شد، ولی
به بهانهٔ شکایت او دربارهٔ اینکه هم‌پیمان
ما تفنگدار که مشغول جلب او بوده است
او را تهدید و جلب نموده، کلانتری نامبرده
را نیز همراه ضارب، برخلاف قانون
همراه پرونده شمارهٔ $\frac{۲۷۴۴۴}{۳۲/۳/۱۹}$ به دادسرای
نظامی فرستاده تا امروز در بازداشت نگاه داشته‌اند.
چون این عمل قانوناً صحیح نیست،
تقاضا میشود فوراً رسیدگی بشود نتیجه را
به ما اطلاع دهید که موجب امتنان خواهد بود.

از طرف دفتر رهبری سومکا
[illegible]

[سند شماره‌ی ۱۸۸]

گزارشی از تجمع عده‌ای از نوجوانان در مقابل حزب سومکا

مورخه .... ماه ۱۳۳

شماره ....

موضوع ....

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره .... دایره .... شعبه ....

گزارش

به عرض میرساند

حسب‌الامر اینجانب عباس شیدائی از ساعت ۸ صبح روز ۳۲/۳/۲۹ در مقابل حزب سومکا
واقع در خیابان خانقاه حضور یافته و مشاهده شد که در حدود سی الی چهل نوجوان در
داخله حزب مزبور اجتماع ولی هیچگونه تظاهراتی ابراز نمیداشتند. در ساعت ۱۲ نیز
میتینگ دهندگان جلو مجلس خط سیر خود را جلو حزب فوق قرار داده و با کمال
آرامش از جلو حزب سومکا بدون هیچگونه تظاهرات خلافی عبور کردند ولی موقعیکه
صف آخر میتینگ دهندگان از جلو درب منزل حسین خطیبی عبور مینمودند تمام خطیبی
شروع به اهانت به مقام دولت کردند. در خانه آقای کبیری و هم نیز مأمورین پاسبان نیز
از ابتدای صبح تا انتهای وقت ساعت ۱۳ در محل فوق حضور داشتند و در موقع
عزیمت اعلامیه پیوست را در خیابان شاه [illegible] بوسیله تقدیم مراتب گزارش عرض
[illegible] با تقدیم احترامات لازم عباس شیدائی

۳۲/۳/۲۹

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۱۲ - ۳۱

[سند شماره‌ی ۱۸۹]

اعلام تقاضای منشی‌زاده برای استفاده از ساعت هواخوری

اداره......
دائره...
تاریخ ۳ / ۱ / ۳۲
شماره ۱۱۱۷
پیوست.
موضوع.

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

ل ـ ۱
درجواب مراسله حروف و
اعداد ممیزه که مقدم شماره
است با شماره ذکر شود

فرمانداری نظامی شهرستان تهران

آقای منشی‌زاده که بموجب نامه شماره ۱۴۷۹ ـ ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۳۱ از ماده ۵ حکومت نظامی زندانی میباشد کتباً تقاضا نموده که بیش از سه ماه است زندانی است و به او اجازه داده نشده تا در محوطه آزاد گردش و از هوا استفاده نماید خواهشمند است اجازه داده شود که در یکی از محوطه‌های زندان روزانه از ساعت ... الی سه و نیم ساعت گردش و از هوای آزاد استفاده نماید.

سرپرست اداره زندان سرهنگ آ...

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۹۰]

موافقت با تقاضای هواخوری توسط منشی‌زاده

از زندانهای شهربانی تهران

به

ریاست اداره زندانهای کشور

موضوع: هواخوری داود منشی‌زاده

۱/۱۹۲۷۸

بازگشت به

۴۲/۳/۲۱

به تقاضای نامبرده موافقت حاصل است ترتیبی دهند طبق مقررات زندان رفتار نمایند.

رئیس اداره زندانهای شهربانی تهران

۴۷۲۰

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۹۱]

اختصاص جیره‌ی نقدی به منشی‌زاده به جای غذای زندان

اداره ....
دائره ....
تاریخ ....
شماره ۱۸۳۳۴
پیوست ۳۲/۳/۲۸
موضوع ....

وزارت کشور

در جواب مراسله حروف و اعداد ممیزه که منتم شماره است با شماره ذکر شود

شهربانی کل کشور

فرمانداری نظامی شهرستان تهران

عطف بنامه شماره ۳۶۰۷۶/ ۱۹/ ۳/ ۳۲ طبق گزارش شماره ۶۴۳۹/ ۲۸/ ۳/ ۳۲ دایره بازداشتگاه از روز ۲۶/ ۳/ ۳۲ روزانه بیست ریال جیره نقدی بجای جیره مطبوخ بزندانی داود منشی‌زاده پرداخت میگردد. مسیح

سرپرست اداره زندان ـ سرهنگ اصفی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۱۹۲]

لغو حق اخراج اعضای متخلف توسط پایگاه‌های حزبی به دستور منشی‌زاده

دفتر رهبری سومکا[1] تاریخ: ۳۲/۳/۳۱[۱۳]

زندان

از این تاریخ هیچ یک از تشکیلات حزبی و فرماندهان حزبی، چه در تهران چه در پایگاه‌های شهرستانی، حق ندارند هم پیمان یا هم پیمانانی را به هر گناه و جرم حزبی که باشد بدون دستور شخص من از حزب اخراج کنند.

این حق فقط و فقط در دست رهبر حزب است و بس!

حداکثر تنبیه انضباطی اخراجی برای فرماندهان حزبی را از این تاریخ ۴۸ ساعت (دو شبانه روز) در پایگاه مرکزی تهران و سه هفته در پایگاه شهرستان‌ها مقرر می‌کنم.

سرپرست دفتر رهبری مأمور است «آیین‌نامه» حزبی را با این فرمان تطبیق دهد.

پاینده حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران،

شاد ایران، منشی‌زاده.

---

۱. به نقل از: شیر شرق، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۱، ش ۴۳ (۱۳۳۲/۴/۳)، ص ۲

[سند شماره‌ی ۱۹۳]

مکاتبه شهربانی کل کشور درباره‌ی درخواست منشی‌زاده برای ملاقات با دکتر مصدق

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

شماره: ۸۳۷۵/ک ۱۹۷۸۹/ز پیوست: یک برگ

تاریخ: ۱/۴/[۱۳]۳۲

ریاست ادارهٔ دفتر کل نخست‌وزیری(۱)

آقای دکتر داوودمنشی‌زاده، بازداشتی شماره ۹۱۴۷/- ۱۵/۱۲/[۱۳]۳۱ فرمانداری نظامی، عرض حالی از وضعیت خود معروض و تقدیم نموده که عین مشروحهٔ نام‌برده به پیوست ایفاد می‌گردد.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور- معزی

[امضا]

[حاشیه‌ی پایین:] خدمت جناب آقای ملکوتی معاون محترم نخست‌وزیر. ۳/۴/[۱۳]۳۲.

[اثر مهر:] ورود به کابینه ریاست وزراء، تاریخ: ۲/۴/[۱۳]۳۲، نمره: ۱۰۶۲۰.

[اثر مهر:] بازرسی شد.

---

۱. مرکز اسناد ریاست جمهوری، بایگانی اسناد نخست‌وزیری، پرونده‌ی شماره‌ی ۱۴۲۶۵. به نقل از: ***اسنادی از احزاب سیاسی در ایران***، صص ۳۳۹

[سند شماره‌ی ۱۹۴]

نامه‌ی منشی‌زاده به نخست‌وزیر و تقاضای ملاقات حضوری

دفتر رهبری «سومکا»
تهران ـ خانقاه خانهٔ سیاه
دکتر منشی زاده
[illegible]

تاریخ ۳۲/۳/۲۷
شماره ـــــ

جناب آقای نخست وزیر!

معتقدم که یک سهم بزرگ از تبلیغاتی که علیه حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) و نسبت به شخص من، که با جرأت میتوانم بگویم پاک‌ترین و از خودگذشته‌ترین فرزندان این ملت، وارد میشود، بر پایهٔ شایعات و سوء تفاهمات است.

آیا بهتر نیست ـ با اجازهٔ شما ـ در یک جلسهٔ کوتاه حضوری این MYTHE DE LA BÊTE NOIRE مرتفع گردد؟

شاد باد ایران
دکتر منشی زاده

[illegible] ۳۲/۳/۲۸

* MYTH DE LA BÊTE NOIRE: اسطوره حیوان سیاه (کنایه از فرد نفرت انگیز)

[سند شماره‌ی ۱۹۵]

پاسخ معاون مصدق به تقاضای ملاقات منشی‌زاده

[نشان شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

شماره خصوصی: ۱۰۶۲۰ تاریخ: ۳۲/۴/۴[۱۳]

آقای دکتر داوودمنشی‌زاده[۱]

در جواب نامهٔ مورخ ۳۲/۳/۲۷[۱۳] زحمت می‌دهد: چون جناب آقای نخست‌وزیر به علت کسالت و گرفتاری‌های زیاد از ملاقات معذور هستند خواهشمند است مطالب خود را مرقوم فرمایید تا عرض معظم‌له برسد.

معاون نخست‌وزیر ـ جمال ملکوتی

رونوشت عطف به نامهٔ شماره ۱۹۷۸۹/۸۳۷۵ – ۳۲/۴/۱[۱۳] برای اطلاع شهربانی کل کشور فرستاده می‌شود.

معاون نخست‌وزیر ـ جمال ملکوتی

[امضای پیش‌نویس: ضیایی] ۳۲/۴/۱[۱۳]

---

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش. ب ۳۷۰، ش. س ۶۰. این سند، بدون مطلب حاشیه، در اثر زیر نیز منتشر گردیده است: ***اسنادی از احزاب سیاسی ایران***، ص ۳۴۰

[سند شماره‌ی ۱۹۶]

پیام منشی‌زاده به مناسبت دومین سال انتشار هفته نامه‌ی «سومکا»

دفتر رهبری [۱۳]۳۲/۴/۸

(سال سوم سومکا)

پیام رهبر(۱)

در آغاز دومین سال «روزنامهٔ سومکا»

دفتر روزنامهٔ ارگان حزبی

هم پیمانان عزیز من، فعالیت یک ساله شما، فداکاری‌های بی‌نظیر شما و همهٔ رفقای حزبی که در تنظیم قسمت اداری و نویسندگی و فروش دسته جمعی روزنامه با شما کمک کرده‌اند، در تاریخ تبلیغات حزب فراموش نشدنی است.

زحمات و شدایدی که فرهنگدار سومکا و سرپرست دفتر روزنامه از ۱۴ تیر ۱۳۳۱(۲) (سال دوم سومکا) تا به امروز متحمل شده‌اند، یقین داشته باشید که در آیندهٔ نزدیکی مورد تقدیر ملت ما قرار خواهد گرفت. من از ذکر نام فرد فرد شما خودداری می‌کنم، ولی نام شما در قلب من نقر و حک شده [است]. نه تنها شما که امروز در پست‌های تبلیغات حزبی فعالیت می‌کنید، بلکه همهٔ آن‌هایی که تاکنون سهم فعالیت خود را انجام داده‌اند.

شما وظایف حزبی و ملی را به نحو احسن و اکمل انجام داده‌اید.

پیوند ما پیوند[ی] ناگسستنی است و من با یک تشکر سادهٔ سربازی سومکایی موفقیت یک سالهٔ همهٔ شما را تبریک می‌گویم.

شاد ایران، منشی‌زاده.

---

۱. شیر شرق، نشریه‌ی حزب سومکا، س ۲، ش ۴۴ (۱۳۳۲/۴/۱۰)، ص ۴

۲. تاریخ انتشار اولین شماره‌ی سومکا

[سند شمارهٔ ۱۹۷]

تقاضای ارسال بقیه‌ی لوازم ضبط شده حزب سومکا توسط فرمانداری

تاریخ ۱۰/۴/۳۲/۳ ارسال حزب سومکا

فرمانداری محترم نظامی شهرستان تهران

از تاریخ ۸ شهریور ۱۳۳۱ تا تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۳۱ تعداد چهار [illegible] داک دستی تیر مربوط بجبهه کارگران سومکا و دو دوربین و ۴۰ سردرفش حزبی با شماره ۴ شعبه توسط آقایان شهربانی و فرمانداری نظامی مشترکاً ضبط و تاکنون مسترد نشده. یک قفسه سیاه که محتوی اوراق اداری بود از طرف فرمانداری نظامی مسترد گردیده است.

با تشکر از [illegible] و همکاری آن فرمانداری [illegible] تقاضا می‌شود [illegible] مقرر فرمایند که اشیاء فوق نیز هرچه زودتر مسترد گردد.

سومکا ایران
مدیریت دفتر رهبری سومکا
[امضاء]

[سند شماره‌ی ۱۹۸]

اعلامیه‌ی گروه حمله‌ی حزب سومکا، پایگاه تبریز[۱]

اعلامیه پایگاه تبریز

یک تن برای همه **همه برای یک تن**

هم میهنان: مردان شرافتمند بازار، روحانیون، کارگران ایران‌پرست، دانش پژوهان و ایران فرزندان آذرین نهاد. به فرمان خون و خاک، ما سربازان سوسیالیست ملی، پرچم نژاد برتر را در سرزمین مردان دلاور می‌افرازیم. آرمان ما، نبرد ما، آن وجود مقدسی است که ملت نام دارد و اینک شما به نام این وجود مقدس، به نام این سرزمین پاک فدایی و به نام این خون و خاک برای یک نبرد جاویدان علیه اهریمنان و دشمنان دین و ملیت و وطن، دست به دست برادران خود بدهید.

کارگران ایران‌پرست

خطاب ما به شما است و شما را می‌خوانیم تا با ما سربازان سیاهپوش که برای رهایی این آب و خاک و این خون و نژاد که اکنون به دست عناصر پست بلشویک روسیه و جیره‌خواران سفارت‌خانه‌های اجنبی و به دست این وطن فروشان و بیگانه‌پرستان که عقایدی جز اجنبی‌پرستی ندارند هم پیمان شده و برای نجات میهن نبرد کنیم. نبردی دلاورانه کنیم تا اینکه عمال دول اجنبی و نوکران مسکو و مالکین غارتگر و کلان سرمایه‌داران و کسانی که به دین و وطن مقدس ما ضیافت می‌کنند نابود سازیم.

هم‌وطنان

نوکران بیگانه، روسیه را پناهگاه بیچارگان می‌نامند. غافل از آن که در آذر ماه ۲۵[۱۳] امتحان پناهگاهی خود را داده است. امتحانی که جنایتکاران و خائنین به دین و ملیت را [...][۲] جای داده است، اجنبی در نظر فرزندان وطن یکی است. خواه روسیه [...][۳] خواه انگلیس و آمریکا... باشد. سومکا تحقق بخشنده. آمال ملی، باز گرداننده قدرت

---

۱. به نقل از: شیر شرق، **نشریه حزب سومکا**، س ۲، ش ۴۵ (۱۳۳۲/۴/۲۴)، ص ۲

۲. به علت افتادگی، یک کلمه خوانده نشد.

۳. به علت افتادگی، یک کلمه خوانده نشد.

خلاّقه فرهنگ ایرانی است و سیمرغ عظمت گسترده بالش در فردای نزدیک بر قلل و دشت‌های این سرزمین خدایی و بر سر این نژاد کوه پیکر ابدی سایه گستر خواهد بود. سومکا سنگر مردان ایران پرست و سنگر کارگران ستم‌دیده و قلعه شکست‌ناپذیر وطن‌دوستان است. هم‌وطنان رشید، به سومکا بپیوندید، با او و از او باشید تا این روزگار تیره زبونی زودتر به سر آید. به صفوف سومکا ملحق شوید که نگهدارنده ملیت و وطن مقدس است. درودی آتشین به رهبر فولادین ناسیونالیست‌ها که هر لحظه ما را برای نجات وطن و برای احیای ایران بزرگ و با عظمت راهنمایی می‌کند و اکنون در زندان حکومت دموکراسی منحوس به جرم ایران پرستی به سر می‌برد. بیگانه پرستان ونوکران روسیه بلشویک و کسانی که با آن‌ها به نام حزبک «ایران» و «نیروی سوم» آمریکایی هم‌کاری و ائتلاف می‌کنند از چنگال انتقام گروه حمله کارگران ایران‌پرست به در نخواهد رفت.

فروزان آتش مقدس ایران

پاینده حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران «سومکا»

شاد ایران

«گروه حمله»

[سند شماره‌ی ۱۹۹]

گزارش آماده شدن اعضای سومکا برای شرکت در درگیری‌ها

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره .... دایره .... شعبه ....

رونوشت گزارش

مورخه .... شماره ....

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۰۰]

اعلامیه حزب سومکا پس از آزادی منشی‌زاده

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران[۱]

هم میهنان!

پس از متجاوز از ۵ ماه، اینک یک بار دیگر رهبر ما به میان صفوف پر افتخار حزبی ما باز می‌گردد.

یک بار دیگر مرد فولادینی که در سراسر این کشور به استحکام و قدرت شناخته شده است و تنها مایۀ[۲] امیدواری آینده این سرزمین به شمار می‌رود، مبارزه خود را آغاز می‌کند.

پنج ماه پیش، دستگاه دولتی که در وجود رهبر ما بزرگ‌ترین حریف خود را به چشم می‌دید، به بهانه‌های احمقانه و به منظور آن که فعالیت حزبی ما را دچار وقفه سازد، دست به بازداشت رهبر سومکا زد و امروز که پس از این مدت دراز به ناچار او را آزاد می‌کنند، باید مطمئن باشند که در روش سخت ما هیچ تفسیری حاصل نخواهد شد.

مبارزه ما از این پس بی‌پرواتر و خونین‌تر خواهد بود و مخصوصاً به آن‌ها که آرزوی ایجاد «جمهوری توده‌ای ایران» را در سر می‌پرورانند اعلام می‌کنیم که قوی‌ترین و خطرناک‌ترین دشمنان خود را در وجود ما خواهند یافت.

پاینده حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

شاد رهبر

شاد ایران

---

۱. به نقل از: «خبرگزاری سومکا خبر می‌دهد» سومکا، س ۲، ش ۵۱ (۱۳۳۲/۶/۶)، ص ۶

۲. اصل: مایه.

[سند شماره‌ی ۲۰۱]

تحت نظر داشتن اعضای سومکا در تبریز، علی‌رغم متوقف شدن فعالیت‌های آن پایگاه

اداره اطلاعات
دائره
تاریخ ۱۳۳۲/۵/۲۶
شماره ۳۲۵۸۷/ه
پیوست
موضوع
(محرمانه)

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

در جواب مراسله حروف و اعداد میزه که متمم شماره است با شماره ذکر شود

ریاست ستاد ارتش

شهربانی تبریز گزارش میدهد با اینکه ضیاء رضوی مسئول حزب سومکا در تبریز طی نامه ای انحلال حزب مزبور را در تبریز اعلام داشته و فعالیتی ندارند مع الوصف عملیات افراد منتسب به حزب مذکور تحت مراقبت مامورین میباشد.

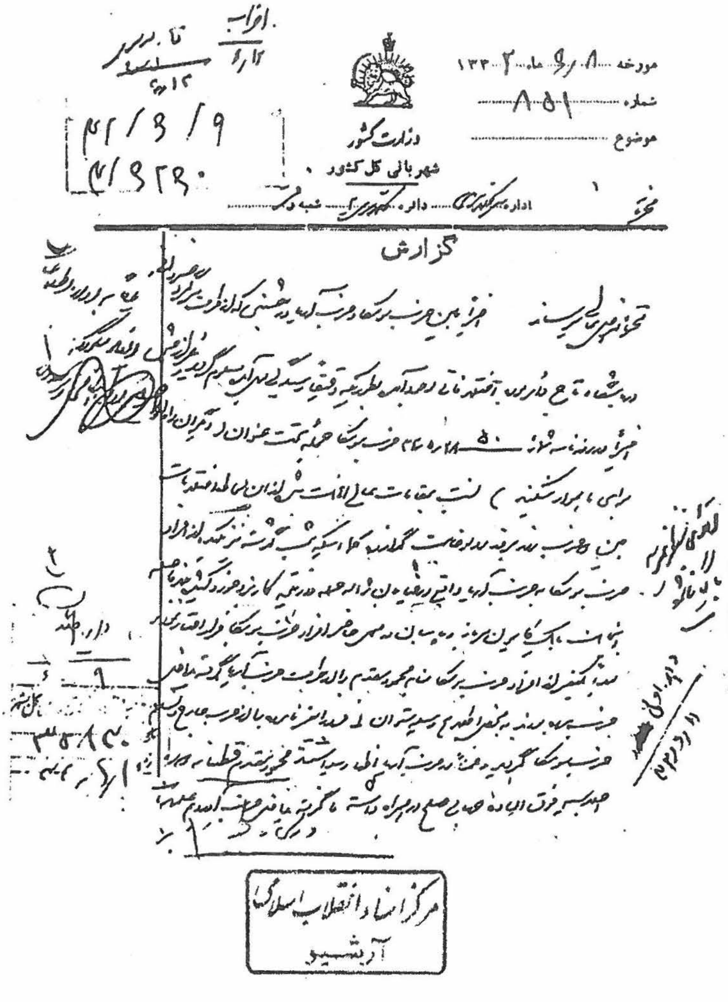
رئیس شهربانی کل کشور - سرتیپ مدبر

۱۳۳۲/۵/۲۹

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۰۲]

گزارشی از درگیری‌های اعضای احزاب سومکا و آریا



مورخه ۸ / ۹ ماه ۲ ۱۳۳

شماره ۸۵۱

موضوع

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره ... دایره ... شعبه ...

گزارش

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۰۳]

گزارشی از ادامه‌ی اختلاف بین رهبران احزاب سومکا و آریا

به قرار اطلاع [illegible] بین رهبران حزب سومکا [illegible] تماس گرفته [illegible] رفع اختلافات بین رهبران حزب [illegible]

[illegible] ولی نتیجه حاصل نگردیده [illegible] اختلافات [illegible] در اینمورد [illegible]

[illegible] کشور [illegible]

[illegible] ۱۵۷

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۱۲–۹۱

[سند شماره‌ی ۲۰۴]

گزارشی از ابلاغ دستور فرمانداری نظامی به رهبران سومکا و آریا جهت ملاقات با وی

شماره ۱۰۷۹۰/۲
تاریخ ۳۲/۶/۱۱

وزارت دفاع ملی

فوری

فرمانداری نظامی شهرستان تهران و حومه

ریاست اداره اطلاعات

بفرموده دستور فرمایند به آقایان دکتر منشی زاده و سپهر رو[illegible] حزب سومکا و آریا ابلاغ گردد که ساعت ۲ [illegible] پنجشنبه ۱۲ جاری جهت ملاقات با تیمسار خود را به رکن ۲ فرمانداری نظامی معرفی نمایند.

رئیس ستاد فرمانداری نظامی سرهنگ ستاد [illegible] ستاد لشگری

[illegible]

ورود به دفتر [illegible]
۳۲/۶/۱۱

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۰۵]

دستور بازداشت ایرج طاهری از اعضای سومکا

دادرسی ارتش [illegible] فرمانداری نظامی تهران پیشنهاد [illegible]

۱/۱۱۲۴۱

۱۴/۹/۴۲

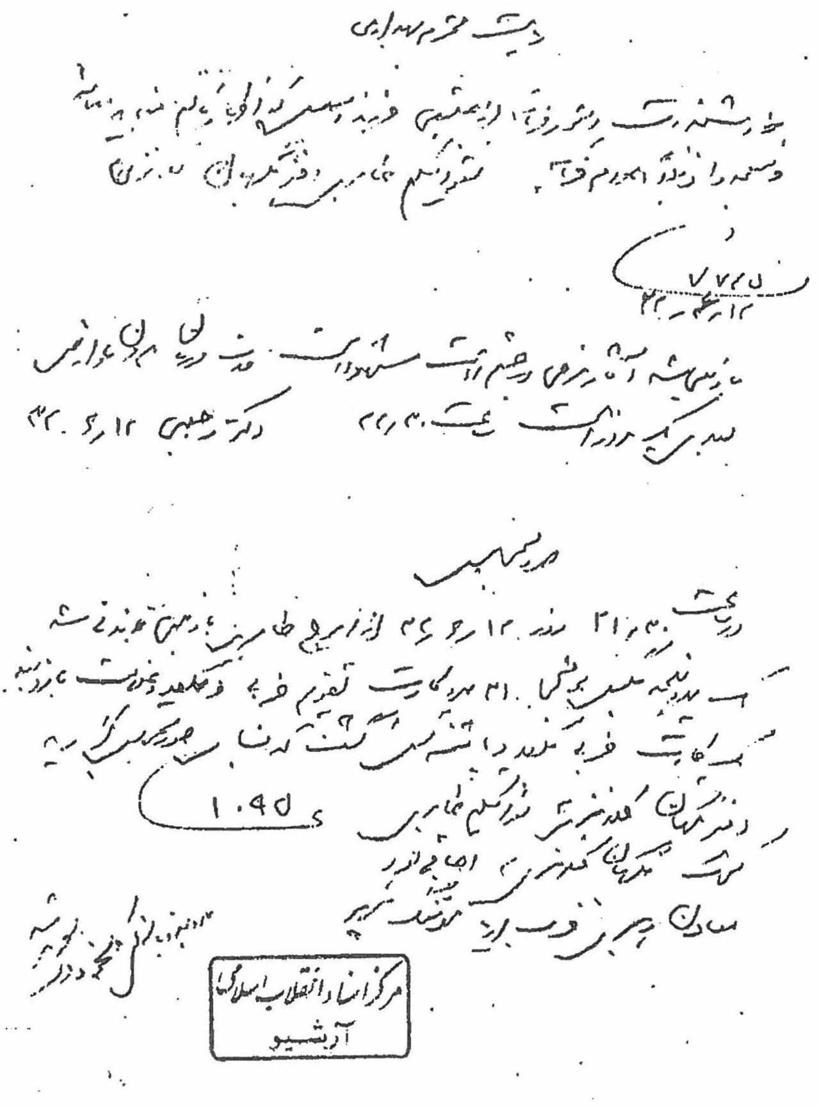
[illegible]

۱- ایرج [illegible] طاهری

رونوشت برابر با اصل است

[سند شماره‌ی ۲۰۶]

معاینه علی نقی حقگو از اعضای حزب آریا و صورت جلسه بازرسی بدنی از ایرج طاهری از اعضای سومکا



[سند شماره‌ی ۲۰۷]

بازجویی از علی نقی حقگو

ج - [illegible] ۱۱۲ [illegible] از تهران [illegible]
[illegible] خیابان [illegible] کوچه شمس‌الدین [illegible] شماره ۱۲ [illegible]
[illegible] دارم [illegible]

س - علت [illegible] خود را شرح دهید

ج - [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

س - [illegible]

ج - [illegible]

س - [illegible]

ج - البته

س - [illegible] افراد [illegible]

ج - [illegible]

س - علت [illegible]

ج - [illegible]

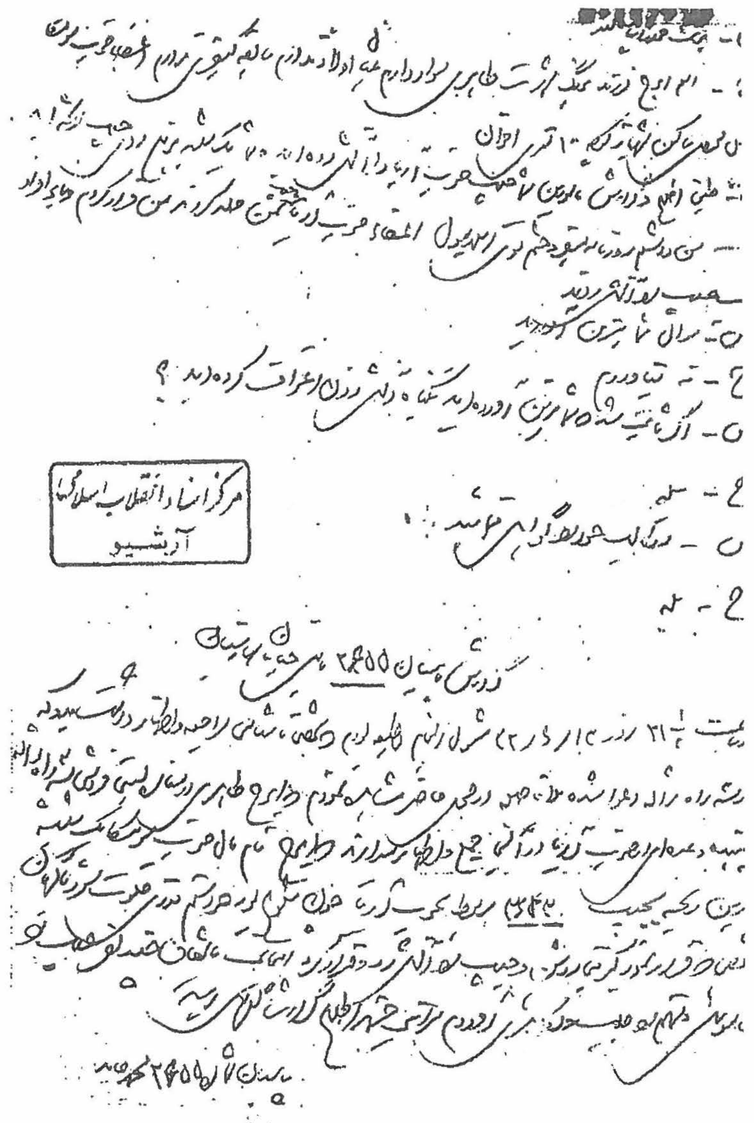
س - [illegible]

ج - [illegible]

س - [illegible]
[illegible]

[سند شماره‌ی ۲۰۸]

بازجویی از ایرج طاهری



[سند شماره‌ی ۲۰۹]

نامه‌ی ریاست رکن دوم ستاد ارتش به منشی‌زاده در خصوص تأمین خسارات وارده به حزب آریا

ستاد ارتش
رکن ۲ شعبه تجسس

۲۱۹۲
۳۲/۶/۱۶

محرمانه مستقیم

خیلی فوری

اقای دکتر منشی زاده رهبر حزب سومکا

جیپ شماره ۳۶۴۴۳ حزب آریا روز ۳۲/۶/۱۲ در سه‌راه ژاله مورد حمله عده‌ای از افراد حزب سومکا واقع وبا پرتاب شیشه بنزین ازطرف مهاجمین جیپ اتش گرفته ٠طبق تحقیقاتیکه بعمل امد معلوم گردید عامل این عمل ایرج طاهری یکی ازافراد حزب سومکا بوده ونامبرده دربازجوئی اظهار داشته که بعلت اختلافی که بین حزب سومکا واریا وجود دارد مبادرت باین عمل نموده است در وضعیت فعلی مشاهده چنین اختلافـــــاتی بین دو دسته‌ایکه خود را حامی وپشتیبان استقلال ومیهن میدانند بسیـــار بسیار تاسف آور وبرخلاف انتظار وصحبتهائی بوده که درحضور ریاست ستاد ارتش بعمل امده است واین عمل یک اصل برای عدم وجود انضباط دربین افراد ان حزب تلقی میشود ٠
توضیح مینماید ازاقدام باینگونه اعمال که دروضعیت بحرانی فعلی بدون تردید مورد استفاده مخالفین ودشمنان ایران قرار خواهد گرفت جدا جلوگیری وبوسائل مقتضی خسارت مادی ومعنوی که بوسیله یکی ازافراد ان حزب بحزب اریا وارد امده بنحو دوستانه‌ای تامین و جبران گردد ٠

رئیس رکن دوم ستاد ارتش سرتیپ سیاســـــی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۲۶

[سند شماره‌ی ۲۱۰]

گزارش فرماندار نظامی تهران به نخست‌وزیر در خصوص اختلافات احزاب آریا و سومکا

[نشان شیر و خورشید]

وزارت دفاع ملی

شماره: ۱۱۱۱۲ — تاریخ: ۳۲/۶/۱۶[۱۳]

از فرمانداری نظامی شهرستان تهران و حومه — محرمانه فوری

به: جناب آقای نخست‌وزیری

گزارش

محترماً معروض می‌دارد: اختلافاتی بین احزاب سومکا و آریا موجود است که اغلب منجر به نزاع و مشاجره گردیده و چون احزاب مزبور طرفدار مقام شامخ سلطنت و دولت بوده و با وضع فعلی صلاح نیست این نوع مناقشات بین دو حزب مزبور وجود داشته باشد، مستدعی است مقرر فرمایند ترتیبی اتخاذ فرمایند که اختلافات بین دو حزب مزبور برطرف گردد.

فرماندار نظامی شهرستان تهران- سرتیپ دادستان(۱)

[امضا]

[حاشیه‌ی پایین:] رئیس شهربانی کل، در این خصوص از من کسب تکلیف شود.

[اثر مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر، شماره: ۱۶۰۲/۴، تاریخ: ۳۲/۶/۲۲[۱۳].

---

۱. به نقل از: ***اسنادی از احزاب سیاسی در ایران***، ص ۳۴۳؛ رونوشت این گزارش در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی (ش. ب ۶۳۲، ش. ص ۸۰) نیز موجود است.

[سند شماره‌ی ۲۱۱]

بیانیه‌ی حزب سومکا، پایگاه مشهد، پس از کودتای ۲۸ مرداد

بیانیه حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا)[۱]

هم میهنان عزیز، خراسانیان شرافتمند و غیور

گرچه با قیام درخشان ۲۸ مرداد ۳۲[۱۳] پیروزی را به دست آورده، دشمنان دین و ملت را منکوب و تار و مار نموده‌ایم، ولی هنوز خطر مرتفع نشده، در مقابل دشمنان داخلی و خارجی که قصد جان و مال و شرافت ملت ما را دارند، ما هستیم و شمایید و تمام قلب‌های پرجوش و خروش دیگری که هماهنگ دل‌های ما می‌تپند.

تمام پیشامدهای ناگوار و بیچارگی‌های ما، فقط و فقط نتیجه کدورت‌ها و نفاقی است که در بین افراد ایرانی حکم‌فرما بوده و یک عده بی‌وطن و جاسوس اجنبی، آتش این نفاق را دامن زده هر روز به عناوین مختلف به نام حزب یا جمعیت...[۲] منافع اربابان خود را در نظر گرفته، به یاوه‌گویی و پرچانگی می‌پردازند.

آیا از شهریور ۲۰[۱۳] تاکنون، شما ای هم‌وطنان عزیز، همه احزاب را یکی پس از دیگری امتحان نکردید؟

اعمال و روش آن‌ها را مشاهده ننمودید؟ آیا نمی‌توانید حدس بزنید که اگر قیام ایرانیان میهن‌پرست، حتی یک روز دیگر صورت عمل به خود نمی‌گرفت وجود این مزدوران اجانب چه نتایج شوم و ننگ‌آوری در این مملکت و در تاریخ عظمت این کشور به جا می‌گذاشت؟

هم‌میهنان بیایید از گذشته پند گرفته در این لحظات حساس که مملکت ما افتخار باستانی خود را بازیافته دست به دست هم دهیم و مردانه در راه پیروزی نهایی برای به وجود آوردن یک ایران سربلند با از جان گذشتگانی که در سایه شهپرهای گستردهٔ سیمرغ آسمان عظمت ایران می‌خواهند ایران را بهشت مبارزات اساسی سازند،هم‌کاری‌کنید.

خیال نکنید که مبارزه تا همین جا خاتمه یافته و ما کامیاب هستیم.

---

۱. به نقل از: «خبرگزاری سومکا خبر می‌دهد»، سومکا، س ۲، ش ۵۳، ص ۴

۲. یک کلمه خوانده نشد.

ما هزاران موانع دیگر در سر راه پیشرفت خود داریم که باید از میان برداشته شود. دشمنان ما مثل گرگ تیر خورده در کمین نشسته و پی فرصت می‌گردند تا بار دیگر پنجه خون آشام خود را به هر وسیله شده در حلقوم ما فرو برند. ما باید با اتحاد و هماهنگی خود چنان سد محکمی در مقابل آنان بسازیم تا حالت احتضار آن‌ها به مرگ پیوندند. ما ناسیونال سوسیالیست‌ها این سد عظیم را پی‌ریزی کرده‌ایم. امروز هم افراد غیور و شرافتمند ایرانی را به تکمیل بنای آن دعوت می‌کنیم و انتظار داریم علاقمندان به عظمت اسلام و استقلال میهن با پیوستن به صفوف منظم سربازان دلیر سیاهپوش سومکا بر یکدیگر سبقت جسته، آمادگی خود را برای جانبازی در این جهاد مقدس به جهانیان اعلام نمایند.

فروزان آتش مقدس ایران

شاد ایران، شاد رهبر

حزب سومکا، خراسان، پایگاه مشهد

[سند شماره‌ی ۲۱۲]

اعلامیه حزب سومکا، پایگاه اهواز، پس از کودتای ۲۸ مرداد

اعلامیه حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (اهواز)

ملت دلیر ایران، اهالی غیور و شرافتمند خوزستان، کارگران و کشاورزان!

حزب ما یعنی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) پس از یک مبارزه طولانی و خستگی‌ناپذیر و پس از در هم شکستن مقاومت مخالفین [و] دشمنان که دشمنان ملت ایرانند موفق شد که پیروزمندانه در این جا دایر شده، شروع به کار نماید.

مزدوران خائن و عناصر بیگانه پرست [و] سرمایه داران کلان و محتکرین از هر طرف جزء هر جبهه‌ای که هستند باید بدانند که با دشمنانی سرسخت و مبارز، که حاضرند تا آخرین قطره، خون خود را فدای این آب و خاک و این خون و نژاد بنمایند، روبرو هستند و دوران وطن فروشی، خیانت و ارتشاء آنان به پایان رسیده است.

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) حزب مردان کار و فعالیت است. ما تصمیم گرفته‌ایم تمام آن عواملی راکه در این چند مدت موجب فساد و انحطاط جامعه ما و میهن سرافراز ما شده است در هم شکنیم و پرچم ملی ایران را بر فراز نیاخاک بزرگ ایران به اهتزاز در آوریم و در این مبارزه حیاتی و مقدس، فقط متکی به نیروی ملت حقیقی ایرانیم و در راه رسیدن به این هدف عالی و ارجمند و برای نجات ملت ایران از اسارت و بندگی از ایثار جان خود نیز دریغ نداریم و تا واپسین دم به سوی این آرمان بزرگ پیش می‌رویم و لحظه‌ای آسوده نخواهیم بود و با صدای بلند اعلام می‌کنیم که هیچ نوع مانع و مشکلی سبب عدم پیشرفت یاتوقف ما نخواهد شد و ما با قدرتی هر چه تمام‌تر و اراده‌ای آهنین، چنان‌که سرشته و شیوهٔ ما است، به راه خود ادامه می‌دهیم.

شاد ایران.

کانون انتشارات و تبلیغات حزب سومکا، اهواز، فرهنگداری.[۱]

---

۱. به نقل از: سومکا، س ۱، ش ۱۱ (۱۳۳۲/۶/۲۲)، ص ۲.

[سند شماره‌ی ۲۱۳]

استعلام نخست‌وزیری از شهربانی کل کشور درباره‌ی اختلافات احزاب آریا و سومکا

(مربوط به سند شماره ۲۱۰)

تاریخ ۲۲/۹/۳۲

شماره ۱۵۰۲۱/ع

پیوست ندارد

نخست وزیر

ریاست شهربانی کل کشور

با ایفاد رونوشت گزارش فرماندار نظامی تهران ، جناب آقای نخست وزیر فرمودند در اینمورد از معظم‌له کسب تکلیف شود .

رئیس کل دفتر نخست وزیر - انصاری .

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۱۴]

ارسال رونوشت نامه اعتراض‌آمیز فرماندار حزب سومکا در مشهد به استاندار خراسان، برای معاون نخست‌وزیر

[آرم حزب سومکا]

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

«سومکا» — تاریخ: ۱۳۳۲/۷/۴

پایگاه مشهد — شماره: ۱۵۱۱

عنوان تلگرافی: مشهد ـ سومکا — پیوست: یک برگ

جناب آقای عمیدی نوری، معاون محبوب و معظم نخست‌وزیری

با نهایت توقیر و احترام و اتکاء به مراتب فضل و دانش و میهن پرستی و علاقمندی آن جناب نسبت به احزاب سیاسی طرفدار عظمت و استقلال ایران، نسخهٔ سوم نامه[ای] که به عنوان جناب آقای استاندار استان نهم نگاشته شده، جهت اطلاع و صدور دستور مقتضی به پیوست تقدیم می‌دارد.

شاد ایران ـ شاد رهبر[۱]

فرمدار حزب سومکا، پایگاه مشهد ـ سطوت

[امضا]

[حاشیه‌ی پایین:] ملاحظه فرمودند.

[اثر مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر، شماره: ۲۵۶۷۱، تاریخ: ۱۱/۷/[۱۳۳]۲.

۱. به نقل از: اسناد از احزاب سیاسی در ایران، ص ۳۴۴

[سند شماره‌ی ۲۱۵]

نامه‌ی اعتراض‌آمیز فرماندار حزب سومکا در مشهد به استاندار خراسان در خصوص آگاه نکردن حزب سومکا از مسافرت محمدرضا پهلوی به خراسان

[نشان حزب سومکا]

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

«سومکا» تاریخ: ۱۳۳۲/۷/۴

پایگاه: مشهد شماره: ۱۵۱۰

عنوان تلگرافی: مشهد- سومکا پیوست: یک برگ

جناب آقای استاندار معظم استان نهم

به طوری که استحضار دارید، حزب سومکا در چنان زمانی به وجود آمده که کشور سرافراز و تاریخی ایران با دست هزارها افراد نالایق و پست و مزدور اجانب به لب پرتگاه نیستی کشانیده شده، افراد غیور و شرافتمندش صلابت اجدادی خود را از دست داده، مهیای مرگ و نیستی بودند. در همچو موقع خطیر، افراد پولادین این حزب بزرگ‌ترین مسئولیت تاریخی را به عهده گرفته و وظیفه دارند افراد متمرکز اجتماع را به ملیت خودشان و به افتخارات و سنن باستانی این ملیت که شاه‌دوستی از اهم آن‌ها است آگاه سازند. بر هیچ کس پوشیده نیست دشمنان ما چه نقشه‌های شوم و جنایت‌آمیزی برای کشور و ملت ما طرح کرده و چگونه نوامیس ملی و مذهبی ما را بازیچه قرار داده و چطور روح شهامت و ایمان و دلاوری موروثی ما را غارت می‌نمودند، که به خواست خدای ایران با قیام تاریخی ۲۸ مرداد تمام آن‌ها نقش بر آب شد. پیشرو این نهضت عظیم، شاهنشاه محبوب ایران بود که شمشیر اقتدار سلطنت را با دست توانای شاهی بر فرق دشمنان کوفت و به جهانیان ثابت کرد که ایرانی فناناپذیر است. در این صورت چنین سلطانی که خریدار تاریخ و حیات وطن ما است و در یک چنین موقعیت پر مخاطره، قدم به خانه ما می‌گذارند، چرا باید در مسیر یک انبوه نامتشکل و بی‌نظم و ترتیب قرار بگیرند. جای بسی تعجب است اولیای امور خبر مسرت‌بخش تشریف‌فرمایی ذات اقدس همایونی را به هواداران دیروز مصدق و افراد غیر متشکل می‌رسانند، لیکن

سومکا را از این افتخار ناگهانی محروم می‌سازند. حس میهن‌پرستی و شاه‌دوستی و خون پاک ایرانیت به ما اجازه می‌دهد که در مقابل این عدم توجه شدیداً اعتراض نموده، رفع این اهانت نابخشودنی را جداً از اولیای مربوطه درخواست نماییم. ما از آن‌ها که خود سربازند و با خوی سربازی آشنا و زبان ما را می‌فهمند مطمئن و چشم یاری داشته و اطمینان داریم این توهین از طرف کسانی است که وجود سومکا را خار راه مقاصد شیطانی خود می‌دانند. به هر حال آرزومندیم که در آتیه، مقام و اهمیت سربازان ملی را از نظر دور نداشته و ما را در راه انجام وظیفه یاری کنند.

با تقدیم احترامات- شاد ایران- شاد رهبر

فَرمَدار حزب سومکا، پایگاه مشهد- یوسف ضیاء سطوت(۱)

[امضا]

---

۱. به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۲۳۵- ۲۳۴

[سند شماره‌ی ۲۱۶]

اعلامیه‌ی گروه «ایران فرزندان»

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

هم‌وطنان جوان دانشجو و دانش‌آموز ما!

سال‌هاست با شما، با روحیات و اخلاقیات شما، با جسم و جان شما بازی می‌کنند. دولت‌های فرومایه و نوکر، درکشاکش وطن فروشی‌ها با برنامه‌های نادرست، مغزهای شما را با مطالبی منحرف از اصول ملی-از اصول زندگانی فردی و زندگانی اجتماعی-پر ساخته‌اند.

آخوندها برای تحمیل معتقدات ارتجاعی خود هر زمان فرصت یافته‌اند شما را در چنگال خرافات و اوهام انداخته‌اند و دولت‌های ضعیف دموکراسی در دامن ستیزهای پارلمانی و هوچی‌گری‌های خود، با زندگی بی‌برنامه و بی‌بند و بارشان سال‌های [عمر] شما را تباه ساخته‌اند.

مخالفین این دستگاه‌ها- بالشویک‌ها و وجیه‌المله‌ها از نارضایتی عصیان روحی شما استفاده کرده‌اند، شما راکنار خیابان‌ها، جلو قهوه‌خانه سیاسی بهارستان و در هر گوشهٔ کشور، آماج گلوله‌ها قرار داده‌اند.

آیا شما هرگز از این هوچی‌های روزنامه‌نویس، از این بلشویک‌ها، از این سناتورها، از این نمایندگان قهوه‌خانهٔ بهارستان، از این عظیم‌الشأن‌ها و پدران ابدی ملت جز دورغ و فریب، جز دزدی و نوکری اجانب، جز خراب کردن برنامهٔ تحصیل و روحیات خود چیز[ی] دیده‌اید؟

سومکا، اما، در جهت مقابل و مخالف همه این‌ها، برای در هم شکستن این دزدان و دغل دزدان بازاری قیام کرده است.
سومکا تحقق بخشنده آمال ملی، باز گرداننده قدرت خلاقهٔ فرهنگ ایرانی است و سیمرغ گشوده بالش در فردای نزدیک بر قلل و دشت‌های پهناور این سرزمین خدایی و بر سر این نژاد کوه‌پیکر ابدی سایه گستر خواهد بود.
به سومکا بپیوندید، با او و از او باشید تا این روزگار تیره و زبونی زودتر به‌سر آید. شاد ایران.[۱]

۱. به نقل از: سومکا، س ۱، ش ۱۹ (۱۳۳۱/۸/۱۵)، ص ۴

[سند شماره‌ی ۲۱۷]

اعلامیه‌ی پایگاه حزب سومکا در خمسه‌ی طوالش

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا)، شهرستان «خمسه طوالش»(۱)

هم‌وطنان! هم‌شهریان عزیز!

خطاب ما به شماست و شما را می‌خوانیم تا با ما سربازان دلاور سیاهپوشی، که برای رهایی این آب و خاک و این خون و نژاد به پا خاسته‌ایم، در راه راندن عمال بلشویکی بیگانه، عوام فریبان، کاسه لیسان اشرافیت پوسیده، کلان سرمایه داران و مالکین غارتگر کوشش کنیم.

«سومکا» پرچم مبارزه را پیروزمندانه در این جا برافراشته و تا روز پیروزی از پای نخواهد نشست.

هم‌شهریان دست به دست ما بسپرید، امیدوار و پیروز به آینده درخشان ایران بنگرید.

پاینده [باد] حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران.

شاد ایران- شاد رهبر.

---

۱. به نقل از: سومکا، س ۱، ش ۱۹ (۱۳۳۱/۸/۱۵)، ص ۴.

[سند شمارهٔ ۲۱۸]

رونوشت نامه‌ی فرمانداری زنجان به وزارت کشور درباره‌ی علت شکایت عده‌ای از اهالی ابهر از تشکیل پایگاه حزب سومکا در آن شهر

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

رونوشت نامهٔ شماره ۴۵۳۱ـ ۳۲/۹/۱۴[۱۳] فرمانداری زنجان

وزارت کشور ـ ادارهٔ سیاسی ـ با اعادهٔ عین مرجوعات شماره ۱۳۶۲۴/س ۷۸۱۴۷ـ ۳۲/۹/۱[۱۳] و ۱۳۶۲۴/س ۸۴۵۶۱ـ ۳۲/۹/۱[۱۳] و ۱۳۸۰۶/س ۸۵۵۲۶ـ ۳۲/۹/۷[۱۳] به استحضار می‌رساند به طوری که ملاحظه می‌فرمایید تلگراف مزبور حاکی از مطالب بر له و علیه آقای محمد اللهیاری، ساکن بخش ابهر که قصد تشکیل پایگاه حزب سومکا را در آن بخش دارد، می‌باشد و از مفاد تلگرافات وجود اختلاف و دو دستگی محلی استنباط می‌شود و قبلاً هم در این مورد به استناد گزارش بخشداری ابهر طی شماره ۴۱۱۳ـ ۳۲/۸/۲۱[۱۳] مراتب گزارش شده است. با این حال چون آقای دکتر منشی‌زاده رهبر حزب مزبور طی نامه مورخه ۳۲/۹/۲[۱۳] به شرح رونوشت ضمیمه، آقای محمد اللهیاری را جوانی میهن پرست و مورد اطمینان معرفی فرموده، چنان‌چه وزارت متبوعه اصولاً تشکیل شعب احزاب را در شهرستان‌ها و بخش‌ها بلامانع بداند، اقدام به عمل خواهد آمد. ضمناً بخشدار ابهر را احضار و به نام‌برده دستور داده شد که به‌طور کدخدامنشی رفع اختلافات موجود را بنماید.(۱) در خاتمه به استحضار می‌رساند که اهالی و سکنه بخش ابهر اشخاصی شاه‌دوست و میهن‌پرست

---

۱. اصل: نماید.

بوده و از احزابی که مرام آن‌ها شاه دوستی و وطن‌پرستی و اعتلاء نام ایران باشد استقبال خواهند نمود و اختلاف فعلی آن‌ها صرفاً از لحاظ انتخاب رهبر و سرپرست آن می‌باشد.

فرماندار زنجان- جانسوز[۱]

رونوشت برابر اصل است. [امضا: ناخوانا]

[اثر مهر:] وزارت کشور، ادارهٔ سیاسی.

۱. مرکز اسناد ریاست جمهوری، بایگانی اسناد نخست‌وزیری، پرونده‌ی شماره‌ی ۱۶۱۶۱. به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۳۴۶-۷.

[سند شماره‌ی ۲۱۹]

شکایت عده‌ای از اهالی ابهر از تشکیل پایگاه حزب سومکا

[نشان شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن تلگراف

از: ابهر، به: [تهران]، شماره قبض: ۱۷۵، تعداد کلمه: ۳۳۳، تاریخ اصل: [۱۳۳۲/۸/۲۶] تاریخ وصول: [۱۳۳۲/]۸/۲۷

جناب آقای سپهبد زاهدی نخست‌وزیر محبوب، رونوشت جناب آقای جهانبانی وزیر کشور، رونوشت آقای دکتر منشی‌زاده رئیس حزب سومکا، رونوشت جناب آقای فرماندار زنجان، عده[ای] اشخاص معلوم الحال که مدتی در عهد تسلط متجاسرین آذربایجان مصدر کارهای حساس بوده‌اند و معمولاً این گونه اشخاص بر حسب مقتضیات و پیشرفت منظور منحوس خود و فرار از مجازات در این موقع به لباسی جلوه‌گر می‌شوند، اخیراً تحت رهبری محمد اللهیاری[۱] که در دورهٔ دموکرات آذربایجان رئیس حزب جوانان بوده، با دعوت و شرکت عده[ای] از خائنین و فدائیان سابق دموکرات، شعبهٔ حزب سومکا را در ابهر[۲] تشکیل، نظر به این که نام‌برده و اطرافیانش فاقد صلاحیت و شخصیت محل بوده و جز به کار بردن منظور خود نظری ندارند، با تشکیل احزاب در ابهر موجبات تشنج و اختلافات شدید محلی را فراهم، اشخاصی که واقعاً حبّ شاه دوستی و میهن پرستی بر سر دارند از اقدام این خائنین متنفر، اگر وضع بدین منوال باشد نامبردگان با استفاده از میدان فراخ سالوس و ریا به‌کلی زندگانی را بر مردم حرام خواهند کرد و از طرف اولیای دوایر محل با این که به نوبت اشخاص مزبور واقفند متأسفانه کوچک‌ترین اقدام که باعث استحضار اولیای محترم مرکزی باشد از خود نشان نمی‌دهند. لذا برای جلوگیری از اتفاقات غیر مترقبه و عملیات خائنین، ما امضاکنندگان به نمایندگی از طرف کلیهٔ اهالی ابهررود انزجار شدید خود را از رهبر معلوم الحال و اطرافیان حزب سومکای امروز و رئیس حزب جوانان فرقه

---

۱. اصل: الهیاری.

۲. اصل: سومکاء و ابهر.

دموکرات سابق اعلام و از اولیای امور عاجزانه استدعا داریم مقرر فرمایند هویت این اشخاص، مکشوف تا امر را به دولت مشتبه نسازند، زیرا ما همگی از فدائیان شاهنشاه جوان بخت و پشتیبان دولت تیمسار زاهدی بوده و برای حفظ تاج [و] تخت و میهن عزیز و پشتیبانی دولت وقت، به هرگونه جانبازی حاضریم. عبدالحسین علائی، غلامحسین حسنی، حسین قلی صمدی، حبیب‌الله ملکی، حسین [و] حسن قمی، حسین داداشی، اسماعیل جعفری، رضا حیدری، حاجی محمد پیری، ابراهیم آزادپور، شوزب، محمد بیگی، مختار بیگی، حاجی عبدالله پیری.(۱)

[حاشیه‌ی بالا:] وزارت کشور. ۲۷/۸/۳۲[۱۳].

[حاشیه‌ی پایین:] عیناً به فرماندار شهرستان زنجان برای رسیدگی و اقدام قانونی و اعاده مرجوعه فرستاده می‌شود.

[اثر مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر، تاریخ ۲۷/۸/۳۲[۱۳]، شماره: ۳۰۱۹۱.

[اثر مهر:]ثبت کل وزارت کشور، شماره: ۷۸۱۴۷، تاریخ: ۲۸/۸/۳۲[۱۳].

[اثر مهر:] وزارت کشور، ادارهٔ سیاسی، شماره: ۱۳۶۲۴، تاریخ: ۲۸/۸/۳۲[۱۳]، ساعت: ۱۲.

[اثر مهر:] اداره تلگراف تهران.

---

۱. به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۳۴۸ـ ۴۹.

[سند شماره‌ی ۲۲۰]

حمایت عده‌ای از اهالی ابهر از تشکیل پایگاه حزب در آن‌جا

[نشان شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن تلگراف

از: ابهر، به: [تهران]، شماره قبض: ۱۰، تعداد کلمه: ۱۵۳، تاریخ اصل: ۳۰، تاریخ وصول: ۸/۳۰/ [۱۳۳۲]

وزارت کشور، رونوشت زنجان جناب آقای فرماندار، رونوشت شهربانی زنجان، آقای محمد اللهیاری جوان شاه دوست، میهن پرست، مبارز، یگانه شخصی که حتی موقع طغیان و قدرت حزب منحله توده، جان بر کف مبارزهٔ خود را ادامه می‌داد، اخیراً سرپرستی و به تشکیل حزب سومکا در ابهر اقدام، با جدیت و روح خستگی ناپذیری شب و روز مرام مقدس شاه دوستی و میهن پرستی را تعقیب، عدهٔ زیادی از جوانان پرشور را نام‌نویسی، مشغول فعالیت است. تقاضا داریم نام‌برده را از مقامات عالیه تشویق تا در[۱] مبارزه با خائنین بیشتر دلگرم باشد.[۲]

[مهر:] ثبت کل وزارت کشور، شماره: ۸۵۵۲۶، تاریخ: ۱/۹/۳۲[۱۳].

[مهر:] وزارت کشور، ادارهٔ سیاسی، شماره: ۱۳۸۰۶، تاریخ: ۱۳۳۲/۹/۱، ساعت: ۱۲.

---

۱. اصل در سند با؛ اصل در منبع ذکر شده: به.

۲. به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، ص ۳۵۰.

[سند شماره‌ی ۲۲۱]

معرفی محمد اللهیاری به فرمانداری زنجان توسط منشی‌زاده

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

رونوشت: نامهٔ آقای منشی‌زاده

جناب آقای جهانسوز فرماندار محترم زنجان- آقای محمد اللهیاری از جوانان میهن‌پرست با سوابق مبارزات وطنی ممتد، صد در صد مورد اطمینان حزب و شخص[1] خود می‌باشد؛ آقای اللهیاری از طرف شخص من نمایندگی دارد در منطقهٔ خود پایگاه حزب سومکا را تشکیل دهد. متمنی هستم اگر موانعی در راه فعالیت ایشان وجود دارد به نحوی که صلاح می‌دانید مرتفع شود. با تقدیم احترامات و تشکر قبلی از اقدامی که در راه وحدت ملی و ایران بزرگ سرافراز خواهید فرمود.

شاد ایران، منشی‌زاده[2]

رونوشت برابر رونوشت است. [امضا: ناخوانا]

[اثر مهر:] وزارت کشور، اداره سیاسی.

---

۱. به احتمال خوانده شد.

۲. به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، ص ۳۵۱.

[سند شماره‌ی ۲۲۲]

گزارش ورود منشی‌زاده به ابهر

فرم مشخصات سند

وزارت کشور

شماره ردیف ۲۹۰۰۷۱۳۸	تعداد برگ ۱	محل در آرشیو ۴۹۸ ن ۴ آ ب ۱

تاریخ ۱۳۳۲/۹/۱
شماره ۸۷۴۴
ضمیمه

وزارت کشور

الرجاء وزارت کشور

اداره کارپردازی

اداره کل

گزارش شده است روز ۲۹/۹/۳۲ از قسمت ابهر...

(دکتر منشی‌زاده رهبر حزب سومکا با عده‌ای روز ۲۹/۹/۳۲ به ابهر وارد شده)

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شمارهٔ ۲۲۳]

تقاضای حزب سومکا، پایگاه تبریز، برای آغاز فعالیت و نصب تابلو حزب

کشف تلگراف ۱۲ ...

از تبریز

شماره وارده ...

وزارت دفاع ملی

ستاد ارتش

دائره مرموزات

اسم کشف کننده ...

تاریخ وصول ... ۱۳۳

تاریخ کشف ... ماه ۱۳۳

ستاد ارتش محرمانه معروض میدارد حزب سومکا در دو سال قبل شعبه در تبریز تأسیس نموده ولی رسماً شروع بکار نکرده محل معینی نداشتند اعضاء حزب مزبور [illegible] کرده یا دستورات تشکیلاتی سازمان مرکزی حزب بآنها رسیده [illegible] تابلو حزب را درصدد نصب [illegible] رسماً شروع بسازمان و قبول اعضاء نمایند استدعا است نظریه مبارک را نسبت به حزب مزبور امر باعلام فرمایند در صورت تشکیلات [illegible]

۱۰/۱۰

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۰۰۳۲۲۰۴۳

کشف تلگراف	وزارت دفاع ملی	اسم کشف کننده
از	ستاد ارتش	تاریخ وصول
شماره وارده	دائره مرموزات :	تاریخ کشف ...... ماه ۱۳۳

هستند که از وجود آنها برای مبارزه با عناصر توده‌ای و اخلالگر استفاده و از طرف شهربانی یا لشکر تأیید آنها موافقت شود ۵۹۵۴ از ترتیب [illegible] داده

۱۰/۹

نظریه دفتر

۱- نظر به اینکه [illegible] لشکر [illegible] حزب [illegible] برای [illegible] لشکر [illegible] و [illegible] کشور [illegible] لشکر [illegible] فایده [illegible] گیری شود [illegible] که [illegible] کشور [illegible] [illegible] عموم [illegible] لشکر گردد [illegible] لشکر [illegible] و تقویت [illegible] گردد

۲- [illegible] لشکر [illegible] لشکر گردد [illegible] مرکز [illegible] اقدام [illegible] [illegible]

این حزب بیشتر از [illegible] تشکیل شده است ولی با توجه به [illegible] این [illegible] کرد [illegible] تشکیل [illegible] [illegible] [illegible] ۱۰/۱۲/۳۲

[سند شماره‌ی ۲۲۴]

ارسال تقاضای ضیاء سطوت به اداره‌ی کل انتشارات و تبلیغات رادیو

نخست وزیر

شماره عمومی: ۳۴۰۰۱ / [۱۳]۳۲/۱۰/۵

اداره کل انتشارات و تبلیغات

با ارسال عین نامهٔ مورخ ۲۴/۹/[۱۳]۳۲ آقای ضیاء سطوت مقتضی است دستور فرمایید نسبت به مطالب آن رسیدگی و اقدامی که لازم است معمول داشته و نتیجه را ضمن صدور پاسخ مستقیم به متقاضی اطلاع دهند.[۱]

نخست‌وزیر

[حاشیه‌ی پایین:] به تاریخ: ۵/۱۰/[۱۳]۳۲ آقای ضیاء سطوت نامهٔ مورخ ۲۴/۹/[۱۳]۳۲ واصل و برای رسیدگی و اقدام طی شمارهٔ ۳۴۰۰۱ / [۱۳]۳۲/۱۰/۵ به اداره کل انتشارات و تبلیغات ارسال گردید. نخست‌وزیر[۲]

[حاشیه‌ی راست:] مشهد.

---

۱. نامه‌ی آقای ضیاء سطوت در پرونده موجود نبود.

۲. به نقل از: اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران، ص ۴۱۸.

[سند شماره‌ی ۲۲۵]

مخالفت اداره‌ی کل انتشارات و تبلیغات با پیشنهاد ضیاء سطوت مبنی بر اختصاص نیم ساعت از وقت رادیو مشهد برای پخش برنامه‌های حزب سومکا

اداره کل انتشارات و تبلیغات

شماره: ۶۶۸۳

تاریخ: ۱۳۳۲/۱۰/۱۰

جناب آقای نخست‌وزیر

عطف به مرقومهٔ شمارهٔ ۳۴۰۰۱ مورخ [۱۳]۳۲/۱۰/۵ منضم به نامه آقای ضیاء سطوت فرمدار حزب سومکا پایگاه مشهد، در مورد تقاضای تخصیص نیم ساعت وقت از رادیو مشهد به منظور اجرای برنامه حزب سومکا به استحضار می‌رساند:

قبلاً هم در همین مورد شعبه حزب مزبور عین این تقاضا را به وسیله اداره تبلیغات استان نهم از این اداره نموده که با وجود احزاب سیاسی دیگر و از نظر این که ممکن است آن‌ها هم همین تقاضا را داشته باشند با تقاضای شعبه حزب مزبور موافقت نگردیده و مراتب طی شمارهٔ ۶۳۷۵ مورخ [۱۳]۳۲/۱۰/۲ به شعبهٔ مزبور پاسخ داده شده است.

مدیرکل انتشارات و تبلیغات[۱]

[امضا: منوچهر بزرگمهر]

[حاشیه‌ی پایین، اول:] پیشینهٔ [۱۳]۳۲/۱۰/۱۰ ساعت ۸$\frac{1}{4}$ بعد از ظهر.

[حاشیه‌ی پایین، دوم:] سابقه ضمیمه شد. ۱۰/۱۲[/۱۳۳۲].

[حاشیه‌ی پایین، سوم:] بایگانی است.

[اثر مهر:] ورود به کابینهٔ ریاست وزراء، تاریخ: [۱۳]۳۲/۱۰/۹، نمره: ۳۶۳۳.

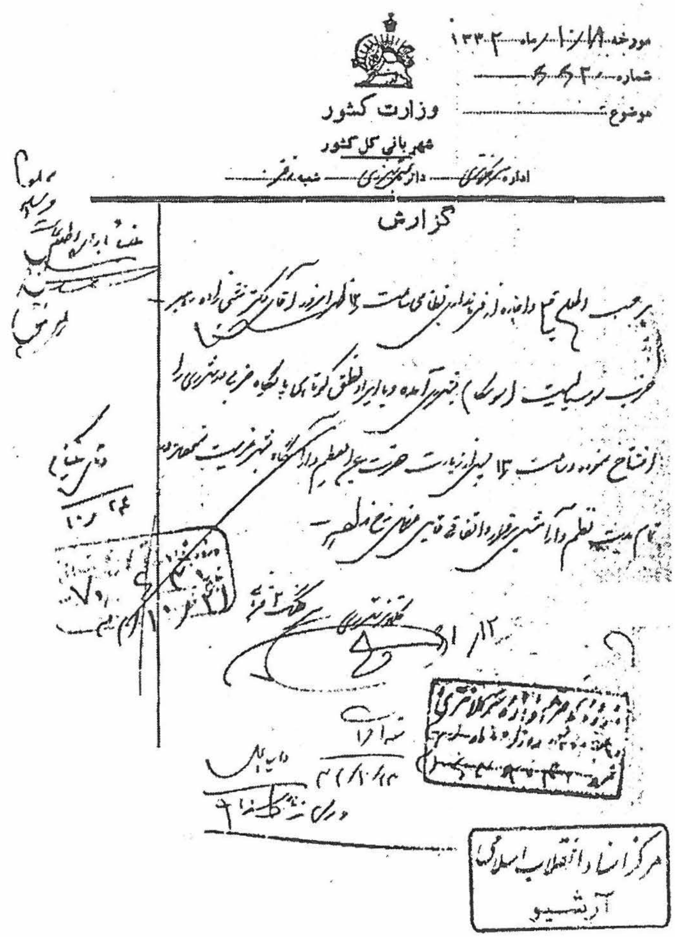
[اثر مهر:] بازرسی شد.

---

۱. به نقل از: اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران، ص ۴۱۹.

[سند شماره‌ی ۲۲۶]

افتتاح پایگاه حزبی سومکا در شهر ری توسط منشی‌زاده



مورخه ۱۰/۱۸/ ماه ۱۳۳۲

شماره ۲۰/۶/۶

موضوع

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره ... دایره ... شعبه ...

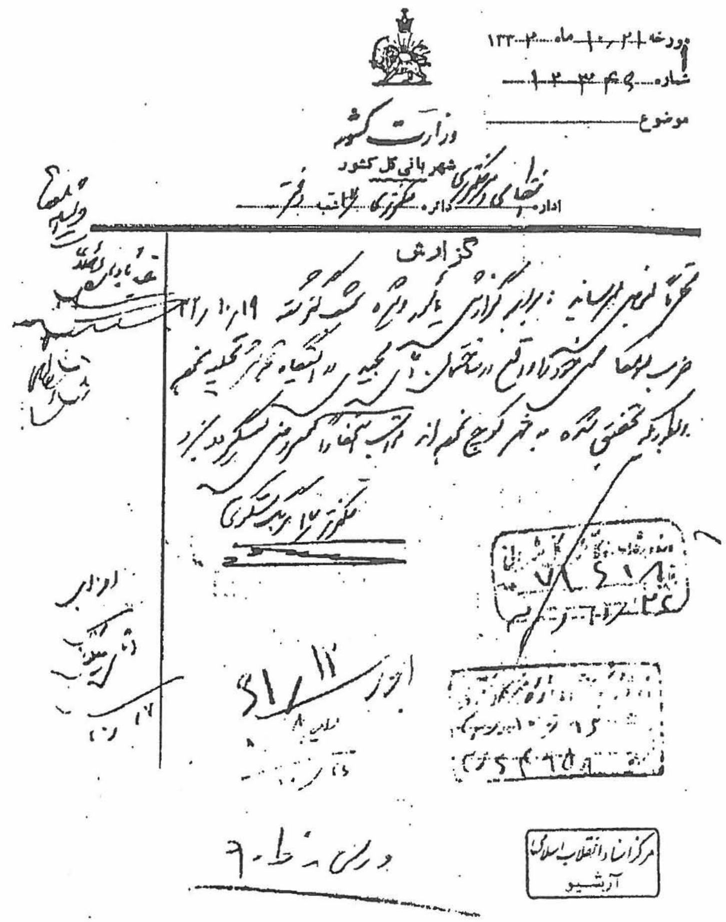
گزارش

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۲۷]

گزارشی در خصوص انتقال مکان حزب سومکا از تجریش به داخل شهر



[سند شماره‌ی ۲۲۸]

گزارشی در خصوص لباس رسمی اعضای حزب سومکا

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

رونوشت گزارش کلانتری ۲،[۱] مورخه ۳/۱۲/۳۲[۱۳]، شماره ۲۰۷۰: محرمانه، مستقیم، گزارش، محترماً بر طبق امریه تلفنی[۲] مورخ ۳/۱۲/۳۲[۱۳] موضوع تعیین علایم و مشخصات ظاهری افراد احزاب آریا، سومکا، کنگره فداییان شاه و میهن معروض می‌دارد:

۱ـ حزب آریا: حزب آریا ملبس به لباس متحدالشکل قهوه‌ای بوده که کلاهی پهلوی (کلاه خدمت سربازی) و بازوبندی سبز که وسط آن دایره سفیدی منقش به عقاب می‌باشد و در مقابل در حزب نیز پرچمی به نشانی که مشخصات....[۳] نوشته است. حزب مزبور تحت سرپرستی آقای سپهر فرزند سرهنگ ۲ سپهر، افسر بازنشسته شهربانی، اداره شده و در حزب در مواقع لزوم باز و بسته می‌شود.

۲ـ حزب سومکا: افراد حزب مذکور ملبس به لباس متحدالشکل سورمه‌ای رنگ بوده که دارای کلاهی پهلوی و بازوبندی قرمز که وسط آن دایرهٔ سفیدی که منقش به صلیب شکسته ناقصی[۴] می‌باشد نصب و با[۵] همان مشخصات دارای پرچم است. در حزب در مواقع لزوم باز و بسته شده و تحت سرپرستی آقای منشی‌زاده اداره می‌شود.

۳ـکنگره فدائیان شاه و میهن: افراد حزب مزبور ملبس به لباس متحدالشکل سورمه‌ای و دارای کلاهی پهلوی و بازوبندی ۳ رنگ که وسط آن نقشه ایران که طرفینش دو شمشیر که....[۶] منقش شده نصب می‌باشد و به‌علاوه افراد حزب مذکور مجهز به تبر کوتاهی

---

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بازیابی ۶۳۲، صص ۹۲ تا ۹۴

۲. اصل: تلفونی.

۳. چند کلمه ناخوانا. ظاهراً «ما به دفتر» خوانده می‌شود.

۴. مقصود نقش سیمرغ است. ر.ک. بخش ضمایم.

۵. اصل: به.

۶. دو کلمه خوانده نمی‌شود.

می‌باشند[1] که در سمت راست جلو [ی] کمربند بسته که از این سلاح در مواقع رسمی و پاس دادن [جلوی] در حزب استفاده می‌نمایند. حزب نام‌برده پرچم سه رنگی در مقابل در حزب خود،[2] که روی آن عبارت[3] (کنگره فدائیان شاه و میهن) نوشته شده نصب نموده و هم‌چنین پرچم آبی رنگ که در داخل آن نقشه ایران ترسیم شده در داخل حزب گذارده است. حزب مورد بحث دارای رئیس ستاد [و] معاون ستاد می‌باشد که در اغلب نامه‌های رسمی و غیر رسمی که به مقامات مربوط از قبیل شهربانی کل کشور و فرمانداری نظامی نگاشته در ذیل نامه‌ها شخصی به نام امیر طهماسبی (که از قرار اطلاع چندی قبل مأمور رکن ۲ ستاد ارتش بوده) عنوان (رئیس ستاد کنگره فدائیان شاه و میهن) را درج و امضاء می‌نماید و با این‌که با درج همین عنوان چندین نامه به فرمانداری نظامی ارسال داشته، فرمانداری نظامی ضمن ارجاع نامه برای رسیدگی به این کلانتری هیچ‌گونه تغییر و....[4] درباره عنوان (ارتش ستاد) به این کلانتری ننموده است. مراتب جهت مزید استحضار خاطر معروض گردید. کلانتر ۲، سرهنگ ۲ فرخدی [؟]. محل امضاء مهر کلانتری ۲. رونوشت برابر اصل است.

[مهر و امضا ناخوانا]، ۵/۱۲/۳۲[۱۳].

---

۱. اصل: می‌باشد.

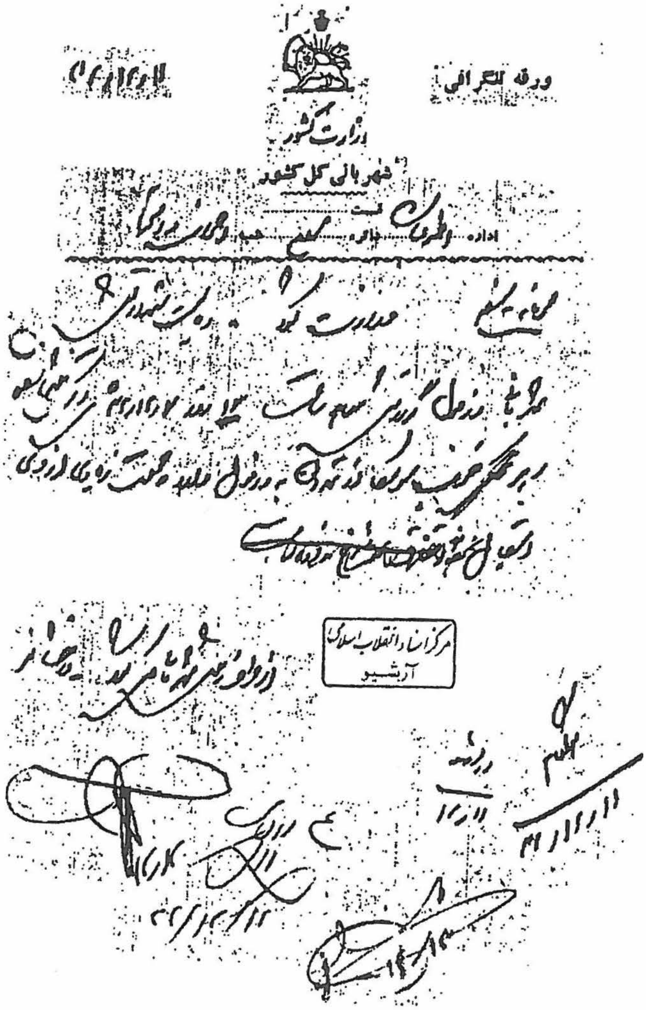
۲. اصل: خود حزب.

۳. اصل: جمله.

۴. یک کلمه خوانده نمی‌شود.

[سند شماره‌ی ۲۲۹]

گزارش ورود منشی‌زاده به دزفول


ورقه تلگرافی

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۳۰]

گزارش ورود منشی‌زاده به آبادان

۱۵ اسفندماه ۳۲

گزارش

گزارش واصله از آبادان حاکی است روز ۱۱ ماه جاری دکتر منشی زاده رهبر حزب سومکا بآبادان وارد و از طرف افراد حزبی از نامبرده استقبال بعمل آمده و پس از بازدید محل حزب مزبور روز ۱۲ بطرف بندر معشور حرکت کرده است.

۱۲/۲۰

[سند شمارهٔ ۲۳۱]

گزارش ورود منشی‌زاده به اهواز

۱۰ اسفند ماه ۳۲

گزارش

گزارش واصله از اهواز حاکی است عصر روز گذشته دکتر منشی زاده

رهبر حزب سومکا بوسیله اتومبیل از دزفول باهواز وارد و در

مهمانخانه خوش اقامت نموده است .

بایگانی
۱۲/۱۲

[سند شماره‌ی ۲۳۲]

گزارش فعالیت حزب سومکا، شعبه‌ی اهواز، در جریان مسافرت منشی‌زاده به آن جا

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور — تاریخ: ۳۲/۱۲/۱۷[۱۳]

شهربانی کل کشور — شماره: ۵/۶۵۰۲

شهربانی اهواز — محرمانه مستقیم

شهربانی کل کشور، اداره اطلاعات.

محترماً پیرو تلگراف رمز ۵/۶۳۵۶ / [۱۳]۳۲/۱۲/۱۰ به استحضار می‌رساند: طبق گزارش مأمور مربوطه ساعت ۱۸ روز ۱۳ (ماه)[1] جاری از طرف حزب سومکا در اهواز، به مناسبت سخنرانی رهبر کل حزب مزبور «آقای منشی‌زاده» (دعوتی) از اهالی به عمل آمد که روی هم رفته در حدود شصت ۶۰ نفر از مستمعین در ساعت مزبور به مهمان‌خانه شوش (رفتند).

ابتدا آقای منشی‌زاده شمه [ای] از کتاب «دربدر در پی بهشت» [را] که به قلم خود تهیه نموده بود جهت حضار قرائت [نمود]. سپس آقای عنایت‌الله رشیدی رهبر حزب سومکا در اهواز سخنرانی و اظهار داشت که دو سال و نیم قبل در آبادان و بندر شاهپور و مسجد سلیمان و اهواز، حزب سومکا تشکیل شده [بود] و افتخار آن را داریم که در مدت کو(تاه) ۳۰ تیر [و] ۹ اسفند بر بلشویک‌های خائن، و هم‌چنین ۲۸ مرداد، فائق آمده‌ایم و آن‌ها را شکست دادیم و (سپس) آقای منشی‌زاده شروع به سخنرانی نموده که هنوز توده[2][ای‌ها] در شهرستان‌های ایران مخفیانه مشغول فعالیت (می‌باشند) ولی از ترس حزب پر افتخار سومکا نمی‌توانند به مقصود خود برسند. اینک بایستی بیل و کلنگ به دست (آن‌ها داد) و جبراً آن‌ها را به کار وادار نمود تا بتوان یک ایران آبادی تشکیل داد. مجدداً به مطالعه‌ی (کتاب در بدر در پی) بهشت پرداخت و جمعیت متدرجاً متفرق [شدند] و مقارن ساعت ۱۹ جریان سخنرانی خاتمه [یافت و در جریان سخنرانی] امنیت

---

۱. مطالب بین دو کمان در اصل افتاده است و خوانده نمی‌شد و به سیاق متن افزوده شد.

۲. در اصل ناخوانا است.

کاملاً برقرار بوده است. کفیل شهربانی اهواز، سرهنگ جناب‌زاده [امضا].[1]

[حاشیه‌ی بالا، سمت راست:] ۸۳۷۵۰ / [۱۳۳۲/۱۲]/۲۲

[حاشیه‌ی بالا، سمت چپ:] شعبه احزاب، [امضا: ناخوانا]، ۲۳/۱۲/۳۲[۱۳].

[حاشیه‌ی بالا، وسط:] آقای مصطفوی. رسیدگی [؟] نمایید. ۲۳/۱۲/[۱۳۳۲].

[حاشیه‌ی بالا، سمت چپ:] بایگانی شود. ۲۴/۱۲/[۱۳۳۲]

---

۱. همان جا، ش. ب ۶۳۳، ش. ص ۲

[سند شماره‌ی ۲۳۳]

تقاضای اداره‌ی آگاهی از فرمانداری نظامی تهران برای ارسال اطلاعات درباره‌ی منشی‌زاده

اداره ....
دایره ....
تاریخ ....
شماره ....
ضمیمه ....
موضوع ....

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

ل-۱۰
در جواب مراسله حروف و اعداد ممیزه که منضم شماره است با شماره ذکر شود.

(خیلی فوری - مستقیم - محرمانه)

تیمسار فرمانداری نظامی تهران

عطف بنامه شماره ۲۱۰۰۶۴ - ۳۳/۲/۹ بطوریکه شایع است آقای منشی زاده لیدر حزب سومکا از روز جمعه ۷ ماه جاری باینطرف دیده نشده و گفته شده است که احتمالاً غیبت او بعلت توطئه ای بوده که از ناحیه مخالفین مشارالیه بعمل آمده است. چون مقرر گردیده اداره آگاهی برای روشن داشتن قضیه اقدامات لازم بعمل آورد. لذا خواهشمند است مقرر فرمایند هرگونه اطلاعیه‌ای که در این خصوص بآن فرمانداری میرسد و ارسال آن باداره آگاهی مانعی نداشته باشد باین اداره بفرستند تا مورد رسیدگی و اقدام قرار گیرد.

رئیس اداره آگاهی - مزینی

۹۷/۸
۳۳/۲/۱۰

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

رونوشت برای اقدام شایسته برکن ۲ ستاد ارتش ارسال میشود.

رئیس اداره آگاهی مزینی

۱۲۶ ۲/۲

۳۳/۲/۱۱

[سند شماره‌ی ۲۳۴]

گزارشی مبنی بر بازگشت منشی‌زاده به تهران

اداره آگاهی
دایره ....
تاریخ ۳۲/۳/۱۱
شماره ۳۰۹۰۲/ع
ضمیمه ....
موضوع ....

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

ل ت - ۱
در جواب خواهشمند است حروف و اعداد ممیزه که متمم شماره است با شماره ذکر شود

(محرمانه مستقیم - فوری)

تیمسار فرماندار نظامی تهران

پیرو نامه شماره ۸۹۷۵/ع - ۳۲/۳/۱۰ برابر تحقیقاتیکه بعمل آمده آقای منشی‌زاده ساعت ۶ صبح روز ۳۲/۳/۱۰ از مسافرتی که بخارج از تهران بشهر کرد رفته بوده مراجعت کرده است.

رئیس اداره آگاهی - مزینی

۳۰۹۰۲/ع
۳۲/۳/۱۰

رونوشت جهت استحضار رکن دوم ستاد ارتش ارسال میشود.

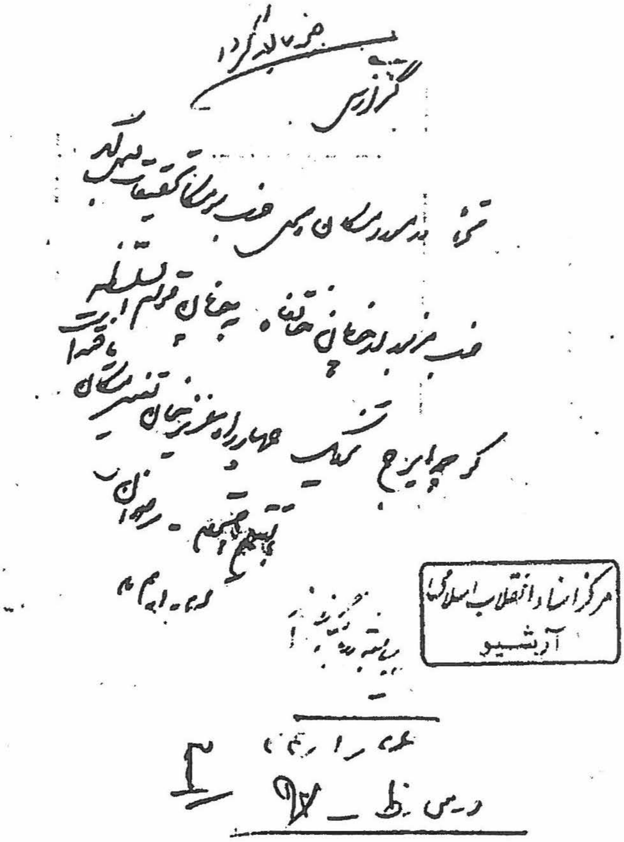
رئیس اداره آگاهی - مزینی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۱۰۰۸
۱۰۰ ۱۱

[سند شماره‌ی ۲۳۵]

گزارش تغییر مکان حزب سومکا از خیابان خانقاه به خیابان قوام‌السلطنه



گزارش

[illegible] حزب [illegible] تحقیقات به عمل آمد

حزب مزبور از خیابان خانقاه به خیابان قوام‌السلطنه

کوچه ایرج [illegible] تغییر مکان داده است

تقدیم می‌شود - رضوان

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۳۶]

ارسال قسمتی از بولتن سومکا

اداره: اطلاعات
دائره: ......
تاریخ: ۴۲/۱۰/۲۳
شماره: ۵/۵۸۹۳۴ ز
پیوست: ندارد
موضوع: ......

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

ل-۱
در جواب مراسله حروف و اعداد ممیزه که متمم شماره است با شماره ذکر شود

(محرمانه)

ریاست ستاد ارتش

شهربانی آذربایجان با ارسال یک نسخه بولتن شماره ۱۹ مورخه ۴۲/۱۰/۶ حزب سومکا گزارش میدهد چون در ورقه مذکور به تمام معنی به عالم روحانیت توهین نموده ممکن است اهالی متعصب آنسامان را نسبت به دولت بدبین نماید اینک رونوشت بولتن مزبور جهت استحضار پیوست ایفاد میگردد.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور - مهنا، سرهنگ غفاری

۱-ح غض

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۳۷]

قسمتی از بولتن شماره ۱۹ حزب سومکا

در شمارهٔ ۳۰/۹/۳۴[۱۳] کیهان در صفحه ۱ تحت عنوان «مبارزه با فساد را این‌طور تشخیص داده‌اند» می‌نویسد: «هیئت مبارزهٔ با فساد»، طرحی برای مبارزه با فساد به وزارت‌خانه‌ها ارائه کرده، در هر مدرسه آموزگاری به نام مربی اخلاق تعیین می‌شود. هیئت‌هایی در تهران و شهرستان‌ها برای رسیدگی به درد دل مردم انتخاب خواهند شد. «در مجلسین قبل از رسمیت یافتن جلسه باید شخص روحانی چند دقیقه راجع به یکی از اصول اخلاق و خداشناسی صحبت کند.»

اگر مرکز فرهنگی امروز دنیا را اروپا بدانیم (و در [مورد] این [مطلب] البته در ته قلب خودمان شکی نداریم، بیخود هم خودمان را گول نزنیم، چه اگر توانایی هم در ما هست، بالقوه است. بالفعل ما هیچیم. البته از این همه توانایی‌ها می‌توان به خوبی استفاده کرد، می‌توان آن‌ها را برانگیخت؛ زنگ زده‌ها را می‌توان، جلا و صیقل داد. در این هم باز شکی نیست.) ما حقیقتاً در پشت کوه قاف به سر می‌بریم.

اول باید، متوجه این نکته باشیم که آن چه ما اخلاق دانسته‌ایم و می‌دانیم، ما را به این روز سیاه نشانده. یعنی اولاً عیبی در نفس به اصطلاح اخلاق ما هست. این اخلاق پوسیده برای زندگی در این عصر و این زمان به کار نمی‌خورد. اخلاق هفت جوش هفت رگی، که ما سعی می‌کنیم آن را «کاتگوری» زندگی قرار دهیم و «نورم» زندگی اجتماعی خودمان بسازیم، گذشته از این‌که اخلاق با تعلیم نظری برای آموختن و تدریس خوب است، نه برای زندگی عملی.

در زندگی عملی، در آزمایشگاه وسیع حیاتی، باید اخلاق عمل داشت نه «علم اخلاق»! «مربی اخلاق» کسی نیست که بیاید یک مشت یاوه‌سرایی دور از زندگی به مردم تحویل بدهد، در حالی که خود در عمل هزار بار کمتر از آن مردمی است، که به آن‌ها موعظه می‌کند.

بدون شک و تردید عیب اصلی در نفس همان اخلاقی است که ما قبول داریم: اخلاق پوسیدهٔ متحجر قرون وسطایی. اخلاق دنیای مرده‌ای که قطعاً خودش هم به آن عمل نمی‌کرده و از آن در عذاب بوده [است].

این جا بایست یک قدم دیگری برداشت: یک قدم انقلابی! اگر اخلاق بورژوازی راحت طلب ما را به جایی می‌رساند، تا به حال به آن جا رسیده بودیم.

از این گذشته تصور نمی‌کنم ملتی به اندازهٔ ما با قواعد به اصطلاح «نورماتیو» و «ایمپراتیو» برای زندگی سر و کار داشته باشد.

ادبیات گذشتهٔ ما پر از حکمت و پند و اندرزند.[1] اگر مثلاً سعدی شیرازی به یک هزارم نصایح خود عمل می‌کرد، قطعاً بعد از خودش شاگردانی داشت، مکتب عملی داشت، که امروز «سعدی عمل» را ـ نه سعدی کتاب را ـ به ما نشان می‌دادند. ولی چون به آن‌چه می‌گفته، عمل نمی‌کرده، میراث او فقط به صورت کتاب باقی مانده است، که مکتب‌داران، نسل پشت نسل «از بر» کرده‌اند و به ما «از بر کردن» آن را آموخته‌اند، چنان که ما هم به دیگران می آموزیم، بی‌آنکه ذره‌ای عمل داشته باشیم.

اما شخص روحانی که باید در مجلسین موعظهٔ اخلاقی کند، این هم از آن حرف‌های عجیب است.

اگر نخواهیم زیاد دور برویم، حافظ خودمان، این لسان الغیبی که سر طاقچهٔ هر ایرانی وجود دارد و این همه مورد نیاز و احترام همه است، ببینیم، دل او نیز از دست همین موعظه شخص روحانی خون بوده یا نه. مثل این که از خیلی بیشتر از او «روحانیت» و «منافق بودن» با هم توأم بوده‌اند.

«روحانیت» دولت‌های جهان را واژگون کرده، قدرت‌های عالمگیر را به خاک سپرده، در تاریخ خودمان، دولت هخامنشی، دولت ساسانی، دولت صفوی؛[2] حافظ بالاخره بیشتر زبان مردم آن روز است.

این راه مبارزهٔ با فساد نیست.

ما در اصول ایدئولوژی حزبی، خودمان راه را تعیین کرده‌ایم و ملت جز این راهی ندارد. مصمم، با قوای روحی مجهز در این راه گام برداشته‌ایم و تا فنای محض در این راه هستیم.[3]

---

۱. اصل: اندرزاند.

۲. ر.ک. فصل چهارم، مبحث سومکا و اسلام، بخش ۴. اهانت به روحانیت.

۳. همان جا، ش. ب ۳۷۷، ش. س ۴۷ـ ۴۹. (ر.ک. فصل چهارم، مبحث سومکا و اسلام.)

[سند شماره‌ی ۲۳۸]

گزارش در خصوص جمع‌آوری پول از عابران خیابان شاپور توسط دو نفر از اعضای حزب سومکا

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

تاریخ ۲۲/۵/۳۴[۱۳]

گزارش

به عرض می‌رساند: شب گذشته افسر نگهبان کلانتری ۴ تلفنی اطلاع داد: طبق اظهار سرکار سرهنگ شریفی [؟] چند نفر از افراد حزب سومکا در حوالی خیابان ری و شاهپور، پرچم به دست گرفته از عابرین پول [جمع] می‌نمایند. فوراً با اعزام سه نفر مأمور از عمل مزبور تحقیق لازم به عمل آورده، کسی مشاهده نگردید. مراتب استحضاراً به عرض رسید.(۱)

کلانتر ۵. [امضا و اثر مهر ناخوانا].

[حاشیه‌ی بالا سمت چپ:] به فرموده عیناً برای استحضار و اقدام شایسته به اداره اطلاعات ایفاد می‌گردد. ۲۲/۵/۳۴[۱۳].

[حاشیه‌ی بالا سمت چپ:] آقای نور به وسیله مأمورین مربوط تحقیق [و] تهیه گزارش شود. ۲۴/۵/۳۴[۱۳].

---

۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش. ب ۶۳۳، ص ۲۶

[حاشیه‌ی پایین، سمت راست:] دایره بازپرسی شعبه مراقبت اقدام شود. ۲۲/۳۴/۵/۲۲[۱۳]

[حاشیه‌ی بالا سمت چپ اثر مهر:] ورود به دفتر نماینده کارآگاهی، تاریخ ۲۳/۳۴/۵/۲۳[۱۳]، شماره ۲۸۳۰۶.

[حاشیه‌ی پایین، وسط، اثر مهر ناخوانا[۱]] ۲۲/۳۴/۵/۲۲[۱۳]، شماره ۳/۷۷۹۴.

[حاشیه‌ی پایین، سمت چپ:] مراقبت شد. [امضا: ناخوانا]، ۲۳/۳۴/۵/۲۳[۱۳].

[حاشیه‌ی سمت راست، وسط:] طبق دستور، ۵/۵۰۴۸۲ / [۱۳]۳۵/۹/۴ بایگانی شود.

---

۱. عبارت: ورود به دفتر..... سرکلانتری خوانده می‌شود. (۲ تا ۳ کلمه ناخوانا).

[سند شماره‌ی ۲۳۹/۱]

دستور رئیس ستاد ارتش مبنی بر بررسی و رسیدگی به اهانت حزب سومکا در بولتن ۱۹ به عالم روحانیت

اداره ستاد ارتش
دایره رکن ۲ شعبه ۱۰
شعبه

وزارت دفاع ملی

شماره ۲۳۴۴۴
تاریخ ۱۱/۱۱/۲۴
پیوست

فرماندهی سپاه ۲ شمال غرب

حزب سومکا

برابر نامه شهربانی کل کشور مستند به گزارش شهربانی آذربایجان حزب مزبور در بولتن شماره ۱۹ مورخه ۲۴/۱۰/۶ بعالم روحانیت اهانت نموده است علیهذا دستور فرمائید مراتب چگونگی را دقیقاً رسیدگی و نتیجه را سریعاً بستاد ارتش گزارش نمایند تا اقدام لازم معمول گردد.

از طرف رئیس ستاد ارتش

۱۰/۱۱

رونوشت ۲ شعبه ۱۰
جمع گروه چهار شهری ...

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۳۹/۲]

ارسال رونوشت بولتن سومکا به ستاد ارتش

ل-۱
در جواب مراسله حروف و
اعداد ممیزه که متمم شماره
است با شماره ذکر شود

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

اداره: اطلاعات
دائره: ....
تاریخ: ۲۳/۱۰/۲۴
شماره: ۵/۵۸۹۳۴ ز
پیوست: دارد
موضوع: ....

(محرمانه)

ریاست ستاد ارتش

شهربانی آذربایجان با ارسال یک نسخه بولتن شماره ۱۹ مورخه ۶/۱۰/۲۴ حزب سومکا گزارش میدهد چون بولتن مذکور به تمام معنی به عالم روحانیت توهین نموده ممکن است اهالی متعصب آنسامان را نسبت به دولت بدبین نماید. اینک رونوشت بولتن مزبور جهت استحضار پیوست ایفاد میگردد.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور - سرتیپ مرغزاری

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۴۰]

پاسخ ستاد سپاه سوم شمال باختر به نامه‌ی ریاست ستاد ارتش

از ستاد سپاه ۳

شماره ۱۰۶۵۴ / ر

۱۶ / ۱۲ / ۲۴

محرمانه - مستقیم

به ریاست [illegible]

ریاست ستاد ارتش

درباره حزب دمکرات

عطف به نامه شماره ۲۳۴۴۴ [illegible]

۱۱ / ۱۱ / ۲۴

چگونگی [illegible] آذربایجان [illegible] یک برگ [illegible]

[illegible] ۲۱۵۴۹ / ۱۸۴۸ [illegible]

[illegible] ۱۲ / ۲۴

[illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

نمره ۲

۲۸۴۶۸

۲۷ / ۱۲ / ۲۴

۱۸ ح / ۲

[سند شماره‌ی ۲۴۱]

پاسخ سرپرست شهربانی‌های آذربایجان به نامه‌ی ستاد سپاه سوم

۵/۱۸۲۸
۲۱۹۴۹
۱۲/۲۴

تیمسار ریاست ستاد لشکر تبریز

عطف به شماره ۱۰۶۹۳ — ۲۹/۱۱/۲۴ [illegible] ۱۹ [illegible]

[illegible] ۸۸۷۴ — ۱۹/۱۱/۲۴ [illegible]

[illegible] ۵۹۵۸ — ۲۲/۱۱/۲۴ و ۶۰۴۷ — ۲۳/۱۱/۲۴ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سرپرست شهربانی‌های آذربایجان [illegible]

[illegible]

[سند شمارهٔ ۲۴۲]

دستور جمع‌آوری نسخه‌های الفبای سومکا

در جواب مراسله مرقومه
اعداد [illegible]
است با شماره ذکر شود

وزارت کشور
شهربانی کل کشور

اداره اطلاعات
دایره
تاریخ
شماره
پیوست
موضوع
(محرمانه)

بخشنامه - اداره اطلاعات

شهربانی .....

گزارش واصله حاکی است اخیراً از طرف حزب سومکا بمنظور تسهیل در امر نوشتن و خواندن فارسی الفبائی تدوین [illegible] گردیده که در آن کلمات با حروف لاتین نوشته شده و مراتب بوزارت فرهنگ اعلام و در پاسخ اشعار داشته‌اند چون الفبای فارسی از عوامل اساسی وحدت ملت و فرهنگ و تاریخ و ادب ملت ایران است [illegible] از وظایف حزب یاد شده [illegible] و اصولاً تغییر رسم‌الخط و آموزش و پرورش منحصراً باید با اجازه وزارت فرهنگ [illegible] احزاب یا اشخاص حق چاپ و انتشار اینگونه نشریات را بدون تحصیل اجازه رسمی وزارت فرهنگ ندارند و از وظایف ملی هر فرد یا حزب [illegible] ترویج خط و زبان فارسی [illegible] چون مراتب [illegible] وزارت کشور نیز رسیده [illegible] مقرر فرمائید مامورین [illegible] و با شناختن متصدیان حزب سومکا مراتب فوق [illegible] نسخ الفبای مذکور را جمع‌آوری نموده [illegible] از انتشار آنها جلوگیری نمایند.

از طرف رئیس اداره اطلاعات - سرهنگ مرنصیری

رونوشت جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی باداره انتظامی و سرکلانتری ارسال میگردد.

از طرف رئیس اداره اطلاعات - سرهنگ مرنصیری

۲۰/۱۷۴۸۴ ز

[illegible]

رونوشت شرح فوق جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی باداره مطبوعات ارسال میگردد.

رئیس

رئیس اداره احزاب و [illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۴۳]

خلاصه مطالب منتشره در نشریه‌ی همشاگردی، نشریه‌ی گروه «ایران فرزندان»

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

اداره ....
دایره ....
شماره ....

تاریخ ....
پیوست ....

نشریه‌ای بنام همشاگردی شماره ۵ سال دوم از طرف حزب سومکا در ۱۳۳۵/۱۰/۱۵ منتشر گردیده که حاوی چند مقاله است که خلاصه آن بشرح زیر است:

۱ شخصیت حق خواستن دارد. در این مقاله از بزرگ خواستن تعریف و هم میهنان را تشویق نموده که دارای آن باشند و برای انجام آن کوشش کنند.

۲ تجمع قدرتها. در این مقاله ۳ قدرت فکری، عملی و اخلاقی را تعریف نموده و نوشته که کشور با تجمع این قدرتها پیشرفت خواهد نمود.

۳ هرگز کاری نکن که برخلاف شرافت باشد. در این مقاله نامه همسر گوبلز راجع به روزهای آخر جنگ دوم که از پناهگاه هیتلر بفرزند ترکه در خارج از پناهگاه بوده نوشته یادآوری کرده که همیشه خود را یک نفر آلمانی بداند و کاری نکند که برخلاف وجدان باشد و نتیجه گرفته که تمام افراد کشور ما باید چنین فکر کنند.

۴ فساد فرهنگ. در این مقاله از نوشتجات و انتشاراتیکه حاوی داستانهای عشقی و جنائی بوده و باعث فساد اخلاق جوانان میگردد تنقید نموده و بخاتمه نوشته که بجای آنها بایستی آثار ناسیونالیستی منتشر شود و امید داده است که در آتیه سومکا پیروز خواهد شد و فساد فرهنگی را پاک میکند.

۵ بحرین ما:
در این مقاله بطور مختصر تاریخچه بحرین را ذکر و یادآور کرده که روزی پرچم ایران در آن به احتـزاز درآید.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۴۴]

اعلام تصمیم منشی‌زاده برای مسافرت به میانه و تبریز

ج/۷۸۶
۲۵/۳/۳۲

اطلاعیــــــه

برابر اطلاع رسیده دکتر منشی زاده رهبر حزب سومکا قصد مسافرت بمیانه و تبریز را دارد و قریباً حرکت خواهـــد کرد.

منبع اطلاع . موثـــق .

۱۵/۳/

۱۷ ح/۲ ۱۷/۳

[سند شماره‌ی ۲۴۵]

مخالفت حزب سومکا با تشکیل حزب مردم توسط اسدالله علم

همایون امیر احمدی ۱۰/۴/۳۶[۱۳] ۱۰۱۰

فعالیت افراد سومکا

پس از این که آقای علم تصمیم به تشکیل حزب می‌گیرد، افراد سومکا خود را برای مبارزه با ایشان آماده می‌سازند. حتی در جلسات حزبی کراراً در این مورد مذاکره و انتقاد کرده [و] می‌گویند از آقای علم حامی کشاورز و کارگر در نمی‌آید. این رویه باعث خواهد شد کارگران و کشاورزان واقعی در مسیری واقع شوند که کاملاً خلاف منظور و مقصود بوده، به ضرر کشور تمام شود.

گذشته از این‌ها در جلسه حزبی صحبت شده است آقای علم مورد حمایت بندگان اعلی‌حضرت همایونی هستند و طبق دستور ایشان رفتار می‌کنند [و] نباید مبارزه کرد. عده‌ای اظهار نظر نموده‌اند [که] اطراف اعلی‌حضرت همایونی را اشخاص ناصالح در لباس....(۱) و خدمت گرفته، بزرگ‌ترین خیانت را می‌کنند و روز خطر هم فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند. پس بر ما است [که] شدیداً مخالفت و مقاومت نموده، نگذاریم یک مشت خائن، میهن و کشور ما را جولانگاه مقاصد خائنانه خود قرار دهند و حتی تصادم روی داد مقامات مؤثر کشور را از چگونگی امر مستحضر خواهیم ساخت.(۲)

[حاشیه‌ی ۰، در پایان گزارش:] یک نسخه ماشین شود.

[حاشیه‌ی سمت راست:] دایره ۱. ضمیمه پرونده حزب سومکا. رونوشت پرونده حزب مردم.

---

۱. یک کلمه خوانده نمی‌شود.

۲. همان جا، ش. ب ۳۷۶، ش. س ۲۱.

[سند شماره‌ی ۲۴۶]

اعلام محل تولد منشی‌زاده متقاضی امتیاز روزنامه‌ی سومکا

در جواب مراسله معروف واعداد ممیزه که شماره ثبت و شماره ذکر شود

۱۰۰۰۰۰ برگ ۸ر۳۵

تاریخ ۱۳۳۰

شماره ۲۲۹/ط ۱۹۱م

ضمیمه

وزارت کشور

سازمان اطلاعات وامنیت کشور

عطف بنامه شماره ۱۳۵۹/ ۵/۹/ ۳۶ راجع به تعیین محل تولد آقای داود منشی زاده که تقاضای امتیاز روزنامه سیاسی سومکا را در تهران نموده اشعار میدارد طبق محتویات پرونده محل تولد مشارالیه حضرت عبدالعظیم میباشد و بپیوست هم دو قطعه عکس ارسال میشود.

مدیر کل دکتر زنگنه.

محرمانه

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

اندیکس شد
۱۳۲۶/۶/۲

[سند شماره‌ی ۲۴۷]

گزارش دعوت منشی‌زاده از دوستان، جهت تجدید فعالیت حزبی و پرداخت مقرری به او از طرف مقامات انتظامی

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: حزب سومکا — شماره ۳۲-۳۹-...

محل: تهران — تاریخ حادثه:

... — تاریخ وصول خبر: ۳۶/۱۰/۱۵

منبع خبر: ... — تاریخ گزارش: ۳۶/۱۰/۱۶

تقویم: ...

X اخیراً رفت و آمد اعضای سابق و دوستان دکتر منشی‌زاده مسئول حزب سومکا افزایش یافته و نامبرده بوسیله نامه از دوستان و همکاران خود دعوت نموده که برای احیای فعالیتهای گذشته اقدام کنند. X

دکتر منشی‌زاده که ماهیانه دو هزار و پانصد ریال مستمری از مقامات انتظامی دریافت میدارد اخیراً طی شرحی که به دربار شاهنشاهی معروض داشته تقاضا نموده ... چند ماه مستری مذکور یکجا پرداخت گردد و شنیده شده که دربار شاهنشاهی با این درخواست وی موافقت و شش ماه از مستمری فوق را به نامبرده پرداخت نموده‌اند.

نظریه:

گیرندگان:

۳۶-۱۴۹/۵

[سند شماره‌ی ۲۴۸]

پیام حزب سومکا به مناسبت افتتاح راه‌آهن تبریز

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران «سومکا»

پایگاه تبریز

روز چهارم اردیبهشت ماه راه‌آهن تبریز بدست شاهانه افتتاح خواهد شد. شهر تاریخی ما خود را برای استقبال از شاهنشاه آماده میکند

حزب سومکا: پرچمدار مبارزات ناسیونالیستی دوران پرافتخار چند سال اخیر وطن که با عالی‌ترین مقاصد سیاسی در راه تشکیل ایران بزرگ و آباد و سرفراز قدم برمیدارد، نهایت درجه خوشوقتی و امیدواری عموم افراد ملت را از این اقدام بزرگ که قلب مملکت را با یک قطعه پر ارزش از خاک مقدس وطن متصل میسازد بازگو می کند. امید است در پرتو بیداری روح وحدت ملی همه موانع از میان برداشته شده سدهای اهریمنی که در سر راه ترقی ملت قرار دارد درهم شکند درفش شاهنشاهی در سرتاسر نیا خاک بزرگ باهتزاز درآید

برقرار باد رژیم مقدس شاهنشاهی

پاینده حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

شاد ایران

[سند شماره‌ی ۲۴۹]

اعلام موافقت ساواک با صدور گذرنامه‌ی منشی‌زاده

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.۱.۱.۱.ک

اداره: الف ۳
دایره:
شماره:
تاریخ:
پیوست:

ریاست شهربانی کل کشور

درباره آقای داود منشی زاده فرزند ابراهیم

پیرو شماره ۱۸۶۸۰/ ۲۷/۶/۲۵

صدور گذرنامه جهت نامبرده بالا بمقصد کشور امریکا بمنظور معالجه از نظر این سازمان بلامانع است. - از طرف رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

۴۷/۶/۲۶

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۱۸۹۲۸
۴۷/۶/۲۶

[سند شماره‌ی ۲۵۰]

دستور محمدرضا پهلوی مبنی بر پرداخت هزینه‌ی معالجه منشی‌زاده

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

اداره ....
دایره ....
شماره ....۹۴۴....

پیوست ....
تاریخ ۴۲/۷/۱۴

دربار شاهنشاهی

تیمسار سرلشکر نصیری معاون نخست وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

آقای دکتر منشی‌زاده با کسب اجازه از پیشگاه مبارک [illegible] به منظور معالجه برای مدت شش ماه به امریکا مسافرت خواهد نمود. نظر به اینکه مبلغی در حدود [illegible] هزار دلار احتیاج دارد [illegible] مقرر فرمودند [illegible] بنیاد پهلوی [illegible] سازمان [illegible] تقسیم و هر یک [illegible] توانایی آقای منشی‌زاده [illegible] فرمودند از طرف مقامات فوق‌الذکر خصوصاً (دانشگاه و وزارت فرهنگ) انجام [illegible] مالی با ایشان محول گردد [illegible] به وسیله فرمان [illegible] ابلاغ می‌گردد.

خواهشمند است دستور فرمایید [illegible] آقای دکتر منشی‌زاده [illegible] فراهم گردد.

وزیر دربار شاهنشاهی

[illegible] ۴۲/۷/۱۶

[illegible] ریاست سازمان [illegible] اداره [illegible]
[illegible] ۴۲/۷/۱۶ [illegible]

(۹۵۰۰)

[illegible]

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۵۱]

اعلامیه حزب سومکا، پایگاه تبریز، به مناسبت ۲۷ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران ((سومکا))

هم‌پیمانان، هموطنان: مردم میهن پرست آذربایجان

۲۷ مرداد سال ۳۲ درست در آن موقع بحرانی وخطرناکی که افق سیاست ایران تیره و تار وابرهای ظلام آسمان صافی و آبی کشور باستانی مارا فرا گرفته بود، رهبرما از زندان دیکتاتوری تضرع آزادی یافت. ودر میدان نبرد بصفوف ما پیوست. با آزادی دکتر منشی زاده رهبر پولادین سومکا مبارزه سربازان سیاهپوش برعلیه دشمنان ملت ودارودسته های بالشویك شدت یافت در آن روزهای پرآشوب وانقلابی که رشته امور ازهم گسسته بود ما اعلام کردیم که خواستاران جمهوری دموکراتیك سرسختترین دشمنان خودرا در وجود ما خواهند یافت.

ضربات پیراهن‌سیاهان سومکائی چنان شدید وکوبنده بود که مجال مقابله بآنها نداد، مردم نومید و دست روی دست گذاشته و در انتظار حوادث نشسته ایران را بحرکت وجنبش درآورد.

فردای روز آزادی رهبر قیام همه جانبه ملت آغاز شد در اثر فداکاریهای سربازان ارتش شاهنشاهی و جنبش ملت که فدائیان پیراهن سیاه سومکا در راس آن قرار داشت، مملکت از یك سقوط حتمی وملت ازیك خطر بزرك نجات یافت. پایگاه حزب سومکا در آذربایجان این پیروزی ملی را بهموطنان وهم‌پیمانان خود تبریك میگوید.

مادرراه تجدید اقتدار باستانی وعظمت وسربلندی ایران جان‌درکف دست تا آخرین نفس ایستاده‌ایم.

شاد ایران

پایگاه تبریز: مرکز پایگاههای آذربایجان

بمناسبت تصادف با ایام سوگواری امسال مراسم جشن درحزب سومکا برگزارنمیشود

۱۵ / ۶ / ۱۳۳۲

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۵۲]

مکاتبه‌ی پرویز منصور با نخست‌وزیر درباره‌ی معوق ماندن مال‌الاجاره محل حزب سومکا و درخواست پرداخت آن

به پیشگاه عدالت مراست یک سختی

اگر که گوش به گفتار دادخواه کنی

جناب آقای دکتر اقبال

نخست وزیر محترم

با نهایت احترام به استحضار عالی می‌رساند: در آذر سال ۳۳[۱۳] فدوی خانه [ای] برای سکونت خود و خانواده‌ام واقع در بخش سه حسن‌آباد از بانو حشمت سلیمانی به موجب سند رسمی اجاره کردم. پس از آن که اثاث زندگی خود را به محل مورد اجاره حمل کردم مشاهده شد که خانهٔ مزبور از طرف آقای دکتر منشی‌زاده و حزب سومکا (حزب منتسب به او) اشغال شده.

جریان عمل چنین بوده: (آقای دکتر منشی‌زاده خانه‌ای[1] در خیابان خانقاه در اختیار داشته که محکوم به تخلیهٔ آن بوده و مقامات انتظامی برای اجرای حکم، او را تحت فشار قرار داده بودند و آقای دکتر منشی‌زاده برای اجارهٔ خانه به بانو حشمت سلیمانی مراجعه کرده بود و بانوی نامبرده به عذر آن که خود قصد زندگی در آن خانه را دارد، از قبول استجارهٔ آقای دکتر منشی‌زاده خودداری می‌نماید و بعداً که اطلاع می‌یابد مالکه به او دروغ گفته و خانهٔ مورد نظر او را به دیگری اجاره داده است، قبل از تصرف مستأجر اصلی، خانه را متصرف و اشغال نموده). بر اثر شکایت به مراجع قانونی حکم بر محکومیت آقای دکتر منشی‌زاده و حزب سومکا دایر به تخلیهٔ خانهٔ مورد اجارهٔ فدوی صادر شد و پس از قطعیت در صدد اجرای حکم، مقدمات امر فراهم گردید. ولی در اثر توسل آقای دکتر منشی‌زاده، جناب عالی در مقام وزارت دربار شاهنشاهی به آقای سید رضی امین مدیر کل ثبت (وقت) توصیه فرمودید که با ذی‌نفع و مالکه مذاکره و در

---

۱. اصل، خانه‌ئی.

صورت امکان، موافقت طرفین جلب گردد. آقای دکتر منشی‌زاده در خانهٔ متصرفی ابقاء و رفع مزاحمت از ایشان بشود و اجارهٔ بها نیز طبق سند تنظیمی از طرف او پرداخت گردد. کشور خاتمه یافت ولی مالکه به هیچ عنوان حاضر نشد سند اجاره راکه به نام این جانب تنظیم شده بود فسخ و ابطال نموده و به نام آقای دکتر منشی‌زاده سند اجاره تنظیم نماید.

در نتیجه مقرر شد همه ماهه اجاره بهاء، از محل وجهی که ادارهٔ کل شهربانی به آقای دکتر منشی‌زاده می‌پردازد به نام این جانب در صندوق ثبت کل تودیع گردد و مالکه دریافت نماید. به همین ترتیب تا اردیبهشت سال [۱۳]۳۷ عمل می‌شد.

در سال گذشته آقای دکتر منشی‌زاده به آمریکا عزیمت نمود و به قرار معلوم مبلغی بابت اجاره بها به مؤجر بدهکار بوده و گویا قرار بر این گذاشته بودند که در غیاب ایشان در صورتی که مالکه حاضر شود از مطالبات خود بابت مال‌الاجارهٔ معوقه صرف نظر نماید، خانهٔ محل حزب تخلیه و تحویل مؤجر گردد؛ ولی پس از تخلیه و تحویل، مالکه به منظور تأمین منافع خود معادل (۸۴۰۰۰ ریال بابت اجارهٔ ۱۴ ماهه معوقه تا تاریخ تخلیه و مبلغ ۷۰۰۰۰ ریال هم به عنوان خسارت و هزینهٔ محاکمات مجموعاً ۱۵۴۰۰۰ ریال) علیه فدوی مبادرت به صدور رأی و طرح دعوی در مراجع قانونی نموده که سی هزار ریال آن به مرحلهٔ قطعی رسیده و همه روزه مأمورین مربوطه مزاحم خود و خانواده‌ام هستند، بدون آنکه معنا موضوع ارتباطی با این جانب داشته باشد و یا به نحوی از انحاء مداخله و احتمال انتفاعی در اصل برای این جانب متصور باشد جز آن که در امتثال امر و انجام منویات خاطر مبارک از حق قانونی خود صرف نظر کرده‌ام و اینک که افتخار شرفیابی به حضور عالی حاصل شده، از مقام محترم استدعا دارم مقرر فرمایند تیمسار ریاست محترم کل شهربانی با استحضاری که از جریان امر دارند به نحو مقتضی [رفع] مزاحمت مدعی موصوف را صادر فرمایند.

با تقدیم شایسته‌ترین احترامات

پرویز منصوری[1]

[امضا] ۳۰/۱۱/۳۸[۱۳]

[حاشیه‌ی راست:] محرمانه، مستقیم.

تیمسار ریاست کل شهربانی برای رسیدگی و اقدام لازم. [امضا: دکتر منوچهر اقبال].

[اثر مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر، [شماره:] ۲۰۷۴۷، [تاریخ:] ۲/۱۲/۳۸[۱۳].

۱. به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۳۵۲-۵۳.

[سند شماره‌ی ۲۵۳]

استفاده از اعتبار سال ۱۳۳۸ حزب سومکا در شهربانی

برای پرداخت مال‌الاجاره‌ی معوق مانده

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

تاریخ: [۱۳]۳۸/۱۲/۱۶

شماره: ۱/۲۰۷۴۲

محرمانه- مستقیم

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً عطف به مرجوعهٔ مورخ [۱۳]۳۸/۱۱/۳۰ موضوع مبلغ یکصد و پنجاه و چهار هزار ریال اجارهٔ معوقهٔ خانهٔ استیجاری آقای دکتر منشی‌زاده جهت محل حزب سومکا به استحضار عالی می‌رساند: اعتبار سال [۱۳]۳۸ حزب سومکا موجود می‌باشد و مبلغ یکصد و پنجاه و چهار هزار ریال اجاره خانهٔ معوقهٔ حزب مزبور را به هر کس که معرفی فرمایند، پرداخت خواهد شد. مستدعی است امر و مقرر فرمایند به گیرندهٔ وجه ابلاغ شود برای دریافت مبلغ مزبور به صندوق ادارهٔ حسابداری شهربانی کل کشور مراجعه نمایند.(۱)

رئیس شهربانی کل کشور- سپهبد علوی مقدم

[امضا]

---

۱. مرکز اسناد ریاست جمهوری، بایگانی اسناد نخست‌وزیری. پرونده‌ی شماره‌ی ۴۴۳۷۹، به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۳۵۴- ۵۵.

[حاشیه‌ی راست:] آقای مؤیدی مرجوعه را اعاده نداده‌اند، از شهربانی مطالبه و ضمیمه نمائید.

[حاشیه‌ی پایین، اول:] جناب آقای اشرف احمدی حضوراً مذاکره بفرمایید. [امضا: دکتر منوچهر اقبال] ۱۷/ ۱۲/[۱۳۳۸].

[حاشیه‌ی پایین، دوم:]سابقه ۱۸/ ۱۲/[۱۳۳۸]

[حاشیه‌ی پایین، سوم:] پرونده ضمیمه شد. ۱۸/ ۱۲/ [۱۳]۳۸

[اثر مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر، شماره: ۹۷۶۵/۴، تاریخ: ۱۷/ ۱۲/ [۱۳]۳۸.

[سند شماره‌ی ۲۵۴]

درخواست ارسال نامه‌ی مربوط به بدهی محل استیجاری منشی‌زاده

[نشان شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

شماره: ۹۷۶۵/۴ تاریخ: ۲۲/۱۲/۳۸[۱۳]

محرمانه

شهربانی کل کشور

معطوفاً به شماره ۲۰۷۴۲/۱ـ ۱۶/۱۲/۳۸[۱۳] دستور فرمایند عین مرجوعهٔ مورخ ۳۰/۱۱/۳۸[۱۳] موضوع مبلغ یکصد و پنجاه و چهار هزار ریال اجاره خانهٔ معوقهٔ خانهٔ استیجاری آقای دکتر منشی‌زاده راکه همراه نامهٔ مذکور نبود ارسال دارند.(۱)

نخست وزیر

[امضای پیش نویس، مستوفیان] ۲۲/۱۲/۳۸[۱۳]

[حاشیه‌ی پایین:] به امضای جناب آقای اشرف احمدی معاون.

---

۱. به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، ص ۳۵۵.

[سند شماره‌ی ۲۵۵]

ارسال نامه موضوع بدهی منشی‌زاده به نخست‌وزیر

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

تاریخ: ۳۹/۱/۶[۱۳] پیوست: یک برگ

شماره: ۱/۱۰۶ محرمانه

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً عطف به نامهٔ شماره ۹۷۶۵/۴ مورخه ۳۸/۱۲/۲۲[۱۳] عین مرجوعهٔ[1] مورخ ۳۳۸/۱۱/۳۰[۱] موضوع مبلغ یکصد و پنجاه و چهار هزار ریال اجاره خانهٔ معوقهٔ خانهٔ استیجاری آقای دکتر منشی‌زاده به پیوست ارسال گردید.[2]

رئیس شهربانی کل کشور- سپهبد علوی مقدم

[امضا]

[حاشیه‌ی پایین، اول،] جناب آقای اشرف احمدی رسیدگی بفرمایید. [امضا: دکتر منوچهر اقبال].

[حاشیه‌ی پایین، دوم:] آقای مؤیدی، آقای منصوری را بخواهید، وقتی آمد این پرونده را رسیدگی نمایید.

[حاشیه‌ی پایین، سوم:] آقای منصوری آمدند به ریاست شهربانی تلفن شد، قرار است خود آقای منصوری چند روز دیگر به ایشان مراجعه نماید. فعلاً اقدامی ندارد. ۳۹/۱/۱۴[۱۳].

[اثر مهر] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر، شماره: ۲۱۳/۴، تاریخ: ۳۹/۱/۷[۱۳].

---

۱. مرجوعه مذکور در پرونده نبود. احتمالاً منظور همان سند شماره‌ی ۲۵۲ باشد.

۲. به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، ص ۳۵۶.

[سند شماره‌ی ۲۵۶]

خلاصه‌ای از چگونگی فعالیت‌ها و سازمان‌های حزب سومکا

خلاصه از چگونگی حزب سومکا

۱ـ کلوپ مرکزی حزب تهران ـ تبریز ـ خرم‌آباد ـ شاهپور

۲ـ نام پیشوان گردانندگان دکتر منشی‌زاده ـ داوود ابراهیمی ـ عالی اصف ـ منتخب‌الدوله

۳ـ تعداد ۷۲۰ نفر

۴ـ همبستگی با کدام حزب یا جمعیت دارد

۵ـ از طرف چه کسانی تقویت میشود از طرف آریانی‌ها

۶ـ روزنامه و مجلات وابسته بآن روزنامه سومکا ـ مجله سومکا

۷ـ عقاید و افکار ستاینده مرام نازیستی

۸ـ منبع مالی حق عضویت

۹ـ تاریخ تشکیل

۱۰ـ نظریه [illegible]

بتاریخ: ۶/۱/۱۳۲۹

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۵۷]

درخواست ارسال پاسخ تقاضای پرداخت بدهی منشی‌زاده

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

تاریخ: ۱۳]۳۹/۲/۸]

شماره: ۱/۲۹۰۸

محرمانه

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً تعقیب نامهٔ شماره ۲۱۳/۴ / ۱/۱۰۶ ۱۳]۳۹/۱/۶] آقای پرویز منصوری همه روزه به شهربانی کل مراجعه و مطالبهٔ مبلغ (۱۵۴۰۰۰) ریال اجاره خانهٔ معوقهٔ خانهٔ استیجاری آقای دکتر منشی‌زاده محل حزب سومکا را می‌نمایند. متمنی است مقرر فرمایند نتیجه تصمیمات متخذه را به شهربانی ابلاغ فرمایند.[۱]

رئیس شهربانی کل کشور- سپهبد علوی مقدم

[امضا]

[حاشیه‌ی پایین، اول:] جناب آقای اشرف احمدی، قرار بود اقدام بفرمایید. [امضا: دکتر منوچهر اقبال] ۱۳]۳۹/۲/۸]

[حاشیه‌ی پایین، دوم:] جواب بدهید به طوری که تلفنی مذاکره شد، قرار بود خود جناب‌عالی آقای منصوری را احضار و هر نوع تشخیص فرمودید اقدام فرمایید. بنابر این حل موضوع به تشخیص خود جناب‌عالی واگذار می‌شود.

[اثر مهر] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر، شماره: ۱۳۱۹/۴، تاریخ: ۱۳]۳۹/۲/۱۰].

---

۱. به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، ص ۳۵۷.

[سند شماره‌ی ۲۵۸]

تفویض اختیار حل و فصل شکایت بانو سلیمانی و آقای منصوری به ریاست شهربانی کل کشور

[نشان شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

شماره: ۱۳۱۹/۴ تاریخ: ۳۹/۲/۱۲[۱۳]

محرمانه

ریاست شهربانی کل کشور

عطف به نامهٔ شماره ۱/۲۹۰۸ـ۳۹/۲/۸[۱۳] در باب مال الاجارهٔ آقای پرویز منصوری، به طوری که تلفنی مذاکره شد قرار بود جناب عالی شاهد را احضار و به نحو مقتضی اقدام فرمایید. بنابراین حل موضوع به تشخیص خود جناب‌عالی واگذار می‌شود.[۱]

نخست وزیر

[امضای پیش نویس: مستوفیان] ۳۹/۲/۱۱[۱۳]

[حاشیه‌ی پایین:] به امضای جناب آقای اشرف احمدی معاون.

---

۱. به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، ص ۳۵۸.

[سند شماره‌ی ۲۵۹]

پرداخت بدهی دکتر منشی‌زاده

[نشان شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

تاریخ: ۳۹/۳/۸[۱۳] پیوست: چک

شماره: ۱/۴۴۱۵ محرمانه- مستقیم

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً عطف به مرقومۀ شماره ۱۳۱۹/۴ مورخ ۳۹/۲/۱۲[۱۳] موضوع دادخواهی بانو حشمت سلیمانی مالک عمارت مورد اجارۀ آقای پرویز منصوری جهت آقای دکتر منشی‌زاده و تقاضای پرداخت مبلغ ۱۴۵۰۰۰ ریال مال‌الاجارۀ معوقه عمارت مزبور که حل(۱) و فسخ آن را به این جانب محول فرموده‌اند به استحضار می‌رساند:

بانو حشمت سلیمانی به شهربانی کل مراجعه و با مذاکراتی که با نام‌برده به عمل آمد مشارالیها حاضر گردید در مقابل دریافت مبلغ یک صد هزار ریال از تمام ادعاهای خود صرف نظر نماید. لذا ضمن اخذ مدرک کتبی از ایشان، دال بر ترک دعوای مورد بحث، مبلغ یک صد هزار ریال به موجب چک شماره ۱۹۶۲۲۷-ح / ۳۹/۳/۸[۱۳] در وجه ادارۀ حسابداری نخست‌وزیری ارسال گردید.(۲)

رئیس شهربانی کلی کشور، سپهبد علوی مقدم

[امضا]

[حاشیه‌ی پایین، اول:] جناب آقای اشرف احمدی، رسیدگی شود. [امضا: دکتر منوچهر اقبال] ۳۹/۳/۸[۱۳].

[حاشیه‌ی پایین، دوم:] سابقه. ۳۹/۳/۱۱[۱۳].

[حاشیه‌ی پایین، سوم:]- آقای مرتضوی اقدام فرمایند. ۳۹/۳/۱۲[۱۳].

---

۱. اصل: حمل.

۲. به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، ص ۳۵۹.

[حاشیه‌ی پایین، چهارم:]- حسابداری اقدام نماید.

[حاشیه‌ی راست:] به موجب چک نمره ۷۱۹۰۲۸ / [۱۳]۳۹/۳/۱۷ مبلغ یکصد هزار ریال با حضور آقای پرویز منصوری در وجه بانو حشمت سلیمانی تحویل گردید. [امضا: مرتضوی].

[اثر مهر:] ورود به دفتر ادارهٔ کل حسابداری نخست وزیری، شماره: ۱۵۶۶- ح، /۳۹/۳/[۱۳].

[اثر مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیری، [شماره:] ۲۴۰۶/۴، [تاریخ:] ۳۹/۳/۹[۱۳].

[سند شماره‌ی ۲۶۰]

اعلام دریافت مبلغ مال‌الاجاره بدهی منشی‌زاده

[نشان شیر و خورشید]

نخست وزیر

مبلغ یکصد هزار ریال (۱۰۰۰۰۰ ریال) مال الاجارهٔ عمارت متعلق به این جانب بانو حشمت سلیمانی، موضوع نامهٔ شماره ۱/۴۴۱۵ـ۱ ـ ۸/۳/۳۹[۱۳] شهربانی کل کشور که سند ترک دعوی آن تنظیم و به شهربانی کل تسلیم شده است، به موجب چک....[1] توسط ادارهٔ کل حسابداری نخست وزیری به این جانب بانو سلیمانی واصل گردید.

محل امضا [ی] بانو سلیمانی

[امضا]

با حضور این جانب پرویز منصوری چک شماره ۷۱۹۰۲۸ / [۱۳]۳۹/۳/۱۷ به مبلغ یکصد هزار ریال (۱۰۰۰۰۰) ریال توسط ادارهٔ کل حسابداری نخست وزیری به بانو حشمت سلیمانی تحویل گردید.

محل امضا[ی] پرویز منصوری[2]

[امضا]

---

۱. نقطه چین مربوط به اصل سند است.

۲. به نقل از: اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۳۶۰ـ ۳۶۱.

[سند شماره‌ی ۲۶۱]

استعلام در خصوص صلاحیت دریافت پروانه حمل اسلحه برای کسانی که وابسته‌ی حزب سومکا بوده‌اند

از
اداره دوم
دایره شعبه اسلحه و مهمات
شماره ۱۷۷۴/(۲)

تهران - روز ...
۱۳۳۹/۱۲/۴

ستاد بزرگ ارتشتاران

خیلی محرمانه

ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

درباره: افراد وابسته بحزب سومکا

دستور فرمائید تعیین و اعلام دارند صدور پروانه حمل اسلحه بنام اشخاصی که در سلک افراد وابسته بحزب سومکا میباشند از نظر آن سازمان مانعی دارد یا خیر؟ تا بهمین نحو اقدام گردد.

رئیس اداره دوم - سپهبد کیا

از طرف

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

خیلی محرمانه

۱۳۳۹/۱۲/۲۳

[سند شماره‌ی ۲۶۲]

تلگراف ساواک ساری مبنی بر خبر یافتن از اقدامات خرابکاران حزب سومکا

تلگرافات وارده

۱ - از ساری

۲ - به تهران

۳ - تاریخ ۲۰/۳/۴۲

۴ - شماره ۳۳۹۲

۵ - کشف‌شده توسط ۲۰۲

۶ - وقتیکه مخابره‌شده ۰۹۰۰

۷ - تقدم خیلی فوری

۸ - قسمت اقدام کننده اداره کل سوم

۹ - برای اطلاع باداره

شماره عادی / پرزی

روز جاری مامور ویژه اینساواک گزارش داده در حزب سومکا برهبری دکتر منشی زاده باچند نفر افسر ارتش و شهربانی اشنا شده مشارالیه بینهایت مورد اعتماد منشی زاده میباشد درمورد اینکه افراد حزب مزبور قصد اتش سوزی و کودتا داشته جمعا مقداری مواد منفجره و اتش زا ساخته و اعلامیه‌های مضره ای وسیله همین مامور وخودشان درنقاط مختلف تهران و دانشگاه پخش نموده اند اطلاعاتی دراختیار این ساواک گذاشت درصورت لزوم شخص مذکور باین اداره کل اعزام شود اوامرعالی را ابلاغ فرمائید .

۳۱۱ - ۲۰/۳/۴۲ موثقی

[illegible]

[illegible]

۴۲/۳/۲۱

[سند شماره‌ی ۲۶۳]

آگاهی ساواک از قصد منشی‌زاده جهت استخدام یک مأمور نفوذی در فرودگاه

گیرنده ....

فرستنده ۳۱۱

شماره عطف پرونده ....

پیوست ....

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

تاریخ ۴۲/۲/۱۸

شماره ....

شماره پرونده گیرنده

شماره پرونده فرستنده ....

گـزارش

موضوع ....

محترماً بعرض میرساند .

مأمور اعزامی ازساری تلفنی اطلاع میدهد با دکترمنشی زاده ارتباط گرفتم ازاظهارات ایشان چنان استنباط کردم باند دکتردر نظردارند شخصی را باامکاناتی که دارند در فرودگاه استخدام نموده ودرموقع لزوم از وجود این شخص جهته خرابکاری استفاده نمایند .

نظریه . درصورت تصویب مقررفرمایند ازاستخدام جدید درفرودگاه خودداری نمایند . [illegible]

تهیه کننده . آذرمگین ۴۲/۲/۱۸

رئیس بخش ۳۱۱ . زمانی ۴۲/۲/۱۸

رئیس اداره یکم . موحدی [illegible]

مدیرکل اداره سوم . مقدم

معاونت ۴۲/۲/۱۸

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۶۴]

گزارشی مختصر درباره‌ی حزب سومکا

۴۲/۳/۲۲
۳۱۲

اطلاعاتی درباره حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا)

حزب مزبور در تابستان سال ۱۳۳۰ برهبری دکتر داود منشی‌زاده که تحصیلات خود را در فرانسه و آلمان انجام داده با مرامنامه و اساسنامه‌ای شبیه بحزب نازی آلمان در تهران تاسیس و بعد شعباتی هم در اصفهان و شهرهای خوزستان دایر کرده و تا پایان حکومت دکتر محمد مصدق ضمن مبارزه شدید با توده ایها و انجام حملاتی به دربار شاهنشاهی و مقام شامخ سلطنت در روزنامه سومکا ارگان حزب با دولت مصدق همکاری صمیمانه داشت و بعد از قیام ۲۸ مرداد سال ۳۲ تشکیلات حزب مزبور متلاشی شد و از آن پس تا سال ۱۳۳۹ تشکیلات و فعالیتی نداشته و در این تاریخ که مقارن با شروع اولین دوره انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی و تجدید فعالیت جبهه ملی بود طرفداران این حزب در آلمان که تعدادشان بسیار کم است شروع بفعالیت نمودند تا اینکه در اول خردادماه ۱۳۴۰ اولین شماره روزنامه سوگند را در مونیخ منتشر نمودند در اولین شماره این نشریه که بنام (پیکارنامه جوانان سوسیالیست ملی نهضت ملی ایران) در اروپا منتشر میگردید خط مشی آن از نظر سیاسی روشن گردید.

حزب سوسیالیست ملی در اولین اطلاعیه خود، خود را طرفدار بی‌چون‌وچرای جبهه ملی و مخالف حزب توده اعلام نمود. و ضمن اطلاعیه‌ها در پشتیبانی از جبهه ملی، روزنامه باختر امروز و حزب پان ایرانیست پشتیبانی خود را اعلام داشت لیکن روزنامه باختر امروز که در آن موقع بعنوان ارگان جبهه ملی اروپا منتشر میشد گردانندگان روزنامه مزبور را مامورین سازمان امنیت معرفی نمود و همچنین روزنامه ناسیونالیسم ارگان حزب پان ایرانیست در اروپا این روزنامه را مورد حمله قرار داد و نتیجه‌ای را که نویسندگان روزنامه سوگند انتظار داشتند نه تنها عایدشان نشد بلکه مخالفت طرفداران دسته‌های مذکور را نسبت بروزنامه سوگند جلب نمودند با این ترتیب روزنامه سوگند ضمن طرفداری از دکتر مصدق با جناحهای مختلف جبهه ملی و همچنین دولت مخالف میباشد.

ناشرین سوگند در مونیخ ضیاء طهری است و ماهیانه فقط سه شماره از نشریه مزبور بایران فرستاده میشود.

گیرندگان آنها در تهران داود منشی‌زاده - ضیاء مدرس و جزایری میباشند ...

و در حال حاضر دکتر منشی‌زاده اغلب بکار نوشتن و مطالعه کتاب مشغول است و حزب سومکا هم هیچگونه تشکیلات و عضو و فعالیتی ندارد.

بایگانی شود

۴۲/۳/۲۲

[سند شماره‌ی ۲۶۵]

خلاصه گزارشی مبنی بر در نظر داشتن منشی‌زاده

گیرنده ....

فرستنده ....

شماره عطف / پیرو ....

پیوست ....

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

تاریخ

شماره

شماره پرونده گیرنده

شماره پرونده فرستنده

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

سری

موضوع ....

جون درانتخابات آمریکا شاه مبلغ سه میلیون دلار خرج کرد که نیکسون رئیس جمهور شود لیکن شکست خورد . مفاد گزارش بالا بعرض رسید مقرر گردید که مدتی اعمال ورفتار دکترمنشی زاده بمنظور پی بردن فعالیتهای مشکوک او تحت مراقبت قرار گیرد لذا طرحی تهیه و به اداره پنجم داده شد ودکترمنشی زاده بانام مستعار (منشی) از تاریخ ۴۲/۴/۱۵ تحت مراقبت قرار گرفت که اینک طبق گزارشات پیوست اداره پنجم نکات حائز اهمیت وتماسهای مشکوک روزانه سوژه را ذیلاً بعرض میرساند .

۴۲/۴/۱۵

سوژه درساعت ۰۸۲۰ از منزل خارج وتاساعت ۱۹۱۶ تماسهای وی عادی بوده ودرساعت ۱۹۱۹ درخیابان پهلوی کوچه کاریابی وارد منزل پلاک ۲۴ متعلق به تیمسار سرلشگر قرنی میگردد وپس از ۴۵ دقیقه خارج میشود .

۴۲/۴/۱۶

درساعت ۰۸۳۰ اتومبیل ۶۱۶۵ ط ۲۴ مقابل منزل سوژه توقف وشخصی که رانندگی آنرا بعهده داشت وارد منزل ودرساعت ۰۹۴۵ خارج گردید (درمورد شناسائی صاحب اتومبیل اقدام گردیده است) درساعت ۰۹۴۵ سوژه ازمنزل خارج ودرساعت ۱۰۲۲ روبروی پلیس تهران وارد شرکت رامسر ومجمع ملی فعالیتهای اجتماعی گردید ودرساعت ۱۰۴۵ تیمسار سرلشگر قرنی وارد ساختمان مذکور شد ودرساعت ۱۰۳۱ سوژه باتفاق سه نفر که یکی از آنها سرلشگر قرنی بود ازآنجا خارج بطرف غرب خیابان شاهرضا حرکت کردند سوژه از سه نفر فوق جدا شده سوار تاکسی وبمنزل خود رفت وسه نفر مذکور درخیابان شاهرضا کوچه البرز سوار اتومبیل شورلت ۲۶۷۳۶ط ۲۴ شده وتیمسار قرنی درخیابان پهلوی منزل شخصی خود پیاده گردید

ن/۳۰۸-۳۸

گیرنده ....
فرستنده ....
شماره عطف / پیرو ....
پیوست ....

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

تاریخ ..
شماره
شماره پرونده گیرنده
شماره پرونده فرستنده

(۲)
سری

موضوع ....

(در مورد شناسائی صاحب اتومبیل اقدام گردیده است) .
ویکی از آن دونفر خیابان وصال شیرازی کوچه مهرین وارد منزل پلاک ۵ گردید (اقدام به شناسائی گردید) .
سوژه در ساعت ۱۸۰۵ از منزل خارج ودرخیابان فرصت کوچه سررشته داری ارتش وارد منزل دکتر طاهرزاده مشاور حقوقی و وکیل پایه ۱ دادگستری گردید وپس از یکساعت وبیست وپنج دقیقه از آنجا خارج ودرکافه نادری بادونفر که قبلاً حضور داشته اند در سرمیزنشسته وشروع به صحبت نموده است (درمورد شناسائی دونفر مورد بحث اقدام به تحقیق گردیده است) .

۴۲/۴/۱۷

سوژه درساعت ۰۸۵۹ از منزل خارج پس از سوار شدن تاکسی درساعت ۱۰۴۰ به طبقه سوم مجمع ملی فعالیتهای اجتماعی مراجعه ودرساعت ۱۲۵۰ با شخص دیگری خارج وسوار اتومبیل ۲۴۴۴۵ ط ۴۲ گردیدند (در ضمن محمد علی خوانساری هم که مدتی تحت تعقیب اداره پنجم بوده از همان محل خارج گردیده است) شخصی که اتومبیل را هدایت میکرد سوژه را در جلوی منزلش پیاده وخود وی درخیابان بهار بالاتر از بیمارستان شهربانی وارد منزل پلاک ۷۲ متعلق به محمد علی قرنی گردید . سوژه درساعت ۱۶۰۰ از منزل خارج و وارد خیابان کوروش کبیر گردید ودرآنجا باجوانی بسن ۲۸ برخورد وباتفاق وی وارد منزل دکتر طاهرزاد وکیل دادگستری گردید . ضمناً موقعی که درمنزل دکتر طاهرزاده بود اپل سفید رنگ ۶۳ دارای شماره موقت درمقابل منزل مذکور توقف وراننده آن که خانمی بود باصاحب منزل شروع به صحبت واظهارداشت همان که گفته ام همان است . سپس حرکت نموده ورفت وبعد از مدتی

گیرنده	**نخست وزیری**	تاریخ ...
فرستنده	**سازمان اطلاعات و امنیت کشور**	شماره
شماره عطف / پیرو	س.ا.و.ا.ک	شماره پرونده گیرنده
پیوست		شماره پرونده فرستنده

(۵)

موضوع ....

مراجعت نمود وداخل منزل گردید .

۴۲/۴/۱۸

درساعت ۰۷۴۰ . اتومبیل سواری شخصی بشماره ۲۱۰۱ ط ۴۲ جلوی منزل سوژه توقف و وارد منزل گردید (عکس وی برداشته شد واقدام بشناسائی گردیده است) .
درساعت ۰۸۰۵ تیمسار محمد آیرملو بوسیله پلیموت مشکی اداره خود همراه راننده جلوی منــزل سوژه توقف و وارد منزل گردید وپس از ۵۰ دقیقه مراجعت نموده است . درساعت ۰۸۵۰ . فولکس شماره ۲۵۳۸۴ ط ۴۱ متعلق به دکتر ابوالقاسم نجم آبادی استاد دانشگاه (همان زمانی کـــه تیمسار آیرملو درمنزل حضور داشته است) جلوی منزل سوژه توقف وچندین بار درب را زد وچون کسی درب را نگشود کارتی داخل منزل انداخته وسوار اتومبیل شده حرکت نموده است .
درساعت ۱۰۳۲ شورلت مدل ۵۹ بشماره ۲۴۴۴۵ ط ۴۲ جلوی منزل سوژه توقف وباتفاق یکدیگر به زعفرانیه رفته اند ودرساعت ۱۵۴۵ مجدداً فولکس واگن شماره بالا جلوی منزل سوژه توقــف وسرنشین آن داخل منزل گردید (عکس گرفته شد واقدام به تحقیق وشناسائی گردید) . و در ساعت ۱۸۴۵ یک سرهنگ ارتشی باسواری شخصی فیات بشماره ۵۷۷۷۹ ط ۴۱ جلوی منــزل سوژه توقف و وارد منزل گردید ودرساعت ۱۹۱۳ از آنجا خارج شد .

نظـــریـــه .

باتوجه به تلگراف ساواک ساری وتماسهائی که مأمور بادکترمنشی زاده گرفته واظهاراتی که درمورد حمل مواد منفجره بمأمور نموده وهمچنین نتیجه مراقبتهائی که دراین چند روزه بعمل آمــده اعمال ورفتار دکترمنشی زاده کاملاً مشکوک بوده وعمل مراقبت وتماس مأمور بادکترمنشی زاده –

××

گیرنده .... تاریخ

فرستنده .... شماره

شماره عطف / پیرو .... شماره پرونده گیرنده

پیوست .... شماره پرونده فرستنده

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س.ا.و.ا.ک

(٦)

موضوع ....

همچنان ادامه دارد .

ضمناً درمورد شناسائی ساکنین منازلی که سوژه بدانجا رفت وآمد نموده وهمچنین افرادی که باسوژه درحال تماس عکس آنها گرفته شده درمورد شناسائی آنها اقدام به تحقیق گردیده ونتیجه درگزارشهای بعدی بعرض خواهد رسید . [illegible]

[illegible]

تهیه کننده . شیخان

۳۰/۱۲/۴۲

رئیس بخش ۳۱۱ . زمانی

۳۰/۱۲/۴۲

رئیس اداره یکم . موحدی

۳۰/۱۲/۴۲

مدیرکل اداره سوم . مقدم

معاونت

[سند شماره‌ی ۲۶۶]

آگاه شدن منشی‌زاده از تحت نظر بودنش توسط ساواک و اظهارات سفیر انگلستان مبنی بر غیر عادی بودن اوضاع ایران

گیرنده .... تاریخ ۲۲/۴/۴۲

فرستنده ۳۱۱ شماره ....

شماره عطف/پیرو .... شماره پرونده گیرنده

پیوست .... شماره پرونده فرستنده

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س.ا.و.ا.ک

گزارش

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

موضوع .... سری

محترماً بعرض میرساند .

پیرو گزارشات قبلی مأمور اعزامی از ساری روز ۱۹/۴/۴۲ بملاقات دکتر داود منشی زاده میرود ومشاهده میکند دکتر منشی زاده مریض است ودختر آقای یوسف اسفندیاری از ایشان پذیرائی مینماید دکتر پس از احوال پرسی اظهار میکند باید خیلی مواظب خود باشیم چون از طرف سازمان امنیت مدت ده روز است مارا کنترل میکنند فعالیت خودرا باید محدود بکنیم . دیروز معاون سازمان امنیت که بامن دوست صمیمی است بملاقات من آمده بود باهم خیلی مذاکره کردیم ایشان بمن گفتند (چکار میکنی . مبادا شلوغ کنی) من درجواب ایشان گفتم حالم خوش نیست پایم درد میکند مثل اینکه چرک کرده قصد دارم برای معالجه بخارج از کشور بروم وپس از رفتن ایشان یکی از دوستان دیگرم که در سازمان امنیت کارمیکند بدیدن من آمد پس از احوال پرسی ومذاکرات عادی از منزل خارج شدند ورفتند وضع عادی بود چیزی متوجه نشدند وضمناً برای راه گم کردن دیروز بخدمت علا وزیر دربار رفتم ومدتی برای تهیه پاسپورت با ایشان مذاکره کردم وبعد وضع آلمان را در موقع جنگ تشریح کرد واضافه نمود من در این مسافرت ضمن معالجه با اشخاصی تماس خواهم گرفت وموفقیتهای دیگری بدست خواهم آورد که پیروزمندانه با ایران مراجعت نمایم وضمناً مقدار بسیار کم مواد آتش‌زا در اختیار یکی از دوستان هست لیکن من فکر میکنم جای آن مطمئن نیست مأمور پیشقدم میشود از آن مواد نگهداری نماید دوباره دکتر تأکید میکند که مبادا مأمورین سازمان امنیت متوجه باشند چون کارهای مارا کنترل میکنند مأمور درجواب اظهار میکند شما خاطرجمع باشید من مواظب هستم سپس دکتر بمأمور اظهار میکند من بوسیله شخص ثالث با سفیر کبیر انگلستان تماس گرفتم ایشان وضع ایران را غیر عادی تلقی کرده‌اند وگفته‌اند من به اتباع خود دستور داده‌ام ـ

سری

۳۸ـ۳۰۸/ن

۰۰۳۴۴۰۲۴

گیرنده .... تاریخ ....

فرستنده .... شماره .

شماره عطف / پیرو .... شماره پرونده گیرنده

پیوست .... شماره پرونده فرستنده

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س. ا. و. ا. ک

سـری (۲)

موضوع ....

آماده باشند ممکن است شبکه آب و برق تهران را منفجر نمایند موقعی که مأمور میخواسته خدا‌حافظی نماید دکتر بمأمور اظهار میکند خواهش میکنم به شماره تلفن ۸۳۰۰۵۹ منزل دکتر سرخوش تلفن کنید که در اولین فرصت بملاقات من بیاید .

تهیه کننده . آذرمگین . ۴۲/۴/۱۱

رئیس بخش ۳۱۱ . زمانی — نظر به اینکه نامبرده [illegible] ترجمه میکند که تحت تعقیب نباشد در صورت تصویب [illegible] تعقیب قطع گردد ۴۲/۴/۲۲

رئیس اداره یکم . موحدی — محترماً [illegible] با قطع تعقیب و مراقبت اداره [illegible] موافق [illegible]

مدیرکل اداره سوم . مقدم — ۴۲/۴/۲۳

برابر نظریه اقدام نمائید ۴۲/۴/۲۳

معاونت

سـری

[سند شماره‌ی ۲۶۷]

خلاصه‌ی پرونده‌ی عملیاتی منشی‌زاده

گیرنده ....
فرستنده ....
شماره عطف / پیرو
پیوست ....

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

تاریخ ۴۲/۵/۱۰
شماره ....
شماره پرونده گیرنده ....
شماره پرونده فرستنده

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

موضوع: خلاصه پرونده عملیاتی دکتر منشی زاده

در تاریخ ۴۲/۳/۲ یکی از مأمورین ویژه ساواک ساری گزارش میدهد: در حزب سومکا برهبری دکتر منشی زاده با چند نفر از افسران ارتش و شهربانی آشنا شده و بی نهایت مورد اعتماد دکتر منشی زاده واقع گردیده است و اضافه نموده. افراد حزب مزبور قصد آتش سوزی و کودتا داشته و مقداری مواد منفجره و آتش زا ساخته اند و توضیح داده که تعدادی اعلامیه‌های مضره وسیله مأمور و سایر افراد در نقاط مختلف تهران و دانشگاه پخش گردیده است.

طبق تصمیم متخذه مأمور مزبور مرکز احضار و با نام بشیر با آقای دانشور تماس حاصل میکند و زیر نظر مستقیم ریاست اداره یکم عملیات و بررسی وقت (سرکار سرهنگ موحدی) توسط آقای دانشور مصاحبه ای با نامبرده بعمل میآید که نتیجه آن پس از تجزیه و تحلیل بشرح زیر میباشد.

۱- مأمور نفوذی در خانه یکی از دوستان خود بنام مصطفی همایونفر با شخصی بنام فرامرز بدیع منصور آشنا شده درباره فعالیت حزب سومکا مذاکراتی بعمل میآورد.

۲- چند شب بعد مأمور نفوذی باتفاق دوست خود (همایونفر) بدعوت بدیع منصور بخانه مشارالیه میرود و پس از صرف مقداری مشروب در داخل یک جیپ زرد رنگ که شماره قم داشته از مقابل منزل بدیع منصور بسمت شمیران حرکت و در حدود ۵۰۰ پاکت محتوی سه تا ۸ برگ اعلامیه پلی کپی که در داخل جیپ بود بداخل منازل اشخاص [illegible] انداخته و در مراجعت بشهر پانزده پاکت بداخل باغ سفارت شوروی واقع در تهران می اندازند و تعدادی هم در محوطه داخلی دانشگاه میریزند.

پس از پخش اعلامیه با جیپ مزبور به قم عزیمت و در مدخل دروازه شهر متوقف میشوند و فرامرز بدیع منصور
۲۰۸-۳۸ ر ن

گیرنده ....
فرستنده ....
شماره عطف / پیرو
پیوست ....

تاریخ ....
شماره ....
شماره پرونده گیرنده ....
شماره پرونده فرستنده ....

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

من ۲

موضوع .... سری

پس از پیاده کردن مأمور نفوذی و رفیقش بداخل شهر رفته و پس از نیم ساعت مراجعت و باتفاق به تهران برمیگردند.

ذکر این نکته ضروری است که در جیپ مزبور مقداری مواد منفجره وجود داشته که شامل یک بسته مستطیل شکل با ابعاد ۱۵×۱۵×۲۵ بوده است.

۳- عواملی که با دکتر منشی زاده همکاری داشته و توسط مأمور نفوذی شناخته شده اند عبارتند از: سرهنگ باوند (از بستگان تیمسار باوند فرمانده سابق تیپ سواری که افسر شاغل است) فرامرز بدیع منصور. شاهپور زندنیا کارمند شرکت نفت در تهران. یک ستوان یکم ارتش از اهالی آذربایجان مهندس منشی زاده برادر دکتر منشی زاده

مطالبی که ذیل مواد سه گانه فوق توسط بررسی کننده (آقای دانشور) ذکر گردیده و میتوان نتیجه عملیات انجام شده تلقی نمود بشرح زیر است

۱- در ساعت ۰۷۳۰ روز ۲۷/۳/۴۲ مأمور نفوذی بمنزل فرامرز بدیع منصور میرود و پس از صرف صبحانه باتفاق هم با تاکسی بانتهای خیابان پامنار نزدیک بازار بیک مغازه ورشوفروشی مراجعه و یک استوانه برنجی توپر بطول ۲۵ سانتیمتر و قطر ۴ سانتیمتر خریداری و بمنزل مهندس منشی زاده (برادر دکتر منشی زاده) میروند و استوانه را تحویل وی میدهند پس از ۲۰ دقیقه توقف جهت ملاقات شاهپور زندنیا بشرکت نفت میروند تا از او مبلغی وجه دریافت کنند ولی چون مشارالیه پول همراه نداشته قرار میگذارند تا شب پول را تهیه و تحویل نماید.

۳۰۸-۳۸ ر ن

گیرنده .... | تاریخ ....
فرستنده .... | شماره ....
شماره عطف / پیرو .... | شماره پرونده گیرنده ....
پیوست .... | شماره پرونده فرستنده ....

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س.ا.و.ا.ک

موضوع .... ص ح

۲ــ فرامرز بدیع‌منصور بمأمور نفوذی اظهار کرده : قبل از روز حادثه ۱۵ خرداد آنان (معلوم نیست منظورش چه کسانی بوده‌اند) مقداری مواد منفجره آماده و در یکی از مراکز انتهای بازار موجود داشته‌اند ولی بعلت شلوغی موفق نمیشوند که مواد مزبور را دریافت و مورد استفاده قرار دهند ضمنا بدیع منصور اطلاعاتی که در پرونده منعکس هست از نحوه مصرف و موارد استعمال بطریهای ضد تانک بمأمور داده است.

ذیل گزارش مزبور جهت شناسائی اشخاص نامبرده شده و همچنین کشف محل مواد منفجره و سلاح ذکر شده دستوراتی داده شده که بموقع اجراء گذارده شده و نتیجه آن بشرح زیراست:

۱ــ فرامرز بدیع‌منصور فرد بیکاری معرفی شده که همیشه با دکتر منشی‌زاده ارتباط دارد.

۲ــ شاهپور زندنیا کارمند شرکت نفت بوده و سابقه دیگری از او در پرونده منعکس نشده است.

۳ــ سرهنگ باوند شناسائی نشده (جز آنچه درباره او در فوق اظهار نظر گردیده)

۴ــ دکتر منشی‌زاده شناسائی شده است

۵ــ مهندس منشی‌زاده شناسائی شده است

طبق تعلیمی که بمأمور نفوذی داده شده توسط فرامرز بدیع‌منصور با دکتر منشی‌زاده وقت ملاقات میگذارد که نتیجه آن بشرح زیراست.

در ساعت ۱۶۲۰ روز ۴۲/۴/۲۴ با دکتر منشی‌زاده ملاقات کرده و دکتر بمأمور این طور اظهار میکند:

شما (منظور مأمور است) باید در تهران بمانید و با ما همکاری کنید و باید در گرفتن خانه وحمل

۳۰۸-۴۸ ر ن

گیرنده ....
فرستنده ....
شماره عطف / پیرو ....
پیوست ....

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

تاریخ
شماره
شماره پرونده گیرنده
شماره پرونده فرستنده

سری

موضوع .... ص ۴

اسلحه بما کمک کنید و بنا میشود فرامرز بدیع منصور خیلی فوری خانه‌ای جهت مأمور تهیه و در اختیار او بگذارد.

دکتر منشی زاده میگوید: در خانه شما این کارها را میتوانیم انجام دهیم.

چاپ اعلامیه و درست کردن مواد منفجره و تشکیل کنفرانس و کارهای دیگری که پس از گرفتن خانه انجام خواهیم داد؟ دکتر پیشنهاد میکند اگر بتوانید از ماشین اداره استفاده کرده و به آذربایجان بروید و مقداری مواد منفجره که در آنجا بوسیله افراد خود مان تهیه شده است بتهران حمل کنید خیلی خوبست و اضافه میکند که ما میخواهیم مواد منفجره خود را خیلی زیاد کنیم چون خیلی بهتر از ازدیاد افراد است و بهمین دلیل آوردن مواد منفجره از آذربایجان خیلی مناسب است و میگوید استفاده از ماشین دولتی از این جهت است که مورد بازرسی قرار نمیگیرد و اداعه داد که این مواد را در روز انتخابات یا موقع مناسب دیگری مورد استفاده قرار خواهیم داد (مأمور نفوذی خود را کارمند نقشه برداری سازمان برنامه معرفی کرده بود).

مأمور نفوذی در گزارش خود اضافه کرده است که دکتر منشی زاده با وگفته است ما افراد زیاد نمیخواهیم ۵۰ نفر برای ما کافیست!! از لحاظ تخریب در درجه اول هدف ما سوء قصد نسبت به اعلیحضرت همایونی است و سپس تخریب ادارات دولتی و آتش زدن پمپ های بنزین از نظر ایجاد وحشت عمومی؟

ضمنا دکتر میگوید: افراد دیگری از رجال ها [illegible] مانند سید ضیاء الدین طباطبائی و سرلشکر قرنی که در آینده شما را با آنان آشنا خواهیم کرد.

[illegible]

گیرنده ....
فرستنده ....
شماره عطف / پیرو ....
پیوست ....

تاریخ ....
شماره
شماره پرونده گیرنده ....
شماره پرونده فرستنده

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س.ا.و.ا.ک

موضوع ....ص ۵

گزارش مزبور توسط آقای زمانی تجزیه وتحلیل و ذیلاً آن اظهار نظر میشود :

ترتیبی اتخاذ شود که مأمور در سازمان نقشه برداری حتی‌الامکان بعنوان روزمزد هم شده استخدام گردد ضمناً یک دستگاه ماشین لندرور دولتی باراننده مورد اعتماد و زرنگ در معیت یک مأمور کاملا ورزیده — تحت عنوان بازرس سازمان برنامه برای حمل مواد منفجره بآذربایجان اعزام گردند ضمنا ساواک تبریز در جریان امر واقع شود تا هنگام حمل مواد منفجره عناصریکه در این کار دخالت دارند شناسائی کامل شوند ؟

همچنین پیشنهاد میشود خانه ای که برای مأمور اجاره میشود قبلا وسیله اداره کل پنجم از — نظر فنی تحت بررسی قرار گرفته ومیکروفون گذاری شود .

مراتب بعرض مقام مدیریت کل اداره سوم میرسد . فقط اجازه میفرمایند از دکتر منشی زاده وسیله تیم مراقبت اداره کل پنجم مراقبت بعمل آید که به همین نحو اقدام میشود . (شفاهاً مذاکرات حضوری شده [illegible])

در تاریخ ۴۲/۴/۸ آقای آذرنگین که با مأمور تماس داشته از قول مأمور گزارش میدهد :

مأمور نفوذی در ساعت ۱۶۰۰ روز ۴۲/۴/۵ بمنزل دکتر منشی زاده رفته وپس از نیم ساعت سرهنگ پاوند باتفاق فرامرز بدیع منصور بمنزل دکتر میآیند و دکتر اظهار میکند اگر دهزار تومان پول در اختیار داشتیم بوسیله مواد منفجره تمام نقاط حساس تهران را منفجر میکردیم ؟ فعلاً چهار صندوق دینامیت تهیه کرده ایم که هر صندوق دارای ۳۸ عدد دینامیت میباشد وتحت نظر شاهپور زند نیا با مواد منفجره های دیگری در جای امنی مخفی است . واضافه میکند در محبس مایک نسبت بقدرت —

گیرنده ....
فرستنده ....
شماره عطف / پیرو ....
پیوست ....

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور

تاریخ .....
شماره ....
شماره پرونده گیرنده ....
شماره پرونده فرستنده ....

س.ا.و.ا.ک

سری

موضوع .... ص ٦

انفجار این دینامیت ها شده چنین نتیجه گرفته شده که دینامیتها (این) قدرت تخریب چند ساختمان را داشته و برای هتل هیلتون ۶۰ عدد از آنها کافی است.

سپس تصمیم گرفته میشود اگر روز اربعین موقع مناسب باشد دسته تخریبی یکی بزنند .

در دنبال گزارش فوق مأمور نفوذی روز بعد (۴۲/۲/۶) با فرامرز بدیع منصور تماس میگیرد وباتفاق پیش شاهپور زندنیا میروند تا منزل مورد نظر را تهیه واجاره نمایند .

زندنیا اظهار میکند که منزل مناسبی که متعلق به سرهنگ مژده ودر شمیران واقع است در نظر گرفته ام وممکن است از همین منزل استفاده گردد .

مأمور از فرامرز بدیع منصور درباره جیپی که بوسیله آن اعلامیه پخش کرده و بقم رفته اند توضیح میخواهد معلوم میشود که جیپ مزبور متعلق به سرهنگ بازنشسته علی اکبر غفاری که یکی از دوستان صمیمی دکتر منشی زاده است میباشد .ضمنا فرامرز راجع به تهیه چهار صندوق دینامیت اینطور اظهار میکند .

پول این دینامیتها را آقای دکتر (؟) هرزاده وکیل پایه یک دادگستری که او هم از دوستان نزدیک دکتر منشی زاده است پرداخت نموده (مأمور اظهار نظر کرده که این شخص در منزل دکتر منشی زاده دیده است) واضافه میکند که پس از اجاره منزل ماهیانه مبلغ یکهزار ریال از طرف دکتر بمأمور کمک خواهد شد چون مأمور فاقد وجه بوده اینطور تصمیم گرفته میشود که مشارالیه بدکتر مراجعه واظهار کند که پولی جهت اجاره خانه مزبور ندارد تا ایجاد سوء ظن نشود .

در تاریخ ۴۲/۴/۱۰ آقای آذرنگین گزارشی از مذاکرات مأمور نفوذی با دکتر منشی زاده تقدیم داشته

۳۰۸-۴۸ ر ن

گیرنده	تاریخ:
فرستنده	شماره
شماره عطف / پیرو	شماره پرونده گیرنده
پیوست	شماره پرونده فرستنده

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س.۱.۰۱.۱.ک

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

سری

موضوع ص/۲

که خلاصه آن بقرار زیر است:

پس از نیم ساعت که در منزل دکتر منشی زاده بوده سرلشکر بازنشسته قرنی باتفاق سرهنگ (عباس) فرزانه بمنزل دکتر میآیند و در ابتدا از وجود مأمور که در آنجا بوده ناراحت میشود. دکتر منشی زاده مأمور را بسر لشکر قرنی یکی از دوستان صمیمی و ملاک مازندران معرفی میکند که اتفاقاً سرلشکر قرنی و سرهنگ (عباس) پدر او را میشناسند.

بعد سرلشکر قرنی مدتی بزبان انگلیسی با دکتر مذاکره میکند.

در گزارش فوق از قول مأمور نفوذی این طور نوشته شده:

((بعد سرلشکر قرنی راجع به سپهبد بختیار که رئیس سازمان امنیت بوده و طوری با مردم رفتار کرده که همه از سازمان امنیت متنفر هستند صحبت واضافه میکند. دولت امریکا وشخص کندی نظر خوشی با اعلیحضرت همایونی ندارد چون در انتخابات امریکا شاه مبلغ سه میلیون دولار خرج کرده که نیکسون برئیس جمهوری انتخاب بشود لیکن شکست میخورند. ضمناً از اظهارات سرلشکر قرنی و سرهنگ عباس) چنین استنباط گردیده که فکر تهیه پول جالب توجهی هستند گویا زمین یا اشیائی را میخواستند بفروش برسانند؟ همچنین راجع به تیمسار سرلشکر شفاهی مدتی صحبت شده وسرلشکر قرنی ایشان را یکی از دوستان وهمکاران صمیمی خود معرفی نموده؟)) در بررسی پرونده امر معلوم گردید که سرهنگ عباس [illegible] ور سرهنگ عباس فرزونی میباشد)

ضمناً مأمور تقاضا مینماید که حکم کارمندی سازمان نقشه برداری سازمان برنامه جهت ارائه بدکتر

۳۰۸/۲۸ ر ن

گیرنده ....

فرستنده ....

شماره عطف/بیرو ....

پیوست ....

تاریخ

شماره ....

شماره پرونده گیرنده ....

شماره پرونده فرستنده

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

سری

موضوع .... ص ۸

منشی زاده وبستگانش تهیه و در اختیار او گذارده شود و نسبت باجاره کردن خانه مورد بحث نیز تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.

پس از وصول این گزارش جناب آقای مدیریت کل مراتب را به آقای زمانی ارجاع تا در این مورد بررسی کرده و اظهار نظر نماید وآقای زمانی در تاریخ ۱۲/ ۲/۴ ٤ طی گزارشی اینطور اظهار نظر کرده است:

((بمنظور پی بردن بعملیات دکتر منشی زاده وهمچنین افراد عناصریکه باوی ارتباط دارند مانند سرلشکر قرنی که در شرایط فعلی (زمان تقدیم گزارش) مخالف دستگاه میباشند بنظر اینجانب (آقای زمانی) اصلح است منزلی اجاره و کرایه منزل بوسیله ساواک پرداخت و نیز یک مقرری ماهیانه بمأمور داده شود و مأمور کاملا هدایت گردد تا پس از شناسائی کامل عناصر مزبور با مدرک دستگیر وتحت تعقیب قرار گیرند. ضمنا بهترتیبی که صلاح است مأمور بطور کاملا غیرمحسوس در سازمان برنامه بطور روزمزد استخدام گردد تا پوششی برای او شود))

در مورد پیشنهاد آقای زمانی ریاست وقت اداره یکم (سرکار سرهنگ موحدی) حضورا کسب دستور کرده اند که چگونگی در پرونده منعکس نیست؟ ضمنا گزارشی از چگونگی موضوع ونتیجه مراقبت دکتر منشی زاده در تاریخ ۲۰/ ۲/۴ ٤ تهیه گردیده که بدون صدور دستوری از جانب مقامات ذیصلاح در پرونده بایگانی است؟ (با علامت مشخص گردیده)

دنبال گزارش فوق در تاریخ ۲۲/ ۲/۴ ٤ بخش ۳۱۱ گزارشی درباره ملاقات مأمور نفوذی با فرامرز بدیع منصور باین شرح تقدیم داشته است.

گیرنده ....

فرستنده ....

شماره عطف / پیرو ....

پیوست ....

تاریخ ....

شماره ....

شماره پرونده گیرنده ....

شماره پرونده فرستنده ....

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س.ا.و.ا.ک

سری

موضوع .... ص ۹

((مأمور ساعت ۱۲۴۰ روز ۴۲/۴/۱۹ که بملاقات فرامرز میرفته مشاهده میکند فرامرز باتفاق سرلشکر قرنی از ماشین اوپل شماره موقت زرد رنگ پیاده و سرلشکر قرنی بفرامرز میگوید: من میروم ۲۰ دقیقه دیگر برمیگردم. در داخل ماشین یک بسته مثل رختخواب دیده میشد. پس از رفتن سرلشکر قرنی فرامرز بمأمور اظهار میکند: ما باید خیلی مواظب کارهای خود باشیم چون مدت ۱۰ روز است از طرف مأمورین سازمان امنیت دکتر را تعقیب میکنند. یک جعبه کوچک محتوی مواد آتش زا در منزل یکی از دوستان گذاشته ام وقرار شده آن جعبه را بشما (منظور مأمور است) تحویل دهم نباید از این جریان بغیر از من و دکتر و شما کسی دیگر اطلاع داشته باشد.

دکتر منشی زاده برای معالجه بخارج از کشور میرود. در غیاب ایشان آقایان سرهنگ پاوند. سرهنگ عباس فرزونی. سرلشکر قرنی. سرلشکر شفا. دکتر طاهرزاده مؤزندنیا کارها را بعهده خواهند داشت.

ضمناً مأمور اظهار میکند: فرامرز در هتل هیلتون و هتل ونک خود را مأمور سازمان امنیت معرفی میکند وبطوریکه خود شبمأمور اظهار داشته چندین بار برای چک کردن پاسپورت مسافرین بهتل ونک و هیلتون مراجعه کرده و پاسپورتهای مسافرین را کنترل کرده است))

ذیل گزارش فوق رئیس اداره وقت پیشنهاد نموده است: اجازه داده شود بمنظور ادامه کار ماهیانه مبلغ پنجهزار ریال جهت کرایه خانه برای مأمور اختصاص و بابت هزینه ماهیانه نیز بهمان مقدار حقوق بوی پرداخت کرده و هرآینه بنتیجه مثبت نرسید بهمه ترتیبی مزایا قطع خواهد شد))

گزارش مزبور تهیه و (نظر) مقامات ذیصلاح است؟ [redacted]زی ن

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

گیرنده ....

فرستنده ....

شماره $\frac{\text{عطف}}{\text{پیرو}}$ ....

پیوست ....

تاریخ

شماره ....

شماره پرونده گیرنده

شماره پرونده فرستنده

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

سری

موضوع .... س ۱۰

پیرو گزارش فوق در همان تاریخ ۴۲/۴/۲۲ گزارش دیگری تهیه گردیده و پیشنهاد شده است که مراقبت دکتر منشی زاده قطع گردد و مورد تصویب واقع گردیده (گزارش مزبور با علامت مشخص گردیده)

در تاریخ ۴۲/۴/۲۴ مأمور نفوذی بملاقات فرامرز میرود و باتفاق بشرکت نفت نزد شاهپور زند نیا میروند و در مورد تحویل وسائل تخریب با زند نیا مذاکره میکنند و قرار میگذارند بعد از ظهر مأمور باتفاق فرامرز نزد شخص ثالثی بروند و اشیاء مورد نظر را تحویل بگیرند. زند نیا همچنین اظهار کرده که مقداری از مواد آتش زا و مواد دیگر را مهندس منشی زاده جهت آزمایش لازم داده.

بعد از ظهر مأمور با فرامرز تماس گرفته باتفاق بمنزل فولادی میروند (محل منزل روشن نیست) و دو ساک تحویل میگیرند یکی از ساکها را که نسبتاً بزرگ بود فرامرز باز میکند که محتوی آن عبارت بوده از ((یک شیشه بزرگ محتوی مواد آتش زا و یک شیشه اسید بسیار قوی و ۲ عدد شیئی باندازه یک تخم مرغ)) مأمور از فرامرز قدرت تخریب اشیاء تخم مرغ شکل را سئوال میکند مشارالیه اظهار میدارد هریک از اینها برای خراب کردن یک اطاق کافی است و اینها را مهندس منشی زاده درست کرده است؟ سپس ساک را می بندد و با خود میبرد و ساک دوم را بمأمور میدهد و میگوید مواظبت کنید باز نشود که ممکن است آتش بگیرد. ساک مزبور را مأمور تحویل ساواک میدهد اظهار میکند: یکنفر افسر جزء بنام ملکی که در کردستان است با دکتر همکاری دارد و اضافه میکند که مقداری فشنگ و مواد دیگر در اختیار ایشان (باید منظور همکاران دکتر منشی زاده باشد) قرار دارد.

محتویات ساک مزبور باداره کل پنجم تحویل میشود تا مورد آزمایش قرار گیرد. نتیجه آزمایش و اظهار نظر [illegible]

گیرنده ....

فرستنده ....

شماره عطف / پیرو

پیوست ....

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

تاریخ

شماره

شماره پرونده گیرنده

شماره پرونده فرستنده

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

س. ا. و. ا. ک

ص ۱۱

موضوع ....

اداره‌کل پنجم که حاکی از وجود مواد آتش‌زا و طریقه استعمال و موارد استعمال آنست با علامت مشخص گردیده

در تاریخ ۲۷ / ۲ / ٤٤ مأمور نفوذی در بیمارستان نامداران با دکتر منشی زاده ملاقات نموده که نتیجه آن بشرح زیر گزارش شده است:

((اشخاصی که به عیادت آمده بودند عبارت بوده اند از سرهنگ باوند ــ شاهپور زندنیا ــ طاهرزاده قاضی یا وکیل دادگستری و یک سرهنگ دیگر که مشخص نشده است. ستوان دوم مهین شاوی افسر موتوری تربت جام. دکتر اقتصاد وزیر اسبق کار. دکتر ملکی (مشخصات بیشتری ذکر نشده)

مأمور اضافه کرده است که دکتر طاهرزاده ضمن صحبت اظهار داشته که سازمان امنیت موضوع را کاملا فهمیده و اعمال و رفتار ما را تحت کنترل دارد. آقای زندنیا اظهار مینماید امروز موادی را که در اختیار داشتم پنهان کردم و اضافه میکند افرادی که با ما همکاری دارند باید .رد شوند. بعد آقای مهندس منشی زاده برادر دکتر منشی زاده وارد ... همچون شده و مقداری مواد که در ب... ری بوده و گویا برای محکم کردن سر بطری ... بکار برده میشده از ... نام می برد.

مأمور در گزارش خود اظهار داشته :(...) روز مزبور سرلشکر قرنی با دکتر منشی زاده ملاقات کرده بوده است و اضافه کرده که از گفته های دکتر منشی زاده و سایرین استنباط کرده است که تصمیم گرفته اند با تیمسار سپهبد نصیری تماس حاصل و جهت ... پاسپورت اخذ نمایند ... برای معالجه بخارج برود و باز اظهار نظر کرده است که تمام مواد منفجره را ... ادر دکتر منشی زاده میسا زد و مدتی را که در خارج ایران بوده

۴۰۸۳۸۱ ر ن

گیرنده ....

فرستنده ....

شماره عطف / پیرو ....

پیوست ....

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

تاریخ ....

شماره ....

شماره پرونده گیرنده ....

شماره پرونده فرستنده ....

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

سری

موضوع ....

گزارش ساختن همین مواد بوده استو معتقد است که ستوان یکم ملکی که قبلا نام او برده شده در لشکرخانه مشغول خدمت میباشد.

ضمنا در خاتمه جلسه قرار میشود که ستوان دوم مهین شاوی که در تربیت جام بوده خود را بخند اطلاعات منتقل نماید))

ذیل گزارش فوق رئیس اداره یکم عملیات وبررسی وقت اینطور اظهار نظر کرده است: اقدامات لازم در شناسائی افسران خواهد شد! مقام مدیریت کل نیز پی نوشت فرموده اند که: مراقبت وتحقیقات بیشتر انجام شود.

در تاریخ ۴۲/۵/۵ چهار پاکت که دوتای آن بزبان خارجی و دوتای دیگر بزبان فارسی نوشته شده سانسور وفتوکپی میشود که در پرونده موجود است

در تاریخ ۴۲/۵/۱۳ بخش ۳۱ طی اطلاعیهای با تقویم الف۴ گزارش نموده که یک ماشین پلی کپی از طرف حزب سومکا برای تکثیر و پخش اعلامیه تهیه شده است.

زیر و قت اداره ذیل اطلاعیه مزبور خطاب به آقای زمانی دستور تحقیق از محل استقرار ماشین پلی کپی را داده اند.

در تاریخ ۴۲/۵/۲۷ بخش ۳۱ گزارش نموده مامور اعزامی از ساواک ساری بنام مستعار بشیر در تعطیلات ... بابلسر ... عزیمت و تاکنون مراجعت نکرده است. طبق تجویز ریاست اداره موقت نامه زیر به ساواک ساری ... میگردد.

سری

گیرنده .... تاریخ ....

فرستنده .... شماره ....

شماره عطف / پیرو .... شماره پرونده گیرنده ....

پیوست .... شماره پرونده فرستنده ....

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س ۱۰۱۰۱

سری

س ۱۲

موضوع ....

((مأمور اعزامی آن ساواک بنام هست مار بشیر در تعطیلات اخیر بساری مراجعت نموده دستور فرمائید مشارالیه به تهران حرکت و با شماره تلفنی که در اختیار دارد تماس گیرد.

[illegible]

۱۰-۱۲-۱۲۵۰

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

[illegible]

[illegible]

[redacted]

۳۸-۲۰۸

[سند شماره‌ی ۲۶۸]

تهیه‌ی یک ماشین پلی کپی برای حزب سومکا جهت تکثیر اعلامیه

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س.ا.و.ا.ک

گزارش اطلاعات خارجی

کشور	شماره ۳۰۲۰۵/۲۴۰۸ .... (ف ـ ب)
موضوع تهیه ماشین استنسیل	تاریخ وقوع ....
سابقه (عطف)	تاریخ وصول خبر ....
منبع: ک ـ ن	تاریخ گزارش ۴۲/۵/۱۳
تقویم: الف ـ ۲	

طبق اطلاع یک ماشین پلی کپی ازطرف حزب سومکا برای تکثیر و پخش اعلامیه تهیه شده است .ح

بخش [illegible] آقای [illegible] روی پرونده [illegible] (موضوع تهیه [illegible]) منظور [illegible] تحقیق شود که این دستگاه را در کجا مستقر خواهند نمود [illegible] مجدداً دستور تعقیب و مراقبت [illegible] صادر شود.

[illegible] ۴۲/۵/۱۳

یک نسخه عربی

گیرندگان

اداره سوم ـ بخش ۳۱۲ جهت اطلاع

نسخه

[illegible] ۴۲/۵/۱۳

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۶۹]

انتخاب هیئت کارداران دانشجویان ایرانی در مونیخ و اقامت منشی‌زاده در آن‌جا

(نمونه ب)

سازمان اطلاعات وامنیت کشور

س.ا.و.ا.ک

گزارش اطلاعات خارجی

کشور: آلمان	شماره ۱۴۲۶/ک/۸/۹/۴۲ف ـ ب) ۳۱۵/۴۶۳
موضوع: انجمن دانشجویان مونیخ	تاریخ وقوع
سابقه (عطف)	تاریخ وصول خبر
منبع: ولائی	تاریخ گزارش ۴۲/۱/۲۶
تقویم: ب ـ ۲	

محرمانه

انتخابات هیئت کارداران دانشجویان ایرانی در مونیخ با اختلافات ومشاجرات زیاد در روز ۱۳/۱۱/۲۴ انجام شد وافراد زیرانتخاب شدند .

۱) دکترناصحی ـ عضو جبهه ملی

۲) ـ دانشجو مرکباتی ـ طرفدار جبهه ملی

۳) دانشجو فرازی ـ متمایل بچپ

ازهیئت کارداران قدیم فقط فرازی انتخاب شده و دونفر دیگر جدیداً انتخاب گردیده‌اند .

دراین انتخابات ناسیونالیستهای " پان ایرانیسم ها " طرفدار منشی زاده که تعداد بسیار کمی هستند به دانشجو فرازی ومرکباتی رأی داده‌اند .

داود منشی زاده در مونیخ است وبادانشجویان طرفدار خود ارتباط دارد . ح

گیرندگان

تعداد نسخه

ن/۱۴۴۰-۳

۵۳

[سند شماره‌ی ۲۷۰]

صورت‌جلسه‌ی بازرسی از محل زندگی منشی‌زاده

صورت جلسه

در ساعت ۲۰/۵ روز ۷/۳/۴۲ منزل آقای دکتر منشی‌زاده (زادد) و آقای محمد مرتضی نکوتام
واقع در خیابان شمیران کوچه سلطانی جنب وزارت [illegible] در حضور امضاءکنندگان زیر مورد
بازرسی قرار گرفت در این بازرسی هیچگونه [illegible] مالی و جانی وارد نگردید توضیح آنکه
الف - از اطاق خانم نهرابی [illegible] مستاجر طبقه بالا هیچگونه مدرکی که مورد سوءظن باشد وجود نداشت
ب - از طبقه وسط (اتاق) که آقای محمد مرتضی نکوتام سکونت داشت یک نامه که از خارج از کشور
برای آقای منشی‌زاده رسیده بود (در کیسه) در اطاق آقای نکوتام بود که جهت بررسی مطالب آن
ضبط گردید. آقای نکوتام یک قبضه تفنگ خفیف برادوی شماره ۱۳۲۹۷۳ کالیبر ۲۲
با پروانه صادره ۱۱۸۱/۴۷ ۲۱/۱۲/۳۳ ارائه دادند و هیچگونه مدرکی کشف نگردید
ج - از اطاق دکتر منشی‌زاده تعداد [illegible] نسخه اعلامیه مربوط به روحانیون [illegible] و [illegible] ۳ - [illegible]
ضبط گردید (۲ بزرگ و یک کوچک) ۳ - ۷ [illegible] ۵ [illegible] و تعداد [illegible] خشاب کوچک ۳ - تعداد ۵
کلیه محتویات داخلی و خارجی [illegible] گردید

صاحب منزل آقای محمد مرتضی نکوتام
" " خانم نهرابی مستاجر طبقه بالا

[illegible]
[illegible]
۷/۳/۴۲

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۷۱]

گزارشی از وضعیت زندگی منشی‌زاده در سوئد

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

گزارش اطلاعات خارجی

کشور: آلمان	شماره: ٥٨٦/ك ـ ٤٣/٤/٢٥ (ف ـ ب)
موضوع: داود منشی زاده	تاریخ وقوع: ٣١٥/٢٢٧
سابقه (عطف)	تاریخ وصول خبر
منبع: ولائی	تاریخ گزارش: ٤٣/٥/١٠
تقویم:	

داود منشی زاده چند روزاست که بمونیخ آمده واغلب بارضوی ودوستانش باهم هستند درظاهر راجع بسیاست خیلی کم اظهارنظر میکند وتقریبا اصلا" راجع بکارهای سیاسی حرفی نمیزنـــد بطوریکه شخصا" اظهارمیداشت یکی دوهفته درسویس (ژنو) بوده است فعلا" چند روزی در مونیخ خواهد ماند چون بچه هایش در حومه مونیخ زندگی میکنند . اوبطوردائم درسوئد اقامت دارد ودردانشگاه آنجادرقسمت شرق شناسی تدریس میکند .

ضمنا" اضافه مینماید مشارالیه در ٦٤/٧/١٠ باهواپیمابه سوئد مراجعت نمود ودرمـــدت اقامت مونیخ ازوی اثربودن هرگونه اقدامات سیاسی راجع بایران اظهار نظرمیکرد ـــ

در پرونده داود منشی‌زاده بایگانی شود

گیرندگان

به

تعداد نسخه

[سند شماره‌ی ۲۷۲]

تهیه مواد منفجره توسط افراد حزب سومکا

گیرنده ....

فرستنده ....

شماره عطف/پیرو ....

پیوست ....

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

سری

تاریخ ....

شماره ....

شماره پرونده گیرنده ....

شماره پرونده فرستنده ....

موضوع گـــــزارش

محترماً باستحضار میرساند .

اطلاعیه واصله حاکی بوده که درحزب سومکا برهبری دکتر منشی زاده که فعلاً در خارج از ایران است فعالیتهای مضره ای بمنظور تهیه مواد منفجره وآتش زا وجود دارد واطلاعیه هائی نیز برای مشوب ساختن اذهان عمومی چاپ ومنتشر میشود .

برمبنای مفاد اطلاعیه مزبور طبق اوامر صادره عملیاتی انجام ودرنتیجه مقداری از مواد آتش زا که جهت پنهان کردن بمأمور نفوذی داده میشود وسیله اداره کل پنجم مورد آزمایش قرارمیگیرد که درنتیجه موارد استعمال وطرز ساختن وطریقه بکاربردن آن مشخص میگردد .

در طول مدت عملیات که قریب بدوماه بوده است گزارشاتی ازچگونگی مذاکرات انجام شده بین مأمور ودکتر منشی زاده وسایرکسانی که درمنزل دکتر منشی زاده رفت وآمد داشته اند موجوداست کدرآن ازاسامی تعدادی غیرنظامی ونظامی ازجمله سرلشگر اخراجی قرنی وسرلشگر بازنشسته شفائی وسرهنگ شاغل باوند وستوان یکم ملکی مقیم آذربایجان وستوان مهین شادی افسرموتوری تربت جام (که توصیه شده خود رابخدمت اطلاعات منتقل نماید) نام برده شده است ضمناً بطوریکه استنباط گردیده دراثر اشتباهاتی که درعملیات پیداشده وازطرفی دکتر منشی زاده بمسافرت خارج میرود عملیات متوقف میگردد .

نظـــــریه .

باعرض مراتب فوق چون فعالیت دکترمنشی زاده ومعاشرین وی برمبنای تهیه مـــواد

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

گیرنده ....
فرستنده ....
شماره عطف/پیرو ....
پیوست ....

تاریخ
شماره ....
شماره پرونده گیرنده ....
شماره پرونده فرستنده ....

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

۲

موضوع ....

سری

آتش زا ومنفجره استوار بوده طبعیذا امنتی است مقرر فرمائید بخشی که صلاحیت تعقیب عملیات گذشته را (درصورت ضرورت) دارد ابلاغ تا بخش مسئول عملیات را تعقیب نماید ضمناً خلاصه عملیات انجام شده در ۱۲ برگ (باعلامت مشخص است) بمنظور استحضار خاطر مبارک ازعرض میگذرد.

سری

[سند شماره‌ی ۲۷۳]

گزارشی در خصوص شناسایی فعالیت‌های هم‌کاران منشی‌زاده

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

از ....

شماره ....

تاریخ [illegible]

پیوست ....

به ....

در باره: ....گـــــــــزارش............

محترما" باستحضارمیرسانند:

منظـــــــور: پی گیری درمورد فعالیتهای گذشته دکترمنشی زاده و شناسائی عوامل وعناصرمربوطه.

خلاصه سابقه: قبلا" تهیه و باطلاعت مشخص است.

دنباله اقدامات انجام شده:

درتاریخ ۶/۱۱/۲۳ همکار افتخاری ساواک ساری بنام مستعار بشیر که درگذشته باعمال دکتر منشی زاده رابطه داشته و مورد اعتماد آنان بوده بمنظور مراجعه باقراد مورد نظرومشخص نمودن وضعیت فعلی آنان بمرکز احضار و به آقای زمانی معرفی وآموزش لازم بوی داده شد. نتیجه تحقیقات شارالیه حاکی است که دکترمنشی زاده و دو نفر دیگر ازفعالین دارودسته وی باسامی فرامرز بدیع منصور و شاهپور زند نیا درخارج از کشوربسرمیبرند ضمنا" همکار افتخاری مذکور پیشنهاد نموده بود چنانچه آدرس منزل سرهنگ باوند که درجلسات منزل دکتر منشی زاده بالباس غیرنظامی شرکت مینموده دراختیار نامبرده گذارده شود امکان دارد باوی ملاقات ودرباره دکترمنشی زاده ازاو سئوالاتی بنماید.

پس از مراجعت همکار افتخاری بساری دراثر تماس که با اداره دوم ستاد بزرگ ارتشتاران بعمل آمد مشخصات و عکس و همچنین آدرس منزل سرهنگ بازنشسته دکترمحمد قلی باوندی که ممکن است همان سرهنگ باوند منظور باشد جمع آوری گردیده. عکس افسربازنشسته موصوف

۰۰۳۷۳۰۰۶

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

از ....

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

به ....

در باره: ....(۲)..........

که از طریق ساواک ساری بهمکار افتخاری ارائه شده و اظهار داشته است احتمالاً صدی بیست و پنج عکس مذکور متعلق بسرهنگ باوند میباشد.

نظریه: باعرض مراتب فوق نظر باینکه همکار افتخاری از روی عکس نتوانسته شخص منظور را بشناسد در صورت تصویب تلگرافی، وسیله ساواک ساری بهمکار افتخاری مزبور ابلاغ گردد تا بتهران مسافرت و با راهنمائی و هدایت ساواک تهران بآدرس منزل سرهنگ باوند که از طریق اداره کل نهم نیز تحقیق گردیده و در حال حاضر در آن منزل سکونت دارد، مراجعه و از نزدیک با افسر مورد نظر تماس حاصل نماید ضمناً چنانچه منظور همکار افتخاری تامین نگردید امکان دارد بنحو مقتضی و غیرمحسوس ازوی مشخصات سرهنگ باوندی را که با دکتر منشی زاده ارتباط داشته اخذ نماید.

در خاتمه استحضاراً بعرض میرساند بنا بتقاضای این بخش از طریق بخش سانسور و بخش ۳۱۵ مکاتبات و اعمال و رفتار دکتر منشی زاده و سایرین که شناسائی شده اند و در خارج از کشور بسر میبرند تحت کنترل میباشند.

تهیه کننده: شفیعی ۲۳/۰ر۵ ع

بخش ۲۰۴ ۸۰۰ ۲۳ر۵ ر

رئیس اداره یکم عملیات و بررسی. لیقوانی ۵/۲۳

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۷۴]

ارسال نامه‌ی منشی‌زاده به ساواک

شماره ۲/۴۷۳
تاریخ ۲۵/۱۱/۴۵
پیوست

وزارت فرهنگ و هنر

محرمانه

سازمان اطلاعات وامنیت کشور

عین نامه آقای دکترمنشی زاده به پیوست ارسال میشود خواهشمنداست دستورفرمائید درخصوص شخص مذکورونظرات وی تحقیق لازم بعمل آورده ونتیجه رابه این وزارتخانه اطلاع فرمایند.

ازطرف وزیرفرهنگ وهنر - جباری -

[سند شماره‌ی ۲۷۵]

نامه‌ی منشی‌زاده به پهلبد وزیر فرهنگ و هنر

[redacted]-ZADEH
PHILOLOGIKUM
UPPSALA, SVERIGE

اوپسالا، ۳۰ مه ۱۹۶۶

جناب دکتر پهلبد:

امیدوارم مذاکراتی که در چندین بار ملاقات با سرکار در تهران انجام شد و نتایجی که از آن گرفتیم، فراموش نکرده باشید.

من قریب دو سال و نیم است در سوئد بسر میبرم و بمجرد ورود کرسی ایرانشناسی دانشگاه اوپسالا با رتبه‌ی docent بمن سپرده شد. اهمیت این دانشگاه بخصوص قسمت شرق‌شناسی آن احتیاج به تبیین و توضیح ندارد. نتیجه‌ای که از این جریان گرفت المثل معروف تهرانی‌ای خودمان است: «همه آرزوی مادرم را میکردند، پدرم [illegible]»

از این حاشیه بگذریم. شما خود میدانید که اگر من نبودم، دستگاه مبارزاتی که من بوجود آورده بودم، نبود و آن مبارزات را صورت نمی‌پذیرفت، مملکت امروز چهره‌ی دیگری پیدا داشت: ولی من غیر از این کلیشه‌ها و بیرق‌ها، و جاه‌پرستی‌ها و خودخواهی‌ها و پول‌پرستی‌ها و کیسه‌اندوزی‌ها چیزی میخواستم. من میخواستم ملتی بوجود بیاورم که افراد آن به‌خودی‌خود اعضای یک خانواده‌ی بزرگ به حساب آیند، تا همکاری میان مردم و دستگاه رهبری آنها صورت واقع پیدا کند. و برای این هرگز خودم سعی کردم — با آنکه امکانات فراوان هم وجود داشت — زندگی غیر از زندگی یک فرد ساده‌ی عادی برای ملت خود داشته باشم.

من بیش از هر کسی همیشه بر این نکته تکیه کرده‌ام که زندگی ملی عبارت از افتخارات گذشته‌ی چهار تاریخی اوست، اینها نمودهای زندگی ملی هستند. زندگی یک ملتی در کوشش‌های دیروز و خواست‌های مشترک اوست.

باری، فعلاً که من «شکست خورده» در این دورافتاده‌ترین زاویه‌ی علمی جهان بسر میبرم — عجیب اینست که دشمنان من باعث این «شهرت» نشده‌اند، بلکه آنهایی که از دوستی مردانه‌ی من بهره‌مند بوده‌اند — پس می‌بینید من وقتی اصرار میورزیدم که از ایران خارج شوم، چقدر حق داشتم. و آن روز شما تعجب میکردید!

آیا از خود می‌پرسید، این نامه‌نویسی چرا؟ شاید فکر کنید، تقاضا و درخواستی دارم — نه، هرگز! ولی گمان میکنم، نوشتن این نامه از بسیاری نظر، عموماً مفید

[سند شماره‌ی ۲۷۶]

گزارشی از فعالیت منشی‌زاده در سوئد

از : مریم — شماره ۱۳۸۱

به : اداره کل سوم — تاریخ ۴۵/۸/۲۰

درباره: دکتر داود منشی زاده — پیوست ندارد

سابقه ـ پاسخ ۲۴۸۷۷/۳۱۵-۲/۵/۴۵

نامبرده درحدود سه سال است که در موسسه سانسکریت دانشگاه اپسالا در رشته ایران شناسی مشغول تدریس میباشد، پرفسور Vic Kander سوئدی که از ایران شناسان معروف و از دانشمندان بنام سوئد میباشد رئیس این موسسه بوده و از دوستان و همکلاسان سابق منشی‌زاده است، توضیح آنکه نامبردگان دوره جوانی را باهم در مونیخ طی نموده و باهم درس خوانده اند.

بقراریکه Vic Kander اظهار میداشت موقعیکه در امریکا تدریس مینموده با منشی زاده تصادف میکند و از او دعوت بعمل میآورد که به سوئد آمده و در دانشگاه اپسالا مشغول تدریس شود، منشی زاده نیز بنا بدعوت پروفسور میکند ر به اپسالا میآید، در بدو ورود وضع مالی اش چندان خوب نبوده و حقوقی که از طرف دانشگاه باو پرداخت میگردید هزینه زندگانی او را تامین نمیکرد زیرا بسمت معلم استخدام شده بود و هنوز وارد کادر آکادمیک نشده بود، در سوئد کمیته ای هست بعنوان کمیته حمایت معلولین جنگ که به معلولین جنگ کمک نقدی و مالی مینماید، منشی زاده باین کمیته مراجعه و درنتیجه اقدام پروفسور ...ر از طرف کمیته مذکور علاوه برحقوقی که از دانشگاه میگرفت ماهی ۶۰۰/ کورن سوئدی (معادل ۹۰۰۰ تومان) از این کمیته دریافت مینمود ولی تقریبا ۶ ماه پیش موفق بگذراندن امتحانات دانشیار میشود

بقیه در صفحه ۲

از :　　　　　　　　　　　　　　　　　　　شماره ۱۳۸۱

به :　　　　　　　　　　　　　　　　　　　تاریخ ۲۳/۱۲/۵۴

درباره :　　　　　　(۲)　　　　　　　　　پیوست

وسما بسمت دانشیار در دانشگاه اپسالا استخدام میگردد . کلیه حقوق و مزایای وی ماهانه در حدود ۲۰۰۰ کورن یعنی ۳۰۰۰ تومان میباشد .

در نزدیکی اوپسالا در یک محله که به استادان دانشگاه اختصاص دارد از طرف دانشگاه به منشی زاده یک آپارتمان سه اطاقه داده شده است که اکنون در آنجا اقامت دارد .

بسفارت شاهنشاهی ایران در سوئد اصلا مراجعه نمینماید فقط هرسال یکبار گذرنامه خود را برای تمدید با پست ارسال میدارد بطوریکه اظهار میدارند تا بحال فقط یکبار بسفارت کبری آمده و با جناب آقای عدل سفیر کبیر ملاقات و نسبت بمشارالیه نیز بی ادبی نموده و با هیچیک از ایرانیان رفت و آمد ندارد فقط یکنفر ایرانی در استکهلم باسم روانبخش که گویا خواهرزاده دکتر قفاری مقیم امریکا است گاهگاهی برای دیدن منشی زاده به اپسالا میرود .

نامبرده چون مزاجا علیل و شکسته شده است هیچگونه فعالیت سیاسی ندارد و فعالیت وی بیشتر جنبه تحقیقی و علمی دارد و اخیرا نیز بنا بدعوت یونسکو به فنلاند رفته بود و تنها در آنجا راجع به هنر ایران نطقی ایراد کرده است .

نسبت به روش دولت شاهنشاهی نیز همان نظریه سابق خود را دارد و گاه و بیگاه موقع ملاقاتها ایرانیان اقدامات دولت را بباد انتقاد میگیرد ، دوستان وی اغلب اساتید خارجی دانشگاه اپسالا است و هنگام ملاقات و مذاکره با آنان خود را ژتی و یکی از

بقیه در صفحه ۳

۵/۱۴۶۰

از :
به :
درباره :

شماره ۱۳۸۱
تاریخ ۲۵/۸/۳۰
پیوست

(۳)

زعمای بزرگ ایران وانمود مینماید .

یکی از دوستان نزدیک وی نیز پرفسورنوبرگ آکادمیسین و ایران شناس معـــــروف سوئدی است که دانشمندی است به سن ۸۰ سال و اغلب با مشارالیه رفت و آمد مینماید و بقراریکه شنیده میشود بیشتر با سوئدیهائی که در زمان هیتلر در آلمان بوده انـــــد و افکار فاشیسم دارند معاشرت میکند ؟ آیا با حزب فاشیست سوئد در تماس هســــت یا خیر معلوم نیست .

موقعیت علمی وی در بین اساتید دانشگاه اوپسالا خوب و دانش آموزان نیز نسبت بوی احترام قائل هستند نشانی منزل وی در اوپسالا بقرار ذیل است .

M. Doc. Dr. Monchizadeh

Karlselsgatan No: 24 Uppoala
Sweden

نمره تلفن موسسه ایران شناسی اوپسالا 018 / 126183

نمره تلفن منزل وی در اوپسالا 018 / 137149

پاندل

[illegible] ۲۵/۹/۹

" خواهشمند است [illegible] "

۹/۱۴

۳۶-۴۶/ ۵/۱۰
[illegible] از دفتر تیمسار ریاست اعاده گردید

۱۲/۹/۱۲

[سند شماره‌ی ۲۷۷]

ارتباط داوودمنشی‌زاده با تیمور بختیار

گزارش خبر

به: ۳۱۵ تاریخ: ۴۶/۴/۷[۱۳]

از: آلمان شماره: ۵۵۰

موضوع: اظهارات خسرو قشقایی در مورد سپهبد بازنشسته بختیار

چندین دفعه خسرو قشقایی تصمیم داشته که به مقامات ایرانی ذیصلاح در آلمان اطلاع دهد که داوودمنشی‌زاده و عده‌ای از رفقای او با سپهبد بازنشسته بختیار رابطه ۶۶۳۶ داشته، حتی وی پول‌هایی هم به آن‌ها می‌دهد، ولی چون هر وقت در این گونه موارد صحبتی شده بلافاصله سپهبد مزبور از آن اطلاع پیدا نموده، لذا نتوانسته ارتباط این عده را با بختیار به مقامات ایرانی ذیصلاح اظهار نماید.

ضمناً خسرو قشقایی تصور می‌نماید بختیار در اطریش هم با عده‌ای مربوط باشد و شاید مرکز فعالیت نام‌برده در اطریش باشد.[۱]

[حاشیه‌ی پایین راست:] پس معلوم می‌شود بختیار در دستگاه سازمان در آلمان نفوذ دارد و از جریان ما مطلع می‌شود. در مورد تمام افراد سازمان در آلمان بررسی و تصفیه شوند. *[امضا: ناخوانا]* ۲۹/ ۴/ *[۱۳۴۶]*

به عرض تیمسار ریاست ساواک رسید- تاریخ ۲۰/ ۴/ [۱۳۴۶]

[اثر مهر:] سری.

---

۱. به نقل از: سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۲۴۴.

[سند شماره‌ی ۲۷۸]

دستور تحقیق درباره‌ی زنده بودن یا فوت دکتر منشی‌زاده

به ریاست اداره یکم عملیات و بررسی — شماره ۸/۳۲۹۷۳ ۲۹۶

خیلی محرمانه — نخست وزیری — سازمان اطلاعات و امنیت کشور — (۳۱۵)

تاریخ ۶/۱۱/۴۷

از بخش مستقل ۲۰۲ — پیوست

درباره دکتر داود منشی زاده

در تاریخ ۴۷/۱۱/۱ گزارشی در مورد ارتباط دکتر منشی زاده با بختیار و ضیاء رضوی بعرض تیمسار معاونت یکم رسید پی نوشت فرمودند گویا اخیراً منشی زاده فوت شده تحقیق شود. علیهذا خواهشمند است دستور فرمائید در اجرای اوامر معظم‌له تحقیق و نتیجه را اعلام فرمایند تا بعرض برسد. ش.

رئیس بخش مستقل ۳۰۲ — برومند

مرکز اسناد انقلاب اسلامی — آرشیو

۳۱۵ بایگانی شود

۴۷/۱۱/۹

[سند شماره‌ی ۲۷۹]

اعلام زنده بودن منشی‌زاده به سبب ارتباط تلفنی او

درجه فوریت

طبقه بندی حفاظتی

گزارش خبر

صفحهٔ یکم از .... صفحه
نسخهٔ شماره .... از .... نسخه
۱ ـ به کل‌سومکا ۲۱
۲ ـ از انگور
۳ ـ شماره گزارش ۲۹۸۹
۴ ـ تاریخ گزارش ۴۷/۱۰/۳
۵ ـ پیوست
۶ ـ گیرندگان خبر

۷ ـ منبع
۸ ـ منشأ
۹ ـ تاریخ وقوع
۱۰ ـ تاریخ رسیدن خبر به منبع
۱۱ ـ تاریخ رسیدن خبر برهبرعملیات محل
۱۲ ـ ملاحظات حفاظتی

موضوع .... ساعت وصول ساعت‌کشف ۲۱۳۰ کاشف ۵۰۰

علف ۲۱۵/۱-۲۱۷۵
پرونده

ازطریق رئیس دفترفرتاش درسوئد تحقیق شد اظهارداشتند درتاریخ سی دی چهل‌وهفت تلفنی با داود منشی زاده صحبت‌کرده نامبرده کاملاً سلامت است × گلپر

۱/۱۱/۴۷

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۱/۱۱/۴۷

طبقه بندی حفاظتی

[سند شماره‌ی ۲۸۰]

گزارش فعالیت‌های ضیاء رضوی و منشی‌زاده

شماره
تاریخ ۴۷/۱۱/۲۴
پیوست

بکلی سری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور

۲۰۲

گزارش

درباره فعالیتهای دکتر منشی زاده و ضیاء رضوی دهخوار قانی

محترماً استحضاراً میرساند

منظور

استحضار از فعالیتهائی که نامبردگان بالا بمنظور کمک به بهرام انجام میدهند.

خلاصه سابقه

۱ــ ضیاء رضوی دهخوار قانی پس از کشف فعالیتهای مضره شاپور زندنیا کارمند شرکت نفت و مامور خدمت در اروپا معلوم گردید که نامبرده بالا (یکی از اعضاء اتحادیه دانشجویان ایرانی مقیم مونیخ بوده و در تشکیلات مزبور بفعالیت مضره اشتغال داشته است) موقع مسافرت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بآلمان از جمله افرادی بوده که در توطئه تهیه و ارسال بسته های حاوی مواد منفجره مشارکت و همکاری داشته است که جریان امر بوسیله پلیس آلمان از رادیو و تلویزیون آلمان غربی پخش میگردد و بالنتیجه ضیاء رضوی همان روز دستگیر و بعداً به همین اتهام محاکمه و محکوم به ۶ ماه زندان میشود و پس از تحمل محکومیت از زندان آزاد میگردد. ضمناً در بازرسی که از منزل شخص موصوف بعمل آمد مدارکی از جمله نشریات حزب منحله توده کشف میگردد در حال حاضر هم مشارالیه دائماً با بانو قدرت شاهین همسر بهرام مکاتبه دارد و فعالیتهائی بمنظور آزادی بهرام انجام میدهد.

۲ــ دکتر داود منشی زاده طبق سوابق موجود نامبرده که فعلاً در کشور سوئد بسر میبرد در گذشته رهبر حزب سومکا بوده و باتفاق عده ای از افسران ارتش و شهربانی و افراد عادی قصد تخریب و آتش سوزی بوسیله مواد منفجره و ایجاد هرج و مرج در کشور داشته که بعداً بعلت بیماری بمنظور معالجه از کشور

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

سری

شماره ....
تاریخ ....
پیوست ....

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور

ص ۲
درباره ....

خارج گردید ضمنا مشارالیه توسط شاهپور: ندنیا با بهرام آشنا شده است.

۳- در نامه ایکه در تاریخ ۲۷/۱۰/۱ ضیاء رضوی جهت دکتر داود منشی زاده ارسال داشته ضمن پاره ای مطالب چنین نوشته است.

این مطالب را باز طوری نوشتم که قسمت اول آنرا بتوانید مستقیما به سوئیس بفرستید البته مسخره است که نامه من از طریق سوئد به سوئیس فرستاده شود. یا نامه ها کنترل میشوند یا نمیشوند در صورت اول هیچ تفاوتی ندارد. چه ارتباط از طریق شما برقرار باشد یا مستقیما. من دو تلگراف به وزرای لبنان کردم پس از دو روز برگشتند مثل همان دفعه اول و تلگرافهای صادره به شاکر ابو سلیمان؟ نمیدانم در سفارتخانه آلمان اشکال تراشی میشود یا در لبنان بهر صورت تصور میکنم که این تلگرافها دیگر تاثیری نداشته باشند بخصوص پس از جریانات اخیر لبنان و اسرائیل دیگر کسی بحرف ما گوش نخواهد داد بعقیده من اینک همسر بهرام باید در این باره کمر همت بستهواز جریانات اخیر بیروت استفاده نماید مشارالیها باید فوراً تلگرافی به پرزیدنت حلو کرده و پشتیبانی ایل بختیاری و میهن پرستان ایرانی را به دولت لبنان ذکر و بنویسد با اینکه شوهر من اینک در زندان لبنان است باز وظیفه انسانی و هم کیشی بما حکم میکند که تجاوز بخاک لبنان را شدیدا محکوم کنیم که اقلا در این ماجرا بهرام را تحویل ندهند البته فکر نمیکنم در آلمان هیچ سفارت عربی جز اردن وجود داشته باشد. آیا همسر بهرام میتواند با سفیر لبنان تماس بگیرد؟ نامه من به شاکر ابو سلیمان جواب داده شد همچنین شاکر ابو سلیمان رونوشت نامه خود را به سازمان عفو و بخشودگی برای من فرستاده است. ضمنا بمن آدرس داده شود تا بقیه پول را بفرستم.

اقدامات انجام شده

۱- در تاریخ ۲۷/۱/۲۸ دستور دستگیری ضیاء رضوی به سازمانهای مرزی و ژاندارمری و شهربانی

۴۶-

[سند شمارهٔ ۲۸۱]

گزارش مکاتبه‌ی منشی‌زاده با بهرام (تیمور بختیار)

سری
طبقه‌بندی حفاظتی
گزارش خبر

درجه فوریت
صفحهٔ یکم ۱ از ۲ صفحه
نسخهٔ شماره ۳ از ۳ نسخه
۱ ـ به
۲ ـ از ۴۰۰۴
۳ ـ شماره گزارش
۴ ـ تاریخ گزارش ۴۸/۲/۲۰
۵ ـ پیوست
۶ ـ گیرندگان خبر

۷ ـ منبع هندلیپ
۸ ـ منشأ ۱۸۷۹
۹ ـ تاریخ وقوع ۴۸/۲/۳
۱۰ ـ تاریخ رسیدن خبر به منبع ۴۸/۲/۱۴
۱۱ ـ تاریخ رسیدن خبر بر رهبر عملیات محل ۴۸/۲/۱۸
۱۲ ـ ملاحظات حفاظتی

موضوع

عطف / پیرو

در رمز اگراشیکه دکتر داود منشی‌زاده (مقیم سوئد) با بهرام انجام داده چنین اظهار داشته است:

«بهران ارجمند. متأسفانه نامه شما را دیروز دریافت کردم نه بیش از یک هفته بود که در منزل افتاده بودم. نامه‌ها به موسسه ما بیاید رویهمرفته حالم خوب نیست گوئی کالبد من دیگر همکاری نمیکند.

در آینه مینگریستم چهره ای خندان و درژم. چشمهائی که هرگز ترنگشته و نگاهی که به آینده دوخته و پیکری همچون سندان. سندانی که ضربات پتک سرنوشت را میگیرد. بهرحال نگران از آنکه باقیمانده عمر این راه را کفاف ندهد و خوشبخت از اینکه راه را بشما هانموده ام من تا اواسط ماه مه به درس و غیره گرفتارم اگر وضع گذرنامه شما درست شده شاید بتوانید اینجا بیائید در موضوع انتخاب اشخاص و انتقال احتمالی به خاورمیانه بایستی مفصل صحبت کنیم زیرا من با بار سنگین قرضهای بانکی و غیره که از ناشی از عدم استقلال مادی بوده است باصطلاح خود م را پیش فروش کرده ام بایستی بنشینیم و فکری بکنیم باامید موفقیت آینده نامه ای ـ بتاریخ ۱۲ دسامبر ۶۸ بآدرس بیروت برای سرکار پست گردیده بود عودت داده شده است.

ملاحظـــــات:

۱ ـ دکتر داود منشی زاده که فعلاً در کشور سوئد بسرمیبرد درگذشته رهبر حزب سومکا بوده و باتفاق عده ای از افسران ارتش و شهربانی و افراد عادی قصد تخریب و آتش سوزی بوسیله مواد منفجره وایجاد هرج و مرج در کشور را داشته که بعداً بعلت بیماری و بمنظور معالجه ازکشور خارج گردیده ضمناً مشارالیه توسط هما پورزند با بهرام آشنا شده است.

سری
طبقه‌بندی حفاظتی

۴۶ـ۱۳۰

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۲ ـ نامبرده درجهت عدم استرداد بهرام فعالیتهائی داشته و درحال حاضر مرتبا" باحوزه مکاتبه دارد .

اصل در ۲۸۷۱۰ /ح ۱۲ بایگانی است

۵۱۲

دفتر ویژه درخشی زاده

[سند شماره‌ی ۲۸۲]

نپذیرفته شدن پیشنهاد پناهندگی به عراق توسط منشی‌زاده

طبقه بندی حفاظتی

گزارش خبر

درجه فوریت

۱ ـ به: ...نل سوم ۳۱۰۵

۲ ـ از: الملن

۳ ـ شماره گزارش: ۷۴۴

۴ ـ تاریخ گزارش: ۲۸/۳/۱۴

۵ ـ پیوست

۶ ـ گیرندگان خبر

۷ ـ منبع: ۵۵۰۰

۸ ـ منشأ: ضیاء رضوی

۹ ـ تاریخ وقوع: [redacted] روز قبل

۱۰ ـ تاریخ رسیدن خبر به منبع: ۳/۱۲

۱۱ ـ تاریخ رسیدن خبر به رهبر عملیات محل: ۳/۱۴/...

۱۲ ـ ملاحظات حفاظتی

موضوع: ساعت وصول ۱۹۱۰ ساعت کشف ۲۱۳۰ کاشف ۱۱۱

عطف / پیرو

داود منشی زاده که فعلاً در سوئد مشغول تدریس میباشد طی نامه‌ای به ضیاء رضوی (یکی ازتهیه کنندگان مواد منفجره) اطلاع داده که باو هم پیشنهاد شده بود که مانند بختیار گذرنامه سیاسی عراق داده شود ولی نامبرده رد کرده و به ضیاء رضوی نوشته که این عمل برای وی که یک ناسیونالیست میباشد ناگوار وننگین است که گذرنامه یک کشور خارجی مخصوصاً کشوری راکه فعلاً با ایران مخالف بوده وعلیه ایرانیان اقدام میکند داشته باشد. دادستان

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۳۱۵
بایگانی شود

طبقه بندی حفاظتی

[سند شماره‌ی ۲۸۳]

گزارش مسافرت منشی‌زاده به عراق

سری

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

شماره ...
تاریخ ۲۰/۵/۴۸
پیوست ...

۳۰۱۵

گزارش

درباره داود منشی زاده

منظور ـ استحضار از چگونگی مسافرت نامبرده بالا به عراق و ملاقات با بختیار.

در تاریخ ۱۱/۴/۴۸ نمایندگی عراق اعلام داشته بود که همسر بختیار باتفاق دو فرزندش در فرودگاه بغداد از هواپیما پیاده شده و بختیار باتفاق شخصی (با مشخصات نسبتاً مسن در حدود ۵۵ تا ۶۰ سال، قد کوتاه، سر طاس، بعلت لنگ بودن با تکای عصا راه میرفت) باستقبال نامبردگان آمده بودند.

ضمن بررسی که از مشخصات نامبرده بعمل آمد چنین استنباط گردید که ممکن است شخص مورد نظر داود منشی زاده باشد لذا سریعاً از نمایندگی آلمان خواسته شد که تحقیق نمایند آیا داود منشی زاده در سوئد میباشد یا خیر ـ نمایندگی آلمان اعلام داشته که معارالیه در سوئد نبوده و بمنظور استفاده از تعطیلات دانشگاهی بیکی از کشورهای اروپائی رفته است.

چون تصور میرفت که عنوان مسافرت وی بیکی از کشورهای اروپائی جنبه پوششی داشته باشد و ممکن است به عراق رفته باشد بمنظور شناسائی نامبرده عکس وی به نمایندگی عراق ارسال گردید و خواسته شد که تحقیق نمایند شخصی که در فرودگاه عراق دیده شده با عکس ارسالی تطبیق مینماید یا خیر.

اینک نمایندگی عراق اعلام داشته مشخصات شخصی که در فرودگاه بغداد مشاهده شده با مشخصات عکس ارسالی تطبیق مینماید و فرد مورد نظر داود منشی زاده بوده است. ضمناً نامبرده در فرودگاه بغداد فقط با تکای یک عصا راه میرفته در صورتیکه در عکس یاد شده با دو عصا دیده میشود.

نمایندگی عراق اضافه نموده است در تاریخ ۲۲/۴/۴۸ از بخش فارسی رادیو عراق مقاله نامه

سری

سری

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س.ا.و.ا.ک

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

در باره .... ۲ ....

برگشاده ای پخش شد که باتوجه بانشاء نامه و صدای قرائت کننده آن معلوم میشود که توسط شخصی که ازنظرمعلومات درردهٔ بالا بوده وازخارج عراق واردعراق شده نوشته وقرائت شده واین شخص احتمالاً ممکن است منشی زاده باشد .

ضمناً سخنرانی وی ازراد یوبغداد توسط نمایندگی ضبط وجهت بررسی بمرکز ارسال گردیده است.

نظریه :

باعرم اینکه احتمالاً مطالب فوق توسط گویندگان بخش فارسی راد یوبغداد خوانده شده — الوصف شاپورزند نیا که آشنائی بتن صدای منشی زاده دارد احصار وچگونگی روشن شود .

نامه سپهبد بختیار که درتاریخ ۴۸/۴/۲۲ ازراد یوبغداد پخش شده وعیناً به پیوست میگردد مورد بررسی قرارگیرد ومشخص شود بختیارشخصاً نامه مزبوررانوشته یااینکه منشی زاده ... نموده است .

... موضوع فوق درتاریخ ۴۸/۴/۱۸ دربولتن درج واضافه شده است تحقیقات بمنظور ... منشی زاده درعراق ادامه دارد لذا موضوع فوق دربولتن درج شود .

... امرعالی است .

در مورد ... دربولتن درج گردد

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

سری

[سند شمارهٔ ۲۸۴]

رونوشت نامه‌ی منشی‌زاده به تیمور بختیار

طبقه بندی حفاظتی

گزارش خبر

... از ... صفحه	۷ ــ منبع شاهرخ
... از ... نسخه	۸ ــ منشأ بشرح گزارش خبر ۲۶۵۸ ــ ۴۸/۵/۴
[illegible] گ سوم ۲۰۲	۹ ــ تاریخ وقوع برابر متن
[illegible] نمایندگی ساواک در عراق	۱۰ ــ تاریخ رسیدن خبر به منبع ۴۸/۵/۲۴
شماره گزارش ۳۰۲۱	۱۱ ــ تاریخ رسیدن خبر به رهبر عملیات محل ۴۸/۵/۲۴
تاریخ گزارش ۴۸/۵/۲۴	۱۲ ــ ملاحظات حفاظتی
[illegible]	
[illegible] گان خبر ۳۱۵	

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[illegible] سول ۱۱۴۰ ساعت کشف ۱۶ کاشف ۲۰ پیرو ۲۶۵۸ ــ ۴۸/۵/۴

[illegible] زاده در تاریخ ۴۸/۵/۸ از استکهلم نامه ای جهت بختیار بعراق فرستاده که رونوشت آن بشرح زیر است [illegible] بزرگوار پس از عرض سلام فی الواقع در آن بیست و چند روزی که در بغداد در خدمت شما بودم بمن خوش [illegible] گرم شما را فراموش نخواهم کرد اکنون سعی میکنم که صندوق پستی در استکهلم بدست آورم ــ [illegible] آن را برای شما خواهم نوشت.

[illegible] از کار کشیده و حتی از سایه خود هراس دارد میگوید فقط میتواند چند نفر را برای امور تبلیغاتـــی [illegible]

۲۱۵
بایگانی شود

[illegible] عزم کرده که برود با ایران وگو رنامه جد [illegible] شد و باو سفارش کردم که از راه مهرآباد [illegible] شود و با اتوبوس از طریق آنکارا از مرز بگذرد تا کسی مزاحم او نگردد حتماً که بسیار جوان زرنگ و بـــا [illegible] میباشد همه کار از او ساخته میشود. در آلمان سعی کردم با امینی تماس بگیرم نشد بعد هـــا [illegible] با او تماس خواهم گرفت و خبرها بعداً درج خواهد شد ممکن است که نامه های بعدی بوسیله [illegible] ارسال گردد. در پایان سلام فراوان ما را به آقای خالصی زاده برسانید. امضاء منشی زاده

[illegible] مورد تأیید است.

[illegible] ارسال نتیجه اقدامات معموله نسبت به پیشنهاد معروضه که طی گزارش خبر ۲۸۳۴ــ۴۸/۵/۱۳ [illegible] ۴۸/۵/ به ۲۱۵ گزارش شده تسریع گردد. از طرف ناهید

[illegible]

[سند شماره‌ی ۲۸۵]

نظریه‌ی ساواک در خصوص چگونگی اشتغال اشخاصی که عضو سومکا بوده‌اند

خیلی محرمانه

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

به: [illegible]
از: ۳۱۲

شماره:
تاریخ: ۴۸/۱۰/۳۰
پیوست:

گـــزارش

درباره: حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا)

محترماً باستحضار میرساند.

منظور: عرض وضعیت وتقاضای تعیین روش درمورد صلاحیت افراد وابسته به حزب سومکا.

سابقه: حزب مزبور در تابستان سال ۱۳۳۰ ودر زمان حکومت مصدق برهبری دکتر داود منشی زاده که تحصیلات خود را در کشورهای فرانسه وآلمان انجام داده در تهران تاسیس وبعداً شعبی نیز در اصفهان وشهرهای مختلف خوزستان ایجاد کرده وتا پایان حکومت مصدق ضمن مبارزه شدید باعناصر وابسته به حزب منحله توده ازحکومت مصدق صمیمانه پشتیبانی کرده ودر روزنامه سومکا ارگان رسمی حزب حملاتی بدربار شاهنشاهی ومقام شامخ سلطنت نموده است.

بعد ازقیام ملی ۲۸ امرداد سال ۳۲ تشکیلات حزب مزبور متلاشی وازآن پس تاسال ۳۹ تشکیلات وفعالیتی نداشته ولی مقارن باشروع اولین دوره انتخابات دوره بیستم مجلس شورایملی وتجدید فعالیت جبهه باصطلاح ملی سابق طرفداران این حزب درکشور آلمان که تعداد معدودی بوده اند شروع به فعالیت نموده تا اینکه درخرداد سال ۱۳۴۰ اولین شماره روزنامه سوگند را درمونیخ منتشر ودر اولین شماره این نشریه بنام (پیکارنامه جوانان سوسیالیست

روز ۱ مرداد ۶۹ بوصول [illegible]
ارائه شد [illegible]

۱۱۲-۴۶

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

شماره ....
تاریخ ....
پیوست ....

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

درباره ....

طی نهضت ملی ایران) خط مشی حزب روشن گردیده است.

حزب سوسیالیست ملی در اولین اعلامیه خود که در خارج منتشر شده خود را طرفدار بی چون وچرای جبهه باصطلاح ملی سابق واحزاب وابسته بآن ومخالف حزب منحله توده معرفی وضمن طرفداری از مصدق با جناحهای مختلف جبهه باصطلاح ملی سابق همکاری ومخالف دولت بوده است لیکن روزنامه باختر امروز که بعنوان ارگان جبهه باصطلاح ملی منتشر میشده گردانندگان روزنامه مورد بحث را مورد حمله قرار داده وآنان را مامورین سازمان امنیت معرفی نموده است.

گزارشات وسوابق موجود بر پرونده رهبر حزب نیز حاکیست که مشارالیه باتفاق عده ای از افراد نظامی وغیرنظامی در سال ۴۲ در صدد خرابکاریهائی در تهران بوده اند ونیز گزارشات واصله حاکیست دکتر داود منشی زاده رهبر حزب سومکا که در حال حاضر در خارج از کشور بسر میبرد با بختیار در کشور عراق تماس داشته است.

نظریه:

بطوریکه سوابق موجود در پرونده حکایت دارد تعدادی از اعضاء وعناصر وابسته باین حزب که سابقاً با حزب مذکور همکاری داشته اند در حال حاضر در ادارات دولتی (کشوری ــ لشگری) مشغول انجام وظیفه میباشند که باتوجه بسوابق

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.د.ا.ک

شماره ....
تاریخ ....
پیوست ....

درباره ....۳............

موجود صلاحیت اینقبیل افراد بمنظور استخدام - تغییر شغل - ادامه خدمت وصدور گذرنامه وغیره استعلام میگردد ولی چون تاکنون روش خاصی درمورد اظهارنظر راجع به صلاحیت افراد وابسته باین حزب تدوین نگردیده بشرح زیر پیشنهاداتی بعرض میرسد که چنانچه مورد تصویب قرارگیرد درباره عناصر مزبور بهمان نحو اقدام گردد :

۱- کلیه افرادیکه درهرزمان در این حزب فعالیت داشته اند صلاحیت استخدام، ادامه خدمت واشتغال بکار در وزارت دربار شاهنشاهی ، نخست وزیری ، ساواک ، وزارت امورخارجه ونیروهای مسلح شاهنشاهی - وکادر حفاظت وزارتخانه ها و موسسات دولتی وحساس ملی را ندارند .

تبصره : نظر باینکه برخی از افراد این حزب قبلا باستخدام ارتش شاهنشاهی درآمده اند چنانچه از سال ۳۲ ببعد فعالیتی نداشته باشند سوابق آنها به ضد اطلاعات وابسته به واحد قسمتی آنها منعکس گردد تا تحت مراقبت باشند .

۲- استخدام، ادامه خدمت واشتغال بکار عناصریکه تا پایان سال ۴۲ در این حزب فعالیت داشته اند وبعد از آن از آنها فعالیتی مشاهده نگردیده پس از احضار بساواک ودر اختیار گذاردن اطلاعات وتعهدات لازم در سازمانهای

[سند شماره‌ی ۲۸۶]

سخنان منشی‌زاده درباره‌ی عدم احتمال وقوع انقلاب در ایران و دعوت همسر بختیار از او جهت مبارزه با رژیم شاه

درجه فوریت

طبقه بندی حفاظتی
۰۷ ـ گزارش خبر

صفحهٔ یکم از ۲ صفحه
نسخهٔ شماره از نسخه
۱ ـ به ۳۰۴
۲ ـ از نمایندگی ساواک در سوئیس
۳ ـ شماره گزارش ۸۱۶
۴ ـ تاریخ گزارش ۴۹/۷/۲۲
۵ ـ پیوست
۶ ـ گیرندگان خبر

۷ ـ منبع
۸ ـ منشأ
۹ ـ تاریخ وقوع ۴۹/۷/۱۷
۱۰ ـ تاریخ رسیدن خبر به منبع ۴۹/۷/۲۱
۱۱ ـ تاریخ رسیدن خبر برحسب عملیات محل ۴۹/۷/۲۲
۱۲ ـ ملاحظات حفاظتی

موضوع ملاقات ۳۰۸ با دکتر منشی‌زاده

عطف / پیرو

درتاریخ ۴۹/۷/۱۷ منبع فوق با دکترمنشی زاده در شهر استکهلم طبق قرار قبلی ملاقات انجام که مطالب زیر بعرض میرسد.

درمورد انجام انقلاب درایران دکترمنشی زاده بمنبع اظهار داشته است که درایران انجام چنین کاری بسیار مشکل است زیراهیچیک ازگردانندگان وکسانیکه خیال چنین کاری را دارند درموقع لزوم نمیخواهند که علناً وارد کار شوند واین تجربه ای است که من طی سالیان دراز هنگامیکه درایران بودم بدست آورده ام من بعنوان مثال هنگام شلوغی بازار درچندین سال قبل با اکثر افسران بازنشسته و بشاغل که از وضع ناراضی بودنــــد تماس گرفتم وآنها را قانع کردم برای اینکه روحیه مردم را قوی نمائیم باید هنگامیکه تظاهرات جلوی بازار انجام میشود شما بآنها ملحق شوید و بتظاهرکنندگان روحیه بدهید این موضوع باعث خواهد شد که عده ای از سربازان بشما ملحق شوند و مردم را دلگرم سازند تا دامنه تظاهرات وسیعتر گردد این موضوع مورد تائید همه آنهــــا قرار گرفت ولی در روز موعود هیچکدام از آنها درجاهای تعیین شده حاضرنشدند.

درمورد دیگری اظهار داشته است که باز هنگامیکه جلوی بازار شلوغ میشد باتوجه باینکه افراد سازمان امنیت مرتباً دفترکار مرا تحت نظر داشتند من باچند نفراز دوستانم موفق شدیم که چند بمب ساعتی تهیه کنیم و قرارشد یکی ازآنها را یکی ازهمکارانمان بدهیم تامصادف با تظاهرات بازاربهادرجلوی یکی ازآنها آنرابگذارد تامنفجرشود ومردم ازاین وضع ترسیده انمایند و بجمع تظاهرکنندگان بپیوندند ولی نامبرده در روزموعود خبری از انفجارکه نشد هیچ از شخص داوطلب هم دیگراطلاعی بدست نیاوردیم.

طبقه بندی حفاظتی

۴۶-۱۳۰

۴۷۹۰۲

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

از شخص بنام دکتر موسی مرتباً با دادن دشنام به بدی یاد مینموده و اظهار نمود که نامبرده انسان بی — اراده ایست و در حال حاضر که یکی از مخالفین سرسخت ایران میباشد چنانچه در ایران یک وکالت باو میدادند و یا بدهند دیگر هیچ صحبتی از مخالفت نخواهد کرد در مورد وی اضافه نموده است که هنگامیکه مرکز حزب من در خیابان خانقاه بود نامبرده بتحریک دستگاههای دولتی آنرا بمبلغ بسیار ارزانی خرید و بعد آنرا تقسیم نمود و بمبالغ بسیار گزافی فروخت . در مورد مهان اظهار میدارد که نامبرده در همان رشد مغزی که در زمان کودکی از ایران باروپا آمده است مانده و بهیچوجه دیگر مغز او رشد نکرده است و مطالبی که اظهار میدارد بهیچوجه پایه و اساس ثابتی ندارد و عقیده دارد که در مورد ادامه فعالیتهائیکه باید برعلیه رژیم فعلی ایران صورت گیرد دخالت مهان کار بیهوده ایست و با اینکار شدیداً مخالفت دارد . نامبرده اظهار داشته است در حدود ده روز قبل نامه ای جهت همسر بختیار نوشته و بوی اظهار داشته است که اقامت وی در بغداد بهیچوجه بصلاح نمیباشد و خصوصی بمنبع اظهار داشته است که جلوگیری سعدون و یا سایر مقامات عراقی از خروج همسر بختیار فقط روی استفاده از وی و احتمالاً روابط نامشروعی است که امکان دارد با او برقرار نموده باشند میباشد .

ضمناً قرار است چنانچه همسر بختیار باروپا مراجعت نمود ضمن تماس با نامبرده از وی تقاضا نمایند چنانچه هنوز علاقه بفعالیت برعلیه ایران را دارد میتواند که مستقیماً با آنها وارد کار شود البته نتیجه و منظور آنها از تقاضای همکاری از همسر بختیار صرفاً بخاطر کمک مالی وی نیز میباشد . قرار است که در هفته آینده مجدداً طی یک تماس تلفنی قرار ملاقات بعدی بین نامبردگان گذارده شود .

[سند شماره‌ی ۲۸۷]

گزارش مأمور ساواک از جریان ملاقات با منشی‌زاده

۰۰۳۷۴۰۹۵

درجه فوریت

طبقه بندی حفاظتی

گزارش خبر

صفحهٔ یکم .... از .... صفحه
نسخهٔ شماره .... از .... نسخه
۱ ـ به ۳۰۲
۲ ـ از نمایندگی ساواک در ژنو
۳ ـ شماره گزارش ۸۵۰۴
۴ ـ تاریخ گزارش ۴۹/۸/۲۷
۵ ـ پیوست
۶ ـ گیرندگان خبر

۷ ـ منبع ۴۰۵۸
۸ ـ منشأ
۹ ـ تاریخ وقوع ۴۹/۸/۹
۱۰ ـ تاریخ رسیدن خبر به منبع ۴۹/۸/۱۲
۱۱ ـ تاریخ رسیدن خبر برحبر عملیات محل ۴۹/۸/۲۶
۱۲ ـ ملاحظات حفاظتی

موضوع ملاقات ۸۵۰۴ با دکتر منشی زاده

عطف
پیرو

محترما" در تاریخ جمعه ۶ آبانماه ۸۵۰۴ با دکتر منشی زاده در استکهلم ملاقات که چگونگی زیلا" از عرض میگذرد . در بدو امر دکتر منشی زاده از منبع خواسته است که برای برادرش که "ویا مهندس مرتضی است و در حال حاضر در استکهلم نزد دکتر منشی زاده بسر میبرد کاری در استکهلم پیدا نماید سپس صحبت از همسر بختیار بمیان آمد و بمنبع اظهار داشته است که اخیرا" همسر بختیار پیش بلیط رفت و برگشت به عراق برای وی ارسال داشته و تلگرافی از وی دعوت نموده است که به بغداد مسافرت نماید در اینمورد دکتر منشی زاده اظهار داشته است که اینطور از نوشته تلگراف متوجه شده است متن آن انشاء مهندس عاصی میباشد و بهیچوجه نمیشود به گردانندگان بعثی فعلی عراق اطمینان داشت چه بسا من بروم و دیگر نگذارند که برگردم منبع از وی سئوال نمود ولی آخرالامر چه تصمیم دارید میروید یاخیر نامبرده اظهار داشته است که هنوز در اینمورد تصمیم نگرفته ام و باید فکر کنم . سپس منشی زاده از منبع خواست توسط دوستانیکه در اروپا و آفریقا و آسیا دارد برای او تسهیلاتی فراهم نماید زیرا تصمیم دارد که برای پیگیری رشته تحقیقات درمورد زبان فارسی به هندوستان ـ افغانستان و روسیه شوروی مسافرت نماید ضمنا" تحقیقاتیکه نامبرده میخواهد در این زمینه بنماید درمورد اشعار فردوسی است .

ضمنا" باکمک منبع از موسسه نقشه برداری استکهلم تعدادی نقشه مناطق خراسان را تهیه نموده است که طبق اظهار منبع درمورد همین گونه تحقیقات میباشد .

ضمنا" از منبع خواسته شد که بمحض اینکه نامبرده خیال سفر را ترک نمود مسیر وی را با تعیین تاریخ سریعا" باین نمایندگی اعلام نماید .

۲۳۲

طبقه بندی حفاظتی

[سند شماره‌ی ۲۸۸]

گزارشی درخصوص شایعه‌ی اقامت منشی‌زاده در عراق و فعالیت در رادیو عراق

محرمانه

طبقه بندی حفاظتی

درجه فوریت

۱ ـ از : پلیس تهران (اطلاعات)

۲ ـ به : تیمسار ریاست اداره اطلاعات

۳ ـ منشاء :

۴ ـ منبع : ۱۱۱

۵ ـ پیوست :

۶ ـ ملاحظات حفاظتی : انتشار بدهید

۷ ـ شماره گزارش : ۳/۵۱۲۴۷

۸ ـ تاریخ گزارش : ۵۰/۱۰/۱۲

۹ ـ تاریخ وقوع :

۱۰ ـ تاریخ رسیدن خبر به منبع :

۱۱ ـ تاریخ رسیدن خبر به رهبر عملیات :

۱۲ ـ گیرندگان :

موضوع : عطف / پیرو

دربین کسبه بازار تجریش شایع است آقای منشی زاده که در تهران رهبر حزب سومکا بوده اخیراً درعراق فعالیت دارد و بیشتر تفسیرهای رادیو عراق را نامبرده مینویسد.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۱۰/۱۴

۵۹ ـ ۳

۵۰/۱۰/۱۴

۱۳۵۰/۱۰/۱۴

ارزیابی :

نظریه :

طبقه بندی حفاظتی

[سند شماره‌ی ۲۸۹]

گزارشی از تقاضای منشی‌زاده مبنی بر ترک تابعیت ایران

خیلی محرمانه

[redacted]اره ۴۰۰۱
[redacted]اریخ ۵۰/۱۲/۱۷

از ــ گوبــــرگ

به ــ ماکایا ــ ۳۱۵

درباره . داود منشی زاده

عطف به ۳۱۵/۱۰۸۶۵ ــ بدون تاریخ ــ

نامبرده بالا درحال حاضر بعنوان استادیار دانشگاه اوپسالا (سوئد) دررشته منشاء لغات فارسی بتدریس اشتغال دارد . مشارالیــــه اخیراً از طریق وکیل خود تقاضای ترک تابعیت دولت شاهنشاهی را نموده است . ضمناً برابر اعلام شعبه دفتر فرتاش در استکهلم درطول مدت اقامت نامبرده درسوئد سابقه ای مبنی برفعالیت های ســوء سیاسی ازوی بدست نیامده است . ــ

۵۰ - ۴۷۹۰

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

[سند شماره‌ی ۲۹۰]

پاسخ سفارت ایران در سوئد مبنی بر عدم مراجعه‌ی منشی‌زاده و وکیل برای تقاضای ترک تابعیت ایران

به: طالبا - ۳۱۰ 　　　　 شماره ۵۴

از: منشی 　　　　 تاریخ ۵۱/۳/۲

بازگشت به شماره ۳۱۰۰/ات - ۵۱/۱/۷

درباره: داود منشی زاده

سفارت شاهنشاهی ایران در سوئد ... از مراجعه وکیل داود منشی زاده بسفارت مورد بحث از نظر تقاضای ترک تابعیت جواب داده است در صورتیکه منشی زاده خود را یکنفر ایرانی میداند برای انجام این تقاضا بایستی شخصاً بسفارت مراجعه کند که تاکنون نه خود مشارالیه ونه وکیلش برای تقاضای مجدد بسفارت مراجعه ننموده اند.

ضمناً سفارت شاهنشاهی از دولت سوئد سئوال نموده است در صورتیکه منشی زاده تقاضای پناهندگی یا داشتن تابعیت آن دولت را خواستار شود آیا با تقاضای او موافقت خواهند نمود یا نه بمقامات وزارت امور خارجه سوئد نیز جواب داده اند که در صورت تقاضا جواب مساعد بنامبرده خواهند داد.

آزرمین آ

۵۱/۲/۱۴
پخش ۸۱۷

۴۷۹۰۳

[سند شماره‌ی ۲۹۱]

گزارشی درباره تمایل منشی‌زاده به بازگشت به ایران و پاسخ آن

محرمانه

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

شماره ......
تاریخ ۱۸/۹/۵۰
پیوست ......

۳۲۱
گزارش

محترماً باستحضار عالی میرساند .

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

درباره داود منشی زاده ـ نصرت رغائی

منظور . اظهارنظر در مورد پاسخ به آقای خوانساری برای مراجعت افراد فوق الذکر بایران .

سابقه . برابر اعلام نمایندگی سوئیس آقای خوانساری ضمن ملاقات با نمایندگی اظهار نموده اند که داود منشی زاده و نصرت رغائی (دانشجوی مقیم آلمان) در سوئد با آقای مرزبان سفیر شاهنشاه آریامهر در آن کشور ملاقات و تمایل خود را به مراجعت به کشور اعلام داشته اند و داود منشی زاده گفته است که " در حزب شناسی مطالعه مینمایم و اکثرا در مسافرت هستم و اخیرا نیز با کمک سفیر عراق و سهراب باوری به عراق رفتم و در آنجا با محمود مهمان مذاکره کرد ولی حاضر نشدم که در عراق اقامت کنم " نامبرده افزوده است که نسبت بایران علاقمند بوده در صورتیکه اطمینان داشته باشم مایلم که به کشور خود مراجعت کنم .

آقای خوانساری سئوال نموده اند در صورتیکه مراجعت نامبردگان بالا و نظائر آنها بایران اشکالی ندارد با آنان مذاکره و اطمینان دهیم که به کشور خود بازگردند و بدیهی است در این صورت باید این قول همواره محترم شمرده شود .

یاد شدگان فوق دارای سوابق بشرح زیر میباشند .

۱ـ دکتر داود منشی زاده فرزند ابراهیم عضو سابق حزب سومکا بوده که باتفاق

شماره ....
تاریخ ....
پیوست ....

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور

درباره .... -۲- ....

عده ای از افسران ارتش و شهربانی و افراد عادی قصد تخریب و آتش سوزی بوسیله مواد منفجره و ایجاد هرج و مرج در کشور را داشته و بعداً در سال ۱۳۴۲ بعلت بیماری و بمنظور معالجه از کشور خارج گردیده و فعلاً در یکی از دانشگاههای سوئد مشغول تدریس است و ضمناً در مدت فعالیت تیمور بختیار در عراق با نامبرده همکاری داشته و بعراق نیز مسافرت نموده است و بعد از بقتل رسیدن بختیار نیز گزارشاتی دائر بر ادامه ارتباط نامبرده با همسر بختیار واصل گردیده و بعلاوه مشارالیه از طریق وکیل خود اقداماتی برای اخذ تابعیت سوئدی بعمل آورده است.

۲ـ نصرت رضائی فرزند غلامرضا از دانشجویان عضو سازمان دانشجویان شهر هامبورگ بوده که تا سال ۱۳۵۰ در آلمان بفعالیت مشغول بوده و سال ۱۳۵۰ برای ادامه تحصیل عازم سوئد گردیده است و دارای فعالیت حادی نیست.

نظریه:

در مورد تصویب با توجه به سوابق نامبردگان بالا در مورد تقاضای ردیف ۱ (دکتر داود منشی زاده) مخالفت و خلاصه‌ای از سوابق نامبرده جهت اطلاع آقای خوانساری بنمایندگی سوئیس اعلام شود و در مورد ردیف ۲ (نصرت رضائی) چون فعالیت حادی علیه مصالح کشور نداشته است نظر موافق داده شود.

موکول برای عالیست.

[redacted]

[سند شماره‌ی ۲۹۲]

گزارش سخنرانی منشی‌زاده درباره شاهنامه فردوسی در دانشگاه کابل

۰۰۳۷۴۰۲۳

درجه فوریت

[illegible]
طبقه بندی حفاظتی

گزارش خبر

صفحهٔ یکم .... از .... صفحه
نسخهٔ شماره .... از .... نسخه
۱ ـ به ۷۲۰۱
۲ ـ از ۲۳۱
۳ ـ شماره گزارش ۲۰۱/۱۵۸
۴ ـ تاریخ گزارش ۵۲/۲/۱۴
۵ ـ پیوست
۶ ـ گیرندگان خبر
۳۲۴۸

۷ ـ منبع ۲۳۱/۳
۸ ـ منشأ
۹ ـ تاریخ وقوع
۱۰ ـ تاریخ رسیدن خبر به منبع
۱۱ ـ تاریخ رسیدن خبر برخبر عملیات محل
۱۲ ـ ملاحظات حفاظتی

موضوع ....

عطف
پیرو

اخیراً آقای منشی‌زاده که بنام رهبر سومکا معروف بوده وارد کابل شده و در مورد شاهنامه فردوسی سخنرانی جالبی در دانشگاه ایراد که مورد توجه واقع شده است. سفیر شاهنشاه آریامهر با ایشان ملاقات و اظهار تشکر نمودند که اقدامات او صرفاً جنبه معنوی و فرهنگی داشته و بنفع ایران بوده است. نامبرده روز ۵۲/۲/۱۲ بلاهور مسافرت مینماید.

نظریه ۰۲۳۱: با توجه به بررسی منبع بصحت خبر میتوان اطمینان نمود

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۳۱۲
بایگانی شود

طبقه بندی حفاظتی

۱۳۰-۲۶

[سند شماره‌ی ۲۹۳]

گزارش قصد مسافرت منشی‌زاده و عده‌ای کمونیست به خاورمیانه برای تشکیل مرکز تحریکات

۰۰۳۷۴۰۳۰

درجه فوریت

طبقه‌بندی حفاظتی: خیلی محرمانه

گزارش خبر

نسخه‌شماره .... از .... نسخه	۷ ــ منبع: نمایندگی اتریش
۱ ــ به: ۳۳۲	۸ ــ منشأ
۲ ــ از: ۲۳۴	۹ ــ تاریخ وقوع
۳ ــ شماره گزارش: ۲۳۴/۶۶۷۸۷	۱۰ ــ تاریخ رسیدن خبر به منبع
۴ ــ تاریخ گزارش: ۵۳/۲/۱۴	۱۱ ــ تاریخ رسیدن خبر برهبر عملیات
۵ ــ پیوست	محل
۶ ــ گیرندگان خبر: ۸۲۵	۱۲ ــ ملاحظات حفاظتی

موضوع .... عطف .... پیرو

داود منشی زاده ایرانی الاصل تبعه سوئد بازنشسته شده و با پانزده نفر کمونیست های ایرانی و عرب قصد رفتن به خاورمیانه و تشکیل مرکز تحریکات دارد مقصد نامبرده [redacted] به احتمال قوی عراق خواهد بود.

۱۳۵۳/۲/۱۶

۱۳۵۳/۲/۱۸

۳۲۴

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
آرشیو

۳۰۱۱۱۷

۴۶–۱۳۱

طبقه بندی حفاظتی

ضمائم

ضمیمه ۱

کتاب‌شناسی آثار دکتر داوودمنشی‌زاده

الف- تألیفات فارسی[1] و مجموعه‌ها

- **پیکار با اهرمن**، فرهنگ سومکا (سری یکم، دفتر دوم)، چاپ اول، تهران ۱۳۳۰ چاپ دوم تهران ۱۳۳۲.
- **خط سومکا**، فرهنگ سومکا (دفتر پنجم، سری دوم)، تهران ۱۳۳۳
- **دربدر در پی بهشت**، فرهنگ سومکا (سری دوم، دفتر یکم)، تهران ۱۳۳۲
- **کمونیسم و لیبرالیسم و چند نوشته و سخنرانی دیگر از رهبر سومکا**، فرهنگ سومکا (سری یکم، دفتر نهم)، تهران ۱۳۳۶

ب- ترجمه

- آلتهایم، فرانتس، **آسیا در کشمکش با اروپا (هون‌ها، ساسانیان)**
- ای‌گاست، خوزه ارتکا، **انتلکتول و دیگری**، فرهنگ سومکا (سری دوم، دفتر پنجم)، (به انضمام خط سومکا)، تهران ۱۳۳۳
- ای‌گاست، خوزه ارتکا، **دوراندیشی در تکنیک**، فرهنگ سومکا (سری دوم، دفتر ششم)، تهران ۱۳۳۴
- بورکهارت، گئورک، **گیل گمش، کهنه‌ترین حماسه بشری از شرق قدیم**، فرهنگ سومکا (سری سوم، دفتر دوم)، چاپ اول تهران ۱۳۳۳، [چاپ دوم، جاجرمی، ۱۳۷۸].

---

۱. این فهرست شامل مقاله‌های فارسی دکتر منشی‌زاده نمی‌شود. به برخی از مقاله‌های وی در پاورقی‌های فصل‌های یک تا چهار ارجاع داده شد.

- ژید، آندره، **پسر گمشده**، فرهنگ سومکا (سری سوم، دفتر چهارم)، تهران ۱۳۳۶
- شدر، ه. ه، **جهانداری پارس‌ها**، فرهنگ سومکا (سری دوم، دفتر چهارم)، تهران ۱۳۳۵
- مارکوارت، ژوزف، **وهرود و ارنگ** جستارهایی در جغرافیای اساطیری و تاریخی ایران شرقی، انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار، تهران ۱۳۶۸.
- مایرنسلس، والد، **مایا دختر گریزان کندو**، نیل تهران ۱۳۳۸، (با امضای د.م.)
- یونگه، پتریولیوس، **داریوش یکم پادشاه پارس‌ها**، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۳۴

ج- تألیفات به زبان‌های اروپایی

۱- کتاب‌ها

1- ***Das Persische im Codex Cumanicus***. Acta Unibersitatis Upsaliensis, Studia Indoeuropea, 1 , 1969.

2- ***Ta'ziya. Das Persische Passionsspiel***. Skricfter utg. av K. Humanistiska Vetenskapssamfundeti Uppsala, 44:4, 1967. (Bearbeitung der Dissertation von 1945).

3-***Topographisch- historische Studien Zum Iranischen Nationalepos***. Abhandlungen Fur die Kunde des Morgenlandes, Bd. XLI, 2, Wiesbaden, 1975.

4- ***Die Geschichte Zarer's***. ausfuhrlich Kommentiert, in Acta Universitatis Upsaliensis, Studia Indoeurpaea Upsaliensia, 4, Uppsala 1981.

5- ***Worter aus xurasan und ihr herkunft***. Acta Iranica, Textes et Memoires, Vol. XV. Leiden, 1990.

ب- مقالات

1- Kurze Grammatik der Teheraner Mundart. ***Beitrage zur Festschrift Walther Wust***, 1939 (ungedruckt).

2- Uber Zwei Falsch gelesene persische Verse. ***Wiener Zeitschrift fur die Kunde des Morgenlandes (=WZKM), Bd***. 47, 1940.

3- Zur iranischen Volkskunde. ***WZKM,*** Bd. 48, 1941.

4- Neupersische Randglossen. ***Orientalia Suecana (=OS)***, XIII, 1965.

5- Notes on the Kufic inscription of the Royal Palace of Mas'ud at Ghazni. ***OS***, XVI, 1968, PP. 113-127.

6- Contributions to Iranian Dialectology- Explanation of Verses in Old Tabari. ***OS***. XVIII, 1969, PP. 163-182.

7- Machenzie, D.N., ***A Concise Pahlavi Dictionary***, In: Indo- Iranian Journal, 1971.

8- [Review of:] Nusin, A., ***Suxan-i Cand dar bara Isahnama.*** In: ***ZDMG***, 125, 1975.

9- [Review of:] Bordogligeti, A., ***The persian Vocabulary of the codex Cumanicus.*** (In: ***Oriens***, Vol. 25-6, PP. 391-396.)

10- Xusrov Ikavatan ut Retak, Acta Iranica, ***Monumentum Georg Morgenstierne II***, Leiden, 1982, PP. 47-91.

ضمیمه ۲

اساسنامه‌ی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

«سومکا»

«حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران-که نام اختصاری آن با گرفتن حروفی از ابتدای این کلمات «سومکا» است-بر پایهٔ اندیشهٔ ناسیونال سوسیالیسم استوار شده است.

چون پایهٔ ناسیونال سیوسیالیسم-این ایدئولوژی دنیای نو-بر واقعیت استوار است، چه موجودیت آن‌ها حقانیت آن‌ها را ثابت می‌کند، این است که خود را منطبق بر واقعیت حکومت بنا کرده است.

هم‌چنان که در طبیعت، فرماندهی با موجودات نیرومندتر و برگزیده‌تر است، در حزب نیز فرماندهی به آن‌ها که استعداد فرماندهی دارند، سپرده می‌شود، بنابراین «سومکا» از دموکراسی و رژیم انتخاباتی، این فئودالیسم جدید، که فرماندهی را به هوچی‌گری و پول و میدان را به آنارشی می‌سپارد، اجتناب می‌ورزد.

«سومکا» «بر اصل رهبری» استوار است

یک مرد سیاسی ایدئولوژی را بیان می‌کند، افراد به آزادی آن را اختیار می‌کنند، آن رهبری سیاسی و آن ایدئولوژی را.

پس خودشان پذیرفته‌اند و با او پیمان بسته، هم پیمان شده‌اند، تا طبق برنامه‌ای، که او بیان کرده، در آن راهی، که او نموده است، حرکت کنند.

یعنی همه هم‌پیمانان حزبی، رهبری «رهبر» حزب را پذیرفته‌اند.

تفاوت «اصل رهبری» با خودکامگی در دو چیز است:

یکی آزادی افراد در هم‌پیمان شدن، یعنی ایمان صددرصد به رهبر؛ دیگری اصل مشورت.

اصل اول در بالا بیان شد و اصل دوم بیان می‌کند که رهبر سومکا با شورایی که از مسوولین و فرماندهان تشکیل می‌دهد، مشورت می‌کند. ضمناً راه برای همه هم‌پیمانان باز است تا نظریات خود را به اطلاع «رهبر» برسانند. اخذ تصمیم با رهبر است: زیرا

جمعیت قدرت تصمیم گرفتن ندارد و کار جمعیت، کند و نتیجه تصمیمش آنارشی است. در مواردی که باید تصمیم‌هایی خارج از برنامه و ناگهانی اتخاذ شود، اصل مشورت را رأی عمومی مستقیم تکمیل می‌کند، یعنی رهبر رأی هم‌پیمانان را «مستقیماً» می‌پرسد و پاسخ آن‌ها، راه عمل را تعیین می‌کند.

این آن حکومت واقعی حزبی است که در آن همه افراد حزب بدون میانجی نظر خود را بیان می‌کنند.

رهبر سومکا، برای ادارهٔ حزب، از برجسته‌ترین افراد حزبی «اندرز بدانی» را برگزیده، به ادارهٔ کارهای حزب می‌گمارد، تا سازمان‌های حزب را، که عبارتند از:

۱ـ سازمان دفتر رهبری
۲ـ سازمان گروه جاویدان (گارد ویژه رهبر)
۳ـ سازمان گروه حمله
۴ـ سازمان دفتر و بایگانی
۵ـ سازمان گنجینه سومکا
۶ـ سازمان گروه ایران فرزندان
۷ـ سازمان فرهنگ سومکا
۸ـ سازمان گروه زنان ایران
۹ـ سازمان گروه مردان سومکا
۱۰ـ سازمان سازمان‌های وابسته به حزب
۱۱ـ سازمان داوری و مسائل حقوقی
۱۲ـ سازمان آیین‌داری
۱۳ـ سازمان گروه فنی
۱۴ـ سازمان روابط خارجی
۱۵ـ سازمان ورزشی
۱۶ـ سازمان زندها (قبیله‌ها)
۱۷ـ سازمان بازرسی

اداره کنند.

این مسئولین و فرماندهان در کارهای خود، مادام که بر سر کارند، اختیار کامل دارند و این اختیار را با نظارت رهبر حزب اعمال می‌کنند و در برابر او مسئولند.

برای ایجاد و ادارهٔ سازمان‌های بالا تاکنون آیین‌نامه‌هایی را رهبر سومکا تصویب کرده، که پیوست این اساسنامه است.

در صورت لزوم آیین‌نامه‌های دیگری نیز تهیه و منتشر خواهد شد.

۱ـ آیین‌نامهٔ «آیین‌داری سومکا»

مقدمه ـ به منظور حفظ نظم، ادارهٔ هنگام‌های (جلسه‌های) حزبی، میتینگ‌ها و جشن‌های سومکا، تشریفات معرفی و راهنمایی افراد به تشکیلات، تنظیف، ترتیب و ادارهٔ باشگاه‌های حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) «آیین‌داری سومکا» زیرنظر آیین‌داری، که در برابر شخص رهبر مسئولیت صددرصد دارد، تشکیل می‌شود:

مادهٔ ۱ـ آیین‌دار سومکا را رهبر حزب تعیین و معرفی می‌کند.

مادهٔ ۲ـ آیین‌دار زیر نظر خود، سازمان آیین‌داری و گارد آیین‌داران را تشکیل می‌دهد. در هر شهرستان نیز رهبر محلی حزب می‌تواند به آیین‌دار، افراد سازمان آیین‌داری و گارد آیین‌داران را پیشنهاد کند. فرمانده دفاع از محل‌های حزبی آیین‌دار است.

مادهٔ ۳ـ سازمان آیین‌داری در باشگاه‌های حزبی عبارت است از آیین‌دار و طبق احتیاج، چندتن از گارد آیین‌داران و راهنماها در راهنمایی محل (پاسدارخانه).

مادهٔ ۴ـ در باشگاه‌های حزب و در هنگام‌های (جلسات) حزبی، آیین‌داران می‌توانند به افراد دستور بدهند که در چه محل‌هایی قرار بگیرند یا چه اصولی را رعایت کنند، در صورت تخلف افراد حزبی آیین‌دار می‌تواند آن‌ها را برای همان روز از محل حزب خارج کند.

مادهٔ ۵ـ بردن اشخاص به نزد رهبر حزب و گرفتن وقت برای ملاقات رهبر حزب یا فرماندهان محلی یا اندرزبدان، با آیین‌دار و افراد گارد آیین‌داری است. شخص آیین‌دار می‌تواند، هرگاه لازم باشد، به اطاق رهبر، اندرزبدان یا هنگام‌ها داخل شود.

مادهٔ ۶ـ افراد گارد آیین‌داری و شخص آیین‌دار نباید مانع اقدامات رهبران حزبی و اندرزبدان یا مانع ملاقات آن‌ها با رهبر شوند، مگر به دستور شخص رهبر حزب.

مادهٔ ۷ـ برای حفظ نظم و اخراج و تنبیه متخلفین آیین‌داران می‌توانند، از مسئولین گروه‌های حزبی افراد کمکی بخواهند، پیوسته یک یا چند «فرمان‌بر»، که احیاناً دوچرخه، موتورسیکلت[1] یا اتومبیل دارند، تحت اختیار آیین‌داران خواهند بود.

مادهٔ ۸ـ آیین‌داران موظفند نهایت ادب سربازی را در برخورد با هم‌پیمانان و افراد خارجی رعایت نمایند. ادای سلام رسمی حزبی به شخص رهبر و اندرزبدان و مهمانان حزب ضروری است.

مادهٔ ۹ـ راهنمای هم‌پیمانان و اشخاص به رسوم و دستورهای حزبی و آشنا ساختن آن‌ها با سازمان‌های حزبی وظیفهٔ آیین‌داران است.

مادهٔ ۱۰ـ آیین‌داران روی سینهٔ خود، طرف چپ، نشان سادهٔ عقاب برنزی (۳۵ و ۵۶ سانتیمتر) حزبی را نصب می‌کنند.

مادهٔ ۱۱ـ این آیین‌نامه در یازده ماده و یک مقدمه در تاریخ ۳۱/۲/۶[۱۳] (سال دوم سومکا) به تصویب رهبر حزب رسیده، لازم الاجرا است.

۲ـ آیین‌نامهٔ «گنجینهٔ حزب سومکا»

مقدمه‌ـ به منظور ادارهٔ امور مالی حزب‌سوسیالیست ملی کارگران ایران، گنجینهٔ سومکا زیر نظر گنجوری، که در برابر شخص رهبر مسئولیت صددرصد دارد، تشکیل می‌شود.

مادهٔ ۱ـ گنجور حزب را با اختیارات کامل شخص رهبر تعیین می‌کند. یک انبار بد نیز به پیشنهاد گنجور برای حفظ دارایی حزب تعیین می‌شود و می‌تواند در شهرستان‌ها نمایندگانی داشته باشد.

مادهٔ ۲ـ گنجور حزب در هر یک از گروه‌ها یک نماینده تعیین می‌کند، که مأمور وصول حق عضویت و سایر پرداخت‌های افراد هستند. در شهرستان‌ها نیز فرمداران اشخاصی را برای این منظور به گنجور پیشنهاد می‌نمایند.

نمایندگان گنجور می‌توانند کمک‌هایی برای خود تعیین کنند و گنجور برای وصول از

۱. اصل: موتوسیکلت.

افراد حزبی، که عضو گروه‌ها نیستند، می‌تواند مسؤول تعیین نماید.

مادۀ ۳ـ کلیه پرداخت‌های حزبی برای مخارج به مسؤولین حزبی، که مخارج مربوط به آن‌هاست، به وسیلۀ گنجور و نمایندگان او به عمل می‌آید و در برابر رسید می‌گیرند.

ماده ۴ـ در برابر کلیه پول‌ها و اموال واصله گنجور و نمایندگان او، رسید می‌دهند.

ماده ۵ـ کلیۀ معاملات مالی حزب با خارج به وسیله گنجور و نمایندگان او صورت می‌گیرد و حساب درآمد و مخارج حزب را آن‌ها نگاهداری می‌کنند و می‌توانند برای خریدهای حزبی قراردادهایی با فروشندگان خارجی ببندند و پته به افراد برای خرید بدهند.

تبصره ـ نگاهداری حساب‌ها با روش دوبل خواهد بود.

ماده ۸ـ زیر نظر گنجور یا مسئولی، که تعیین می‌کند، شرکت تعاونی حزب با سهامی، که افراد حزبی می‌خرند، تشکیل می‌شود تا لوازم ضروری زندگانی را به بهای ارزانی در اختیار اعضای حزب بگذارد. سود سالیانۀ این شرکت به طور مساوی میان حزب و سهامداران تقسیم می‌شود، و میان سهامداران به نسبت سهم و خریدشان.

تبصره ـ در هر شهرستان، که شرکت فروشگاه دایر کند، اعضای حزبی آن شهرستان می‌توانند، سهم خریداری کنند.

ماده ۷ـ گنجور هر سال ترازنامۀ گنجینۀ حزب و ترازنامۀ شرکت تعاونی را به رهبر حزب خواهد داد.

ماده ۸ـ سال مالی حزب از اول فروردین ماه تا اردیبهشت ماه سال بعد خواهد بود.

ماده ۹ـ درآمد فروش یا پیش‌فروش نشریات حزبی و دفترهای آن نزد گنجور، ولی به حساب مسئول کانون انتشارات نگاهداری خواهد شد و ترازنامۀ جدا خواهد داشت.

ماده ۱۰ـ این آیین‌نامه در ده ماده و دو تبصره در تاریخ ۶/۲/۳۱[۱۳] (سال دوم سومکا) به تصویب رهبر حزب رسیده، لازم‌الاجرا است.

۳ـ آیین‌نامۀ «گروه حمله»

مقدمه ـ گروه حمله، که بال فولادین حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران است، زیر نظر مسوول یا معاونی، که از طرف رهبر تعیین شده، در برابر او مسوولیت صددرصد

دارد، تشکیل می‌شود، تا حزب را در برابر حملات خارجی حفظ کرده، پرچم حزبی را پیروزمندانه در مبارزات سیاسی برافرازد.

ماده ۱ـ فرمانده گروه حمله یا معاون این گروه، کلیهٔ افسران گروه را تعیین می‌کند و برای این منظور می‌تواند، از افراد حزبی، که صددرصد مطمئن و عضویت گروه حمله را پذیرفته باشند، استفاده کند.

ماده ۲ـ کلیه افراد حزبی، که سن آن‌ها از ۱۸ سال به بالا باشد و دورهٔ آزمایشی حزبی را با موفقیت گذرانیده باشند، می‌توانند، به شرط داشتن توانایی جسمانی، به گروه حمله وارد شوند.

ماده ۳ـ رعایت سلسله مراتب در گروه حمله حتمی است.

ماده ۴ـ درجات گروه حمله عبارت است از:

۱ـ «رده‌بان»: فرمانده گروه ۱۵ نفری به نام رده؛

۲ـ «سردسته»: فرمانده گروه ۵۰ نفری به نام دسته؛

۳ـ «وشت‌بان»: فرمانده گروه ۱۵۰ نفری به نام وشت؛

۴ـ «اختربان»: فرمانده گروه ۴۸۰ نفری به نام اختر؛

۵ـ «درفش‌بان»: فرمانده گروه ۱۴۸۰ نفری به نام درفش؛

۶ـ «طوفان‌سالار»: فرمانده گروه ۴۵۰۰ نفری به نام طوفان؛

۷ـ «لشکردار»: فرماندهٔ دسته ۱۴۰۰۰ نفری به نام لشکر.

ماده ۵ـ فرمانده گروه حمله یک نمایندهٔ گنجور، یک معاون، یک دفتردار و بایگان، یک آجودان، یک بازرس و یک مربی نظامی تعیین خواهد کرد و این افراد به وسیلهٔ فرماندهان محل‌ها، با حفظ سلسله مراتب، وظایف خود را انجام خواهند داد.

ماده ۶ـ افراد گروه حمله، ۱۵ روز یک بار، تعلیمات صحرایی و در هفته یک بار تعلیمات سیاسی و نظامی خواهند دید.

ماده ۷ـ نشان گروه حمله، چرخ گردونهٔ خورشید و نبرد است با سه پره، که روی سردوشی و کلاه قرار می‌گیرد.

ماده ۸ـ فرماندهان گروه حمله شهرستان‌ها را، با موافقت فرمداران، فرماندهٔ گروه حمله تعیین می‌کند، ولی در امور محلی تابع فرمدار حزب خواهند بود.

ماده ۹ـ حفظ امنیت مراکز حزبی و تظاهرات آن و مجازات مخالفین و متخلفین با گروه حمله است.

ماده ۱۰ـ افسران گروه حمله روی شانهٔ راست خود سردوشی دارند،[۱] که درجات صفی آن‌ها روی آن قرار دارد.

این درجات عبارت از چند خط موازی است، که در طرف راست آن‌ها نشان گروه، نزدیک به شانه، واقع است. تعداد خطوط، درجهٔ افراد را نشان می‌دهد، یک الی سه خط نازک گلابتون ـ بعد یک الی سه خط شکستهٔ گلابتون (مطابق نمونه).[۲]

ماده ۱۱ـ افراد گروه حمله در صورت تخلف بار اول ۱۲ ساعت، بار دوم ۴۸ ساعت، بازداشت شده، بار سوم از گروه حمله اخراج می‌شوند.

ماده ۱۲ـ این آیین‌نامه در ۱۲ ماده در تاریخ ۳۱/۲/۶[۱۳] (سال دوم سومکا) به تصویب رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران رسیده، لازم‌الاجرا است.

۴ـ آیین‌نامهٔ «دفتر رهبری و شورای حزبی سومکا»

مقدمه ـ برای هماهنگ ساختن کار قسمت‌های مختلف حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران و برای شور در تصمیم‌های حزبی و رسیدگی به پیشنهادهای افراد به رهبر حزب، شورای حزب سومکا، زیر نظر شخص رهبر، تشکیل می‌شود.

ضمناً برای این که تماس مستقیم افراد با رهبر حزب ممکن باشد و امور شهرستان‌ها و سازمان‌های مختلف حزب با یک‌دیگر هماهنگ شود، دفتری به نام دفتر رهبری ایجاد می‌شود:

بند الف ـ شورای سومکا

ماده ۱ـ شورای سومکا به پیش‌نشینی رهبر حزب تشکیل می‌شود و در غیاب رهبر، فردی، که رهبر تعیین کرده باشد، پیش‌نشینی شورا را خواهد داشت.

ماده ۲ـ کلیهٔ فرماندهان سازمان‌های حزبی (فرهنگدار، فرمانده گروه حمله، گروه

---

۱. ظاهراً متأثر از نحوه‌ی بستن سردوشی توسط اعضای اس.اس بوده است. رک: معتضد، ***سراب جانشین پسر***، ج ۲، ص ۵۶۰.

۲. بنگرید به: ضمیمه‌ی شماره‌ی ۷.

ایران فرزندان، گروه زنان ایران، سازمان صنایع و ساختمان (گروه فنی) سازمان ورزشی، بازرس حزب، مشاور حقوقی، آیین‌دار، رئیس دفتر رهبری، گنجور، فرمانده سازمان روابط خارجی، فرمانده سازمان‌های وابسته به حزب) و معاونین آن‌ها که هر دو اندرزبد نامیده می‌شوند، عضو شورای حزب سومکا هستند.

ماده ۳ـ در شورا، پیشنهادها بررسی می‌شود و رأی رهبر لازم‌الاجرا است.

ماده ۴ـ نشان اندرزبدان، گلابتون، دوربازوبند و دورسردوشی است.

ماده ۵ـ دبیر شورای حزب رئیس دفتر رهبری است.

ماده ۶ـ در هنگام‌های شورای حزب، جز اعضاء آن کسی حق حضور ندارد.

بند ب ـ دفتر رهبری

ماده ۷ـ دفتر رهبری زیر نظر سردفتر رهبری، که از طرف شخص رهبر تعیین می‌شود، اداره خواهد شد.

ماده ۸ـ سردفتر رهبری می‌تواند، دبیرانی برای کمک خود انتخاب کند.

ماده ۹ـ دفتر رهبری کلیهٔ نامه‌های سازمان‌های حزبی را به یک‌دیگر و نامه‌های بخش‌های حزب را در شهرستان‌ها به مرکز و کلیه نامه‌های رهبر را گرفته، پاسخ می‌دهد.

ماده ۱۰ـ دفتر رهبری کلیهٔ مراجعین خصوصی را راهنمایی و معرفی می‌کند. نامه‌ها باید در دو نسخه تهیه شود، که یکی فرستاده و یکی حفظ می‌شود.

ماده ۱۱ـ همه سازمان‌ها و بخش‌های حزبی نامه‌های خود را باید توسط دفتر رهبری بفرستند و بگیرند، هم‌چنین همهٔ نامه‌ها و پیشنهادها به رهبر حزب و نامه‌هایی، که از خارج به حزب می‌آید، باید از دفتر رهبری بگذرد.

ماده ۱۲ـ کلیهٔ گروه‌های حزب در صورت لزوم با انتخاب شخص رهبر یکی از افراد درجه‌دار خود را به سمت آجودانی به دفتر رهبری می‌فرستند.

ماده ۱۳ـ نشان اعضاء دفتر رهبری و گروه جاویدان (کادر رهبر) عقاب شکسته است. باید دانست که سازمان «گروه جاویدان» مانند گروه حمله است.

ماده ۱۴ـ این آیین‌نامه با چهارده ماده در دو بند و یک مقدمه در تاریخ [۱۳]۳۱/۲/۷ (سال ۲ سومکا) به تصویب رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران رسیده، لازم‌الاجرا است.

۵ـ آیین‌نامهٔ «گروه ایران فرزندان»

مقدمه‌ـ برای آماده‌ساختن جوانان به عضویت حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران و برای تربیت روحی و جسمی و برای زنده ساختن روحیهٔ آزاده‌سواری در افراد، گروه ایران فرزندان زیر نظر فرماندهی، که در برابر رهبر سومکا مسوولیت صددرصد دارد، تشکیل می‌شود.

ماده ۱ـ فرمانده ایران فرزندان را رهبر سومکا انتخاب می‌کند و به او اختیارات کامل می‌دهد.

ماده ۲ـ کلیه داوطلبان عضویت سومکا، اعم از پسر و دختر، که کمتر از ۱۸ و بیش از ۱۲ سال داشته باشند، به خودی خود عضو گروه ایران فرزندان شناخته می‌شوند، مگر آن که رهبر حزب آن‌ها را به گروه حمله معرفی کند، یا فرمانده گروه ایران فرزندان آن‌ها را نپذیرد.

ماده ۳ـ فرمانده گروه ایران فرزندان یک معاون، یک بازرس، یک دبیر و یک آجودان تعیین خواهد کرد و یک نفر را به گنجور برای نمایندگی او در ایران فرزندان پیشنهاد خواهد کرد.

ماده ۴ـ فرمانده گروه ایران فرزندان، گروه خود را به دسته‌های ۱۵ نفری تقسیم خواهد کرد، که هر یک جوخه نام دارد و سرجوخه‌ها را خود او تعیین می‌کند، افراد گروه ایران فرزندان در این جوخه‌ها ۱۵ روز یک بار تعلیمات صحرایی خواهند دید و در تابستان به اردوگاه خواهند رفت. علاوه بر آن‌ها [گروه ایران فرزندان]، واحد ۵۰ نفری به نام دسته، که فرمانده آن دسته‌بان نام دارد و واحد ۱۵۰ نفری به نام جرگه که زیر نظر جرگه‌بان اداره می‌شود، خواهد داشت.

ماده ۵ـ سرجوخه‌ها مسؤول ادارهٔ افراد خود و جمع‌آوری پول آن‌ها و تربیت اخلاقی، سیاسی و نظامی آن‌ها هستند.

ماده ۶ـ افراد گروه ایران فرزندان در هر محل هفته‌ای یک بار کلاس درس سیاسی خواهند داشت، که نمایندهٔ فرهنگدار آن را اداره می‌کند.

ماده ۷ـ در هر دبیرستان یا کارخانه، که عدهٔ افراد حداقل به ۵ نفر برسد، گروه آن محل زیر نظر گروهداری، که رهبر ایران فرزندان تعیین می‌کند، تشکیل خواهد شد، که

مسؤول هماهنگ ساختن روش افراد گروه در آن محل می‌باشد.

ماده ۸ـ در شهرستان‌ها فرمداران فرمانده محلی گروه ایران فرزندان را به رهبر گروه پیشنهاد می‌کنند.

ماده ۹ـ افراد گروه ایران فرزندان تعلیمات ورزشی و صحرایی و انجام کارهای کشاورزی و خانگی را خواهند آموخت.

ماده ۱۰ـ نشان ایران فرزندان سیمرغ حزبی میان یک لوزی است، که روی سردوشی شانه‌ی راست و کلاهخود دارند و علاوه بر آن واکسیل سرخی طرف راست خواهند داشت. درجات ایران فرزندان مانند درجات گروه حمله مشخص می‌شود.

ماده ۱۱ـ این آیین‌نامه در یازده ماده و یک مقدمه در تاریخ [۱۳]۳۱/۲/۸ (سال دوم سومکا) به تصویب رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران رسیده، لازم‌الاجرا است.

۶ـ آیین‌نامه سازمان «گروه فنی سومکا»

مقدمه ـ برای انجام کارهای ساختمانی و ساختمان طرح‌ها و محل‌های حزبی و برای انجام خدمات ملی، سازمان گروه فنی حزب سومکا تشکیل می‌شود.

ماده ۱ـ رهبر سومکا فرمانده گروه فنی و ساختمان را تعیین کرده به او اختیار صددرصد برای استفاده از افراد حزبی می‌دهد. عده‌ای عضو رسمی گروه فنی بوده، عده‌ای از گروه‌های دیگر نیز، در صورت لزوم، با موافقت رهبر حزب و فرماندهان گروه‌ها می‌توانند مورد استفاده این[۱] [گروه] قرار بگیرند.

ماده ۲ـ در بایگانی حزب، فهرست افراد، که از روی تخصصشان طبقه‌بندی شده، نگاهداری می‌شود و فرمانده گروه فنی می‌تواند با تعیین سرکارگرانی در هر رشتهٔ صنعتی، از روی آن فهرست، افراد کارگر را در اختیار سرکارگران بگذارد، تا در کارگاه‌ها به کار مشغول شوند.

ماده ۳ـ فرمانده گروه فنی طرح‌های خود را پس از تصویب به گنجور اطلاع داده،

۱. اصل: آن.

مخارج لازم را می‌گیرد.

ماده ۴ـ فرمانده گروه فنی با پیشنهاد فرماندهان محلی سرکارگران شهرستان‌ها را تعیین می‌کند.

ماده ۵ـ فرمانده گروه در صورت لزوم نمایندهٔ گنجور را پیشنهاد کرده، معاون، دبیر و بازرس تعیین می‌کند.

ماده ۶ـ این آیین‌نامه در یک مقدمه و شش ماده در تاریخ ۱۳]۳۱/۲/۸[۱۳] (سال دوم سومکا) به تصویب رهبر سومکا رسیده، لازم‌الاجرا است.

۷ـ آیین‌نامه «بایگانی و دفتر سومکا»

مقدمه‌ـ به منظور نام‌نویسی داوطلبان عضویت حزب و نگاهداری پرونده‌های آن‌ها و برای تقسیم افراد میان گروه‌های حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران، سازمان دفتر و بایگانی حزب تشکیل می‌شود.

ماده ۱ـ سردفتر و بایگان سومکا را رهبر حزب تعیین می‌کند.

ماده ۲ـ سردفتر و بایگان سومکا دفترداران و بایگان‌هایی را مأمور نام‌نویسی افراد و نگاهداری پرونده‌های آن‌ها می‌کند.

ماده ۳ـ دفتر سومکا مستقیماً نام افرادی را که تقاضای عضویت پر کرده، از طرف یکی از هم‌پیمان‌ها معرفی شده‌اند، ثبت می‌نماید و می‌تواند به افراد درخواست عضویت و معرفی‌نامه بدهد، که خودشان در خارج به داوطلبان بدهند و پس از پر کردن به دفتر بازپس دهند.

ماده ۴ـ دفتر سومکا هر هفته یک بار صورت افرادی را که در آن ماه در مرکز و شهرستان‌ها نام نوشته‌اند، به گنجینهٔ حزب می‌فرستند، و هم‌چنین صورت اعضای جدید گروه‌های حزبی (ایران فرزندان، گروه حمله و گروه زنان) را به فرماندهان آن‌ها تسلیم می‌کند و به دفتر رهبری نیز صورتی تسلیم می‌نماید.

ماده ۵ـ رهبران محلی در شهرستان‌ها افرادی را برای بایگانی و دفترداری به سردفتر و بایگان سومکا معرفی می‌کنند.

ماده ۶ـ درخواست‌های عضویت و معرفی‌نامه‌های شهرستان‌ها را هر ماه یک بار به

مرکز می‌فرستند و فقط در دفتر نام‌نویسی فهرست افراد محلی را در محل نگاه می‌دارند و به گروههای محلی افراد را معرفی می‌کنند.

ماده ۷ـ پرونده‌های افراد به ترتیب حروف الفباء نگاهداری می‌شود و دسته فیش‌هایی به ترتیب حروف الفباء برای استفاده‌های مختلف تهیه می‌کنند.

تبصره گزارش بازرسی درباره افراد در دو نسخه تهیه می‌شود، که یکی را در بازرسی حفظ می‌کنند و دیگری پیوست پرونده هم‌پیمانان می‌شود.

ماده ۸ـ هر هم‌پیمان که اخراج شده، یا استعفا داده یا در گذشته پرونده‌اش بسته شده، ولی فیش‌های مربوط باقی می‌ماند و با علامت (×) نموده می‌شود.

ماده ۹ـ این آیین‌نامه در ۹ ماده و یک مقدمه و یک تبصره در تاریخ ۱۰/۲/[۱۳]۳۱ (سال دوم سومکا) به تصویب رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران رسیده، لازم‌الاجرا است.

۸ـ آیین‌نامه «گروه زنان ایران»

مقدمه ـ به منظور استفاده از نیروی زنان، که بال دوم جامعهٔ ملی را تشکیل می‌دهند و برای تربیت سیاسی و اخلاقی آن‌ها، گروه زنان ایران در حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) تشکیل می‌شود.

ماده ۱ـ فرمانده گروه زنان ایرانی را، رهبر سومکا با اختیار کامل تعیین می‌کند و او در برابر رهبر مسوولیت صددرصد دارد.

ماده ۲ـ فرمانده گروه زنان ایران یک دبیر، یک بازرس، یک نمایندهٔ گنجور، یک معاون تعیین می‌کند، آجودانی نیز معین می‌نماید.

ماده ۳ـ فرمداران شهرستان‌ها فردی را برای فرماندهی گروه محلی زنان به فرمانده گروه پیشنهاد می‌کنند.

ماده ۴ـ کلیه زنان عضو سومکا که بیش از ۱۸ سال داشته باشند عضو گروه زنان ایران هستند.

ماده ۵ـ اداره سازمان گروه زنان به شرح زیر انجام می‌گیرد:

بند ۱ـ گروه ۱۵ نفری واحد سازمان است، که زیر نظر گروهدار اداره می‌شود.

بند ۲ـ در گروه علاوه بر تعلیمات انضباطی، تعلیمات اخلاقی و خانه‌داری و کشاورزی و تعلیمات سیاسی به افراد آموخته می‌شود.

بند ۳ـ گروهداران مسؤول جمع‌آوری پول افراد و ابلاغ دستورهای حزبی به آن‌ها هستند.

تبصره کلیه انتقال پول‌ها و دستورها با حفظ سلسله مراتب انجام می‌شود.

بند ۴ـ فرمانده گروه زنان، گروه‌های فنی و هنری از افراد خود، زیر نظر گروهدارانی تشکیل می‌دهد، که در موارد مقتضی با گروه فنی و هنری همکاری می‌کنند.

بند ۵ـ برای انجام منظورهای فوق، گروه‌ها جلساتی خواهند داشت.

ماده ۶ـ لباس گروه زنان ایران دامن خاکستری و پیراهن سیاه و کلاه حزبی است که روی آن نشان گروه زنان را خواهند داشت. روی سردوشی شانهٔ راست نیز نشان گروه و درجات افسری آن که مانند گروه حمله و گروه ایران فرزندان است قرار دارد.

ماده ۷ـ این آیین‌نامه در هفت ماده و ۵ بند و یک مقدمه و یک تبصره در تاریخ ۳۱/۲/۲۱ سال (دوم سومکا) به تصویب رهبر سومکا رسیده، لازم‌الاجرا است.

۹ـ آیین‌نامهٔ عضویت، تشریفات، شهرستان‌ها و سازمان «مردان سومکا»

مقدمه ـ شرایط عضویت در حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران و تشریفاتی که افراد باید رعایت کنند و نمونه‌ای از سازمان شهرستان‌ها و سازمان افراد آزاد حزبی که در آیین‌نامه‌های دیگر مشخص نشده به شرح زیر در چند بند تدوین شده است:

بند یک: آیین‌نامهٔ عضویت:

ماده ۱ـ هر ایرانی و ایرانی‌نژاد و هر کس که در محیط فرهنگ ایرانی به وجود آمده [و] سازگاری نژادی با نژاد ایرانی دارد، می‌تواند، عضو سومکا باشد.

ماده ۲ـ داوطلبان عضویت سومکا باید به وسیلهٔ یکی از اعضای حزب معرفی شوند و درخواست عضویت چاپی حزب و معرفی‌نامهٔ آن را تهیه کرده باشند.

ماده ۳ـ پس از دادن درخواست عضویت و معرفی‌نامه، افرادی، که کمتر از ۱۸ سال دارند در کلاس‌های همگانی گروه ایران فرزندان و افرادی، که بیش از ۱۸ سال دارند، در کلاس‌های همگانی حزبی تا سه ماه شرکت می‌کنند و چنان چه پس از این مدت گزارش

پذیرش آن‌ها از بازرسی حزب به دفتر رسید، با اجرای مراسم سوگند، کارت عضویت خواهند گرفت و می‌توانند به گروه‌های مختلف حزبی بپیوندند.

ماده ۴ـ هر عضوی، که طبق مقّررات انضباطی حزب محکوم به اخراج معمولی از حزب شود، می‌تواند، پس از یک سال، درخواست عضویت جدیدی بدهد و پس از طی مراسم بالا دوباره عضو رسمی شود.

تبصره ۱ـ اعضای حزب پیش از طی دورهٔ سه ماههٔ آزمایشی «عضو وابسته» بوده، پس از آن «عضو پیوسته» شناخته می‌شوند.

بند دوـ تشریفات حزبی:

ماده ۵ـ پس از پر کردن درخواست عضویت و تقدیم معرفی‌نامه به افراد «هم‌پیمان» خطاب می‌شود.

تبصره ۲ـ به رهبر حزب «رهبر» خطاب می‌کنند.

ماده ۶ـ افراد حزبی در موقع برخورد به جای سلام و در موقع درود، دست راست را کشیده، تا مقابل پیشانی، در حالی که کف انگشتان به هم چسبیده و کف دست رو به زمین است، بلند می‌کنند و دست چپ را روی نیمهٔ چپ کمربند قرار می‌دهند، به جای کلمات سلام و خداحافظی «شاد ایران» گفته می‌شود.

تبصره ۳ـ هر فرد عادی حزب وقتی به جمعی از افراد حزبی می‌رسد، باید نخست سلام بدهد. درجه‌های پایین در برخورد باید به درجه‌های بالاتر سلام بدهند. درجه‌های برابر حزبی باید با هم آغاز به سلام کنند.

تبصره ۴ـ به رهبر حزب در برخورد و خداحافظی باید، به جای «شاد ایران»، «شاد رهبر» گفته شود و رهبر در پاسخ «شاد ایران» خواهد گفت؛ ولی در هنگام‌ها و جشن‌ها که رهبر آغاز به سلام می‌کند پاسخ، شاد ایران خواهد بود.

ماده ۷ـ در باشگاه‌ها و اردوگاه‌های حزبی، باید هر بامداد با خواندن سرود حزبی،[۱] پرچم حزب را برافرازند و هر شامگاه با خواندن سرود حزبی باید پرچم را فرود آرند.

ماده ۸ـ در مواقع رسمی باید در سرسراها و مقابل در ورودی باشگاه‌ها و درهای

۱. در سند شماره‌ی ۲۴ به تهیه پرچم و نشان حزبی اشاره شده است.

اطاق‌های فرماندهان از افراد گروه حمله یا گروه ایران فرزندان پاس بدهند. این پاسدارها زیرنظر آیین‌داران هستند، پاسداران با اونیفورم کامل در حالی که تسمه کلاه را زیر چانه انداخته‌اند پاس می‌دهند.

ماده ۹ـ پرچم حزب و بازوبند حزبی پارچه سرخ رنگی است که میان آن در دایره سفید نشان سیمرغ قرار گرفته. تناسب دقیق پرچم پیوست[۱] است.

ماده ۱۰ـ لباس رسمی حزب پیراهن سیاه یقه بسته با یک سردوشی روی شانه راست و دو جیب روی سینه و شلوار خاکستری و پوتین سیاه است.

ماده ۱۱ـ رعایت سلسله مراتب در تمام سازمان‌های حزبی حتمی است.

ماده ۱۲ـ درفش رهبر حزب درفش سرخ ساده است، که گوشه راست آن نشان عقاب شکسته بال سیاهی نقش شده. میان آن دایره سفید و عقاب حزبی است.

تبصره ۵ـ هنگام افراشتن یا فرود آوردن پرچم‌های حزب همه هم‌پیمانانی که می‌توانند پرچم را ببینند باید به حال سلام بایستند.

ماده ۱۳ـ کلیه افراد حزبی باید در برابر افراد بالاتر خبردار بایستند.

تبصره ۶ـ در خبردار حزبی پاها کشیده بوده، در حدود سی سانتیمتر از هم دور است و بدن راست و.... (مطابق شکل پیوست).[۲]

ماده ۱۴ـ استعمال کلمات تملق‌آمیز و تعارفی؛ بفرمایید، بنده، عرض می‌کنم، تشریف بیاورید، حقیر و مانند آن‌ها ممنوع است.

ماده ۱۵ـ رعایت سلسله مراتب در همه بخش‌ها و گروه‌های حزبی ضروری است.

بند ۳ـ نمونه سازمان شهرستان‌ها:

ماده ۱۶ـ در هر شهرستان رهبر حزب فرمداری را تعیین می‌کند و او فرماندهان سازمان‌های محلی حزب را به فرماندهان آن سازمان‌ها پیشنهاد می‌نماید.

ماده ۱۷ـ فرماندهان سازمان‌های محلی جز در کارهای ویژه خود تابع فرمداران شهرستان‌ها هستند.

ماده ۱۸ـ فرمدار شهرستان یک آجودان و یک دبیر برای خود تعیین می‌کند.

---

۱. بنگرید به بخش ضمایم.

ماده ۱۹ـ در هر شهرستان سازمان گروه حمله، آیین‌داری، گروه ایران فرزندان، زنان، گروه فنی، گنجینه، دادگاه حزبی، سازمان‌های وابسته به حزب دفتر و بایگانی کانون کتابخانه و انجمن‌ها، کانون انتشارات، کانون راهنمایی سیاسی، کلاس‌های آموزشی و کانون بررسی خبرها تشکیل می‌شود.

ماده ۲۰ـ این سازمان‌ها، به وسیله دبیر شهرستان‌ها از راه دفتر رهبری حزب با سازمان‌های مرکزی مربوط خواهند بود.

ماده ۲۱ـ در هر شهرستان نماینده فرهنگدار تعیین می‌شود، که کانون‌های فرهنگی و همه کارهای فرهنگی و تبلیغاتی و انتشارات زیر نظر او خواهد بود.

ماده ۲۲ـ در بخش‌ها نیز سازمان محلی مانند شهرستان‌ها برپا می‌شود، که مسئولین آن را فرمداران شهرستان‌ها تعیین می‌کنند و به وسیله دبیر شهرستان به سازمان شهرستان مربوط می‌شوند.

ماده ۲۳ـ کلیهٔ آیین‌نامه‌های حزبی در شهرستان‌ها لازم‌الاجرا است.

بند چهار ـ سازمان «گروه مردان سومکا»:

ماده ۲۴ـ دفتر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران کلیه افرادی را که به حزب می‌پیوندند، ولی وابسته به یکی از گروه‌های حزبی نیستند، در گروه‌های ۱۵ نفری نگاهداری می‌کند به نام گروه مردان سومکا.

ماده ۲۵ـ این گروه‌ها شماره خواهند داشت و به وسیله گروهدارانی که درجهٔ آن‌ها برابر درجه گروهداران سازمان زنان و گروه فنی و سرجوخه‌های ایران فرزندان و رده‌بان‌های گروه حمله است (یک خط گلابتون روی سردوشی شانه راست دارند) اداره می‌شوند.

ماده ۲۶ـ گروه‌ها در هفته یک جلسه خواهند داشت، که در آن به وسیله گروهدار خود دستورهای حزبی را [متنبه] می‌شوند و با ایدئولوژی حزب و برنامه آن آشنایی پیدا می‌کنند و آموزش انضباطی می‌گیرند.

تبصره ۷ـ پول افراد گروه‌ها را گروهداران گردآوری کرده، به نماینده گنجور می‌دهند.

ماده ۲۷ـ گروهداران مردان سومکا مانند مسوولین حزبی باید دوره کلاس‌های آموزش سیاسی حزب را گذرانیده باشند.

ماده ۲۸ـ گروهداران دستورهای خود را از فرمانده گروه مردان سومکا و تعلیمات خود را از فرهنگدار، یا نمایندگان آن‌ها می‌گیرند و تابع فرمانده خود هستند.
ماده ۲۹ـ این آیین‌نامه با چهار بند در ۲۹ ماده و ۷ تبصره درتاریخ ۳۱/۲/۱۳[۱۳] (سال دوم سومکا) به تصویب رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران رسیده، لازم‌الاجرا است.

۱۰ـ آیین‌نامه سازمان «فرهنگ سومکا»

مقدمه ـ سازمان «فرهنگ سومکا» به منظور اداره همه کارهای فرهنگی حزب و ایدئولوژی سوسیالیسم ملی به‌وجود آمده، مسئول اداره تبلیغات انتشارات، بررسی خبرها، آموزش سیاسی، بحث‌های ایدئولوژیک، کتابخانه و انجمن‌های علمی، هنری و فلسفی سومکا، توزیع نشریات، تهیه طرح‌های ساختمانی و نمایشی سومکا و تنظیم و نظارت برنامه‌های آموزشی سومکا، به طور کلی می‌باشد.
ماده ۱ـ سازمان فرهنگ سومکا زیر نظر فرهنگدار سومکا وظایف خود را با نظارت مستقیم رهبر حزب انجام می‌دهد و در برابر او مسؤولیت صددرصد دارد.
ماده ۲ـ سازمان فرهنگ سومکا، کانون‌های زیر را به وسیله کاردارانی که فرهنگدار پیشنهاد می‌نماید، اداره می‌کند:
بند ۱ـ «کانون آرمان‌شناسی»، که تا پنج عضو خواهد داشت و زیر نظر شخص رهبر و فرهنگدار اداره خواهد شد و وظیفه آن تنظیم و مشخص ساختن جهان‌بینی و ایدئولوژی و تفسیر برنامه حزب است.
بند ۲ـ «کانون انتشارات»، که تهیه و تنظیم و چاپ و پخش نشریات سومکا را به عهده دارد و مسئولین و کارداران روزنامه‌ها، مجله‌ها و سایر نشریات حزب زیرنظر آن هستند.
بند ۳ـ «کانون طرح»، که تهیه و تنظیم طرح‌های ساختمانی و نمایشی حزب را به عهده خواهد داشت.
بند ۴ـ «کانون آموزش»، که کلاس‌های آموزشی سیاسی را اداره کرده، برنامه کلاس‌ها را به طور کلی تنظیم و در اجرای آن نظارت می‌کند و سخنرانی‌های حزبی افراد را بررسی می‌نماید.

بند ۵ـ «کانون راهنمایی سیاسی»، که وظیفه آن دادن توضیح درباره ایدئولوژی و جهان‌بینی حزب، طی جلسات گروهی یا با مذاکرات فردی است.

بند ۶ـ «کانون بررسی خبرها» که خبرهای سیاسی و نظامی کشورهای بیگانه و ایران را بررسی کرده، خبرهای مربوط به احزاب سیاسی را برای «دفتر رهبری» حزب گردآوری می‌کند و در اختیار نشریات حزب می‌گذارد.

بند ۷ـ «کانون کتابخانه و انجمن‌ها»، که وظیفه آن، اداره کتابخانه و قرائت‌خانه حزب و تشکیل انجمن‌های هنری، علمی، فلسفی و غیره می‌باشد.

تبصره ۱ـ در اداره نشریات رسمی، عادی و تئوریک حزب شخص رهبر نظارت خواهد داشت.

تبصره ۲ـ کارداران فرهنگ سومکا به مثابه معاونین فرهنگدارند.

ماده ۳ـ مسئولین کانون‌های هفت‌گانه با شرکت فرهنگدار «شورای فرهنگی سومکا» را تشکیل می‌دهند، که برنامه عمومی «فرهنگ سومکا» را تنظیم و هدایت می‌کند.

ماده ۴ـ کلیهٔ سخنرانی‌های حزبی باید به فرهنگدار داده شود تا در کانون راهنمایی سیاسی بررسی شود و به تصویب برسد.

ماده ۵ـ «آیین‌دار» حزب باید طرح‌های نمایشی و ساختمانی کلیه هنگام‌ها (جلسات)، رژه‌ها، سفرها و میتینگ‌های خود را به نظر فرهنگدار برساند یا اصولاً از فرهنگدار بخواهد.

ماده ۶ـ در کلیه شعبه‌ها و کانون‌های سومکا، که در سراسر ایران و کشورهای دیگر وجود دارند، نمایندگان فرهنگدار، توسط دفتر رهبری حزب با او مربوط خواهند بود. نمایندگان فرهنگدار، توسط دفتر رهبری حزب با او مربوط خواهند بود، کارهای ذکر شده را اداره خواهند کرد و تابع مستقیم وی خواهند بود. این نمایندگان اختیار صددرصد در مورد تربیت سیاسی و اخلاقی و نظامی افراد حزبی دارند و می‌توانند منحرفین را محکوم کنند.

تبصره ۲ـ برای اداره شعبه‌های فرهنگی سومکا فرهنگدار، دفتری ترتیب خواهد داد به نام «دفتر فرهنگداری».

ماده ۷ـ این آیین‌نامه با یک مقدمه و هفت ماده و هفت بند و دو تبصره در تاریخ

۶/۲/۳۱[۱۳] (سال دوم سومکا) به تصویب رهبر سومکا رسیده، از این پس لازم‌الاجرا خواهد بود.

آیین‌نامه «سازمان‌های وابسته به حزب»

مقدمه- برای استفاده از نیروی همه افراد ملت و موافقین ایدئولوژی سوسیالیسم ملی، سازمانی برای اداره سازمان‌های وابسته به حزب تشکیل می‌شود که سندیکاها و موافقین حزب را که نمی‌توانند مستقیماً وارد حزب شوند، اداره می‌کند.

ماده ۱- سازمان‌های وابسته به حزب دارای یک فرمانده تام‌الاختیار خواهند بود که رهبر حزب تعیین می‌کند.

ماده ۲- فرمانده سازمان‌های وابسته به حزب، یک دبیر، یک بازرس، یک نماینده گنجور [و] یک نماینده فرهنگدار معرفی می‌نماید.

ماده ۳- برای کلیه اصنافی که بخواهند با حزب هم‌کاری‌کنند، از طرف فرمانده سازمان‌های وابسته به حزب، سندیکایی با تشکیلات بالا، که دارای گروه‌های ۱۵ نفری وگروهدارانی خواهد بود، تشکیل می‌شود. این گروه‌ها هر ماه دو جلسه خواهند داشت.

ماده ۴- نماینده گنجور هر سازمان وابسته در مرکز یا شهرستان‌ها، پول‌های گرد آمده را به نمایندهٔ گنجور می‌دهد تا به گنجینه سومکا بپردازد. نماینده فرهنگدار نیز مسؤول تربیت و آموزش افراد سازمان‌های وابسته به حزب بوده، در آن‌ها نمایندگانی تعیین می‌کند.

ماده ۵- در سندیکاها شورایی از نمایندگان گروه‌ها، که نماینده کارگر و کارفرما خواهند بود، زیر نظر رهبر سندیکا در ماه یک بار تشکیل می‌شود و به کارها رسیدگی می‌کند.

ماده ۶- داشتن اونیفورم حزبی برای افراد سازمان‌های وابسته به حزب ضروری نیست و مسوولین با زدن نشان فلزی ساده سیمرغ حزبی روی یقه چپ مشخص می‌شوند.

ماده ۷- این آیین‌نامه با یک مقدمه و هفت ماده در تاریخ ۱۳/۲/۳۱[۱۳] (سال دوم سومکا) به تصویب رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران رسیده، لازم‌الاجرا

است.

آیین‌نامه «داوری، مسائل حقوقی و مجازات‌های حزبی»

مقدمه- برای رفع اشکال‌های حقوقی، که حزب به آن‌ها برخورد می‌کند و برای حل اختلاف افراد حزب با یکدیگر و با حزب و برای جلوگیری از خیانت و تخلف در حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران «سازمان داوری و مسائل حقوقی» تشکیل می‌شود.

با این نظر اساسی که حق در آن امری است که برای جامعه حزبی و جامعه ملی مفید باشد.

بند ۱- مسائل حقوقی:

ماده ۱- شورایی که تا هفت عضو خواهد داشت، از میان حقوق‌دانان عضو حزب تشکیل می‌شود و در مسائل حقوقی به رهبران حزبی کمک کرده، رهبر حزب با آن مشورت می‌کند.

ماده ۲- شورای حقوقی در موارد ضروری، هنگامی (جلسه‌ای) با حضور رهبر یا اندرزبدان حزب تشکیل می‌دهد و با مشورت نظر خود را نسبت به مسئله طرح شده ابراز می‌دارد.

ماده ۳- کلیهٔ مسوولین حزبی موظفند در مسائل حقوقی پیش از اقدام به شورا رجوع کرده، طبق نظر آن رفتار کنند.

بند ۲- داوری:

ماده ۴- پایهٔ داوری حزب بر دادگاه‌های حزبی است.

ماده ۵- دادگاه‌های حزبی از یک دادستان و یک هیئت فرماندار، که شامل رئیس دادگاه و دبیر و معاون است، تشکیل می‌شود.

ماده ۶- دادرسی در حزب دو درجه است و رأی دادگاه را دادگاه عالی حزب می‌تواند نقض یا ابرام کند.

در هر حال رأی «دادگاه عالی سومکا» قطعی است.

ماده ۷- رهبر حزب می‌تواند مجازات محکومین را تخفیف دهد یا آن‌ها را عفو کند.

ماده ۸- هرگاه فرد حزبی خطا کند، در اثر شکایت افراد حزب یا مسؤولین حزبی، یا

به اشاره رهبر حزب، دادستان به او اخطار کرده، به وسیله بازپرسی که تعیین می‌کند، از او و هر که صلاح بداند، بازپرسی می‌نماید؛ سپس دادگاه را دعوت می‌کند و دادنامه خود را می‌خواند و دادگاه پس از شور مخفی، ابراز نظر می‌کند.

ماده ۹ـ رئیس دادگاه عالی و دادستان آن رتبه اندرز بدی دارند.

ماده ۱۰ـ اعضای شورای حقوقی سومکا و اعضای دادگاه‌های حزبی در صورتی که سمت دیگری نداشته باشند، عضو «کانون داوری و مسائل حقوقی سومکا» شناخته می‌شوند و زیر نظر رئیس دادگاه عالی، که رهبر کانون و دادستان دادگاه عالی که معاون آن است، خدمت می‌کنند.

ماده ۱۱ـ نشان کانون داوری و مسائل حقوقی سیمرغ و شمشیر است (طبق شکل پیوست) که روی سینه اعضای کانون قرار دارد و درجه‌های آن‌ها مانند سایر افراد حزبی است.

ماده ۱۲ـ در گروه ایران فرزندان و گروه حمله و گروه جاویدان در خارج باشگاه‌های حزب می‌توان دادگاه‌های صحرایی، در موارد فوق‌العاده به صورت دادگاه‌های رسمی، موقتاً تشکیل داد. اختیار این کار با فرماندهان گروه‌ها یا شخص رهبر حزب است. رأی این دادگاه‌ها قطعی است.

ماده ۱۳ـ دادگاه‌های حزبی طبق اصول کلی زیر می‌توانند حکم کنند:

الف ـ برای بی‌انضباطی، جز مجازات‌هایی که تا سه بار اختیار آن به فرمانده گروه حمله داده شده است و مجازات‌هایی که آیین‌دار می‌تواند انجام دهد و توبیخ شفاهی و کتبی به وسیله مسوولین گروه‌ها و سازمان و شخص رهبر حزب، کار مربوط به دادگاه‌های حزبی است.

ب ـ دادگاه‌ها افرادی را که از اموال حزب یا افراد حزبی بدزدند می‌توانند موقتاً یا برای همیشه اخراج کنند.

ج ـ دادگاه‌ها می‌توانند افرادی که اسرار حزبی را فاش کنند از یک هفته تا سه ماه اخراج نمایند و اگر در این کار تعمد داشته باشند اخراج موقت نمایند.

د ـ دادگاه‌ها می‌توانند کسانی را که از اطاعت فرمان مسوولین حزبی یا رهبر حزب سرباز زده‌اند و مجازات توبیخ در آن‌ها مؤثر نشده، از یک هفته تا سه ماه معلق نمایند.

هـ دادگاه‌ها می‌توانند، افرادی را که به حزب و رهبر حزب خیانت یا در حزب اخلال کرده‌اند به اخراج موقت یا دایم محکوم نمایند.

و- در صورتی که فاش کردن اسرار حزبی یا اخلال یا خیانت یا سوء قصد به ارکان یا به شخصیت رهبر حزب خدشه‌ای وارد سازد، دادگاه‌ها می‌توانند مجرم را به «اشد» مجازات محکوم نمایند.

ز- دادگاه‌های صحرایی می‌توانند در صورت فوق، فوراً حکم را اجرا کنند و در غیر آن صورت حکم آن‌ها از ۱۲ الی ۴۸ ساعت بازداشت متهم یا عزل او از سمت یا اخراج موقت او از حزب، تجاوز نخواهد کرد.

ح- در صورتی که اختلاف‌هایی در سرکارهای حزبی میان افراد روی دهد رأی دادگاه قاطع است و در صورت عدم تمکین یکی از طرفین دعوی، از یک هفته تا سه ماه معلق شده از سمت حزبی عزل می‌شود.

ط- دادگاه می‌تواند در کلیه موارد فوق افراد را موقتاً یا برای همیشه از سمت‌های حزبی عزل کند.[1] در صورت اخیر دیگر در حزب به محکوم سمتی داده نخواهد شد.

ی- در صورت بی‌انضباطی، که شامل بند الف می‌شود دادگاه می‌تواند متخلف را از یک ماه تا یک سال از عضویت حزب معلق نماید (اخراج موقت).

ک- در تمام موارد فوق در صورت تکرار جرم، دادگاه مجازات اشد را اجرا خواهد کرد و اگر سه بار جرمی تکرار شد، مجرم از حزب برای همیشه اخراج می‌شود.

ل- در هر یک از جرم‌های فوق چنان‌چه عمل «جرم مرکب» باشد، دادگاه‌ها مجازات اشد را اجرا خواهند کرد.

م- در مورد جرم افراد غیرحزبی به دستور رهبر حزب، دادگاه می‌تواند تشکیل شود و آن فرد را احضار کند و اگر حاضر نشد غیاباً محاکمه کرده، نتیجه را به رهبر اطلاع دهد.

ن- اجرای احکام دادگاه‌های صحرایی با گروه جاویدان یا گروه حمله یا گروه ایرانفر زندان است، مگر در مورد افراد غیرحزبی، که مجری را رهبر تعیین می‌کند.

---

۱. این امتیاز کمتر از یک سال بعد از دادگاه حزبی گرفته شد. منشی‌زاده طی فرمانی اخراج اعضاء از حزب را منحصر به دستور خویش ساخت. ر.ک: سند شماره‌ی ۱۹۲.

تبصره در صورتی که فرد حزبی در دادگاه حاضر نشود، دادگاه غیاباً رسیدگی خواهد کرد.

ماده ۱۴ـکلیهٔ محاکمات حزبی، ممکن است، پنهان یا آشکار باشد و این امر را رئیس دادگاه تعیین می‌کند.

ماده ۱۵ـاندرزبدان را دادگاه عالی محاکمه می‌کند و رأی نهایی با رهبر است.

ماده ۱۶ـتعیین رئیس دادگاه عالی و دادستان آن با رهبر است و جز در صورتی که از خود آن‌ها شکایت بشود، عزل نمی‌شوند.

ماده ۱۷ـرهبران محلی، رئیس و دادستان دادگاه محل خود را به دادگاه حزب پیشنهاد می‌کنند و سایر اعضای دادگاه‌ها و بازپرس‌ها را رئیس و دادستان هر دادگاه تعیین می‌نمایند.

ماده ۱۸ـجرم‌های حزبی عبارتند از: خیانت، فاش کردن اسرار، اخلال، سوءقصد به رهبر و اعضای حزب، دزدی دارایی حزب، بی‌انضباطی و نافرمانی.

ماده ۱۹ـاین آیین‌نامه در دو بند و ۱۹ ماده و یک تبصره

در تاریخ ۱۴/۳/۳۱[۱۳] (سال دوم سومکا) به تصویب رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران رسیده، لازم‌الاجراء است.

ضمیمه ۳

نسخه دوم: برنامه حزب سومکا[۱]

دیروز در میدان‌های جنگ جهانگیر اروپا. وقتی شعله‌های آتشین، محله‌های شهرها را در هم می‌نوردید و در یک حمله هوایی تنها ده‌ها هزار مرد و زن به وضع فجیعی جان می‌سپردند، ما آرزو می‌کردیم کاشکی هم‌وطنان ما لااقل جزیی از این بساط را می‌توانستند ببینند، چه ما نیز مانند طبیبی که رگ زدن را برای مریض خود تجویز می‌کند معتقدیم که در ایران ما می‌بایست روزی، از جایی، در موردی خون جاری می‌شد.

هم‌وطنان! اگر شما خون دیده بودید، خون پاک مردان رشیدی که رنگ سرخ، پر افتخارترین مرگ‌ها را به چهره آن‌ها نوشته بود؛ اگر شما خون دیده بودید، خون پلیدی که از قلب خائنین و دشمنان این آب و خاک، سرزمین تشنه وطن را سیراب کرده بود، شما آن وقت برای پشیزی به نفع خود، زندگی صدها مردم دیگر را عاطل و باطل نمی‌ساختید و این قدر خود پرست و خودخواه نمی‌شدید.

انحطاط جسمی و روحی در شما به این حد نمی‌رسید که در میان هیجده ملیون جمعیت در این همه ضعف، خستگی و ناتوانی و بیچارگی یک فرد درست از جان گذشته فعالی نداشته باشید که بتواند شما را به راه راست هدایت کند. دزد نباشد، خارجی پرست نباشد و به دیگران نیز اجازه دزدی ندهد.

ما امروز در این میهن، با همه سنگ‌دلی و سرسختی‌ای که داریم، وضعی می‌بینیم که ما را دیوانه می‌سازد. رشته از هم گسسته امور اجتماعی، روی کار آمدن دزدان و دغل‌بازان بازاری، عزیز و دردانه سازی، عدم عدالت اجتماعی، عدم اعتماد. خلاصه جز انبوهی کثافت مادی و معنوی چیز دیگری نمی‌یابیم. ما مصمم شد [ه‌ایم] بر پایه خون و خاک، بر اصل خون و شرافت، نان و کار، جوانان رشید و شرافتمند وطن را دور هم گرد آورده پیرهای پوسیده را از رهبری کشور کوتاه [نموده] و به دنیا نمونه‌ای از قدرت اراده ملتی را بنماییم.

---

۱. نسخه‌ی دوم (چاپ اول) برنامه‌ی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران، تهران، فرهنگ سومکا، دفتر یکم، موجود در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش. ب ۳۶۷، ش. ص ۲۴ تا ۴۶.

آن وقتی که جنگل‌های ایران سر به آسمان کشیده؛ جاده‌های زیبا از کوه‌ها و دره‌ها و صحراها گذشته و با دست کارگران وظیفه، یعنی دختران و پسران ایرانی در خدمت کار، ساخته شده، مانند رگ‌هایی که در آن‌ها خون جسمی روان باشد عبور و مرور وسایلی که ما خود ساختیم، تأمین می‌کنند؛ آن وقتی که دود کارخانه‌های عظیم صنعتی ما، سینه‌ی چاک آسمان را تهدید می‌کند؛[۱] آن وقتی که کشتزارهای سبز و خرم و خانه‌های پاک و شسته و رفته کارگران و دهقانان با همه حوایج زندگی جدید، مانند رادیو، آب و برق، آراسته شدند؛ آن وقتی که در عروق جوانان با غیرت و با ادب و با شرافت ما به جای آب پارگین کثیفی که امروز در آن‌ها تزریق می‌شود،[۲] آهن گداخته روان گردد؛ آن وقتی که پایه‌های اراده ما سفت‌تر از سنگ خارا و محکم‌تر از صخره‌های البرز به جای خود نشست؛ آن وقت شما تصدیق خواهید کرد که کار شبانه‌روزی و سختگیری و رنج دایمی ما علت نهایی این همه ترقی و تسلط بوده است.

آیا از سوم شهریور ۱۳۲۰، شما ای هم‌وطنان، همه احزاب را یکی بعد از دیگری امتحان نکردید [و] به محک تجربه نزدید؟

همه این پرچانه‌ها و یاوه‌گوها را نیازموده‌اید که هر کدام در واقع دست نشانده یکی از عناصر بیگانه امپریالیست بود [ه‌ا] ند؟

آمریکایی‌ها برای شما دولت ساختند. روس‌ها، [حزب] توده را بر شما گماشتند. انگلیس‌ها چکمه لیسان خود را بر شما تحمیل کردند.

تاکنون اما ملت ایران، آیا حقیقتاً حکومت خود را خود به دست گرفته است؟ نه.

ما دوره پیش از شهریور را دوره‌ای ایده‌آل نمی‌دانستیم، لیکن آن چه پس از آن پدید آمده، آیا بی‌لیاقتی، نادرستی و خیانت کارداران را در ده سال آزگار، متمادیاً ثابت نکرده و نشان نداده است؟

هم میهنان! امروز یک دسته از جان گذشتگان در سایه شهپرهای گسترده سیمرغ آسمان عظمت ایران، دست به دست هم داده می‌خواهند ایران را بهشت روی زمین،

---

۱. اصل: می‌کنند.
۲. اصل: می‌شود و آهن....

بهشت کار، بهشت فعالیت، بهشت مبارزات اساسی سازند. چه در آن‌جا که نظم و دیسیپلین و صحت کار و فعالیت نباشد، دوزخ از همان جا شروع می‌شود. ما دوستان و همکاران خود را از نظر هرگز دور نخواهیم داشت؛ چنان که دشمنان خویش را نیز در روز پیروزی فراموش نخواهیم کرد.

از امروز کار با ما، زحمت با ما، مشقت با ما، خاک به ما، مذلت با ما؛ از امروز پول‌های دشمنان ما از آن شما، بسترهای نرم از آن شما، تحمیل‌های زندگی از آن شما، راحتی از آن شما؛ تا روزی که ما موفق شدیم و همه چیز را به عدالت در میان هیجده ملیون مردم این مملکت تقسیم کنیم.

ایدئولوژی ما بر پایه‌های زیر استوار است:

۱ـ ما هر اصل و قانونی را که مخالف ترقی ملت ایران باشد زیر پا می‌گذاریم.

۲ـ ما دنیا را صحنه کارزاری می‌دانیم و به همین دلیل قدرت را به هر صورت که باشد، فکری، عملی [و] اخلاقی، می‌ستاییم.

۳ـ مرد در روش ما کسی است که اراده قدرت داشته باشد و چون به کاری آغاز کرد برای انجام آن از جان نیز نترسد.

۴ـ ما زندگی آسوده را پست و ننگین می‌شماریم که در آن حوادث زیاد، رزم زیاد و شادی زیاد باشد.

۵ـ ما اصلاً روی فکر خوشبختی و بدبختی را قلم کشیده، دنیا را صحنه‌ای برای نمایش قدرت در سه تظاهر جسمی و اخلاقی و فکری می‌دانیم.

۶ـ ما اهمیت مسائل اقتصادی را به هیچ وجه فراموش نمی‌کنیم ولی معتقدیم که اقتصادیات همه چیز قومی نمی‌شود. چه آسودگی، خوشی نیست.

۷ـ ما در نابرابری جسمی، اخلاقی و فکری مردم شک نداریم، اما هر کس باید برترین شرافت را در کاری بداند که بدان مشغول است و کارگر خشت زن یا گل کار، به قدر عالمی که در جستجوهای علمی عمر می‌گذارد، از کار خود خرسند و بدان مفتخر باشد.

۸ـ ما نخستین جنگ را بر ضد اشراف پوسیده و سرمایه داران اعلام می‌کنیم. چه این‌ها با قدرت سرمایه میراثی و یا کسبی خود حیات دیگران را تهدید می‌کنند.

۹ـ ما دومین جنگ را بر ضد کسانی که به زندگی پست قانع می‌شدند و در جستجوی افتخار و شرافت و کار بر نمی‌آیند، اعلام می‌داریم.

۱۰ـ ما با روح نظم و فرمان‌برداری و غرور ملی، در مقابل افکار استعماری ملل قوی و کمونیستی ضد ملی، سد محکمی ساخته، در برابری و هم‌کاری‌برادران ایرانی می‌کوشیم.

۱۱ـ نهضت ما یک نهضت ارتجاعی نیست بلکه انقلابی است؛ انقلابی که باید در فکر و اخلاق و عمل ظهور کند.

۱۲ـ ما نخستین دولت کارگران و کشاورزان، می‌خواهیم که مردم خاک وطن را مقدس بدانند، چه در آن پرورش یافته و با آن زنده‌اند.

۱۳ـ ما می‌خواهیم که مردم، ملت و میهن خود را مانند دیگر مقدسان بپرستند.

۱۴ـ ما می‌خواهیم که زنان و مردان، یک‌دیگر را در همه کارها یاری کنند.[۱]

۱۵ـ سرافرازترین مردم در نزد ما کسی است که برای گروه خود از جان نیز بگذرد. او شهید است و از جمله مقدسان نهضت انقلابی ماست.

۱۶ـ اگر ما به گذشته‌ها و پدران خود مفتخریم، ولی کهنه‌پرست و مرده پرست نیستیم و می‌خواهیم با الهام گرفتن از گذشته خود بزرگ‌ترین عمر تاریخ بشری را به دست خود در آینده بنا کنیم.

برنامه ما

ما مجبوریم برای تحصیل آزادی کامل اقتصادی و سیاسی ایران و بالا بردن سطح زندگی عامه، برنامه سنگین [و] سختی را تعقیب کنیم. (ما زندگی تجملی چند صد خانواده بالا را علت بیچارگی طبقات پایین مردم می‌دانیم) روزی که مقاصد ملی ما به چنگ آیند، ما برنامه سبک‌تر و آزادتر دیگری را پیش خواهیم گرفت. در صورتی که اساس ایدئولوژی ما پیوسته تغییرناپذیر و ثابت خواهد ماند.

---

۱. پایان صفحه‌ی دوم برنامه.

۱ـ ایرانی برای ما کسی است که از خون و نژاد ایرانی است. ایرانیانی که در خارج از حدود ایران امروز به سر می‌برند باید بدانند که ایران سوسیالیست ملی کارگری (سومکا) در هر مشکلی پشتیبان و طرفدار آن‌ها است و حاضر است هر آنی، آن‌ها را با آغوش گشاده بپذیرد.

۲ـ فقط ایرانی می‌تواند در وضع و اجرای قوانین و دستگاه رهبری کشور خود شرکت کند. بدین جهت (سومکا) خواستار است که کلیه مقامات مسؤولیت‌دار در دست ایرانیان باشد.

۳ـ ما از مهاجرت کسانی به ایران که صلاحیت اختلاط با نژاد ایرانی را ندارند سخت جلوگیری می‌کنیم.

۴ـ ما با شیوه پوسیده و فاسد حکومت پارلمانی مخالفیم.[۱] چه در این حکومت کار به دست کاردان نمی‌افتد بلکه از لحاظ منافع حزبی و دسته‌بندی‌های مختلف و فقط از این لحاظ تقسیم می‌شود.

۵ـ ما همه ایرانیان را در وظایف و حقوق برابر می‌دانیم.

۶ـ نخستین وظیفه هر ایرانی آن است که روحاً و جسماً کار کند به قسمی که این کار مخالف منافع ملی نباشد، بلکه به سود عمومی تمام شود.

۷ـ بدین جهت باید عایداتی که بدون رنج و کار به دست می‌آید ممنوع گردد. اتمام این سفته بازی یهودی، احتکار، قاچاق و غیره) و در نتیجه در هم شکستن قدرت پول و نابود کردن مظاهر سرمایه داری منحط کنونی.

۸ـ کسانی که در مواقع غیر عادی و بحرانی تاریخ ملت به‌جای فدا کردن جان و مال تحصیل ثروت می‌کنند در نظر ما مرتکب بزرگ‌ترین جنایت‌اند. ما آن‌ها را به سخت‌ترین مجازات محکوم و سرمایه‌ای که از این راه اندوخته‌اند به نفع ملت ضبط می‌کنیم.

۹ـ ما مصمم هستیم که رشوه و ارتشاء و هر گونه نادرستی را از ایران ریشه کن کنیم، مرتکبین رشوه و ارتشاء را از هر طبقه و خانواده که باشند، با کمال بیرحمی، به سخت‌ترین عقوبت‌ها مجازات می‌کنیم.

---

۱. اصل: مخالفین.

۱۰ـ ما کارخانه‌های شخصی را که بر وفق منافع ملی اداره نمی‌شوند به دست دولت می‌سپاریم تا زندگی هزاران کارگر شرافتمند و محصولات ملی در هر لحظه، ملعبه خرپولان بی‌وجدان قرار نگیرد.

۱۱ـ کارگران باید در سود کارگاه‌های خویش سهیم باشند.

۱۲ـ از آن جا که هر ایرانی عمر خود را در راه خدمت به ملت خود صرف می‌کند باید هنگام پیری و محرومیت از کار را به خرج ملت خود به آسودگی بگذراند، یعنی دولت برای هر ایرانی انواع بیمه‌های اجتماعی را به بهترین طرزی برقرار سازد.

۱۳ـ ما می‌خواهیم که در ایران، طبقه متوسط که امروز در نتیجه جنایات هیئت حاکمه و دزدان داخلی و خارجی و خائنان جهود معدوم شده، دوباره پدیدار و تقویت شود.[۱] دولت باید وسایل کار صنعتگران و پیشه‌وران مستقل را فراهم آورده و از آن‌ها حمایت کند.

۱۴ـ ما طرفدار یک رفورم ارضی می‌باشیم که متناسب با احتیاجات ملی باشد و می‌خواهیم قانونی وضع شود که مطابق آن بتوان از اراضی در برابر شرایط معینی برای مقاصد عام المنفعه سلب مالکیت نمود.[۲]

۱۵ـ ما هر کسی را که به خاطر نفع شخصی به ملت و مملکت خود ضرر برساند یا خیانت کند بی‌درنگ به مرگ محکوم می‌سازیم.

۱۶ـ در حقوق مدنی و کلیه قوانین کشوری ایران باید تجدید نظر به عمل آید تا کاملاً بر وفق منافع ملی و نژادی تنظیم شود.

۱۷ـ دولت موظف است که با توسعه کامل آموزش و پرورش ملی، وسایل تحصیلات فنی و عالی فرزندان مستعد ملت را فراهم سازد تا هر ایرانی با استعداد هر قدر هم که تنگ‌دست باشد بتواند در صورت تمایل مراتب علمی و فنی خود را به حد کمال رسانیده و در دستگاه رهبری کشور مقام مسؤولیت‌داری را به عهده بگیرد.

۱۸ـ برنامه آموزش‌گاه‌ها باید با زندگی عملی متناسب باشد و کودکان در همان فردی

---

۱. اصل: و از آن تقویت شود.

۲. پایان صفحه‌ی سوم.

با حس مسئولیت و رشادت و فداکاری بار آیند.

۱۹ـ دولت باید بهداشت ملی را ترقی و توسعه دهد و از مادران و کودکان به بهترین طرزی حمایت کند. کار خردسالان باید ممنوع شود. وسایل زندگی جسمانی ملت باید فراهم و نسبت به ورزشکاران از هیچ‌گونه مساعدتی دریغ نشود.

۲۰ـ ارتش ایران، ارتش ملی خواهد بود. عناصر ناصالح و ترسو، آن‌ها که در شهریور ۲۰ و دیگر مواقع امتحان خوبی نداده‌اند، طرد خواهند شد. وظیفه ارتش ملی دفاع از مرزها و خاک ایران است در مقابل دشمنان خارجی به چنان که امروز می‌گویند و شده حفظ امنیت داخلی.

۲۱ـ پابه پای ارتش ملی، قوای کارگران ملی مرکب از دختران و پسران جوانی که هر سال در کار وظیفه داخل خواهند شد تشکیل می‌گردد تا هر کس از هر مرتبه و مقام و خانواده‌ای که باشد بدون تفاوت عملاً در آباد کردن خاک مقدس ایران شرکت نماید و با کار واقعی و حقیقی آشنا شوند تا روح خمود و افسردگی و عدم انضباطی که جوانان امروز دارند از بین برود. خدمت کار وظیفه مانند سربازی وظیفه در سن و [در] دوره معینی انجام می‌پذیرد.

۲۲ـ افسارگسیختگی و فحاشی مطبوعاتی و عدم رعایت منافع ملی لکه ننگی به دامان مطبوعات کشور است. هر نویسنده و سردبیری مسؤول صحت نوشته‌های خود می‌باشد[۱] و باید بتواند هر لحظه از آن در دادگاه دفاع کند.

۲۳ـ ما با هر مکتب هنری و ادبی که مخالف شئون ملی و اخلاقی باشد مبارزه کرده و به آن‌ها حق زندگی نمی‌دهیم.

۲۴ـ ما با روح مادی (ماتریالیسم) و یهودی‌گری مبارزه کرده، از ته دل ایمان داریم که همیشه منافع جامعه مقدم بر منافع شخصی است.

(اول منافع ملی بعد منافع شخصی)

۲۵ـ برای انجام این برنامه باید قدرت مرکزی نیرومندی در ایران ایجاد شود و سازمان قانون‌گذاری بر تمام سازمان‌های دیگر کشور حق حاکمیت بلاشرط داشته

---

۱. اصل: می‌باشند.

باشند.

پیشوایان حزب سوسیالیستی ملی کارگران ایران به شرافت خود سوگند یاد می‌کنند که برای انجام این برنامه از جان نیز دریغ ندارند.

توضیح: ما هر عضو خلاق جامعه را که کار مثبتی انجام دهد، خواه فکری، خواه علمی، در کارخانه، در مزرعه، در کتابخانه [و] یا در هر مقام اجتماعی دیگری، کار می‌دانیم نه زحمتکش؛ چه ایمان داریم که کار مایه نشاط زندگی است نه رنج و زحمت.

درباره این برنامه لازم است متذکر شود[۱] که مفاد این برنامه تغییرناپذیر است. معنی این جمله این نیست که هر کلمه از این برنامه همان طور که هست سر جایش بماند یا هر کوششی برای ژرف‌تر و جامع‌تر کردن آن قدغن باشد. معنی این جمله با کمال صراحت و وضوح این است که اصول و افکار اساسی این برنامه تزلزل‌ناپذیر است. در این جا هیچ گونه پیچ و خم وجود ندارد و نیز مهم‌ترین نکات آن را که خوش آیند دولت[۲] و اجتماع و اقتصاد امروز نیست نمی‌توان پنهان کرد و انحراف از ایمان سیاسی هم محال است.

در این جا به دو پایه و اصل این برنامه اشاره می‌کنیم. ایمان سیاسی این برنامه را در این جمله می‌توان خلاصه کرد:

منافع ملی عمومی مقدم بر منافع شخصی است و هدف اساسی سوسیالیسم ملی عبارت است از: «در هم شکستن قدرت پول و نابود کردن مظاهر سرمایه داری منحط کنونی». نتیجه تحقق پذیرفتن این دو نکته از برنامه ما، پیروزی نظام اجتماعی جهان‌گیران دولت حقیقی است،[۳] که اکنون طلیعه آن پدیدار گشته، بر وضع منحط و فاسد امروزی دولت و ملت و اقتصاد که نتیجه نفوذ مخرّب تصور غلطی است که اندیوویدالیسم (فردپرستی) از ساختمان اجتماع دارد.

آنچه که امروز خود دولت می‌نماید و دولت نیست، با استثمار کارگران و حمایت از ثروت نامشروع سفته بازان و قاچاقچیان و دزدان در حقیقت فقط جولانگاه بی‌چشم و روترین مال اندوزان و بی‌شرم‌ترین سفته بازان و قاچاقچیان تازه به دوران رسیده داخلی

---

۱. اصل: شد.

۲. اصل: خوش ایندددو.

۳. پایان صفحه‌ی چهارم.

و خارجی می‌باشند. هیچ کس ملاحظه صلاح و منافع هم‌وطنان و نزدیکان خود را نمی‌کند و هیچ اصل اخلاقی مانع این جنایات و نابکاری‌ها نیست. فقط خونخوارترین قدرت‌ها یعنی قدرت پول، فرمانروای مطلق است و با تأثیر مخرب جهنمی خود دولت و ملت و اجتماع و فرهنگ و سنن و نوامیس ملی و ادبیات و کلیه اصول اخلاقی و معنوی ما را به نیستی و نابودی تهدید می‌کند.

کسانی که مبارزه با این وضع را هدف خود قرار داده‌اند و نبرد آشتی ناپذیری را برای نجات ملت خویش آغاز کرده‌اند ناگزیر نمی‌توانند اندکی در اراده خود خلل و تزلزل راه دهند یا از رسیدن به هدف خویش منحرف شوند یا پشت به دشمن کنند.

در چنین نبرد عظیمی که هستی ملتی بستگی به پایان آن دارد یا باید پیروزمند گردید یا مردانه نابود شد. راه سومی وجود ندارد.

اصول عقاید ما

مقصود از نوشتن این سطور این نیست که به تفضیل درباره اصول سوسیولوژی و فلسفی و ایده جهانداری (حکومت) و سیاست مدن سوسیالیسم ملی سخن برانیم. حق این مطلب در انتشارات بعدی ادا خواهد شد. در این جا فقط با زبانی ساده به شرح مهم‌ترین اصول عقاید خود خواهیم پرداخت و باید متذکر شویم که هدف ما مباحثه با احزاب و دسته‌های به اصطلاح سیاسی دیگر نیست. در این باره هم آن چه گفتنی است در آینده خواهیم گفت.

امروز آشوب و بی‌نظمی سراسر جهان را فرا گرفته است؛ گمراهی و تشتّت عقاید و افکار جنگ و کینه و دشمنی و شک و حسد [و] نزاع و جور و ستم و استثمار در تمام مظاهر زندگی ما حکم‌فرماست.

برادر، برادر را نمی‌شناسد و فرزندان یک ملت که همه دارای یک خون و یک نژاد و یک سرنوشت‌اند به جان یکدیگر افتاده‌اند و عده‌ای از فرزندان این ملت به خون کسانی تشنه‌اند که می‌خواهند تسلیم افکار بیگانه شوند و فقط گناهشان این است که می‌خواهند ایرانی بمانند و خویشتن را ایرانی احساس کنند و چه بسا کسانی که به این علت به دست

برادران خود جان سپرده‌اند، همه فرزندان این ملت از هر دسته که باشند دچار[۱] یک محرومیت هستند و کمرشان زیر یک بار مشترک خم شده است، ولی در این ده سال اخیر هرگز کسی دیده یا شنیده است که کارگر توده‌ای یا دانشجویی که در دانشگاه برای فرانکو و مک آرتور[۲] فریاد مرده باد می‌کند یا به خاطر جنگجویان کره، کبوتر هوا می‌کند، کوچک‌ترین آسیبی را به کسانی که حقیقتاً او را استثمار می‌کنند و مسببین حقیقی بدبختی او هستند رسانیده باشند، مقصود ما آن گردن کلفت‌هایی هستند که به نام رهبران حزب عده‌ای مردمان ساده و پاک ایرانی را فریفته و آنان را وا می‌دارند که به زیان[۳] ملت خویش قدم بردارند و وسایل عیش و نوش این پیشتازان دلسوز ملت را فراهم سازند. آن‌هایی که اقلاً آن قدر شرافت و حیثیت ندارند که در مواقع سختی شریک رنج پیروان خود باشند و در چنین مواقعی [به]کشورهای بیگانه پناه برده و با پول‌هایی که در ازای خیانت خود از بیگانگان دریافت می‌کنند، در پاریس و پراگ و مسکو به خوشی به سر برده و از بیرون گود به تحریک پیروان گمراه خود می‌پردازند.

مقصود ما آن کارخانه‌دار بی‌وجدانی است که به‌جز پول به هیچ چیز ایمان ندارد و برای نفع شخصی و بدون در نظر گرفتن نفع ملی عمومی هر لحظه به دل‌خواه خود کارخانه را تعطیل و صدها خانواده شریف ایرانی را تسلیم فقر و گرسنگی می‌کند.

آیا کسی دیده و یا شنیده است که اقلاً به یکی از این زالوهای اجتماع که خون ملت ما را با سفته بازی و قاچاق و احتکار می‌مکند و هر روز بر کلفتی گردن خود می‌افزایند، کوچک‌ترین زیان و آسیبی رسیده باشد؟ این اشخاص همیشه در امان هستند و قربانیان این آشوب‌ها همیشه کارگران پاک و فرزندان[۴] حقیقی این ملت‌اند.

اگر به فاجعه آذربایجان و مازندران به دقت بنگرید می‌بینید که مسببین حقیقی این جنایات پس از دزدیدن ملیون‌ها مال این ملت، امروز با کمال خوشی در روسیه و فرانسه و در همین تهران خودمان به سر می‌برند، در حالی که استخوان مردان ساده و پاک دلی که

---

۱. اصل: دوچار.
۲. اصل: ماک آرتور.
۳. اصل: بزان.
۴. پایان صفحه‌ی ۵.

فریب این دجالان قرن بیستم را خورده و به گمان خود می‌خواستند به وطن خود خدمت کنند، ولی در حقیقت به دست خود گور ملت را می‌کندند،[۱] در زیر خروارها خاک می‌پوسد.

مردمان را چنان گمراه کرده‌اند که کارگران ساده به عنوان پیروی از مرام مارکس جهود، گرد خونخوارترین استثمار کنندگان خویش را گرفته و با کوشش بسیار، مقدمات نابودی خود را فراهم می‌کنند و به جای این که با دشمنان حقیقی خود و ملت خود به مبارزه پردازند چون ددان همه کینه و دشمنی خویش را متوجه برادرانی می‌کنند که به‌جز نجات آن‌ها از این بدبختی، هدف و آرزویی ندارند.

کسانی که دم از ملیت و ناسیونالیسم می‌زنند آرزویی جز رسیدن به جاه و مقام ندارند و برای این مقصود با کسانی هم‌کاری می‌کنند که گورکنان و نابودکنندگان ایده‌آل‌های ملی آنان هستند و کسانی را در دولت‌های خود شرکت می‌دهند که تاکنون بارها امتحان بی‌لیاقتی و خیانت خود را داده‌اند و در نتیجه این غم‌خواران نازک دل ملت، شرافت خود را نیز لکه‌دار می‌کنند.

کسانی که مردان، حتی زنان، را دعوت به در دست گرفتن اسلحه و دفاع از خاک وطن در برابر دشمن می‌کنند با جمعیت کبوتربازان هواخواه صلح عشق بازی [نموده] و بیانیه قلابی بلشویک‌ها را امضاء می‌کنند و چنین خوش باورند که گمان می‌کنند هم‌کاری با پاسیفیست‌ها و انترناسیونالیست‌ها و جهودها میسر است.

این مردم از هر دسته که باشند گمراهند و افکارشان آشفته است. این‌ها به این حقیقت مسلم طبیعی توجه نمی‌کنند که دوستی میان گرگ و گوسفند یا بشر و میکروب وبا غیر ممکن است و با تمام قوا به برقراری این بی‌نظمی که امروز جای نظم حقیقی را گرفته است کمک می‌کنند تا مبادا اندکی از امتیازات پوچ و توخالی خود را از دست بدهند و فراموش می‌کنند که این امتیازات را مدتی است کسانی از آن‌ها ربوده‌اند که آرزوی هم آخور شدن با آن‌ها را در دل خود می‌پرورانند. کسانی که با اقتصاد سر و کار دارند، از کارخانه‌دار و تاجر عمده گرفته تا پیشه‌ور و کاسب جزء، فقط یک هدف، فقط

---

۱. اصل: می‌کنند.

یک هدف می‌شناسند و آن این‌که تا ممکن است و از هر راهی که باشد بدون رعایت مصالح ملت نفع می‌برند و فقط یک آرزو دارند و آن این که نزد سرمایه‌داران و خرپولان و بانک‌ها اعتبار داشته باشند و فقط یک مبارزه و مقاومت می‌شناسند و آن این‌که حتی‌المقدور مالیات نپردازند و فقط برای یک چیز اقدام بی‌حدو حصر قائلند که عبارت از قدرت سرمایه داری و پول باشد و اگر با آن‌ها از هدف سوسیالیسم ملی که عبارت از در هم شکستن قدرت پول و سرمایه است گفته شود، چیزی دستگیرشان نمی‌شود و آقامنشانه شانه‌های خود را بالا می‌اندازند؛ منافع بی‌حد و حصر سرمایه داران کلان و سفته بازان بی‌چشم و روی داخلی و خارجی را که فقط در نتیجه قدرت پول به دست می‌آید، امری کاملاً طبیعی می‌دانند. این اشخاص، سازمان‌ها و اتحادیه‌های صنفی تشکیل می‌دهند، ولی به جای این که در پی کشف و چارهٔ علت حقیقی وضع اسفناک کنونی باشند خود را به گفتگوها و مباحثات و اقدامات بی‌اهمیت سرگرم می‌کنند و دست به ترکیب وضعی که علت اساسی مالیات‌های کمرشکن و خرابی حیات اقتصادی کشور است، نمی‌زنند. این‌ها به دست خود زنجیر اسارت سرمایه‌داری بی‌بند و بار را به گردن خود می‌اندازند و اگر چشمشان به یک سرمایه‌دار جهود یا جهود منش بیفتد بی‌اختیار در برابر و از فرط احترام به خاک می‌افتند و آن وقت از بحران اقتصادی و مالیات‌های طاقت‌فرسا شکایت دارند.

افکار مردم، آشفته و پریشان است. اقتصاد معنی اصلی خود را از دست داده و در حیات اقتصادی نجابت و شخصیت دیگر به هیچ وجه مؤثر نیست هر که بی‌وجدان‌تر و بی بند و بارتر باشد کار و بارش بهتر است.

تولید کنندگان حقیقی ثروت ملی دست دوستی را به سوی بزرگ‌ترین دشمنان خویش یعنی سرمایه‌داران داخلی و خارجی دراز کرده‌اند و در نتیجه، چاره‌ای جز این ندارند که در کارخانه‌ها و ادارات در هر جا که باشند با مزد ناچیز خود- آن هم اگر به آن‌ها پرداخت شود-[1] بسوزند و بسازند و حاصل کار و کوشش خود را به عنوان سود و ربح

---

۱. اصل: شوند.

تحویل خرپولان گردن کلفت بدهند.[1]

دسته‌ها و جمعیت‌هایی که هر روز با اسامی عجیب و غریب ظهور می‌کنند هر چند هم که از روی حسن نیت به وجود آمده باشند، در آشفتگی و هرج و مرج امروزی جامعه ما به کلی بی‌فایده‌اند. این‌ها می‌کوشند وضع آشفته امروز را سر و صورت دهند، ولی سعی‌شان بیهوده است زیرا به هیچ وجه معلوم نیست و خودشان هم نمی‌دانند که در جامعه، عهده‌دار انجام چه وظایفی هستند بلکه فقط قصدشان این است که برای دسته و طبقه خویش، بدون این‌که یک فکر بلند سیاسی و اقتصادی راهنمای آن‌ها باشد، منافع ناچیز و حقیری به دست آورند و البته برای نیل به این مقصود باید ناچار به هر دری بزنند و دنبال هر شیادی راه بیفتند و نظام اقتصادی و حکومت پوسیده و فاسد امروزی را به رسمیت بشناسند و غلام حلقه به‌گوش و فرمان بردار طبقه حاکمه بی‌ارزش کنونی باشند.

تنها فایدهٔ این دار و دسته‌ها فرستادن چند گردن کلفت به عنوان نماینده به مجلس یا نشاندن چند دزد بی‌وجدان به مقامات مؤثر است تا این‌ها بتوانند زنجیرهای اسارت ملت حقیقی را محکم‌تر سازند.

به هر سو که بنگریم جز آشوب و (بی‌نعمتی) و تشتّت افکار چیزی نمی‌بینیم.

دهقانی که در زیر بار محرومیت‌ها خرد شده است و هر لحظه ضربات تازیانه جور و ستم ارباب خونخوار بر فرقش فرود می‌آید و جهودان و دلالان دوره‌گرد حاصل کوشش او را به سلف می‌خرند و زالووار خون او را می‌مکند، چگونه می‌تواند به زندگی خویش امیدوار باشد؟ کارگری که شب و روز کار می‌کند تا حوائج زندگی خانواده خود را رفع کند، چگونه در جامعه‌ای که دلالان و واسطه‌های عزیز، بی‌جهت در رسانیدن جنس از تولیدکننده به مصرف کننده بدون هیچ حق و منطقی دخالت می‌کنند و چند برابر قیمت حقیقی تولید اجناس را گران‌تر می‌نمایند، به انجام این امر کامیاب می‌شود؟

کارمندی که پس از داد و فریاد و تشبثات زیاد موفق به دریافت اضافه حقوق و ترفیع رتبه می‌شود، از این موفقیت در جامعه‌ای که ضربت هزینه زندگی هر لحظه چندین برابر این اضافه حقوق‌ها ترقی می‌کند، چه بهره‌ای می‌تواند ببرد؟

---

۱. پایان صفحه‌ی ۶.

با وجود این‌ها همه چشم به دولت دوخته‌اند و از این دستگاه امید مساعدت و یاری دارند. آن هم به دستگاهی[۱] که مسبب فقر و تنگدستی مردم است، دستگاهی که تنها کار مثبتش از هم گسیختن خانواده‌ها و متزلزل کردن بنای ملیت ماست.

از این دولت همه کار ساخته است جز یگانه وظیفه حقیقی دولت‌ها که برای ملت خویش باید چون پدری مهربان باشد. از این دستگاه‌هایی که امروز نام خود را به ناحق دولت نهاده است جبار (غاصبی) بیش نیست و تنها مأموریتش وصول مالیات و کندن ریشه‌های حیات ملت حقیقی است تا سلطه قدرت پول و سرمایه‌داری و امپریالیسم را بیشتر مستقر گرداند.

مردم بی‌نوا پس از تحمل این محرومیت‌ها خود را از ناچاری به دامان احزاب و دستجاتی می‌اندازند که کوس رسوایی آن‌ها را در سر هر کوی و برزن می‌زنند و یا [ا]گر خیلی عاقل باشند خود را مافوق این احزاب و دسته‌بندی‌ها می‌دانند و بی‌طرف می‌مانند. غافل از این‌که با این عمل بیشتر خود را تسلیم زد و بندهای سیاسی سیاست‌های خانمان‌برانداز داخلی و خارجی می‌کنند.

به هر سو که بنگریم همین مناظر وحشتناک آشفتگی [و] بی‌نظمی پدیدار است و هر یک از مظاهر زندگی اجتماعی ملت خویش را که به دقت مطالعه کنیم از قبیل هنر، ادبیات، تئاتر، رادیو، مسجد و مدرسه، در همه جا عوامل تجزیه و فساد یعنی جهود فراماسون را کشف می‌کنیم که ویران کننده و نابود کننده بالفطره هستند. این‌ها هستند که در مقامات عالیه، چهره کریه و منحوس خود را نشان می‌دهند یا خود را در پشت پرده این خیمه شب بازی پنهان کرده و ریسمان عروسکانی چون ساعدها، گلشاییان‌ها، سیدضیاءها و سهیلی‌ها و غیره را در دست دارند و آن‌ها را در روی صحنه به میل خود می‌رقصانند.

این‌ها هستند که آشکار و بی‌پرده با کمال بی‌شرمی با نام‌هایی چون فروغی‌ها، تقی‌زاده‌ها، حکیم الملک‌ها [و] نجم الملک‌ها ملت ایران را به وسیله مطبوعات مزدور و با اشاعه‌ی مرام‌های بی‌سر و ته تحمیق کرده، وسیله‌ی قدرت پول و سرمایه داری داخلی

---

۱. اصل: دستگاهی- دهستگاهی که.

و خارجی را هر دم محکم‌تر و قطعی‌تر می‌سازند.

سر و سامان دادن به کارها، از بین بردن آشوب و بی‌نظمی، نظام دادن و آراستن جهانی که ارکانش متزلزل شده و به معنای[1] افلاطون، پاسبان و نگهبان نظم جهانی بودند، این‌ها وظایف و هدف‌های عظیمی است که سوسیالیسم ملی برای خود معین کرده است.

لازم است که در این جا با کمال صراحت گفته شود که نظم و ترتیب ظاهری یک حکومت پلیسی و یا جریان امور، آن طوری که بنابر عادت در رژیم‌های کاپیتالیستی معمول است و یا غارت و چپاول ظاهراً قانونی سرمایه داران و یا هر تصمیم دیگر که این تشکیلات عظیمی که برای فریب ملت‌ها به وجود آمده‌اند اتخاذ کنند هر چند که بدون اصطکاک و به صورتی مرتب[2] صورت گیرد در نظر ما هیچ کدام نظم و ترتیب نمی‌باشد.

راهزنانی هم که دور هم جمع شوند و بخواهند کاروانی را غارت کنند برای خود نظم و ترتیب و مقرّراتی قائل می‌شوند و در زندان هم امور زندانیان طبق نظام‌نامه اداره می‌شود، اما این نظامی که باید بر همه امور زندگی ملتی حکم‌فرما باشد، با این نظم و ترتیب‌ها فرق بسیاری دارد.

اگر بپذیریم که هر ملت مانند جسم جانداریست که هر عضوی وظیفه خاص و سودمند خود را انجام می‌دهد و در عین حال با اعضای دیگر جسم، پیوستگی و هماهنگی دارد و با این نظر اجتماع خوب بنگریم، متأسفانه باید اذعان کنیم که تمام مظاهر زندگی اجتماعی یا به منتها درجه، رنجور و مقید و نادرست می‌باشد و بیننده منظرهٔ آشفته درهمی را می‌بیند که در آن همه به جان هم افتاده و تشنه خون یکدیگرند. دولت بر ضد ملت، احزاب و دستجات مختلف بر ضد یکدیگر، مجلس‌ها بر ضد دولت‌ها، کارفرما بر ضد کارگر، مصرف کننده بر ضد تولید کننده، کاسب بر ضد تولید کننده و مصرف کننده، کارمند اداره بر ضد ارباب رجوع و روحانیون بر ضد دولت

۱. پایان صفحه‌ی ۷.

۲. اصل: بی‌اصطحکاک و مرتب.

صفوف خویش را آراسته و به جان هم افتاده‌اند و چنان خودخواهی جلوی چشم آنان را گرفته است که جز نفع شخص و مقام و پر کردن کیسه خود به جز دیگری را نمی‌بینند.

هیچ‌کس به این فکر نیست که دیگری هم در این مملکت حقی دارد و نمی‌اندیشد که سودجویی و تأمین نفع شخصی بدون رعایت دیگران جز با تجاوز به حقوق غیر میسر نیست. هیچ‌کس لحظه‌ای این فکر به‌خاطرش خطور نمی‌کند که شاید بتواند برای آسایش هم‌وطنان خود خدمتی انجام دهد [و] به وظایف عالیه‌ای که نسبت به جامعه دارد کوچک‌ترین توجهی نمی‌کنند. همه می‌شتابند تا بیشتر سیم و زر بیندوزند و برای این‌که در این راه از دیگر همراهان عقب نمانند، حاضرند هزاران نفر ضعیف‌تر از خود را لگدمال کرده و به‌سوی سود موهوم خویش بشتابند و اگر کسی بگوید ای مردم اندکی هم به هم‌وطنان خود بیندیشید و رعایت آن‌ها را بکنید؛ این است طرز فکر و ایمان اقتصادی مدرن.

بدین سان انبوه مردم مشمول عربده و فریاد و ترک تازی است.

قوی بر ضعیف،[۱] بی چشم و رو به مردم با آزرم، اراذل و اوباش به مردم نجیب و با آبرو و نادرست به درستکار چیره می‌شود. حرص و ولع در عیاشی عصمت و عفت اجتماع را نابود می‌کند و جبر و زور بر حق پیروز[۲] می‌شود؛ منافع حزب‌ها و دسته‌های مختلف بر منافع ملی مقدم‌تر است، دزدی، دغلی و تقلب و کلاهبرداری به مردمی که به کار شرافتمندانه مشغول‌اند مجال عرض اندام نمی‌دهد؛ خلاصه همه غرایز پست انسانی هم‌داستان شده و صف آراسته‌اند.[۳]

و این وضع بی‌اختیار پیش‌گویی‌های فردوسی را به یاد می‌آورد:

برنجد یکی دیگری برخورد — به داد و به بخش کسی ننگرد
ز پیمان بگردند و از راستی — گرامی شود کژی و کاستی
پیاده شود مردم جنگجوی — سواران که لاف آرد و گفتگو
کشاورز جنگی شود بی‌هنر — نژاد و بزرگی نیاید به بر

---

۱. اصل: قوی بر ضعیف می‌گوید.
۲. اصل: پیروزمند.
۳. پایان صفحه‌ی ۸.

ربـاید هـمی ایـن از آن، آن از ایـن ز نـــفرین نـــدانـند بـاز آفـرین
نـــهانی تـــبر ز آشکـــارا شـود دل مـــردمان سـنگ خـارا شـود
بـدانـدیش گـردد پسـر بـر پـدر پـدر هـم‌چنین بـر پسـر چـاره‌گـر
بـــه گـیتی کسـی را نـماند وفـا روان و زبـــان‌ها شـــود پـر جـفا
زبـان کسـان از پـی سـود خـویش بـجویند و دیـن انـدر آرنـد پـیش

باید این حقیقت را بدانیم که امروز ما در یکی از آن ادواری زندگی می‌کنیم که عصر کهنی پایان می‌پذیرد و عصر جدیدی شروع می‌شود. بنابراین عجب نیست که مردم ساده دل و بی‌خبر، چنان دست و پای خود را گم کنند که یا از فرط نومیدی زندگی بر آن‌ها دشوار شود و یا همه رشته‌ها و علایق معنوی را فراموش کنند و دم را غنیمت شمرند و بگویند دنیا پس [از] مرگ ما، چه دریا چه سراب.

این تزلزل وحشتناک ارکان بنای حیات یک ملتی فقط وقتی ممکن است که اصول و معنویاتی که پایه و اساس یک جامعه است، قدرت خود را از دست بدهد یا به‌کلی غلط و ناصواب باشد. در حقیقت می‌بینیم که امروز مارکسیست‌ها، کاپیتالیست‌ها، اقتصادیون و رهبران حیات اجتماعی همه پیرو جهان‌بینی اندیویدوالیسم (فردپرستی) هستند و در این مرام نفع شخصی، تنها قوه محرک و تأمین منافع طبقاتی یا صنفی، تنها هدف است.

در این جا بی‌مناسبت نیست که (طی مثالی) فرق اساسی میان جامعه امروزی را با جامعه در نظر سوسیالیسم ملی بیان کنیم.

امروز جامعه را مجموعه‌ای از افراد و دولت را یک دسته‌بندی[1] از شخصیت‌ها و یا گروه‌های مختلف، می‌دانند. این تعریف را می‌توان به توده سنگی تشبیه کرد که بدون دیسیپلین و بدون ترتیب روی هم ریخته باشند. در چنین توده سنگی، تنها چیز حقیقی همان تکه‌های سنگ است و شکل و فورم خارجی توده سنگ امری اتفاقی است و اگر یک تکه سنگ در زیر این توده و یا در وسط و یا در روی آن قرار گیرد، کاملاً یکسان است و تغییری در ماهیت توده سنگ نمی‌دهد و فوقش اگر بخواهیم این توده سنگ را تعریف کنیم باید بگوییم که از فلان مقدار قطعه سنگ، مرکب است.

---

۱. اصل: و دولت را منتهایش یک دسته‌بند.

اما از نظر فلسفی سوسیالیسم ملی، دولت و اجتماع را می‌توان به یک خانه تشبیه کرد. راست است که اگر به خانه هم بدون تعمق و از نظر فردپرستی بنگرند آن را مجموعه‌ای از فلان مقدار آجر و سیمان و تیر و تخته و غیره می‌یابند و اما این حقیقت بر هر کس روشن است که یک خانه و عمارت چیزی برتر و بالاتر و پیرو قواعد خاصی است و به خودی خود دارای کمال و جامعیت دیگری می‌باشد. اگر همین مقدار آجر و تیر و تخته را بی‌ترتیب روی هم بریزند خانه نمی‌شود و برای این که خانه بسازند باید از روی نقشه و فکر عمل کنند و هر آجر و تیر و تخته را به جای خودش بگذارند.

ملت هم همین طور است. وقتی که این توده در هم ریخته مطابق یک نظم حکیمانه‌ای مرتب شد و بی‌نظمی و بی‌شکی تبدیل به نظم و فرم گردید از توده یک نواخت و بی‌رنگ و بی‌معرف، مجموعه پر حکمتی به وجود می‌آید که هر جزء آن برای خود و اجزای دیگر، سودمند و وجودش لازم است. آن وقت است که دولت و ملت حقیقی به وجود می‌آید و هر فردی می‌داند که برای چه زندگی می‌کند و به این جهت است که سوسیالیسم[1] ملی، اصل اول منافع ملی بعد منافع شخصی را راهنمای خود گردانیده است.

اگر هر کس به جامعه خود خدمت کرد و عضو مثبت پیکری بود که ملت نام اوست، آن وقت همه، معنی زندگی عالی و حقیقی را می‌فهمند و هر کس مقام حقیقی و شایستهٔ خود را در میان ملت خود احراز می‌کند. اگر همه این‌طور فکر و عمل کنند سوسیالیسم حقیقی و بی‌غل و غش که جز حس یاوری و پیوستگی به یک‌دیگر چیز دیگری نیست، به حقیقت خواهد پیوست و تنها با ایمان تزلزل‌ناپذیر به این اصل است که می‌توان وضع آشفته و دزد بازار امروزی را تبدیل به یک اقتصاد صد در صد ملی کرد تا چون درخت پرشاخه و برومندی ثمرش به همه ملت برسد. هر کودکی می‌داند که وقتی همه بهره‌مند گردیدند، هر فردی هم به سهم خود خواهد رسید. امروز هر فردی طعمه بیچاره نیروهایی است که برای به دست آوردن فرمانروایی به جان هم افتاده‌اند و هیچ کجا و هیچ‌کس دشمن حقیقی غارتگر و حریص را نمی‌شناسد. با وجود این که فریاد ضد

۱. پایان صفحه‌ی ۹.

سرمایه داری مارکسیست‌ها به آسمان بلند است و با وجود این که محافل معتدل و میان‌رو زاهد و عابد شد و آیات آسمانی می‌سرایند و با وجود این‌که محافل اقتصادی از سنگینی بار مالیات و نرخ تنزیل پول و غیره می‌نالند، هیچ‌کس دشمن حقیقی جهان را که سایه شوم و هولناکش سراسر دنیا را تاریک کرده است، نمی‌شناسد.

این دشمن، سرمایه داری کلان است که یهودی‌گری بین‌المللی ایجاد کننده آن می‌باشند.

همه افراد ملت از هر طبقه و پیشه که باشند مزه تازیانه سرمایه‌داران را می‌چشند و گلوی هر دسته از ملت را مأمور مالیات می‌فشارد، اما کسی را آن زهره نیست که در برابر یگانه نیروی اهریمنی جهان یعنی قدرت شوم سرمایه داری قد برافرازد.

قدرت بی‌پایان مهیب سرمایه از این امر به خوبی ثابت می‌شود که بر خلاف تمام تجربیات انسانی، بدون کار و کوشش فقط در نتیجه ربح و تنزیل و سود سهام روز به روز نمو می‌کند و بزرگ‌تر و مهیب‌تر می‌شود و در نتیجه، آیین اهریمنی دروغ بر آیین ایزدی کار و تولید چیره می‌شود.

غریو و فریاد نبرد ما در [هم] شکستن و نابود کردن قدرت پول و سرمایه است ما به خوبی می‌دانیم که این هدف اصلی و اساسی ما شاید حتی برای بسیاری از هم‌فکران خودمان هم به خوبی واضح و روشن نباشد و همه به اهمیت و معنای عظیم و اساسی آن پی نبرند و بهترین دلیلش هم این است که کمتر کسی جرئت نزدیک شدن به این موضوع را دارد. همه بدون شک حس می‌کنند که این امر یک مسئله اساسی است و جمله نبرد با سرمایه داری را جزو اصطلاحات اجتماعی خود به کار می‌برند، اما کمتر کسی است که بداند و بفهمد و بتواند برای دیگران شرح دهد که مقصود از نبرد با سرمایه داری و درهم شکستن قدرت پول چیست؟ و چه تأثیری در زندگی انفرادی و اجتماعی ملت دارد و چه اقدامات و نیرنگ‌های مالی، مردم را اسیر قدرت سرمایه می‌کند و برای نابود کردن این نیروی اهریمنی چه اقداماتی لازم است و چه نتیجه‌ای از آن‌ها عاید ملت خواهد گردید.

نبرد بر ضد سرمایه داری بین‌المللی بی‌وطن، بزرگ‌ترین اصل نبرد ملت ایران در راه آزادی و استقلال سیاسی و اقتصادی خودش است. چه پیروزی و موفقیت در این راه علاوه بر برطرف کردن بسیاری از مشکلات، در حقیقت حل مسئله جهود از راه فهم و

ادراک است.

آنتی‌سمیتیسم در حقیقت حسی است که پایه و اساس جنبش ما را تشکیل می‌دهد و باید دانست که هر سوسیالیست ملی آنتی‌سمیت است، ولی هر آنتی‌سمیت سوسیالیست ملی نمی‌باشد.

آنتی سمیتیسم امری است به‌کلی منفی. درست است آنتی‌سمیت میکرب طاعون ملل را شناخته است، ولی اغلب این معرفت تبدیل به دشمنی خصوصی با یک فرد جهود یا رشک و حسادت از موفقیت جهودها در زندگی اقتصادی می‌شود. چنین کسی اگر خیلی هنر کند منتهایش زیاد می‌زند که باید جهودها را از زندگی اقتصادی و سیاسی ما دور کرد، ولی درباره راه این عمل و نتایج آن ابداً سر خود را درد نمی‌آورد. اگر پس از بیرون کردن جهودها، اصول معنوی و فکری امروزی فرمان‌روایی آن‌ها که عبارت از تقدم منافع شخصی[1] بر منافع ملی و اجتماعی باشد با وسایل کار مادی آن‌ها که سیستم یهودی بانکداری و رباخوری و کردیت[2] و سفته بازی است برقرار بماند به‌قدر کافی جهود......[3] کسانی که نام خود را برتر نهاده‌اند، ولی بی شک مخلوطی از نژادهای پست هستند، یافت می‌شوند که جای جهودان را بگیرند. این‌ها به ملت ایران کمتر از آنتی‌سیمت‌ها را در جای‌های مقامات و مشغول به کارهایی ببینیم که پیش از آن فقط مختص جهودان بود.

ولی بر عکس هدف اصلی سوسیالیسم ملی یعنی نبرد با سرمایه‌داری بین‌المللی و در هم شکستن قدرت پول امری است مثبت و عمیق و آباد کننده که دارای نتایج دامنه داری است.

نظایر هر نکته دیگر از برنامه‌ها را شاید بتوان در این‌جا و آن‌جا در برنامه‌های احزاب و دسته‌های مختلف راست و چپ، گیر آورد، اما اصل اساسی برنامه‌ها یعنی در هم شکستن قدرت پول در هیچ برنامه و حزبی نظیر ندارد. ما به‌خوبی می‌دانیم که نه احزاب دسته چپ با فریاد دروغین نیست باد سرمایه داری و نه احزاب و دسته‌های راست با

---

۱. پایان صفحه‌ی ۱۰.

2. Credit. (اعتبار)

۳. ۲ کلمه حذف شد.

لاف و گزاف و جملات توخالی ظاهراً میهن پرستانه خود شایستگی آغاز کردن عصر نوینی را در تاریخ ندارند، زیرا نه هدف‌های یهودی ـ مارکسیستی و نه مقاصد مرتجعانه دست راستی‌ها در اساس و روح اقتصاد ما کم‌ترین تغییری را می‌دهند. این دسته‌ها اگر هم کار کنند، ویران کردن و تخریب است نه آبادی، چنان‌چه کردار کمونیست‌ها در روسیه و کشورهای پشت پرده آهنین و خاور دور این امر را به‌خوبی نشان می‌دهد.

معنی اسارت در چنگال سرمایه داری چیست؟

مقصود، وضعیت مللی است که در چنگال استعمار و در تحت سلطه سرمایه داری بین‌المللی که زاییده فکر جهودهای بی‌وطن است قرار دارند. آن کشاورزی که برای تأمین خانواده خود مجبور است که تقریباً تمام حاصل کار و کوشش خود را به جهودهای دوره‌گرد و دلالان سودپرست به سلف بفروشد، زنجیر اسارت سرمایه داری را به گردن دارد.

کارگری که در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، صبح تا شام ثروت حقیقی تولید می‌کند و باید با دست‌مزد ناچیزی بسوزد و بسازد در حالی که نتیجه کار وی را سهامدار، بدون کار و کوشش، به نام خود و هزاران عنوان دیگر به کیسه می‌ریزد، اسیر سرمایه‌داران است.

همه پیشه‌وران و کسبه، در حقیقت زنجیر بندگی سرمایه‌داران را به گردن دارند و باید برای پر کردن کیسه آن‌ها و پرداخت تنزیل قروض خویش کار کنند. خلاصه امروز در اجتماع ما هر کس که با انجام کار جسمی یا فکری نان می‌خورد اسیر سرمایه‌داران است، در صورتی که گروه نسبتاً کوچکی بدون کار و زحمت از رباخواری و بورس بازی و معاملات مالی دیگر، عایدات هنگفتی به جیب می‌زند.

در این‌جا تصور نشود که ما از پس‌اندازکنندگان جزء و کو(چک) سخن می‌رانیم که یک عمر عایدات خود را اندوخته‌اند تا چند صباحی از سود (آن آسوده به سر) برند. درست است که این‌ها هم سود سرمایه ناچیز خود را از تشکیلات غلطی که از پایه خراب است، می‌برند اما از این بیچارگان هم در تمام مدت عمر دو و بلکه صد برابر آن‌چه که امروز به آن‌ها به نام خود می‌دهند دزدیده یا به نام مالیات و صدها عنوان دیگر از چنگ آن‌ها ربوده‌اند و حال گردانندگان اجتماع به خوبی می‌توانند سهم کوچکی از آن‌چه که دزدیده‌اند، پس دهند و با این افسون و نیرنگ این گروه را به سیستم

سرمایه‌داری کنونی علاقمند کنند.[۱]

کارخانه‌داری که با پشتکار خستگی‌ناپذیر، کارخانه‌ای ایجاد کرده است (و به جد) به پیروی از (روند)....[۲] زمان، کارخانه‌اش را تبدیل به شرکت سهامی می‌کند اسیر سرمایه‌داران است، زیرا دیگر آقای خود نیست و اگر نمی‌خواهد از آن‌چه که خودبه وجود آورده محروم شود باید اشتهای سیری‌ناپذیر هیئت مدیره و سهام‌داران را تسکین دهد و آن‌ها را راضی نگاهدارد.

هر ملتی که احتیاجات مالی و پولی خود را از راه استقراض از سرمایه داران بین‌المللی تأمین کند، خود را اسیر آن سرمایه داران می‌کند و این اسارت هر ملتی را نابود و خانه خراب می‌کند. در این اسارت است که ملت حق حاکمیت خود را (سیاست پولی، راه‌های آهن، حق نظارت بر گمرکات و مالیات‌ها، دادن امتیاز به بیگانگان برای استفاده از منابع زیرزمینی و غیره) به دست خود تقدیم سرمایه‌داران بین‌المللی می‌کند.

هر ملت و دولتی که در برابر سرمایه سر فرود آورد و آن را یگانه درمان همه دردها بداند، خواه ناخواه دچار[۳] این اسارت خواهد گردید. هر ملت خلاق و تولیدکننده‌ای که برای پول [و] مقام اولویت قائل شود، اسیر پول می‌شود. (ناچار) امروز ما به جایی رسیده‌ایم که پولی که باید خدمتگزار اقتصاد ملت باشد خداوند و آقای کار گردیده است (و خون ملت‌ها) را می‌مکد.

اسارت در دست سرمایه‌داران و سلطه و قدرت پول را با جملات ذیل به خوبی می‌توان تشریح کرد.

سرمایه در برابر کار، خون در برابر پول، نیروی خلاقه در برابر استثمار و غارتگری، این‌ها نیروهایی هستند که برای مبارزه در برابر یک‌دیگر، صفوف خود را آراسته‌اند و هم اکنون برق و درخشش[۴] این نبرد عظیم، ابرهای تیره آسمان را روشن می‌کند. آن نبرد عظیمی که می‌توان آن را نبرد نیرو و دلیری با نیرنگ و فریب، نبرد روح با ماده،

---

۱. پایان صفحه‌ی ۱۱.

۲. یک کلمه خوانده نمی‌شود.

۳. اصل: دوچار.

۴. اصل: درخش.

آزادی با بندگی [و] تاریکی با روشنایی نامید.

مبارزه برای از بین بردن و در هم شکستن این اسارت برای ملت و نژاد ما دارای چنان اهمیت عظیمی است که می‌شود گفت تنها پیروزی در این نبرد، نیرومند شدن و قدبرافراشتن ملت ما را میسر می‌گرداند و تنها با این پیروزی ملت ما می‌تواند لکه‌های ننگین اسارت و بندگی را از دامان خود بزداید و حتی آبادی و فرهنگ سراسر جهان به آن بستگی دارد.

این مبارزه کور پولادینی است که همه چیز در گرد آن می‌چرخد و تنها یک مبارزه مالی و اقتصادی نیست. بلکه با نتایج خود در زندگی سیاسی و اقتصادی نفود عمیقی می‌کند و گذشته از این یک مسئله اساسی، تقوی و ایمان اقتصادی است که هر فردی را مجبور به گرفتن تصمیم اساسی حیات خود می‌کند که عبارت است از: یا خدمت به ملت یا اندوختن ثروت بی حد و حصر.

بنابراین پیروزی در نبرد با سرمایه داری و در هم شکستن قدرت پول، حل مسئله اجتماعی است. این سرشت و طبیعت هر مسئله جهانی است که با یک جمله کوچک و حتی یک کلمه می‌شود آن را بیان کرد؛ و چون شعله عظیمی در میان تاریکی‌ها به آسمان زبانه می‌کشد، اما هزاران کتاب و صدها پیغمبر نمی‌توانند تمام جوانب و نکات آن را بیان کنند و درباره آن ناگفته‌ای نگذارند.

ما در این‌جا بیش از این نمی‌توانیم در باب این هدف سوسیالیسم ملی تفصیل دهیم و حق این مطلب را در دفترهای بعدی ادا خواهیم کرد. در این مسئله باید مطالعات عمیق کرد تا بتوان به معنا و اهمیت حقیقی آن پی برد، زیرا راه و روش زندگی اقتصادی درصد سال اخیر به‌طوری تحت نفوذ افکار سرمایه داری استعمار بوده است که برای کسانی که با چنین افکاری بزرگ شده‌اند، تغییر اساسی و مهمی در طرز فکر آن‌ها لازم است تا بتوانند خود را از تصوراتی که یک عمر در مغزشان جای گرفته است، آزاد کنند.

پس از این دو هدف مهم و اساسی برنامه ما، باید ذکری از اصول و عقاید خودمان درباره سیاست مدن و سیاست اقتصادی و مالی و فرهنگی، که با دو اصل فوق بستگی تام دارد، بنماییم.

عقیده ما را درباره کشورداری و سیاست دولت می‌توان در جمله ذیل خلاصه کرد.

کشور ایران وطن ایرانیان است. این جمله کوتاه و مختصر به خودی خود برنامه (مفصل) و بزرگی است. تمام فعالیت‌های سیاست خارجی[۱] و تأمین آزادی و استقلال کامل ایران به مسایل نژادی و نتایجی که از آن در قسمت مسئله تابعیت افراد باید رعایت شود، همه در این جمله مستتراند.

اصل سیاست اقتصادی ما به قرار ذیل است:

وظیفه اقتصاد ملی رفع احتیاجات مردم است نه سعی و کوشش در راه پر منفعت کردن سرمایه. در این جمله کلیدی عقاید سوسیالیسم ملی درباره مسئله مالکیت خصوصی و سازمان اقتصاد از نقطه نظر انواع مختلفه تشکیلاتی (کارگاه‌های کوچک و متوسط و بزرگ و سندیکاها و تراست‌ها) بیان می‌شود و نیز در این باره که (قوانین) و اصول اخلاقی باید بر اقتصاد حکم‌فرما باشد تا اقتصاد وسیله‌ای برای غارتگری و استثمار و سودجویی نباشد، بحث کافی به عمل می‌آید.

در قسمت سیاست مالی اصلی که ما از آن پیروی می‌کنیم از این قرار است.

پول باید در راه خدمت به کشور به کار رود و خرپولان، چه داخلی و چه خارجی، نباید دولتی در دولت تشکیل دهند. این اصل به سهم خود در وضع امروزی تغییر اساسی می‌دهد، چه راه‌هایی که ما در این قسمت در پیش داریم عبارت است از اقدامات عملی برای در هم شکستن تسلط سرمایه داران مانند ملی کردن صنایع و امور پولی که در دست بیگانگان است (بانک انگلیس در ایران و خاورمیانه و بانک روس و شیلات و غیره) ایجاد بانک‌های ساختمانی و اقتصادی هر کدام از این وسایل، نکات مهمی از برنامه ما را تشکیل می‌دهد.

قسمت دیگر که مربوط به این اصل است تغییر قوانین مالیاتی کنونی و ایجاد قوانین جدید می‌باشد تا به‌تدریج هدف نهایی ما که امروز غیر ممکن به نظر می‌رسد، یعنی ایجاد کشوری که در آن مایعات وجود نداشته باشد، عملی گردد.

اصل سیاست اجتماعی ما به قرار ذیل است:

رفاه و آسایش عمومی بالاترین قوانین است. این اصل هم خلاف شیوه و رسم

---

۱. پایان صفحه‌ی ۱۲.

معمول امروز است که هر طبقه و هر صنفی می‌کوشد بدون رعایت منافع ملی و عمومی برای طبقه و صنف خود تا می‌تواند مزایای زیادی به دست بیاورد. ما کمیابی خانه را از بین خواهیم برد و زندگی سالخوردگان ملت خویش را تأمین خواهیم کرد و انواع بیمه‌های اجتماعی را برای کلیه افراد ملت برقرار خواهیم ساخت.

در قسمت سیاست فرهنگی برای ما فقط پیروی از یک اصل تزلزل‌ناپذیر و عالی ممکن است که به قرار ذیل می‌باشد:

در کلیه فعالیت‌های فرهنگی رعایت کامل سنن و نوامیس ملی و تاریخی پاک و خالص ایرانی واجب است. البته ما نمی‌توانیم فرمان دهیم یا به زور به این مقصود برسیم که نیروهای روحی ـ فکری ملت ما دوره رنسانس جدیدی در علوم و ادبیات و هنرهای زیبا به وجود آورد اما ما به خوبی می‌توانیم جلوی تلفات و زیان‌هایی را که جهودها و بلشویک‌ها و استعمارگران سرخ و سیاه به حیات فرهنگی و فکری ملت ایران وارد کرده‌اند با اقدامات لازم بگیریم و بخصوص مسمومیتی که امروز پیکر مطبوعات ما را فرا گرفته است بر طرف سازیم.

حاجت به گفتن نیست که به غیر از قسمت‌هایی که ذکر آن گذشت در سمت‌های دیگر امور اجتماعی نیز اصلاحات اساسی به عمل خواهد آمد. مثلاً در قسمت حقوقی برای اصلاحات اساسی و گوناگون باید قوانین لازمه وضع شود و پر واضح است که به وضع مفتضح و مسخره کنونی به انتخابات پارلمانی خاتمه داده خواهد شد.

از همین مختصر به خوبی می‌توان به مراتب اهمیت مسایل برنامه ما پی برد. برای ما یکسان است که ایران دارای ۱۰ یا بیست استان باشد. برای (ما فقط یک) مسئله حیاتی است و آن این که کلیه ایرانیان در زیر سرپرستی [یک] نیرو[ی] توانای ملی، متحد و در برابر بیگانگان چون کوهی از پولاد باشند و در داخل کشور خود، شاد و راضی [و] سرفراز زیست کنند.[۱]

۱. پایان صفحه‌ی ۱۳.

شرح جزییات برنامه

به مبلغین حزب توصیه می‌شود که برای فعالیت‌های خود از متن ذیل استفاده کنند. در این متن نکات برنامه که به هم مربوطند زیر یک عنوان بیان و به ترتیب اهمیت مرتب شده‌اند.

برنامه سیاسی و اقتصادی
حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

هدف ما ایجاد ایران نوینی است که در آن روح ایرانی و سنن ایرانی حکم‌فرما باشد و ایرانیان در آن آزاد و سرفراز زندگی کنند.

۱ـ اصل سیاسی و حکومت کشور ایران و [از] آن ایرانیان است.

الف. از لحاظ سیاست خارجی

۱. ایجاد یک دولت نیرومند ملی که کلیه تیره‌های ایرانی بتوانند از حمایت آن بهره‌مند باشند.

۲. دفاع از منافع ایران در کشورهای بیگانه.

ب. از لحاظ سیاست نژادی

۳. اخراج جهودها و بیگانگان از کلیه مشاغل و مقامات مسوولیت‌دار اجتماعی.

۴ـ جلوگیری از مهاجرت جهودهای عرب و بیگانگان طفیلی دیگر که شایستگی آمیزش با ایرانیان را ندارند به ایران. جهودها و بیگانگانی که سرخر باشند و یا از بزرگ‌منشی ملت ایران سوءاستفاده کنند از ایران رانده خواهند شد.

ج ـ از لحاظ حق تابعیت و ملیت

۵ـ فقط ایرانیانی که به فرهنگ ایران و پیوستگی خود به سرنوشت این آب و خاک ایمان داشته باشند از حقوق و مزایای ایرانی بودن استفاده خواهند کرد.

۶ـ هر غیر ایرانی فقط به عنوان مهمان می‌تواند در ایران زندگی کند و تابع مقرراتی خواهد بود که برای اقامت بیگانگان وضع خواهد شد.

۷ـ تأمین حقوق و انجام امور ایرانیان مقدم بر حقوق و امور افراد ملت‌های بیگانه است.

۲ـ اصل سیاست اقتصادی

وظیفه اقتصاد ملی، تأمین احتیاجات ملت است نه به دست آوردن منافع هنگفت برای سرمایه‌هایی که در این راه به کار انداخته می‌شوند.

۸ـ سوسیالیسم ملی اصولاً حق مالکیت خصوصی را به رسمیت می‌شناسد و آن را تحت حمایت دولت قرار می‌دهد.

۹ـ ولی رعایت منافع عمومی ملت برای ثروت یک فرد حدی معین می‌کند.

۱۰ـ همه ایرانیان مانند اعضای خانواده‌ای هستند که برای رفاه خود و توسعه تمدن و فرهنگ خویش کار و فعالیت می‌کنند.

۱۱ـ با توجه به این که کار وظیفه هر فرد ایرانی است و با احترام به حق مالکیت عمومی، هر ایرانی مطلقاً آزاد است که کار و شغل خود را به دلخواه انتخاب کند و از حاصل آن به میل خود بهره بردارد.

۱۲ـ عده کارگاه‌های بزرگ و متوسط و کوچک در تمام رشته‌های اقتصاد و صنعت و کشاورزی باید با هم متناسب باشند و در حفظ این تناسب باید کوشید.

۱۳ـ کلیه کارخانه‌ها و مؤسسات، چه داخلی و چه خارجی که به زیان ملت فعالیت می‌کنند باید ملی شوند.

۱۴ـ جزای کسانی که از راه قاچاق و احتکار و یا به هر عنوان دیگر از کیسه ملت و به ضرر ملت تحصیل ثروت کنند، مرگ است.

۱۵ـ ایجاد خدمت کار وظیفه عمومی برای هر فرد ایرانی.[۱]

۳ـ اصل سیاست مالی

پول و سرمایه باید در راه خدمت به دولت و ملت باشد و[۲] خرپولان داخلی و

---

۱. پایان صفحه‌ی ۱۴.

۲. اصل: ملت بارروند خرپولان.

خارجی نباید در دولت برای خود تشکیل دولتی بدهند، بنابراین هدف ما در این قسمت بدین قرار است:

نابودکردن سرمایه‌داری منحط کنونی، در هم شکستن قدرت پول به طریق ذیل:

۱۶ـ آزادکردن دولت و در نتیجه ملت از قروض و ربح‌هایی که اصول سرمایه‌داری به آن‌ها تحمیل کرده است.

۱۷ـ اصلاح و نظارت بانک‌های ملی و ناشر اسکناس.

۱۸ـ تهیه پول کارهای بزرگ و عمرانی (طرح‌های «آبیاری، بسیج نیروهای آب‌های» کشور، ایجاد صنایع جدید، تکمیل راه‌ها و وسایل حمل و نقل و غیره) بدون استقراض از راه انتشار اسناد خزانه و طرق غیرنقدی.

۱۹ـ حفظ قدرت خرید و پشتوانه پول.

۲۰ـ ایجاد بانک‌های ساختمانی و اقتصادی و صنعتی عام‌المنفعه، رفورم پولی به منظور اعطای وام‌های طویل المدت و بدون ربح.

۲۱ـ اصلاح و تغییر اساسی در مالیات‌ها مطابق اصول اجتماعی و اقتصادی سوسیالیسم ملی، خلاصی کردن مصرف‌کنندگان از بار مالیات‌های غیرمستقیم و آزاد کردن تولیدکنندگان از بند مالیات‌هایی که دست و پای آن‌ها را می‌گیرد (رفورم مالیاتی-معافیت مالیاتی).

۴ـ اصل سیاست اجتماعی

رفاه اجتماعی عالی‌ترین و پاک‌ترین قانون است.

۲۲ـ ایجاد کامل بیمه پیری تا هر فرد ایرانی که به سن معینی می‌رسد یا به علتی توانایی کارکردن را از دست می‌دهد بتواند با دریافت حقوق تقاعد به خوشی زندگی کند و نیز ایجاد و توسعه کلیه بیمه‌ها و خدمات اجتماعی دیگر.

۲۳ـ سهیم کردن افراد خلاق و مولد ثروت در منافع کارگاه‌ها و مؤسسات خویش به تناسب طول مدت خدمت و سن و مقام و مسوولیت مستقیم آن‌ها در انجام وظایف ملی و اقتصادی کارگاه.

۲۴ـ مصادره کلیه منافعی که افراد بی‌شرف و بی‌وجدان در مواقع بحرانی از قبیل

جنگ و قحطی و بیماری، بدون کار مثبت از طریق احتکار، قاچاق و گران‌فروشی و عناوین دیگر به دست آورده‌اند و مصرف کردن آن‌ها در راه تأمین رفاه اجتماعی.

۲۵ـ برطرف کردن بحران کمیابی خانه و از بین بردن خانه‌های مخالف بهداشت در سراسر کشور و مبارزه با گرانی اجاره بها به وسیله ساختن خانه‌ها برای کلیه خانواده‌های ایرانی در سراسر کشور با وسایلی که بانک‌های مذکور در شماره ۲۰ در اختیار [آن‌ها] خواهند گذاشت.

۵ـ اصل سیاست فرهنگی

هدف عالی فرهنگ‌ها، پیشرفت و توسعه علوم و ادبیات و هنرهای زیبا است. در یک دولت آزاد و مستقلی که از لحاظ اقتصادی سالم و نیرومند باشد راه رسیدن به این هدف چنین است:

۲۶ـ پرورش جوانان به صورتی که دارای جسمی نیرومند و توانا و روح و فکر آزاد باشند مطابق منش و آداب ایرانی.

۲۷ـ آزادی کامل مذهب و وجدان.

۲۸ـ حمایت مخصوص از مذهب اسلام.

۲۹ـ مبارزه با مذاهب و فرقی که مخالف نوامیس ملی ایران و برخلاف عفت عمومی و ماهیت آن‌ها، مخرب دولت و ملت است.

۳۰ـ از میان بردن تأثیرات زیان‌آور و شوم استعمار و بلشویسم و افکار و عقاید ضد ملی در کتب و روزنامه‌ها و هنر.

۳۱ـ آزادی علم در دانشگاه‌های ایران و پرورش یک کادر رهبری از مردان پاک و با کاراکتر.

۶ـ در قسمت نظامی:[۱]

۳۲ـ تشویق حس سلحشوری ملت از طریق اعطای حق دفاع به هر ایرانی آزاد.

---

۱. پایان صفحه‌ی ۱۵.

۳۳ـ منحل کردن دسته‌های نظامی مزدور.
۳۴ـ ایجاد یک ارتش ملی برای دفاع از آب و خاک میهن در مقابل دشمنان خارجی [و] تربیت یک کادر افسری ثابت و با دیسیپلین.

۷ـ اصلاحات دیگر:

۳۵ـ اصلاح مطبوعات و نابود کردن کلیه محصولات چاپی که برخلاف مصالح ملت ایران فعالیت می‌کنند. مسوؤلیت شدید برای کلیه اخبار غلط یا تحریف شده‌ای که در جراید منتشر می‌شود.
۳۶ـ اصلاح و تغییر قانون انتخابات و از میان بردن مبارزات انتخاباتی معمول امروز که به‌کلی مخالف اصول اخلاقی است و غیر از تهمت و افترا و فحش و دشنام چیز دیگری نمی‌باشد و الغای مصونیت نمایندگان.
۳۷ـ ایجاد اتحادیه‌های صنفی.
۳۸ـ اصلاحات لازم در دادگستری در قسمت‌های حقوق ارضی (شناختن اصولی حق مالکیت ارضی، عدم امکان گرو گذاشتن اراضی و املاک زراعتی نزد اشخاص و مؤسسات خصوصی، حق تقدم دولت بخصوص در برابر جهودها و بیگانگان هنگام خرید اراضی [و] اداره و بهره‌برداری اجباری از زمین‌ها و املاکی که عدم قابلیت و بی‌عرضگی و غفلت صاحبانش ثابت شود، توسط دولت).

حقوق مدنی:

حمایت شدید از شرافت و صحت افراد، مهم‌ترین وظیفه دادگستری در این قسمت خواهد بود، به عکس آن‌چه که امروز مرسوم است یعنی حمایت شدید و یک طرفی از ثروت و دارایی گردن کلفت‌ها.

۳۹ـ اصلاحات در امور دولت و حکومت. کشور ایران دارای مرکزیت نیرومندی خواهد بود و استان‌ها و شهرستان‌ها مطابق گذشته تاریخی و رعایت خصوصیات و آداب مردم و وضع جغرافیایی و منافع ملی تقسیم خواهد شد و هر یک از این قسمت‌ها در اموری که با استقلال و تمامیت کشور و یگانگی ملت ایران مباینت نداشته باشد،

آزادی خواهد داشت.

برای جلوگیری از اجرای این برنامه سیاسی و اقتصادی سوسیالیسم ملی، سه دشمن سرسخت و نابکار فعالیت می‌کنند: مارکسیسم، پارلمانتاریسم و مافوق هر دو کاپیتالیسم و سرمایه داری کلان.

۱. نبرد ضد مارکسیستی ما نبردیست ضد تئوری‌های خانمان برانداز و ویران کننده کارل مارکس جهود؛ نبردیست بر ضد تئوری مبارزات طبقاتی که نابود کننده ملت‌هاست؛ نبردیست بر ضد تئوری مخرب اقتصادی، افکار مالکیت خصوصی و بالاخره نبردیست بر ضد تئوری تجزیه و تحلیل تاریخ از لحاظ مادی و اقتصادی.

۲. نبرد ضد پارلمانی ما نبردیست بر ضد عدم مسؤولیت کسانی که به ناحق خود را نمایندگان ملت می‌نامند ولی چون مصونند نباید نزد (هیچ مقام....[۱] و مسؤول عواقب) تصمیمات خود به زیان کسانی که از آن حاصل می‌شود باشند (فساد اخلاق، نور چشم بازی.......[۲] بودن) و بدترین نتیجه و ضرر آن به دولت است که تابع چنین پارلمانی باشد.

۳. جهاد ما بر ضد قارون‌های قرن بیستم از یک طرف نبردیست بر ضد آن نیروی اهریمنی جهانگیر که پیوسته مشغول استثمار و غارت و مکیدن خون ملت‌هاست، یعنی سرمایه‌داران کلان و استعمار و از طرفی دیگر نبرد فکری عظیمی است بر ضد افکار روح‌کش ماتریالیسم (و خودخواه آزمند)و آن‌چه در پیروان در تمام رشته‌ها.....[۳] اجتماعی و فرهنگی بروز می‌کند.[۴]

یکم- اصل کشورداری و حکومت

وقتی که ما می‌گوییم کشور ایران، وطن ایرانیان است مقصودمان این است که این کشور وطن جهودها، کمونیست‌ها و سیاست بافانی نیست که نه اصلاً می‌دانند وطن

۱. ۳-۴ کلمه خوانده نمی‌شود.
۲. یک کلمه ناخوانا ظاهراً «فرزندش» است.
۳. یک کلمه خوانده نمی‌شود.
۴. پایان صفحه‌ی ۱۶.

چیست و نه برای خود وطنی به نام ایران می‌شناسند. مقصود ما این است که این کشور وطن بیگانگان جورواجوری نیست که مدتی کم و بیش در این کشور زندگی کرده و به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. ما در این مسئله با قوانین و عرف معمول امروزی مخالفت قطعی و آشتی‌ناپذیر داریم، زیرا امروز مفهوم تابعیت، ایران و ایرانی بودن را یکی می‌دانند. در صورتی که ایرانی کسی است که ملیت و نژاد ایرانی مشخص کننده او باشد و این نکته در قوانین امروز به هیچ وجه رعایت نمی‌شود. و اینک شرح مطلب:

۱. ایجاد یک دولت نیرومند ملی که کلیه تیره‌های ایرانی بتوانند از حمایت آن بهره‌مند باشند. هر ملتی که با روح خویش آشنا باشد می‌کوشد تا همه مردم هم‌نژادش را حمایت کند و با آن‌ها بهترین و نزدیک‌ترین روابط را داشته باشد این حق مسلم و حیاتی اوست. بنابراین مطابق همین اصل ما از هیچ ایرانی که در بیرون از مرزهای ایران زندگی می‌کند، اگر تابعیت ایرانی هم نداشته باشد چشم نخواهیم پوشید و فراموش نخواهیم کرد که او از طر[یق] ملیت، فردی از ملت ایران است و نیز با تمام قوا خواهیم کوشید تا مانع شویم که استعمارگان شرقی و غرب و مزدوران آن‌ها در سرزمین‌هایی که اکثر ساکنینشان از نژاد ایرانی هستند فرهنگ و نژاد ایرانی را از ریشه براندازند اما با کمال صراحت می‌گوییم که به هیچ وجه قصد تصرف و تسخیر این سرزمین‌ها را نداریم، ولی انتظار داریم که برادران ایرانی از حقوق و فرایایی که در خور نژاد برومند آن‌هاست برخوردار باشند. یعنی همان حقوقی که هر ملت زنده و آگاه آرزوی آن را دارد. بنابراین هدف فوق به هیچ وجه رنگ امپریالیستی و تجاوز ندارد و آرزوی طبیعی و ساده هر ملت نیرومند و تواناست.

۲. دفاع از منافع ایران در کشورهای بیگانه امریست که مطالب مذکور در ذیل شماره یک را تکمیل می‌کند. چه بسا اتفاق می‌افتد که بهترین و قابل‌ترین ایرانیان به عناوین مختلف میهن را می‌کوبند و به کشورهای بیگانه می‌روند تا در آن‌جا میدان فعالیتی برای خویشتن بیابند. (یک نظر اجمالی به کلنی‌های ایرانی در کشورهای عربی و هندوستان و مصر و غیره صحت این مدعا را ثابت می‌کند). این‌ها در کشورهای بیگانه در تحت فشارهای سخت و محرومیت‌هایی قرار دارند. ما نباید فراموش کنیم که این‌ها همه، اعضای خانواده بزرگ ملت ایران هستند و نباید بگذاریم که رشته خویشی و پیوستگی

آن‌ها با ما بگسلد و حق طبیعی و مسلم آن‌هاست که حتی در کشورهای بیگانه انتظار پشتیبانی و حمایت میهن و ملت خویش را داشته باشند. وظیفه ایرانیان و نمایندگان رسمی ایران در کشورهای بیگانه نباید این باشد که رفتار خویش را متناسب با آیین بیگانگان کنند، بلکه وظیفه آن‌هاست که نگهدارنده آداب و سنن بهتر و برتر ایرانیان باشند و برای انجام این مقصود باید خانه تکانی مفصلی در وزارت خارجه ما به عمل آید.

هر وقت چاپلوسی وزرا و کارمندان وزارت خارجه از بیگانگان پایان یافت و بیگانگان دیدند که از منافع ایران و ایرانی با قدرت و سرسختی دفاع می‌شود آن وقت به جای توهین و توسری امروز، احترام خواهیم داشت و نتیجه آن، رعایت و انجام تقاضاهای ایران و احترام به ایرانیان خواهد بود.

ب ـ از لحاظ سیاست نژادی

۳. اخراج جهودها و بیگانگان از کلیه مشاغل و مقامات مسؤولیت دار اجتماعی. این خواست برای ما به‌قدری واضح است که احتیاج به دلیل و برهان ندارد و به عکس برای کسانی که حق اصول مقدماتی علم نژاد را نفهمیده‌اند غیر ممکن است که بتوان دلیل قانع کننده و مختصری آورده؛ هر کس جهودها را اتباع[۱] دولت ایران می‌پندارد که پیرو مذهب یهود هستند و نمی‌بینند که آن‌ها ملت متحدی راکه همه چیزش برای ما بیگانه است تشکیل می‌دهند و نمی‌داند که آن‌ها بر پیکره ملل دیگر جز انگلی بیش نیستند، نمی‌تواند ملتفت لزوم قطعی این تقاضا بشود.[۲] اگر کسی در گلزاری بوته خاری ببیند و رسماً اعلام کند که آن بوته گل سرخ است و یا گمان کند که با زبان خوش می‌تواند از آن بوته گل‌های معطری بچیند یا احمق است و یا اشتباه می‌کند.

ما باید این امر را مسلم بدانیم که اگر خارجیان در ایران مقاماتی را احراز کنند ضررش به مراتب کمتر از آن است که به جهودها اجازه فعالیت آزاد داده شود. هر جهود چه آن

---

۱. اصل: اباع.
۲. پایان صفحه‌ی ۱۷.

جهودی که از صدها سال [پیش] به این طرف در ایران ساکن است و چه آن جهودی که به تازگی از بغداد رسیده است هر دو ثروت خود را با بدبخت کردن دولت ایران به دست آورده‌اند و علت آن هم بی‌نظمی و بی‌بند و باری است که امروز در تمام مظاهر زندگی ما حکم‌فرماست. این ملت رند (یهودی) فقط راه تقلب و نادرستی را می‌شناسد و تا وقتی که نظم و ترتیب برقرار باشد امید به هیچ چیز ندارد؛ به این دلیل ما در برنامه خود خواستاریم:

۴. از مهاجرت جهودهای عرب و بیگانگان طفیلی دیگر به ایران جلوگیری شود و جهودها و خارجیان مزاحم از ایران رانده شوند. جهودهای عرب که در بیست سال اخیر مانند حشرات موذی به ایران هجوم آورده‌اند و پس از اندک مدتی دزدی و نابکاری، صاحب ثروت هنگفتی شده‌اند امروز بهترین خانه‌ها و نقاط خوش آب و هوای ایران را اشغال کرده‌اند، در حالی که هزاران ایرانی پاک‌نژاد در نقاطی مانند جنوب شهر تهران در زاغه‌ها زندگی می‌کنند. از همه مضحک‌تر این که دولت ایران این موجودات شریف را به تابعیت خود پذیرفته است.

باید علاقه مردم را به مسائل نژادی متوجه ساخت و کلیه وسایل را در اختیار آنان گذاشت و از هیچ گونه فعالیتی در این راه دریغ نکرد.

ج- از لحاظ حق تابعیت و ملیت

۵. فقط ایرانیانی که به فرهنگ ایران و پیوستگی خود به سرنوشت این آب و خاک ایمان داشته باشند از حقوق و مزایای ایرانی بودن استفاده خواهند کرد. این محدودیت نهایت لزوم را دارد چه کسانی که از پدر و مادر ایرانی متولد شوند ولی با وجود این، به فرمان بیگانگان و عمداً بر ضد منافع دولت و ملت خود قدم بردارند و وجودشان به زیان ملت ایران باشد، سرنوشت این ملت سرنوشت آن‌ها نیست و به همین دلیل هم نمی‌توانند از حقوق و مزایای ایرانی بودن برخوردار شوند. این کسان با جهودها و انیران [ها] فرقی ندارند، چه بسا کسانی که امروز بر عالی‌ترین مقامات تکیه زده‌اند و ما آن‌ها را از شرافت برخورداری از حقوق و مزایای ایرانی بودن محروم خواهیم کرد. در دولت سوسیالیستی ملی برای دزدان بی‌وجدان و خائنین و افسرانی که از میدان جنگ

گریخته‌اند و امروز از هر آسیبی مصونند، به هیچ وجه جایی وجود ندارد.[۱]

۶. هر غیر ایرانی فقط به عنوان مهمان می‌تواند در ایران زندگی کند و تابع مقرراتی خواهد بود که برای اقلیت بیگانگان وضع خواهد شد. مقصودمان این نیست که بیگانگان در میان ما و در خانه ما عزیز نباشند و از مهمان نوازی ما برخوردار نشوند (البته تا وقتی که میهمان خوبی باشند) ولی باید چاپلوسی و کاسه‌لیسی در برابر بیگانگان پایان پذیرد و همه بدانند که:

۷. تأمین حقوق و انجام امور ایرانیان مقدم بر حقوق و امور افراد ملت‌های بیگانه است. جزئیات این امر را لازم نیست در برنامه ذکر کرد. مثلاً این‌که جزئیات قوانین مربوط به اقامت بیگانگان چگونه خواهد بود و یا اخراج جهودها از زندگی اجتماعی ما چگونه صورت خواهد گرفت. از یک برنامه اصولی نباید انتظار داشت که یک دستور اجرایی باشد که در آن تمام جزییات تاکتیکی برای به دست آوردن قدرت سیاسی و وظایف و تکالیف بخصوص ذکر شود و اصولاً ما دشمن زیاده‌روی در برنامه‌نویسی هستیم، زیرا در این نبرد عظیمی که در پیش است مقصودمان از نوشتن برنامه، تعیین هدف‌های تزلزل‌ناپذیر خودمان می‌باشد نه این‌که مانند حزب‌های دیگر به چرندبافی بپردازیم.

دوم ـ سیاست اقتصادی[۲]

وظیفه اقتصاد ملی، تأمین احتیاجات ملت است نه به دست آوردن منافع هنگفت برای سرمایه‌هایی که در این راه به کار انداخته شوند. برای مرد ساده و روشن‌دلی که دارای فکری سالم است به هیچ وجه لازم نیست که اصلی به این سادگی را با دلیل و برهان ثابت کرد و یا اصلاً متذکر شد که این از اصول مهمه است.

برای مردمی که به کارهای تولیدی مشغولند کشاورزان آن‌ها که با قوت بازو کار می‌کنند، صنعتگران، پیشه‌وران، کارخانه‌داران شرافتمند و همه تاسیساتی که برای

۱. اصل: ندارند.

۲. پایان صفحه‌ی ۱۸.

رسانیدن کالا به این اشخاص و پخش کردن محصولات این‌ها بین مردم وجود دارد، امری کاملاً طبیعی است که آن‌چه تولید شود یا به مصرف شخصی می‌رسد و یا برای تهیه نیازمندی‌های دیگر صرف معاوضه با کالای اقتصادی دیگر می‌گردد. در نظر این مردم، اقتصادی که پایه و اساسش تولید و مصرف نباشد امری مضحک و مخالف عقل سلیم است. در کارهای تبلیغاتی این خود یکی از مشکلات عظیم ماست که باید به همه هم‌وطنان خود بگوییم که حس طبیعی تو درباره مراد و معنی کار و مفهوم اقتصاد ملی کاملاً صحیح و بجاست و آن‌چه که تو می‌پنداری کاملاً مخالف با آن چیزیست که امروز اقتصاد می‌نامند و کوچک‌ترین تناسبی با هدف‌های طبیعی تو ندارد. اگر به این اقتصاد نیک بنگری آثار وحشت‌آوری خواهی یافت که کاملاً مخالف تکالیف و وظایف یک اقتصاد ملی طبیعی است.

به ما بگویید که این دزدان و قاچاقچیان و محتکرین که متأسفانه این قدر فراوان هستند چه می‌کنند. آیا اصلاً در فکر احتیاجات مردم هستند؟ هرگز.

آیا اصلاً این اشخاص ثروت یا چیز ارزش‌دار تولید می‌کنند؟ باز هم جواب منفی است. مطابق مفهوم اقتصاد ملی طبیعی این اشخاص کارشان غارتگری و دزدی و کلاه‌برداری و فریب دادن دیگران و اندوختن سیم و زر برای خویشتن است.

بانک‌های مختلف و عریض و طویل چه می‌کنند؟ امروز کار آن‌ها واسطه بودن در مراودات پولی و دادن اعتبار است. بسیار خوب، ولی کار اول را شاید بتوان با وسایل دیگر بهتر و ارزان‌تر و زودتر انجام داد. حال ببینیم این بانک‌ها به چه کسانی کردیت می‌دهند. آیا کارگرانی که خانه ندارند. اعتباری می‌توانند بگیرند تا برای خود خانه بسازند و احتیاج مبرم اقتصاد ملی را که ایجاد خانه‌های [ناخوانا] مسکونی باشد بدین وسیله رفع کنند؟ متأسفانه هرگز.

آیا بانک‌ها به کشاورزان و پیشه‌وران و کسبه تولید کننده کالای مصرفی اعتبار می‌دهند؟ البته خیر. اگر به استثنا چنین کاری بکنند تضمین می‌خواهند و از این گذشته کردیت گیرندگان، باید صرف‌نظر از وظیفه مسلم پس دادن کردیت حاضر باشند [و] مبلغ زیادی هم به عنوان ربح بپردازند. آیا بانک‌ها اصلاً ذره‌ای علاقه دارند که تولید کنندگان و پیشه‌وران بتوانند به مشتریان و ارباب رجوع جنس خوب و مرغوب و ارزان را در اسرع

اوقات عرضه دارند و یا به عبارت دیگر احتیاجات اقتصادی ملت سرعت و ارزان و مطمئن تأمین شود؟

البته خیر. آن‌ها فقط و فقط به فکر منافع یک طرفه خویشند و هدفشان جز این نیست که تا می‌توانند ربح و حق‌العمل و غیره بگیرند. (ما نمی‌دانیم که این هنر ربودن پول از جیب مردم را بانک‌ها چه می‌نامند) و بالاخره بانک‌ها چه تولید می‌کنند؟ هیچ. چه نفع می‌برند؟ مبالغ هنگفت. از گفته خودمان نتیجه بگیریم که محتکرین و قاچاق‌چیان و بانک‌ها و سرمایه‌دارانی که شغلشان پول قرض دادن یا به قول خودشان به‌کار انداختن سرمایه است هیچ گونه نیاز اقتصادی را تأمین نمی‌کنند، اما از سیستم اقتصادی امروزی سود فراوان و بی‌شمار می‌برند. بهتر بگوییم آن‌ها اربابان پول و استثمار کنندگان نظام اقتصادی و اجتماعی کنونی هستند.

امروز تنها هدف اقتصاد منفعت بردن از سرمایه است، یعنی کارگران و تولیدکنندگان باید در تحت سلطه این سیستم سرمایه داری همیشه بخش شیرینی از دست‌مزد خود را به دزدان سرمایه‌دار تقدیم کنند.

کارفرمایانی که امروز متأسفانه کارگران آن‌ها را استثمارکنندگان خون‌آشام می‌نامند و حق هم دارند، چه می‌کنند؟ سعی این‌ها این است که تا می‌توانند از دست‌مزد کارگران خود بکاهند و مواد اولیه پست و ارزان قیمتی برای ساختن محصولات خویش مصرف کنند و بالاخره[1] اجناس خود را هر چه گران‌تر بفروشند و تا می‌توانند کیسه خود را با سود فراوان انباشته کنند و اگر هم روزی اقلاً دویست درصد نفع نبردند در کارگاه‌های خود را ببندند و کارگران را با زن و فرزندانشان به فقر و گرسنگی بسپارند.

به آن‌ها (چه مربوط) است که کارگران تنگ‌دست و بی‌نوا هستند. برای آن‌ها یکسان است که اجناسشان بنجلی بیش نیست و مردم مجبورند آن‌ها را نخریده به دور بیندازند. هدف چنین اشخاصی فقط به دست آوردن منافع از سرمایه‌ای است که به کار می‌اندازند.

به عکس این کسانی که ذکرشان در فوق گذشت باید درباره کارفرمایان و ارباب

۱. پایان صفحه‌ی ۱۹.

صنایعی که به مقام خود یعنی رهبری اقتصاد ملت آشنا هستند به طرز دیگری قضاوت و داوری کرد. نخستین صفت چنین مردانی این است که اقلاً از لحاظ اقتصادی دارای شخصیتی با تقوی باشند. وظیفه آن‌ها این است که در مرحله اول احتیاجات حقیقی ملت را بشناسند و پس از آن بهترین و ارزان‌ترین شیوه تولید را بیابند و بهای کالای ساخته را تا آن‌جا که ممکن است ارزان کنند و اجناس مرغوب عرضه دارند و با تدابیر لازم ـ مرتب و پی در پی ـ جنس به بازار برسانند و به کارگران خود دست‌مزد کافی بپردازند (تا آن‌ها هم به‌نوبه خود خریداران و مصرف کنندگان محصولات اقتصاد ملی باشند) و روز به‌روز اصلاحات لازم در کارخانه و طرز تولید و توزیع به عمل آورند.

اگر این اصول راهنمای عمل کارخانه‌داران و کارفرمایان باشد به بهترین طرزی به تأمین احتیاجات اقتصاد ملت کمک کرده‌اند و منفعت (نیز) به خودی خود فراهم خواهد شد بدون این که آن‌ها در پی انباشتن سیم و زر باشند و سودجویی را بالاترین و عالی‌ترین هدف خود قرار دهند.

اگر کارخانه‌ها و کارگاه‌های خصوصی تحت سرپرستی آیین مردانی نباشند، فوراً ماهیت آن‌ها تغییر می‌کند؛ مانند اغلب کارخانه‌های کنونی که به صورت شرکت‌های سهامی اداره می‌شوند. در این کارخانه‌ها مدیران و سرپرستان برای اصلاحات در کارخانه و بهبود بخشیدن به وضعیت و شرایط کار تابع هیئت نظارت و سهام‌داران هستند و این مردم که هدفی جز سودجویی و استثمار کارگران ندارند اصلاً نمی‌توانند به مسائل ملی توجهی داشته باشند.

اثرات این قبیل مؤسسات وقتی به منتها درجه رسید که سهام بی‌نام مرسوم گردید و میسر شد که هر قاچاقچی بی‌سروپا و خرپول بی‌پدرومادری بتواند سهام‌دار عمده و در حقیقت صاحب کارخانه‌های بزرگ صنعتی بشود، بدون این که از این کار (به قدر) خردلی بفهمد. پرواضح است که این قبیل اشخاص ذره‌ای علاقه به کارگاه و تولید و طرز کار ندارند و فقط به دلیل این که از دلالان یا مستقیماً سهام فلان کارخانه را خریده‌اند خود را صاحب قانونی کارخانه می‌دانند و اغلب نمی‌توانند بگویند چه جنسی در کارخانه آن‌ها تولید می‌شود و وضع فروش و بازار چگونه است و کارگران و کارمندان کارخانه چگونه زندگی می‌کنند.

باید در این امور دقت کرد تا فهمید که این سیستم چه تأثیرات عمیقی در اقتصاد ملی دارد و سرمایه‌داری منحط کنونی چه آثار شومی ایجاد می‌کند.

تنها هدف اقتصاد (کنونی) تأمین منافع هنگفت برای سرمایه‌ها است. اکنون نظری به بازرگانان واردکننده (و) صادرکننده خود بیندازیم. (در نظر ما مقصود) از بازرگانی خارجی، عرضه اجناس مرغوب ایرانی به کشورهای بیگانه و معاوضه یا فروش آن‌ها برای رفع احتیاج ملت از اجناسی است که در داخل کشور یافت و یا فعلاً تولید نمی‌شود ولی وجود آن‌ها برای دولت و ملت ضروری است.

بازرگانان ما که اغلب جهود هستند کوچک‌ترین توجهی به مسایل اقتصاد ملی ندارند. در قسمت صادرات دیده می‌شود که اغلب به واسطه تعدد دست‌های واسطه، قیمت حقیقی اجناس به تولیدکننده پرداخت نمی‌شود و سود حقیقی اغلب به جیب دلالانی می‌رود که در تولید و رسانیدن کالا به بازارهای خارجه کوچک‌ترین دخالتی ندارند و نیز در ایجاد بازارهای جدید و حسن شهرت محصولات ایرانی کوچک‌ترین[1] دقتی (نمی‌باشد) و تنها هدف همان سودجویی و تأمین منافع هنگفت آنی است.

در قسمت واردات هم می‌بینیم که بدون توجه به تأمین احتیاجات حقیقی ملت همه دکان‌ها و مغازه‌ها را کالای بی‌ارزش و بی‌مصرف خارجی انباشته است. برای تحصیل نفع سرشار می‌کوشند با بیدارکردن حس تجمل‌پرستی و ظاهرسازی در توده‌های مردم یعنی ایجاد احتیاجاتی که اصلاً لازم نیست به مقصود برسند وقتی که درست دقت شود ثابت می‌شود که این بازرگانان مسئول مستقیم ورشکستگی و خانه خرابی پیشه‌وران و صنعتگران متوسط ایرانی هستند (نساجان یزد، کاشان، تبریز و غیره).

در این‌جا باید صریحاً متذکر شد که اقتصاد ملی در نظر ما تأمین احتیاجات است و مطلقاً با نقشه‌های اقتصادی بلشویک‌ها وجه مشترکی ندارد. با این مفهوم اقتصاد، مسئله مالکیت خصوصی دارای اهمیت خاصی می‌شود.

۸ـ سوسیالیسم ملی اصولاً حق مالکیت خصوصی را به رسمیت می‌شناسد و آن را

---

۱. پایان صفحه‌ی ۲۰.

تحت حمایت دولت قرار می‌دهد (یعنی آن چه که از راه کار[۱] شرافتمندانه به دست آمده است).

ما در این جا به تفسیرو بحث اصولی نمی‌پردازیم، اما کسی که معنی و مفهوم کار را بفهمد برای او روشن و آشکار است که محصول و نتیجه کار باید مال[۲] آن کسی باشد که کار می‌کند. نه آن کسی که کار می‌کند به کله‌اش فرو می‌رود که نتیجه و محصول کارش و یا بهای آن باید متعلق به عموم باشد (زیرا که معلوم نیست که مفهوم همه و عموم را چگونه باید تعریف کرد) و نه می‌تواند قبول کند که ثمر کار او به یک گردن‌کلفت سرمایه‌دار متعلق باشد.

بنابراین نتیجه معرفت به مفهوم حقیقی کار، جبراً به رسمیت شناختن حق مالکیت خصوصی می‌باشد و بالاخره این امر مربوط به چیزیست که عزیزترین و بالاترین و مقدس‌ترین چیزهاست، یعنی مفهوم وطن و خود وطن را...[۳] آن وقت درست فکر می‌کند که زمینی که بر روی آن ایستاده است از آن خود او باشد و خانه‌ای که خانواده را در آغوش می‌گیرد متعلق به خود خانواده باشد. همه می‌دانند غذایی که از محصول باغ و بوستان شخصی، در خانه تهیه می‌شود همیشه خوشمزه‌تر از غذایی است که در قهوه‌خانه‌ها و رستوران‌ها جلو آنان می‌گذارند.

کسی که آزادی داشتن چیزی را نداشته باشد و این حس را نشناسد، کسی که از خوشبختی مالکیت لذت نبرد البته نمی‌تواند اهمیت وجود این حق را در جامعه درک کند. چنین کسی یا در روی آسفالت خیابان‌های شهرهای بزرگ زندگی خود را گذرانده است و یا سرمایه‌داری است که دارایی کارگران را غنیمتی برای خویش می‌داند و راهش را هم یافته است که با معاملات پولی و نیرنگ‌های سرمایه‌داری، دارایی دیگران را به چنگ خویش درآورد و این هر دو ریشه وجودشان در خانه وطن نمو نکرده است.

خوی و خصلت سرمایه‌داران است که چه بیشتر دارایی و سیم و زر از راه دزدی و غارت دیگران برای خویش انبار کنند بر حرص و آزشان افزوده می‌شود و می‌کوشند هر

۱. اصل: وکار.

۲. اصل: مد.

۳. یک کلمه ناخوانا. در اصل «وحود وطن رامرد» نوشته شده است.

لحظه بر دارایی خود بیافزایند و سعی می‌کنند همیشه چیزهایی به‌دست آورند که به آسانی قابل نقل و انتقال باشد در صورتی که مرد آریانژاد که با خاک وطن خود پیوستگی دارد بی‌اندازه قانع است و هرگز (آرزوی داشتن) چیزی را که نتواند با کار (به دست بیا)ورد در فکر خود نمی‌پروراند. شما هرگز کارگری را ندیده‌اید که بخواهد ویلای مجللی برای (خودش بخرد) اما همیشه آرزوی داشتن خانه (کوچک) و زیبا و دلپذیری را در سر خود می‌پروراند یا آرزو دارد که (چنین) خانه‌ای ملک طلق او باشد تا این‌که در آن‌جا کرایه‌نشین باشد و در تمام عمرش سه یا چهار برابر قیمت خانه را به عنوان کرایه بپردازد.

ولی در برابر این همه بلندی طبع و بزرگ‌منشی، جهود آزمند و خونخوار و سرمایه‌دار نابکار را بنگرید (که) هرگز نمی‌خواهد که به خاک و خانمان پیوستگی و دلبستگی داشته باشد. یک گاوصندوق بزرگ که یک دسته سهام و اوراق بهادار دیگر و اسناد معاملات شرعی و غیره در درونش باشد منتهای ایده‌آل اوست. آرزوی او ثروتمند بودن است، اما نه چون توانگری که دارای خواسته بسیار است.[۱]

بلکه هدف او این است که مثلاً از راه گرو گرفتن و رباخواری، دیگران را بدزدد و غارت کند و کار نمی‌کند، ولی لحظه‌ای هم نمی‌آرامد تا در برابر دیگران دارای مطالباتی باشد و بتواند تازیانه سرمایه‌دار را به دست گرفته و بر سر بدهکارانی فرود آورد که در حقیقت هیچ چیز به او مقروض نیست.

در برابر این....[۲] سوسیالیسم ملی سد محکمی استوار می‌کند.

۹ـ رعایت منافع عموم ملت ایران برای ثروت یک فرد حدی معین می‌کند. دارایی و ثروت به خودی خود هرگز زیاده‌خواه نیست بلکه.... دارایی و ملکی که در دست کاردان اداره شود باعث رفاه کسانی می‌شود که از آن دارایی نان می‌خورند و یا در آن ملک کار می‌کنند ولی از مختصات اقتصاد سرمایه‌داری منحط کنونی این است که (نعمت) و برکت ثروت و دارایی را مسخ کرده و به صورت بلایی برای مردم درمی‌آورد و خط

---

۱. پایان صفحه‌ی ۲۱.

۲.دو کلمه خوانده نمی‌شود.

جدایی میان طبقه کارگر تنگ‌دست و بی چیز و طبقه و طبقه متوسط مقروض با ثروتمندان و سرمایه‌داران مشخص‌تر و واضح‌تر و فاصله بین این طبقات بیشتر می‌شود. کسانی که تا مدتی پیش دارای ملک یا سرمایه مختصری بودند و آزادانه کار می‌کردند یا دارایی خود را از دست داده‌اند (یعنی از آن‌ها ملکشان را دزدیده‌اند) و یا قرض گریبانشان را فرا گرفته است و در عوض روزبه‌روز به نیروی اهریمنی عفریتان سرمایه‌دار حتی مردمانی که به سرزمین پدران و وطن خود ذره‌ای دلبستگی ندارند و به غارت دیگران مشغولند افزوده می‌شود. این است وضع امروزی، اما در دولت فردای سوسیالیسم ملی چنین نخواهد ماند.

۱۰ـ همه ایرانیان مانند اعضای خانواده‌ای هستند که برای رفاه خود و توسعه تمدن و فرهنگ خویش کار و فعالیت می‌کنند.

تعبیر ملت به خانواده‌ای که همه افراد آن برای سعادت یکدیگر می‌کوشند نتیجه‌ای است که سوسیالیسم ملی از نظر اقتصادی از تصور جهانی بنای جامعه می‌گیرد. هر کاری که انجام گیرد و هر کوششی که کرده شود باید برای خدمت به ملت و با منافع او سازگار باشد. این طرز فکر هرگز مخالف سعی و کوشش افراد برای پیشرفت خود و مانع جدیت و قابلیت فردی نیست فقط باید همیشه این نکته را در نظر داشت که از کیسه دیگران نباید زیست و برای پیشرفت خود، سوار دیگران نباشد شد.

۱۱ـ با توجه به این که کار وظیفه (هر) فرد ایرانی است و با احترام به حق مالکیت شخصی هر ایرانی مطلقاً آزاد است که کار و شغل خود را به دل‌خواه انتخاب کند و از حاصل آن به میل خود بهره بردارد.

بدین وسیله سوسیالیسم ملی صریحاً مخالفت خود را با کوشش‌های مفتضحانه مارکسیستی و کاپیتالیستی در راه سوسیالیسم ابراز می‌دارد. تا آن‌جا که ممکن است باید دولت و مملکت از موجودات آزاد و مستقلی تشکیل شود که به وسیله رشته‌ی ناگسستنی ایده خدمت به جامعه به هم پیوسته باشند. پرواضح است که نمی‌توان معادن ذغال سنگ و نفت و کوره‌های ذوب آهن و غیره را به صورت کارگاه‌های کوچک درآورد و بهره‌برداری از آن را به صنعت‌گران مستقل سپرد. ولی به نظر ما از نظر اقتصاد و مصالح کشور صد هزار استاد کفش‌دوز آزاد بهتر از پنج (کارخانه کفش‌دوزی) است.

در قسمت کشاورزی باید وضع جغرافیایی و اقتصادی محل ملک را در نظر داشت؛ مثلاً زمین‌های زراعتی گرگان و خوزستان و سیستان را بهتر می‌توان به صورت...[۱] بهره‌برداری کرد و اگر آن را...[۲] تقدیم کنند از نظر اقتصادی، ملت زیان خواهد دید. محل مناسب برای...[۳] بیشتر در پیرامون شهرها و در (روستاها خواهد بود) ولی همیشه باید این نکته را رعایت کرد.

۱۲ـ عده کارگاه‌های بزرگ و متوسط و کوچک در تمام رشته‌های اقتصاد و صنعت و کشاورزی باید با هم متناسب باشند. در حفظ این تناسب باید کوشید.

۱۳ـ کلیه کارخانه‌ها و مؤسسات داخلی و خارجی که به زیان ملت فعالیت کنند باید ملی شوند.

این هم نتیجه‌ای است که از دشمنی با ایده کاپیتالیستی گرفته می‌شود. لازم نیست که ما در این‌جا درباره زیان‌هایی که از طرف شرکت‌های خارجی...[۴]

---

۱. یک یا دو کلمه خوانده نمی‌شود.
۲. دو یا سه کلمه خوانده نمی‌شود.
۳. سه یا چهار کلمه خوانده نمی‌شود.
۴. پایان صفحه‌ی ۲۲. ادامه‌ی مطالب «برنامه» در پرونده موجود نیست.

ضمیمه ۴

گزارشی از دادگاه عالی جنایی فرمانداری نظامی

در آبان ماه[۱] هنگامی که رهبر و پنج تن از هم‌پیمانان ما در زندان به سر می‌بردند سرگرد علمیه بازپرس بالشویک فرمانداری نظامی به دستیاری چندتن از مأمورین خائن آگاهی، علیه رهبر حزب[۲] و هم‌پیمانان ما پرونده‌ای به اتهام «ضدیت با سلطنت مشروطه ایران» ساختند و دادستان تقاضای اجرای قانون مقدمین بر علیه مصالح کشور را در مورد آنان نمود.

پس از جریانات اخیر که حکومت حاضر علیه سومکا قیام کرد، دستور دادند دادگاه عالی جنایی فرمانداری نظامی به اتهام مذکور رسیدگی کرده، قرار انحلال حزب را صادر نماید.

اما شهامت هیئت رئیسه دادگاه و وطن‌پرستی آنان و دفاع مسئولانه[۳] آقای طاهرزاده وکیل مدافع رهبر و هم‌پیمان ما و سخنان آتشین رهبر سومکا و سایر متهمین این نقشه را نقش بر آب ساخت. در زیر جریان مشروح هنگام‌های این دادگاه تشریح می‌شود.

یکشنبه ۱۷/۱۲/[۱۳]۳۱ نخستین هنگام دادگاه عالی جنایی فرمانداری نظامی دادگاه، ساعت ۱۷ می‌بایست تشکیل شود.

از ساعت ۱۶ خبرنگاران روزنامه‌ها و مجله‌های کشور، عده‌ای از هم‌پیمانان و خویشان هم‌پیمانان متهم در خیابان سی متری مقابل در ورودی دادسرای فرمانداری نظامی اجتماع نمودند.

دستور داده بودند از ورود خبرنگار و تماشاچی ممانعت شود، ولی در اثر ابرام آقای طاهرزاده به مخبرین و خویشان متهمین و چند تن از هم‌پیمانان اجازه دادند در دادگاه حاضر شوند. ساعت ۱۹ رهبر سومکا را از بازداشتگاه فرمانداری نظامی به دادگاه آوردند و مخبرین عکاس، عکس‌هایی از رهبر و دادگاه برداشتند و هنگام یکم دادگاه تشکیل شد. هم‌پیمان حسین شیبانی فرمانده موقت سومکا نیز حضور داشت.

---

۱. سومکا، س ۱، ش ۳۲ (۱۳۳۱/۱۲/۲۵)، صص ۱-۲.

۲. اصل: حزب رهبر.

۳. اصل: مسئول.

دادگاه به ریاست آقای سرهنگ خطیب شهیدی و عضویت آقایان سرهنگ رستگار، سرهنگ اسکویی، سرهنگ قربانی و منشی‌گری آقایان سروان ساسانی و سروان بهمنش رسمیت یافت و آقای سرگرد رحیمی نمایندگی دادستان نظامی را داشت.

رئیس دادگاه شروع به پرسش از متهمین نمود.

رئیس دادگاه: «نام و شهرت و مشخصات خود را بیان کنید.»

رهبر سومکا: «داوودمنشی‌زاده، دکتر فلسفه و زبان‌شناسی، استاد سابق دانشگاه مونیخ و اسکندریه.»

فرهنگدار سومکا: «شاپور زندنیا، لیسانسیه حقوق.»

کاردار کانون انتشارات: «داریوش همایون، دانشجوی حقوق.»

هم‌پیمان سعید رجبی‌نیا: «دانش‌آموز.»

هم‌پیمان منوچهر کیان: «دیپلمه بیکار.»

هم‌پیمان ناصر معینی: «دانش‌آموز.»

سپس رئیس [دادگاه] از آقای طاهرزاده خواست اگر اعتراضی دارد بنماید. آقای طاهرزاده اعلام داشت که چون جرم انتسابی متهمین، جرم سیاسی است باید در دادگاه عادی و با حضور هیئت منصفه باشد. این پرونده نقایصی دارد و این اتهامات اصولاً وارد نیست. از طرفی آقای نماینده دادستان هنوز ادعا نامه خود را بیان نداشته است.

آقای سرگرد رحیمی نماینده دادستان گفت: «طبق ماده ۹۵ آئین دادرسی ارتش باید قبل از قرائت ادعانامه، اگر وکیل مدافع و متهمین ایرادی به صلاحیت داشته باشند بیان کنند.»

آقای طاهرزاده مجدداً اعلام داشت که این دادگاه، صالح برای رسیدگی نیست، زیرا اصولاً «قانون مجازات مقدمین بر علیه مصالح کشور» شامل قیام کننده و عامل است و کلمه «مقدمین» این مقصود را می‌رساند.

از طرفی طبق ادعانامه دادستان، متهمین حاضر ایده‌آلی دارند و آن مرام‌نامه حزب آن‌ها می‌باشد و بنابراین عملی[1] نکرده‌اند تا شامل کلمه «مقدمین» شوند. از طرفی طبق

۱. اصل: آن عملی.

اصل ۷۹ متمم قانون اساسی که مقدم بر قانون مجازات عمومی است، در مورد تقصیرات سیاسیه و مطبوعاتیه حضور هیئت منصفه لازم است؛ بنابراین تقاضا دارم دادگاه رأی بر عدم صلاحیت خود بدهد.

نماینده دادستان گفت: «از بیانات آقای وکیل مدافع استنباط می‌شود که ایشان جرم متهمین را جرم سیاسی دانسته و رسیدگی به آن را در صلاحیت دادگاه‌های عمومی می‌داند.

اصول ۷۲ و ۷۹ متمم قانون اساسی ناظر به موردی است که جرم سیاسی واقع شده باشد و در قوانین دیگر مرجع رسیدگی به هر نوع جرمی، تعیین شده و اتهام متهمین حاضر عملی است که طبق بند ۱ قانون مجازات مقدمین علیه مصالح کشور و ضدیت با سلطنت مشروطه جرم عادی و طبق بند ۱ از ماده بیست صلاحیت دادگاه‌های نظامی در صلاحیت دادگاه موقت فرمانداری نظامی است. بنابراین ایراد آقای وکیل مدافع وارد نیست.»

پس از پایان بیانات وکیل مدافع و نماینده دادستان، دادگاه وارد شور شد و بعد از یک ربع شور که طی آن مدت تنفس اعلام شده بود، دادگاه قرار صلاحیت خود را صادر کرده، ختم هنگام دادرسی را بعنوان تنفس اعلام و هنگام آینده را به روز دوشنبه ۱۸/۱۲/۳۱[۱۳] موکول نمود.

ساعت ۱۷ روز دوشنبه دومین جلسه دادرسی با حضور رهبر و هم‌پیمانان متهم و عده[ای] از مخبرین، خویشان و هم‌پیمانان دیگر تشکیل شد.

[آنگاه] رئیس دادگاه به پرسش از متهمین پرداخت.

رئیس دادگاه: «آقای دکتر داوودمنشی‌زاده، شما متهم هستید به تشکیل و اداره جمعیت مخالف حکومت سلطنت مشروطه ایران. به جرم خود اقرار دارید؟»

رهبر سومکا: «قویاً تکذیب می‌کنم.»

رئیس دادگاه: «آقایان شاپور زندنیا، داریوش همایون، منوچهر کیان، سعید رجبی‌نیا [و] ناصر معینی، شما متهمید به عضویت در حزب مخالف سلطنت مشروطه ایران، به جرم خود اقرار دارید؟»

هم‌پیمانان متهم: «قویاً تکذیب می‌کنیم.»

رئیس دادگاه: «ادعانامه دادستان قرائت شود.»

منشی دادگاه ادعانامه دادستان را قرائت نمود. در این ادعانامه یادآوری شده که متهمین حاضر دارای مرام‌نامه‌ای هستند که ایده‌آلی برای آن‌ها بوده، ماده چهار آن صراحت دارد که با حکومت پارلمانی مخالفند و ماده ۲۵ آن اصل تفکیک قوای مملکتی را زیرپا می‌گذارد و با مشروطیت و قانون اساسی مغایرت دارد.

رهبر سومکا نیز صراحتاً در بازپرسی اظهار داشته می‌خواهد رژیم رهبری را که اختیارات در آن، دست یک فرد دیکتاتور می‌باشد و شبیه رژیم‌های قبل از جنگ بعضی کشورهای اروپایی است، به جای دموکراسی برقرار کند. متهمین دیگر نیز با علم و اطلاع وارد این حزب شده، به این مطلب اذعان داشته‌اند. بنابراین طبق قانون مقدمین برعلیه مصالح کشور تقاضای مجازات آن‌ها می‌شود.

رئیس دادگاه: «آقای وکیل مدافع دفاع خود را بنمایید.»

آقای طاهرزاده: (پس از قرائت ماده ۲ قانون اصول محاکمات) این ماده صراحت دارد که اگر کسی با مواد این قانون مخالفت دارد یا عملی برخلاف آن کند، جرمی مرتکب شده، ولی عملی برخلاف سایر قوانین جرم شناخته نشده، قانون مقدمین علیه مصالح کشور برای مبارزه با دارندگان مسلک اشتراکی تدوین شده، شامل متهمین حاضر که مخالف آن‌ها هستند نمی‌شود. از طرف دیگر در برنامه حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران نوشته شده است که ما با شیوه فاسد حکومت پارلمانی که در آن کار به دست کاردان نمی‌افتد مخالفیم و می‌خواهیم وضعی برقرار شود که مانند امروز امور مملکت طبق دسته‌بندی‌ها و به‌خاطر منافع خصوصی تقسیم نشود. در حالی که سرگرد علمیه این ماده را تحریف کرده، مخالفت با نوع فاسد را مخالفت به طور کلی قلمداد نموده، بنابراین من نسبت به ادعانامه، ادعای جعلیت می‌کنم.

از مطالعه ماده چهار برنامه سومکا معلوم می‌شود که این ماده حاکی از مخالفت با سلطنت مشروطه نیست. آقایان قضات، کجای این ماده تشکیل یک حکومت دیکتاتوری را نشان می‌دهد. (پس از اشاره به قانون‌های مختلف و آوردن مثال از کشورهای دیگر آقای طاهرزاده اضافه کرد:) چه کسی می‌تواند با این حکومت مشروطه موافق باشد؟ این

مملکت کی درست شود؟ مگر از رئیس حکومت و شاه و کلاً سران[۱] حکومت خودشان دم از خرابی وضع نمی‌زنند؟[۲] راه اصلاح مملکت چیست؟ این راه حبس و شکنجه نیست.[۳] جلوگیری از عقاید دسته چپی، احتیاج به مکتب مقابلی دارد.

این جوانان با روحیه پاکی به جای این‌که به وطن خیانت کنند وارد یک حزب ملی شده‌اند. (در این‌جا ناطق قسمت‌هایی از بیانات متهمین را ضمن بازپرسی‌ها قرائت نمود.) رهبر سومکا، منشی‌زاده کتابخانه خود را در آلمان فروخت و با پول آن در این جا مکتبی برای ایران‌پرستی ایجاد کرد. آن وقت حکومت پاداش این خدمت را حبس و زجر و شکنجه داد (ناطق در این‌جا مطالب زیادی راجع به وضع کشور گفت) آقای نماینده دادستان شما ادعانامه خود را پس بگیرید.

رئیس دادگاه: «آقای سرگرد رحیمی نماینده دادستان مطالب خود را بیان کنید؟»

آقای سرگرد رحیمی: «مرام‌نامه حزب سومکا کاملاً مخالف سلطنت مشروطه است، زیرا اختیارات قوای مملکتی را در شخصی بعنوان «رهبر» جمع می‌کند، متهمین صراحتاً گفته‌اند که برای مبارزه با احزاب دیگر حزب ایجاد[۴] کرده‌اند. مبارزه کار حزب نیست، کار قوای انتظامی است (در این‌جا نماینده دادستان از قوانین مختلف شواهدی ذکر کرده، مثال‌هایی آورد) در خاتمه من اتهام متهمین را تأکید می‌کنم و تقاضای مجازات قانونی را دارم.

رئیس دادگاه: «آقای دکتر داوودمنشی‌زاده آخرین دفاع خود را بنمائید.»

رهبر سومکا بیاناتی ایراد کرد که در سرمقاله این شماره به نظر می‌رسد.

سپس هنگام دادگاه بعنوان تنفس تعطیل و به روز چهارشنبه ساعت ۱۷ موکول شد. چهارشنبه ساعت ۱۷ دادگاه با حضور رهبر و متهمین و وکیل مدافع و جمعی از هم‌پیمانان و مخبرین و خویشان متهمین تشکیل شد و رئیس دادگاه شروع به پرسش کرد:

رئیس دادگاه: «آقای امیرناصر معینی آخرین دفاع خود را بنمائید.»

---

۱. اصل: شاه و کلاً همسران.

۲. اصل: می‌زنند.

۳. اصل: نیست نیست.

۴. اصل: ایجاد ایجاد.

ناصر معینی: «من جرمی نکرده‌ام تا دفاعی بنمایم. هر چه لازم بود دفاع از من و حزب، رهبرم و وکیل مدافع محترم ما بیان کردند.»

رئیس دادگاه: «آقای منوچهر کیان آخرین دفاع خود را بنمائید.»

منوچهر کیان: «من دفاعی ندارم، زیرا مجرم نیستم و می‌توانم به جرئت بگویم که مفتخرم در پیشگاه ملت خود جز خدمتگزاری عملی انجام نداده‌ام و از دفاع وکیل مدافع محترم خود سپاسگزار و امیدوارم رأی دادگاه بر طبق حق و عدالت باشد.»

رئیس دادگاه: «آقای شاهپور زندنیا آخرین دفاع خود را بنمایید.»

شاهپور زندنیا: «من مجرم نیستم تا دفاعی بکنم، ولی لازم است ذهن دادگاه محترم را نسبت به چند نکته روشن نمایم. گفته شده ما می‌خواهیم قوانین کشور را تغییر دهیم و این را جرم دانسته‌اید. اگر تغییر قانون جرم باشد پس نخست‌وزیر فعلی جناب دکتر محمد مصدق و سازندگان دو مجلس مؤسسان سابق مجرم هستند. از طرف دیگر لغت سلطنت مشروطه دو موضوع را بردارد. یکی سلطنت که در نظر یک سنّت ملی و محترم است و دیگری مشروطه بودن آن را به اراده ملت که ما اراده ملت را مافوق هر قدرتی می‌دانیم. بنابراین ما مخالف سلطنت مشروطه نیستیم.»

رئیس دادگاه: «آقای داریوش همایون آخرین دفاع خود را بنمائید.»

داریوش همایون: «من باید بگویم که نماینده محترم دادستان در ادعانامه خود توجه نکرده‌اند که میان رژیم و روش و شیوه تفاوت وجود دارد.»

ما گفته‌ایم که «با شیوه پوسیده حکومت پارلمانی مخالفیم» و نگفته‌ایم که با رژیم مخالفت داریم. ماده

۴ برنامه ما حاکی از مخالفت با رژیم نیست.

تفسیر مواد قانون را همان طور که دوست و هم‌پیمان من زندنیا گفت نمی‌توان جرم دانست اما راجع به مسئله تفکیک قوای دولتی باید بگویم برخلاف آن چه آقای نماینده محترم دادستان گفتند در هیچ نقطه دنیا شکل کلاسیک آن[۱] چنان که منتسکیو گفته عملی نشده است و در کشور ما نیز عملاً قوه قانون‌گذاری با تصویب قانون‌ها و حق عزل

۱. اصل: آی.

و نصب و استیضاح دولت بر قوای دیگر حاکمیت بلاشرط قائل شده، جز بیان حقیقت کاری نکرده است.

ما آن چه را که عملاً هست و دیگران و قوانین بیان نکرده‌اند، صراحتاً گفته‌ایم و این هم نتیجه روشی است که مبتنی بر صراحت می‌باشد.»

رئیس دادگاه: «آقای سعید رجبی‌نیا آخرین دفاع خود را بنمائید.»

سعید رجبی‌نیا: «من دفاعی ندارم، جز آن که بگویم ما و حزب پرافتخارمان اصولاً جز به خاطر ملت ایران قیام نکرده‌ایم و در برنامه حزب ما نکته‌ای که مخالف قوانین شما و جرم باشد نیست و این اتهام ناشی از تفسیر غلطی است که در دادگاه از برنامه ما شده است. من صراحتاً می‌گویم که ما جز[1] ملت خویش قوه‌ای نمی‌شناسیم[2] و شما آقایان قضات هر مجازاتی که می‌خواهید در حق ما قائل شوید و ما از هیچ چیز نمی‌ترسیم.»

در این هنگام که ساعت ۱۸ بود هیئت رئیسه دادگاه برای شور خارج شدند و در ساعت ۱۹/۳۰ مجدداً هنگام دادگاه رسمی شد و منشی دادگاه در حالی که همه حضار ایستاده بودند رأی دادگاه را چنین قرائت کرد:

«دادگاه عالی جنایی فرمانداری نظامی برای رسیدگی به اتهامات رهبر و چند تن از اعضای حزب سومکا تشکیل شد و پس از استماع ادعانامه و دلایل دادستان و دفاعیات وکیل مدافع و متهمین و با دقت کامل در هنگام شور به اتفاق آراء قرار برائت متهمین حاضر را صادر کرد. زیرا برنامه حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران قبلاً به اطلاع شهربانی رسیده ضمناً در آن نکته‌ای که با قوانین موضوعه و وطن‌پرستی و ملت‌دوستی مباینت داشته باشد مشاهده نمی‌شود. نماینده دادستان نظامی، ذیل ورقه رأی نوشت رأی قابل رد نمی‌باشد و باید به آن تمکین نمود.»

پس از اعلام رأی دادگاه حضار چند دقیقه کف زدند. سپس رهبر سومکا نطقی ایراد نمود که جداگانه در همین شماره درج شده است و در ساعت ۱۹/۵۰ هنگام دادگاه پایان پذیرفت.

---

۱. اصل: جز جز.

۲. اصل: نمی‌شاسم.

ضمیمه ۵
خطابه‌های رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

سند شماره ۵ خطابه های رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

۱۳۲۰/۸/۲۸

هم پیمانان هم میهنان عزیز .

در این لحظه تاریخی نخستین جلسه رسمی حزبی تشکیل میگردد که اراده فولادین مردان کار و پیشوایان آن با در دست گرفتن سرنوشت این آب و خاک مقدس فصل نوینی در تاریخ ایران و جهان میگشایند . امروز روز آغاز تمدن نوینی است . امروز در واقع پس از تشکیل ایرانشهر هخامنشی و ایرانشهر ساسانی . ایرانشهر سوم یعنی ایرانشهر سوسیالیست ملی کارگران ایران بنام عظمت و توانائی نیاکان بزرگ با مقاصد زیر تشکیل میگردد .

۱ ـ ایجاد یک دولت نیرومند و ملی که کلیه تیره های ایرانی بتوانند از حمایت آن برخوردار باشند .

۲ ـ دفاع از منافع ایران در کشورهای بیگانه .

۳ ـ اخراج جهودها و بیگانگان از کلیه مشاغل و مقامات مسئولیت دار اجتماعی

۴ ـ جلوگیری از مهاجرت جهودهای عرب و بیگانگان ملیتهای دیگر که شایسته آمیزش با ایرانیان نیستند بایران .

۵ ـ فقط ایرانیهائیکه بفرهنگ ایران و به پیوستگی خود بسرنوشت این آب و خاک ایمان داشته باشند از حقوق و مزایای ایرانی بودن استفاده خواهند کرد .

۶ ـ هر غیر ایرانی فقط بعنوان مهمان میتواند در ایران زندگی کند .

۷ ـ تأمین حقوق و انجام امور ایرانیان مقدم بر حقوق و امور افراد خارجی خواهد بود

۸ ـ سوسیالیسم ملی اصولاً حق مالکیت خصوصی را برسمیت میشناسد و آنرا تحت حمایت دولت قرار میدهد ولی ......

۹ ـ رعایت منافع عمومی ملت برای ثروت یک فرد حدی معین میکند .

۱۰ ـ همه ایرانیان مانند اعضای خانواده ای هستند که برای رفاه خود و توسعه تمدن و فرهنگ خویش کار میکنند .

۱۱ ـ با توجه باینکه کار وظیفه هر فرد ایرانی است و با احترام بحق مالکیت خصوصی هر ایرانی مطلقاً آزاد است که کار و شغل خود را بدلخواه خود انتخاب کند و از آن بهره بردارد .

۱۲ ـ عده کارگاههای بزرگ و متوسط و خورد در تمام رشته های اقتصاد و صنعت و کشاورزی باید باهم متناسب باشند و در حفظ آن تناسب باید کوشید .

۱۳ ـ کلیه کارخانه ها و موسسات چه خارجی و چه داخلی که به زیان ملت فعالیت میکنند باید ملی شوند .

۱۴ ـ جزای کسانی که از راه ناچاقی و احتکار یا بهر عنوان دیگر از کیسه ملت و بضرر ملت تحصیل ثروت کنند مرگ است .

۱۵ ـ ایجاد خدمت کار و وظیفه عمومی برای هر فرد ایرانی .

۱۶ ـ آزاد کردن دولت و در نتیجه ملت از قروض و ربحهائیکه اصول سرمایه داری بآنها تحمیل کرده .

۱۷ ـ اصلاح و نظارت بانکهای ملی و ناشر اسکناس .

۱۸ ـ تهیه پول کارهای عمرانی بدون استقراض از راه انتشار اسناد خزانه و طرق غیر نقدی .

۱۹ ـ حفظ قدرت خرید و پشتوانه پول .

۲۰ ـ ایجاد بانکهای ساختمانی و اقتصادی و صنعتی عام المنفعه بمنظور اعطای وامهای طویل المدة و بدون ربح .

۲۱ ـ اصلاح و تغییر اساسی در مالیاتها مطابق اصول اجتماعی و اقتصادی سوسیالیست ملی ـ خلاص کردن مصرف کنندگان از بار مالیاتهای غیر مستقیم و آزاد کردن تولید کنندگان از بند مالیاتهائی که دست و پای آنها را میگیرد .

۲۲ ـ ایجاد کامل بیمه پیری و ناتوانی.
۲۳ ـ سهیم کردن افراد خلاق و مولد ثروت در منافع کارگاهها و موسسات خویش.
۲۴ ـ مصادره کلیه منافعیکه افراد بیشرف و بی وجدان در مواقع بحرانی از قبیل جنگ و قحطی و غیره از راه احتکار و قاچاق و گران فروشی بدست آورده اند.
۲۵ ـ برطرف کردن بحران کم یابی خانه و از میان بردن خانه هائیکه مخالف بهداشت عمومی هستند.
۲۶ ـ پرورش جوانان چنانکه دارای جسمی نیرومند و توانا و فکری آزاد و قوی باشند بر طبق سنن ملی.
۲۷ ـ آزادی کامل مذهب و وجدان.
۲۸ ـ حمایت مخصوص از مذهب اسلام.
۲۹ ـ مبارزه با مذاهب و فرقی که مخالف نوامیس ملی ایران باشند.
۳۰ ـ از میان بردن تاثیرات شوم و زیان آور استعمار بلشویسم و افکار و عقاید ضد ملی در کتب و روزنامه و رادیو.
۳۱ ـ آزادی علم در دانشگاهها و دانشکده های ایران و پرورش یک کادر رهبری از مردان پاک و با کاراکتر.
۳۲ ـ تشویق حس سلحشوری ملت از طریق اعطای حق دفاع به ایرانیان آزاد.
۳۳ ـ منحل کردن دسته های نظامی مزدور.
۳۴ ـ ایجاد یک ارتش ملی برای دفاع از آب و خاک میهن در مقابل دشمنان خارجی و تربیت یک کادر افسری ثابت با دیسیپلین.
۳۵ ـ اصلاح مطبوعات و نابود کردن کلیه محصولاتی که بر خلاف مصالح ملت و شرف و عفت ملی و شخصی آمده. مسئولیت شدید برای کلیه اخبار دروغ و تحریف شده در جراید.
۳۶ ـ اصلاح و تغییر قانون انتخابات و از میان بردن مبارزات انتخاباتی معمول امروز که بکلی مخالف اصول اخلاقی است. الغاء مصونیت نمایندگان.
۳۷ ـ ایجاد اتحادیه های صنفی.
۳۸ ـ اصلاحات لازم در دادگستری و در [illegible] کردن حقوق [illegible] در برابر عدالت ملی.
۳۹ ـ اصلاحات در امور دولت و حکومت.

سه دشمن سر سخت و نابکار ما در این [illegible] و در اجرای این برنامه اینها هستند: مارکسیستها. پارلمانتریسم و بزرگ تر [illegible] سرمایه داری کلان. یعنی کاپیتالیسم.
۱ ـ نبرد ما بر ضد مارکسیستها [illegible] کشورهای خانمان سوز و خانمان بر انداز جهود بین المللی مارکس. نبرد ما بر ضد مبارزات طبقاتی که نابود کننده ملیتهاست و نبرد ما بر ضد افکار مالکیت عمومی و بر ضد تجزیه و تحلیل تاریخ فقط از لحاظ مادی و اقتصادی.
۲ ـ نبرد ما بر ضد پارلمانتاریسم: [illegible] بر ضد مسئولیت کسانی که بناحق خود را نمایندگان ملت میدانند و چون مصونیت دارند [illegible] در مقابل هیچ مقامی حساب پس بدهند.
۳ ـ جهاد ما بر ضد قارونهای [illegible] از یکطرف نبرد ما بر ضد آن نیروی اهریمنی جهان گیر که همیشه مسئول استثمار و غارت و مکیدن خون ملت ماست. یعنی سرمایه داری کلان و استعمار و از طرفی دیگر نبرد عظیمی است بر ضد افکار روح کش ماتریالیسم و خاصه براندازی آن در نوامیس اجتماعی و فرهنگی.

ایدئولوژی ما بر پایه های زیر استوار است:
۱ ـ ما هر اصل و قانونی که مخالف ترقی ملت ایران باشد زیر پا میگذاریم.
۲ ـ ما دنیا را صحنه کارزار میدانیم و بهمین دلیل قدرت را بهر صورت که باشد فکری عملی. اخلاقی میستائیم.
۳ ـ مرد در پیش ما کسیست که اراده قدرتمندی داشته باشد و چون بکاری آغاز کرد برای انجام آن از جان نیز نترسد.
۴ ـ ما زندگی آسوده را پست و ننگین میشماریم و از آن میهراسیم و در برابر زندگی را دوست میداریم که در آن حوادث زیاد. رزم زیاد و شادی زیاد باشد.
۵ ـ ما اصلا روی فکر خوشبختی ـ بدبختی را قلم کشیده دنیا را صحنه ای برای نمایش نبرد در سه دائره جسمی و اخلاقی و [illegible] میدانیم.
۶ ـ ما اهمیت مسائل اقتصادی را بهیچوجه فراموش نمی کنیم ولی معتقدیم که اقتصادیات

همه چیز قومی نمیشود . چه آسودگی خویشی نیست .

۷ ــ ما در نابرابری جسمی ، اخلاقی و فکری مردم شکی نداریم ، اما هرکس باید برتری شرافت را در کاری بداند که بدان مشغول است و کارگر خشت زن یا گلکار بقدر عالمی که درجستجوی علمی عمر میگذراند از کار خود خرسند و بدان مفتخر باشد .

۸ ــ ما نخستین جنگ را بر ضد اشراف پوسیده و سرمایه داران اعلام میکنیم چه اینها یا با قدرت سرمایه میراثی و یا کسب خود حیات دیگران را تهدید میکنند .

۹ ــ با دومین جنگ را بر ضد کسانیکه به زندگی پست قانع میشوند و در جستجوی افتخار و شرافت و کار برنمیآیند اعلام میداریم .

۱۰ ــ ما با روح تفاهم و فرمانبرداری و غرور ملی درمقابل افکار استعماری ملل قوی و کمونیستی ضد ملی سد محکمی ساخته در برابری و همکاری برادران ایرانی میکوشیم .

۱۱ ــ نهضت ما یک نهضت ارتجاعی نیست بلکه انقلابی است . انقلابی که باید در فکر اخلاق و عمل ظهور کند .

۱۲ ــ ما نخستین دوست کارگران و کشاورزان میخواهیم که مردم خاک وطن را مقدس بدانند چه درآن پرورش یافته و با آن زنده اند .

۱۳ ــ ما میخواهیم که مردم ملت و میهن خود را مانند دیگر مقدسان بپرستند .

۱٤ ــ ما میخواهیم که زنان و مردان یکدیگر را در همه کارها یاری کنند .

۱۵ ــ سرافراز ترین مردم درنزد ما کسی است که برای گروه خود از جان نیز بگذرد او شهید است و از جمله مقدسان نهضت انقلابی ماست .

۱٦ــ اگرچه ما به گذشته ها و پدران خود مفتخریم ولی کهنه پرست و مرده پرست نیستیم و میخواهیم با الهام از گذشته ها بزرگ ترین اصل تاریخ بشری را بدستخود در آینده بنا کنیم .

پیشوایان و مردان حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران سوگند یاد میکنند که تا آن زمانیکه این نبرد حیاتی ایران نبرد روشنی بر ضد تاریکی . نبرد نوامیس مزدیسنی بر ضد نیروهای اهریمنی فیصله نیافته تیغ برهنه خود را زمین نگذارند و جامه جنگی را از تن بیرون نکنند .

بیست سال است که از دور همیشه شاهد احوال این وطن بوده ام و همیشه نصایح و اندرزهای لازم را بی هیچ پروا و اندیشه ای به زمام داران این کشور نوشته و گوشزد کرده ام در هیچ موقع از این افکار استفاده ای نشد و توجهی باین گذارشها که فقط شامل خیر و صلاح ایران بود نگردید . تا سرنوشت ملت نجیب و اصیل ایرانی باینجا کشید که در نتیجه یک جنگ بزرگ سه روزه ناموس ملی ما ملعبه سربازان انگلیسی و روس و امریکا گشت و وعده های کمک بعد از جنگ آنها این است که هر دقیقه ناوهای جنگی و توپهای آنها دهان خود را بسوی سواحل و مرزهای ما باز میکنند .

من وقتی باین وطن بیچاره . از هم دریده . از هم گسسته خون آلود با این ملت لخت و برهنه و گرسنه برگشتم . هم میهنان عزیزم باور کنید ـ دود از سرم برخاست . اول مصمم شدم به سفر چندین ساله و کارهای علمی خودم برگردم و در همان جا بمانم . درواقع نیز برگشتم . اما همینکه دیدم جنجال نفت برخاسته و حنوز دیگر ملت من جز با دست جوانان میهن فداکاری فیصله پذیر نیست برهستی ، زندگی ، آزادی ، انفرادی خود پشت پا زدم ـ بی آنکه کوچکترین امیدی جز شما . ای مردان پر شهامت و ای نخستین سربازان سیاسی ایران که با من ـ همدید داشته باشم [redacted] .

من امروز پس از چهار ماه رذالت و دوستی نزدیک با شما یقین حاصل کردم ـ که دیگر در جهان بینی سیاسی ما هیچ اختلافی نیست و شما ـ ای نخستین سربازان سیاسی ایران تا آخرین قطره خون خود از ایده بزرگی که ... در سر داشته اید و لایق ترین خدمت ما آن بوده است که آنرا تنظیم و ابلاغ ... پشتیبانی خواهید کرد .

اما فعالیت حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران هرگز متوقف ... همیشه بسوی بالاست ما مصمم هستیم ریشه های فساد و انحطاط را در کشور آبائی و اجدادی خود از ریشه بر کنیم . رشوه و ارتشاء را از میان بر داریم . عضو غیر خلاق و غیر فعال در این جامعه باقی نگذاشته همه این ملت را بکار واداریم ـ ما قدرت پول ـ قدرت اهریمنی سرمایه داری کلان این بلای قرن بیستم را درهم خورد و له خواهیم کرد . چه نقادان خورده گیر ما را کمونیست بدانند یا هرچه خود میخواهند . در اجرای این هدفی که ما یک ... ایران ـ در پیش گرفته ایم هیچ ... حاصل نخواهد شد .

ما مصمم هستیم یک انقلاب اخلاقی در این کشور پدید آوریم تا عظمت و حشمت آن دنیا بیدار را بلرزه در آورد .

ما مصمم هستیم نظم و دیسیپلین اجتماعی را در این کشور جانشین همه ... و ... لکه های اخلاقی سازیم ما موفق خواهیم شد چه تمام هوای رحمانی ... ما است

دشمنان ما باید بدانند که در این نبرد مردانه عظیمی که آغاز کرده ایم و بدین شک حیات ملی ایران بدان بسته و معلق است. ما سر سخت ترین و مصمم ترین حریفانی هستیم که تا کنون دیده اند . دنیا اگر امروز نباشد ـ فردا به عظمت از کار ما پی خواهد برد .

ننگهای چندین صد ساله برای این وطن از هم گسسته از هم پاشیده بس است.

از چهل ملیون ایرانی با هزاران حیله و تزویر با هزاران حقه و ... بنامهای مختلف دولتهای پوشالی جمهوری سوسیالیستی تشکیل داده اند تا بتوانند ... استعمار و استثمار کنند .

و دنیا بداند : هرکه با ما بتاید ما با او نبرد میکنیم و هرکه با ما بجنگد ما او را خرد خواهیم کرد

۴

ایرانیان دنیا امروز بیدار شده اند و این بیداری از اینجا از این نقطه از این مکان ـ از این هسته ـ از همین زیر زمین و از این حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران شروع میشود . ما رهبران حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران که تنها و تنها با بازوان توانای کارگران و کشاورزان [illegible] طبقات دیگر ملت [illegible] کار داریم از هر نوع جاه طلبی و خودنمائی دوری میکنیم و دوریم و فقط و فقط بیک چیز ایمان داریم و برای یک چیز کار میکنیم و آن عظمت و بلندی ایران و ایرانی است بمعنای اعم و وسیع خویش .

از هم پیمانان عزیز منتظر هستم که هر کاری که بآنها رجوع میشود گو که جاروکشی محل حزب یا رهبری حساسترین جمعیتها باشد درنهایت صمیمیت و مسئولیت و وجدان انجام دهند و یقین داشته باشند که در موردی باید مناقع عالی تر و بزرگتری را که عبارت از پیشرفت کار و موفقیت اینگروه است درنظر گرفت. و اصولا چنانکه در برنامه حزب اشاره کرده ایم هر کارگر خشت زن یا گلکار باندازه عالمی که جستجوهای علمی عمر میگذارد باید از کار خود بهره ببرد و بدان مفتخر باشد . اینجاست که باید بگویم نه تنها داشتن و حفظ کردن برنامه کفایت نمی کند باید هر کدام از ما نشان دهیم که روش زندگی ما کوچکترین انحرافی از خطی که در برنامه ما بازی شده ندارد و این فکر که در اینجا آشی تقسیم میشود فکر پوچ و حرف مفتی است که از الان باید جای آنرا بگیریم . ما اینجا دور هم گرد آمده ایم تا بنای آینده ایران بزرگی که مافوق جاه طلبیهای شخصی است کار کنیم .

ضمنا باید هم پیمانان خود را نشان کنم که میدان ابراز لیاقت برای همه ما باز است و هرکس [illegible] با فداکاری [illegible] حزبی ترقی کند .

از هم پیمانان عزیزم خواهشمندم در هنگام تبلیغات در برابر اشخاص خارجی از ذکر کارمندان حزب حتی المقدور خود داری کنند .

چنانکه همیشه در گفتگوها و در نوشته های حزبی ذکر شده هیچکدام از ما بهیچ عنوانی و بهیچ بهانه ای حق نداریم درست در موعدی که [illegible] مأموریت محوله را انجام نداده باشیم برای من هزار بار بهتر است که کسی مأموریتی را نپذیرد تا آنکه آنرا بپذیرد و موعد آنرا نگه ندارد . از این تاریخ هر مأموریتی که در موعد انجام نشده باشد از مأمور آن گرفته شده بدیگری داده خواهد شد . این خلف وعده در پرونده ضبط خواهد شد ـ امیدوارم در پرونده هیچکدام از ما از امروز علامتی در خلف وعده داخل نشود . پس از این بگویید که این خلف وعده ها غالبا درنتیجه خلف وعده مردمی است که ما در خارج با آنها سر و کار داریم . این ـ بدون شک درست است اما از وظائف ما یکی همین است که مردم را مثل خودمان تربیت کنیم نه اینکه خودمان مثل مردم بشویم و شلخته گی آنها را بیاموزیم .

از دقیقه ای که جلسات حزبی [illegible] جلسه [illegible] را از همه انتظار دارم .

[redacted]

[redacted]

خون اشرف مادر ایران ـ پاینده حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران ـ آباد ایران

[illegible]

هم پیمانان عزیزم - هم میهنان .

پیش از هرچیز میخواستم به روان شهیدانی که از بدو پیدایش تاریخ ایران تا کنون - برای این خاک - این خون - و این نژاد جان سپرده اند درود بفرستم - از همه شما خواهشمندم در این لحظه از جای خود برخیزید و با من بگوئید : شاد روان شهدای ایران :

این آتش مقدسی که در پیش چشم شما میسوزد نه تنها سنت پدران ماست و گونه ای از تاریخ فرهنگ نیاکان ماست بلکه نمونه آن آتش محبتی است که باید در قلب همه ما نسبت به میهن خودمان شعله ور باشد .

هم پیمانان -

سرعت عامل بزرگ عصر حاضر بما عمر دراز و عمر چند برابر میبخشد . ما میخواهیم در طول عمر خود فعالیتهائی انجام بدهیم . سرعت دامنه این فعالیتها را وسیع تر و بزرگ تر میسازد . اینست که از هم پیمانان خویم میخواهم که در انجام ماموریتها نهایت کوشش را بکار برند تا در اسرع اوقات انجام یابد .

هم پیمانان عزیزم .

روزیکه شما مرا برهبری حزب شناختید من از آن روز زندگی شخصی را کنار گذاشتم و سر تا پا حزب شدم - سرتا پا یک فدائی و یک قربانی زنده حزب گشتم . من جز حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران چیزی نیستم . فرمان من فرمان حزب است و بهمین جهت باید بیدرنگ اجرا شود .

من امشب باز لازم میدانم گفته باشم دیسیپلین آهنین باید در بین ما حکمفرما باشد - درمقابل دشمنان باید بی رحم تر از شیر درنده باشیم اگر بناست این نژاد بماند و در این خاک فرمانروائی کند .

اگر بناست تنها نمایه آبی که برسر کشور ما برای ناامیدی یافت میشود اشک - زنها و فرزندان ما نباشد ...

اگر بناست اینطور نباشد که گرسنه گان فردا جز سنگ صحرا خوراک دیگری نداشته .

اگر بناست ما در برابر روح اجداد خود سر شکسته نباشیم ....

باید سوگند یاد کنیم که [illegible] خارجی ذره ای رحم نیاوریم .

پاینده آتش مقدس ایران

شاد ایران

۳۰/۹/۱۹

هم پیمانان عزیزم ، هم وطنان

قبل از آغاز سخن میخواستم امشب نیز بروان همه شهدائی که از بدو پیدایش تاریخ ایران برای این خاک و این خون جان فشانده اند درود بفرستم از همه شما خواهشمندم از جای برخیزید و با من بگوئید "شاد روان شهدای ایران "

چه کمتر ملتی در محراب خداوندان آزماینده خود این قدر قربانی داده است که ما داده ایم پس ما حق تاریخی زیستن داریم ، حق تاریخی زیستن بیش از دیگران ، زیستن در افتخار ، در شرافت ، در بزرگی ، در کار ، در سربلندی .

مباحثات مفتضحانه پارلمانی و هرج و مرج این چند روزه پایتخت نشان داده که یک قوه متشکل هر قدر هم تعداد آن کم باشد اگر مراعات دسیپلین آهنین و از خود گذشتگی را بکند موفق خواهد شد .

هم پیمانان عزیزم ، هم میهنان .

تقریبا در چهار هزار سال پیش از این پدران ما از سرزمین سرد سیری که مکان آن به تحقیق معلوم نیست بسرزمین ایران بزرگ یعنی : ایران ، افغانستان ، بلوچستان ، تاجیکستان ، قفقاز وارد شده در ۲۵ قرن پیش از این اجداد ما در این سرزمین دولتی ساخته اند که بر ربع دنیای معلوم و ساکن آن زمان با ۵۰ ملیون نفوس فرمانروائی میکرد ، تشکیلات این دولت جهانی هنوز مایه رشک و حیرت جهانیان است .

امروز این نیاخاک گرامی و مقدس را حس خارج از اندازه مهمان نوازی ما نسبت به اجنبی ها بیک ویرانه از هم گسسته پاره پاره ای مبدل ساخته است ، چه بیگانه هرگز بغیر و نفع مملکتی کار نمیکند ما از همه این بیگانه ها بدتر جهودها هستند که بگفته ممسن مورخ نامی المانی میکروب تجزیه امپراتوریها میباشند ، در دنبال آنها افکار بین المللی بهائی مخرب خانمان ملی ما شده اند .

هم پیمانان عزیز .

اگر ما حکومت پارلمانی و دمکراسی را نمی پذیریم برای این است که اینها پایه زندگی سیاسی را روی مساوات برقرار میکنند و [illegible] را پایه زندگی اقتصادی قرار میدهند

اگر ما اصل سوسیالیزم مارکسیستی را [illegible] باید قواعد و رسوم اخلاقی ملی را دور بریزیم و خائن و جانی را داخل در اجتماعات خود کنیم آنوقت خیانت بملت در زمره فضیلتها و تقوی ها شمرده میشود و گریختن در مقابل دشمن و بی غیرتی نسبت بخون و خاک ایرانی را باید جایزه بخشید . یعنی ایده آل مردم خیانت خواهد بود .

شما میدانید که مبداء و سرچشمه آموزه ما یعنی دکترین آموزه سوسیالیسم ملی کارگران ایران دولت نیست ، کاغذ پاره نیست ، یک موجود بی روحی که مخلوق خود ما باشد نیست ، مبداء آموزه ما قلب زنده [illegible] زنده ملت است ، ملت سرچشمه الهامات ماست ، ملت آن پایه زنده و جاویدیست که ما ایده آل خود را بر آن بنا کرده ایم ، ایده آل ما بر پایه یک موجود زنده ایست که آن بان هستی خود را در عالم ثابت میکند .

ایده آل ما بر پایه موجود زنده ایست که دائم در تموج و خروش است .

ایده آل ما روی ملت استوار است نه بر مادیت بی روح ، نه بر اقتصاد مارکس .

خود اگر تعقل ما در خدمت ما نباشد آن تعقل بچه درد میخورد ؟

دنیا در رتبه اول عمل است و احداث و در رتبه دوم و درست برای اینکه عمل و احداث بسیر و تفکر احتیاج دارد ، در درجه دوم ، سیر است و تفکر و تئوری ، خود مذهب از این نظر برای ما مهم است تا جوهر ملیت را زنده نگاهدارد . اگر ملتی در کار نمی بود مذهبی هم در کار نمی بود ، هر ملتیکه از بین میرود مذهب او نیز با او از میان میرود همچنانکه هر قومی که می میرد افکار سیاسی و مذهبی او را نیز با او بخاک می سپرند . ازتکها و اینکاها در امریکا از بین رفته اند و مذاهب و عقاید خود را نیز با خود بگور برده اند .

اگر امروز بلشویکها یا عمال آنها بر ملت دیگری مسلط شوند خواهید دید چگونه همه چیز آن ملت از بین میرود ، ما میگوئیم رهبری سیاسی قومی را ، رهبری سیاسی ملتی را باید بکسانی واگذار کرد که عرضه و لیاقت رهبری دارند ، رهبری سیاسی قومی باید بدست برگزین های آن قوم سپرده شود ، وظیفه حزبی ما این است ، که مانند یک سپاه ملی ، آن افکار سیاسی

که باعث دوام و نگه دارنده قومی هستند دائم زنده نگهداریم و این افکار سیاسی را برای مقابله با افکار ضد ملی حاضر داشته باشیم .

ما باید این معنی سوسیالیسم باشیم که مقام هرکس را درخور لیاقت ملی او تعیین کنیم نه دربرابر ثروت و پول او . چون امروز اساس ملیت ما در مخاطره است دیگر جای این بحث نیست که ذاتی کار یا قلم قدم در سنن ملی ما نبوده از ما نیست و باید از آن احتراز کنیم . امروز باید بهر وسیله شده با دو دست محکم با نچیزهائی بچسبیم که برای زنده نگاهداشتن این ملت و جاوید نگاهداشتن این نژاد مفید است . از طرف دیگر شما میدانید که ما چه مقام وچه احترامی برای سنن مفید ملی قائل شده ایم .

هم پیمانان عزیزم . ما فقط میتوانیم با عزم و اراده فولادین و با اصولی باز محکمتر و بازسختر از انها موفق شویم . برای همین است که در مقابل مسئولیتهای خودمان باید مردانه ترین و بی رحم ترین اشخاص باشیم .

ما وقتی موفق میشویم که همه تا پای جان یك چیز بگوئیم . یك چیز فکر کنیم . یك چیز بخواهیم و یك چیز حس کنیم .

هم پیمانان . من اصولا کمتر در زندگی پیش گوئی کرده ام و بیشتر از این نظر که موفقیت و یا عدم موفقیت چیزی را قبلا تعیین کنم معتاد بوده ام . من یك پیش گوئی میکنم و آن اینست که این حزبی که با این سادگی . با این استحکام و با این مردانگی شالوده آن ریخته شده و فداکارانی مثل شما ها و مثل من دارد در اینده بسیار نزدیکی فاتح و پیروزمند خواهد شد . من روز فتح و فیروزی را بچشم سر می بینم .

بخت نیك کدام یك از ما را تا آن روز زنده نگه میدارد و بخت نیك تر از آن کدام یك از ما را فدای این ایده آل مقدس میسازد من نمیدانم ؟

[redacted] . ولی بهر صورت آن روزی که پرچم سرخ انقلاب سیمرغ نشان ما با ... جنگی بر بالای بلندیهای این خاك باهتزاز در اید نزدیك است .

قدرت سرمایه را فقط با کارو ایمان میتوان درهم شکست . ما ایمان داریم و پول نمیخواهیم . ایمان ما بزرگترین ارزشهای عالم است .

ما بارها گفته ایم که اصل دمکراسی را که اصل قدرت پول را که اصل حقه بازی انتخاباتی را نمی پذیریم . ما بارها گفته ایم که این مرداب سوسیالیسم ملی کارگران ایران است و در این مرداب مردانگی و ایمان زیر سرپرده گی و پاینده گی حکمفرماست . من نمیدانم چرا کسانی پیش من میایند و میخواهند در مرکز حزب ما . در انجا که ما ولنها خود ماشیم رای و انتخابات برقرار کنیم . درست آن چیزی که کشور ما را باین روز انداخته است . کسی از ما این اشخاص را مجبور نکرده بما بگروند . اگر مایلند انجا باشند باید همه چیز ما را بپذیرند و تشکیلات بدون رای حزبی ما را نیز قبول کنند . تنها اختیاری که دارند در این است که وارد بشوند یا نشوند .

این است که من از همه شما میپرسم :

آیا حاضر هستید برای این مرام . برای این ایده الوژی . برای این پیمان که گرد اگر کرویده ایم همه توانائیها یخود را بکار بیاندازید ؟ من از شما میپرسم آیا حاضر هستید که از هیچ فداکاری . حتی جانگذاری . در راه این ایده آل دریغ ندارید ؟ من از شما میپرسم آیا حاضر هستید فرمانهای حزبی را که من زبان گویای آن و رهبر آن هستم که من فداشی و جان گزار نخستین آن هستم بدون چون و چرا اجرا کنید یا نه ؟

برای حفظ جانهای حزب از مخاطرات یکه ممکن است در این آشفتگیها بهرج و مرج کشی روی دهد من دستور داده ام که [redacted] از امروز تا سه دفعه دیگر از میان رشید ترین و فداکار ترین افراد حزب نخستین دسته حمله و پیك فولادین حزب را تشکیل بدهد و بمن معرفی کند . [redacted]

۱۳۳۰/۹/۲۸

هم پیمانان عزیزم ، هم وطنان

قبل از همه چیز و قبل از شروع بسخن میخواهم از این مسند واقعی بروان پاك شهدائیكه برای ایران بزرگ برای این نیاكان بزرگ از بدو پیدایش تاریخ ایران تا كنون مردانه جان سپرده اند درود بفرستم . از همه هم‌نوایانم خواهشمندم از جای خود برخیزید و با من بگوئید "شاد روان شهدای ایران"

در این مملكت صدها دسته ، فرقه و كلیك و باند حزب وجود دارد كه همه آنها — با نهایت صمیمیت برای یك چیز كار میكنند . میدانید برای چه ؟ برای نفع شخصی و جیب خود . من یقین دارم و سوگند میخورم ، كه ما تنها دسته ای هستیم ، كه با فداكاری و بی‌نظیری با یك حس از خود گذشتگی بی‌مانندی ، برای این مملكت كار میكنیم .

ما دور از هرگونه تظاهر و دو روئی دور از هرگونه شعبده بازی و عوام فریبی دور از پر حرفی و معنی بافی به یك چیز پای بندیم به آینده ایران و ملت ایران .

دسته ای ما را بلشویك ملی میدانند برای اینكه پرچم ما سرخ است . دسته ای ما را مرتجع میخوانند برای اینكه ما از خون ملت ، از سنن ملی ، از عرق ایرانیت در همه حال استمداد میكنیم . اما اینها ، این جاهلها هنوز بین سرخ و سرخ فرق نمیگذارند . ما دور از آنیم كه مانند همسایه دیو آسای شمالی گله ئی بخواهیم از مردم درست كنیم و گوسفندانی با نمره بدون اسم و كارگران را مانند ابزار بی‌جان در كارخانها بیندازیم و شخصیت كشاورز ایرانی را از بین ببریم و او را در ردیف همان گاو آهنی بشماریم كه با آن شخم میورزد . نه هرگز ما از آن سوسیالیستها نیستیم . سوسیالیسم ما در روی صفحه مرده كاغذی با مركبی بی‌روح تر و مرده تر از آن كاغذ تدوین نشده . سوسیالیسم ما سوسیالیسم [illegible] جهود و از سوسیالیسمهائیكه ارمنی ها از روسیه برای ما سوغات آورده اند نیست . [illegible] سوسیالیسم ما سوسیالیسم عمل است . ما میكوشیم قدرت سرمایه و پول را در هم بشكنیم ما میكوشیم بگذارید لیاقت اشخاص را پاداش دهیم بگذارید كار و حرفه اشخاص را محترم بداریم .

ما میكوشیم در میدان سیاست بگذارید آن فرزندان وطن كه لایقتر و پاكتر و فداكارتر از همه اند با مسئولیت تمام رشته كارها را در دست بگیرند و در میدان اقتصاد همه یكسان و در یك ردیف باشند . ما میگوئیم ملت باید اعضای بهم بسته و پیوسته یك خانواده بزرگ باشند

آنها میگویند هركه بیش از همه پول دارد باید فرمانروائی كند . آنها میگویند لیاقت فداكاری ، پاكی ، ارزش روحی را باید بخاك سپرد آنها میگویند ملت را بخاك و خون بكشید تا ما زنده باشیم .

ما میگوئیم كه ما جان خود را هستی خود را فدا میكنیم تا این ملت ، این نژاد این قوم ، این ایران ما همیشه زنده و پاینده باشد تا نام ما سربلند و جاودان باشد تا دنیا هست ، و تا ستارگان در آسمان میدرخشند ما میگوئیم سرچشمه الهامات ما ملت است — سرچشمه الهامات ما آن نیروی زنده پاینده و ویران كننده ایست كه ملت مینامیم .

آنها میگویند سرچشمه الهامات ما اقتصاد ملت است ، و مثل آن نان غذا و غذا اقتصاد بدنی است .

اگر من این ماموریت آسمانی و یزدانی را نداشتم كه ملت گمراه و گمشده خود ، ملت بی نوا و نجیب ایران را بام سعادت و بزرگی باستانی برسانم .

من اگر یقین نداشتم كه آن ملتی كه مردانی مثل شما و مثل من دارد هرگز نخواهد مرد . شما را باین راه دعوت نمی‌كردم .

من در حضور شما از سرنوشتی تشكر میكنم كه مرا زبان گویای آن احساساتی كرده كه در قلب همه ما و هر ایرانی جوانمرد حلالزاده ای [illegible] است .

من در حضور شما از سرنوشتی تشكر میكنم كه ما را پی ریز و پایه گذار ایرانشهر سوم یعنی ایرانشهر سوسیالیسم ملی كارگری ایران كرده است .

ما كسانی هستیم كه آزادی فردی را فدای آزادی ملت میكنیم .

هم پیمانان عزیزم ، ملت ما آزاد نیست . آزادی یعنی هرزگی و آنارشی نیست . آزادی یعنی آنكه هركس بتواند قدرت خلاقه و آفریننده خود را در خدمت ملت بگذارد . اول بنفع ملت و بعد بنفع خود بتواند كار كند .

اگر ما به طیب خاطر از قوانینی که پذیرفته ایم فرمان ببریم . ایا از ما سلب آزادی میشود ؟ .

این است که من فریاد میکشم : ای ملت ایران . بیدار شو . از خواب گران برخیز و خود را از انارشی و لاقیدی اجتماعی ازاد کن .

شما تصور میکنید این ازادیست که دکانهای شهر پر از اجناس جور واجور باشد و بشما بگویند شما ازاد هستید هرچه بخواهید بخرید و در حقیقت فرزندان شما پا برهنه راه بروند چه شما استطاعت خرید یک کفش را ندارید در صورتیکه مجلل ترین ماشینهای امریکائی را زیر پای یک مشت بیما و ـ اراذل و اوباش مملکت می بینید .

نـه . نـه . نـه میهمانان عزیز من .

این اسارت است . اسارت در چنگال مخرب ترین عوامل دنیای امروز است . این اسارت در جنگ یک دشمن بیرحمی است . که ما پول و سرمایه می نامیم .

ملت ایران . بیدار شو و از بند این اسارت خود را برهان .

یا در ان بمان و در ان اسارت بمیر . بمیر بمرگ ننگین تا بعدها بر سنگ گور تـو بنویسند " بی غیرت "

ما هم دستهم بدشیوت بنوشیم . اگر کوچکترین تزلزلی در ایمان ما نسبت به مرام ما و ایده الوژی ما باشد ما موفق نخواهیم شد و اگر ایمان ما شکست ناپذیر باشد موفقیت ما صد در صد محرز است . آن اینده درخشانی که من پیش گوئی میکنم و بچشم سر می بینم در برابر ماست .

امروز روز مردی و مردانگی است و از جان گذشتن است .

کار ما از مشروطه و استبداد از دمکراسی و بوروکراسی و هر اسم دیگری که بخواهید گذشته یا هنوز بان نرسیده ایم امروز در کشور ما نظم لازم است و کار . کار شبانه ـ روزی مثبت مفید که فقط در سایه ان نظم انجام پذیر است و ان نظم فقط میتواند در زیر ـ سایه بال گسترده سیمرغ بزنم ما بر قرار باشد . چون ما همه اینها را میدانیم پس امروز هرکه با ما بیاید ما با او میجنگیم و هرکه با بجنگد ما ابرا خورد خواهیم کرد .

و من تا روز پیروزی نهائی این جامه سربازی را از تن بیرون نمیکنم .

هم میهمانان عزیزم . سربازان سیاسی و رشید ایران بی هیچ شائبه و تزویری ـ چنانکه همیشه ائین ما بوده است باید بگوییم . که ما با انکه مکتب سیاسی دمکراسی را رد ـ می کنیم . با انکه رژیم پارلمانی را منفی و مغز بحال ملت خود میدانیم با اینهمه از هر دولتی که در مقابل یک دشمن خارجی قد علم کند حمایت و پشتیبانی را تقویت میکنیم و لاقل در ان نکند بجیبی یا دولت یک جبهه مشترک تشکیل میدهیم . چه اگر جز این میبود ما بملت و مملکت خود خیانت کرده بودیم .

قدرت جنگی انگلستان هرچه میخواهد باشد الهی قدرت سیاسی بریتانیا تمام تاره ها و ـ اتمانیها را هم فرا بگیرد . ما اراده ملی و قدرت اراده حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران را ازان بیشتر بالاتر و مهیب تر میدانیم . و حال انکه شیر خون خواره ای پیر انگلستـان درحالت نزع است .

ما در مدونات حزبی که تا کنون باپشده اند به لزوم ایجاد بهترین جاده های بهترین و بزرگترین بندرها توجه خاصیکه ما نسبت به دو دریای شمالی و جنوبی کشور خود ـ داریم ذکر کرده ایم ما دو روز سال را در " ایرانشهر سوم " بنام جشن خلیج و جشن خزر تعیین کرده ایم . درست برای اینکه اهمیت این دو منطقه حیاتی ایران بزرگ را گوشزد کرده باشیم .

هم میهمانان من هم میهنان .

امروز سرنوشت ما دیگر در میان نیست . امروز سرنوشت ایران در کار است من در حالیکه بشمن داریم که در یک جنگ ملی با یک دولت خارجی هزاران هزار داوطلب ـ ایرانی حاضرند جان فدا سازند . از خود می پرسم در این نبرد سیاسی عظیمی که ما اغاز کرده ایم در این انقلاب اخلاقی . فکری و عملی که ما در پیش داریم در این نبرد زشتی بوند تاریکی نبرد اویه بوند اهریمن . در این نبرد کار فعالیت لیاقت بر ضد سرمایه داری و بر ضد کمونیسم بین المللی پیشروان کیستند ؟

ما باید این قدرت معجزه اسا را نشان دهیم که درمیان ملت ما هنوز کسانی هستند که

۵۳

غلامی و بندگی تن در نمیدهند و آزادی شیر را اگر با خون خود هم شده میجویند.

همین مطلب که این حزب اصولا تشکیل شده و شما و من در آن حاضریم هم اینکه حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران از فکر بعمل پیوسته بزرگترین نشانه اینست که ما حاضر و آماده مقابله با هر دشمنی میباشیم و حاضر نیستیم در مقابل هیچیک از آنها کوچکترین گذشتی داشته باشیم.

یک یک شما زندگی ساده بی آلایش و بازی مرا میشناسید.

من میخواهم که هرکه بپرچم ما میگرود دیگر از خود چیزی نداشته باشد هرچه او در قدرت دارد باید باین پرچم از جان و مال هدیه کند.

ما کسی را بزور وارد حزب نمیکنیم و برای همین من فرمان دادم که تنها آن فداکارانی را در حزب بپذیرند که ایمان آنها به سوسیالیسم ملی کارگران ایران یک ایمان قاطع و مذهبی باشد.

اگر ما بخواهیم بهدف غائی خودمان برسیم با نشستن در یک اطاق و انجمن کردن نمیتوانیم با علم و ادب و حساب ریاضی نمیرسیم. ما باید در میدانهای مبارزه نشان دهیم که ما مرد عمل و پیشرفت هستیم

من حرفی که چند روز پیش هم پیمان ما امیر مکری بمن میگفت تکرار میکنم.

او میگفت "پیروزی ما بر حزب توده ایران یعنی حزب سوسیالیسم کارگران ایران در برابر دولت غول آسای شوروی"

برای ما هیچ افتخاری بالاتر از آن نیست که بگوئیم این مرام گرویده‌ایم و تا پای جان برای نجات ملت، خون نژاد و وطن خود میجنگیم.

روزی که ما موفق شویم دنیای بیدار توفیق ما را یک رمان شاعرانه‌ای خواهد دانست که از میان یک انحطاط روحی و جسمی یک چند نفر بپا برخاسته اند و عالمی را نجات داده‌اند.

فرق ما با دیگران این است که آنها میگویند
که ایران بمیرد اما ما باید زنده بمانیم.
ما میگوئیم:

ایران باید زنده و جاویدان باشد اگر یک یک ما و همه آنها چون ما بایستی جان خود را فدا کنند.

از جای خود برخیزید با من بگوئید.

پاینده حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران

فروزان آتش مقدس ایران

شاد ایران

۱۳۳۰/۱۰/۵

هم پیمانان عزیز هم میهنان

پیش از همه چیز میخواهم از این معبد ملی از این پرستشگاه ایرانی از این چشمه جوشنده که قلب حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران است از این سرداب مقدس بروان پاک همه شهدائی که برای این آب و خاک این ملت و این نژاد از بدو پیدایش تاریخ ایران تا کنون جان سپرده اند درود بفرستم .
از شما خواهش میکنم در این لحظه از جای خود برخیزید و با من بگوئید
"شاد روان شهدای ایران" !

هم پیمانان من .

ما دور از آنیم که از مرگ بترسیم و از کشته شدن باک و پروا داشته باشیم چه در آن لحظه ای که ما مرام و ایده الوژی حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران را پذیرفته ایم از آن لحظه جان ما دیگر در اختیار خود ما نیست و بآن تا نیمه ای ما جان خود را عزیز میداریم که در خدمت این میهن و خاک باشد . ما دور از آنیم که کلمات و الفاظ بزرگی تلفظ کنیم بی آنکه اعمال و افعال بزرگتر ما پشتیبان آن نباشد . کردهای فولادین ما اگر گفتار فولادین پراکنده شده برای آنست که ما بعالمی مقاصد خود را اعلام کنیم که آخر ما چه میخواهیم و چه در سر داریم .

در روز سه شنبه گذشته [illegible] فکر ما یکی از [illegible] که در سه شنبه [illegible] اردیبهشت آلوده حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران را در [illegible] . در این سانحه هوائی اسف انگیز بجان سپرده ما همه بشهامت اخلاقی ایمان و میهن پرستی او آگاه بودیم . بدلایل و عللی که اینجا جای ذکر آن نیست در همکاری او با ما بدون آنکه شکستی حاصل شده باشد وقفه پدید آمد . رفیق ما همیشه از جان و دل در خدمت حزب بود [illegible] بی آنکه در آخرین جلسات رسمی حاضر شود اینست که جز گروندگان ماه های اول و هم پیمانان دوره دیگران کمتر او را میشناختند . من از صمیم دل از مرگ این ایرانی پاک و این هم فکر گرانبها [illegible] اظهار تاثر میکنم . من خود را مشمول دانم [redacted] پرونده ای پس از فقدان بنام او تدوین کند .

چون در میان ما عزاداری در حزب ممنوع است خواهشمندم [illegible] کاظم مصوفخانی از جای برخیزید و بیادبود او سکوت کنید

من ایمان و یقین دارم که این [illegible] چند برابر کند . نه تنها برای اینکه یکی از جوانان فعال ما از دست رفته بلکه باین دلیل بیشتر که هر قدر ما زودتر بهدف خودمان برسیم روح این مرد [illegible] خواهد شد .

هم پیمانان من .

من متاسفم که کاظم مصوفخانی [illegible] در میان ما حاضر نخواهد بود اما ما نام او را با افتخار زنده نگه خواهیم داشت و آن بسته است بایمان و نهایت بشهامت شما .

هم پیمانان من

در این نبردی که ما با دشمنان [illegible] یعنی بلشویسم) با کاپیتالیسم (یا سرمایه داری کلان) و با پارلمانتاریسم [illegible] وکلای بی مسئولیت و یا معرفت) آغاز کرده ایم خدای زیبا نال بزرگ (همان قدرتی را) که سرنوشت این خاک و کل و این ملت را بدون شک بدست ما سپرده است شاهد میگیریم که لحظه تیغ خود را بزمین نخواهیم گذاشت .

سلاح نبرد ما [illegible] یعنی درستی یک دندگی [illegible]

سلاح [illegible] دشمنان ما دروغ و وعده [illegible] است .

یکدسته دشمنان ما میگویند ارزش هر کس عبارت از ارزش مادی اوست میگویند فلان کارگر در روز اینقدر میارزد چرا که اینقدر محصول از زیر دست او بیرون میاید .

یکدسته دیگر فریاد میزنند آزادی آزادی برای ملت و معنی آنرا چنان میدانند که همه ملت اسیر پنجه یک یا چند ملت دوست از خود باشند ولی در روزنامه ها آزاد باشند . مردم کثیف ترین نشانها را بکوچه و پس کوچه [illegible] کلیه ملت در میان [illegible] غوطه ور باشد و در آن منجلاب آزاد باشند سر و مغز یکدیگر را خرد کنند .

معنی آزادی دولت برای دشمنان ما [illegible] همه عوای خدا داد خود از فقر و بدبختی بمیرد در صورتیکه گنجینه ها و معادن و ذخائر زیر زمینی و روی زمینی همه جای ایران نقطه به نقطه این خاک مقدس ما را گرفته است .

آنوقت است که دولتهای ما مجبور میشوند برای پشیزی دست گدائی پیش دولت امریکا یا بانک

بین المللی که میخواهم ... آن بمیان دراز کنند و بالاخره هم معلوم نباشد که این بانکهای انگلیسی از طرف انها نوبن بزرگ این نفت را بمملکت ایران خواهند کرد یا خیر

هم میهنان عزیزم

آزادی برای ما یعنی آزادی فهم ، آزادی ملت ایران یعنی ملت ایران آزاد باشد از قیود اقتصادی و سیاسی که ملل دیگر میخواهند بر او هموار کنند . اگر این آزادی در رتبه اول تامین شود ، آزادی فردی نیز تامین میشود .

هم میهنان من .

من از آن ناطقین رهبران حزبی و ازان نیستم که انچه میگویم خود بارزترین نمونه عمل ان نباشم . من از ناطقینی نیستم که با یقه اهاری و استکبرهاید با شما صحبت کنم یا با یک عبا و ریش بلند بخواهم شما را بفریبم من در این جامه سربازی ساده بی انتظاری که حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران برای خود انتخاب کرده با این دستهای کارگری که از سیاهی به سفیدی باك ندارند برای شما حرف میزنم .

هم میهنان من .

من میخواهم باز تکرار کنم که آزادی یعنی آزادی ای که در ان هر عضو مولد ملت بتواند قوای خلاقه خود را اول بنفع ملت و بعد بنفع خود و خانواده اش بکار اندازد .

انسانیکه در میان گروهی زندگی میکند مجبور است از قوانین مربوطه یا نانوشته ای فرمان برد . من برای شما یك مثال ساده ای میاورم فرض کنید شما تنها در خانه ای هستید شما آزادید هر وقت میخواهید بروید هر وقت میخواهید بیائید هر وقت میخواهید بخوابید همین که مثلا مردی زن بگیرد یا زنی شوهر کند در برابر منافع و شادیهای این باهم زیستن یك نوع مقرراتی نیز پیدا میشود که برای بقای این زناشوئی باید از آنها اطاعت کرد . اگر فرزندی نیز پیدا شد باز آزادی فردی محدودتر و محدودتر میشود و همینطور بیبالا هر قدر افراد یک خانواده ... ده ... و بالاخره ملتی را تشکیل میدهند بیشتر باشد بیشتر حفظ منافع عمومی را هر یك از این افراد در نظر بگیرند آزادی فردی آنها کمتر میشود . اما از طرف دیگر چون خود این افراد با رغبت و میل خاطر در آن ملت زندگی میکنند پس در اطاعت از قوانینی که بقای آن ملت را تامین میکند در حقیقت آزادی بمعنای واقعی و آزادی حقیقی است . آزادی عنان گسیختگی و اسارشی نیست .

هم میهنان من .

اگر شما میخواهید فرزندان شما نیز فرزندان این ملت باشند اگر شما میخواهید مشعل ملت ایران و نژاد ایران خاموش نشود . این مشعلی که ... است که دست بدست بدست ما سپرده اند باید از آن نظم و همبستگی اجتماعی که این مشعله را زنده نگاه میدارد فرمانبرداری کنیم .

دور از هرگونه بازی سیاسی و زاغ خواهی اول باشد ... کیش کنید .

این صدای قلب و این اهنگ ... ایده الوژی حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران است . ایده اولوژی حزب ما با تئوریها و نظریه های خشك مرده ای که محصول مغز خراب ... از واقعیت یك دسته کهنه نشین کتاب خوان است نیست . ایده الوژیها از آن مصنوعات جهودی و ارمنی نیست که همسایه شمالی و جنوبی ما برای ما میفرستند .

ما میخواهیم در سایه پرچم خودمان آن تمدن و آن نظم نوینی را که در زمانهای بزرگ بنا نهیم که نه تنها مایه حسرت عالم بلکه مورد رشك گذشته ها نیز باشد . ما میخواهیم که ایرانشهر سوم ایرانشهر سوسیالیسم ملی کارگران ایران ان ... باشد که افراد آن ــ مردانی ملهم بقوای عالی فکری و اخلاقی باشند .

در این دورانی که تاریخ در پیش ما گذاشته است ما فقط میتوانیم در تقویت انضباط پولادین . با یك پیکار خستگی ناپذیر . با یك ایمانی محکم و با بر جائی از نعره های البرز با همبستگی ... از آسمانها ... ایرانیت ... زندگی ملت را راه جاویدان ماندن ایران را ... ازان میهنه دیگر که گورستان ایران و ایران ... است تمیز دهیم .

مجلس پارلمانی ایران عشق ... خود را بهمیشه ... است . همه راهها و طرق سیاسی که تا کنون ... ما بر ملت ... ایران هموار شده ... بودن خود را اشکار کرده اند .

امروز یك راه چاره است و تنها همین یك راه است و آن حکومت لایق ترین ــ

فداکارترین ، سرسخت‌ترین و یک دنده ترین افراد این ملتست، که از میان خود ملت برخواهند خاست
باشند و تنها و فقط

حزب‌سوسیالیسم ملی کارگران ایران است .

تنها حزب‌سوسیالیسم میتواند ان اینده درخشانی را تامین کند که در ان ایران ما
ایران بزرگ و نیاخاک بزرگ‌ما درمیان منظومه ستارگان ملل‌مترقی فروزانتر از ماه نیمه
شب‌ودرخشان‌تر از خورشید نیمروز باشد .

هم پیمانان‌عزیز من ، هم میهنان .

من بنام رهبر حزب‌سوسیالیسم ملی کارگران ایران بنام فداشی اول این‌حزبی کــه
درمیان ملیونها دشمن بی‌رحم داخلی و خارجی قد علم‌کرده ومردان بیباك‌رشید و متعصب‌در مرام ان
در اینده نزدیك درزیر قدمهای‌منظم و مستحکم خود عالمی‌را بلرزه درخواهند اورد .

از شما کارمیخواهم و دیسیپلین و فرمانبرداری : چه شما میدانید که من دراین
ایده الوژی و دراین مرام فنا و محو شدم وجز ان زندگی دیگری ندارم ازاین جهت‌است که تصمیمات
خود را با تصمیمات حزبی یکی میدانم .

عمر بشر هزارسال نیست و متوسطا در اطراف ۶۵ سال‌دورمیزند ازاین است که بایــد
ما با سرعت‌بیشتری پیشرفت‌کنیم ؛

هم پیمان رشید کارشکار آتیمن دار حزب‌من بشما فرمان میدهم که ازامروز تا هشت
هفته دیگر نخستین دسته " ایران فرزندان " را که از جوان ترین سربازان سیاسی ما خواهند بود
با حسن ازاده سواری فداکاری مسئولیت بر پایه جهان بینی سوسیالیسم ملی کارگران ایران
بمن معرفی کنید .

[redacted]

هم پیمانان .

اینده ایران اینده ای‌درخشان ایران بزرگ با ماست و این اتشیکه در پیشروی
شما افروخته ودر این معبد ایران پرستی و ملت‌پرستی مشتعل‌است عنقریب خیابانها ، کویهــا
و برزنهای شهرهای‌ایران را روشن‌خواهد کرد چه این ایمان ماست .

فروزان اتش مقدس‌ایران .

پاینده حزب‌سوسیالیسم کارگر ایران .

شاد ایــــــران .

۳۰/۱۰/۱۲

هم پیمانان عزیز ، هم میهنان

پیش از همه چیز میخواستم از این مبدا بران برسعی و از این مهرا سوسیالیسم ملی بروان همه شهدائی که از بدو پیدایش تاریخ ایران تا کنون برای این خاک ... این خون و این نژاد جسان سپرده اند درود بفرستم ... از همه شما هم پیمانان و میهمانان حزب خواهشمندم در این لحظه از جای خود برخیزید و با من بگوئید .

... شاد روان شهدای ایران ...

هم پیمانان من .

در این شکی نیست که پدران ما پر افتخارترین صفحات تاریخ عالم را با اندیشه و بازوی خود ... با نیروی کار و نیروی ایمان خود نوشته اند و برای ما یادگار گذارده اند .

من تردید نمی کنم که هیچ ملتی در محراب خداوندان آزمایشگر خود این قدر قربانی نداده باشد که ما داده ایم ... اما هیچ ملتی هم در این پریشانی و مذلتی که برادران و خواهران ما هستند بسر نمی برند . ما تنها وقتی میتوانیم به گذشته های خود افتخار کنیم که بالفعل نشان بدهیم که در ما ... آن موهبتهای انسانی نیرومندی و نیروئی وجود دارد .

ما باید قبل از همه چیز موجودیت ملت خود را بعالم ثابت کنیم ... عالمی که میخواهد ما را نفی کند . که میخواهد ما را هیچ بشمارد . حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران در قدم اول برای این تشکیل شده تا موجودیت ... ایرانی و ایرانیت را اثبات کند ... که ما خریدار ... نیاکان خود هستیم . ما از فرزندان عالم چیزی جز حق سالم زندگی خود نمیخواهیم ما مرگ را بر این زندگی که امروز ایران ... گرسنگی و ... ترجیح میدهیم . ما میخواهیم با نظر به سرمایه های ملی خودمان ... با نظر به استعداد ملی خودمان با نظر به توانائیها و امکانات ... با نظر به تاریخ و گذشته تاریخی خودمان آن چنان زندگی کنیم . که ... و در خور ملت ما باشد .

برای این باید اول از درون و از داخل ملت خود را آغاز کنیم : اول انچه میتوانیم ... دست ... ... و ... ملت را تقویت کنیم ... وقتیکه ما در داخله خود قوی شدیم دیگران به ... به ارزشهای ملی ما اهمیت و ... دیگری خواهند گذاشت ... آن وقت دیگران برای آمال ملی ما احترامات دیگر و ارزش دیگری قائل خواهند شد .

در این زمینه ایده الوژی سوسیالیسم ملی کارگری ایران با ... و ... برنامه خود را تنظیم کرده و به هیچ قیمتی از اصول آن برنمی گردد . ... اجرای صحیح و بی غل و غش ... بارها در همین جا فریاد کشیده ام با ... است [redacted] ... و قدرت عمل ، هم پیمانان من . شما هستید و هر قدر از خود گذشتگی و فداکاری شما بیشتر باشد روز پیروزی ما نزدیکتر خواهد بود ... شما خودتان شاید در این حزب و این حزب سر کرده اید و ... بوده اید و دیده اید . در یک روز یک حزبی میتواند در ایران ... مرکب از هزاران ... طرفدار و عضو پیدا کند و فردای آن روز همه را از دست بدهد . اگر ما از روز اول سعی داشتیم فقط و فقط کسانی را که میتوانند ایمان داشته باشند یک ایمان ... یک اعتقادی که شک در آن راه نیابد و یک اطاعت کورکورانه و ... یعنی کسانی عقیده حزبی را مانند یک عقیده مذهبی در قلب خود جای دهند - برای این بوده که ما مردمی را که برای سفره گسترده و ... نمی خواهیم . تا وقتیکه ... ما ... را در دست نگرفته باشد هیچ نوع ... نمیتواند نسبت به گروندگان خود ... بکند . و تا آن روز من از شما فداکاری میخواهم ... و از خودگذشتگی . و در آن روز ... که همه شما ... هرکدام از ما بهتر لیاقت و فداکاری نشان داده ... خواهد بود .

هم پیمانان من .

مبادا یک باره تصور کنید . که ما در این موقعیکه ... شدیم و در این مبارزات ... اجتماعی و سیاسی ایران بودیم از آن روز میتوانیم ... و استراحت کنیم . کار اصلی ما از آن ... میشود ... به ... فقط ... برای اجرای برنامه سوسیالیسم ملی و ... اجرای صحیح و بلامعارض این برنامه آغاز میشود .

... سوسیالیسم ملی همیشه ... همیشه زنده و همیشه پاینده است .

سوسیالیسم ملی همیشه در حال حمله ... همیشه در ... مشغول است .

۱۲

هم پیمانان عزیز من

این رژیم ها و حکومتها که می بینید از خوب و بدشان همه محکوم بفنا هستند چه در همه آنها میتوان یك انحطاط تدریجی صاعدی را مشاهده کرد.

تنها ماییم که روز بروز در فعل و عمل قوی تر و محکمتر میشویم و ایمان راسختر و سرسخت تر هم.

ما از آنهائی نیستیم که ادعاهای خودرا بزرگتر از امکانات خود بگیریم ولقمه بزرگتر از دهان چه چنین حالتی خود علامت بارز ضعف و مرگ میبود.

سرنوشت هم پیمانان من. چنین خواسته که این همه محنت و ناتوانی در کشور ما پدید آید این همه بیچارگی و مرگ دامنگیر وطن و ملت ما بشود تا راه را برای ما باز کنند. چه اگر اینها پیش نمیامد مردم زبان ما را نمیفهمیدند و شاید یکدسته از شما سوسیالیسم ملی ایمان پیدا نمیکردید.

هم پیمانان من　بزرگترین درد و بیچارگی این ملت آنست که خودپرستی مردم　ایده ملیت را بکلی کشته و از میان برده.　شما سربازان سیاسی ایران وظیفه دارید عملا و فکرا در میان خانواده خود در میان دوستان خود　در وسط دشمنان خود　در هرکجا که باشد از تبلیغ و اشاعه افکار ما فروگذار نکنید

در مشرب حزبی ما تقیه وجود ندارد　ایمان ما [illegible] [illegible] گوشی.

هم پیمانان من - هم میهنان.

در دنیا باید علمای روان شناسی دو نوع خوشی و [illegible] باشند　یکی عنوان و خفتن و دیگری پیروزمند شدن.

ضعفا و آنها که همه قوایشان تمام شده صلح میخواهند بهر قیمتی　راحتی میخواهند بهر قیمتی

ما مردم زنده　مردم قوی　مردم جنگاور فتح و پیروزی [illegible] ملت و نژاد خودرا میخواهیم　و هیچکس هیچ قدرتی　هیچ خدائی نمیتواند این فکر　این راه　[illegible] را از ما بگیرد.　ایمان تزلزل ناپذیر ما اینست　که ما موفق خواهیم شد و بکوری چشم همه دشمنان　داخلی و خارجی　بکوری چشم تی بیلیسها، کمونیستها　بکوری چشم انگلیسها و امریکائیها [illegible] [illegible] بکوری چشم جهودها　و فراماسونها　و آن جاهلیکه [illegible] مردم را فریب میدهند و هرکدام برای خود دولت و مملکتی در کشور ما ساختهاند ایده [illegible] خودرا [illegible] [illegible] عمل خواهیم گذاشت.

از خدای خود　و از خدای بزرگ ایران عمر میخواهم [illegible] مرا [illegible] آنروز موفق سازد　که پیروزی سپاهان من یك ارتش ملی و سیاسی دیگری با بهای ارتش [illegible] ایران تشکیل دادهاند و با قدمهای فولادین خود خیابانهای شهرهای ایران را بلرزه میاورند.

هم پیمانان من.

شما میدانید که شمار همه احزاب ایران [illegible] [illegible] آن است که شما عملا یکنفر ولی درست [illegible]

اما این حزبها　در [illegible] مقدس ایران [illegible] همین سادگی　با همین تور خفیفی که از چراغهای نفتی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آرزوی پیروزی [illegible] و آرزوی یکدهنائی را دارد که بهشت ایمان و کار باشد باید بسوی آن پیروزمندانه [illegible] کند.

هم پیمانان من - هم میهنان.

برای آنکه بدانید دمکراسی چیست یکی از [illegible] آنرا در نظر بگیرید.　شهر آیا معنی شهر اینست که فقط بازار باشد و [illegible] [illegible]

شهر [illegible] دمکراسی [illegible] و شاید علاوه بر اینها [illegible] کسته [illegible] ای هم دارند که باسم آزادی هر روز برای مردم آشی میپزند که عقاید عمومی نام دارد و با یعنی دمکراسی برهمین عقاید عمومی "من درآوردی" استوار است.

شهر دموکراسی برای هوس و داد و ستد غیر مجوز [illegible] [illegible] [illegible] است و بس تنها فعالیت مردم منحصر بقاچاق است و دغلی　و وای بر کسی که درست باشد　چه این بیچاره باید از گرسنگی بمیرد.

[illegible] هم پیمانان من.

ما میخواهیم کار کنیم و در نتیجه کار شرافتمندانه خود　شرافتمندانه زندگی کنیم و یك جهود پیرمرد خونخوار　یا یك سرمایه دار بی ایمان　یا یك [illegible] بیگانه پرست که همه چیز را بنفع اجنبی میخواهد اجازه زندگی ندهیم.

من رهبر و فدائی اول حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران و همکاران نزدیك من بر ضد این نوع زندگی و این رژیم کهنگی اجتماعی تا پای جان میایستیم [illegible] میدانید که من از یاوه گویان مجلس نیستم و اینها را برای مبارزات انتخاباتی نمیگویم هر قدر ایمان شما قویتر باشد　سرعت ما

۱۸

در رسیدن بهدف بیشتر خواهد بود.

ما هم از برابری و آزادی دم میزنیم ولی مانند دموکراسی آلمان نیستیم که بنام حق حاکمیت ملت مردم را بدسته‌های هشتگانه اعیان ملاکین تجار روحانیون متمدین اصناف تقسیم کنیم

ما میگوئیم ملت اعضای یک خانواده بزرگ را تشکیل میدهند و بس و سوسیالیسم ملی ما سوسیالیسم حقیقی و عملی است نه آنچه در مغز پوسیده و مرده عالم کتابی متحجر شده باشد.

هم میهنان من.

امید من در این مملکت اینست که در آن هنوز مردانی بیک زندگی پرشرافت ما پرورش مییابند و یاور کند بدان ملتی و آن خاکی که چنین کسانی بار بیاورد امید او بیجا نبوده است.

فروزان آتش معبد ایران

شاد ایـــــران

۱۳۳۰/۱۰/۱۹

هم پیمانان عزیزم ، زنان ومردان ایرانی

پیش ازهمه چیز میخواستم از این سرداب واز این معبد ایران پرستی بروان پاك همه شهدائیکه ازبدو پیدایش تاریخ ایران تاکنون برای این خاك این خون واین نژاد جان سپرده‌اند درود بفرستم از همه شما خواهشمندم دراین لحظه ازجای خود برخیزید وبامن بگوئید "شاد روان شهدای ایران "

هم پیمانان عزیز من

درچند ماه پیش یکدسته از جوانان از جان گذشته سرسخت وفداکار این مملکت برای اجرای کامل برنامه‌ای که همه کم وبیش مفاد آنرا دیده‌اید سوگند سپردند تا برای نجات این آب وخاك این خون و این نژاد در راه عمل قدم بگذارند.

من در سخت‌ترین وپریشانترین دوران حیات چند هزار ساله نیا خاك عزیز ومقدس مصمم شدم با پیروی ازیك دیسیپلین وانضباط فولادینی دستهٔ پیشتازان سیاسی خودم را چنان تشکیل دهم وچنان تقویت کنم که هیچ قوه وقدرت دیگری درایران یارای مقاومت نداشته باشد از دقیقه‌ای که من اجرای این تصمیم را به عهده گرفتم لازم بود که بزندگی شخصی خود پشت پا بزنم روح وعقل جان وتن وهمه قوای معنوی و مادی خود را در خدمت این وظیفه مقدسی که سرنوشت بر گرده من هموار کرده بگذارم . البته از همه پیمانان نخستین خودم نیز همین از خودگذشتگی وشهامت وفنا شدن در ایدئولوژی حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران را خواستار بودم .

آنها نیز با کمال مردانگی از عهده این فداکاری برآمدند ودرنتیجه باساعی آن دسته ده نفری اول بدون هیچ نوع سرمایه مالی بدون هیچ کمك فقط با ایمان راسخ و سرسپردگی قاطع به ایدئولوژی حزبی با زحماتی که شب وروز دراین راه کشیده شد " اولین "پرستشگاه ایران" اولین معبد ایرانی و اولین کانون فداکاری و اولین پرورشخانه سیاسی تشکیل گردید . بطوریکه امروز ما پس ازچند ماه نه تنها درمیان همه دسته‌های مردم تهران طرفداران وهم پیمانانی داریم بلکه در ولایات نیز دسته‌هائی تشکیل داده‌ایم که مورد استقبال عامه مردم از پیر وجوان و غنی وفقیر میباشد اگر چه من با آشنائی کاملی که بروح آزادگی و آزادی‌سواری هم وطنان خود داشتم یقین میدانستم که چنین حزبی که تنها مقصد ومرام رهبران آن ایجاد یك زندگی نوین یك دولت نوین یك نژاد نوین وبالاخره یك بشریت نوین است ، بزودی درتمام دوایر ومحافل ایران رخنه خواهد کرد ، ولی هرگز با این سرعت پیشرفت خودمان را حساب نمیکردم .

دراینجا میخواهم از همه هم پیمانان خودم بپاس زحماتی که دراین راه کشیده‌اند تشکر نمایم وضمنا گوشزد همه نیز بکنم که ما برای نیل بهدف غائی خودمان نباید بهیچوجه از فعالیتهای خود بکاهیم بلکه روز بروز تکالیف ما شاقتر ووظائف ما بیشتر خواهد بود تا آنکه ما دربرابر این مرام مقدس پیروز خواهد شد .

هم اینکه دراینجا میخواستم بنام رهبر وفدائی اول حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران از زنان ومردان ایرانی که افکار ما را بدین گرمی استقبال کرده‌اند از صمیم دل تشکر کنم و باصدای رسا وبلند بگویم : ای مردان وزنانی که بمرام سوسیالیسم ملی گرویده‌اید شما فرزندان حلال رشید پیشتازان سیاسی ایران باید بدانید که شخص من که ضامن اجرای کامل و بیدریغ این برنامه هستم این وظیفه که شما انجام آنرا برای سعادت ایران و نیاخاك بزرگ وبنام آن سهم بعهده گرفته‌اید این فداکاری‌ئی که شما در مقابل هزاران هزار دشمن داخلی وخارجی قبول کرده‌اید هرگز فراموش نخواهم کرد . من ازحالا بشما مژده آتیه تاریخی را میدهم ازروزیکه درسایه بالهای گسترده سیمرغ آسمان عظمت ایران افکار ملی سوسیالیستی حقیقی ما دراین سرزمین مسلط خواهد شد پیروندگان و حاملان این افکار سازندگان وپردازندگان آن بهشتی خواهند شد که همه بهشتهای موعود در برابر زیبائی وعظمت آن محو میشوند .

هم پیمانان من . یکی از بلاهائیکه ملت ما را تهدید میکند عدم استقامت این مردم است به حرف و نه گفتن . این یکی از علائم انحطاطیست که درملت ما بروز کرده وما باید درمقابل آن با عزم واراده آهنین صف آرائی کنیم . آنچه درمیان مردم ما متداول است وآنرا مانند خصلت بزرگی میستایند یعنی سازش و گذشت از بزرگترین دردهائیست که میتواند جامعه ما را به پست‌ترین نقطه انحطاط برساند .

من از شما برای پیشرفت مقاصد مقدس خودمان یکدندگی میخواهم کاراکتر عرقی استحکام وبی رحمی در برابر دشمنان این شعار ما را فراموش نکنید .

۲۰ ۶

"هرکه با ما بستیزد ما با او میجنگیم و هرکه با ما بجنگد ما او را درهم خورد خواهیم کرد".

در مذهب حزبی ما وخم نیست تشبه نیست دوروئی نیست ما راست و درست هستیم و همیشه از ما نمونه ای هست زنده وموجود از آن ایده آل بشریتی که ما در برنامه خود ذکر کرده ایم.

کتاب خوانده ها و "روشن فکران" ما میگویند باید انسان سعی کند تا بفهمد دیگران چه میگویند آنوقت با افکار آنها احترام میگذارند. من میگویم فقط مرام منحط النفسی که هنوز راه خود را تمیز نداده اند ونتواسته اند داد میکوشند با درهر فکری یک نکته قابل ستایش بیابند.

هم میهنان من. امروز در همه عالم و بیشتر از همه جا در ایران نقطه ایمان و اتکائی برای مردم نمانده. این انحطاط با تمام نقص وهمچنین و با تمام قدرت خود را درمغز جوانان ما جای داده، و مردم درست مثل آنست که روی یخ نازک اسفنجی راه میروند که باد گرمی بر سطح آن میوزد. زیر پای آنها لغزنده است وفکر آنها از فردا تجاوز نمیکند. چه دورنمای پس فردا بنظر تاریک ونامعلوم است.

ایده سوسیالیسم ملی آن یخ شکنیست که مردم را ازخطر غرقه شدن در آن آب سرد کننده نجات میبخشد. سوسیالیسم ملی کارگری ایران آن برق ودرخشیست که آینده روشن ومعلوم میسازد.

مردم ... بدون هدف معین یک زندگی حیوانی بلکه نباتی را پیش گرفته اند ودر پلیدترین پلیدیها غوطه ورند. سوسیالیسم ملی" با ایده آل "برترمرد" و "انسان چهار بعدی" بشریت را بسوی آینده درخشانی سوق میدهد.

انسان بدوی وحشی در واقع در روی یک خطی که طبیعت برای وی رسم کرده و در آن خوردن وخفتن ودیگر اعمال طبیعی قرار دارند دائم درحرکت است و از آن تخطی نمیکند.

انسان متمدن ... نیز بر روی یک سطحی حرکت میکند و از اطراف واکناف جدید کسی مطلع است.

انسان متمدن امروز نه تنها در طول وعرض بلکه در عمق همه چیز فرو میرود. در اعماق دریاها و ... آسمانی.

اما انسان ایده آل ما انسان بشریت آینده نه تنها در ابعاد فضائی متحرک است بلکه بعد زمان را نیز میپیماید. بشریت آینده ما با وجدان تاریخی ... بهمان افتخاراتیست که نیاکان ما گذاشته اند. ما هرگز نمیخواهیم ونمیگذاریم آن مشعل فروزانی که پدران ما از خلال قرنها ... دست بدست ... بما سپرده اند خاموش شود. ما این وظیفه مقدس را به نیاکان و پدران خود مدیونیم. چه این خاک آنهاست. این هوا هوائیست که آنها تنفس کرده اند و این آبها ئیکه از البرز والوند میجهند جاری هستند این ... سفید رود ... وکارون. این دریای خزر و این خلیج همانها هستند که آنها میشناختند و ما آنها بشر میسپردند.

اگر چهار نفر مهاجر بیگانه اگر پنج جهود ... حقه ... ماکیاولی میخواهند با اعمال کمونیسم ... ما را به پیکر این غول عظیمی که یک چهارم خشکیهای دنیا را در زیر ... استعمار خود انداخته خون مردم بیچاره این سرزمینها را که میان آنها نیز جمعی از هم نژادان ما هستند مانند زالوئی میمکد ملحق کنند تا ما پدران ومادران خیلی را که نسل درنسل با خون دل با ... گاوآهن و قدرت بازوی شمشیر خود این خاک این معدن واین فرهنگ را بدست ما سپرده اند فراموش کنیم سهل است فردا در آن "بهشت سوسیالیستی" ما و فرزندان ما را بعلت اینکه گذشته ایم مثلاً زبان فارسی شیرین تر از زبان ... به جمهوری ارغانستان کامچاتکا جلگه های تونگوسکا ... زبان را جدید کنند. چنانکه پس از جنگ گذشته ما شاهد بودیم و دیدیم چند صد هزار مسلمانان کریمه را بنقاط دور افتاده سیبری بردند و امروز شاید از آنها دیگر اثری نمانده باشد اگر بعضیها که از نادانی وخود پرستی آنی بحزب توده میگروند برای آنکه در این گیرودار بلی گرفته باشند وخر خود را از معرکه بیرون بکشند. ما با تمام قوای خداداد ملی ما با تکیه به تاریخ پرشکوه ایران ما با ایمان شکست ناپذیر و ... آشتی ناپذیر ما با تمام نیروهای جسمی و روحی به آنها جواب میدهیم "هرگز" "هرگز" این جواب نه و هرگز ما مانند ... نیست. یک نه و هرگز عمل است. عمل ... وعاملی که خاص سوسیالیسم ملی ماست. چنانکه آری گفتن ما نیز یک آری عملی است و نه آری کلام.

هم میهنان من

چو پیش آمده که زندگی در این مسلکی که ... برای مردم ... واقع ... یک لحظه که خدایان ... داده اند

هم میهنان عزیز من.

رنسانس یعنی تجدید حیات یک ملتی در رتبه اول نه با نوبت سیاسی و ... آن ملت ... تنها با ... اقتصادی آن ملت مربوط است. رنسانس ملی مربوط باحساسات وروحیه آن ملت است که از هر فردی بفرد دیگر

تقویت میباید ودرمیان خویش ملیونها برابر میشود و بالاخره تدریجی بشکیل میدهد تا نکه هیچ نیروئی درعالم نتواند از تجدید حیات آن ملت جلوگیری کند . ملت ایران امروز در راه این تجدید حیات است و شما هم میهنان من بارز ترین و صادق ترین شاهد و گواه این مدعای من هستید . و نیز استقبالی که ملت ایران از ایدهآلوژی حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران بعمل آورده است بازگواه مدعی من میباشد . دشمنان دیگر ما سوسیالیستها و دمکراتها سوسیالیسم ما را کـــه تنها سوسیالیسم عملی و حقیقی است رد میکنند چه برای آنها سوسیالیسم عبارت از آن است که ملتی خونها در اسارت اقتصادی اقوام دیگر بسر برد و به قهرمان و پهلوان ملی بیشتر نداشته باشد . زن روسپی ، مرد روسپی و جانب مطلق . سوسیالیسم برای آنها عبارت از این است که : اگرآدم بیچاره ای کوچکترین لغزشی مرتکب شود سالها در زندان سر کند ولی بزرگترین دزدان مملکت از نعمت و آزادی برخوردار باشند .

اگرچه در جنگ شهر ناشرا مارکسیستها ولی لیبرالیستها ذادح شدند و ایده بشریت عمومی دوباره بصورت تاثر در عالم تنجی گرفت و با افکار نژادی و نوارشتون حملهٔ های بزرگی شد . امروز که دود آتش جنگ هنوز ننشسته امروز ما در استانه جنگ دومی هستیم می بینیم — چگونه این جهان بینی نژادی ما سراسر عالم را کم و بیش فرا گرفته بی آنکه خود متوجه و ملتفت آن باشند . هرکس که عملا در تئوریهای مارکس غور کند باید آثار نژاد و خون یهودی را در این شیخ عبرانی قرن نوزده فراموش نسازد .

ما نمی گوئیم که عواملی مانند آب و هوا سرزمین و سنت شناسی وغیره در سرنوشت ملتی موثر نیستند ولی میگوئیم همه این عوامل در مقابل عامل خون و نژاد در درجات دوم و سوم وچهارم اند و نهضت امروزی ما اصولا برای فهماندن همین ترتیب آغاز شده .

مردم دنیا بخصوص اجداد ما همیشه این ارزش را می شناخته اند تا روزیکه بشریت بین المللی پا بعرصه عالم نهاده افکار مسموم کننده . ادوار عالم شروع شده .

ما اصل خون و نژاد را مایه نجات و سرچشمه فنا ناپذیر حیات تازه ملت میدانیم

حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران به حقیقت این مطلب آگاه است که در قبال اعلام این عقاید دوستان ودشمنان جدید خواهد یافت ما باید در پی این دشمنان میگردیم . چه با دوستی تنها نمیتوان پیشرفت کرد و نه تنها دوست داشتن بلکه دشمن داشتن نیز بجاست .

برای آنکه چکاچاک شمشیرهای پیکار ما بگوش عالمیان برسد ما در برابر خود قـــد افراشته دشمنانی را میطلبیم که هر قدر قویتر باشند . ما از وجود آنها برخوردارتر خواهیم بود چه در آن روز خطر نزدیک ما را هیچ بیم که برچنین اهریمنانی مستولی گشته ایم . آن نهضتی که بی دشمن پیشرفت کند . بی دشمن داخلی یا خارجی . پیروزمندان نهضت پیروزمند حقیقی نیست .

زنان و مردان ایرانی .

دوستان ما نیز باید بدانند که ما گله های پدرنها را خود نمیخواهیم ما در — جستجوی مردانی هستیم که در صف ما میجنگند . چه ایده آل آنها با ایده آل ما یکی است و هر دو برای رسیدن باین ایده آل راه معینی را تمیز داده ایم . درست مانند همان کاروانی که مردم آن رهروان یک راه جویندگان آن مقصد اند ولی سرکاروان نگاهدارنده و سرپرست آنهاست . چه این راه را بارها پیموده و در خود آن قدرت و همت را حس میکند و دارای آن موهبت آسمانی است که میتواند قافله خود و رسانند به مقصد باشد .

سومکا قوای درونی و روحی ملت را در جهت ترقی و تعالی ملت به فعالیت وامیدارد .

ما بهیچ قدرتی جز قدرت ایمان و اراده خود و جز قدرت ملت ملی ایران — متکی نیستیم و من بنام رهبر و فدائی اول حزب سر خود را درگرو این حقیقت و ادعا — میگذارم .

هم پیمانان من . شما میدانید من از آنها نیستم که بتوانند مرا بنام — عدالت اجتماعی و برادری بشریت گول بزنند . من از اردوگاهای شرقی وغربی عالم امروز حقوق ملی ایرانی را میخواهم و با کمک و فداکاری شما خواهم گرفت . و در این شکی نیست — پیروان سیاهان من و دسته های دیگر سربازی حزبی بهترین ضامن اجرای این فرمان میباشند .

دنیا باید بداند که ما با نیروی اراده فولادین خود سر نهضت را هم بزانو در

خواهیم آورد .

ای زنان و مردان ایرانی . ای ملت ایران . همه چشمهای خود را بمالید و به بینید که آفتاب درخشان آینده جهان در دلهای پر ایمان ما و در قعر همین سرداب تنگ و تاریک طلوع کرده .

پاینده حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

فروزان آتش مقدس ما .

شــــاد ایــران .

۱۳۳۰/۱۰/۲۶

هم پیمانان عزیزم . زنان و مردان ایرانی .

پیش از همه چیز میخواهم از این منبر ملی از این پرستشگاه ایران . از این چشمه جوشنده ئی که قلب حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران است . از این سرداب مقدس بروان پاک همه شهدائی که از بدو پیدایش تاریخ ایران تاکنون برای این خانه . این نژاد و این خون جان سپرده اند درود بفرستم . از همه شما خواهش میکنم . در این لحظه از جای خود برخیزید و با من بگوئید " شاد روان شهدای ایران ".

هم پیمانان عزیزم .

امروز در عالم عصری اغاز میشود که تاریخ دنیا را باید در ان عصر از نو نوشت . غالبا مورخین نیمرخ شخصیتهای تاریخی را بغلط ترسیم و بغلط تفسیر کرده اند . مورخین محرک این شخصیتها که همان خون و نژاد انها باشد بحساب در نیاورده اند .

امروز با تشکیل حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران و با تدوین ایده الوژی ناسیونال سوسیالیسم ایران یک جهان بینی تازه ای در دنیای ملت ما اغاز شده که با عقاید سیاسی دیگر در جدال و کشمکش است .

این عقیده یک عقیده سیاسی تنها نیست . بلکه یک راه تازه و یک نوع مذهبی است که با همان فاناتیسم و تعصب و با همان استواری و یک دندگی و ایمانیکه در مذاهب سراغ داریم – ما برای ان خواهیم جنگید . تحولاتیکه این ایده الوژی در بر دارد نه تنها در سر و عالی ان درخت مقدس است – نه تنها در جان ان بذر بهشتی است که ما ملت ایران میگوئیم بلکه تحولاتیست که در ریشه هائیکه این درخت در ژرفای خاک دوانیده نیز باید ظهور کند .

اما این ایده زنده نگهداشتن یک ملت . بمعنی حیات جاوید بخشیدن . اصولا ایده تازه نیست و در اعماق بعد تاریخی هر ملتی وجود داشته فقط در نژاد ما بصورت نوی در یک هیئت تازه ای با یک چهره جدید تظاهر کرده و لباس عمل بخود پوشیده است .

در طی دو جنگ جهانی اخیر افکار بیهوده بشریت عمومی و برادری و برابری همه مردم دنیا با خون ملیونها جوانان از صفحه تاریخ زنده عالم شسته شده .

تشکیلاتیکه در این راه مانند جامعه ملل ژنو و مجمع اتفاق ملل لیک سکسس بنا شده اند نشان داده اند که قوی همیشه میخواهد تو [illegible] ضعیف بزند . تا دنیا دنیاست همین بوده و همین طور خواهد بود . تنها راهی که ما در پیش [illegible] است که این است که عددا و روحا و جسما قوی باشیم که دیگران نتوانند بما زور بگویند .

ایده الوژی حزب سوسیالیسم کا[illegible] با همکاری و هم اهنگی همه ملت ایران با همکاری و هم اهنگی همه افراد ایرانی عال[illegible] و جسمی و عملی را تامین میکند .

ما در عالم تجرد و تخیل نمیخواهیم یک موجودیت و [illegible] خون و رگ گسسته ای بسازیم و برای ان ارزش عالی قائل شویم ما نمیخواهیم و احتیاج نداریم یک بهشتی فرض کنیم خارج از خاک و خالی از خون که بر سطح کره زمین مدفون است و مافوق ملیت و ملیتها قرار دارد .

رئالیسم ما – [illegible] ما . ما را وادار میکند که خود را وابسته خون و نژاد و خاک خود بدانیم .

در واقع – هم پیمانان من داروینیسم از یک طرف و بوزی تیویسم اگست کنت از طرف دیگر حمله ائی بودند که بر پیکر [illegible] که از خون و خاک گسسته و بصورت موجود مطلق میخواست وجود داشته باشد وارد شده اند .

زندگی با رگ و خون با پی و گوشت و استخوان چنانکه ما انرا میشناسیم – ما انرا حس میکنیم ما گاه گرفتار انیم و گاه از ان لذت میبریم ان زندگی که رنگش زیبا و زنده پر خون در ان نمودار است از ارث یکدسته مردمی که خونهاشان مانند ابهای زمستانی منجمد شده بود یا با تصوف و درویشی ریشه کن شده یا نفی گشته و یا مورد تجزیه شیمیائی قرار گرفته و بچند فرمول خشک بیجان کتابی در امده .

امروز ما هم پیمانان عزیز ملت ما میتواند بیدار شود و مردان ان در گیر و دار فهم این مطلب هستند که تا نهن خون و نژاد غذای ان ارزشهای فکری و عملی و روحی و جسمی است که افراد ملتی داشته یا نداشته بوجود میاورند .

اگر خدای نا کرده در حفظ خون و نژاد ما بی مبالاتی شود اگر خون ملتی ننگین و

لته دارند آنوقت منعیتهای خانوادگی ، ملی ، قومی و نژادی از بین میروند . یا به اختلاط ان ملت بر اب میانتد وان ملت بفنا محکوم میشود . این است انتقام بی دغدغه و بی مهابای خون قومی بر ضد کسانیکه این خون را ننگین ساخته اند . این است غضب و خشم خون بر ضد کسانیکه احترام قانون مقدس خون و توارث خون را مراعات نکرده اند .

تاریخ هزارها نمونه این انتقام را بما نشان میدهد .

ملت یونان قدیم — امپراطوری رم — سلطنت هخامنشی و امپراطوری فرانسه از — وقتی رو بانقراض رفتند که قانون مقدس خون ونژاد را دیگر محترم نشمردند و بدون احتیاط و — امتزاج نژادی را در تحت عبارت بشریت عمومی روا داشتند .

انسان بدوی یا بلفظ غریزی بی انکه بداند و عالم بانچه خود عمل میکند باشد ، قانون خون را مانند یک عمل طبیعی غیر محسوس که خود متوجه آن نیست مثل نفس کشیدن و عرق کردن انجام میدهد . اما همینکه به مرتبه بالاتری قدم گذاشت و مغرور به اعمال خود شد گوئی درمیان — تعقل و تفکر او از یک طرف و خون ونژاد او از طرف دیگر شکافی حاصل میشود .

این انسان منفرد زندگی و منطق فهم و درنتیجه تصورات موهوم و خوابهای بی حقیقت و بی اساسی میکند که او را از حدود و کرانه هائیکه نژاد وخون او بر او تحمیل کرده اند دور — میسازند . همین مرگ او مرگ فرزندان او مرگ تیره او و مرگ نژاد او است . چه خون خود را با نژادیکه هم رنگ و هم آهنگ خون او نیست مخلوط میسازد .

امروز تاریخ عالم باید از این نظر مورد مطالعه قرار گیرد که مبارزات بین انسان و محیط خود مبارزات بین انسان و انسان درحقیقت مبارزه خون و پیوندی است بر ضد خون و پیوند دیگر و این اخرین سرچشمه اخلاقی است که ما میتوانیم بان برسیم و در پشت ان دیگر اختیار تحقیق و تحقق بما نداده اند .

هم پیمانان عزیزم .

نژاد و خون یک ملت مانند روح یک فرد است . نه با ارزشهای بیجان و از خون گسسته ای که چشم بسته از مقابل امور طبیعی رد میشوند سرو کار دارند و نه با ماتریالیسم ... که فقط انچه در زمان و مکان اتفاق میافتد می بینند . و نمیتوانند به اخرین ... موجودیت انسان پی ببرند .

هم پیمانان من . اگر شما میخواهید به بینید از کجا پهلوانان و متفکرین و مخترعین و صنعتگران ملتی پیدا شده اند و چطور ملتی دیگر اینها را بوجود نیاورده سر انرا در خون و نژاد و حفظ این خون ونژاد و احترام این خون ونژاد درنزد ان ملت بجوئید . ... زندگی ان ملت ... این بود انچه من در باره خون ونژاد میخواستم گفته باشم .

ما بارها در این مکان نام بزرگ و مقدس نیاخاک را بر زبان رانده ایم ... معنی این کلمه بگویم ... هم پیمانان عزیزم کمی غریب امده باشد . نیاخاک سرزمین اجدادی — ماست . اینجا ست که ما و پدران ما در محیط کشور و فرهنگ ایرانی بوجود امده ایم . انجاست که پدران ما قدرت فکر عمل و اخلاق خود را صرف کرده بعرق جبین و خون خراشین خویش انجا را اباد و ... ساخته اند .

نیاخاک بزرگ انجاست . که همه تیره های نژاد ما در ان مسکن دارند .

<u>نیاخاک بزرگ ما ایران بزرگ است</u>

نیاخاک باور مستقیم بستگی دارد با تیره های ایرانی اقوام اریائی . — ... مظاهر حیاتی ماست . و تحقق وحدت نیاخاک بزرگ از مقدس ترین ... ماست . ... نیاخاک میهن نیست . نیاخاک زادگاه نیست . نیاخاک ان خاکیست که — مجموعه تمام سنتهای قومی در ان تظاهر کرده و میکنند .

ما باید امروز دست یکدیگر را بگیریم و با فریاد و قدرتی که ارکان دنیا را متزلزل سازد بگوئیم زنده باد نیاخاک بزرگ جاوید سرزمین اجداد ما .

فردا با دستهای هم پیمانان عزیزم فردا با دستهای سیاه پوشان حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران . فردا با غیرت وهمت شما فدائیان ایران پیوند شکست و دیدید ان روز فرا میرسد که وجدان سیاسی تیره های ایرانی در بیدار و ... خود . که ... و ... اتحاد خویش از میان بردارند .

فردا اگر ما رهبران این حزب اگر ما پیکارکنندگان اول این ایده ... راه ایده ال و ارزوی بزرگ ملی و نژادی خود جان سپرده بوده ایم شما در چنین ...

۲۵

سادگی بهمین یک رنگی و با همین خلوص ایمان جمع خواهید شد و بر روان ما درود خواهید فرستاد ،
چنانچه ما بر روان همه شهدای این خاک پیلا از همه چیز درود میفرستیم .
این است اصل خون و خاکی که ما پایه ایده الوژی خود را بر آن نهاده ایم . این است
اصل خون و شرافت .

زنان و مردان ایرانی . بیدار باشید تا ایران ما بیدار شود قوی باشید تا ایران ما
قوی شود زنده باشید تا ایران ما زنده و جاویدان بماند .

سومکا سوسیالیسم ملی کارگران ایران میخواهد بجای خلاصه بی حد و حصر بی دفتر و
کتاب این ملت را بنفع ملت بکار بگمارد در تحت یک رهبری ثابت و مدامی با یک دیسیپلین سخت تر
از فولاد و محکمتر از صخره های البرز با قلبی جوشنده و شعله ور مانند آتش فروزانیکه در این
معبد ایران پرستی ما میسوزد با ایمانی صافتر و زلال تر از آبچشمه سارهای کوهساران ایران .

هم پیمانان من . ایرانیان . نقادان و خورده گیران ما میگویند اینها میخواهند
رژیم دیکتاتوری بر قرار کنند اینها دشمن اسلام هستند اینها دشمن مشروطیت اند من بنام -
فدائی اول و رهبر حزب من بنام زبان گویا و مدافع و مبارز ایده الوژی خودمان میگویم که ای
آقای نقاد عزیز من اگر ما را از نزدیک میشناختی اگر میدانستی ما در بین این خشونت و سختی که -
الاعتقاد زا ترا مانند یک طاعت مذهبی مقدس میدانیم چه دبستان صمیمی و رفیقان پاک بازی هستیم ..
انوقت زبان به یاوه گوئی نمی گشادی ... تو ای آقای نقاد عزیز من . تو میتوانی وزیر شوی یا
وکیل مجلس این آخرین آرزوی تو است و با مداهنه و نوحهایند گوئی میتوانی کسی بشوی . اما ما
یک ماموریت آسمانی داریم که علت بدبختیهای این ملت را بوی بگوئیم . بر دردهای این ملت چاره ای
بیاندیشیم اگر چنین نبود و ما هم بنفع شخصی خود و برای کسب قدرت شخصی میکوشیدیم تا کنون
هزارها راه و هزار ها فرصت داشتیم . اگر ما باینها پشت پا زده ایم و ساده ترین زندگی ئی که -
هم پیمانان من از نزدیک میشناسند اختیار کرده ایم این است که در قلوب ما آتش دیگری شعله ور
است که تو و امثال تو جز خوشی بقدرت و بماهیت آن پی نخواهی برد .

تو آقای نقاد میگوئی ما خشن و سخت هستیم . خیال میکنی برای ما خوشایند تر -
خوش مزه تر و گواراتر نبود اگر ما بجای اینکه روی این نیمکتهای سخت و ساده بنشینیم روی -
صندلیهای مخملی و بالخدارمی نبشتیم و چای و شیرینی میخوردیم .

اگر ما این راه را انتخاب کرده ایم برای اینست که راه علاج و چاره دردهای ملت ما
در این سختی و خشونت است . این بی بند و باری بقول فرنگی ما بها "سوپلس" را باید
با انضباط سربازی و با خشونت جنگی با دیسیپلین [illegible] از میان برد . طبیب بکسی که قلبش -
درست کار نمی کند قاره کار بیا نول یا سوزن ترول [illegible] میدهد . آدم سالم را هیچوقت مداوا
نمی کنند باید آنچه که شما خشونت میگوئید دوای [illegible] است . اما دوا است و ملت ایران
این دوا را باید بچشد تا سالم شود من [illegible] حالت این مریضی .

هم پیمانان من . هیچ باکشان نباشد [illegible] مریض را مداوا خواهیم کرد .

تو نقاد عزیز من میگوئی ما دشمن اسلامیم شاید ما خدای نکرده دشمن آن اسلامی
هستیم که تو میشناسی اما ما که در سنت ملت را محترم میشماریم چگونه میتوانیم دشمن آن طریقه و
ایمانی باشیم که ملت ما بیش از ۱۳۰۰ سال است بدان گرویده . اما این صحیح است که ما خرافات
و آنچه بعدها باسلام اصلی و [illegible] بسته اند دوست نمیداریم .

تو نقاد عزیز من نگفته بودی ما دشمن مشروطیت هستیم . ما میخواهیم که اگر در
مملکت ما مجلسی وجود دارد وکلای آن مجلس بتوانند رای بدهند و بخروشند چنانکه امروز شنیدیم یکی
از نمایندگان اقلیت برای هر رائی صد تومان میپردازد . ما میخواهیم که وکیل مردم مسئولیت -
داشته باشد نه که با عدم مسئولیت بتواند بهر خیانتی که دلخواه اوست مبادرت ورزد . چنانکه
همیشه در مجالس ایران همین بلهبه بوده است . ما میخواهیم که آنچه مصونیت پارلمانی میگویند -
وجود نداشته باشد و وکیل خائن بیدرنگ پاداش خیانت خود را به بیند .

هم پیمانان عزیزم .

من بار گران مسئولیت رهبری حزب را پذیرفته ام من در سایه مرام حزبی
مسئولیت صد در صد دارم و همانطور از همکاران خود مسئولیت شدید خواستارم .

حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران از آن احزابی نیست که با چهارها ایسم
و ده ها لوی به مبارزه با دشمنان خود به پردازد . ما با مرام و عقیده و ایمان خود
تا اعماق قلب این ملت نفوذ جوانمرد و خواهیم کرد چنانکه همه دشمنان داخلی و خارجی

مبهوت و متحیر بمانند .

پیروان سیاستمان من ضامن اجرای خواستهای ملی ما هستند. درمقابل دشمنانیکه بما حمله میکنند .

شخص من ضامن اجرای کلی برنامه حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران هستم و بعد از من جانشین من .

" اما قومیت ایرانی و ملت ایران هرگز نمی میرد "

هرگز هرگز

زیرا اغوش مادران این خاک هنوز فرزندانی بدلاوری ما می پرورد

پاینده حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران

فروزان اتش معنوی ایران .

شاد ایران .

۱۳۳۰/۸/۱۱

هم پیمانان عزیزم ، زنان و مردان ایرانی :

پیش از همه چیز میخواستم از این سرداب مقدس از این معبد ایران پرستی از این نقطه که قلب صاف جوشنده و تپنده ملت ایران را تشکیل میدهد . از این چشمه خروشنده که هسته اصلی حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران را تشکیل میدهد بروان پاک همه شهدائی که از بدو پیدایش تاریخ ایران تا کنون برای این خاک برای این نژاد و این خون جان سپرده اند درود بفرستم از همه شما خواهشمندم در این لحظه از جای خود برخیزید و با من بگوئید . " شاد روان شهدای ایران "

هم پیمانان عزیزم . قریب چهار ماه از نخستین هنگام رسمی حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران گذشته در این مدت گروندگان اولین این ایده الوژی مقدس که با خود ما بیش از ده نفر نمی شدیم با یک کوشش خستگی ناپذیر در مقابل عوامل نا مساعد طعن و طنز دشمنان در پیش نزاران اشکال دیگر مثلا یکی از آنها مشکلات مالی قد علم کرده مطابق نقشه عملی آنچه پیش بینی کرده بودیم انجام دادیم . سهل است بمراتب بیش از آنچه پیش بینی شده بود بدست آوردیم من در اینجا بنام رهبر و فدائی اول حزب از همه این هم پیمانان بی آنکه اسم یکایک آنها را بزبان بیاورم از ته دل تشکر میکنم .

هم پیمانان عزیزم . ما درهم شکستن قدرت پول را یکی از مقاصد و هدفهای برنامه حزبی قرار داده ایم .

من بارها در همین معبد مقدس ایران پرستی فریاد کشیدم که با ایمان راسخ خلل ناپذیر میتوان قدرت شیطانی و جهنمی پول را درهم شکست .

در صدر مسیحیت روم گروندگان تازه در سردابهای روم آنچه داشتند از طلا و نقره و جواهر در محراب کلیساها نقود می ریختند .

مسلمانان صدر اسلام آنچه داشتند به بیت المال میاوردند .

هم پیمانان عزیزم . هم میهنان من .

شاید بنظر شما کمی عجیب برسد که نهضت سوسیالیسم ملی ما برای پیشرفت سریعتر و برای درهم شکستن قدرت پول امروز احتیاج به پول بیشتری دارد . ما باید بتوانیم بدون آنکه از کسی بهراسیم و رسمی که باشد یک شاهی یک پول بیگانه بپذیریم . با همت و جوانمردی خودتان با کمک و فداکاری خودمان به گنجور حزب مساعدت کنیم تا بتواند از نظر مالی مارا به بقله آن کوشش که ما هنوز در دامنه آن هستیم برساند . من از همه شما انتظار دارم که هرکدام تا آن درجه که میتواند به گنجینه حزب کمک کند .

هم پیمانان عزیزم . من تصور نمی کنم احتیاج به ذکر این مطلب داشته باشم که حزب سوسیالیسم ملی کارگران ایران هیچ نوع گذشت ، سازش بازی چند جانبه را نمی تواند تحمل کند و از کسانیکه بما میگروند انتظار دارم که تمام فعالیت و همه توانائی خود را چنانچه من خودم میکنم درخدمت حزب بگذارد .

امروز آخرین روز جنجال انتخابات تهران است : ما در این انتخابات شرکت نکردیم چه وکیلهی مسئولیت به دولتی که وزرای آن نیز مسئولیت ندارند رای اعتماد میدهند و وزیر بی مسئولیت هرچه خواست میکند . تحت این عنوان که من اجرا کننده امیال ملت هستم . ولی در حقیقت اگر یک میلیون هم انتخاب کننده در تهران باشد باز آن نماینده نماینده ملت نیست و آن کابینه ملی نخواهد بود .

هم پیمانان من . در صورتیکه ما سیاست کوتاه بین و محدود روز را قابل اعتنا نمیدانیم و آمال ما در راه اجرای برنامه و مرام مقدسمان بزرگتر از آنست که وارد در کشمکش روزانه سیاسی شویم و دیوارهای شهر را به تجهیح ترس . سخیف ترین وضعی که بیننده را منتقل و .. میسازد و روی همین دیوارها شما روح پلید و منحط احزاب سیاسی را می بینید که حتی از هتاکی به ناموس یکدیگر هم خودداری نمی کنند - باز باید در اینجا بگویم که ما عمل مردانه و ایرانی دولت فعلی را در بستن کنسولگری های انگلیسی می ستائیم و از این رفتار دولت در برابر خارجیانیکه در اول دو قرن ملت رشید و سرافراز ایران را با نوازش بازی و دسیسه کاری از هستی خودش محروم کرده بودند پشتیبانی میکنیم .

اما در عین حال نمی‌توانیم از این سرزنش نیز خودداری کنیم که روز اول دی‌ماه را بنام جشن استقلال ایران منظور مجلس ایران داده باشد.

ایران جاوید و بزرگ ما همیشه مستقل بوده است و هرگز در برابر هیچ قدرتی سر فرود نیاورده و نخواهد آورد. ما نمی‌توانیم بگوئیم که اشغال یک دولتی در داخله کشور دیگری عدم استقلال این کشور را برساند و اگر در جنگ گذشته بوسیله متفقین و جاسوسهای انگلیسی و امریکائی مثلاً در آلمان دولتها یا اشغالهای متعدد دلیل بر آن نبود که دولت آلمان استقلال سیاسی و ناموس نداشته باشد.

من بجا تصور میکنم دولت ملی این نامه را برای روز اول دی انتخاب کرده تا میزان اهمیت این عمل خود را بهتر از آنچه هست جلوه دهد.

هرچه باشد. ما سوسیالیستهای ملی کارگران ایران اول دی را بنام استقلال ایران جشن نخواهیم گرفت. بلکه فقط باسم روز معین کردن قسمتی از ... انگلیس از ایران در تاریخ خودمان ثبت میکنیم.

هم میهنان عزیز من. ما چون میدانیم که در جواب خواسته‌های ملی سازنده و پردازنده آن ملت برگزیدگان و البته آن ملت‌اند و چون آرزوی زندگی ما ایران را با جهش پیچیدگیهای مختلف با اشرافیت منحط بپیوند. یا آنها که هرچه میدانند از کتابها ترسیده‌اند و هرگز ... دفتر ... که خداوند بزرگ در این سرزمین بپا ... بپنجم ما نهاده و گشوده سر و کار غدارند ... با آنها که هرگز زندگی را ... زندگی و ملت را ... ندیده‌اند با آنها که بجز نژاد آریائی و زنگیان و ... خودتان و ... خونشان و ... یهودیهای فلسطین ... نمی‌گذارند و باسم انترناسیونالیسم خون ... خاک مقدس ما ... بمبارزه و ستیز ... میتوانستم کسانی را که ما سوسیالیستهای ملی در آینده دور یا نزدیک از نجبای نهضت و ملت خواهیم شناخت بهمان گونه.

نجبای ایران بزرگ سوسیالیسم ملی کار و عمل و خون و خاک خواهند بود. آنها کارگران صنوف جنگی و آزادگان بهشت گاو آهن و کار مولد و خلاقیت ملت‌اند.

دیگر آنکه هم میهنان عزیز من باید بدانند که ما اشکال حکومتها ... دمکراسی یعنی حکومت عوام. پلوتوکراسی حکومت پول. اریستوکراسی یعنی حکومت اعیان. آنارشی یعنی حکومت بی‌نظمی. الیگارشی یعنی حکومت یک دسته کوچک ... نامند رد میکنیم. ما حکومت دیکتاتوری نمی‌خواهیم ولی حکومت سوسیالیسم ملی ما بر پایه اطمینانی است که عامه ملت نسبت به حزب و رهبری حزب خواهد داشت. حکومتی است قوی و مقتدر که در آن تمام نکات برنامه حزبی باید با بلادرنگی و لاینقطعی مانند انقلاب یا جبر ... خواهد شد.

هم میهنان من باید بدانند که هیچ یک از ما هرگز آرام و قرار نخواهیم داشت تا آنکه بتوانیم برنامه حزبی خودمان را بر پایه خصوصیات خون و عراقت ملی به افتخارات تاریخی و آینده درخشان‌تر از اعقاب ایران بموقع اجرا بگذاریم.

البته آنچه ما در پیش داریم من نباید از شما پنهان کنم بسیار دشوار است و ممکن است بعضی اجرای آنرا از محالات بدانند چنانکه مردم زمانی همینکه افکار ما را میشنوند خیال میکنند ما دیوانه شده‌ایم. در جواب اینها افکار را ... یا در پنهانی. هم میهنان باور کنید که همین خود یکی از نشانه عظمت و قدرت افکار ماست.

اراده تزلزل ناپذیر ما بر این قرار گرفته که با پیمانهای مقدس و این ملت
رشید سرافراز شرافتمند را از چنگ اینهمه بدبختی نجات دهیم. ما
در این راه از روی نعشها و اجساد یکدیگر حرکت خواهیم کرد.

هم میهنان من. زنان و مردان ایرانی.

احزاب سیاسی همه برای ائتلاف و سیاست کج دار و مریز سازش بنحوی یا بنحو دیگر حاضرند ولی من بارها در همینجا اعلام کرده‌ام که ما اهل سازش نیستیم. زیرا یک جهان بینی ثابت فقط احکام و فرمانهای خود را اعلام میکند و بس. جهان بینی ما ماموریت نژادی و اساسی خود را اعلام میدارد و بس و در همین اعلام مردانه هدف‌گیری صحیح و درستی در آن دیده میشود.

شما میدانید آنچه مایه قدرت کمونیستها و حزب توده شده بود صداقتی آنها بود بمن. خواسته‌های سیاسی آنها از یک طرف و ... آنها از طرف دیگر ... و شعارهای ... امروز ما این قدرت موحش گروه حمله خود را در بهت سر فرماندهی هم پیمان امیر مکری و فرماندهی

سنگرهم همچنان همچون‌شان را چنان با نیروی واسعه‌های سیاسی خودمان هماهنگ کردیم که هیچکس جرات آنکه نگاه بد بما بیندازد ندارد .

من از افراد گروه حمله که این فداکاری را داوطلبانه پذیرفته‌اند و هنوز در میهن مثل بمب منفجر نشده‌اند از صمیم دل تشکر میکنم . و امیدوارم که در آینده نزدیک امتحان نیروی شگفت ما جوانان را بملت ایران بدهند . من خود بنام یک سرباز ساده گروه حمله با صدای بلند اعلام میکنم که ارتش ملی که در برنامه ما ذکر شده یعنی ارتشی که افراد آن با یک ایده سیاسی مجهز باشند چه بدون ایده سیاسی سربازان اجیری بیش نیست . بدون ایده سیاسی و جهان بینی ما قدرت جنگی وجود ندارد برای آن ارتش پرده‌های اول گروه حمله ما سرمشق است . و در اینجا ایران بزرگ ، ایران نوین ، ایران باستانی ، ایران خوشبخت ، ایران رشید ، ایران پهلوان ، ایران مغرور پی ریزی میشود .

رفقای گروه حمله من .

من بنام یک تن از میان شما پیکارجوی شما که در سخت‌ترین و شدیدترین مخاطرات همراه شما خواهم بود یقین دارم که ایمان ما ایمان محکم و استوار چون البرز کوه ما بهترین سنگرها و اراده پولادین چون تیغ برنده ما بهترین سلاح ماست .

برای انجام این ماموریت مقدس که اسمان بر دوش ما استوار کرده ما با تکیه بر سنت ناسیونال سوسیالیسم خود از هیچ چیز فروگذار نخواهیم کرد .

بذری که ما سازکرده‌ایم بی‌چون و چرا عجیب‌ترین و بزرگترین بذرهایی است که اکنون در این سرزمین تاریخی در این خاک گرامی در این جلگه‌ها و صحراها و کوهستانها و سواحل ایران عزیز تحقق میپذیرد .

ما صفوف خود را چنان میارائیم و شانه خود را چنان بهم میفشریم شمشیرهای خود را چنان صیقل میدهیم و چنان مردان کارزاری خواهیم بود که هیچکس نتواند خیال حمله بما را در سر بپرورد و اگر کسی بما حمله کرد با این شعار <u>یک تن برای همه و همه برای یک تن</u> مغز ان دشمن داخلی یا خارجی دمکرات توده یهودی انگلیسی امریکا را چنان میکوبیم که دیگر بر نخیزد .

قوی‌ترین دشمنان ما باید بدانند تا یکنفر از ما زنده است [illegible] بدست او نخواهد افتاد .

نهضت ما یک جنبش انقلابی است . انقلابی که باید در فکر و اخلاق و عمل ملت ما مؤثر شود .

قدرت ما در اینست که طرفداران ما [illegible] و هزاران بدنبال ما حرکت کنند قدرت ما در این نیست که یک جنبش پنهانی زیرزمینی باشیم . ما باید در کلبه‌های مردم جای بگیریم و فردا تکیه ما بر فداکاری میلیونها طرفداران ما باشد .

من ماموریت مقدس خود را اجرا میکنم و با فریاد بلند در این شب تاریخی ۲ بهمن فرمان میدهم

ایران بیدار شو   جوانان ایران پیش

باد ایران

۳

۱۳۳۰/۱۱/۱۰

هم میهنان عزیزم، زنان و مردان ایرانی.

بیش از همه چیز میخواستم از این [illegible] را [illegible] جمع پرشکوه [illegible] این جلسه با شکوه و زنده ایران [illegible] از این [illegible] که در عین سادگی و عظمت بزرگی افکار و بزرگی تیره روزیها را نشان میدهد به روان پاک همه شهدائی که از بدو پیدایش تاریخ ایران تاکنون برای این خون و این خاک و این نژاد جاویدان جان سپرده اند درود بفرستم. [illegible] توانستند برای لحظه از جا برخیزند و با من بگوئید [illegible] روان شهدای ایران [illegible]

پس از دو جنگ جهانی بزرگ که ملت سربلند ولی تیره روز ما [illegible] ولی پژمرده ما ملت کهن سال [illegible] برای سرنوشت جامعه خود بوده [illegible] من این افتخار را دارم که بنام رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران زنگ بیداری را در گوش این ملت بنوازم. من این افتخار را دارم که [illegible] را برافرازیم و به ملت زنده و جنگاور خود بگویم [illegible] برخیز صف های خود را بیارائیم که جهانی [illegible] برخیزد که دنیائی [illegible] عنوانهای مختلف میخواهد ریشه موجودیت ما [illegible] یعنی نژاد ما را محو و نابود کنند. من از سرنوشت آسمانی خود متشکرم که در میان ملیونها ایرانی عالم مرا با این خدمت سنگین مأمور ساخته.

هم میهنان عزیز من. من در برابر این فرمان تقدیر جز اطاعت و انجام مأموریت راه دیگری نمی شناسم بخواهد هرچه پیش آید. من لباس سربازی برای [illegible] حزب [illegible] را با علامت [illegible] که [illegible] نگهبان و پیشرو ما را [illegible] پوشیده ام تا همه شما بدانید که من [illegible] شدید ترین مبارزات پیشرو [illegible] فدائی اول [illegible] شما هستم. شما باید این نکته را بدانید که نه من و نه همکاران نزدیک من از این [illegible] که از این میدان بگریزیم، چه میدان مبارزه فکری و چه میدان مبارزه عملی، چه میدان مبارزه [illegible] باشد.

اگر این نبرد ما نبرد [illegible] است بر ضد تاریکی ما میخواهیم برای روشنی نبرد کنیم.

اگر این نبرد ما نبرد اورمزدی است بر ضد اهریمن، نبرد یزدانی است بر ضد دیوها، ما میخواهیم با دیوها دست و پنجه نرم کنیم.

اگر این نبرد ما نبرد [illegible] برای زندگی [illegible] برای زندگی ملتی که استحقاق تاریخی و نژادی حیات دارد و این حق را دشمنان او چه [illegible] و چه [illegible] به همه چیز این ملت [illegible] و چه [illegible] که خارج از جهان ملی میخواهند از دست ما بربایند، ما برای برقرار کردن این حق زندگی خود نبرد میکنیم. ما هرگز از این مبارزه [illegible] دست بر نمیداریم [illegible] و در این راه از [illegible] کرد. پیروزی ما در سایه [illegible] اساس علت ایران است و تنها پشتیبان ما خدای ایران بزرگ است.

هم میهنان من.

همانطور که الان در [illegible] این [illegible] ایستاده ام [illegible] که با شما سخن میگویم با همان [illegible] ولی [illegible] را گروگان این پیمان میگذاریم که ما پیروز میشویم و آینده از آن این نژاد [illegible] ناپذیر [illegible] است.

هم میهنان عزیزم.

من با کمال تاسف می بینم که [illegible] میخواهند با [illegible] زندگی کنند و بس [illegible] مگر یک مشت علومی که حقیقت آنها در چند جلد کتاب است و بس [illegible] ما از واقعیت ها و حقیقت ها و زندگی [illegible] آن زندگی که [illegible] خون داشته باشد [illegible] آن زندگی که ملت را زنده نگهدارد هیچ [illegible] اند. این گروه بدبخت [illegible] ایران را [illegible] و فقط کلمات [illegible] گوینده را دیوانه و [illegible] خالی از هرگونه فلسفه ای [illegible] گوشی نمیدانند که هیچ ملتی [illegible] هیچ [illegible] ملت نمیتواند موجودیت داشته باشد.

[illegible] دولتها [illegible] دمکرات و سوسیالیست ایده الی ندارند. نه ایده آلی [illegible] نه زندگی [illegible] داشته باشند چه این چنین ایده آلی فقط در سایه حکومت آن دولتی میسر است که افکار سوسیالیسم ملی در [illegible] این حکومتها و این دولتها کاسکی بد بودند. نه شما نمیدانید [illegible] خوب است اما این بیچاره ها خوب نیستند و قدرت [illegible] هم ندارند. اینها مردم ملتی را مانند گله گوسفندی

۳۱

میدانند که خود محافظ آن هستند تا غذای آنها بموقع برسد تا افراد با هم دعوا نکنند تا دیگران را بعنوان بموقع دهند و بستان را بموقع جهد . برای اینها فرقی نمیکند که آیا فرهنگ ملت ترقی میکند یا نه . آیا منعت ملت ترقی میکند یا نه . آیا اخلاق ملت بهتر میشود یا نه این دولتها دولت بین المللی بمولی هستند و میخواهند کلمه نژاد و نام خاک را از زبان ها بیندازند اما ما نمیگذاریم — خداوند مارا حافظ این نژاد و نژاد ما را حافظ و نگهبان این خاک کرده .

هم پیمانان عزیز . این دیکراتها این سوسیالیستها و این کمونیستها در قرآن مثل آزادیشان آزادیشان مثل برابریشان و برادریشان مثل برابریشان و برابریشان و همه چیزشان در کتاب است و از کتاب حتی مغز سرشان کتابی است و نمیدانند که این احمقها کتابه انسان آورنده است و زندگی میکند بعد کتاب میخواند و فکر میکند .

کارگران بیچاره را این کمونیستها ی توده که حالا اسم توده شمالی و جنوبی هم توده ای روسی یا توده ای انگلیسی هم رویشان گذارده اند چه در هر حال عامل خارجیها هستند این کارگران بیچاره را طوری تربیت کرده اند که فقط یک چیز داشته باشند : کمتر کار کنند و بیشتر پول بگیرند حال کارفرما کیست . آیا فدای بشنت ایران روسی یا زیر تکه روسی انگلیسی یا زیر بلای جوش آمریکائی آن کار کم خود را انجام نخواهد داد . یا خود آبادی خانه خود کارگر سربلند ایران بزرگ و سربلند خواهد بود برای او یکسان است .

آیا دشمنی از این بالاتر از آنهائیکه این بیچاره ها را اغفال کرده اند میتوان پیدا کرد ؟ سومکا مصمم است با همت داشتهای خود این دشمنان را در هم بکوبد چنانکه دیگر سر بلند نکنند .

هم پیمانان من . در این مملکت پهناور آنها که سوارند میچرند و میچاپند و مثل زالو شیره جان مردم افتاده اند و جز انباشتن کیسه خود فکری ندارند پیشه وران و طبقه متوسط که دارد روز بروز از میان میرود . در یک خواب عمیق و بی حسی سیاسی عجیبی فرو رفته و جز خود پرستی اندیشه دیگری ندارد و دائم در تلاش است که گلیم خود را از آب بیرون بیاورد . در مقابل اسید للاتما و تحکه یاو میپوشیم برادر این درختی که ما شاخ و برگ آتیم دارد از ریشه منقطع میشود . شانه تکان بیدهد و میگوید . "بمن چه " . مثه کرمنت ما در پله بد بیش عمیقی فرو رفته اند و میگویند کار از کار گذشته . ملت ما محکوم بفناست . آنها که از این مسیر فرامامورین پیمند دانشگاه ها فارغ التحصیل شده اند یا از آن گله خارج بوده اند که مدارس منحط زمانه را دیده اند از زندگی حقیقی اجتماعی دور مانده اند که یک کاغذ یوواشی از مکتبک آنم با خبر است . زیرا در این " کارخانه انحطاط " از زندگی واقعی چیزی بآنها نیاموخته اند اما طبقات پائین تر مردم ما مملو از رنج و جهل و تعصب اند و بس .

" سومکا " در یک چنین وضعی نا امید نشده و فرمان داده است تا ملت ایران صفها خود را بیاراید و در برابر این دشمنان ایستادگی کند اجتماعی و ملی خود گرویده با زوان توانا و قلوب پر غرور و پر افتخار خود را بکار بیندازد . تا این ملت جاودان خاموش نشود — تا این قوم و این نژاد که این قدر در تمدن و فرهنگ عالم سهیم بوده از میان نرود .

هم پیمانان عزیزم هم میهنان من .

" سومکا " بهر طریقی که باشد این ثوابا شرمنی که به تخریب اساس بنیه ملت ما کمک میکنند در هم میشکند . ما وارد در این نبرد شده ایم و در هر نبردی که ما وارد شویم فاتحیم

من هیچگو نمیتوانم و تاریخ جشن پیروزی را تعیین نمی کنم ولی این جشن باید زودتر از آنچه شما تصور میکنید ، ابتدای بیابد . امیدوارم که همه ما در آن روز فرخنده شاهد آن روز باشیم که پیروان سیاستهای ما با پیرهنهای افراشته خود در بزرگترین روز تاریخ ایران تشکیل میدهند . از میهنان مطبوعاتی خواهشمندم این پیام مرا بعالم ایرانی برسانند .

حقیقت بینی و رئالیسم ما برای یک دیسیپلین عقلانی و یک دیسیپلین حیاتی تنظیم کرده که ما را از آن تحصیل کرده ها و آن طلبه ها و فکلیها ممتاز میسازد . آنها چون با خواندن و از بر کردن چهار کتاب خود را بیش از آنچه هستند تصور میکنند بملت ما و جامعه ما بچشم پستی مینگرند و هار دارند با مشینند و از آن بیخبرند که سرنوشت ملت را علم ، و غریزه های عالی ملت تعیین میکند نه سواد و کتاب .

کسانیکه تصور میکنند چون خوانده ها بهتر میتوانند مملکتی را اداره کنند اشتباه میکنند فهمیدن با خواندن دو تاست . و از آن گذشته مدیریت خاصیتی است که آنهم و سوای از غرایز لازم این

دشمنان ما فکر تبلیغ شوونیسم را در مغز ملت ما میپرورانند. ما میخواهند از هر ملتی استفاده کنند. مناسبات جنگ و ستیز گروهی میان اقوام هرگز از بین نخواهد رفت. چه این خود یکی از قوانین محرز و مثبت زندگی است. چنانکه انسان ها دیده است باید غذا بخورد حرکت کند. ... تاکنون این طور بوده. بعد از این هم همینطور خواهد ماند.

اگر در گذشته دور جنگ میان اقوام دنیا، جنگ سربازان یک قومی بر ضد سربازان قوم دیگر بود. ما در این دو جنگ جهانی اخیر دیدیم که بر شدت و حدت این جنگها افزوده شده و بصورت جنگ هر فرد ملتی بر علیه هر فرد ملت دیگر در آمده و در آن پیر و جوان و بچه ... تندرست و ناخوش، عالم و عامی همه خواه ناخواه شرکت جسته‌اند. دنیای شرق و غرب ... دنیای دمکرات و کمونیست خود را برای چنین نبردی که باید بار شدیدتر و سخت‌تر از آنچه بچشم خود دیده ایم آماده میسازد. وای بر آن ملتی که بخواهد در جهل و حماقت بماند و خود را برای آن روز امتحان آماده نسازد.

جنگهای آینده باز کلی‌تر و بیرحمانه‌تر و مخوف‌تر از گذشته‌ها خواهد بود. و هر ملتی که برای آن روز تدارک و تهیات خود را ندیده باشد محکوم بمرگ است و گور خود را بدست خود کنده است.

ضعف روز افزون ملتی این ملت را طعمه دیگران میسازد و قدرت روز افزون ملی حیات ملت را ابدیت و جاودانی میبخشد.

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران افراد خود را طوری با قدرت عملی اخلاقی و فکری بار میاورد که با یک کوشش خستگی ناپذیر مداوم برای روز آزمایش ملی. برای آن روزی که باز غرش توپها و انفجار بمبها پرده گوشها را میدرد همه از دل و جان حاضرند برای آن فداکاری‌ها باشند که نیاکان بزرگ ما از آنها انتظار دارد. و ما آن فداکاری را مدیون تاریخ چند هزار ساله و مدیون خاک و خون پدران خود هستیم.

ما تحرک و تلون اخلاقی را، تند حمله ور شدن تند خاموش شدن این حساسیت معلول این عشق برگوئی و داد خواهی و جمله پردازی، این عدم ثبات و سبک بی‌ارادی روحی را میخواهیم با آن کوشش سنگین خستگی ناپذیر مداوم جانشین کنیم.

ما باید بتوانیم هزارها بد تحمل کنیم و در برابر هزارها حکمت هزارها ناهمواری و ناهمواری دندان روی جگر بفشریم تا موفق شویم.

من بشما قول میدهم که آن فولادی که قدرت روحی ما که اراده و توانائی اخلاقی ما را تشکیل میدهد از سلاح ماهرانه فوق و بنیه و بنیان دشمنان ما آبداده‌تر و صیقل خورده‌تر است و بهمین دلیل موفقیت نهائی با ماست.

البته ما طرفدار صلحیم ولی آن صلحی که ما آنرا بقیمت جان و خون خود فتح کرده باشیم نه آن صلحی که برما تحمیل کنند. بحال او هر صلحی که باشد با ما بطور عادلانه بیگانه باشد با نور چشمانه بیگانگان ...

من اینجا باید بشما بگویم که ما از آنها نیستیم که زیر این بارها برویم و هرکس بخواهد دور ما ... بکند ما اول دست او را میاندازیم.

هرکس بخواهد بحقوق ملی ما تجاوزی بکند ما سزاورا میدهیم.

سوم آنکه این حق را برای خود حفظ خواهد کرد که همیشه حافظ و نگهبان این نژاد باشد و این نژاد حافظ و نگهبان این خاک خواهد ماند.

چشمهای ما همیشه بیدارند و مراقب. گوشهای ما همیشه مواظب اند و هوشیار و هیچکس نمیتواند ما را غافلگیر کند. چنانکه ترکان غز دولت سلجوقی را غافلگیر کردند. و ما در مباحثات و مشاجرات لفظی غرق نمیشویم تا گرفتار سرنوشت رابین قرون وسطی شویم و صدای ... و چکاچک شمشیر دشمنانی که از دیوارها و قلعه بالا میایند نشنویم.

حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران بیدار است و سرنوشت این ماموریت مقدس را بر گرده او هموار کرده که ملت ایران را بیدار کند و بیدار نگهدارد.

ما در انجام این ماموریت خود دو راه بیشتر نمیشناسیم: یا موفق میشویم یا نابود. راه سوم وجود ندارد.

هم میهنان من! هر طبقه که هستید یعنی از هم میهنان تازه وارد اسراری دارند تا بدانند حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران ... حق دارند و این سوال در خارج

هم ایرانی کسانیکه مرا بنام رهبر حزب میشناسند بسیار از من عده است. من میخواهم از این هم میهنان و پیمی ها از این وسیله عرض نمی کنم. اینها در محیطی پرورش یافته اند که قانون عدد در آنجا حکم فرماست. از قانونی که اول آن یک است و آخر آن بینهایت. اینها هنوز سر کیفیت اعتنا نمیکنند. ولی در همکاری با ما در خواهند یافت که رمز موفقیت در کیفیت است و چونی نه در کمیت و چندی.

۱۲ نفر حواریون مسیح و یهودی صحابه صدر اسلام، دنیا غرب و شرق را به مسیحیت و اسلام در آوردند. سؤال کننده عزیز من ما ۵ نفریم، ۱۰ نفریم، ۲۰۰ نفریم، ۱۰۲۰ نفریم چه اهمیت دارد ما میتوانیم که همه یکی باشیم.

دشمنان ما شخصیت فردها و جمعیت ها را با عدد سکه های طلا و نقره انها و با شماره افراد انها را می سنجند. افراد ما در تمامیت خود روی غیر منفصلی هستند که فقط بصورت کل و در جمع کل میتواند آن باشد که هست و چنان مبارز و مجاهد مرام حزبی و ملی ما باشد که دیگران خواب چنین قدرتی را هم نمی بینند.

بعضی میگویند و پندارند و در این سرشکستگی دائمی و این خجلت همیشگی و کوچکی [illegible] بسر میبرند که ما هرچه داریم از دیگران داریم اتومبیل ماشین میز صندلی لباس اینها آنچه ما بدنیا داده ایم بحساب در نمیاورند. من یکی از کوچکترین آنها را نام میبرم. یک سیستم ساده الفبا که داریوش بزرگ در کتیبه های بیستون خود ذکر میکند و من جرأت دارم ثابت کنم که اختراع الفبا از کشف انفجار اتم مهمتر است. زیرا انسان در آن روز به [illegible] افکار خود نائل شد. ما بدنیا نوشیدن و پوشیدن آموخته ایم. ما بدنیا [illegible] را آموخته ایم ما سیستم مبادلات اقتصادی با پول را رایج کرده ایم. ما اول ملتی هستیم که معنای دولت و تشکیل دولت را یافته ایم. شالوده فرهنگ و تمدن امروز جهان را ما ریخته ایم و سرزمینهای خود را و فراتر از مرزهای اصلی و کشور کنونی خود آباد کرده ایم.

[illegible] گنجینه ملی ما سرچشمه الهامات بسیاری از مذاهب و اصول فکری دنیا شده و همه بزرگان تمدن [illegible] این ملت ما برخاسته اند. ولقمهای ترک و مغول را متفکرین ایرانی اداره میکرده اند. واین قدرت هنوز در ما هست و [illegible] است و نخواهد مرد.

و اگر این قدرت و این خاصیت در [illegible] ما نبود. و از میان رفته بود امروز شما در اینجا نبودید و این حزب با پشتیبانی خدای بزرگ ایران بزرگ تشکیل نمیشد و بی آنکه کوچکترین کمکی مادی یا روحی از [illegible] که خود از افراد حزب باشند بگیرند. این همه [illegible] و [illegible] در خود [illegible] یکشبه در آن واحد در [illegible] های مختلف بودند و دشمنان متعدد حمله ور شدند.

باید دشمنان ما کور باشند تا این خاصیت ملی ما را نبینند. و نبینند که خداوند بزرگ در این لحظه تاریخی پشتیبان ما است. سرنوشت ملی را بدین صراحت و روشنی بدست شما سپرده و اگر ما کمترین قصوری کنیم از [illegible] الهی ملی رو گردانیده ایم.

هم میهنان عزیزم. هم وطنان من:

راهی که به پیش میرود راهیکه به بلندی میرود و ما را در قله آن کوهی قرار میدهد که ایدآلهای ما همه در آنجا هستند. راه سربالا است. راه صعب و سخت و دشوار است. راه موحش و ترس آور و طاقت فرسائی است. اما باید پیموده شود و ما این راه را میپیمائیم و بآن قله که هدف اصلی ما است میرسیم و ضمانت هدایت این راه را حزب ما پذیرفته چنانکه من راهپیمائی حزب را ضمانت میکنم.

راهیکه به عقب میرود راهیکه بدره های تاریک عمیق میکشاند. راه سرازیر آسان و سریع است.

یک کسی بمن میگفت خوب بود رهبر حزب یک موقعیت سیاسی بدست میاورد و بعد مردم از او استقبال میکردند:

میخواستم از این جوان بپرسم پیشوایان سیاسی امروز ملت شما آقای عزیز من در کجا امتحان غیرت و شجاعت شخصی خود را داده اند؟ در کجا جان در کف دست برای ایده ای ایستادگی کرده اند؟ در کجا مردانگی خود را بمحک زده اند و [illegible] آورده اند. از کدام از سران قوم که میخواهید این سؤالات را بکنید؟

ولیکن ما از این کوره ها گذشته ایم در لحظاتی که [illegible] گشوده ایم جان در کف دست داریم.

هم پیمانان من.

ما مثل تیری که از کمانی بیرون میجهد و هوا را میشکافد یا مانند سینه کشتی شکه امواج اقیانوس ها را میبرد و پیش میرود پیش میرویم و هر مانع و رداعی را درهم خورد میکنیم.

شما با من اید و خدا با ماست و ما از هیچ چیز باک نداریم.

در پایان برای آنکه تعلیمات سربازی گروه های مختلف سومکا یکنواخت باشد هم پیمان داناکار احمد فاتح را با رتبه اندرزبدی به سمت بازرس بزرگ تعلیمات سربازی سومکا میگمارم.

پاینده حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

شاد ایران

ضمیمه ۶

ادب
سوسیالیسم ملّی

از انتشارات فرهنگ سومکا
سری پنجم : نشریات تعلیماتی

تهران ، ۱۳۳۵ - ۴۴۴

چاپ سوم
(چاپ یکم و دوم = سری چهارم : نشریات جیبی)

فکر کن ، که شانس رهائی از اینهمه انحطاط وفساد یکبار برتو عرضه شده یکبار و بس - آنهم در برنامهٔ سومکا

زنان و مردان وطن!
فرزندان قبیله‌ها و تیره‌های ایرانی!

درمیان جهانی، که قلب ما را دربر میگیرد — شما چشم بدست دیگران دوخته‌اید و از خدمتی، که خداوند بزرگ در وجود شما ودیعه نهاده، بهره برنمیگیرید. نیروی ارادهٔ خود را هیچ میشمارید و سرنوشت خود را وابستهٔ هوسهای سایرین میدانید. اگر از دو اردوگاه چپ و راست عالم این یکی با کمک میکند برای آنست، که سپیده‌دمان چهرهٔ ما را طبق منافع خود بالا و پائین ببرد و ببرد، تا هرچه خواست، پامال بکند و فضای حیاتی ما را زیر آسمان این خاک و این سرزمین مقدس پدرمادری از ما بستاند.

اما تو ملت قوی و نیرومند هستی، هروقت که بخواهی.

بیدار باش! باین دستهٔ از خود گذشتگان سیاهپوش، که برای تو زندگی تو میجنگند، بیندیش! بجوئی، کدور راه بزرگی و سرافرازی تو، در راه زندگی و اعتلای تو خویشتن را به آب و آتش زده، با چشم احترام بنگر!

هموطن من!

در این جهان هرگز عظمت و بزرگی را برایگان بکسی نبخشیده اند — در این راه فقط میتوان جنگید و کوشید و برد.

همیشه از خود بیشتر خواستن و برتری جستن توأم با یک «خودپرستی مقدس ملی» آئین حزبی ماست.

همهٔ اینها میسر نیست، مگر با فداکاری و ازخودگذشتگی، که ما بایست نسبت بخود و نسبت بیکدیگر داشته باشیم — با دیسیپلین و انضباط داخلی و خارجی، که من آنرا در «ادب سوسیالیسم ملی» خلاصه کرده‌ام.

نهضت ما در درجهٔ اول یک جهانبینی مردانه و نوین و یک انقلاب اخلاقی است.

ادب سوسیالیسم ملی

فراموش نکن، که تو در آغوش ملتی زندگی میکنی، که با نهضت خدائی ما در آستان عظیمترین تحولات تاریخی خود قدم نهاده. وظیفهٔ تو کوشش برای تقویت این نهضت است.

۱— سعی کن، دروغ نگوئی!
۲— تعارف نکن!
۳— پرگو نباش!
۴— پاک باش و در هرجا هستی، اطراف خود را پاک نگهدار!
۵— اینقدر بلند حرف بزن، که طرف صحبت تو بشنود — نه همسایه‌ها!
۶— هرکجا وارد شدی، در را پشت سرخود آهسته ببند!
۷— فحش نده — حتی بدشمن خودت!
۸— قولی، که دادی، سرموقع انجام بده!
۹— شخصیت دیگران را محترم بدان!
۱۰— هرچیز را، ازهرکجا برداشتی، دوباره سرجای خودش بگذار!
۱۱— همان احترامی، که برای اشخاص داری، برای اشیائی، که متعلق بآنهاست، نیز داشته باش!
۱۲— حیوانات را دوست بدار — حیوانات موذی را بکش، اما زجرکش نکن!
۱۳— گیاه را دوست داشته باش — درخت را محترم بشمار!
۱۴— بدشمن ترحم نکن!
۱۵— همه چیزجمعیت خود را بادیگران در میان نگذار!
۱۶— یادبگیر، تا دربارهٔ بسیاری چیزها سکوت کنی!
۱۷— بدیگران خوشبین باش واعتماد کن، ولی با احتیاط کامل!
۱۸— بعد از خواب وغذا، فوراً آنچه پراکنده شده، مرتب کن!
۱۹— آب را حرام و کثیف نکن: آب مقدس است!
۲۰— اگر با جمعی غذا میخوری، با آنها سرسفره بنشین و با آنها برخیز! — با دهان پرحرف نزن! سعی کن، باصدای خوردن خود دیگران را ناراحت نکنی!

ضمیمه ۷

الفبای سومکا

الفبای سومکا

خط لاتینی خود بمیانجیگری فنیقی ها و یونانیها از خطوط آرامی گرفته شده، وخط مصر ما نیز مانند خطوط پهلوی و اوستائی از همان سرچشمه پیدا شده و همهٔ اینها از خط سومریها (شنعارها) اتخاذ شده اند.

در اینجا توجه بترتیب حروف یونانی و لاتینی و مقایسهٔ آن باترتیب ابتدائی حروف عربی (جمل) این اتحاد منبع را خوب نشان میدهد:
ا، ب، ج، د = a، b، c، d یا ك، ل، م، ن = k، l، m، n ؛ ق، ر، ش، ت = q، r، s، t وغیره.

خط سومکا قریب ۱۵ سال باتمام وسایل جدید علمی تحت تجربه قرار گرفته (بکار بردن ماشین تحریر، حروف مطبعه، تلگراف و غیره) و هر گونه چکشکاری در آن بعمل آمده.

اختیار خط لاتینی برای آن نیست، که ما فرنگی «دوآتشه» بشویم، بلکه از این نظر است، که بردن مسابقهٔ حیات ملی ما بسته به کمیت سواد داران ملت ماست. با خط امروزی تعمیم معارف وجلوگیری از بیسوادی آب در غربال کردن است. پیشرفتهائی، که در ترکیه، قفقاز، ازبکستان و در خاك برادران تاجیکی ما از نظر تعمیم فرهنگ بعمل آمده، در مرحلهٔ اول مدیون تغییر خط میباشند.

الفبای سومکا

اینك الفبای سومکا!

حرکات(۷تا):

کوتاه		کشیده	
a	ـَـ	ā	ـا، آ
e	ـِـ	i	ـی
o	ـُـ	u	ـو

(حرکت مرکب diphtongue) ـو ou فردوسی

حروف بیحرکت (۲۲تا):

b c d č f g h j k
l m n p q r s š t
w x y z ž

ترتیب حروف و نام آنها (۲۹ تا):

a ā b c d e ě f g h i j k l m n o p
[illegible]
q r s š t u w x y z ž
[illegible]

حروف بزرگ:

A Ă B C D E Ě F G H I J K L M N O P Q R S Š
T U W X Y Z Ž

برای متون تلگرافی و غیرها، که علامت روی حروف را نتوانیم یا نخواهیم بگذاریم، به ترکیبات زیر متوسل میشویم:

ā = av, ě = ev, š = sv, ž = zv

علامت ˇ البته خیلی روشن و واضح است، اگر در دسترس نباشد، میتواند با علامت ˆ جانشین شود

ā = â, ě = ê, š = ŝ, ž = ẑ

مراعات قواعد زیر در نوشتن لازم است:

۱. آنچه تلفظ نمیشود، نوشته نمیشود. مانند «هاء غیر ملفوظ»،

- ۵ -

ضمیمه ۸
علایم و نشانه‌های حزبی

پیوست به اساسنامه و آئین نامه ها

الف ـ اساسنامه تغییر ناپذیر بوده آئین نامه ها لدی الاقتضا تغییر میکند.

ب ـ سوگند نامه، تناسبات پرچم و درفشهای حزبی، نمونهٔ نشانهای گروههای حزبی ونمونهٔ نامه‌های حزبی ودرجه های حزبی به این اساسنامه وآئین نامه‌ها پیوسته و ازاین تاریخ لازم الاجراء است.

شاد ایران
اردیبهشت ماه۱۳۳۱(سال‌دوم سومکا)
رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران
داود منشی زاده



کانون انتشارات حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران
فرهنگنامه سومکا ـ زنده نیا

پیوست به آئین نامه‌ها

توضیح ـ کلیهٔ نشانهای حزبی باید از برنج و همهٔ درفشها و بازو بندها ازماهوت قرمز و پرچمها از پارچهٔ قرمز رنگ غیر براق باشد.

محل کلیهٔ نشانها، روی سینهٔ چپ بالای جیب، روی یقهٔ چپ، جلو کلاه، روی شانهٔ راست نزدیک سرشانه است.

کلیهٔ اشخاصی که علاوه بر گروه اصلی خوددر گروه دیگری هستند نشان گروه ثانی را روی یقهٔ چپ خود میگذارند.

درجه‌ها از گلابتون زردرنگ بوده روی شانه بعد از نشان بطرف گردن قراردارد ودرازی آنها برابر پهنای سردوشی است. بازو بند روی بازوی چپ بالای آرنج بسته میشود.

درفشهای حزبی صفحهٔ ماهوتی قرمز به تناسب ۶۰×۷۰ سانتیمتر است که اطراف آنها شرابهای گلابتون زرد قراردارد. درمیان آنها علامت گروه دوخته میشود. دردرفش گروه حمله عقاب سادهٔ حزبی باسه خط سیاه که خط وسطی به کلفتی دو برابر خطوط اطراف است، قراردارد (عقاب جنگی).

پرچمهای رسمی حزب به تناسب ۶۰×۹۰ است که درمیان آن دائره سفیدی بشعاع ۴۰ سانتیمتر قراردارد و ارتفاع عقاب حزبی ۲۰ سانتیمتر و طول بالهایش ۳۶ سانتیمتر است که با محیط دائرهٔ سفید از هرسو ۴ سانتیمتر فاصله دارد.

سوگند

من باین خاک مقدس ایران و شرافت خود و خانواده‌ام سوگند میخورم که :
۱) بمرام حزب « سومکا » وفادار مانده ،
۲) در اجرای تصمیمات حزبی از جان دریغ نکرده ،
۳) در مجازات کسانی، که بمرام حزب خیانت کنند، بفرمان حزب کوشیده،
۴) تن و جان خود را از این لحظه به « حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران » متعلق دانسته ،
۵) نسبت به پریم و رهبر حزب «سومکا» تا پای جان وفادار باشم.

شاد ایران

توضیح : مراسم سوگند با تشریفات عمومی و رسمی در مقابل جعبه‌ئی محتوی خاک ایران برگذار میشود .

نامه

نام و نام خانوادهٔ فرستنده (یا نام دایره) — تاریخ ....
نشانی (خیابان ـ کوچه ـ خانه) — شماره ....
شهر و شهرستان فرستنده

هم پیمان (یا نام دایره)
نشانی (خیابان ـ کوچه ـ خانه) گیرنده
شهر و شهرستان گیرنده

....

....

....

شاد ایران
امضاء

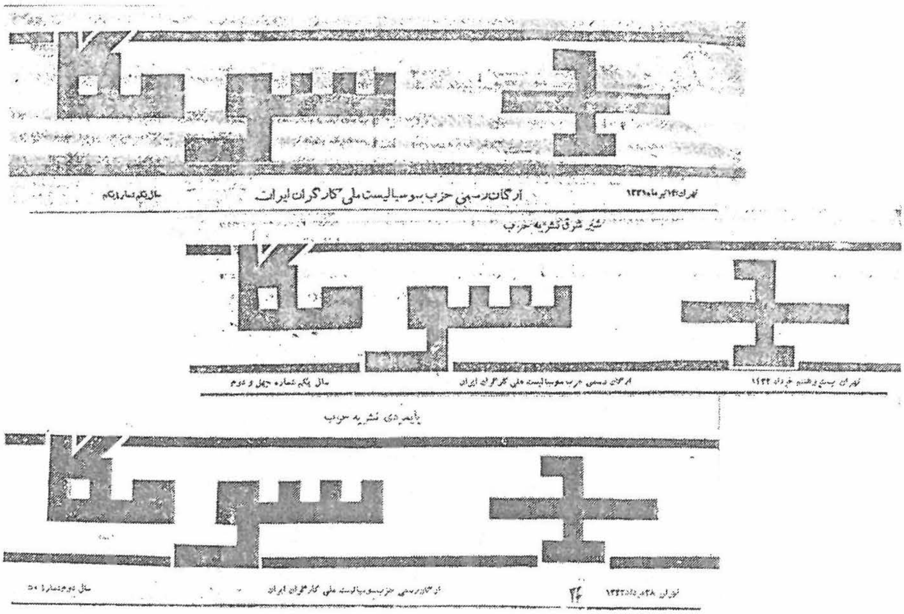
☼

پشت پاکت

تمبر

هم پیمان (یا دایرهٔ گیرنده)
خیابان ـ کوچه ـ خانه
شهر (و شهرستان)

فرستنده: هم پیمان (یا دایره)
خیابان ـ کوچه ـ خانه
شهر (و شهرستان)



سومکا

تهران ۱۴ تیرماه ۱۳۳۱ — ارگان رسمی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران — سال یکم شماره یکم

شیر شرق نشریه حزب

سومکا

ارگان رسمی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران — سال یکم شماره چهل و دوم

پایمردی نشریه حزب

سومکا

ارگان رسمی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران

ضمیمه ۹
تصاویر



فرد گروه حمله درحال
سلام حزبی



فرد ایران فرزندان درحال
خبردار حزبی



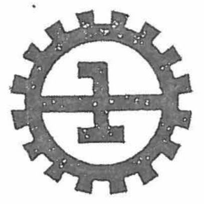
نشان گروه حمله



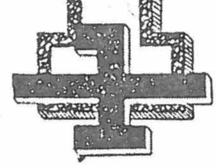
نشان گروه جاویدان ودفتررهبری
(بتناسب دوسوم)



نشان گروه ایران فرزندان



نشان گروه فنی



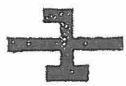
فرهنگ سومکا
(به تناسب یکدوم)



گروه زنان ایران



نشان سازمان داوری و
مسائل حقوقی



گروه مردان سومکا
(روی شانهٔ راست)

سرجوخه ـ رده‌بان
ـ گروهدار



سردسته ـ دسته دار



وشتبان ـ جرگه دار



اختربان



درفش بان



طوفان سالار



پایان



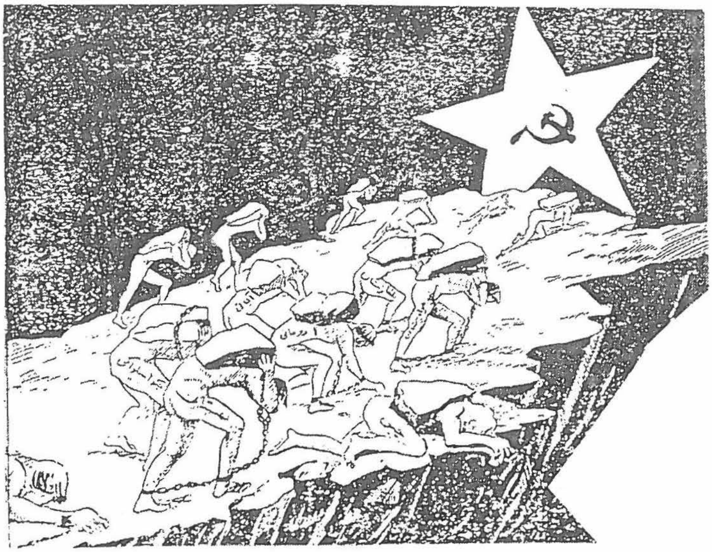
امریکا بایران کمک میکند !

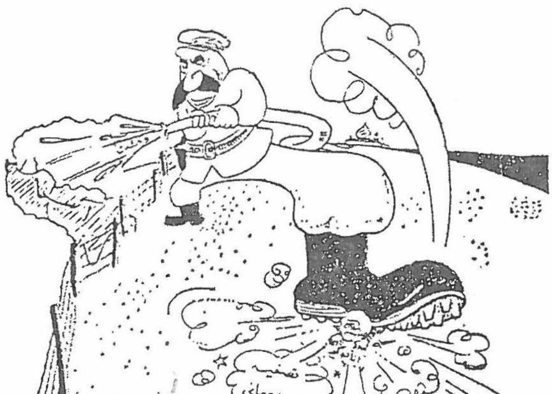


در کوهستانهای ما عسل هست ...
اما نیش زنبور هم ...



صلح بلشویکی !





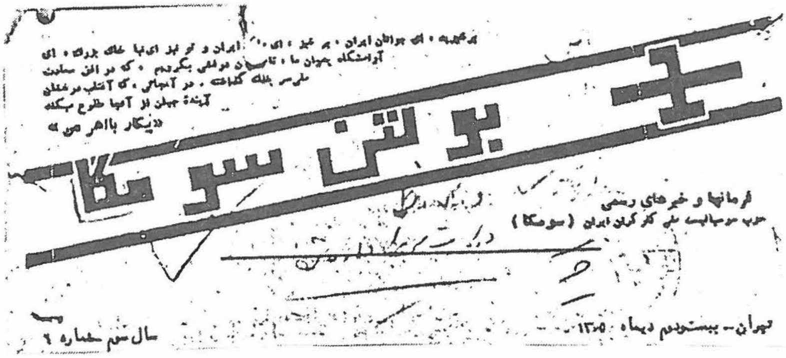
استالین - آقا ساکت باش! من اینطرف کار دارم



سومکا بت‌شکن دموکراسی



آیا دولت قوام قادر است کشتی شرکت سابق نفت را نجات دهد ؟! ...



بولتن سومکا

فرمانها و خبرهای رسمی
حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا)

«دیکار با اهریمن»

تهران - بیست‌ودوم دیماه ۱۳۳۵
سال سوم شماره ۶

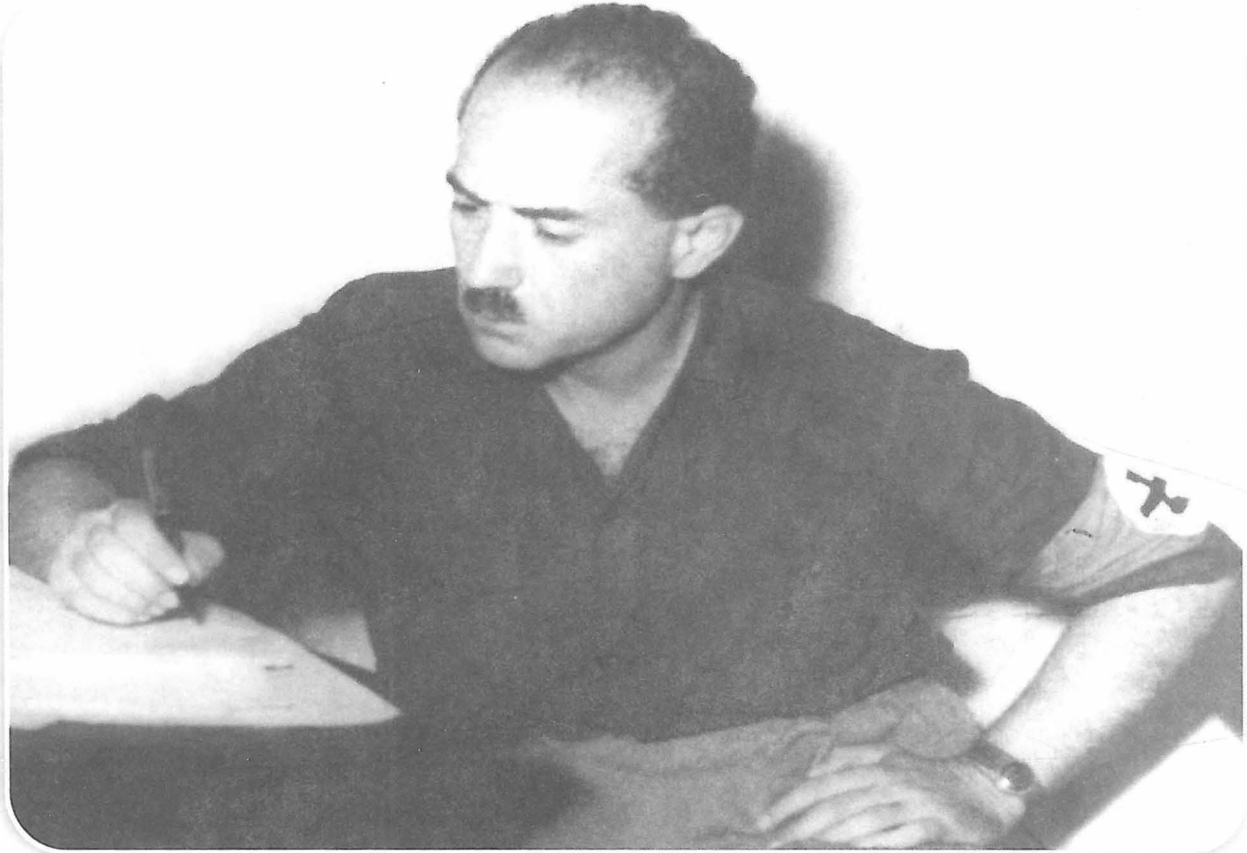


... از مرگ با افتخار استقبال میکنند
و از زندگی ننگین هراسانند
«دیکار با اهریمن»

تهران ۱۵ دیماه ۱۳۳۵
سال دوم



داوود منشی زاده



داوود منشی زاده

منابع ومآخذ

۱ـ آقاشیخ‌محمد، مریم و سعید نوری‌نشاط، ***گلزار مشاهیر، زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸ـ۱۳۷۶***، نشر برگ زیتون، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران، تهران ۱۳۷۷

۲ـ ابریشمی، عبدالله، ***نقد و بررسی ناسیونالیسم***، چاپ بهمن، تهران ۱۳۷۳

۳ـ ابنشتاین، ویلیام و ادوین فاگلمان، ***مکاتب سیاسی معاصر (نقد و بررسی کمونیسم، فاشیسم، کاپیتالیسم و سوسیالیسم)***، ترجمه حسینعلی نوذری، نشر گستره، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۹،

۴ـ احمد، ضیاءالدین، ***نگاهی بر جنبش ناسیونالیسم عرب***، ترجمه‌ی حیدر بوذرجمهر، وزارت ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۶۵

۵ـ احمدی، حمید (مترجم): ***اسرار کودتا اسناد محرمانه C.I.A درباره عملیات سرنگونی دکتر مصدق***، نشر نی، تهران ۱۳۷۹

۶ـ اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر رئیس‌جمهور، ***اسنادی از احزاب سیاسی در ایران (۱۳۲۰ـ ۱۳۴۰ هش)***، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات، تهران ۱۳۷۹

۷ـ اقتداری، احمد، ***کاروان عمر***، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲، چاپ اول

۸ـ الموتی، مصطفی، ایران در عصر پهلوی، جلد نهم، ***جنبش‌های کمونیستی و سوسیالیستی در ایران و سرنوشت رهبران حزب توده***، پکا، لندن ۱۳۷۰

۹ـ امیر خسروی، بابک: ***نظر از درون به نقش حزب توده ایران (نقدی بر خاطرات نورالدین کیانوری)***، اطلاعات، تهران ۱۳۷۵

۱۰ـ انصاری، مسعود، ***ناسیونالیسم و مبارزات ضد استعماری کشورهای آفریقای شرقی، تانگانیکا، کنیا، اوگاندا، زنگبار***، کتابفروشی فروغی، تهران ۱۳۴۵

۱۱ـ انوشیروانی، حسین، **کودتای نافرجام**، محیط، تهران ۱۳۷۸

۱۲ـ بختورتاش، نصرالله، **گردونه‌ی خورشید یا گردونه مهر**، عطایی، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۶،

۱۳ـ برزین، مسعود، **شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی**، بهجت، تهران ۱۳۷۱

۱۴ـ برهان، عبدالله، **کارنامه حزب توده و راز سقوط مصدق**، نشر علم، جلد دوم، ۱۳۷۸

۱۵ـ بزرگمهر، جلیل، **زندگی نامه من (خاطرات سرهنگ جلیل بزرگمهر)**، نشر علم، تهران ۱۳۷۷

۱۶ـ بشیریه، حسین، **جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی)**، نشر نی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۴

۱۷ـ بهزادی مددی، حمید، **ناسیونالیزم**، انتشارات مؤسسه حساب، تهران ۱۳۵۴

۱۸ـ بهنود، مسعود، **از سید ضیاء تا بختیار**، (دولت‌های ایران از سوم اسفند ۱۲۹۹ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷)، علمی، چاپ پنجم، تهران ۱۳۷۰

۱۹ـ پژمان، عیسی، **اسرار قتل و زندگانی شگفت‌انگیز سپهبد تیمور بختیار**، پاریس، انتشارات ژن، چاپ دوم، پاریس ۱۹۹۱ (اردیبهشت ۱۳۷۰)

۲۰ـ تربتی سنجابی، محمود، **قربانیان باور و احزاب سیاسی ایران**، انتشارات آسیا، تهران ۱۳۷۵

۲۱ـ تربتی سنجابی، محمود، **کودتاسازان**، مؤسسه فرهنگی کاوش، تهران ۱۳۷۶

۲۲ـ ترکمان، محمد، **توطئه ربودن و قتل افشار طوس**، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۶۳

۲۳ـ تفرشی، مجید و محمود طاهر احمدی، **گزارش‌های محرمانه شهربانی**، سازمان اسناد ملی ایران، جلد اول، تهران ۱۳۷۱

۲۴ـ تکمیل همایون، ناصر، **میهن‌دوستی در ایران**، سازمان انتشاراتی استقلال، تهران ۱۳۵۹

۲۵ـ تولند، جان، **آدولف هیتلر**، ترجمه عبدالحسین شریفیان، اساطیر، ج ۱، تهران ۱۳۷۳

۲۶ـ جامی، ن، **گذشته چراغ راه آینده است**، ققنوس، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۲،

۲۷ـ جزنی، بیژن، **تاریخ سی ساله ایران**، [بی‌نا، تهران ۱۳۷۵]

۲۸ـ حائری، عبدالهادی، ***نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایرانی با دو رویه تمدن بورژوازی غرب***، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۷

۲۹ـ حائری، عبدالهادی، ***تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق***،امیرکبیر، تهران ۱۳۶۰

۳۰ـ خانبابا تهرانی، مهدی، ***نگاهی از درون به جنبش چپ ایران***، گفتگوی حمید شوکت با مهدی خانبابا تهرانی، انتشار، تهران ۱۳۸۰

۳۱ـ ختمی لاهوری، ابوالحسن عبدالرحمان، ***شرح عرفانی غزل‌های حافظ***، تصحیح و تعلیقات، بهاءالدین خرمشاهی، کورش منصوری، حسین مطیعی امین، نشر قطره، تهران ۱۳۷۴

۳۲ـ خدوری، مجید، ***گرایش‌های سیاسی در جهان عرب***، ترجمه عبدالرحمان عالم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران ۱۳۶۶

۳۳ـ خرمشاهی، بهاءالدین، ***حافظ‌نامه***، شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، جلدو اول، تهران ۱۳۶۶

۳۴ـ خسروپناه، محمدحسین، ***سازمان افسران حزب توده ایران ۱۳۳۲ـ ۱۳۳۳***، تهران، تهران ۱۳۷۷

۳۵ـ خلیل‌الله مقدم، احمد، ***تاریخ جامع ملی شدن نفت***، نشر علم، تهران ۱۳۷۷

۳۶ـ داوری اردکانی، رضا، ***ناسیونالیسم، حاکمیت ملی و استقلال***، انتشارات پرسش، چاپ دوم، اصفهان ۱۳۶۹

۳۷ـ دوورژه، موریس، ***احزاب سیاسی***، ترجمه رضا علومی، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۷

۳۸ـ رزم‌آسا، اسماعیل، ***یادنامه عماد***، [تهران]، مهر ۱۳۷۷، پلی‌کپی

۳۹ـ رزمجو، علی‌اکبر، ***حزب پان ایرانیست***، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۸

۴۰ـ رنجبر، ابراهیم، مردم بخوانید و به جنایات احزابی دو روزه پی ببرید، **من عضو حزب سومکا بودم**، اعترافات ابراهیم رنجبر، عضو گروه حمله حزب سومکا، بی‌نا، [تهران،][۱۳۳۱]

۴۱ـ رنجبر، ابراهیم، ***واقعیت افکار نشدنی یا من عضو حزب سومکا بودم***، اعترافات ابراهیم رنجبر، عضو گروه حمله حزب سومکا، جزوه دوم، چاپ ملی، [تهران][۱۳۳۲]

۴۲ـ ساتن، الول، ***نفت ایران***، ترجمه دکتر رضا رئیسی طوسی، تهران، مؤسسه انتشارات صابرین، ۱۳۷۲

۴۳ـ سلطانی، محمدعلی، ***احزاب سیاسی و انجمن‌های سری در کرمانشاه از فراموش‌خانه تا خانه‌سیاه: دوره‌های ۱ـ ۵ انتخابات مجلس شورای ملی و فریادگران بر نظام دیکتاتوری از کرمانشاه***، مؤسسه فرهنگی نشر سها، تهران ۱۳۷۸

۴۴ـ شایرر، ویلیام، ***ظهور و سقوط رایش سوم***، ترجمه کاوه دهگان، انتشارات فردوسی، جلد اول، تهران ۱۳۶۲

۴۵ـ شوراتس منتل، جج، ***ساختارهای قدرت (درآمدی بر علم سیاست)***، ترجمه مرکز تحقیقات سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)، به کوشش ناصر جمال‌زاده، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۸

۴۶ـ صدری طباطبایی نایینی، محمد، ***راهنمای مطبوعات ایران (۱۳۰۴ش تا ۱۳۵۷ش)***، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، جلد اول، تهران ۱۳۷۸

۴۷ـ صولت قشقایی، محمدناصر، ***سال‌های بحران، خاطرات روزانه محمدناصر صولت قشقایی از فروردین ۱۳۲۹ تا آذر ۱۳۳۲***، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۶

۴۸ـ طبری، احسان، ***ایران در دو سده واپسین***، توده، تهران ۱۳۶۰

۴۹ـ عاقلی، باقر، ***روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی***، جلد اول، نشر گفتار، چاپ اول، تهران ۱۳۶۹

۵۰ـ عطاالطایی، نجاح، ***سیر اندیشه ملی‌گرایی از دیدگاه اسلام و تاریخ***، ترجمه عقیقی بخشایشی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۶۹

۵۱ـ علی بابایی، غلامرضا، ***فرهنگ علوم سیاسی***، جلد اول، واژه‌های سیاسی، شرکت نشر و پخش ویس، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۹

۵۲ـ فردوست، حسین، ***ظهور و سقوط سلطنت پهلوی***، جلد اول، خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، به کوشش مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۰

۵۳ـ فِریه، ر. دبلیو، ***هنرهای ایران***، ترجمه پرویز مرزبان، نشر و پژوهش فرزان، تهران ۱۳۷۴

۵۴ـ کاتم، ریچارد، ***ناسیونالیسم در ایران***، ترجمه فرشته سرلک، نشر گفتار، تهران، ۱۳۷۱

۵۵ـ کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، ***استبداد، دموکراسی و نهضت ملی***، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۲

۵۶ـ کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، ***اقتصاد سیاسی ایران، استبداد و شبه مدرنیسم ۱۳۰۵ـ ۱۳۵۷***، جلد اول، ترجمه‌ی محمدرضا نفیسی، پاپیروس، تهران ۱۳۶۶، جلد دوم، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، ۱۳۶۸

۵۷ـ کاتوزیان، همایون، ***مصدق و نبرد قدرت***، ترجمه‌ی احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۷۱

۵۸ـ کامبخش، عبدالصمد، ***نظری به جنبش کارگری در ایران***، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا

۵۹ـ کیا، ب، ارتش تاریکی، مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۷۶

۶۰ـ کیانوری، نورالدین، ***خاطرات نورالدین کیانوری***، به کوشش مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی، مؤسسه اطلاعات، تهران ۱۳۷۱

۶۱ـ گازیوروسکی، مارک. ج، ***سیاست خارجی آمریکا و شاه: بنای دولتی دست نشانده در ایران***، ترجمه فریدون فاطمی، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۱

۶۲ـ گازیوروسکی، مارک ج، ***کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲***، ترجمه سرهنگ غلامرضا نجاتی، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۶۷

۶۳ـ گاست، ارتگا ای، ***انتلکتول و دیگری***، ترجمه داوودمنشی‌زاده، به انضمام خط سومکا، انتشارات فرهنگ سومکا (سری دوم، دفتر دوم)، تهران ۱۳۳۳

۶۴ـ لاپیر، ژ و، ***قدرت سیاسی***، ترجمه دکتر بزرگ نادرزاد، زمان، تهران ۱۳۶۲

۶۵ـ مارکوارت، ژوزف، وهرود و ارنگ، ***جستارهایی در جغرافیای اساطیری و تاریخی ایران شرقی***، ترجمه داوودمنشی‌زاده، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران ۱۳۶۸

۶۶ـ مدیرشانه‌چی، محسن، ***احزاب سیاسی ایران با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعه سوسیالیست‌ها***، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۷۵

۶۷ـ ***مذاکرات مجلس شورای ملی***، ج ۳۰، س ۸، ش ۲۲۴۳ (۱۳۳۱/۸/۶)، ص ۸، سؤال حائری‌زاده از وزیر کشور

۶۸ـ مرکز بررسی اسناد تاریخی، ***سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک (اولین رئیس ساواک)***، جلد اول، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران ۱۳۷۸

۶۹ـ مرکز بررسی اسناد تاریخی، ***رجال عصر پهلوی، کتاب اول، داریوش همایون به روایت اسناد ساواک***، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران ۱۳۷۸

۷۰ـ مرکز مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، **ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم، جستارهایی از تاریخ معاصر ایران**، مؤسسه اطلاعات، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۰،

۷۱ـ مشار، خانبابا، **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون**، چاپ سوم، [بی‌نا]، تهران ۱۳۴۱

۷۲ـ مصور رحمانی، غلامرضا، **خاطرات سیاسی**، رواق، چاپ اول، تهران ۱۳۶۳

۷۳ـ مطهری، مرتضی، **خدمات متقابل اسلام و ایران** ، صدرا، چاپ هشتم، قم

۷۴ـ معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور، **اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران (۱۳۱۸ـ ۱۳۴۵هش)**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران ۱۳۷۹

۷۵ـ معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور، **اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران (۱۳۵۷ـ۱۳۲۹هش)**، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، جلد دوم، تهران ۱۳۸۰

۷۶ـ معتضد، خسرو، **جنگ نفت روی شن‌های داغ**، یادداشت‌های دکتر شمس‌الدین میرزاییان تنها عضو ایرانی اداره‌ی H.I.F در سازمان آب و هر (ضد جاسوسی آلمان) و افسر R.S.H.A، علمی، تهران ۱۳۷۸

۷۷ـ معتضد، خسرو، **سراب جانشین پسر**، نشر البرز، جلد دوم، تهران ۱۳۷۴

۷۸ـ معتضد، خسرو، **سپهبد بختیار سایه سنگین شاه**، علمی، تهران ۱۳۷۹

۷۹ـ منشی‌زاده، داود، **پیکار با اهرمن**، تهران، انتشارات فرهنگ سومکا (سری اول، دفتر دوم)، چاپ دوم، تهران ۱۳۳۲

۸۰ـ منشی‌زاده، داود، **خطابه‌های رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران از تاریخ آبان ماه ۱۳۳۰ تا اسفند ۱۳۳۰**، انتشارات فرهنگ سومکا (سری یکم ـ دفتر پنجم)، پلی‌کپی، تهران [۱۳۳۱]

۸۱ـ منشی‌زاده، داود، **دربدر در پی بهشت**، انتشارات فرهنگ سومکا (سری سوم، کتاب یکم)، تهران ۱۳۳۲

۸۲ـ منشی‌زاده، داود، **کمونیسم و لیبرالیسم و چند نوشته و سخنرانی دیگر از رهبر سومکا**، انتشارات فرهنگ سومکا (سری یکم، دفتر نهم)، تهران ۱۳۳۶

۸۳- مهدی‌نیا، جعفر، *زندگی سیاسی رزم‌آرا*، ناشر مؤلف، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۶

۸۴- میرانی، ابراهیم، *ناسیونالیسم و جنبش مشروطیت ایران*، انتشارات آرمانخواه، تهران ۱۳۵۸

۸۵- نجاتی، غلامرضا، *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)*، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، جلد اول، تهران ۱۳۷۱

۸۶- نجاتی، غلامرضا، *جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۶

۸۷- نجاتی، غلامرضا، *ماجرای کودتای سرلشکر قرنی*، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران ۱۳۷۳

۸۸- نقوی، علی‌محمد، *اسلام و ملی‌گرایی*، نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۰

۸۹- نقوی، علی‌محمد، *جامعه‌شناسی غربگرایی*، امیرکبیر، جلد دوم، تهران ۱۳۶۳

۹۰- نویمان، فرانتس، *بهیموت*، ترجمه محمدرضا سوداگر، دنیای مادر، تهران ۱۳۷۰

۹۱- همایونفرخ، رکن‌الدین، *حافظ خراباتی*، جلد سوم، انتشارات اساطیر، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۹

۹۲- هیتلر، آدولف، *نبرد من*، ترجمه عنایت، دنیای کتاب، چاپ پنجم، تهران ۱۳۷۴

کتب لاتین

1- Banani, A.: '[Hizb in] Persia,' (In: ***The Encyclopaedia of Islam,*** New edition, Vol. III, Leiden, PP 527-530.

2- ***Bio- Bibliographis de 134 Savants***. (= Acta Iranica 20). Leiden, 1979.

3- Doob, Leonard W.: ***Patriotism and Nationalism*** their Psychological foundation. Yale University Press, 1965.

4- Miller Lane, Barbara; J. Rupp, Leila (ed and transl): ***Nazi ideology before 1933***. Manchester University Press, 1978.

5- Minogue, K. R, ***Nationalism***, London, 1969.

6- Monteil, Vincent, ***Iran***, Collection Petite Planete, Editions du Seuil, Paris, 1962.

7- Musaddig, M.: ***Musaddig's Memoirs***. Translated by S. H.

8- Amin and H. Katouzian, Edited and introduced by Homa Katouzian. London.

مقالات

۱ـ «افـراد حـزب سـوسیالیست نـازی در خـیابان اسـلامبول»، ***آتش***، س ۵، ش ۱۱۸۴ (۱۳۳۱/۱/۳۰)، ص ۲

۲ـ اقبال، عباس، «ورقی از تاریخ مشروطه ایران، شرح حـال مـرحـوم مـیرزا ابـراهـیم‌خان منشی‌زاده (۱۲۹۶ـ۱۳۳۶قمری)»، ***یادگار***، س ۳، ش ۶ـ۷، صص ۱۴۳ـ۱۵۱ و ش ۸، صص ۴۵ـ ۵۷

۳ـ ***اطـــلاعات***، س ۲۶، ش ۷۶۹۸ (۱۳۳۰/۱۰/۳)، ش ۷۷۰۰ (۱۳۳۰/۱۰/۵) ســتون آگهی‌های ترحیم

۴ـ انتخابی، نـادر، «ایـرانـیان و انـدیشه نـاسیونالیسم»، ***ایـران و مـدرنیته***، گـفتگوهایی بـا پـژوهشگران ایـرانـی و خـارجـی در زمـینه رویـارویی ایـران بـا دسـتاوردهای جـهان مـدرن، (گفت‌وگوهایِ) رامین جهانبگلو، ترجمه حسین سامعی، نشر گفتار، تهران ۱۳۷۹، صص ۲۷ـ ۳۸

۵ـ «اینجا برلین اینجا .برلین...، حکومت ایران آزاد در بـرلین»، ***خواندنی‌ها***، س ۸، ش ۱۱، ص ۹

۶ـ «بازداشت رهبر سومکا جز ننگ و رسوایی برای هیئت حاکمه نتیجه‌ای حاصل نخواهد نمود.»، ***سومکا***، س ۱، ش ۱۹ (۱۳۳۱/۸/۱۵)، ص ۱

۷ـ برزین، مسعود: «جانشینی» در مطبوعات سال‌های ۱۳۳۰ـ۳۲ ش»، ***کلک***، ش ۴۹ـ ۵۰ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳)

۸ـ بلوچ، جهانگیر، «گفتگو و بحث با سرلشکر قرنی در واپسین روزهای زندگی...»، ***جوان***، ش ۲۱، (۱۳۵۸/۲/۱۴)، صص ۳۸ـ ۳۹

۹ـ «به آن‌ها که توطئه کشف می‌کنند»، ***سومکا***، س ۱، ش ۷ (۱۳۳۱/۵/۲۸)

۱۰ـ بهرام‌مهر [= امیرشاپور زندنیا]، «تاریخ ۲۵ ساله ایران: جـعلیات بـه صـورت حـق بـه جانب»، ***عماد***، س ۲، ش ۳۰ (۱۳۷۱/۱۰/۲۳)، قسمت هشتم، س ۲، ش ۳۳ (۱۳۷۱/۱۱/۱۴)

۱۱ـ «پس از الغاء حکومت نظامی»، ***کیهان***، س ۱۱، ش ۲۷۷۹ (۱۳۳۱/۵/۲۲)، ص۲

۱۲ـ **پرچمدار**، س ۲، ش ۱۳ (۱۳۳۱/۱۲/۱۷)، صص ۱ـ۲

۱۳ـ پیراهن سیاه [مستعار]، «باز هم داروغه مصدق توطئه می‌چیند. دومین سال تأسیس سومکا امروز پایان می‌پذیرد ولی سال نو ما را مصمم‌تر خواهد دید»، **سومکا**، ش ۳۶ (۱۳۳۲/۲/۹)، صص ۱ـ۲

۱۴ـ [پیراهن سیاه]، «از موازنه منفی تا موازنه مثبت»، **سومکا**، س ۲، ش ۴۵ (۱۳۳۲/۱۰/۲۴)، ص ۱

۱۵ـ [پیراهن سیاه (داریوش همایون؟)]، «برای کارگران، حقوق کار در نظام ناسیونال سوسیالیست»، **سومکا**، س ۱، ش ۳ (۱۳۳۱/۴/۳۰)، ص ۴

۱۶ـ [پیراهن سیاه (داریوش همایون؟)]، «برای کارگران: کشتزارها را به برزگران وامی‌گذاریم»، **سومکا**، س ۱، ش ۷ (۱۳۳۱/۵/۲۸)،، صص ۱ و ۲

۱۷ـ [پیراهن سیاه (داریوش همایون؟)]، «برای کارگران: مسئله حق مالکیت خصوصی»، **سومکا**، س ۱، ش ۶ (۱۳۳۱/۵/۲۰)، ص ۱

۱۸ـ [پیراهن سیاه (داریوش همایون؟)]، «برای کارگران: ملی کردن صنایع بزرگ»،**سومکا**، س ۱، ش ۸ (۱۳۳۱/۶/۶)، صص ۱ و ۳

۱۹ـ پیراهن سیاه، «پرتگاهی که دیکتاتوری تضرع فراهم کرده است، تنها سوسیالیسم ملی می‌تواند ملت ما را برهاند.»، **سومکا**، س ۱، ش ۳۵ (۱۳۳۲/۲/۲)، صص ۱ـ۲

۲۰ـ پیراهن سیاه، «دلار، لیره، ریال، مصدق‌السلطنه یا مشرف نفیسی یا هر دو...»، **سومکا**، س ۲، ش ۴۴ (۱۳۳۲/۴/۱۰)، صص ۱ و ۳

۲۱ـ پیراهن سیاه، «رهبر من منشی‌زاده، به مناسبت سی و نهمین سال تولد رهبر»، **سومکا**، س ۱، ش ۸ (۱۳۳۱/۶/۶)، ص ۱

۲۲ـ پیراهن سیاه، «ما آزادی ملی را در افتخار و عظمت می‌دانیم دیکتاتوری تضرع این روزها گدایی می‌کند». **سومکا**، س ۱، ش ۳۷ (۱۳۳۲/۲/۱۶)، ص ۱

۲۳ـ پیراهن سیاه، «ما پیمان خود را با هم‌وطنان تجدید می‌کنیم، ما از هر ائتلافی، جز با ملت خود می‌پرهیزیم»، **سومکا**، س ۱، ش ۳۴ (۱۳۳۲/۱/۲۶)، ص ۱

۲۴ـ پیراهن سیاه، «مراجعه به آراء عمومی، رفراندوم آخرین و کامل‌ترین روش در حکومت ملی»، **شیر شرق**، نشریه حزب سومکا، س ۲، ش ۴۷ (۱۳۳۲/۵/۷)، ص ۱

۲۵- پیراهن سیاه، «وداع از گذشته، سینما و فیلمبرداری آمریکائی»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۵ (۱۳۳۱/۱۰/۷)، صص ۱ و ۲

۲۶- «تازه‌های مرد آسیا»، ***مرد آسیا***، س ۱، ش ۲۷ (۱۳۳۱/۷/۲۰)، ص ۴

۲۷- «تصفیه در حزب سومکا»، ***مرد آهنین***، س ۲، ش ۳۵ (۱۳۳۱/۲/۱)، ص ۳

۲۸- «جاوید باد خاطره مردان سی‌ام تیر»، **شیر شرق**، نشریه حزب سومکا، س ۲، ش ۴۶ (۱۳۳۲/۵/۱)، ص ۱

۲۹- جی، ریچارد، «ناسیونالیسم»، ***مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی***، ترجمه م‌قائد، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۵، صص ۲۱۴-۲۵۷

۳۰- «حزب پیراهن سیاهان (سومکا) از عناصر وابسته به سازمان شاهنشاهی تصفیه شد»، ***زبان سرخ***، س ۱، ش ۲ (۱۳۳۱/۲/۴)

۳۱- «حزب پیراهن سیاهان می‌خواهد ایران را بهشت کار و بهشت فعالیت سازد»، ***تهران مصور***، ش ۳۴۸ (۱۳۳۰/۱۲/۲۳)

۳۲- «حزب نازی در ایران»، ***واهمه***، ش ۱۷ (۱۳۳۰/۱۱/۱۶)، ص ۱

۳۳- «حزب ناسیونال سوسیالیست ایران تشکیل شد»، ***ترقی***، س ۲۳، ش ۳۷ (شماره مسلسل ۴۷۴)، صص ۳ و ۱۸

۳۴- «حزب ناسیونال سوسیالیست ایران تشکیل شد»، ***شاه‌داد***، س ۱، ش ۸ (۱۳۳۰/۱۱/۲۴)، ص ۴

۳۵- «حزب‌های بی‌مرام فرمایشی»، ***سومکا***، س ۱، ش ۲۴ (۱۳۳۱/۹/۲۳)، ص ۳

۳۶- «خبرهای کشور»، ***مرد آهنین***، س ۲، ش ۴۰ (۱۳۳۱/۳/۱۲)، ص ۴

۳۷- درویش‌زاده، «گفتگو با سرلشکر قرنی»، ***امید ایران***، دوره جدید، ش ۱۰، ش مسلسل ۱۰۰۲ (۱۳۵۸/۱/۲۰)، ص ۱۰

۳۸- «در برنامه سومکا»، ***سومکا***، س ۱، ش ۴ (۱۳۳۱/۵/۶)، صص ۱-۲

۳۹- «در پیرامون بازداشت رهبر حزب سومکا، آقای منشی‌زاده باید آزاد شود»، **شیر شرق**، س ۱، ش ۳ (۱۳۳۱/۷/۱۷)، صص ۱-۲

۴۰- «در دنیایی دشمن، برای تاریخچه حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران»، ***سومکا***، س ۱، ش ۲۱ (۱۳۳۱/۸/۲۹)، صص ۱-۲

۴۱ـ «در مجلس علنی امروز سنا»، ***کیهان***، س ۱۰، ش ۲۶۹۷ (۱۳۳۱/۲/۱۲)، ص ۲

۴۲ـ «درود بر مبارزان دلیر ناسیونال سوسیالیست دبیرستان پیرنیا»، ***مرد آهنین***، س ۲، ش ۳۸ (۱۳۳۱/۲/۲۹)، صص ۱ و ۴

۴۳ـ «دموکراسی و رژیم رهبری»، ***سومکا***، س ۱، ش ۲۳ (۱۳۳۱/۹/۱۶)، صص ۱ و ۲

۴۴ـ «دیشب در تهران خانه صلح را آتش زدند و به مرکز حزب سومکا حمله بردند»، ***اطلاعات***، س ۲۷، ش ۷۸۸۵ (۱۳۳۱/۵/۲۹)، ص ۵

۴۵ـ «دیشب مأمورین حکومت نظامی مانع تشکیل کنفرانس حزب «سومکا» شدند ولی خبرنگار ما با رهبر آن‌ها مصاحبه کرد»، ***آتش***، س ۵، ش ۱۱۹۷ (۱۳۳۱/۲/۱۷)

۴۶ـ زندنیا، امیرشاپور، «مردی که مرد»، ***سومکا***، س ۱، ش ۳۲ (۱۳۳۱/۱۲/۲۵)، ص ۳

۴۷ـ «روزنامه صدای سمنان می‌نویسد چرا منشی‌زاده را آزاد نمی‌کنید»، ***سومکا***، س ۱، ش ۲۱ (۱۳۳۱/۸/۲۹)

۴۸ـ ژاکار، آکبر، «پنداری غیرعلمی»، ***پیام***، س ۲۷، ش ۳۱۰ (اردیبهشت ۱۳۷۵)، صص ۲۵ـ۲۲

۴۹ـ سیار، غلامعلی، «وضع ترجمه در ایران»، ***آینده***، س ۱۶، ش ۵ـ۸، مرداد ـ آبان ۱۳۶۹، صص ۴۹۳ـ۴

۵۰ـ شاهرخ، بهرام، «خاکستر گرم»، ***مرد امروز***، ش ۱۳۵ (۱۳۲۶/۱۱/۳)

۵۱ـ شکوری، ابوالفضل، و دیگران (میزگرد)، «خاستگاه احزاب نخستین در ایران»، ***احزاب سیاسی در ایران***، ویژه‌نامه ***یاد***، نشریه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، س ۴، شماره‌های ۵۳ـ۵۴ و ۵۵ـ۵۶، بهار و تابستان ۱۳۷۸ و پاییز و زمستان ۱۳۷۸، صص ۳۱ـ۷۹

۵۲ـ ***شیر شرق***، س ۱، ش ۶ (۱۳۳۱/۸/۸)

۵۳ـ کاظمینی، ص. [صفاءالدین تبرائیان]، «بازشناسی نقش عناصر ذی‌نفوذ در دوره زمامداری پهلوی دوم، فراز و فرود داریوش همایون از سومکا تا وزارت اطلاعات و جهانگردی»، ***کار و کارگر***، ۱۳۷۵/۹/۶، ص ۱۱

۵۴ـ «کودتاچیها»، سومکا، ش ۵۰ (۱۳۳۲/۵/۲۸)، ص ۱

۵۵ـ کیهان، س ۱۱، ش ۲۷۸۳ (۱۳۳۱/۵/۲۷)، صص ۱ و ۸؛ س ۱۱، ش ۲۷۸۴ (۱۳۳۱/۵/۲۸)، ص ۸؛ س ۱۱، ش ۲۷۸۵ (۱۳۳۱/۵/۲۹)، صص ۱ و ۲

۵۶ـ کیهانی‌زاده، نوشیروان، «فلسفه تاریخ و ناسیونالیسم ایرانی»، **ایـران**، س ۶، ش ۱۵۸۱ (۱۳۷۹/۵/۹)، ص ۳

۵۷ـ گازیوروسکی، مارک. ج، «عملیات مخفی CIA در تهران»، ترجمه مریم بهرامیان، **ایران**، س ۶، ش ۱۵۴۵ (۱۳۷۹/۲/۲۸)، ص ۸

۵۸ـ [لادبن، فردوس]، «برای زنان ایران بال شکسته جامعه ایرانـی»، **سـومکا**، س ۱، ش ۱ (۱۳۳۱/۴/۱۴)، ص ۲

۵۹ـ [لادبن، فردوس]، «بـرای زنـان خـواب خـطرناکـی دیـده‌انـد»، **سـومکا**، س ۱، ش ۷ (۱۳۳۱/۵/۲۸)، ص ۴

۶۰ـ لادبن، فردوس، «مبارزه زنان ادامه دارد»، **سومکا**، س ۱، شن ۲۸ (۱۳۳۱/۱۰/۲۸)، صص ۱ـ۲

۶۱ـ لولویی، کیوان، «درآمدی بر تحزب در دهه بیست، فصلی متفاوت در حزب‌گرایی تاریخ معاصر ایران»، **احزاب سیاسی در ایران**، ویژه‌نامه یاد، نشریه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، س ۴، شماره‌های ۵۳ـ۵۴ و ۵۵ـ۵۶، بهار و تابستان ۱۳۷۸ و پاییز و زمسـتان ۱۳۷۸، صـص ۳۲۵ـ۳۴۲

۶۲ـ «ما حزب خیابانی هم نیستیم»، **سومکا**، س ۱، ش ۴ (۱۳۳۱/۵/۶)، ص ۲

۶۳ـ «مراجعه به آراء عمومی، رفراندوم آخرین و کامل‌ترین روش در حکومت ملی»، **شیر شرق**، نشریه حزب سومکا، س ۲، ش ۴۷ (۱۳۳۲/۵/۷)، ص ۱

۶۴ـ **مرد آسیا**، س ۱، ش ۳۱ (۱۳۳۱/۷/۲۴)، ص ۴

۶۵ـ **مرد آهنین**، س ۲، ش ۳۴ (۱۳۳۱/۱/۲۶)، س ۲، ش ۳۸ (۱۳۳۱/۲/۲۹)؛ س ۲، ش ۲۹ (۱۳۳۱/۳/۵)؛ س ۲، ش ۴۰ (۱۳۳۱/۳/۱۲)

۶۶ـ منشی‌زاده، داود، «آتش انقلابی که مـن افـروخته‌ام بـا نـفس سـرد دشـمنان خـاموش نمی‌شود.»، **سومکا**، س ۱، ش ۳۹ (۱۳۳۲/۲/۲۹)، صص ۱ـ۲

۶۷ـ منشی‌زاده، داود، «آخرین روزهای شانسلری آلمان، (سقوط آلمان، از دفترچه خاطرات دکتر منشی‌زاده)»، **اطلاعات ماهانه**، ش ۱۰ (دی ماه ۱۳۲۷)، صص ۲۹ـ۳۴ و ش ۱۱ (بهمن ماه ۱۳۲۷)، صص ۳۵ـ۴۱

۶۸ـ منشی‌زاده، داود، «آخرین روزهای شانسلری آلمان»، **کهکشان**، س ۴، ش ۳۶

۶۹ـ منشی‌زاده، داود، «پیام رهبر حزب»، **سومکا**، س ۱، ش ۱ (۱۳۳۱/۴/۱۴)، ص ۱

۷۰ـ منشی‌زاده، داود، «پیمان من وفاست تا آخرین نفس»، سومکا، س ۱، ش ۲۹ (۱۳۳۱/۱۱/۲۰)، ص ۱

۷۱ـ منشی‌زاده، داود، «تمایلات ملت نباید مانع اعمال مصالح ملی شود»، (سخنرانی در مراسم خشم پرچم)، **سومکا**، س ۲، ش ۵۲ (۱۳۳۲/۶/۸)، ص ۴

۷۲ـ [منشی‌زاده، داود]، «تنها سوسیالیسم ما سوسیالیسم زنده و حقیقی است»، **سومکا**، س ۱، ش ۵ (۱۳۳۱/۵/۱۳)، صص ۱ و ۴

۷۳ـ منشی‌زاده، داود، «خداوند در من بخشش و اغماض سیاسی نیافریده و من هم از هیچ حریف سیاسی انتظار بخشش و اغماض ندارم»، **سومکا**، س ۲، ش ۴۲ (۱۳۳۲/۳/۲۷)، ص ۱

۷۴ـ منشی‌زاده، داود، «دولت سوسیالیسم ملی با برنامه دقیق خود سرنوشت قرن‌های آینده ایران را معین می‌کند»، **سومکا**، س ۱، ش ۱۷ (۱۳۳۱/۸/۱)، ص ۱

۷۵ـ منشی‌زاده، داود، «دولت طوماری به شیطان توسل کرده و نمی‌داند که خداوند دست مرا گرفته و بالا کشیده»، **سومکا**، س ۲، ش ۴۰ (۱۳۳۲/۳/۶)، صص ۱ـ۲

۷۶ـ منشی‌زاده، داود، «رژیم هیتلر صد درجه بهتر از رژیم‌های دروغی و حقه‌بازی بود»، **یغما**، س ۱، ش ۱۰ (دی ۱۳۲۷)، صص ۴۶۶ـ۴۶۷

۷۷ـ منشی‌زاده، داود، «زن در اجتماع ناسیونال سوسیالیست»، (متن سخنرانی در تاریخ ۱۳۳۰/۱۲/۱۵)، **سومکا**، س ۱، ش ۲ (۱۳۳۱/۴/۲۳)، ص ۲

۷۸ـ منشی‌زاده، داود، «ما پشت دشمنان خود را به لرزه درآورده‌ایم و بالاخره آن‌ها را خواهیم کوفت»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۲ (۱۳۳۱/۹/۶)، صص ۱ و ۲

۷۹ـ [منشی‌زاده، داود]، «ما چرا ادعای رهبری سیاسی این ملت را داریم؟ تنها برنامه انقلاب اجتماعی و اقتصادی ما پیشاپیش طوری تنظیم شده که ضامن سعادت افراد ملت و گسترش قوای عظیم ملی در فضای حیاتی ملت است...»، **شیر شرق**، نشریه حزب سومکا، س ۱، ش ۴۱ (۱۳۳۲/۳/۲۰)، ص ۱

۸۰ـ منشی‌زاده، داود، «ما شرافت ملی را زیر پا گذاشته‌ایم»، **سوگند** (پیکار نامه جوانان سوسیالیست ملی نهضت ملی ایران در اروپا)، ش ۲ (تیر ۱۳۴۱)

۸۱ـ منشی‌زاده، داود، «مبدأ آموزه ما ملت است»، **سومکا**، س ۱، ش ۱ (۱۳۳۱/۵/۶)، صص

۱ و ۴

۸۲ـ منشی‌زاده، داود، «ملت دلیر ما در مبارزات خود موفق است»، **سومکا**، س ۱، ش ۳ (۱۳۳۱/۴/۳۰)، ص ۱ و ۴

۸۳ـ منشی‌زاده، داود، «من جوان و قوی هستم و در این راه خدایی از مصدق‌السلطنه‌ها نمی‌ترسم»، **سومکا**، س ۱، ش ۳۸ (۱۳۳۲/۲/۲۳)، ص ۱

۸۴ـ میراحمدی، مریم، «رنگ در تاریخ ایران»، ***فصلنامه مطالعات تاریخی***، س ۱، ش ۱ (بهار ۱۳۶۸)، صص ۱۱۵-۱۳۴

۸۵ـ «نامه هشت تن از مدیران روزنامه‌های عقاب شرق، استقلال ما، حرکت ملی، تراوش، صدای ملی، نبرد پاک، سیاست ملی، آذر باختر در «نامه‌ی روزنامه‌نگاران ملی»، **سومکا**، س ۱، ش ۲۲ (۱۳۳۱/۹/۶)، ص ۲

۸۶ـ «نهضت ما در برابر دموکراسی»، **سومکا**، س ۱، ش ۲ (۱۳۳۱/۴/۲۳)، صص ۱ و ۴

۸۷ـ واهمه، ش ۱۸ (۱۳۳۰/۱۱/۲۳)، ص ۱

۸۸ـ ویلفورد، ریک، «فاشیسم»، ***مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی***، ترجمه م، قائد، نشر مرکز، چاپ اول، تهران ۱۳۷۵

۸۹ـ «هفته‌ی ترور و وحشت، جنگ‌های شبانه در خیابان‌های تهران»، تهران مصور، ش ۴۷۱ (۱۳۳۱/۵/۳۱)، صص ۲ و ۲۳

۹۰ـ همایون، داریوش، «حزب ما در جریانات اخیر»، **سومکا**، س ۱، ش ۳۱ (۱۳۳۱/۱۲/۱۸)، صص ۱ و ۳

۹۱ـ [همایون، داریوش]، «دیگران راه ما را هموار می‌کنند»، **پایمردی، نشریه حزب سومکا**، س ۲، ش ۵۰ (۱۳۳۲/۵/۲۸)، ص ۱

۹۲ـ «یادبود نویسندگان، دکتر داوودمنشی‌زاده، تهران، ۶ شهریور ۱۲۹۳، اوپسالا ۲۶ تیر ۱۳۶۸»، ***آینده***، س ۱۵، ص ۶۰۰

۹۳ـ «یک سال پیکار با اهرمن، به مناسبت دومین سال انتشار نشریه ارگان سومکا»، **شیر شرق**، نشریه حزب سومکا، س ۲، ش ۴۴ (۱۳۳۲/۴/۱۰)

فهرست اعلام

اشخاص

آخوندزاده، فتحعلی ۴۷
آدولف، هیتلر ۳۲، ۳۳
آریانا، بهرام ۴۵، ۱۶۶
آشتیانی، هاشم ۴۸
آموزگار، جمشید ۵۸

ابریشمی ۴۶، ۴۸
ابریشمی، عبدالله ۳۱
ابنشتاین، ویلیام ۳۴
ابوالفتح‌زاده، اسدالله ۳۹
اتروچنگو (کاردار سفارت شوروی در تهران)۶۹
احمد، ضیاءالدین ۴۸
احمدی، حمید ۹۵
اخوی ۴۵، ۶۲
اخوی، نظام‌الدین ۵۶
ارسنجانی، حسن ۹۹
ارفع، حسن ۵۰، ۵۲، ۷۷
اسنایدر، لویس. ل ۲۷
اعتمادی (مهندس) ۵۶
افسر، محمدهاشم ۴۸
افشار، ایرج ۱۰۳
افشارطوس، محمود ۵۳، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۸۹
اقبال آشتیانی، عباس ۳۷، ۳۸، ۳۹
اقبال‌السلطنه ۳۷
اقتداری، احمد ۱۰۳
البرزی، عبدالحسین ۶۰
البرزی، منوچهر ۵۵
الموتی، مصطفی ۱۰۲
امانوئل، ویکتور ۹۴
امیرخسروی، بابک ۹۳
امیرمکری، منوچهر ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۱۴۷
امینی، عباس ۶۸، ۷۸
انتخابی، نادر ۴۶
انصاری، مسعود ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱
انوشیروانی، حسین ۹۹

بابایی، علی ۱۱۷
باتمانقلیچ، نادر ۹۵، ۱۱۶
بایندر (سرتیپ) ۸۹
بترائیان، صفاءالدین ۵۸
بختورتاش، نصرت‌الله ۱۱۷
بختیار، ابوالقاسم ۸۲
بختیار، تیمور ۵۸، ۱۰۴
بختیاری، شهلا ۱۲
برزین، مسعود ۱۶۰، ۱۶۱
برهان، عبدالله ۹۹

بزرگمهر، جلیل ۴۰، ۵۸، ۷۱
بشاری ۱۶۲
بشیر (نام مستعار داود منشی زاده در ساواک)۱۹
بشیریه، حسین ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۱۳۶
بغدادی، عبدالله ۱۱۹
بلوچ، جهانگیر ۹۹
بنائی ۴۹
بوذرجمهر، حیدر ۳۱، ۴۸
بهار، محمدتقی(ملک‌الشعرا) ۴۸
بهارمست، کجک. و ۴۵
بهارمست، محمود ۵۲
بهداد، صادق ۵۶
بهرامیان، مریم ۹۲
بهزادی مددی، حمید ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲
بهنود، مسعود ۵۴، ۵۸
بیات، کاوه ۲۱، ۷۹

پارسا، حسن ۵۶
پاکروان(سرهنگ) ۵۲
پتروسیان، اتمان ۸۴
پزشکپور، محسن ۵۶، ۵۸، ۱۷۲
پژمان، عیسی ۵۲، ۱۰۴
پلونکارد ساک، ژاک ۳۲
پهلوی، اشرف ۸۲
پهلوی، رضا ۳۱، ۴۸، ۴۹، ۶۲، ۱۴۵
پهلوی، محمدرضا ۱۱، ۱۸، ۸۷، ۸۸، ۹۳، ۵۱، ۶۱، ۷۳، ۸۰، ۸۲، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۳، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۴۳، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳
پیراهن‌سیاه (نام مستعار) ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۹۰

تدین، احمد ۵۴
تربتی سنجابی، محمود ۱۵، ۵۵، ۹۶، ۹۹، ۱۵۲، ۱۵۳
ترکمان، محمد ۸۶، ۸۷، ۸۹
تفرشی، مجید ۵۰
تفضلی، جهانگیر ۵۸
تکمیل همایون، ناصر ۳۰
تولند، جان ۱۲۹
تهرانی، محمدعلی ۴۸
تیمور پاشاخان (امیرتومان) ۳۷

جامی، ن ۴۹
جزنی، بیژن ۵۷، ۱۷۰
جلال‌الدین‌میرزا قاجار ۴۷
جمال‌زاده، ناصر ۳۴
جهانبگلو، رامین ۴۶
جی، ریچارد ۲۷

حائری‌زاده، ابوالحسن ۵۳
حائری، عبدالهادی ۴۷
حسینی، محمدرضا ۱۲
حمزوی (عضو حزب سومکا) ۵۶

خانبابا تهرانی، مهدی ۸۸، ۱۰۲
ختمی‌لاهوری، ابوالحسن عبدالرحمان ۱۴۶
خدوری، مجید ۳۱، ۳۲
خرمشاهی، بهاءالدین ۱۴۶
خرمی، قاسم ۲۵
خزری (حزبی) ۵۵
خسروپناه، محمدحسین ۴۹

خسروی (عضو حزب سومکا) ۵۶
خسروی، غلامرضا ۱۲
خلیل‌الله مقدم، احمد ۸۶، ۹۷

داوری اردکانی، رضا ۳۰، ۴۶، ۴۸
دبلیو. دوب، لئونارد ۲۷، ۲۸، ۳۰
درمون، ادوارد ۳۲
درویش‌زاده ۹۹
دوورژه، موریس ۲۶
دویچ، کارل ۳۲
دهگان، کاظم ۱۱۸
دیهیمی (سرهنگ) ۵۳

رئیس طوسی، رضا ۱۲۰
رجبی‌نیا، سعید ۷۹، ۸۰، ۸۵
ر. دبلیو، فریه ۱۱۸
رزم‌آسا، اسماعیل ۸۸
رزمجو، علی‌اکبر ۲۵، ۲۶، ۵۰
رسایی (سرهنگ) ۶۸
رفیع‌کیان، منوچهر ۴۶
رنجبر، ابراهیم ۴۱، ۴۵، ۵۲، ۶۴، ۶۵، ۶۸، ۶۹، ۷۳، ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۱۱۷
ریک، ویلفورد ۳۳

زاهدی، اردشیر ۸۴
زاهدی، فضل‌الله ۸۴، ۹۳، ۹۵، ۱۰۱
زندنیا، امیرشاپور ۲۱، ۴۳، ۵۵، ۵۶، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۷۸، ۷۹، ۸۴، ۸۵، ۸۸، ۸۹، ۹۴، ۹۶، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۰

ژاکار، اکبر ۲۹

ساتن، الول ۱۲۰
ساسان‌فر ۶۱، ۱۶۰
ساسانی ۵۶
سامعی، حسین ۴۶
سپاهی، فروردین ۱۷۰
سپهر، هوشنگ ۵۵، ۵۶، ۶۰، ۷۷، ۸۷
ستارزاده، عصمت ۱۴۶
سرخوش تفرشی، یحیی ۳۹
سرلک، فرشته ۳۱، ۴۶
سعید، محمد ۱۶۱
سلطانی، محمد ۱۶۸
سوداگر، محمدرضا ۲۹
سودی بسنوی، محمد ۱۴۶
سیار، غلامعلی ۸
سیف‌آزاد ۴۹

شاپور اول، پادشاه ساسانی ۱۱۸
شاهرخ، بهرام ۴۲
شایرر، ویلیام ۱۱۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۴۱
شباهنگ (دکتر) ۵۵، ۵۶
شدر ۱۶۳
شریفیان، عبدالحسین ۱۲۹
شوارتسکف (رییس مستشاران نظامی آمریکا در ایران)۹۲
شوارتس منتل، ج. ج ۳۴
شوکت، حمید ۱۵۹
شیبانی، حسین (سرهنگ) ۸۱، ۸۴، ۸۸
شیبانی، کاظم ۸۱

صابری ۸۴
صدر، حسن ۹۴
صدری طباطبایی نائینی، محمد ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۴
صدری(مهندس) ۵۶، ۸۷، ۸۸
صفاری، حمید ۹۹
صولت‌قشقایی، محمدناصر ۵۱

ضرابی، حسین ۵۵، ۵۶، ۶۰
ضیاءالدین، احمد ۳۱
ضیاءالواعظین، ابراهیم ۴۸

طالبوف، عبدالرحیم ۴۷
طاهراحمدی، محمود ۵۰
طاهرزداه، اسماعیل ۱۰۱
طباطبایی، ضیاءالدین ۱۶۲
طبری، احسان ۶۸
طبری، ضیاء ۱۵

عاقلی، باقر ۸۶
عالم، عبدالرحمن ۳۱
عالیخانی، علی‌نقی ۵۸
عزیزی، غلامرضا ۲۲
عزیزی، کامبیز ۵۰
عطاءالطائی، نجاح ۳۱، ۴۸
عقیقی بخشایشی ۳۱
علم، امیراسدالله ۵۸
علم، امیرعباس ۵۸
علومی، رضا ۲۶
علی‌بابایی، غلامرضا ۲۶، ۳۴
علی‌نقی، ملیحه ۱۷۰

عنایت، حمید ۳۲

فاتح ۵۵
فاطمی، فریدون ۸۳
فالگمان، ادوین ۳۴
فرخ ۱۷۱
فردوست، حسین ۱۵، ۵۰، ۵۲، ۹۹، ۱۰۲، ۱۱۶، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۱
فروتن، پرویز ۵۵، ۵۶، ۶۰
فروتن، منوچهر ۵۵، ۵۶، ۶۲۰
فرهنگی، منوچهر ۵۵، ۵۶
فیروزآبادی ۴۸
فیروز، فیروز (نصرت‌الدوله) ۳۹

قائد ۳۳
قائد، م ۲۷
قرنی، محمدولی ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳
قوام، احمد (قوام‌السلطنه) ۳۹، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۳، ۷۴، ۱۶۲
قوام‌زاده(عضو حزب سومکا) ۵۶

کاتم، ریچارد ۳۱، ۴۶، ۴۸
کاتوزیان، محمد علی (همایون) ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۴
کاتوزیان، هما ۱۲۰
کازرونی ۴۸
کاساکوفسکی(رییس قزاق‌خانه) ۳۸
کاشانی، ابوالقاسم (آیت‌الله) ۶۵، ۸۶
کاظمینی ۵۸
کامبخش، عبدالصمد ۵۷، ۷۳
کامران میرزا ۳۸

کامکار ۵۵
کرمانی، آقاخان ۴۷
کمال(سرتیپ) ۱۶۹
کیا، بهروز ۴۲، ۴۵، ۵۲
کی. ار، مینوگو ۲۶، ۲۷، ۲۸
کیان، رفیع ۸۵
کیان، منوچهر ۵۸، ۷۹، ۸۰
کیانوری، نورالدین ۱۶۵
کیهانی‌زاده، نوشیروان ۴۶، ۴۸

گازیوروسکی، مارک ۸۳، ۸۴، ۹۲، ۹۳، ۹۸، ۱۰۰
گاست، ارتگاای ۱۶۵
گل‌محمدی، احمد ۱۲

لاپیر، ژ ۳۰، ۳۲
لادبن (خانم) ۵۵
لادبن، فردوس ۸۵
لولویی، کیوان ۱۵
لیاخوف(رییس قزاق‌خانه) ۳۸، ۳۹

مارکوارت، ژوزف ۴۰
ماریتروس خان (رییس ارگان حزب قزاق‌خانه)
متین‌دفتری ۴۲، ۱۶۵
مجید، عزت‌الله ۶۰
محمودی ۷۸
محمودیان، فضل‌الله ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۶۰
محوی، ابوالحسن ۱۶۱
مدرس، حسن(آیت‌الله) ۴۸
مدرس، ضیاء ۶۲، ۶۹، ۷۹
مدرسی، ضیاء ۵۶
مدیر شانه‌چی، محسن ۱۵، ۲۵، ۲۶، ۴۹
مرزبان، پرویز ۱۱۸
مزینی (سرتیپ) ۸۴
مزینی، علی‌اصغر ۸۷، ۸، ۸۹
مستشارالدوله تبریزی، یوسف ۴۷
مشار، خانبابا ۳۹، ۴۰، ۴۲
مشیرالدوله، حسن ۴۷
مصدق، محمد ۴۷، ۵۳، ۵۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۴، ۷۸، ۸۰، ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۱۰۰، ۱۲۰، ۱۶۹، ۱۷۰
مصور رحمانی، غلامرضا ۱۱۶
مطهری، مرتضی (آیت‌الله) ۴۸، ۴۹
مطیعی امین، کوروش ۱۴۶
معتضد، خسرو ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۵۵، ۹۴، ۹۸، ۱۰۴، ۱۷۲
معصوم‌خانی، کاظم ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۵۹
معینی، امیرناصر ۷۸، ۷۹، ۸۴، ۸۵
مغیث‌الدوله(صاحب منصب ژاندارمری) ۳۹
مکری، امیر ۴۵
ملکشاهی (مهندس) ۸۴، ۱۵۵
ملکی، مسعود ۱۰۱
منتل، شوارتش ۱۳۶
منزه (سرتیپ) ۸۴
منشی‌زاده، ابراهیم ۳۸، ۳۹
منشی‌زاده، ابراهیم ۳۹
منشی‌زاده ایروانی، کریم بیگ ۳۷، ۳۸
منشی‌زاده (خاندان) ۱۷
منشی زاده، داوود ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۸۰، ۸۱،

۸۲، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۸،
۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰،
۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۳۱،
۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷،
۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۳،
۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳
منشی‌زاده، عاکفه ۱۷، ۱۸
منشی‌زاده، عطیه ۳۹
منصوری، کوروش ۱۴۶
موسولینی، بنیتو ۳۴، ۹۴
مهدی‌نیا، جعفر ۱۱۸
مهر، بهرام ۸۹، ۱۰۱
میراحمدی، مریم ۱۱۸
میرانی، ابراهیم ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۴۶
میلانی، محمدهادی (آیت‌الله) ۹۹، ۱۰۰
مؤتمن‌الملک، حسین ۴۷

نادرزاد، بزرگ ۳۰
ناصرالدین قاجار، شاه ایران ۳۷
نجاتی، غلامرضا ۵۰، ۸۲، ۸۴، ۹۸، ۹۹
نصیری، نعمت‌الله ۱۰۱، ۱۰۲
نفیسی، محمدرضا ۴۸، ۵۰
نفیسی، مشرف ۹۲
نقوی ۱۴۴
نقوی، علی‌محمد ۳۰، ۳۱، ۴۸
نواب، حسین ۶۹
نوبخت، حبیب‌الله ۴۹
نودژی، حسینعلی ۳۴
نوری‌نشاط، سعید ۱۰۳
نوری‌نشاط، محمد ۱۰۳
نوری‌نشاط، مریم ۱۰۳
نویمان، فرانتس ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۱۳۰، ۱۴۱، ۱۵۴

وارنگ، هرود ۴۰
والدین، امپراتور روم ۱۱۸
وثوق، حسن(وثوق‌الدوله) ۳۹
ویلفورد ۳۴، ۱۳۶
وینسینت، مانتیل ۱۱۷

هاشمی‌نژاد، اسماعیل ۷۸، ۷۹
هاشمی‌نژاد (دکتر) ۱۱۹، ۱۵۶
همایون، داریوش ۲۰، ۵۶، ۵۸، ۷۸، ۷۹، ۸۰،
۸۳، ۸۵، ۸۴، ۹۴، ۹۶، ۹۸، ۱۳۲، ۱۴۲، ۱۴۴،
۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۳
همایون فرخ، رکن‌الدین ۱۴۶
همایی، پرویز
همایی، ماشاالله(پرویز) ۸۱
هندرسون، لویی ۹۳
هویدا، امیرعباس ۵۸
هیتلر، آدولف ۱۱، ۴۱، ۴۹، ۵۲، ۱۱۵، ۱۱۶،
۱۱۷، ۱۱۹، ۱۳۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۶۲

یولیوس نیلیپوس، مارکوس ۱۱۸
یونکه ۱۶۳

اماکن

آبادان ۱۶۸
آسیا ۱۳۵
آلمان، ۱۱، ۱۵، ۳۳، ۴۰، ۴۱، ۷۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵،
۴۹، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۵، ۱۱۶،
۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۱
آمریکا ۳۳، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۹۲، ۹۹، ۱۰، ۱۰۳،

۱۰۹، ۱۶۳، ۱۶۹، ۱۷۱
آمل ۱۶۸
آهوان(بین سمنان و دامغان)۳۹

ابهر ۱۶۸
اراک ۱۶۸
اروپا ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۴۶، ۱۰۷، ۱۱۵، ۱۳۷
اروپای شرقی ۲۶
اروپای غربی ۲۶
اروپای مرکزی ۲۶
اروپا←، فرنگ
ارومیه ۱۴۶
اسکندریه، مصر ۴۵
اصفهان ۳۰
انگـلیس ۳۳، ۴۳، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۸۰، ۸۱، ۹۲، ۱۶۳، ۱۶۹
اهواز ۹۵، ۱۶۷
ایتالیا ۳۳، ۳۴، ۱۱۵، ۱۱۸
ایران (جنوب) ۸۱
ایروان ۳۷، ۳۸

باشگاه نیرو، تهران ۹۷
برلن ۱۶۵
برلین ۴۱، ۴۲، ۴۴
بروجرد ۱۶۸
بغداد ۹۳، ۱۰۴
بندرشاه ۱۶۷
بندر شاهپور ۱۶۷
بوشهر ۱۶۷
بهشهر ۹۵

پاریس ۵۲
پروس ۳۳
پیشوا، ورامین ۱۶۸
تبریز ۳۸، ۱۶۸

تهران ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۳، ۴۳، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۴، ۶۵، ۷۱، ۷۴، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۹۲، ۹۵، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۳۳، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۱

چهارراه حسن آباد، تهران ۶۶
چهارراه کنت، تهران ۶۴

خرمشهر ۱۶۸
خمسه طوالش ۱۶۸

خورموج ۹۵، ۱۶۸
خیابان استانبول، تهران ۶۴
خیابان خانقاه، تـهران ۶۴، ۷۳، ۸۶، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۷۰
خیابان شلینگ‌اشتراسه، مونیخ ۴۱
خیابان فردوسی، تهران ۷۲
خیابان کاخ، تهران ۵۹
خیابان مختاری، تهران ۸۱
خیابان منوچهری، تهران ۶۴

دامغان ۳۹
دره سند ۱۳۵
دزفول ۱۶۷

رستوران استریا باواریا، مونیخ ۴۱

رشت ۱۶۸
رود دجله ۱۳۵
رودسر ۹۵، ۱۶۸
روسیه ۳۷، ۴۳، ۴۶
ری ۱۶۸

زندان قزل‌قلعه، تهران ۱۰۳
سبزوار ۷۳
سرخوش (تفرش) ۳۹
سغدیان ۱۳۵
سمنان ۳۹
سوئد ۱۰۳
سوییس ۳۰
سینما دیانا، تهران ۶۸، ۷۱

شوروی ۴۳، ۵۴، ۶۹، ۷۰، ۸۲، ۱۰۹، ۱۶۳
شهریار ۱۶۸
شیراز ۳۷

عراق ۵۲، ۱۰۴، ۱۷۰
علیشاه عوض ۱۶۸

فرانسه ۳۳، ۴۰
فرنگ ← اروپا

قرائت‌خانه وگس، تهران ۶۹، ۷۰
قزوین ۱۶۸
قصر قاجار، تهران ۳۸
قفقاز ۱۳۵
قم ۱۶۸

قنات‌آباد، تهران ۸۴
کاخ شمس، تهران ۸۲
کرمان ۹۵، ۱۶۸
کرمانشاه ۱۶۸
کعبه زرتشت، مرودشت ۱۱۸
کلات نادری، خراسان ۳۹
کوه بیستون، کرمانشاه ۱۴۵
کوه هندوکش ۱۳۵

گذر سیدهاشم، تهران ۶۶
گلندرود ۱۶۷
گنبد کاووس ۱۶۸

لاهیجان ۱۶۸
لشت نشاء ۱۶۸
لندن ۲۶، ۱۰۲
لوس‌آنجلس ۱۰۳

مسجد سلیمان ۱۶۸
مشهد ۱۶۸
مصر ۴۵، ۱۳۳
معشور ۱۶۷
مونیخ ۱۵، ۴۲، ۴۵
میدان بهارستان، تهران ۶۶
میدان شاپور، تهران ۶۶

نصیرآباد، کرج ۸۲
نقش رستم، مرودشت ۱۱۸
نیشابور ۱۶۸

ورامین ۱۶۳

هفتگل ۱۶۷

یزد ۱۶۴، ۱۶۸

سازمان‌ها، احزاب، گروه‌ها و...

اداره‌ی آگاهی تهران ۸۱
اداره‌ی کل آرشیو اسناد و موزه دفتر رییس جمهور ۱۸
اداره‌ی بازرگانی سفارت مجارستان در تهران ۶۹، ۷۰، ۷۴
اداره‌ی گذرنامه ۱۰۲
ارتش شاهنشاهی ایران ۸۲
انتشارات آرمان‌خواه ۲۶
انتشارات آسیا ۱۵
انتشارات اترلی ۱۴۶
انتشارات اساطیر ۱۲۹، ۱۴۶
انتشارات اطلاعات ۹۳
انتشارات البرز ۴۱
انتشارات امیرکبیر ۳۱، ۴۷
انتشارات انتشار ۸۸
انتشارات برگ زیتون ۱۰۳
انتشارات بهجت ۱۶۱
انتشارات بهمن ۳۱
انتشارات پاپیروس ۴۸، ۵۰
انتشارات پرسش ۳۰
انتشارات پکا ۱۰۲
انتشارات توده ۴۸
انتشارات جاجرمی ۱۵۸
انتشارات دانشگاه یال ۲۷
انتشارات دنیای کتاب ۳۳
انتشارات رواق ۱۱۶
انتشارات زمان ۳۰
انتشارات ژن ۵۲
انتشارات شیراز ۴۹
انتشارات عطایی ۱۱۷
انتشارات علم ۴۰، ۸۶، ۹۹
انتشارات علمی و فرهنگی ۳۸، ۵۴، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۴۶
انتشارات فردوسی ۱۱۸
انتشارات فروزان ۱۱۸
انتشارات فرهنگ سومکا ۳۹، ۱۰۶، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵
انتشارات قطره ۱۴۶
انتشارات ققنوس ۴۹
انتشارات کتابفروشی فروغی ۲۶
انتشارات گستره ۳۴
انتشارات گفتار ۳۱، ۴۶، ۸۶
انتشارات محیط ۹۹
انتشارات مرکز ۲۷، ۴۳، ۸۳
انتشارات مرکز ترجمه و نشر کتاب ۴۲
انتشارات ملی ۴۱
انتشارات موسسه حساب ۲۷
انتشارات نی ۳۳، ۹۵
انتشارت ژن ۱۰۴
انتشرات سروش ۱۴۶
انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران ۱۰۳
انجمن ایران و افغان ۴۲
انجمن خیریه ارامنه ۱۶۷

باشگاه آرارات، تهران ۱۶۷
بانک ملی ایران ۷۲
بنیاد پهلوی ۹۹

بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ۱۴
بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی ۱۸
بنیاد موقوفات دکترمحمود افشار ۴۰

تماشاگه مطبوعات ۲۱

جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران ۱۵
جبهه‌ی ملی ایران ۵۲، ۹۶
جمعیت ذوالفقار ۸۸
جمعیت مجاهدین اسلامی ۸۸
جمعیت ملی مبارزه با استعمار ۸۴

حزب آریا ۵۲، ۷۵، ۷۷، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۶، ۹۷
حزب افق آسیا ۵۲
حزب ایران جوان ۴۹
حزب پان‌ایرانیست ۵۰، ۵۲، ۵۶، ۷۲، ۷۳، ۸۸
حزب توده ایران ۵۲، ۶۳، ۶۴، ۶۹، ۷۱، ۷۴، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۳، ۹۵، ۹۷، ۱۶۷
حزب جان سپاران میهن ۵۰
حزب جنگل خمسه طوالش ۱۶۷
حزب ذوالفقار ۸۴، ۸۹
حزب رستاخیز ملت ایران ۱۴۲
حزب ضداجنبی ۴۹
حزب کبود ۴۹
حزب مسلمانان مجاهد ۸۴
حزب ملت ایران ۵۰
حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم ۵۰
حزب نازی آلمان ۱۱، ۱۲، ۳۳، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۹، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۳
حزب نازی آلمان ← حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان
حزب ناسیونال سوسیالیست آریا ۵۰
حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان ۳۲
حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان ← حزب نازی آلمان
حزب نجات ملی کارگران ایران ← حزب نمکا
حزب نمکا ۷۵، ۷۶، ۷۷
حزب نمکا ← حزب نجات ملی کارگران ایران
حزب نیروی سوم ۱۵، ۸۹

خانه‌ی سیاه حزب سومکا، تهران ۷۱، ۷۷، ۱۱۹، ۱۶۸، ۱۷۰
خانه‌ی صلح، تهران ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴
خانه‌ی وگس ۶۹
خانه‌ی وگس، تهران ۷۴، ۷۹

دادسرای تهران ۷۸
دادگاه عالی جنایی فرمانداری نظامی تهران و حومه ۱۷
دانشگاه استکهلم ۱۰۳
دانشگاه اوپسالا ۱۰۳
دانشگاه برلین ۴۳، ۴۴
دانشگاه تهران ۴۴
دانشگاه دیژون ۴۰
دانشگاه فاروق اول ۴۵
دانشگاه کالیفرنیا ۱۰۳
دانشگاه ماربورک ۱۰۳
دانشگاه مونیخ ۴۱، ۴۴
دبیرستان نظام، تهران ۴۰، ۴۱، ۱۰۱
دربار شاهنشاهی ۵۰، ۵۱، ۸۴

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۳۱
دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۳۰
دیوان کل کشور ۸۹

رادوی برلین ←رادیو آلمان
رادیو آلمان ۴۲
رادیو آلمان ←رادیو برلین
رادیو برلین ۴۲، ۴۵
رادیو تهران ۸۹
رادیو مسکو ۸۸
راه آهن دولتی ایران ۵۸
رکن ۲ ستاد ارتش ۵۵، ۶۰، ۶۱، ۹۷

سازمان ارامنه وابسته به سومکا ۱۶۷
سازمان اس. اس. آلمان ۴۱
سازمان اسناد ملی ایران ۱۸، ۲۱، ۴۳، ۵۰، ۵۸، ۶۴، ۹۶، ۹۹، ۱۰۱، ۱۵۶
سازمان اطلاعات و امنیت کشور ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴
سازمان انتشاراتی استقلال ۳۰
سازمان تبلیغات اسلامی ۳۱
سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۸، ۱۲۰
سازمان سیا ۱۰۰، ۱۷۳
سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ۶۱
ستاد ارتش ۸۲، ۹۷
ستاد رهبری حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران ۱۰۵، ۱۱۵
سفارت آمریکا در تهران ۸۱، ۱۷۱
سفارت ایران در برلین غربی ۱۸
سفارت مجارستان در تهران ۷۱

سندیکای باربران راه آهن دولتی تهران ۱۶۶
سندیکای رانندگان خط ۳ و ۴ اتوبوس‌رانی تهران ۱۶۶
سندیکای سومکا ۱۶۶
سندیکای کارگران سیلو تهران ۱۶۶
سندیکای کارگران کارخانه‌ی چیت‌سازی ۱۶۶
سندیکای کارگران کارخانه‌ی سیمان ۱۶۶
سندیکای یخ‌فروشان تهران ۶۸، ۶۹، ۱۶۶، ۱۶۷

شرکت سهامی انتشار ۸۲، ۸۴
شرکت نشر و پخش ویس ۲۶
شهربانی کل کشور ۱۷، ۱۹، ۶۰، ۶۲، ۷۲، ۸۰، ۸۶، ۱۰۶
شهرداری تهران ۹۹

فداییان ایرانشاه ۷۶، ۷۷، ۸۰
فرمانداری نظامی تهران و حومه ۱۷، ۲۰، ۶۰، ۸۱، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۹۱، ۱۷۱

قزاق‌خانه، تهران ۳۷، ۳۸، ۳۹

کارخانه سیمان، (تهران) ۵۹، ۶۰
کانون انتشارات و تبلیغات سومکا ۱۵۸
کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی ۲۱
کتابخانه‌ی مجلس کنگره‌ی آمریکا ۹۹
کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران ۲۱
کتابخانه‌ی ملی ایران ۲۱، ۱۶۱
کلانتری ۲ تهران ۷۴
کلانتری ۳ تهران ۷۸
کلانتری ۶ تهران ۷۸
کمیته‌ی حقوق بشر ایران ۱۰۱

کمیته‌ی مجازات ۳۹، ۴۱
کمیسیون عرایض مجلس سنا ۱۷۱
کمیسیون مطبوعات حزب سومکا ۱۵۹

گروه آوارگان پان‌ایرانیسم ۸۸
گروه ایران فرزندان حزب سومکا ۶۰، ۶۳، ۷۹، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۴
گروه حمله حزب سومکا ۱۲، ۱۴، ۶۰، ۶۳، ۶۲، ۱۵۳، ۱۶۶
گروه زنان حزب سومکا ۶۰، ۱۵۵، ۱۷۱
گروه فرهنگ حزب سومکا ۱۵۵
گروه فنی حزب سومکا ۱۵۵
گروه ناسیونالیست‌های انقلابی (گنا) ۶۰، ۶۲، ۱۰۱
گروه نجات ملی ۵۶

مجلس سنا ۱۴۶، ۱۷۰، ۱۷۱
مجلس شورای ملی ۵۳، ۶۵، ۸۲، ۸۶، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۶، ۱۶۸
مدرسه‌ی دارالفنون، تهران ۳۸، ۴۰
مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۵، ۳۴، ۶۰، ۸۸، ۸۹، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۶۸
مرکز اسناد تاریخ دیپلماسی ۹۲
مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ۱۵، ۵۲، ۹۴۱۱
مرکز تحقیقات سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) ۳۴
مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۵۹
معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر
رییس جمهور ۱۸، ۱۲۰
مؤسسه‌ی اطلاعات ۱۷
مؤسسه‌ی فرهنگی کاوش ۱۵۲
مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی ۱۵
مؤسسه‌ی اطلاعات ۴۵
مؤسسه‌ی انتشارات صابرین ۱۲۰
مؤسسه‌ی تحقیقاتی و انتشاراتی اطلاعات ۹۳
مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا ۱۵، ۵۰، ۵۱، ۵۴، ۹۸
مؤسسه‌ی فرهنگ کاوش ۵۵
مؤسسه‌ی فرهنگی نشر سها ۱۶۸
مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران ۱۸، ۴۳، ۵۸، ۷۶، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱

نخست‌وزیری ۱۸، ۱۹
نهاد ریاست جمهوری ۱۸
نهضت مقاومت ملی ۹۷

وزارت ارشاد اسلامی ۴۸
وزارت اطلاعات و جهانگردی ۵۷
وزارت امور خارجه ۴۴، ۹۲
وزارت امور خارجه آلمان ۴۳
وزارت جنگ ۱۷۱
وزارت علوم و آموزش عالی ۹۹
وزارت کشور ۱۸

کتب و نشریات

آپادانا (نشریه) ۸۳
آتش (روزنامه) ۱۱۵
آتش (نشریه) ۶۲، ۶۴

آخرین روزهای شانسلری آلمان (مقاله) ۴۱، ۴۵
آدولف هیتلر (کتاب) ۱۲۹
آذرباختر (روزنامه) ۷۰
آینده (مجله) ۴۰، ۴۴، ۴۵، ۵۸، ۱۰۳
اتوبیوگرافی، در به در پی بهشت (مقاله) ۳۹، ۴۰، ۴۱
احزاب سیاسی در ایران (کتاب) ۱۵
احزاب سیاسی در ایران (ویژه نامه فصلنامه یاد) ۱۴
احزاب سیاسی (کتاب) ۲۶
احزاب سیاسی و انجمن‌های سری در کرمانشاه از فراموش‌خانه تا خانه سیاه (کتاب) ۱۶۸
ارتش تاریک (کتاب) ۴۲
از سیدضیاء تا بختیار (دولت‌های ایران از سوم اسفند ۱۲۹۹ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷) (کتاب) ۵۴، ۵۸
از مشروطیت تاسقوط رضاشاه (کتاب) ۴۸
از موازنه‌ی منفی تا موازنه‌ی مثبت (مقاله) ۹۲
اساسنامه حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (کتاب) ۱۵۷
استبداد، دموکراسی و نهضت ملی (کتاب) ۴۶
استقلال ما (روزنامه) ۷۰
اسرار قتل و زندگانی شگفت‌انگیز سپهبد تیمور بختیار (کتاب) ۵۲، ۱۰۴
اسرار کودتا، اسناد محرمانه CIA دربار عملیات سرنگونی دکترمصدق (کتاب) ۹۵
اسلام و اسلام‌گرایی (کتاب) ۳۱
اسلام و ملی‌گرایی (کتاب) ۳۰
اسنادی از احزابِ سیاسی در ایران ـ۱۳۲۰ ـ ۱۳۴۰هـ‌ش) (کتاب) ۱۸
اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران (۱۳۱۸ ـ ۱۳۴۵ هـ‌ق (کتاب) ۱۸
اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران (۱۳۲۹ ـ ۱۳۵۷هـ‌ش)، ج ۲ (کتاب) ۱۲۰
اطلاعات (روزنامه) ۱۷، ۴۵، ۵۸، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۸۳، ۸۶، ۱۷۱
اطلاعات ماهانه (ماهنامه) ۴۱، ۴۵
افراد حزب سوسیالیست نازی در خیابان اسلامبول (مقاله) ۱۱۵
اقتصاد سیاسی ایران: استبداد و شبه مدرنیسم ۱۳۰۵ ـ ۱۳۵۷ (کتاب) ۴۸، ۵۰
امید ایران (نشریه) ۹۹
امیر مکری (دکتر) ۱۰۵
انتخابات مجلس شورای ملی و فریادگران بر نظام دیکتاتوری از کرمانشاه (کتاب) ۱۶۸
انتشارات دیگر سومکا (مقاله) ۱۶۹
انتلکتوئل و دیگری به اهتمام خط سومکا (کتاب) ۱۵۸، ۱۶۵
ایدئولوژی نازی قبل از ۱۹۳۳(کتاب) ۱۲۱، ۱۲۹
ایده‌ی نهضت خدایی با قدرت روزافزونی رو به تزاید و تموج است (مقاله) ۶۲
ایران باستان (روزنامه) ۴۹
ایران در سده واپسین (کتاب) ۴۸
ایران (روزنامه) ۲۵، ۴۶، ۸۳
ایران عصر پهلوی، ج۹ (کتاب) ۱۰۲
ایران (کتاب) ۱۱۷
ایران (نشریه) ۹۲
ایران و مدرنیته (کتاب) ۴۶
ایرانیان و مدرنیته (مقاله) ۴۶
ایف (هفته نامه) ۸۰، ۱۶۴
اینجابرلین، اینجا برلین، حکومت ایران آزاد در

برلین (مقاله) ۴۲
این نهضت خدایی با قدرت روزافزونی در تزاید و تموج است (مقاله) ۵۵

باختر امروز (روزنامه) ۷۲
با خوانندگان (مقاله) ۴۵، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۰، ۱۷۳
بازداشت رهبر سومکا جز ننگ و رسوایی برای هیئت حاکمه نتیجه‌ای حاصل نخواهد نمود (مقاله) ۷۱
بازشناسی نقش عناصر ذی‌نفوذ در دوره زمامداری پهلوی دوم، فراز و فرود داریوش همایون از سومکا تا وزارت اطلاعات و جهانگردی (مقاله) ۵۸
بانگ مردم (نشریه) ۸۷
برای زنان ایرانی بال شکسته جامعه ایرانی (مقاله) ۱۴۵
برای زنان خواب خطرناکی دیده‌اند (مقاله) ۱۴۹
برای کارگران: مسئله حق مالکیت خصوصی (مقاله) ۱۴۰
برنامه حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (کتاب) ۱۴۷، ۱۵۷
بنی‌آدم (روزنامه) ۵۲
به آنها که توطئه کشف می‌کنند (مقاله) ۷۰
به سوی آینده (روزنامه) ۷۲، ۸۳، ۱۱۷، ۱۷۱

پراودا (روزنامه) ۹۷
پرچمدار (نشریه) ۸۳
پس از الغاء حکومت نظامی (مقاله) ۷۱
پندارهای غیرعلمی (مقاله) ۲۹
پیام رهبر حزب (مقاله) ۱۱۶، ۱۳۱
پیام (نشریه) ۲۹
پیکار من با اهرمن (کتاب) ۵۹، ۱۱۹، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۷
پیمان من و فاست تا آخرین نفس (مقاله) ۱۴۸
تاریخ جامع ملی شدن نفت (کتاب) ۸۶
تاریخ ۲۵ ساله ایران، جعلیات به صورت حق به جانب (مقاله) ۱۰۱
تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج (کتاب) ۵۰
تاریخ سی‌ساله ایران (کتاب) ۵۷
تازه‌های مرد آسیا (مقاله) ۷۶، ۷۹
تراوش (روزنامه) ۷۰
ترقی (مجله) ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۶۰
تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان و مقیم عراق (کتاب) ۴۷
تصفیه در حزب سومکا(مقاله) ۶۱
تمایلات ملت نباید مانع اعمال مصالح ملی شود (مقاله) ۷۸، ۸۲
تنها سوسیالیسم ما سوسیالیسم زنده و حقیقی است (مقاله) ۱۴۰
تنها نهضت سوسیالیسم ملی ما می‌تواند به این همه انحطاط و بدبختی خاتمه دهد نه اصلاحات مصدق السلطنه‌ها (مقاله) ۱۶۹
توطئه ربودن و چگونگی قتل افشار طوس (کتاب) ۸۵، ۸۸
تهران مصور (مجله) ۳۹، ۴۲، ۴۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۷۳، ۷۴

جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی) (کتاب) ۳۳

جامعه‌شناسی غرب‌گرایی (کتاب) ۳۱
جانشینی در مطبوعات سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۳۲ش (مقاله) ۱۶۰
جاوید باد خاطره مردان سی‌ام تیر (مقاله) ۱۳۷
جایگاه احزاب در فرآیند توسعه (مقاله) ۲۵
جستارهایی در جغرافیایی اساطیری و تاریخی ایران شرقی (کتاب) ۴۰
جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (کتاب) ۸۲
جنگ نفت روی شن‌های داغ (کتاب) ۳۸، ۹۸
جنگ نفت (کتاب) ۴۲
جوانان دموکرات (روزنامه) ۸۳
جودان (نشریه) ۹۹
جهانداری پارس‌ها (کتاب) ۱۵۸، ۱۶۳

چلنگر (روزنامه) ۵۱

حافظ خراباتی (کتاب) ۱۴۶
حافظ‌نامه(کتاب) ۱۴۶
حجار (نشریه) ۸۳
حرکت ملی (روزنامه) ۷۰
حزب آریا ۸۶
حزب پان‌ایرانیست (کتاب) ۲۵
حزب پیراهن‌سیاهان (مقاله) ۴۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱
حزب پیراهن سیاهان می‌خواهد ایران را بهشت کار و بهشت فعالیت سازد (مقاله) ۳۹، ۴۱
حزب سوسیالیست نازی (مقاله) ۱۱۵
حزب ما در جریانات اخیر (مقاله) ۸۴
حزب نازی در ایران (مقاله) ۶۰، ۱۱۵
حزب ناسیونال سوسیالیست ایران تشکیل شد (مقاله) ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۶۰
حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران ایران (مقاله) ۶۰
حزب‌های بی‌مرام فرمایشی (مقاله) ۷۶، ۷۷
حقوق کار در نظام ناسیونالیسم سوسیالیست (مقاله) ۱۴۱
خاستگاه احزاب نخستین در ایران (مقاله) ۱۴

خاطرات زندنیا (کتاب) ۴۳
خاطرات سیاسی غلامرضا مصور رحمانی (کتاب) ۱۱۶
خاطرات شاپور زندنیا (کتاب) ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۲، ۶۴، ۷۹، ۸۲، ۸۴، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۵۲، ۱۷۰
خاطرات نورالدین کیانوری (کتاب) ۹۳
خاکستر گرم (مقاله) ۴۲
خبرگزاری سومکا خبر می‌دهد (مقاله) ۷۳، ۷۴، ۸۰، ۸۱، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۹۱، ۹۵، ۹۷، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۲
خبرهای کشور در دستگاه دولت (مقاله) ۹۶
خبرهای کشور (مقاله) ۵۴، ۸۹، ۱۳۱، ۱۴۵
خدمات متقابل اسلام و ایران (کتاب) ۴۸
خطابه‌های رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران تاریخ آبان ۱۳۳۰ تا اسفند ۱۳۳۰ (کتاب) ۵۵

خطابه‌های رهبر حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (جزوه) ۱۷
خطابه‌های رهبر حزب سومکا... (کتاب) ۱۷۲
خطابه‌های رهبر حزب (مقاله) ۱۴۵
خط سومکا (کتاب) ۱۵۸
خواندنی‌ها(مجله) ۴۲

داد (روزنامه) ۷۴
داریوش یکم، پادشاه پارس‌ها (کتاب) ۱۵۸، ۱۶۳
داس رایش (ارگان حزب نازی آلمان) ۴۳
دایرةالمعارف ایتالیا (کتاب) ۳۴
درآمدی بر تحزب در دهه‌ی بیست، فصلی متفاوت در حزب‌گرایی تاریخ معاصر ایران و احزاب سیاسی در ایران (کتاب) ۱۵
در برنامه سومکا (مقاله) ۱۳۳، ۱۳۴
در به در در پی بهشت (کتاب) ۱۵۸
در پیرامون بازداشت رهبر حزب سومکا، آقامنشی‌زاده باید آزاد شود (مقاله) ۷۱
در دنیای دشمن، برای تاریخچه حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (مقاله) ۵۵، ۷۸، ۱۱۷، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۶، ۱۶۸
در مجلس عالی امروز سنا (مقاله) ۱۷۱
دروغ‌هایی که خودشان هم باور ندارند (مقاله) ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۸۳، ۸۷، ۸۹، ۹۶، ۹۷، ۱۱۹، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۹، ۱۷۱
دلار، لیره، ریال، مصدق‌السلطنه یا مشرف نفیسی یا هردو... (مقاله) ۹۲
دموکراسی و رژیم رهبری (مقاله) ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۴۴
دنیای امروز (نشریه) ۵۳
دنیای دشمن (مقاله) ۵۶، ۵۹، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۸، ۶۹، ۷۰
دوچ ترلاک (نشریه) ۴۳
دوچ دونشای (نشریه) ۴۲
دولت سوسیالیسم ملی با برنامه دقیق خود سرنوشت قرن‌ها آینده ایران را معین می‌کند (مقاله) ۸۰
دولت طوماری... (مقاله) ۱۶۹، ۱۷۳
دیپلمات (نشریه) ۱۳۷
دیشب در تهران خانه صلح را آتش زدند و به مرکز حزب سومکا حمله بردند (مقاله) ۷۲، ۷۳
دیگران راه ما را هموار می‌کنند (مقاله) ۹۴

راه ما به نابودی دشمنان ما ختم خواهد شد (مقاله) ۱۱۹
راهنمای مطبوعات ایران (۱۳۰۴ ش تا ۱۳۵۷ ش) (کتاب) ۱۵۹
رجال عصر پهلوی، کتاب اول، داریوش همایون (کتاب) ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۵۲، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۹۴
رژیم هیتلر صدر درجه بهتر از رژیم‌های دروغی و حقه‌بازی بود (مقاله) ۴۴
رنگ در تاریخ ایران (مقاله) ۱۱۸
روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج۱ (کتاب) ۸۶
رهبر من منشی‌زاده، به مناسبت سی و نهمین سال تولد رهبر (مقاله) ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵
رهبر (نشریه) ۱۶۴

زبان سرخ (نشریه) ۶۱

زن در اجتماع ناسیونال سوسیالیست (مقاله) ۱۴۸
زندگی سیاسی رزم آرا (کتاب) ۱۱۸
زنـدگی نـامه مـن (مـخاطرات سـرهنگ جـلیل بزرگمهر) (کتاب) ۴۰

سـاختارهای قـدرت (درآمـدی بـرعلم سـیاست) (کتاب) ۳۴
سازمان افسران حزب توده ایران ۱۳۳۳ - ۱۳۲۳ (کتاب)۴۹
سـال‌های بـحران، خـاطرات روزانـه مـحمدناصر صولت قشقایی (کتاب) ۵۱
سپهبد بختیار سایه سنگین شاه (کتاب) ۱۰۴
سپهبد تیمور بـختیار بـه روایت اسـناد سـاواک؛ ج۱(کتاب) ۱۵
سپه (روزنامه) ۷۶
سراب جانشین پدر، ج۲ (کتاب) ۵۵، ۱۷۲
سراب جانشین پسر (کتاب) ۴۱، ۹۴، ۹۸
سوگند (نشریه) ۱۵، ۱۳۷
سومکا(در دوسـال پـیکار بـا اهـرمن (تـاریخچه مصور حزب) (کتاب) ۱۵۸
سومکا(روزنامه) ۲۱
سومکا(هفته نـامه) ۵۶، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۷۷، ۴۳، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳
سیاست خارجی آمریکا و شاه (کتاب) ۸۳، ۹۲، ۱۰۰
سیاست ملی (روزنامه) ۷۰
سیر اندیشه ملی‌گرایی از دیدگاه اسـلام و تـاریخ (کتاب) ۳۱
سیگنال (نشریه) ۴۲
سیمرغ (نشریه) ۱۶۴
سؤال حائری‌زاده از وزیر کشور (مقاله) ۷۰

شاه‌داد (مجله) ۶۰
شاهد (روزنامه) ۷۰، ۷۶
شایعه درباری بودن ما را دشمنان ایجاد کرده‌اند و ما یک بار و برای همیشه آن را تکذیب مـی‌کنیم (مقاله) ۱۷۰
شرح سودی بر حافظ (کتاب) ۱۴۶
شرح عرفانی غزل‌های حافظ (کتاب) ۱۴۶
شرقی (مجله) ۴۰
شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تـا ۱۳۵۷ش (کتاب) ۱۶۱
شهباز (روزنامه) ۵۳، ۷۲، ۸۳، ۹۱، ۱۱۷
شـیر شـرق (نشـریه) ۴۵، ۷۱، ۹۱، ۱۱۳، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۷۳

صدای سمنان (روزنامه) ۷۱
صدای ملی (روزنامه) ۷۰
صدای وطن (روزنامه) ۱۶۲

طغیان توده‌ها(کتاب) ۱۵۸

ظهور و سقوط رایش سوم (کتاب) ۱۱۸، ۱۲۹
ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (کتاب)۱۵

عقاب شرق (روزنامه) ۷۰
عماد (نشریه) ۸۹، ۱۰۱
عملیات مخفی سیا CIA در تهران (مقاله) ۹۲

فاشیسم مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی (کتاب) ۳۳
فرهنگ علوم سیاسی (کتاب) ۲۶، ۱۱۷
فلسفه‌ی تاریخ و ناسیونالیسم ایرانی(مقاله) ۴۶

قدرت موجد حق است و حقانیت (مقاله) ۱۳۷
قرآن ۱۴۴
قربانیان باور و احزاب سیاسی ایران (کتاب) ۱۵، ۹۹، ۱۵۳
قناری‌ها فرار کرده‌اند (مقاله) ۴۱

کارنامه‌ی حزب توده و راز سقوط مصدق (کتاب) ۹۹
کاروان عمر (کتاب) ۱۰۳
کشتزارها را به برزگران وامی‌گذاریم (مقاله) ۱۴۰
کلک (مجله) ۱۶۰
کمونیسم و لیبرالیسم و چند نوشته و سخنرانی دیگر از رهبر سومکا (کتاب) ۱۵۸
کودتاچی‌ها (مقاله) ۹۳
کودتاسازان (کتاب) ۵۵، ۹۶، ۱۵۲
کودتای سرلشکر قرنی (مقاله) ۹۸
کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (کتاب) ۸۴، ۹۲، ۹۳
کودتای نافرجام (کتاب) ۹۹
کهکشان (مجله) ۴۱، ۴۵
کیهان (روزنامه) ۶۰، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۸۳، ۱۷۱

گذشته چراغ راه آینده است (کتاب) ۴۹
گرایش‌های سیاسی در جهان عرب (کتاب) ۳۱
گردونه خورشید یا گردونه مهر (کتاب) ۱۱۷
گزارش‌های محرمانه شهربانی، ج۱ (کتاب) ۵۰، ۷۷
گفتگو و بحث با سرلشکر فرنی در واپسین روزهای زندگی (مقاله) ۹۹، ۱۰۰
گلزار مشاهیر: زندگی‌نامه در گذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸ ـ ۱۳۴۷ (ککتاب)۱۰۳
گوی و چوگان (مقاله) ۱۶۳
گیلگمش کهنه‌ترین حماسه بشری (کتاب) ۱۵۸

لوموند (روزنامه) ۴۱

ما پشت دشمنان خود را به لرزه درآورده‌ایم و بالاخره آنها را خواهیم کوفت (مقاله) ۵۵
ماجرای کودتای سرلشکر قرنی (کتاب) ۹۹
ما جیره‌خوار کسی نیستیم (مقاله) ۱۷۳
ما چه ادعای رهبری سیاسی این ملت را داریم؟ (مقاله) ۱۳۷
ما حزب خیابانی هم نیستیم (مقاله) ۱۳۲
مادر بزرگ از سرزمین افسانه‌ای خود برایم بگو(مقاله) ۴۰
ما شرافت ملی را زیر پا گذاشته‌ایم (مقاله) ۱۳۷
ما که باشگاه نیرو و راستی را اشغال کرده‌ایم (مقاله) ۹۷
مبارزه زنان ادامه دارد (مقاله) ۱۴۹
مبدأ آموزه‌ی ما ملت است و بس (مقاله) ۶۷
محراب خداوندان آزمایشگر (مقاله) ۱۴۵
مراجعه به آرای عمومی؛ رفراندوم آخرین و کامل‌ترین روش در حکومت ملی (مقاله) ۱۳۲

مرد آسیا (روزنامه) ۷۶، ۷۹، ۸۳
مرد آهنین در خدمت ناسیونال سوسیالیست‌ها (مقاله) ۱۵۹
مرد آهنین (روزنامه) ۱۰۵
مرد آهنین (هفته‌نامه) ۵۳، ۵۴، ۶۱، ۶۴، ۱۵۹
مرد امروز (نشریه) ۴۲
مردم بخوانید و به جنایات احزابی دو روزه پی ببرید من عضو حزب سومکا بودم (مقاله) ۶۴
مردی که مرد (مقاله) ۱۶۳
مصدق و نبرد قدرت (کتاب) ۵۴
مطالعات تاریخی (فصلنامه) ۱۱۸
مکاتب سیاسی معاصر (کتاب) ۳۴
ملت دلیر ما در مبارزات خود موفق است (مقاله) ۶۷
ملت ما در مبارزات خود موفق است (مقاله) ۱۴۳
ملی کردن صنایع بزرگ (مقاله) ۱۴۰
من در برابر فرمان تقدیر و انجام مأموریت راهی نمی‌شناسم (مقاله) ۸۰
من عضو...(مقاله) ۷۴
میهن دوستی در ایران (کتاب) ۳۰

ناسیونالیسم، حاکمیت ملی و استقلال (کتاب) ۳۰
ناسیونالیسم در ایران (کتاب) ۳۱
ناسیونالیسم (کتاب) ۲۷
ناسیونالیسم، مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی (کتاب) ۲۷
ناسیونالیسم و جنبش مشروطیت ایران (کتاب) ۲۶، ۳۰
ناسیونالیسم و مبارزات، ضداستعماری کشورهای آفریقایی شرقی، تانگانیکا، کنیا، اوگاندا، زنگبار(کتاب) ۲۶
نبرد پاک (روزنامه) ۷۰
نبرد من (کتاب) ۳۳
نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایرانی با دو رویه تمدن و بورژوازی غرب (کتاب) ۴۷
نظری بر جنبش کارگری در ایران (کتاب) ۵۷
نفت ایران (کتاب) ۱۲۰
نقد و بررسی ناسیونالیسم (کتاب) ۳۱، ۴۶
نگاه از درون به جنبش چپ ایران، گفتگوی حمید شوکت با مهدی خانبابا تهرانی (کتاب) ۸۸
نگاه از درون به نقش حزب توده ایران (کتاب) ۹۳
نگاهی به جنبش ناسیونالیسم عرب (کتاب) ۳۱، ۴۸
نوید آینده (روزنامه) ۵۱
نهضت ما در برابر دموکراسی (مقاله) ۱۳۱
نیاخاک (نشریه) ۱۶۴
نیویورک تایمز (روزنامه) ۷۶

واقعیت انکار نشدنی با من (مقاله) ۱۱۷
واقعیت انکارنشدنی یا من حزب سومکا بودم (جزوه) ۴۱
واهمه (نشریه) ۶۰، ۱۱۵، ۱۱۹
واهمه (هفته نامه) ۱۶۵
وداع از گذشته: سینما و فیلمبرداری آمریکا (مقاله) ۹۲
ور اندیشی در تکنیک (کتاب) ۱۵۸
ورقی از تاریخ مشروطه ایران، شرح حال مرحوم میرزا ابراهیم‌خان منشی‌زاده(۱۳۳۶ - ۱۲۹۶ه.ق) (مقاله) ۳۷، ۳۹
وضع ترجمه در ایران (مقاله) ۵۸
وطن‌پرستی و ناسیونالیسم (کتاب) ۲۷

هم‌شاگردی (بولتن) ۱۶۴
هم‌شاگردی (نشریه) ۱۳۷
هنرهای ایران (کتاب) ۱۱۸

یادبود نویسندگان، دکتر داوود منشی‌زاده (مقاله) ۴۰، ۴۲، ۴۵، ۱۰۳
یادگار(مجله) ۳۷، ۳۹
یادنامه عماد (کتاب) ۸۸
یغما (مجله) ۴۴
یک سال پیکار با اهرمن، به مناسبت دومین سال انتشار نشریه ارگان سومکا (مقاله) ۱۶۰، ۱۶۳

فهرست منشورات مرکز اسناد انقلاب اسلامی به تفکیک حوزه‌های پژوهشی

ردیف	عنوان	قیمت
	نهضت اسلامی ایران	
۱	تاریخ شفاهی انقلاب	۹۰۰ تومان
۲	تاریخ شفاهی انقلاب تاریخ حوزه علمیه قم	۱۸۰۰ 〃
۳	نقش رهبری در نهضت مشروطه، ملی نفت و انقلاب اسلامی	۱۲۰۰ 〃
۴	بررسی مشی چریکی در ایران	۱۰۰۰ 〃
۵	تحلیلی بر نقش عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی	۱۱۰۰ 〃
۶	رژیم شاه و آزمون‌گیری از طلاب	۵۰۰ 〃
۷	مشهد در بامداد نهضت امام خمینی	۱۱۰۰ 〃
۸	حماسه ۱۹ دی قم	۱۴۰۰ 〃
۹	حماسه ۱۷ خرداد۱۳۵۴	۹۰۰ 〃
۱۰	جایگاه قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در انقلاب اسلامی	۵۰۰ 〃
۱۱	ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه	۱۰۰۰ 〃
۱۲	زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی (ره)	۲۵۰۰ 〃
۱۳ـ۲۲	نهضت روحانیون ایران (دوره ۱۰ جلدی)	۱۰۰۰۰ 〃
۲۳ـ۲۴	نهضت امام خمینی (جلد ۲ و ۳)	۴۵۰۰ 〃
۲۵	حماسه ۲۹ بهمن تبریز	۱۲۰۰ 〃
۲۶	روزنامهٔ صدای سمنان	۱۲۰۰ 〃
۲۷	روزنامهٔ نبرد ملت ارگان رسمی فداییان اسلام	۴۵۰۰ 〃
۲۸	نهضت امام خمینی و مطبوعات رژیم شاه (۱۳۴۱ ـ ۱۳۵۷)	۱۱۰۰ 〃
۲۹	جمعیت فدائیان اسلام و نقش آن در تحولات سیاسی ـ اجتماعی ایران	۲۲۰۰ 〃
۳۰	بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران (۱۳۲۰ـ ۱۳۴۰)	۲۵۰۰ 〃
۳۱	روشنفکری دینی و انقلاب اسلامی	۲۴۰۰ 〃
۳۲	اصلاحات آمریکایی ۱۳۳۹ـ ۱۳۴۲ و قیام ۱۵ خرداد	۱۸۰۰ 〃
۳۳	انقلاب اسلامی در شهرستان میانه	۲۳۰۰ 〃
۳۴	همه‌پرسی‌های رژیم شاه	۱۴۰۰ 〃
۳۵	امام خمینی و انتفاضه فلسطین	۱۲۰۰ 〃
۳۶	گروه ابوذر	۱۷۰۰ 〃
۳۷	تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (جلد دوم)	۳۰۰۰ 〃

ردیف	عنوان	قیمت
۳۸	مواضع امام خمینی (ره) در برابر نظام سیاسی پهلوی و نهادهای آن	۱۳۰۰ تومان
۳۹	انقلاب اسلامی به روایت خاطره	۱۳۰۰ 〃
۴۰	سه سال ستیز مرجعیت شیعه	۳۵۰۰ 〃
۴۱	مناسبات امام خمینی (ره) با حرکت‌ها و مبارزان اسلامی(۱۳۴۳ـ ۱۳۵۷)	۱۵۰۰ 〃
۴۲	تاریخ شفاهی گروه ابوذر	۱۲۰۰ 〃
۴۳	انقلاب فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران (دگرگونی در آموزش عالی)	۱۷۰۰ 〃
۴۴	انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های معاصر	۱۹۰۰ 〃
۴۵	تاریخ شفاهی مسجد جلیلی	۱۱۰۰ 〃
۴۶	تاریخ شفاهی گروه‌های مبارز هفتگانه‌ی مسلمان	۳۷۰۰ 〃
۴۷	دولت بختیار و تحولات انقلاب اسلامی	۱۸۰۰ 〃
۴۸	سفر به کشورهای مختلف جهان در ارتباط با انقلاب اسلامی	۵۳۰۰ 〃
	تاریخ معاصر ایران	
۴۹	نقش علماء در انجمن‌ها و احزاب دوران مشروطیت	۱۳۰۰ 〃
۵۰	قاجاریه، انگلستان و قراردادهای استعماری	۱۶۰۰ 〃
۵۱	دولت موقت	۱۲۰۰ 〃
۵۲	برگ‌هایی از تاریخ حوزهٔ علمیه قم	۱۱۵۰ 〃
۵۳	پلیس جنوب ایران	۱۹۰۰ 〃
۵۴	مجلس شورای ملی و تحکیم دیکتاتوری رضاشاه	۱۸۰۰ 〃
۵۵	قشقایی‌ها و مبارزات مردم جنوب	۲۱۰۰ 〃
۵۶	تاریخ دخانیه	۱۸۰۰ 〃
۵۷	آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری و جنبش مشروطه‌خواهی	۱۸۰۰ 〃
۵۸	مدرس و سیاستگذاری عمومی	۱۷۰۰ 〃
۵۹	داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب	۱۹۰۰ 〃
۶۰	چالش مشروعیت در رژیم شاه و قتل نخست‌وزیران	۱۹۰۰ 〃
۶۱	جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی ـ سیاسی ایران	۷۰۰۰ 〃
۶۲	شیخ محمد خالصی‌زاده (روحانیت در مصاف با انگلیس)	۱۴۰۰ 〃
۶۳	ناپایداری کابینه‌ها در ایران	۱۴۰۰ 〃
	تاریخ منطقه‌ای جمهوری اسلامی	
۶۴	تاریخ انقلاب اسلامی در کاشان(جلد اول)	۳۵۰۰ 〃
۶۵	تاریخ انقلاب اسلامی در کاشان(جلد دوم)	۳۵۰۰ 〃
۶۶	انقلاب اسلامی در ورامین	۳۶۰۰ 〃
	جمهوری اسلامی ایران	
۶۷	ماجراهای هاشم آغاجری	۵۰۰ 〃
۶۸	بازشناسی حکومت ولایی	۱۸۰۰ 〃

ردیف	عنوان	قیمت
	سیاست و روابط خارجی	
۶۹	تحولات سیاست خارجی آمریکا	۵۵۰ تومان
۷۰	سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی	۷۰۰ 〃
۷۱	رفتارشناسی آمریکا در قبال نهضت ملی ایران	۱۲۰۰ 〃
۷۲	نه شرقی، نه غربی	۱۱۰۰ 〃
۷۳	روابط سیاسی ـ اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی	۱۶۰۰ 〃
۷۴	بررسی روابط شاه با سازمانهای بین‌الملل حقوق بشر	۱۰۰۰ 〃
۷۵	اتحاد جماهیر شوروی و انقلاب اسلامی ایران	۱۵۰۰ 〃
۷۶	روس و انگلیس در ایران	۱۲۵۰ 〃
۷۷	ایران و سازمان‌های بین‌المللی	۱۹۰۰ 〃
۷۸	گاه‌شمار سیاست خارجی ایران از دی ماه ۱۳۵۶ تا مرداد ماه ۱۳۶۷	۳۰۰۰ 〃
۷۹	گاه‌شمار سیاست خارجی ایران از مرداد ماه ۱۳۶۷ تا خرداد ماه ۱۳۸۰	۳۶۰۰ 〃
۸۰	چالشهای ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی	۱۲۰۰ 〃
۸۱	مناسبات ایران و اسرائیل در دوره‌ی پهلوی دوم	۱۸۰۰ 〃
۸۲	سیاست حقوق بشر کارتر و انقلاب اسلامی ایران	۱۰۰۰ 〃
۸۳	الگوهای رفتاری ایالات متحده آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران	۲۵۰۰ 〃
	سیاست و حکومت	
۸۴	سیاست و حکومت رژیم صهیونیستی	۱۷۰۰ 〃
۸۵	سیاست و انتخابات در ایالات متحده آمریکا	۱۲۰۰ 〃
	اقتصاد سیاسی	
۸۶	دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران	۵۰۰ 〃
۸۷	نظریه دولت تحصیلدار و انقلاب اسلامی	۸۰۰ 〃
۸۸	اقتصاد و انقلاب اسلامی	۱۳۰۰ 〃
۸۹	اصلاحات اقتصادی رضاخان و تأثیر عوامل خارجی	۱۰۰۰ 〃
۹۰	از توسعه لرزان تا سقوط شتابان	۱۳۰۰ 〃
۹۱	بر لبه‌ی پرتگاه مصرف‌گرایی	۱۰۰۰ 〃
۹۲	از اعتصاب کارکنان صنعت نفت تا پیروزی انقلاب اسلامی	۱۶۰۰ 〃
۹۳	دولت پهلوی و توسعه اقتصادی	۱۶۰۰ 〃

ردیف	عنوان	قیمت
	حقوق سیاسی	
۹۴	سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران	۲۲۰۰ تومان
۹۵	بررسی تطبیقی اصول محاکمات مدنی در قوانین مشروطه و انقلاب‌اسلامی	۱۲۰۰ 〃
۹۶	تحول نظام قضایی ایران جلد اول	۲۸۰۰ 〃
۹۷	تحول نظام قضایی ایران جلد دوم	۱۹۰۰ 〃
۹۸	حقوق و آزادیهای فردی از دیدگاه امام خمینی (ره)	۱۴۰۰ 〃
۹۹	تجدیدنظرهای چندگانه در قانون اساسی مشروطه	۱۴۰۰ 〃
۱۰۰	تفکیک قوا در حقوق ایران، آمریکا، فرانسه	۲۳۰۰ 〃
۱۰۱	تطبیق قوانین با شرع در نظام قانون‌گذاری ایران	۱۶۰۰ 〃
۱۰۲	دادسرا و دادگاه ویژه‌ی روحانیت	۲۰۰۰ 〃
۱۰۳	مجمع تشخیص مصلحت نظام (بررسی سیاسی ـ حقوقی جایگاه، ساختار و...)	۱۴۰۰ 〃
۱۰۴	سنای ایران جایگاه حقوقی و عملکرد سیاسی	۱۶۰۰ 〃
	اندیشه سیاسی	
۱۰۵	ساختارهای قدرت	۱۲۰۰ 〃
۱۰۶	مبانی فراماسونری	۱۲۰۰ 〃
۱۰۷	حکومت مقایسه‌ای	۱۸۰۰ 〃
۱۰۸	بررسی مقایسه‌ای مفهوم عدالت از دیدگاه مطهری، شریعتی، سیدقطب	۷۰۰ 〃
۱۰۹	پارلمانتاریسم در ایران	۱۸۰۰ 〃
۱۱۰	درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)	۱۵۰۰ 〃
۱۱۱	تأملاتی بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)	۷۰۰ 〃
۱۱۲	تحول ناسیونالیسم در ایران	۱۰۰۰ 〃
۱۱۳	مذهب و مدرنیزاسیون در ایران	۲۰۰۰ 〃
۱۱۴	سازمان پرورش افکار	۲۱۰۰ 〃
۱۱۵	انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه محققان شوروی	۱۲۰۰ 〃
۱۱۶	رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران	۳۲۰۰ 〃
۱۱۷	اندیشه‌های سیاسی سیدقطب	۱۸۰۰ 〃
۱۱۸	نقد و بررسی ناسیونالیسم تجددخواه در عصر رضاشاه	۱۸۰۰ 〃
۱۱۹	امت و ملت در اندیشه‌ی امام خمینی(ره)	۲۰۰۰ 〃
	جهان اسلام	
۱۲۰	سازمان کنفرانس اسلامی	۹۵۰ 〃
۱۲۱	دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز	۹۰۰ 〃
۱۲۲	عراق، ساختارها و فرایند گرایش‌های سیاسی	۱۴۰۰ 〃

ردیف	عنوان	قیمت
	هنر و ادبیات سیاسی	
۱۲۳	توصیف خاکیان از آفتاب	۱۸۰۰ تومان
۱۲۴	شعر سیاسی در دوره‌ی پهلوی دوم	۱۹۰۰ 〃
۱۲۵	درآمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی	۱۶۰۰ 〃
۱۲۶	چراغ عجم	۱۸۰۰ 〃
۱۲۷	سینمای دینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۸- ۱۳۸۰)	۱۸۰۰ 〃
	جامعه‌شناسی سیاسی	
۱۲۸	فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی	۱۰۰۰ 〃
۱۲۹	دولت رضاشاه و نظام ایلی	۱۲۰۰ 〃
۱۳۰	طبقات اجتماعی و رژیم شاه	۱۴۰۰ 〃
۱۳۱	مسجد و انقلاب اسلامی	۱۲۰۰ 〃
۱۳۲	علل تشکیل و انحلال جبهه ملی ایران	۶۰۰ 〃
۱۳۳	نفوذ فراماسونری در مدیریت نهادهای فرهنگی ایران	۱۰۰۰ 〃
۱۳۴	ارتش و انقلاب اسلامی	۲۲۰۰ 〃
۱۳۵	بهائیت در ایران	۱۵۰۰ 〃
۱۳۶	جنبش دانشجویی در ایران از تأسیس دانشگاه تا پیروزی انقلاب اسلامی	۲۰۰۰ 〃
۱۳۷	دولت و نیروهای اجتماعی در عصر پهلوی اول	۱۳۰۰ 〃
۱۳۸	تئوری‌های ساخت قدرت و رژیم پهلوی دوم	۱۵۰۰ 〃
۱۳۹	انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی	۱۵۰۰ 〃
۱۴۰	قومیت‌ها و نقش آنان در تحولات سیاسی سلطنت محمدرضا پهلوی	۲۳۰۰ 〃
۱۴۱	جایگاه حقوقی ـ سیاسی شوراها در جمهوری اسلامی ایران	۱۶۰۰ 〃
۱۴۲	نقش روحانیت شیعه در انقلاب اسلامی ایران	۲۰۰۰ 〃
۱۴۳	حقوق سیاسی ـ اجتماعی زنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران	۱۸۰۰ 〃
۱۴۴	روشن‌فکری و سیاست (بررسی تحولات روشن‌فکری در ایران معاصر)	۱۹۰۰ 〃
۱۴۵	مهاجرت روستاییان به شهرها وتأثیرات اقتصادی‌وسیاسی آن دردورهٔ پهلوی دوم	۱۷۰۰ 〃
	احزاب سیاسی	
۱۴۶	استالینیسم و حزب توده ایران	۵۰۰ 〃
۱۴۷	حزب پان ایرانیست	۹۰۰ 〃
۱۴۸	احزاب دولتی و نقش آن در تاریخ معاصر	۱۰۰۰ 〃
۱۴۹	حزب مردم	۱۹۰۰ 〃

ردیف	عنوان	قیمت
	شخصیت‌ها	
۱۵۰	مفاخر اسلام جلد ۱	۱۵۰۰ تومان
۱۵۱	مفاخر اسلام جلد ۲	۲۵۰۰ 〃
۱۵۲	مفاخر اسلام جلد ۳	۲۲۰۰ 〃
۱۵۳	مفاخر اسلام جلد ۴	۲۵۰۰ 〃
۱۵۴	مفاخر اسلام جلد ۷ (دانشمندان لاهیجان)	۱۲۰۰ 〃
۱۵۵	مفاخر اسلام جلد ۸ (علامه مجلسی)	۱۲۰۰ 〃
۱۵۶	مفاخر اسلام جلد ۹ (وحید بهبهانی)	۳۵۰۰ 〃
۱۵۷	مفاخر اسلام جلد ۱۱ بخش اول (حاج‌شیخ عباس قمی، زندگینامه)	۲۵۰۰ 〃
۱۵۸	مفاخر اسلام جلد ۱۱ بخش دوم (حاج‌شیخ عباس قمی، گزیده آثار)	۲۵۰۰ 〃
۱۵۹	مفاخر اسلام جلد ۱۲ (آیت‌الله العظمی بروجردی)	۲۸۰۰ 〃
۱۶۰	زندگی و مبارزات آیت‌الله قاضی‌طباطبائی	۲۲۰۰ 〃
۱۶۱	مرآت‌الاحوال جهان‌نما	۱۵۰۰ 〃
۱۶۲	تاریخ و سفرنامه حزین (شیخ محمدعلی حزین لاهیجی)	۱۱۰۰ 〃
۱۶۳	حاج شیخ عبدالکریم حائری	۷۵۰ 〃
۱۶۴	زندگی‌نامه‌ی سیاسی شهید هاشمی‌نژاد	۲۳۰۰ 〃
۱۶۵	سیداسدالله خرقانی (روحانی نوگرای روزگار مشروطه و رضاشاه)	۱۶۰۰ 〃
۱۶۶	مصدق و خاندان مستوفیان آشتیانی	۱۸۰۰ 〃
۱۶۷	زندگی‌نامه‌ی سیاسی شهید رجایی	۱۸۰۰ 〃
	دفاع مقدس	
۱۶۸	مدرسه عشق (زندگی‌نامه شهید تیمسار سرلشکر سیدموسی نامجو)	۱۲۰۰ 〃
۱۶۹	امیرخستگی‌ناپذیر (زندگی‌نامه شهید سرلشکر ولی‌الله فلاحی)	۱۲۰۰ 〃
۱۷۰	خاطرات سپهبد شهید صیاد شیرازی	۵۰۰ 〃
۱۷۱	بر فراز کنگرک	۸۰۰ 〃
۱۷۲	منظومه عشق	۴۰۰ 〃
۱۷۳	یاد آن روزها	۱۰۰۰ 〃
۱۷۴	زندگی‌نامه و خاطراتی از شهید اقارب‌پرست	۱۳۰۰ 〃

ردیف	عنوان	قیمت
۱۷۵	یاد یاران	۱۰۰۰ تومان
۱۷۶	مرد ره	۱۳۰۰ 〃
۱۷۷	میان خون	۱۴۰۰ 〃
۱۷۸	باید رفت	۱۰۰۰ 〃
۱۷۹	نبرد میمک	۹۰۰ 〃
۱۸۰	سرود آزادی	۷۰۰ 〃
۱۸۱	تپه‌ی سبز	۹۰۰ 〃
۱۸۲	شیر صحرا	۱۱۰۰ 〃
۱۸۳	دلاوران حاج عمران	۱۰۰۰ 〃
۱۸۴	لشکر نه نفره	۱۳۰۰ 〃
۱۸۵	کوچه‌ی مرگ	۷۵۰ 〃
۱۸۶	در محاصره	۹۵۰ 〃
۱۸۷	چزابه	۱۵۰۰ 〃
۱۸۸	اهالی آسمان (زندگی‌نامه شهدای هوانیروز)	۲۴۰۰ 〃
۱۸۹	سکوت رادیویی	۱۴۰۰ 〃
۱۹۰	اردوگاه عنبر (خاطرات آزادگان هوانیروز)	۹۰۰ 〃
۱۹۱	شکارچی	۶۰۰ 〃
۱۹۲	پرواز در پرواز	۱۴۰۰ 〃
۱۹۳	پل شناور	۱۰۰۰ 〃
	خاطرات	
۱۹۴	خاطرات و مبارزات شهید محلاتی	۹۰۰ 〃
۱۹۵	خاطرات و مبارزات حجةالاسلام فلسفی (چاپ چهارم)	۲۲۰۰ 〃
۱۹۶	خاطرات امام کائویانگ	۴۰۰ 〃
۱۹۷	خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی	۱۴۰۰ 〃
۱۹۸	خاطرات حجةالاسلام سیدعلی اصغر دستغیب	۶۰۰ 〃
۱۹۹	ماجرای قتل سردار اسعد بختیاری	۱۴۰۰ 〃
۲۰۰	خاطرات عبدخدایی	۱۵۰۰ 〃
۲۰۱	هفتاد سال خاطره (آیت‌الله سیدحسین بدلا)	۹۰۰ 〃
۲۰۲	خاطرات حجةالاسلام عمید زنجانی	۱۶۰۰ 〃
۲۰۳	خاطرات آیت‌الله یزدی	۳۰۰۰ 〃
۲۰۴	خاطرات آیت‌الله میانجی	۱۳۰۰ 〃
۲۰۵	خاطرات شهید سیدمحمد واحدی	۱۱۰۰ 〃

قیمت	عنوان	ردیف
۱۳۰۰ تومان	خاطرات آیت‌الله سیدعباس خاتم یزدی (ره)	۲۰۶
۲۰۰۰ 〃	خاطرات مرحوم حجةالاسلام موحدی ساوجی	۲۰۷
۲۳۰۰ 〃	خاطرات آیت‌الله مسعودی خمینی	۲۰۸
۱۵۰۰ 〃	خاطرات حجةالاسلام جعفر شجونی	۲۰۹
۲۷۰۰ 〃	خاطرات آیت‌الله محمدعلی گرامی	۲۱۰
۱۶۰۰ 〃	خاطرات علی جنتی	۲۱۱
۱۶۰۰ 〃	خاطرات حجةالاسلام و المسلمین سیدسجاد حججی	۲۱۲
۱۵۰۰ 〃	خاطرات آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی	۲۱۳
۲۶۰۰ 〃	خاطرات حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین انصاریان	۲۱۴
۲۱۰۰ 〃	خاطرات حجةالاسلام علی‌اکبر ناطق نوری	۲۱۵
۱۷۰۰ 〃	خاطرات حجةالاسلام حسینی همدانی	۲۱۶
۲۵۰۰ 〃	خاطرات حجةالاسلام محسن دعاگو	۲۱۷
۱۶۰۰ 〃	خاطرات حجةالاسلام والمسلمین پورهادی	۲۱۸
۳۷۰۰ 〃	جام شکسته (خاطرات حجةالاسلام عبدالمجید معادیخواه)	۲۱۹
۱۳۰۰ 〃	خاطرات سرهنگ محمدمهدی کتیبه	۲۲۰
۱۹۰۰ 〃	از غبار تا باران (خاطرات دکتر عبدالله جاسبی)	۲۲۱
۲۵۰۰ 〃	حدیث رویش	۲۲۲
۲۷۰۰ 〃	خاطرات حاج احمد قدیریان	۲۲۳
۱۹۰۰ 〃	خاطرات حجه‌الاسلام والمسلمین رسول منتجب‌نیا	۲۲۴
۲۳۰۰ 〃	عبور از شط شب (خاطرات علی‌محمد بشارتی جهرمی)	۲۲۵
۲۰۰۰ 〃	خاطرات حجةالاسلام والمسلمین مرحوم سیدمنیرالدین شیرازی	۲۲۶
۳۴۰۰ 〃	خاطره‌ها(جلد اول)	۲۲۷
۲۰۰۰ 〃	از جنوب لبنان تا جنوب ایران(خاطرات سردار سرلشکر سیدیحیی(رحیم) صفوی	۲۲۸
۱۶۰۰ 〃	خاطرات نیرةالسادات احتشام رضوی (همسر شهید نواب صفوی)	۲۲۹
۱۴۰۰ 〃	خاطرات محسن رفیق‌دوست	۲۳۰
۱۳۰۰ 〃	خاطرات آیت‌الله سیدهاشم رسولی محلاتی	۲۳۱
۱۷۰۰ 〃	خورشیدواره خاطرات طاهره سجادی(غیوران)	۲۳۲
۲۲۰۰ 〃	خاطرات محمدحسن خاکساران	۲۳۳
	اسناد	
۲۲۰ 〃	ما گرفتار یک جنگ واقعی روانی شده‌ایم	۲۳۴
۳۰۰ 〃	تصمیم شوم، جمعه خونین	۲۳۵
۲۸۰ 〃	آیا او تصمیم دارد بیاید به ایران	۲۳۶
۵۰۰۰ 〃	تاریخ قیام ۱۵ خرداد جلد ۱ (دوره ۲ جلدی)	۲۳۸_۲۳۷
۵۴۰۰ 〃	شریعتی به روایت اسناد (دوره ۳ جلدی)	۲۴۱_۲۳۹
۱۰۰۰ 〃	استاد شهید به روایت اسناد	۲۴۲
۱۰۰۰ 〃	زندگی و مبارزات شهید اندرزگو	۲۴۳

ردیف	عنوان	قیمت
۲۴۴	شهید صدوقی (عملکرد، مبارزات و دیدگاهها)	۱۲۰۰ تومان
۲۴۵	جامعه تعلیمات اسلامی(شیخ عباسعلی اسلامی و نقش ایشان در انقلاب اسلامی)	۱۵۰۰ 〃
۲۴۶	نقش بازار در قیام ۱۵ خرداد	۲۵۰۰ 〃
۲۴۷	همکاری ساواک و موساد	۲۱۰۰ 〃
۲۴۸	مستشاران آمریکایی در ایران به روایت اسناد	۴۷۰۰ 〃
۲۴۹_۲۵۰	جمعیت فدائیان اسلام به روایت اسناد (دوره ۲ جلدی)	۴۸۰۰ 〃
۲۵۱	زندگی‌نامه‌ی آیت‌الله العظمی سیدمحمدرضا گلپایگانی قدس سره	۳۸۰۰ 〃
۲۵۲	جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی (نیروی سوم)	۲۳۰۰ 〃
۲۵۳	نقش مساجد و دانشگاه‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی	۱۶۰۰ 〃
۲۵۴	فعالیت‌های سیاسی ـ اجتماعی محمد نخشب به روایت اسناد	۲۵۰۰ 〃
۲۵۵	سیداحمد خوانساری به روایت اسناد	۱۶۰۰ 〃
۲۵۶	زندگی و عملکرد حسنعلی منصور به روایت اسناد	۱۹۰۰ 〃
۲۵۷	الهیار صالح به روایت اسناد	۲۷۰۰ 〃
	دانستنیهای انقلاب اسلامی برای جوانان	
۲۵۸	ستاره صبح انقلاب	۲۲۰ 〃
۲۵۹	صورتک	۲۵۰ 〃
۲۶۰	ساواک	۳۰۰ 〃
۲۶۱	سند بردگی	۳۰۰ 〃
۲۶۲	مثنوی بی‌تابی	۳۰۰ 〃
۲۶۳	قلب روشن دانا	۳۰۰ 〃
۲۶۴	کشف حجاب	۳۰۰ 〃
۲۶۵	در گوادلوپ چه گذشت	۳۰۰ 〃
۲۶۶	تبریز در خون	۳۰۰ 〃
۲۶۷	دولت صالحان	۳۰۰ 〃
۲۶۸	آن سوی آفتاب	۸۰۰ 〃
۲۶۹	یاس در قفس	۳۰۰ 〃
۲۷۰	رهبر الهی	۵۰۰ 〃
۲۷۱	سوخته عشق	۳۰۰ 〃
۲۷۲	مبارز نستوه	۳۰۰ 〃
۲۷۳	پلنگ سیاه	۳۰۰ 〃
۲۷۴	گلبانگ سربلندی	۳۰۰ 〃
۲۷۵	چکمه‌ی سیا	۴۵۰ 〃
۲۷۶	آذرخشی بر تاریکی	۴۰۰ 〃
۲۷۷	شیفته خدمت	۴۵۰ 〃
۲۷۸	حدیث عاشقی	۴۵۰ 〃

قیمت	عنوان	ردیف
۴۰۰ تومان	پیام‌آور امید	۲۷۹
۴۰۰ 〃	سیری در اندیشه‌های استاد مطهری	۲۸۰
۴۵۰ 〃	تا آسمان	۲۸۱
۷۰۰ 〃	روزهای سیاه، روزهای سپید	۲۸۲
۴۰۰ 〃	یک فتوا یک اراده	۲۸۳
۴۰۰ 〃	یک روز تأخیر	۲۸۴
۳۰۰ 〃	دو هفته تا مهر	۲۸۵
۶۰۰ 〃	از کویر تا بهشت	۲۸۶
۶۰۰ 〃	بن‌بست غرور	۲۸۷
۶۰۰ 〃	مثل باران	۲۸۸
۶۰۰ 〃	رؤیاهای بر باد رفته	۲۸۹
۴۵۰ 〃	خمینی آذربایجان	۲۹۰
۵۰۰ 〃	از محراب تا معراج	۲۹۱
۴۵۰ 〃	برق غیرت	۲۹۲
۳۰۰ 〃	مسافر ملکوت	۲۹۳
۸۰۰ 〃	پا به پای ستاره	۲۹۴
۶۰۰ 〃	دربار به روایت دربار (فساد اخلاقی)	۲۹۵
۷۰۰ 〃	دربار به روایت دربار (فساد سیاسی)	۲۹۶
۶۰۰ 〃	سیری در اندیشه‌های شریعتی	۲۹۷
۴۰۰ 〃	ستاره‌ای بر دار	۲۹۸
۶۰۰ 〃	کودتای شب	۲۹۹
۷۰۰ 〃	سال‌های خاکستری	۳۰۰
۵۰۰ 〃	همپای ذوالفقار	۳۰۱
۹۰۰ 〃	دربار به روایت دربار (فساد مالی اقتصادی)	۳۰۲
۹۰۰ 〃	شاهد عتیق	۳۰۳
	داستان‌های انقلاب اسلامی	
۵۰۰ 〃	برگی از باغ	۳۰۴
۷۵۰ 〃	شریف جان سلام	۳۰۵
	تاریخ اسلام	
۲۲۰۰ 〃	تاریخ سیاسی تشیع	۳۰۶
۳۱۰۰ 〃	چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه	۳۰۷
	مرجع	
۹۰۰ 〃	یادنامه شهدای قم	۳۰۸
۱۵۰۰ 〃	تقویم تاریخ خراسان	۳۰۹

ردیف	عنوان	قیمت
۳۱۰	کتابشناسی ۱۵ خرداد	۴۰۰ تومان
۳۱۱-۳۱۳	انقلاب اسلامی در پایان‌نامه‌های دانشگاهی جهان (دوره ۳ جلدی)	۴۴۰۰ 〃
۳۱۴	فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی	۲۲۰۰ 〃
۳۱۵	اسناد انقلاب اسلامی جلد اول (بیانیه‌ها، نامه‌ها... آیات عظام و مراجع تقلید)	۱۱۵۰ 〃
۳۱۶	اسناد انقلاب اسلامی جلد دوم (بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها... علمای شهرها)	۱۱۵۰ 〃
۳۱۷	اسناد انقلاب اسلامی جلد سوم (بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها... کثیرالامضاء)	۱۱۵۰ 〃
۳۱۸	اسناد انقلاب اسلامی جلد چهارم (بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها... مجامع مذهبی)	۱۱۵۰ 〃
۳۱۹	اسناد انقلاب اسلامی جلد پنجم (بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها... مراجع تقلید)	۷۰۰ 〃
۳۲۰	فراماسونرها، روتارینها و لاینزهای ایران	۲۲۰۰ 〃
۳۲۱	علمای مجاهد	۶۰۰۰ 〃

دفتر فروش تلفن / فکس ۲۲۱۱۱۷۴ (پیام‌گیر شبانه‌روزی)

شماره حساب: جاری ۳۰۵۹۰۲۲۶ نزد بانک رفاه کارگران شعبه تجریش

به نام انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

در دست انتشار:

«مساجد بازار تهران در نهضت امام‌خمینی»

تاریخ شفاهی مساجد شاه (امام خمینی)

سیدعزیزالله، آذربایجانی‌ها

۳۶۶ صفحه، رقعی

تألیف: فرشید مهری

تاریخ شفاهی مساجد اطراف بازار، به بررسی نقش و عـملکرد سـه مسـجد امـام‌خمینی، عزیزالله و شیخ عبدالحسین، در جریان شکل‌گیری مبارزات مردمی علیه حکومت پهلوی بویژه در مقاطع حساسی، هم‌چون کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ه ش، نهضت حضرت امام خمینی و قیام پانزده خرداد، تا پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد.

این اثر در سه بخش تنظیم شده است؛ بخش اول، به مسجد شاه سابق اختصاص دارد که شامل سه فصل «پیشینه‌ی تاریخی و فعالیت‌های اجتماعی»، «از مشروطه تا نهضت اسلامی» و «نهضت اسلامی» می‌باشد. بخش دوم، به بررسی نقش و عملکرد مسجد سیدعزیزالله در نهضت اسلامی به رهبری حضرت امام می‌پردازد. بخش سوم نیز به بررسی جایگاه و نقش مسجد شیخ عبدالحسین (مسجد آذربایجانی‌ها) اختصاص دارد.

در پژوهش تاریخ شفاهی حاضر، نقش این سه مسجد مهم در جریان نهضت، بویژه دوره‌ی اول آن؛ از ۱۳۴۱ه ش تا ۱۳۴۳ه ش، در پرتو خاطرات شفاهی و اسناد و منابع مکتوب بررسی شده است.

Abstract

This work introduces the way of formation, structure and function of SUMKA.

The story of Dawood Monshizadeh's life as the leader of the party, the short history of formation of the party, its underlying ideology, its structure and organization, and its functions are among subjects covered in this work.

The National socialist workers party of Iran
(SUMKA)

By:
QolamReza Azizi

The Center for
Islamic Revolution Documents

March 2005

قیمت: ۵۷۰۰ تومان

این اثر به معرفی نحوه‌ی تشکیل، ساختار وعملکرد حزب سومکا (سوسیالیست ملی کارگران ایران) پرداخته است. زندگی نامه ی داوود منشی‌زاده به عنوان رهبرحزب، تاریخچه‌ی تشکیل حزب، مبانی فکری آن، ساختاروتشکیلات حزب و عملکرد آن ازجمله مباحث مطرح دراین اثراست.

انتشارات
مرکز اسناد انقلاب اسلامی

(۳۲۲)

اسناد - ۲۸

شابک: ۰ـ ۰۳۰ ـ ۴۱۹ ـ ۹۶۴
ISBN: 964-419-030-0